فریاد عدالت

مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی
استاد عبدالعلی مزاری

به کوشش: عبدالله غفاری لعلی

تاریخ/۷

انتشارات بنیاد اندیشه
۱۳۹۶

سرشناسه: غفاری لعلی، عبدالله.
عنوان و پدیدآورنده: فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)، به کوشش عبدالله غفاری لعلی.
مشخصات نشر: چاپ اول، کابل، انتشارات بنیاد اندیشه، زمستان ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: وزیری، ۴۵۴ صفحه
موضوع: تاریخ معاصر افغانستان
شابک: ۹-۱۵-۶۳۵-۹۹۳۶-۹۷۸

.....

فریاد عدالت
(مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)
گردآورنده: عبدالله غفاری لعلی
ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه
مجری طرح: حسین حیدربیگی
ویراستاران: علی پیام، حسین حیدربیگی، حفیظ شریعتی سحر
صفحه‌آرایی و طرح جلد: هادی مروج
چاپ و صحافی: کاج
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶، کابل
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰ افغانی
شابک: ۹-۱۵-۶۳۵-۹۹۳۶-۹۷۸
ISBN:978-9936-635-15-9
آدرس مرکز پخش: کابل، چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، انتشارات بنیاد اندیشه،
شماره تماس: ۰۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۷۰۰۲۰۰۵۱۹
کلیهٔ حقوق برای ناشر محفوظ است.

تقدیم به:

یاران و همراهان استاد شهید مزاری،

شهیدان راه عدالت‌خواهی،

پدر و مادر عزیزم که تجسم خوبی‌هایند،

برادرانم نعمت‌الله و عزیزالله که قربانی آرمان عدالت‌خواهی شدند،

همسر خوبم که اهل تفاهم و با مشکلات زندگی سازگار است،

فرزندان عزیزم که امیدهای آینده‌ام هستند،

و به همهٔ کسانی که به انسانیت، عدالت و برابری می‌اندیشند.

فهرست مطالب

یادداشت ناشر..... ۱
یادداشت گردآورنده ۳
پیشگفتار: شهید مزاری و طرح زندگی انسانی..... ۵

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران..... ۲۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی ۲۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی ۲۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی..... ۲۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی ۳۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری فرانسه..... ۳۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو تلویزیون ترکیه..... ۴۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با روزنامهٔ رسالت، چاپ تهران..... ۴۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جاپان..... ۴۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار روزنامهٔ کیهان ۵۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار روزنامهٔ سلام..... ۵۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران فرانسه ۵۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانسوی ۵۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران..... ۵۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی..... ۶۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران..... ۶۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با صدای آمریکا ۶۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار جاپانی..... ۶۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی..... ۶۶
مصاحبه‌ای از رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد عبدالعلی مزاری..... ۶۸
مصاحبهٔ استاد عبدالعلی مزاری با خبرنگاران خارجی ۷۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهور اسلامی ایران..... ۸۱
مصاحبهٔ دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، با آژانس خبری ایتالیا..... ۸۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی..... ۸۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار مجلهٔ میدل‌ایست..... ۸۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس..... ۹۱

مصاحبه استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی ۹۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی..... ۹۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۹۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با آسوشیتدپرس ۱۰۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی..... ۱۰۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی ۱۰۵
مصاحبهٔ دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان استاد مزاری با خبرنگاران خارجی..... ۱۰۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری رویترز و بی‌بی‌سی ۱۰۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با محمد معصوم..... ۱۱۲
مصاحبه با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران..... ۱۱۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با میرویس جلیل..... ۱۱۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی..... ۱۲۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی..... ۱۲۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس..... ۱۲۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون B.B.C, A.B.C و مجلهٔ تایم ۱۳۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون سوئیس..... ۱۳۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و تلویزیون آلمان..... ۱۳۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران روزنامهٔ ام.ال.فک فرانسه ۱۳۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی ۱۴۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار وحدت اسلامی ۱۴۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو تلویزیون پیام آزادی..... ۱۵۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی..... ۱۶۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با حامد علمی، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی..... ۱۶۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با روزنامهٔ دیلی‌تلگراف ۱۶۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی..... ۱۷۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو تلویزیون پیام آزادی ۱۷۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس ۱۹۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی..... ۱۹۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با سوزی پرایس، خبرنگار بی‌بی‌سی..... ۱۹۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس..... ۱۹۸
مصاحبهٔ استاد عبدالعلی مزاری با حامد علمی، خبرنگار بی‌بی‌سی..... ۲۰۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی، فرانس‌پرس و تلویزیون آلمان..... ۲۰۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار هفته‌نامهٔ کابل..... ۲۰۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و صدای امریکا..... ۲۱۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس..... ۲۱۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار سی.ان.ان امریکا..... ۲۲۰

متن مصاحبهٔ خبرنگاران روزنامهٔ هیواد ۲۲۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران روزنامه‌های هیواد، انیس و هفته‌نامهٔ مجاهد ۲۳۴
مصاحبهٔ اختصاصی استاد مزاری با صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ۲۴۴
مصاحبهٔ اختصاصی استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی ۲۴۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس ۲۴۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس ۲۵۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران مجلهٔ الوطن و رادیو فرانسه ۲۵۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو دری امریکا ۲۶۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی ۲۶۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی ۲۶۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون پیام‌آزادی ۲۶۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی ۲۸۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی، صدا و سیمای ایران و رادیو صدای امریکا ۲۸۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس ۲۹۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روزنامه سلام ۲۹۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی ۲۹۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با هفته‌نامهٔ کابل ۲۹۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران آسوشیتدپرس و صدای آمریکا ۳۰۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیوهای بی‌بی‌سی و دری، در لندن و مشهد ۳۰۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار ندای وحدت ۳۱۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی ۳۱۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس ۳۲۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی ۳۳۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با هفته‌نامهٔ سیاسی ـ خبری «حرم» ارگان نشراتی امور فرهنگی شمال حزب وحدت ۳۳۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی ۳۴۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی ۳۴۶
متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار آسوشیتدپرس ۳۴۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی ۳۵۱
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبر نگاران فرانسوی ۳۵۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدای آمریکا ۳۵۷
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی ۳۵۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی ۳۸۳
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار آلمانی ۳۸۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو هلند و بی‌بی‌سی ۳۸۸
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و رادیو صدای آمریکا ۳۹۰
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی ۳۹۲

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و ایتالیا..... ۳۹۵
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس..... ۳۹۷
متن مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو تلویزیون پیام آزادی ۳۹۹
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران ایرلندی ۴۰۵
متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیوتلویزیون پیام آزادی و خبرگزاری وحدت اسلامی..... ۴۰۹
متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی..... ۴۳۶
مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی..... ۴۴۲
مصاحبهٔ استاد مزاری با معصومه طرفه، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی ۴۴۴
مصاحبهٔ استاد مزاری با کسرا ناجی، خبرنگار بی‌بی‌سی ۴۴۶

یادداشت ناشر

خوشبختانه در طی یک دههٔ اخیر، صنعت چاپ و نشر کتاب در افغانستان رو به رشد بوده است؛ این بهبودی را هم می‌توان در نوع کتاب‌آرایی دید و هم در کیفیت چاپ، و این جایی بسی مباهات است؛ اما چیزی که این بازار را مغشوش ساخته است، عدم نظارت رسمی نسبت به کیفیت چاپ محصولات فکری و فرهنگی است؛ هر بنگاه نشراتی دیدگاه ارزشی ـ کیفی خاصی برای خودش تعریف کرده است. این مسأله اگرچند به نحوی سوار بر بال آزادی بیان است؛ اما پی‌آیندش گاه چاپ آثاری است که از نگاه کیفی، بافت ساختاری، زبان و قدرت محتوایی ضعیف به نظر می‌نماید.

انتشارات بنیاد اندیشه با توجه به این کم‌وکاستی‌ها، گام به میدان نشر گذاشته و سعی دارد، علاوه بر حمایت نیروهای پژوهشگر و فرهنگی و چاپ آثارشان، نگاه کیفی، از لحاظ فرم و محتوا نسبت به آثار پژوهشی و آفرینشی، داشته باشد.

از سوی دیگر، در دهه‌های پر شر و شور و گذشتهٔ تاریخی نابسامان این آب‌وخاک، آثار بسیاری در زمینه‌های تاریخ، ادبیات و مباحث فکری خلق شده و بار تحولات و درد و رنج این ملت را در سینه دارند، تحولات و رنج‌هایی که همزاد و دوشادوش انسان افغانستانی حرکت کرده و با قلم و فکر نسل‌های گذشته و امروز، میراث تلخ نسل‌های آینده شده‌اند؛ اما بسیاری از همین میراث خلق‌شده در دهه‌های گذشته در پستوها مانده‌اند که کم‌کم در غبار شتاب‌آلود زمانه گم می‌شوند؛ آثاری که نمی‌دانیم برای خلقش چه خون دل‌هایی خورده شده است و چه رنج‌هایی تحمل. انتشارات بنیاد اندیشه بر این است که نگاه ویژه‌ای نسبت به چاپ این‌گونه آثار داشته باشد و از اولویت‌های خودش تعریف کند. امید است که مورد قبول طبع خوانندگان و پژوهشگران افتد.

انتشارات بنیاد اندیشه

کابل، زمستان ۱۳۹۶ شمسی

یادداشت گردآورنده

مردان بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ ماندگار می‌شوند. شهید مزاری و فریادهای عدالت‌خواهی‌اش در تاریخ معاصر افغانستان و فراتر از آن برای همیشه جاودانه خواهد ماند. می‌توانیم به ابعاد مهمی از اندیشه‌ها و خواسته‌های اساسی شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری که در این مجموعه انعکاس یافته است، آشنا شویم.

تأمین عدالت‌اجتماعی در زمینه‌های مختلف، سهم‌گیری و مشارکت اقوام در تصمیم‌گیری‌های کشور، نفی انحصارطلبی و برتری‌خواهی، ایجاد فضای تحمل، تفاهم و هم‌دیگرپذیری، احساس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و جامعه، حمایت از حقوق ملیت‌های محروم، رعایت حقوق انسانی زنان و مشارکت آنان در همهٔ عرصه‌های حیات اجتماعی، تأکید بر همبستگی و وحدت ملی، برادری و برابری ملیت‌ها، آزادی مطبوعات و انتخابات عادلانه، ارج نهادن به اندیشمندان و روشنفکران، ارتقای سطح فرهنگ و دانایی مردم، توجه به واقعیت‌های عینی جامعهٔ افغانستان و نگریستن به آیندهٔ نسل جوان کشور از آرمان‌ها و آرزوهای مزاری بزرگ بود که تا پایان زندگی صادقانه و خستگی‌ناپذیر برای تحقق آن‌ها مبارزه کرد و خود در آخر نیز در این راه جانش را قربانی کرد.

میراثی که از شهید مزاری برای نسل‌های پس از او مانده است، نه سرمایه‌های مادی، بلکه اندیشه‌های او در قالب سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پیام‌هایی‌اند که به جامانده‌اند.

نگارنده از آغازین روزهای آشنایی با شهید مزاری در قبال حفظ این میراث ماندگار، وظیفهٔ خود می‌دانستم که آن‌ها را جمع‌آوری و تدوین کنم تا برای همیشه چراغ راه نسل‌های آینده باشند.

فریاد عدالت؛ مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری است که در

طول دو سال و ده ماه حضور شکوه‌مندانه‌اش در غرب کابل با رسانه‌های معتبر داخلی و خارجی انجام شده‌اند. این مجموعه اولین کتاب دربارهٔ شهید مزاری بود؛ که در زمان حیات شهید مزاری در بهار سال ۱۳۷۳ گردآوری و در ماه جدی همان سال توسط مؤسسهٔ فرهنگی، تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی در قم انتشار یافت و باتوجه به شرایط حساس آن وقت، مورد استقبال گستردهٔ اقشار مختلف مردم قرار گرفت و در زمان اندک نسخه‌های آن نایاب شد و ضرورت به چاپ مجدد پیدا کرد.

دومین چاپ این مجموعه با مقدمهٔ جدید و تفاوت جزئی در طرح جلد در اولین سالگرد شهادت رهبر شهید در حوت ۱۳۷۴ بازهم به تلاش مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی منتشر شد.

مجموعه‌ای که در دست دارید چاپ سوم است. اگرچه با تأخیر زیاد آمادهٔ چاپ شد؛ اما سعی گردآورنده این بود که تا این بخش مهم و ارزش‌مند از میراث جاودانهٔ شهید مزاری را با دسترسی به منابع اولیهٔ مورد نیاز، کامل‌تر کند و در صورت امکان تمام مصاحبه‌های مربوط به دو سال و ده ماه استاد شهید مزاری در زمان تحولات غرب کابل در یک مجلد تنظیم، چاپ و در دسترس پژوهش‌گران، نویسندگان و اقشار مختلف مردم قرار گیرد. این هدف با تلاش و پیگیری‌هایی همراه با یأس و امید دنبال شد و اکنون خوش‌حالم که این آرزو محقق و برآورده شده است.

چاپ‌های قبلی هفتاد مصاحبهٔ سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ را شامل می‌شدند و در این مجموعه تعدادی مصاحبه بر آن افزوده شده‌اند که مصاحبه‌های سال ۱۳۷۳ را نیز دربردارد و به ترتیب تاریخ آن‌ها، تنظیم شده‌اند.

از جلالت‌مآب محترم استاد سرور دانش، معاون دوم رئیس جمهور سپاس‌گزارم که در چاپ این کتاب عنایت ویژه داشتند. از برادر محترم محمد هدایت، مشاور رسانه‌ای معاونت دوم ریاست جمهوری سپاس‌گزارم که مقدمهٔ پرمحتوا بر این اثر نوشته است. هم‌چنین از کلیهٔ دوستان بنیاد اندیشه قدردانی می‌کنم که در آماده کردن این مجموعه تلاش شبانه‌روزی به خرج دادند.

و من‌الله التوفیق
عبدالله غفاری لعلی
۵ حوت ۱۳۹۶ - کابل

پیشگفتار

شهید مزاری و طرح زندگی انسانی

نشست یادبود از بیست‌وسومین سالگرد شهادت شهید مزاری را در حالی در این روزها در گوشه و کنار عالم برگزار می‌کنیم که هنوز آرمان‌ها و آرزوهای او هم‌چنان بر دوش نسل امروز سنگینی می‌کنند و تحقق نیافته‌اند. بیش از نسل امروز، اما میراث شهید مزاری بر دوش نسل هم‌دوره و مدعیان ادامهٔ راه او اکنون پس از سال‌ها جست‌وخیز سیاسی، بیشتر سنگینی می‌کند. شاید گوشه‌هایی از آرزوهای شهید مزاری تحقق یافته‌اند و امروز هزاره بودن نه جرم است و نه ننگ، ولی تعلق داشتن به این مردم هنوز با دشواری مواجه است و هر کسی که در این سرزمین، مظلوم زاده شده است، هنوز سهمش به چاشنی رنج و مصیبت آغشته است. این سخن که اهمیت شهید مزاری را در طرح گفتمان آینده‌نگرانه باید جستجو کرد، به‌جا و تفسیر درستی از شخصیت و آرمان‌ها و آرزوهای شهید مزاری است؛ اما شهید مزاری هم برای نسل دیروز شور ایجاد می‌کرد و هم برای نسل امروز جذاب است و هم برای نسل فردا حرف‌هایی بسیار دارد. از همین رو بازخوانی آرمان‌ها، طرح‌ها، عملکردها و در مجموع شخصیت شهید مزاری هنوز برای امروز ما یک ضرورت اساسی و بنیادین است.

از شهید مزاری تفسیرهای زیادی صورت گرفته است و تحریف نیز بسیار شده است. شاید از سوی دوستدارانش دربارهٔ شخصیت شهید مزاری مبالغه به حدی صورت گرفته است که تا مرز اسطوره پیش رفته است؛ اما تحریف‌هایی که از سوی مخالفان و رقبای دوران حیات شهید مزاری صورت گرفته است، تا مرز زیر پا گذاشتن اخلاق و جوانمردی در روایت واقعیت‌ها گام نهاده است.

خوشبختانه ما اکنون در زمانی زندگی می‌کنیم که هم گفته‌های بی‌واسطهٔ شهید مزاری را در دسترس داریم و هم یاران و همسنگرانی را که او را از نزدیک درک کرده‌اند.

بخشی از یادگاری‌های شهید مزاری سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های او است که اینک در دست ما است و می‌توانیم مکنونات قلبی شهید مزاری را به طور واضح از پشت کلمات ساده و بی‌آلایش

او بیرون افکنیم. مجموعه سخنرانی‌ها و گفتگوهای شهید مزاری روایت ساده و روشن از مناسبات سیاسی و اجتماعی دوران مقاومت غرب کابل است؛ که توسط شخص وی به قدری بی‌آلایش و بی‌تکلف بیان شده است؛ که در نوع خود بی‌نظیرند و ناب‌ترین روایت از وقایع و رخدادهایی‌اند که اکنون به گونه‌های مختلف به دست ما رسیده‌اند.

آن‌چه به عنوان ماحصل و عصارهٔ روایت‌های شهید مزاری می‌توان برای نسل امروز و فردا ارائه کرد، انسانی‌سازی سیاست و طرح زندگی انسانی است. شهید مزاری اگر از عدالت، حقوق اقلیت‌ها، برابری اقوام، رفع ستم و تبعیض و... بارها سخن گفت، تنها هدفش تأسیس و تأمین زندگی انسانی برای تمام مردم افغانستان بود. این هدف و آرمان بلند را می‌توان از لابه‌لای کلمات سادهٔ او فهم کرد و به دست آورد.

براساس مطالعهٔ مجموعه مصاحبه‌ها و گفتگوهای شهید مزاری با رسانه‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون، می‌توان به چند نکتهٔ مهم دست یافت که همگی به نحوی یک منظومهٔ فکری منسجم و یک زندگی انسانی را نوید می‌دهند.

دیالکتیک ایدئولوژی و واقعیت، تلاش برای رهایی از رنجنامهٔ تاریخ، طرح مکانیزم‌هایی برای زندگی انسانی، سه ضلع یک طرح‌واره‌اند که از مجموع گفته‌های او به دست می‌آیند. به خصوص مجموعهٔ مصاحبه‌های شهید مزاری که اینک برای نخستین بار در کابل از سوی بنیاد اندیشه منتشر می‌شود، در عین حال که روایت ناب از یک برههٔ حساس تاریخ کشور است، حاوی کلیدی‌ترین نکته‌های فکری شهید مزاری نیز هست.

دیالکتیک ایدئولوژی و واقعیت

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که گاهی دربارهٔ شهید مزاری و کیش شخصیتی او مطرح شده است و ممکن است برای نسل آینده پیش آید، این است که چگونه فردی با آن شور انقلابی و متأثر از اندیشه‌های اسلام رادیکال و اندیشه‌های شیعی متأثر از دکتر شریعتی در غرب‌کابل به فردی تبدیل شد که توانست همهٔ نیروهای موجود در جامعه را گرد خویش جمع کند؟ تا اکنون نیز این پرسش را گاهی برخی از رقبای شهید مزاری مغرضانه دامن می‌زنند که او در کابل و در زمان مقاومت غرب‌کابل کسانی را وارد حزب وحدت کرد که روزگاری رو در روی مجاهدین و از جمله شخص شهید مزاری و جریان متعلق به او یعنی سازمان نصر افغانستان می‌جنگیدند؟ آیا او از آرمان‌ها و باورهای ایدئولوژیک خویش واقعا دست شسته بود؟ این‌گونه پرسش‌ها برای

هرکسی و دربارهٔ هر شخصیت سیاسی ممکن است پیش بیاید.

پاسخ گفتن به این‌گونه پرسش‌های دامنه‌دار، بدون اشراف بر وضعیت و فضای زیستی شهید مزاری در مقاطع مختلف حیات سیاسی و فکری وی ممکن نیست. امری که متأسفانه علی‌رغم هیاهوهای بسیار در طی بیست‌وسه سال گذشته بدان پرداخته نشده است. شهید مزاری یکی از شخصیت‌های سیاسی در افغانستان است که بیشترین متن و اثر دربارهٔ او تولید شده است؛ ولی باید اذعان کرد که دربارهٔ زندگی و شناخت جزئی از شخصیت وی کار درخوری صورت نگرفته است.

شهید مزاری به عنوان یک شخصیت مذهبی و دینی در هنگامه‌ای ظهور کرد که افغانستان مورد اشغال و تجاوز شوروی سابق قرار گرفته بود. این تجاوز سبب شده بود که از هر گوشهٔ افغانستان گروه‌های مسلح و چریکی با نام‌ها و عناوین مختلف تبارز کنند. اتفاقا گفته شده است که اولین جرقهٔ قیام مسلحانه علیه حکومت محلی تحت سیطرهٔ کمونیست‌ها از زیست‌بوم شهید مزاری در شمال کشور شروع شد. البته پیش از شروع قیام مسلحانه و عمل انقلابی، اندیشه‌ها و باورهای ایدئولوژیک اسلامی در سراسر افغانستان رسوخ کرده بودند. سخنان رهبر شهید دربارهٔ اندیشه‌های شهید بلخی و روایت از آشنایی با شهید بلخی و پخش کتاب‌های متفکران مسلمان و انقلابی به خوبی نشان از نضج باورهای ایدئولوژیک در نزد شهید مزاری دارد.

گروه فکری‌ای که شهید مزاری بدان تعلق داشت تنها گروهی بود که بیش از آن‌که به فعالیت‌های سیاسی و نظامی تعلق خاطر داشته باشد، صبغهٔ فرهنگی و فکری داشت. سازمان نصر افغانستان بیش از هر گروه دیگر در آن زمان به کارهای فرهنگی و تقویت مبانی فکری اعضای خود تأکید داشت. محتوای کار فرهنگی و فکری این گروه را نیز کتاب‌ها، مقالات، جزوه‌ها و نوشته‌های متفکران مسلمانی چون اقبال لاهوری، مطهری، شریعتی و... تشکیل می‌داد. شهید مزاری در آن زمان از پیشگامان اصلی همین گروه بود و جوانان مستعد و با انگیزه را از هر گوشهٔ کشور در گروه خویش جمع کرده بود. از این جهت میان شهید مزاری و گروه فکری و فرهنگی با دیگر گروه‌های مشابه تفاوت‌های عمده وجود داشت.

شهید مزاری در این میان تنها شخصی بود که پیش از آن‌که مثل دیگران به شهرهایی چون نجف، مشهد و قم برود، شخصیت فکری و باورهای ایدئولوژیکش در افغانستان و در متن مردم محروم آن شکل گرفته بود. این مسأله در رشد کیش شخصیتی شهید مزاری بسیار اهمیت داشت و او را هم از دیگر مبارزان آن زمان که در گروه‌های دیگر تعلق داشتند و هم از همگنان درون‌گروهی خودش

متمایز می‌ساخت. این تمایز که برخاسته از تلفیق ایدئولوژی در ذهنیت و روان شهید مزاری بود، او را تا آخر از دیگر هم‌قطاران متفاوت به بار آورد و به عنوان یک شخصیت شاخص جا انداخت؛ زیرا باورهای ایدئولوژیک خیلی‌ها از لابه‌لای کتاب‌ها و به صورت انتزاعی شکل گرفته بود؛ اما شهید مزاری به عنوان یک انسان مسلمان نواندیش، وجودش با دردها و رنج‌های مردم عجین گشته بود و به صورت انضمامی با ضرورت تغییرات اساسی در جامعه آشنایی پیدا کرده بود. یکی از مهم‌ترین دلایلی که شهید مزاری در زندگی سیاسی خود موفق بود و توانست زیربنای یک هویت انسانی را برای مردم خویش به ارمغان بیاورد، همین انضمامی بودن ایدئال‌ها و باورهایش بود.

شهید مزاری در زمانه‌ای رشد کرد که اندیشه‌های چپ اما در شکل و شمایل اسلامی آن در میان روحانیت شیعه نفوذ کرده بود. منفذ اصلی تأثیر اندیشه‌های چپ، دکتر علی شریعتی بود که از دو طریق دانشجویان مسلمان و روحانیت جوان شیعه به نشر اندیشه‌های خود می‌پرداخت. از آن‌جا که شهید مزاری نیز یک روحانی و طلبه بود، از اندیشه‌های کسانی چون شریعتی و مطهری به شدت تأثیر پذیرفته بود. مطهری و شریعتی دو شخصیتی بود که زیربنای ایدئولوژیک حرکت‌های اسلامی با صبغهٔ شیعی را پی ریخته بودند. شهید مزاری در فضای زیستی ایدئولوژیک و انقلابی آن روزگار که استبداد داخلی و تجاوز خارجی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بود، حیات سیاسی خود را همراه با جمعی از همفکران خود شروع کرد. در چنین فضایی تنها صدایی که شنیده می‌شد، صدای ایدئولوژی و تئوری تشیع علوی در برابر تشیع صفوی بود. طبیعی بود که شهید مزاری نمی‌توانست از این دایره بیرون بماند و این موضوع را تماشاگر باشد که کاروان به کجا منزل می‌کند. موتور محرکهٔ همهٔ حرکت‌ها و جنبش‌های آن روزها ایدئولوژی اسلام رادیکال و سیاسی با رنگ و لعاب چپ بود. تمام این فرایند اما بیش از آن که مثل دیگر گروه‌ها و مبارزان آن روزگار در قالب فعالیت‌های صرفا سیاسی و نظامی باشد، در قالب فرهنگی و فکری صورت می‌گرفت.

شخصیت ایدئولوژیک شهید مزاری از آغاز تا سال‌های ۱۳۶۵ خورشیدی تداوم یافت و به پختگی رسیده بود که کم‌کم تقابل و جنگ‌های داخلی گروه‌های نظامی و سیاسی در هزارستان شروع شد. این منازعات داخلی که با تکیهٔ بیش از حد به خارج از کشور صورت می‌گرفت، آغاز دیگر در شکل‌گیری شخصیت شهید مزاری بود. او همراه با تعدادی از همفکران خود در سال‌های شصت‌وپنج و شصت‌وشش سفرهای سرنوشت‌سازی را در مناطق مرکزی هزارستان انجام داد. این سفرها که به منظور وحدت گروه‌های شیعی صورت گرفت، احتمالا باورهای ایدئولوژیک

و آرمان‌شهر بدون مرز را در درون شهید مزاری فروریخت و او را مصمم ساخت تا به نیروهای داخلی و داشته‌های خود متکی باشد. این مرحلهٔ نقطهٔ تضاد دیالکتیکی آرمان‌های ایدئولوژیک و واقعیت‌هایی بود که شخصیت شهید مزاری در درون این واقعیت‌ها شکل گرفته بود.

سفرهای شهید مزاری در هزارستان در آغاز نتیجهٔ چندانی نداشت؛ اما ضرورت‌های روزگار و واقعیت‌های زندگی سیاسی خود را بر همهٔ موانع چیره کرد و تضاد دیالکتیکی ایدئولوژی و واقعیت منجر به نتیجهٔ مهمی شد که آن حزب وحدت اسلامی افغانستان بود. حزب وحدت نتیجهٔ مثبت سال‌ها آرمان‌گرایی و تلاش در راستای تحقق کلان روایت‌هایی بود که از آغاز نیز ناممکن می‌نمود. نتیجهٔ منفی این آرمان‌گرایی‌ها کم نبود. شهید مزاری رنج‌ها و تلخی‌های آرمان‌گرایی‌های خود و همگنان خود را با چشم سر دیده بود و با گوشت، پوست و خون احساس کرده بود.

حزب وحدت در واقع یک گام نزدیک شدن به سمت واقعیت‌های موجود جامعهٔ آن روز افغانستان بود؛ اما هنوز فاکتورهایی در درون این حزب وجود داشت که گذر به واقعیت‌های عریان را با چالش مواجه می‌کرد. عامل بخشی از مشکلات و انشعاب‌های درونی این حزب از همین نکته ناشی می‌شد. حزب وحدت هنوز در چارچوب سیاسی حکومت اسلامی گیر کرده بود و اگر اساس‌نامهٔ حزب وحدت را نگاهی بیندازیم، هنوز اندیشه‌های اسلام رادیکال و سیاسی در آن به وضوح دیده می‌شود. براساس همین برداشت بود که شهید مزاری در یکی از گفتارهای خود اظهار داشت که: «ما در ابتدا باید اثبات کنیم که در افغانستان به‌عنوان یک کتلهٔ سیاسی و اجتماعی حضور داریم، آن گاه به دنبال آن برویم که مکانیزم حکومت افغانستان چگونه باید باشد؟» منظور شهید مزاری این بود که تا زمانی که دیگران اصلا قبول ندارد که در افغانستان یک کتلهٔ متمایز سیاسی هم حضور دارند، سخن گفتن از این‌که حکومت اسلامی باشد یا غیراسلامی، هنوز زود است.

وقتی حزب وحدت همزمان با دیگر گروه‌هایی از مجاهدین وارد کابل شد، شهید مزاری با دنیای دیگری مواجه گردید؛ دنیایی که در آن تنها واقعیت‌های تلخ و روزمرهٔ خود را نشان می‌داد و از باورهای ایدئولوژیک و انتزاعی خبری نبود. در کابل بود که شهید مزاری مرجع گروه‌های اجتماعی و سیاسی فراتر از چارچوب‌هایی که حزب وحدت تعیین کرده بود، گردید. در این برهه بسیاری از باورهایی که برخاسته از اسلام بدون مرز بود، فروریخت و عمل سیاسی و نظامی در متن حوادث از شهید مزاری چهرهٔ دیگری ساخت. در کابل مرزهای ایدئولوژیک به وضوح شکست و تقریبا تمام کسانی که روزگاری از آرمان‌شهر اسلامی سخن می‌گفتند، در میان جنگ و منازعه بر سر منافع

حزبی، گروهی، سمتی و نژادی غوطه‌ور بودند.

شهید مزاری وقتی به کابل آمد و نامرادی‌ها و نامردی‌های عالم سیاست را دید، دو راه بیشتر نداشت؛ یا باید می‌ماند و با همهٔ بدی‌ها و نامرادی‌های کابل می‌ساخت و یا میدان را خالی می‌کرد و می‌رفت، مثل خیلی‌ها در یکی از شهرهای آرام خارج از کشور به تسبیح و کشیدن سجاده مشغول می‌شد؛ اما او ماند و در کنار مردم و با کسانی که توانایی دفاع از مردم را داشتند.

شهید مزاری در کابل به دنبال مکانیزم‌های دیگر رفت. او از انتخابات، فدرالیسم، توافق و اجماع ملی بر سر مسائل کلان ملی و تصمیم احزاب سیاسی در مورد نوعیت نظام و چگونگی تدبیر امور سخن گفت. شهید مزاری همواره از انسانی شدن سیاست سخن می‌گفت و ارادهٔ مردم را یک اصل می‌دانست.

بدین ترتیب شهید مزاری کسی بود که با آرمان‌های ایدئولوژیک شروع کرد و سرنوشتش به آرمان‌های انسانی در زندگی‌اش ختم شد. آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی واقعیت‌هایی بودند که خود را بر افغانستان تحمیل کرده بودند.

شهید مزاری باتوجه به تجربیاتی که داشت به این نتیجه رسیده بود که تحقق عدالت‌اجتماعی در افغانستان بر هر گزارهٔ دیگری مقدم است. عدالت از نگاه شهید مزاری تنها ضامن به وجود آمدن یک زیست انسانی بود؛ اما عدالتی که شهید مزاری مطرح می‌کرد، نه به مثابهٔ یک مقولهٔ فلسفی و اخلاقی صرف، بلکه عدالت به مفهوم یک پدیدهٔ تاریخی و عینی در جامعه است که قابل تطبیق در جامعه‌ای مثل افغانستان را داشته باشد. از همین روی تمام همت خود را وقف این موضوع کرد که چگونه می‌توان عدالت را در این سرزمین حاکم کرد.

تلاش برای شکستن امتناع تاریخی عدالت

عدم تحقق عدالت‌اجتماعی و یا به عبارتی امتناع تاریخی عدالت در افغانستان تنها مسالهٔ روزگار شهید مزاری نبود. از روزی که این سرزمین به وجود آمده است و در جغرافیای واحد شکل گرفته است، عدالت مسألهٔ همیشگی آن بوده است. عدالت هم مسألهٔ دیروز ما بوده است و هم مسألهٔ فردای ما خواهد بود. نقطهٔ مقابل عدالت تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی است که تقریبا تاروپود زندگی تمام مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین وجوه شاخص شهید مزاری نسبت به دیگر رهبران و شخصیت‌های سیاسی افغانستان، تأکید وی بر تحقق عدالت‌اجتماعی بود. به گونه‌ای که اکنون مفهوم عدالت با نام شهید

مزاری در افغانستان گره خورده است و او به مثابهٔ بنیان‌گذار مطالبهٔ عدالت‌اجتماعی به حساب می‌آید.

اما دعوای شهید مزاری بر سر مفهوم عدالت نبود؛ بلکه دعوای او بر سر تحقق عدالت عینی در جامعه بود. شاید به لحاظ فلسفی و مفهومی نتوان معنای مورد توافق دربارهٔ عدالت به دست آورد؛ اما به لحاظ اجتماعی و در عینیت جامعه، بود و نبود عدالت به روشنی قابل فهم و درک است.

ساختار اجتماعی و عینی جامعهٔ ما به گونه‌ای است که فقدان عدالت در آن به بسیار روشنی دیده می‌شود و در هر جای این سرزمین می‌توان بی‌عدالتی را حس کرد و دید. شهید مزاری نیز از همین رهگذر به مسالهٔ عدالت نگاه می‌کرد و بیش از آن‌که به دنبال مفهوم عدالت و بنیادهای ذهنی دست نیافتنی آن باشد، به دنبال تحقق عینی آن در جامعه بود.

عدالت در افغانستان جز در لابه‌لای کتاب‌ها و احیانا در شعارهای گروه‌های سیاسی تازه متولد شده در جای دیگر یافت نمی‌شد. ساختار تاریخی و اجتماعی افغانستان به گونه‌ای ساخته شده است که نابرابری و تبعیض جزئی از آن است و به هیچ‌وجه عدالت در آن جایی ندارد. این ساختار زمخت و عاری از عدالت به قدری عریان و واقعی بود که هرگز کسی فکر نمی‌کرد که روزگاری حداقل باور رسمی به عدالت در آن شکل بگیرد. همهٔ زیرساخت‌ها و زیربناهای اجتماعی مخالف عدالت و برابری بود. شهید مزاری نیز باور نمی‌کرد که روزی بتواند حداقل عدالت را به عنوان یک شعار در این جامعه بقبولاند؛ اما دیری نپایید که او خود مجسمهٔ عدالت شد و تمام کسانی که از درد بی‌عدالتی شکایت داشتند در زیر چتر این دیوار بلند عدالت جمع شدند.

امروزه نام شهید مزاری با عدالت و عدالت‌خواهی یکسان شده است و دیگر هیچ کسی نمی‌تواند از عدالت سخن بگوید، بدون آن‌که نامی از مزاری بر زبان بیاورد. او اگرچه با مفاهیم انتزاعی بیگانه بود و آرمان‌هایش همیشه واقعی و عینی بود؛ ولی اکنون عدالت بخشی از آرمان‌های برحق نسل امروز و فردا خواهد بود. به همین خاطر او بنیان‌گذار عدالت در افغانستان نیز نامیده شده است.

شهید مزاری و رهایی از رنج‌نامهٔ تاریخ

رنج تاریخی چیزی است و اما گیرکردن در دام روایت رنج تاریخی چیزی دیگر است. در واقع بارگران تاریخ یا گیرکردن در دام روایت تاریخ، معلول مستقیم فاکت‌های تاریخی است. تاریخ مردمی که شهید مزاری به نحوی متعلق بدان بود، مملو از رنج و مصیبت بود؛ اما مهم‌تر و بدتر از سلسله رنج‌های تاریخی، رنجنامه‌ای بود که ما خود از تاریخ خویش ساخته بودیم و نمی‌توانستیم

از آن رهایی پیدا کنیم. بارگران تاریخ و روایت‌های تاریخی هنوز بر دوش نسل امروز ما سنگینی می‌کند و این سنگینی در زمان شهید مزاری معنا و مفهوم دیگری داشت و بسی سنگین‌تر از امروز بود.

هزاره‌ها در افغانستان پیش از آن که مسألهٔ قومیت اوج بگیرد، به نحوی مترادف با شیعه بوده است. به همین خاطر واقعیت این است که مصیبت‌خوانی بخشی از تاریخ هزاره‌ها است. این نوحه‌سرایی تنها به رویدادهای تلخ تاریخی و شکست‌های پی‌درپی هزاره‌ها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ایدئولوژی و باورهای مذهبی و آیینی هزاره‌ها نیز مملو از مراثی و نوحه‌هایی است که در رثای الگوهای مذهبی و پیشوایان دینی آنان و در آیین‌های خاص عاشورایی به صورت مداوم تکرار می‌شود. اگرچه شبیه‌سازی قضایای واقعی و مصیبت‌های تکرار شده در زندگی عینی هر انسان هزاره و شیعه به روایت‌های تاریخی به جا مانده از الگوهای تاریخی و مذهبی آنان سبب شده است تا تحمل این مصیبت‌ها کمی آسان‌تر و موجه‌تر به نظر آید؛ اما تکرار روزمرهٔ شکست و خوانش مرثیه‌های شکست‌های تاریخی و به یادآوردن آن‌ها توسط «ذاکران» نوعی «چیرگی» را بر هویت جمعی آنان تحمیل کرده است. نهادینه‌شدن چیرگی شکست‌های تاریخی و تحمل شداید و مصیبت‌های تاریخی هم در تجربهٔ تاریخی خود هزاره‌ها و هم در روایت‌هایی که از زندگی پیشوایان آنان به جا مانده است، هویتی برای آنان برساخته است که احساس شکست و حقارت بخش جدایی‌ناپذیری از آن است.

تن دادن به تحقیر تاریخ و توجیه شکست‌های تاریخی و دل‌خوش‌کردن به مراثی و روایت‌های حزن‌انگیز و آهنگ‌های مخته‌وار به سبک زنانه نتیجهٔ چیرگی هویتی است که از شکست به جا مانده است. احساس حقارت و کم آوردن و کم دیدن خویش در برابر دیگری جزئی از هویت هزاره‌ها شده بود. شعور جمعی هزاره‌ها پیش از ظهور شهید مزاری همواره همراه با احساس شکست و احساس حقارت در برابر دیگران بوده است. شکست‌های تاریخی و پیامدهای ناشی از آن شکست‌ها و توجیه مذهبی و تسهیل پذیرش آن شکست‌ها از طریق آیین‌های عاشورایی و روضه‌خوانی‌های مکرر در منابر و تکیه‌خانه‌ها، روح و روان جمعی ما را تحت تأثیر قرار داده بود و کسی نبود که این بارگران را برای همیشه بر زمین بگذارد و ققنوس‌وار از زیر خاکستر تاریخ غمبار گذشته برخیزد؛ اما شهید مزاری همان کسی بود که در تاریخ هزاره‌ها از زیر خاکستر تاریخ برخاست و به پرواز در آمد و اسطوره‌های شکست و شکست‌ناپذیری را تفسیر دوباره کرد.

تلاش شهید مزاری برای رهایی از رنج‌نامهٔ تاریخ بسی مهم‌تر از تلاش‌هایش برای بیرون رفتن

از رویدادهای واقعی مصیبت است؛ چرا که او شاید نتوانست برای ختم رویدادهای مصیبت‌بار و مسلسل، راه چارهٔ ابدی بیابد؛ اما توانست روان جمعی ما را تا حدی از اسارت شکست‌های تاریخی برهاند. شهید مزاری وقتی می‌گفت: «ما می‌خواهیم که دیگر هزاره بودن جرم نباشد.» در پای آن می‌ایستاد و هر پیامدی را شخصا متقبل می‌شد.

شاید هنوز مناسبات اجتماعی و سیاسی در افغانستان به گونه‌ای نباشد که شهید مزاری می‌خواست؛ اما تفاوت‌های بسیاری به وجود آمده است. اکنون هیچ انسان هزاره‌ای از هزاره بودن خجالت نمی‌کشد و هیچ هزاره‌ای خود را با هویت‌های جعلی معرفی نمی‌کند. بخشی از عوامل مربوط به زمان و تاریخ است. اساسا تاریخ تبعیض و نگاه‌های نژادی و قومی گذشته است؛ اما بخشی از عوامل متعلق به تلاش‌هایی است که صورت گرفت و شهید مزاری در رأس آن‌ها بود. شهید مزاری نخستین کسی بود که برابری اقوام را مطرح کرد و برتری طلبی‌های قومی و نژادی را عملا با چالش مواجه کرد. چنین کاری در آن روزگار آسان نبود؛ اما او دست به اقداماتی زد که دیگران نیز البته به سختی به برابری تن دادند.

هویت به معنای خودیابی و تعریف خود در برابر دیگری است. چیرگی تاریخ و روایت مصیبت‌گونه از آن روزگار، سبب شده بود که بخشی از مردم افغانستان خود را در برابر دیگران فروتر و حقیرتر تعریف کند و به این فرودستی اجتماعی و سیاسی تن در دهند؛ ولی شهید مزاری توانست قاعدهٔ ساختگی فرادستی و فرودستی ساکنان این سرزمین را بر هم بزند.

شهید مزاری همان‌گونه که توانست چیرگی تاریخ از هویت‌بخشی از مردم فراموش‌شده بزداید، هم‌چنین توانست لایه‌های هویت هژمونیک‌شده را نیز از روی نام دیگران بزداید. کم نبود هویت‌هایی که در سایهٔ دیگر هویت‌های برملاشده خود را پنهان می‌کرد. کتمان هویت روی دیگر سکهٔ چیرگی تاریخ بود. کتله‌های زیادی در این سرزمین یا سر در زیر برف فروبرده بودند و رنج‌نامهٔ تاریخ غمبار خود را نوحه‌سرایی می‌کردند و یا خود را به نام دیگری فرا می‌خواندند، تا شاید زنده بمانند. بدین ترتیب به مرور زمان هویت اصلی خود را فراموش می‌کردند.

در این راستا بخش‌های زیادی از هزاره‌ها خود را به نام‌های دیگر می‌خواندند و بخش‌های زیادی دیگر اصلا راضی نبودند که به هیچ نامی خوانده شوند. بدین ترتیب هویت مذهبی بر هویت اصلی آن‌ها چیره شد. شهید مزاری نخستین کسی بود که به دنبال هویت‌های گم‌شده برآمد. او برای نخستین بار به صورت علنی و روشن از هزاره‌های اسماعیلی و سنی سخن گفت. او عامل اولین

جنگ‌های شورای‌نظار و حزب وحدت را به خاطر حمایت حزب وحدت از سید منصور نادری به خاطر هزاره بودنش می‌دانست و چندین بار در مصاحبه‌هایش از آن یاد کرد.

او نخستین کسی بود که به دنبال هزاره‌های سنی در بادغیس، غور و مناطقی از شمال کشور گشت و آن‌ها را با تاریخ و گذشته‌شان آشنا کرد. امروزه هویت‌یابی و خودیابی در این بخش‌های کشور رشد کرده است و رواج یافته است. بدون شک چنین حرکت‌هایی محصول تلاش‌ها و آینده‌نگری‌های شهید مزاری بود.

شهید مزاری اما تنها به دنبال احیای هویت‌های فراموش‌شده نبود؛ بلکه به دنبال تشکیل یک هویت کلان و ملی نیز بود. این آرزو تنها با ادغام اجتماعی و همبستگی ملی امکان‌پذیر بود. امری که جانش را برای آن داد و تا آخر روزهای حیات سیاسی خود و در تلخ‌ترین لحظات عمرش جنگ را راه‌حل نمی‌دانست و دشمنی میان اقوام را فاجعه می‌دانست.

شهید مزاری و طرح‌هایی برای زندگی انسانی

شهید مزاری در راستای انسانی‌سازی سیاست و برابری تنها شعار نمی‌داد؛ بلکه در این راستا گام‌های بلند برداشت و برای تحقق این امر هزینه‌های سنگین نیز پرداخت. او علاوه‌بر اقدامات عملی در راستای وحدت و برادری و وادار کردن دیگران به تفکر انسانی، طرح‌هایی را نیز به میدان آورد که حتی امروز نیز در حوزهٔ عمومی قابل ارائه و بحث است و طرفداران و مخالفان خود را دارد. در مجموع او به مناسبت‌ها و زمان‌های خاص به طرح برخی از مکانیزم‌های سیاسی پرداخت که آن‌ها را از لابه‌لای کتاب‌های فلسفی به دست نیاورده بود؛ بلکه او عملا و به لحاظ تجربی بدان‌ها رسیده بود. مکانیزم‌هایی چون فدرالیسم، نظام متمرکز مبتنی بر انتخابات، نظام مبتنی بر توافق و مشارکت اقوام و نظام مبتنی بر مشارکت و توافق احزاب سیاسی بخشی از طرح‌هایی هستند که شهید مزاری در زمان‌های مختلف آن‌ها را مطرح کرده بود. همهٔ این مکانیزم‌ها گاهی به صورت طرح جامع و مکتوب و گاهی نیز در اظهارنظرهای شخصی شهید مزاری آمده‌اند. دال مرکزی در گفتمان شهید مزاری انسانی‌سازی سیاست و تحقق عدالت‌اجتماعی و در نهایت طرح زندگی انسانی بود. او وقتی از فدرالیسم و یا هر طرح دیگر سخن می‌گفت، تنها به دنبال گم‌شدهٔ مردم افغانستان یعنی برابری و عدالت بود. این‌که شهید مزاری گاهی از فدرالیسم عبور کرده است و مکانیزم‌های دیگری مطرح کرده است، نشان دهندهٔ این است که او از مطرح کردن این فورم‌ها به دنبال محتوا و راهکارهایی برای عدالت بوده است.

الف. پیشنهاد نظام فدرالی

یکی از مهم‌ترین ایده‌های شهید مزاری برای حل بحران افغانستان در زمان خودش طرح فدرالی ساختن نظام بود. شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۷۱ پس از ورود به کابل و مشاهدهٔ وضعیت نابسامان آن زمان گفته بود: «ما تنها راه‌حل مشکلات افغانستان را تشکیل یک حکومت فدرالی در این سرزمین می‌دانیم و معتقدیم که بدون ایجاد یک ساختار فدرالی که تأمین‌کنندهٔ خواست‌ها و اهداف کلیهٔ اقوام، مذاهب و گرایش‌های سیاسی است، بحران افغانستان حل نخواهد شد. چون در افغانستان فعلی هیچ مرکزیتی وجود ندارد و کشور به حوزه‌های اقتدار محلی تبدیل گردیده است . در سیستم فدرالی حقوق ملیت‌ها بهتر تأمین خواهد شد و وحدت ملی نیز به صورت اصولی تحقق خواهد یافت.» [۱]

در درون حزب وحدت روی این طرح بحث‌های نسبتا مفصل صورت گرفته بود و در آن زمان که سیستم واحد سیاسی وجود نداشت و هر گوشهٔ افغانستان در سیطرهٔ یکی از گروه‌های جهادی و یا حکومت آن زمان قرار داشت. براساس ایدهٔ شهید مزاری حتی طرح مکتوبی نیز از سوی حزب وحدت ارائه و منتشر شد که به تازگی نیز از سوی برخی از هموطنان ما که هیچ تعلق خاطری به حزب وحدت و شهید مزاری ندارند، منتشر شده است. در آن زمان کسی از طرح شهید مزاری برای تحقق یک نظام فدرالی حمایت نکرد. تنها حزب جنبش بدان تمایل نشان داد؛ ولی آن‌هم به جایی نرسید. فدرالیسم در ذات خود یک مکانیزم مفید برای کشورهایی است که دارای اقلیت‌های قومی و فرهنگی مختلف‌اند.

شهید مزاری طرح فدرالیسم را به دو دلیل عمده مطرح کرد: یکی احتمال تجزیهٔ افغانستان به دلیل عمق بحران سیاسی به خاطر مداخله‌های کشورهای مختلف و همسایه و دیگری به دلیل فقدان مرکزیت واحد و انارشیسم مطلق. در آن مرحله ترس از تجزیهٔ کشور جدی بود. به همین خاطر در آن زمان تصور بر این بود که طرح فدرالی شدن نظام می‌تواند از تجزیهٔ کشور جلوگیری کند. هم‌چنین گمان برده می‌شد که با فدرالی شدن نظام عدالت تا حدودی تأمین می‌شود و حقوق اقلیت‌ها و کتله‌های سیاسی و قومی تضییع نمی‌شود.

به نظر می‌رسد در زمان شهید مزاری که کتله‌های سیاسی و قومی هرکدام در یکی از گوشه‌های افغانستان صاحب اقتدار و مسلط بودند، طرح فدرالی شدن نظام هم معقول بود؛ ولی اکنون که ما

۱. احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید)، ص ۷۱، سخنرانی در خزان سال ۱۳۷۱ در کابل.

دارای یک قانون اساسی مدرن و مترقی هستیم و بر اساس همین قانون اساسی دارای حکومت مبتنی بر قانون و یک سیستم مرکزی هستیم، امکان تحقق فدرالی شدن آن کمتر است. به خصوص این‌که اکنون بعد از سال‌ها اختلاط قومی و نژادی و مختلط بودن شهرهای بزرگ افغانستان از نظر تکثر قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، امکان تحقق فدرالیسم را کمتر کرده است. طرح نظام فدرالی از سوی شهید مزاری بدین منظور بود که حقوق و امتیازات اقوام و اقلیت‌ها در سایهٔ سیستم فدرالی بهتر تأمین می‌گردد؛ اما امروزه شهرهای بزرگ و پرنفوس افغانستان چنان از لحاظ قومی و فرهنگی درهم تنیده شده‌اند که دیگر امکان جدایی آن‌ها نیست و با هیچ معیاری نمی‌توان آن‌ها را از هم‌دیگر جدا کرد.

ب. نظام مبتنی بر توافق و مشارکت احزاب سیاسی

جایگاه اقوام و رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌ها از دغدغه‌های اصلی و همیشگی شهید مزاری بود. او باور داشت که قدرت تا کنون در دست عده‌ای خاص متمرکز بوده است و اینان دیگران را به بردگی کشانده‌اند. اساسا از نگاه شهید مزاری مناسبات قدرت به اقوام ربط ندارد؛ بلکه صاحبان اقتدار هستند که سرنوشت همهٔ اقوم را کمابیش یکسان به گروگان گرفته‌اند. از همین روی او روایت رسمی از تاریخ را به صراحت به چالش کشید. شهید مزاری در یکی از مصاحبه‌های خود در آغاز ورود به کابل گفته است: «ما هر طرحی را که رهبران توافق کردند، قبول کردیم و هر طرحی که به صلح، امنیت و آرامش دایمی مردم بینجامد، آن را قبول داریم. طرح ما این است که نیروهای جهادی که چهارده سال جهاد و فداکاری کردند، منسجم شوند، اقدام کنند و سرنوشت آیندهٔ خود و این ملت را به نفع ملت تعیین کنند...»[۱]

بدون تردید در این مکانیزم نگرانی اصلی شهید مزاری از عدم حضور اقوام و اقلیت‌ها در ساختار اداری نظام است؛ چون احزاب و جناح‌های سیاسی در کشوری مثل افغانستان هنوز پایگاه‌ها و خاستگاه‌های قومی و فرهنگی و سمتی دارند وگرنه مکانیزم توافق کتله‌های سیاسی در دنیایی که دموکراسی فراگیر شده است و تنها مکانیزم قابل قبول نظام انتخاباتی است، بنیاد منطقی و عقلانی ندارد.

اگرچه در کشوری مثل افغانستان این مکانیزم همواره می‌تواند یک گزینهٔ مهم و کارا باشد. چنان‌که یک نمونه از آن را در جنجال‌های انتخاباتی اخیر ریاست جمهوری دیدیم و سرانجام این

۱. فریاد عدالت، ص ۱۵۹.

جنجال‌ها به توافق جناح‌های سیاسی و تیم‌های انتخاباتی منجر گردید. توافق‌نامهٔ حکومت وحدت ملی میان دو تیم انتخاباتی به نحوی بیانگر توافق و اجماع کتله‌های سیاسی مهم و تأثیرگذار بر سر تقسیم قدرت است. اصلِ به وجود آمدن حکومت جدید بر مبنای قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری در دور دوم بود؛ ولی توافق‌نامهٔ حکومت وحدت ملی نوعی حکومت توافقی را در اذهان تداعی می‌کند.

شهید مزاری هم‌چنین در سال ۱۳۷۲ در دومین سال حضورش در غرب کابل و مقاومت در پاسخ به پرسش خبرنگار هفته‌نامهٔ کابل مبنی بر موضع حزب وحدت در برابر حکومت وقت، می‌گوید: «... برای آیندهٔ افغانستان یک مرجع قانونی باید به وجود آید و حزب وحدت از آن مرجع قانونی حمایت می‌کند و تا زمانی که انتخابات دایر نشده است، مرجع قانونی شورای قیادی احزاب است. همین رهبران و احزاب هستند که تصمیم می‌گیرند تا دولت تشکیل شود و باید به توافق آن‌ها باشد...» [۱]

چنان که در این فراز از گفته‌های شهید مزاری می‌بینیم، مکانیزم مبتنی بر مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی تنها یک راه چاره برای برون‌رفت از وضعیت اضطراری است و یک راه‌حل دایمی نیست. در کشوری که هنوز ساختارهای قانونی شکل نگرفته‌اند و ثبات سیاسی به وجود نیامده است، هرگونه قاعده‌مندی سیاسی غیرقابل تضمین است؛ اما اجماع و توافق بر سر هر مکانیزم سیاسی با هر معیاری از جمله با معیار توافق گروه‌های سیاسی تأثیرگذار و صاحب قدرت، قابل قبول می‌تواند باشد.

ج. نظام مبتنی بر مشارکت اقوام

شهید مزاری هم‌چنین گاهی در وضعیت‌های اضطراری خاص از مکانیزمی با مشارکت اقوام سخن گفته است: «ما حقوق همهٔ مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهاد می‌خواهیم... هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور، در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند.» [۲]

اگرچه این سخن رهبر شهید را الزاما به مفهوم یک مکانیزم سیاسی مجزا از دیگر مکانیزم‌ها نمی‌توان در نظر گرفت؛ زیرا حضور اقوام به تناسب شعاع وجودی‌شان در عرصه‌های تصمیم‌گیری

۱. منشور برادری. بنیاد رهبر شهید، بابه مزاری، چاپ اول ۱۳۷۹، ص۲۱۸.
۲. فریاد عدالت، به کوشش عبدالله غفاری، چاپ دوم، ص ۲۵.

و مدیریت کلان کشور حتی در نظام‌های انتخاباتی و عقلانی نیز کاملا قابل تصور است؛ اما زمانی که رهبر شهید این سخن را مطرح کرده است، در شرایطی بوده است که امکان حضور و سهم‌گیری اقوام از طریق مشارکت سیاسی به معنای متعارف آن یعنی از طریق انتخابات نبوده است؛ زیرا در آن زمان نه انتخاباتی وجود داشت و نه مکانیزم‌هایی برای برگزاری انتخابات. بلکه هدف شهید مزاری این بود که اقوام و نمایندگان آن‌ها بنشینند و بر سر یک اقتدار مشترک، البته تا زمان انتخابات آزاد و عادلانه، تصمیم بگیرند.

ج. نظام مبتنی بر انتخابات

هدف اصلی شهید مزاری از تمام مکانیزم‌ها و ارایهٔ پیشنهاد ساختارهای سیاسی مشخص در شرایط مختلف، تنها تأمین عدالت و مشارکت عمومی در سرنوشت‌شان است. بدون تردید این هدف تنها با نظام مبتنی بر انتخابات به وجود می‌آید. اتفاقا شهید مزاری هر سیستم و یا مکانیزمی را مطرح می‌کند، یادآور می‌شود که چنین مکانیزمی تنها تا زمان برگزاری یک انتخابات عادلانه و شفاف امکان‌پذیر است. مفهوم این یادآوری رهبر شهید این است که تمام مکانیزم‌های سیاسی تنها برای عبور از وضعیت اضطراری است. در غیر آن صورت آرمان اساسی و بنیادین رهبر شهید، نظام مبتنی بر انتخابات است.

شهید مزاری در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید: «... خواستهٔ ما یک انتخابات عادلانه و آزاد برای مردم افغانستان است که یک دولت قانونی بدون تبعیض از راه انتخابات به وجود آید... ملیت‌های مختلف در این کشور حضور دارند. ما می‌خواهیم همهٔ ملیت‌ها همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند در آیندهٔ این مملکت هم سهم داشته باشند.»[۱]

شهید مزاری بارها از انتخابات سخن گفته است. در تمام گفته‌های شهید مزاری انتخابات آخرین گزینه و راه‌حل نهایی بحران افغانستان قلمداد شده است. هرگونه مکانیزم دیگر تنها در وضعیت اضطراری قابل ارائه بوده است؛ اما هدف و راه‌حل دایمی انتخابات دانسته شده است؛ به‌خصوص در مصاحبه‌های شهید مزاری انتخابات و مشارکت اقوام و تأمین حقوق اقلیت‌ها راه‌حل‌های نهایی دانسته شده است.

شهید مزاری؛ خوانش متن در زمینه

شهید مزاری متنی از تاریخ این سرزمین است که باید آن را در زمینه‌اش قرائت کرد و هر متن را

۱. احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید) به کوشش محمد جاوید، ص ۳۳۶ / سخنرانی در دانشگاه کابل.

باید در ارتباط با محیط آن یعنی جامعه، فرهنگ و مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن به خوانش گرفت. وقتی با مجموعه‌ای از گفتارهای شهید مزاری مواجه می‌شویم، به خوبی می‌توانیم حدس بزنیم که نوع تعاملات در زمان شهید مزاری چگونه بوده است. فضای منازعه و آشوب از گفتارهای شهید مزاری به خوبی استنباط می‌گردد؛ اما او چون به دنبال زندگی انسانی است، هر بار که خبرنگاری از جنگ و مواضع او می‌پرسد، تأکید می‌کند که جنگ راه‌حل نیست. این جملهٔ شهید مزاری در تمام گفتارهایش به عنوان یک ترجیع‌بند تکرار می‌شود.

از سوی دیگر در گفتارهای شهید مزاری صداقت، تعهد، سادگی و صراحت موج می‌زند. از همین‌رو گفتارها و روایت‌های شهید مزاری از وقایع و رخدادهای زمان خودش، یگانه و بی‌سابقه‌اند. او به راحتی همهٔ آن‌چه را احساس می‌کند که جریان دارد، بیان می‌کند و بدون هیچ تکلفی حتی در بسیاری از نیت‌مندی‌های زمان خودش پرده بر می‌دارد؛ اما هرگز به کسی اتهام و افترا نمی‌بندد. واقعیت‌های تلخ را به صورت ساده و روشن بیان می‌کند، بدون آن‌که چیزی را از قلم بیندازد و یا بر روی حقیقتی خاک بپوشاند. همهٔ تلاش‌هایی که اکنون از سوی برخی از مخالفان شهید مزاری به عنوان نقد دربارهٔ او صورت می‌گیرد، ناشی از همین است که به نحوی خود را تبرئه کنند؛ ولی واقعیت آن است که روایت‌های شهید مزاری به عنوان حقایق تاریخ هرگز کمرنگ و یا فراموش نمی‌شوند. از همین‌رو مجموعه مصاحبه‌های شهید مزاری روایت منحصربه‌فرد از رخدادهای زمانه‌اش است. این مجموعه از این جهت نیز اهمیت دارد که دیدگاه‌های یک طرف قضیه را بیان می‌کند. طرفی که در واقع قربانی انحصارطلبی و تبعیض تاریخی است. شهید مزاری در این روایت بسیاری از شالوده‌های روایت رسمی و معمول را می‌شکند و ویران می‌کند. به همین خاطر به سادگی می‌گوید که ما تا کنون به اشتباه فکر می‌کردیم که تنها یک کتله در این سرزمین اهل ظلم و ستم است و بر دیگران ظلم کرده است، در حالی که این‌گونه نیست و هر کسی که در این سرزمین به قدرت می‌رسد، به انحصارطلبی و نفی دیگران می‌پردازد.

مجموعهٔ مصاحبه‌ها و گفتگوهای شهید مزاری سال‌ها پیش دو بار منتشر شد و بعد از آن به دلیل نایاب شدن دو باره نشر گردید؛ اما بار دیگر احساس می‌شود که این مجموعه در این سال‌های سخت و آلوده به رنگ‌های متفاوت به نشرش نیاز افتاده است؛ به ویژه این‌که گیردآورندهٔ آن، آقای عبدالله غفاری تمام مصاحبه‌های شهید مزاری را جمع‌آوری کرده است و بر مجموعهٔ قبلی افزوده است. اینک این مجموعه در کنار مجموعه سخنرانی‌های شهید مزاری که تحت عنوان احیای هویت

چندین بار منتشر شده است، روایت ناب از حوادث و وقایعی را می‌سازد که در نقطهٔ عطف تاریخ این سرزمین رخ داده‌اند. سال‌های دههٔ هفتاد خورشیدی برای افغانستان اگرچه تلخ و ناگوارند؛ اما پیچی‌اند در مسیر تاریخ که روند معمول را به سمت دیگر می‌برند و در آن تغییرات مهم و اساسی ایجاد می‌کنند. ازاین‌رو، شهید مزاری به گفتهٔ رئیس جمهور غنی کسی است که مسیر تاریخ را تغییر داده است.

او ضمن آن‌که از ضرورت ایجاد مناسبات عادلانه میان اقوام و کتله‌های سیاسی و اجتماعی در افغانستان سخن گفت، عملا نیز آن را بنیادگذاری کرد؛ زیرا عملا در برابر تمامت‌خواهی و انحصارطلبی ایستاد و فرهنگ مطالبهٔ حقوق شهروندی را به فرهنگ حقوق برابر تبدیل کرد.

اینک با فرارسیدن بیست‌وسومین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی و همزمان با برگزاری محفل رسمی سالیاد شهید وحدت ملی در ارگ ریاست جمهوری، بنیاد اندیشه براساس منویات استاد سرور دانش، مقام محترم معاونت دوم ریاست جمهوری و رئیس بنیاد اندیشه، سومین بازنشر مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی را با اضافات و مصاحبه‌های بیشتر در اختیار نسل جدید و پرسشگر قرار می‌دهد؛ تا بتواند زمینهٔ آشنایی عمیق‌تر و بیشتر نسل امروز را با اندیشه‌های شهید مزاری فراهم کند.

جا دارد از برادر محترم آقای عبدالله غفاری به خاطر تقبل زحمت و فراهم‌سازی مصاحبه‌های بیشتری از شهید مزاری، در این مجموعه قدردانی کنیم. هم‌چنین جا دارد از تمامی دست‌اندرکاران و همکارانی که در نشر این مجموعه سهم فعال گرفتند قدردانی کنیم؛ به‌خصوص از استاد حسین حیدربیگی که زحمت مدیریت نشر این مجموعه را در یک مدت بسیار کم به عهده گرفت. هم‌چنین از دوستان و همکاران بنیاد اندیشه هر یک علی پیام، دکتر حفیظ شریعتی(سحر)، قاسم عرفانی، هادی مروج و داوود ناظری قدردانی می‌کنیم که در فراهم‌سازی نشر این مجموعه سهم قابل ملاحظه‌ای گرفتند.

محمد هدایت
بنیاد اندیشه
کابل، ۹ حوت ۱۳۹۶

(۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

یک‌شنبه ۱۳۷۱/۲/۶

خبرنگار: آقای مزاری با سلام و عرض تبریک انقلاب اسلامی افغانستان، چند سؤال دارم: امروز ما در کابل شاهد پیروزی رزمندگان اسلام بودیم. چیزی که به چشم می‌خورد و خیلی جالب بود همکاری و خوشحالی مردم و مجاهدین افغانستان بود از یک‌سو، و از سوی دیگر چیزی که من حداقل می‌توانم بگویم انتظار داشتم همکاری همهٔ مجاهدان افغانستان وابسته به گروه‌های مختلف با همدیگر بود و تلاش‌شان برای حفظ امنیت، به طوری که مردم به خیابان‌ها و کوچه‌ها آمدند و با مجاهدان بودند، نظرتان در مورد این پیروزی و اوضاع فعلی کابل و تأثیر آن در سایر نقاط افغانستان چیست؟

استاد مزاری: بسم الله الرحمن الرحیم، این پیروزی را به مسلمانان جهان و مخصوصاً مسلمانانی که بعد از چهارده سال مبارزه و مقاومت، امروز پیروز شدند در پایتخت، این را برای همهٔ این‌ها تبریک می‌گویم. ارزیابی ما از مسأله این است که این رنج و مشقتی را که این مردم در طول چهارده سال کشیده بودند امروز خاتمه پیدا کرد، نتیجهٔ این مسأله هم همین شادی و استقبال مردم بود که از مجاهدین کردند و این مراسم استقبال و خوشی را راه انداختند و ما برای مردم خود پیام می‌دهیم که مطمئن باشند؛ امنیت‌شان اعم از مالی و جانی تأمین شده است و ظلم دیگر به آخر رسید و تمام شد و یک حکومت عدل اسلامی که تأمین‌کنندهٔ حقوق همهٔ ملیت‌های محروم در طول تاریخ افغانستان باشد، تشکیل خواهد شد و از طرف مجاهدین اعلام خواهد شد؛ از همهٔ جهات این مردم خاطرجمع باشند.

خبرنگار: استاد! فکر می‌کنید چند روز آینده اوضاع افغانستان چگونه خواهد بود و چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

استاد مزاری: ما اوضاع آینده را بسیار خوب می‌بینیم. براساس این‌که حرکت مجاهدین که

یک ماه قبل از شمال شروع شده و امروز در کابل خاتمه پیدا کرد، این حرکت همه‌شان دلیل بود بر این‌که مردم پیروزی مجاهدین را می‌خواستند، لذا از مجاهدین حمایت کردند. این قدرت به صورت دولت انتقال پیدا کرد و امروز هم در کابل که نقطهٔ آخر بود؛ این مسأله تحقق پیدا کرد و ما آیندهٔ روشن و درخشان را برای مردم پیش‌بینی می‌کنیم.

خبرنگار: استاد! چه موانعی را در راه چند روز آینده یا مسائل را پیش‌بینی می‌کنید؟

استاد مزاری: در رابطه با موانع البته زیاد است دخالت‌های بی‌جا از خارج است که تحمیل می‌شود و تنگ‌نظرانی از بعضی گروه‌ها است که در طول دوازده سال این مسأله را اعمال کرده‌اند، ولی مردم ما و مجاهدین قهرمان و قوماندان‌های دلیر کشور که در داخل اقدام به این کار کردند با درایت و ظرافتی که دارند این مشکلات را انشاءالله رفع می‌کنند و حقوق همهٔ مردم را در نظر می‌گیرند و حتی دخالت‌های خارج را هم قطع می‌کنند. به زودترین فرصت از خود مجاهدین از داخل یک حکومت دل‌خواه که تمام جوانب و مشکلات مردم را در نظر گرفته و امنیتش را تأمین کرده و حقوقش را در نظر گرفته به وجود می‌آید که خواستهٔ همین مردم است و مردم هم از این حکومت حمایت می‌کنند و هر حکومتی که از خارج بیاید مردم افغانستان ثابت کرده که نمی‌پذیرد. فقط مردمی که از سنگر برخاسته و جهاد را آغاز کردند و این پیروزی را به دست آوردند؛ حکومت مال این‌هاست و ملت هم از این‌ها حمایت می‌کند.

خبرنگار: استاد، به عنوان آخرین سؤال، شما به عنوان یکی از رهبران بزرگ حزب وحدت اسلامی چه پیامی به نیروهای حزب وحدت اسلامی که هم‌اکنون بخش زیادی از مناطق کابل را تحت کنترل دارند دارید با توجه به این‌که این نیروها با نیروهای احمدشاه مسعود هماهنگ هستند و با ایشان همکاری دارند چه پیامی به نیروهای خودتان در حزب وحدت اسلامی دارید؟

استاد مزاری: پیام ما به این رزمندگان این است که: همان طوری که کلید پیروزی را از مزار شروع کردند با هماهنگی، اتحاد و وحدت، حقوق همدیگر را در نظر گرفتند و آزادی را از آن‌جا شروع کردند و امروز، در کابل این آزادی تحقق پیدا کرد؛ پیام ما به عزیزان این است که با همین شکل وحدت و هماهنگی‌شان را حفظ کنند و با همین شکل برای ادارهٔ دولت و تأمین امنیت مردم، مال و جان مردم را در نظر بگیرند و همان طوری که در مزار مردم استقبال کرد و تا حالا آرامی است، این نمونه را در کابل پیاده بکنند تا به زودترین فرصت شورای انتقالی تشکیل شود و تشکیلات آینده درست شود. تعرض به مال و جان مردم و تعصبات بی‌جا به خرج ندهند. فقط

آن کسانی که برای اخلال دست بزنند جلو اخلال‌گران را بگیرند و برادری و هماهنگی در همان شورای عالی جهادی را که تشکیل داده از همان پیروی بکنند، این خواست ماست از این عزیزان، امید داریم که برادران هم رعایت بکنند.

خبرنگار: تشکر یک بار دیگر این پیروزی را به شما و بر مردم افغانستان تبریک می‌گویم.[۱]

۱. مجلهٔ حبل‌الله، شماره‌های ۹۲-۹۳-۹۴.

(۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی

حزب وحدت اسلامی عمده‌ترین حزب مجاهدین شیعه افغانستان است که از حمایت ایران برخوردار است. این حزب اعلام کرده تا زمانی که به اقلیت‌های قومی سهم بسزا از قدرت داده نشود به مخالفت خود با حکومت اسلامی جدید در کابل ادامه خواهد داد.

سودابه جوادی در بررسی موضع کنونی شیعیان افغانستان و حزب وحدت اسلامی چنین گزارش می‌دهد: از نظر بسیاری از شیعیان افغانستان، پیروزی مجاهدین در کابل کامل نشده است. هر چند که بعضی از گروه‌های شیعه در دولت اسلامی جدید شرکت دارند؛ ولی حزب وحدت اسلامی که به گفتهٔ وی بخش بزرگی از کابل و نیز ولایات مرکزی افغانستان را در اختیار دارد، از شرکت در آن خودداری می‌کند. بخش اعظم شیعیان افغانستان متعلق به جامعهٔ قومی هزاره‌اند و از دیرباز پشتون‌ها که اغلب سنی‌اند و ادارهٔ امور به دست آن‌ها بوده است به این اقلیت به دیدهٔ تحقیر نگاه می‌نگریسته است. شیعیان می‌گویند که در طول تاریخ افغانستان در صحنهٔ قدرت به آن‌ها نقشی داده نشده است و به نظر بسیاری از آن‌ها مقامات دولت جدید هم برای تغییر این وضعیت از خود کوشش زیادی نشان نمی‌دهد. کرس پاور خبرنگار بی‌بی‌سی که در کابل هست با آقای عبدالعلی مزاری سخنگوی حزب وحدت اسلامی گفتگویی داشت و از او پرسید که خواسته‌های حزب وحدت چیست؟ دولت تازهٔ افغانستان چه اقداماتی را برای جلب حمایت این حزب باید انجام دهد؟

استاد مزاری: حزب وحدت یک خواسته دارد و آن این‌که حقوق ملیت‌هایی که در افغانستان وجود دارند و در جهاد و مبارزه چهارده‌ساله سهم داشته این در حکومت فعلی در نظر گرفته شود و مردم تشیع که بیست‌وپنج درصد این جمعیت را تشکیل می‌دهد در همهٔ تصمیم‌گیری‌ها از جمله تشکیل دولت، شورای قیادی و شورای جهادی، این بیست‌وپنج درصد را باید برای‌شان سهم بدهند، باقی ملیت‌ها را هم به تناسب موجودیت ملی‌شان، در غیر آن صورت این حکومت برای

ما قابل قبول نیست.

خبرنگار بی‌بی‌سی از آقای عبدالعلی مزاری پرسید که حزب وحدت اسلامی موضع جهاد اسلامی در پیش گرفته بود آیا این موضع را اکنون کنار گذاشته و صرفاً برای حقوق اقلیت‌ها و سایر گروه‌های قومی تلاش می‌کند؟

استاد مزاری: «بله موقف حزب وحدت اسلامی در آن وقتی که حکومت دست‌نشانده بود و روس‌ها دخالت کرده بود؛ موقفش، موقف جهادی بود. جهاد می‌کرد تا روس‌ها از این‌جا بیرون رفت و دولت دست‌نشانده سرنگون شد؛ اما حال که حکومت در دست خود مردم است باید حقوق ملیت‌ها و اقشار مردم در نظر گرفته شود برای تعیین دولت».

آقای عبدالعلی مزاری هم‌چنین گفت: «حزب وحدت اسلامی خواستار به وجود آمدن یک سیستم فدرالی در افغانستان و شناسایی رسمی کلیهٔ گروه‌های قومی توسط دولت است؛ اما در حال حاضر تمام تلاش دولت اسلامی افغانستان ایجاد وحدت در میان نیروهای مختلف مجاهدین است تا امنیت را در کابل و سراسر کشور تضمین کند. کرس پاور خبرنگار بی‌بی‌سی از آقای عبدالعلی مزاری پرسید که آیا امکان دارد که افغان‌ها اختلافات قومی خود را نادیده بگیرند و صرفاً به عنوان مردم افغانستان در کنار همدیگر زندگی کنند؟»

استاد مزاری: «این‌که باید روی یک معیار باشد افغان‌ها با هم زندگی بکنند بله، هیچ‌کس نمی‌گوید با هم زندگی نمی‌کنیم همه می‌گوید با هم زندگی می‌کنیم؛ ولی در حکومتی که برای آیندهٔ ما تشکیل می‌شود و سرنوشت ما در گرو آن حکومت است همهٔ ما سهیم باشیم؛ یعنی خود ما این حکومت را تشکیل بدهیم طبق حقوق مساوی این را می‌خواهد؛ اما همین رقم که حکومت بکنند یک طبقه یا یک نژادی، این‌که عادلانه نیست چهارده سال مبارزه برای این نیست که از زیر ظلمی فرار بکنیم و به ظلم دیگر تسلیم شویم».

کرس پاور در خاتمه گفتگوی خود با سخنگوی حزب وحدت اسلامی به این موضوع اشاره می‌کند که نظریات این حزب باید به حساب آورده شود و تا زمانی که آن‌ها در دولت شرکت داده نشوند حمایت کامل ایران از دولت تازهٔ اسلامی افغانستان مورد تردید خواهد بود.[۱]

۱. مجلهٔ حبل‌الله، شماره‌های ۹۲-۹۳-۹۴.

(۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی

کابل خبرگزاری جمهوری اسلامی: عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی نسبت به انحصارطلبی و نادیده‌گرفتن حقوق برخی از گروه‌های جهادی توسط دولت موقت افغانستان هشدار داد، وی روز چهارشنبه در گفتگو با خبرنگار اعزامی خبرگزاری جمهوری اسلامی در کابل گفت: بی‌توجهی مسئولان دولت موقت نسبت به خواست‌های گروه‌هایی که چهارده سال بار سنگین جهاد را بر دوش کشیده‌اند ممکن است در آینده وضعیتی به وجود آورد که قابل کنترل نباشد.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افزود: ما خواهان رعایت حقوق مساوی برای تمامی گروه‌های جهادی در دولت آینده افغانستان هستیم، وی دربارهٔ نتایج گفتگوهایش با اعضای دولت موقت افغانستان گفت: مشکلات میان طرفین حل نشده و باتوجه به عملکرد مسئولان دولت موقت تصور بر این است که آنان درصدد تحمیل یک دیکتاتوری جدید در افغانستان هستند.

وی گفت متأسفانه به خواست‌های گروه‌هایی که در اتحاد شمال و در آزادی مزار شریف و استان‌های شرقی افغانستان نقش بسزایی داشتند توجه نشده و اگر این وضع ادامه پیدا کند آن‌ها ساکت نخواهند نشست.[۱]

---

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص۲۶۷.

(۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی

۱۳۷۱/۳/۳۱

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در جمع خبرنگاران خارجی به سؤالات آنان پاسخ گفت. با وجود این‌که این مصاحبه در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۳۱ انجام گرفته است؛ اما به لحاظ اهمیت مسائل مطرح‌شده قسمت‌هایی از آن را عیناً به نشر می‌سپاریم که ملاحظه می‌کنید:

خبرنگار بی‌بی‌سی: پیش‌بینی و نظر شما راجع به انتقال قدرت در بیست‌وهشت جون چیست؟

استاد مزاری: این مسأله مربوط به آقای ربانی و حضرت‌صاحب مجددی و شورای جهادی است و اگر توافق نکردند، مسألهٔ دیگری است. ما نیز هشت نفر نماینده در شورای جهادی داریم هر چه آن‌ها فیصله کردند، همان نظر ما است.

خبرنگار: چرا شما با شورای رهبری توافق‌نامه را امضاء نکردید و این کار را با آقای مجددی کردید؟

استاد مزاری: ما شورای رهبری را تا هنوز به رسمیت نمی‌شناسیم؛ چون وقتش نرسیده است شورای رهبری طبق توافق خود آقایان در پیشاور بعد از دو ماه رسمیت پیدا می‌کند.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: در زمینهٔ انتقال قدرت طبق گفتهٔ شما شورای جهادی باید تصمیم بگیرد، با توجه به این‌که شورای جهادی هم توسط آقای مجددی به مردم معرفی شده، آیا این شورا با انتقال قدرت موافقت خواهد کرد؟

استاد مزاری: شورای جهادی توسط آقای مجددی به وجود نیامده بلکه براساس توافق پاکستان به وجود آمده تا قدرت را از رژیم قبلی تحویل بگیرد و همهٔ تنظیم‌ها به جز حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی ـ اسلامی در آن عضویت داشته‌اند که ما نیز اخیراً نماینده‌های خود را فرستادیم. این شورا یک ارگان ثابتی است که هم قدرت را تحویل گرفته و هم تا انتخابات باقی می‌ماند. شورای جهادی تنها مرجعی است که همهٔ احزاب در آن حضور دارند و توسط خود اطراف قضیه، به وجود

آمده است. تنها رئیس آن فعلاً آقای مجددی است و همین شورا است که اکنون تصمیم می‌گیرد، انتقال قدرت باید صورت بگیرد یا نه.

خبرنگار: بعضی از رهبران تنظیم‌ها گفته‌اند که عضویت هشت نفر از حزب وحدت اسلامی و پنج نفر از جنبش شمال در شورای جهادی تنها تصمیم آقای مجددی و غیرقانونی است، نظر شما چیست؟

استاد مزاری: این حرف برادران بی‌انصافی و به منزلهٔ یک بام و دو هوا است. شورای جهادی در پاکستان تشکیل شد که ما عضو آن نبودیم. خود این برادران روی شورای جهادی توافق کردند. آقای مجددی را به عنوان رئیس این شورا انتخاب کردند. در آن‌جا وقتی که آقای مجددی سی‌وشش کرسی را بین آن‌ها تقسیم کرد، هیچ‌کس نگفت که این شورای جهادی غیرقانونی است و مجددی این صلاحیت را ندارد. ما تعجب می‌کنیم که با توجه به اعتبار تصمیم اکثریت در همهٔ دنیا و این‌که اکثریت قاطع شورای جهادی هیأت تعیین کردند و با ما مذاکره کردند و ما با هیأت شورای جهادی توافق کردیم و شورای جهادی با اکثریت این توافق‌نامه را مصوبه کردند و چون رئیس شورای جهادی حضرت‌صاحب بود طبیعی بود که این توافق‌نامه را حضرت مجددی امضاء کند، چگونه این‌ها به خود حق می‌دهند که این تصمیم را غیرقانونی بخوانند.

اگر تصدی وزارت‌خانه‌ها و امکانات این مملکت توسط این برادران قانونی است، از دیگران هم باید قانونی باشد، والی اگر بنا باشد هر تنظیمی که نظر خودش تأمین نشد موافقت‌نامه‌ها و مصوبات شورای جهادی را غیرقانونی بخواند ما نیز گفته می‌توانیم که همهٔ وزارت‌خانه‌هایی را که این‌ها گرفته‌اند غیرقانونی است، شورای قیادیش هم غیرقانونی است، وزارت دفاعش هم غیرقانونی است، وزارت داخله‌اش هم غیرقانونی است به هر مجوزی که آقایان رفتند وزارت‌خانه‌ها را گرفتند، به همان مجوز ما می‌گوییم که این فیصله قانونی است. به نظر ما این برخورد برادران غیرمسئولانه است.

خبرنگار بی‌بی‌سی: اگر نظر شما این باشد که شورای جهادی برای انتقال قدرت باید تصمیم بگیرد در این صورت آیا تشکیل لوی‌جرگه ضروری نیست؟

استاد مزاری: ما روی مسأله بحث نداریم، نمایندگان همهٔ احزاب در شورای جهادی هستند. این‌که آن‌ها خودشان تصمیم می‌گیرند یا پروسهٔ دیگری را دنبال می‌کنند به آن‌ها مربوط است نه به ما. البته نمایندگان ما نیز در آن‌جا حضور دارند.

بی‌بی‌سی: بعضی از مردم فکر می‌کنند که در صورت تصمیم شورای جهادی مبنی بر ابقای آقای مجددی در قدرت، این مسأله پایهٔ اساسی و قانونی ندارد، چون شورای جهادی دارای پایهٔ مردمی و همگانی نمی‌باشد. شما چه فکر می‌کنید؟

استاد مزاری: پایه‌های اساسی و مردمی برای یک حکومت وقتی به وجود می‌آید که انتخابات عمومی برگزار شود و مردم آزادانه سرنوشت خود را تعیین کرده قدرت سیاسی را به کسی و کسانی تحویل دهند، ولی شرایط فعلی کشور این مسأله را ایجاب نمی‌کند؛ زیرا اولاً مهاجرین هنوز برنگشته‌اند و ثانیاً امنیت همگانی در کشور برقرار نگردیده و حالت فعلی یک حالت اضطراری است و همان‌گونه که احزاب تا کنون توانسته‌اند شورای جهادی را برای تحویل قدرت تشکیل دهند، برای مدت چهار ماه دیگر نیز احزاب که نماینده‌های‌شان در شورای جهادی است می‌توانند در رابطه با اوضاع سیاسی تصمیم بگیرند. به هر شکل که پیش بیاید این دولت دولت منتخت مردم نیست دولت حالت اضطراری است. دولت مردمی وقتی به وجود می‌آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی دهند که در این صورت دولت پایهٔ مردمی پیدا می‌کند و قانونی است.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی: شما وزیر امنیت ملی و دو وزارت‌خانهٔ دیگر را معرفی کرده‌اید، اولاً وزرا کیانند؟ ثانیاً دو وزارت‌خانه دیگر کدامند؟

استاد مزاری: یکی از وزارت‌خانه‌ها امنیت ملی و دوتای دیگر وزارت صنایع و معادن و وزارت اعمار مجدد و انکشاف دهات است. برای وزارت امنیت ملی دگرجنرال خدادادخان را انتخاب کردیم و برای وزارت صنایع و معادن انجنیر یعقوب لعلی و برای وزارت اعمار مجدد هم داکتر عبدالواحد خان سرابی معرفی شده‌اند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: شغل قبلی وزرا چه بوده است؟

استاد مزاری: انجنیر لعلی در حکومت ظاهرخان وزیر فواید عامه و معادن و صنایع و مسئول پروژهٔ وادی هیرمند بود، اما در رژیم کمونیستی خانه‌نشین گردیده بود. عبدالواحد سرابی در زمان ظاهر وزیرمشاور و وزیر پلان و معاون صدراعظم بوده است. خدادادخان هم چندین پست فرماندهی در اردو داشته که اخیراً به علت مخالفت با نجیب از کار برکنار شده بود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: در صورت انتقال قدرت به آقای ربانی این دولت غیرقانونی می‌شود در این صورت این وزرا از کار برکنار خواهند شد یا ابقا می‌گردند؟

استاد مزاری: این مسأله به آینده و تصمیم شورای جهادی و آقای مجددی بستگی دارد ما فعلاً این دولت را قانونی می‌دانیم و این‌ها را معرفی کرده‌ایم در صورت کنار رفتن آقای مجددی بحث بعدی است.

بی‌بی‌سی: قرار است یک نیروی امنیتی جدید در کابل تشکیل شود و از همهٔ احزاب در آن نیرو معرفی شود نظر شما چیست؟

استاد مزاری: این فیصلهٔ شورای جهادی است ما تا وقتی که نماینده‌ای در آن نداشته باشیم، فیصله آن را قبول نداریم، در این رابطه باید شورای جهادی تصمیم بگیرد و بحث کند و نمایندگان ما نیز نظرات‌شان را ارائه کنند، پس از آن اگر توافق شد مورد قبول است.

بی‌بی‌سی: به نظر شما برای تأمین امنیت چه باید کرد؟

استاد مزاری: برای تأمین امنیت باید اول شورای جهادی که یک هیأت متشکل از همهٔ احزاب تعیین کند تا تمام وزارت‌خانه‌ها تخلیه شود و در اختیار دولت قرار بگیرد و بعد در رابطه با امنیت شورای جهادی فیصله کند که وزارت داخله و امنیت ملی با توافق و فیصلهٔ همهٔ احزاب امنیت را به وجود بیاورند هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند امنیت شهر کابل را تأمین کند و برای این کار نیرو تعیین نماید باید با توافق و فیصلهٔ همهٔ احزاب باشد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: رادیو تلویزیون در انحصار برخی از گروه‌ها است و شما از این مسأله ناراحت هستید آیا احزاب دیگر نیز با شما هم‌نظر هستند؟

استاد مزاری: بعد از این‌که این‌ها از پخش برنامهٔ مربوط به جلسهٔ معارفه اعضای شورای جهادی با نمایندگان حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی جلوگیری کردند. جلسهٔ شورای جهادی تشکیل شد و همهٔ احزاب در آن‌جا ناراحتی‌شان را از این مسأله اظهار کردند و شورای جهادی تصمیم گرفت که هیأتی را تعیین کند تا کنترل رادیو تلویزیون را در اختیار بگیرد که همهٔ احزاب در این هیأت نماینده دارد و فعلاً رادیو تلویزیون در انحصار هیچ گروهی نیست.

بی‌بی‌سی: آیا نمایندگان شما در شورای جهادی تقاضای آقای مجددی مبنی بر باقی‌ماندن در قدرت را خواهد پذیرفت؟

استاد مزاری: بستگی به فیصلهٔ شورای جهادی دارد هر تصمیمی را که شورای جهادی بگیرد، همان می‌شود نمایندگان ما جزئی از آن‌ها است و نظر خاصی ندارند.

خبرنگار رادیو دری: شما تنها مرجع تصمیم‌گیری شورای جهادی را می‌دانید پس نقش شورای

قیادی چه می‌شود؟

استاد مزاری: طبق فیصله و توافق خود آقایان در پیشاور تا وقتی که شورای جهادی باقی است و زمان شورای قیادی فرا نرسیده شورای قیادی رسمیت ندارد. لذا کل فیصله‌های آن‌ها غیرقانونی است. فیصله‌های آن‌ها در رابطه با ایجاد تغییرات در وزارت‌خانه‌ها نیز غیرقانونی و مردود است. در وزارت امنیت ملی ما هیچ گونه حذف و تغییر را قبول نداریم، مگر این‌که در زمان مناسب از طرف یک مرجع قانونی حدود کاری یک وزارت‌خانه مشخص گردد. فعلاً نه در وزارت دفاع نه در وزارت داخله و نه در وزارت امنیت ملی، ما فیصله‌های قبل از وقت آن‌ها را قبول نداریم و مردود و فاقد اعتبار قانونی می‌دانیم.

بی‌بی‌سی: بعد از موافقهٔ اکثریت شورای جهادی راجع به انتقال قدرت از مجددی به ربانی گویا شما قبول دارید؟

استاد مزاری: بله.

خبرنگار رادیو دری: در صورت انتقال قدرت به یک رئیس و ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان آیا نیروهای نظامی حزب وحدت اسلامی در اردو ادغام می‌شود یا ارتش خاص به وجود می‌آورید؟

استاد مزاری: در این زمینه نیز شورای جهادی باید تصمیم بگیرد که آیا این نیروها باید در یک اردوی اسلامی متشکل گردند و یا اردوی قبلی باقی بماند. هرچه شورای جهادی تصمیم بگیرد حزب وحدت اسلامی قبول دارد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: چشم‌انداز آیندهٔ افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد مزاری: ما آیندهٔ افغانستان را بسیار خوب می‌دانیم و مصمم هستیم که در افغانستان یک حکومت اسلامی منتخب به وجود بیاید تا صلح و ثبات و آرامش را در منطقه اعاده کرده و عدالت اجتماعی در کشور را تحقق بخشد و در این رابطه خوش‌بین هستیم.[۱]

۱. نشریهٔ وحدت اسلامی، پیش‌شمارهٔ ۱۳۷۱/۴/۴هـ.ش، ۲۳ ذیحجه ۱۴۱۲، چاپ کابل.

(۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی

پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۴/۱۹

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان امروز پنج‌شنبه طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران بی‌بی‌سی و خبرگزاری رویترز به سؤالات آنان پاسخ گفت. نشریه وحدت اسلامی، قسمتی از این مصاحبه را به نشر می‌سپارد که ملاحظه می‌نمایید:

خبرنگار رویترز: تقریباً دو هفته از به قدرت رسیدن آقای ربانی می‌گذرد به نظر شما چه تحولات پس از این جابه‌جایی صورت گرفته و آیا نسبت به وزرا آقای ربانی تصمیم می‌گیرند یا آقای فرید؟

استاد مزاری: هنوز از تحولات چیزی دیده نشده و آقای فرید نیز تازه به کابل آمده است. قبلاً آقای حکمتیار پافشاری داشت که وزرا را باید صدراعظم تعیین نماید. موضع آقای ربانی نیز این بود که تعیین و تغییر وزرا با رئیس‌جمهور است. هنوز هم این اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه از طرف شورای قیادی که ما در آن نیستیم ظاهراً کمیسیونی تشکیل شده که حدود وظایف هر یک از رئیس‌جمهور و صدراعظم را مشخص خواهد کرد.

رویترز: قبلاً فیصله شده بود که سه وزارت‌خانه به حزب وحدت اسلامی داده شود که یکی از آن‌ها وزارت امنیت ملی است. اما قسمی که معلوم می‌شود آقای ربانی موافق نیست که این وزارت‌خانه به حزب وحدت داده شود، نظر شما چیست؟

استاد مزاری: ما از یک راه قانونی با شورای جهادی که محل توافق همهٔ تنظیم‌ها بوده وارد مذاکره شدیم و روی این مسأله توافق کردیم و این فیصله را یک فیصلهٔ قانونی می‌دانیم و به هیچ وجه از آن نمی‌گذریم.

رویترز: در رابطه با تخلیهٔ مراکز دولتی در شهر کابل که از سوی دولت ربانی اعلام شده بود به نظر شما موفقانه بود؟

استاد مزاری: البته به آن شکلی که آن‌ها وارد شده بودند و می‌خواستند از طریق توسل به زور

این کار را به انجام رسانند طبیعی بود که موفق نبودند و این‌ها از دوازده منطقهٔ کابل یک منطقه را هم نتوانستند به صورت کامل تخلیه نمایند. ولی بعداً توافق شد که از همهٔ تنظیم‌ها نیروی مشترکی برای این کار تشکیل شود و مناطقی هم برای تجمع نیروهای نظامی تنظیم‌ها مشخص گردد که اگر در این زمینه همه توافق کنند امکان دارد موفق شود.

رویترز: آیا حزب وحدت اسلامی نماینده‌ای در این کمیسیون مشترک دارد؟ و آیا این حزب حاضر است تحت نظر این کمیسیون مشترک قرارگاهایش را تخلیه کند؟

استاد مزاری: نمایندهٔ ما نیز در این کمیسیون عضویت دارد و هرگاه دیگران همه تخلیه کنند حزب وحدت هم طرف‌دار این نیست که شهر در دست نیروهای نظامی باشد؛ ولی اگر دیگران تخلیه نکنند حزب وحدت نیز تخلیه نخواهد کرد.

خبرنگار بی‌بی‌سی: آقای مجددی بسیار تلاش داشت که حزب وحدت اسلامی به دولت بپیوندد در آن زمان موقف حزب شما بسیار قوی بود و نیروهای شما نیز قوی بودند؛ اما بعد از این‌که آقای ربانی آمد در همین دو هفته اخیر موقف شما تقویه شده یا ضعیف گردیده؟

استاد مزاری: تقویه و ضعف موقف ما مطرح نیست، حزب وحدت اسلامی در مناطقی که در کنترل داشته حالا هم هست و عقب‌نشینی نکرده و توافقی هم که با آقای مجددی کردیم از نظر ما به قوت خود باقی است و این‌ها هم تا به حال به ما ابلاغ نکرده‌اند که این توافقات را قبول نداریم. چون صلاحیت آقای ربانی هنوز مشخص نبوده، هیچ اقدامی نتوانسته انجام دهد. حال صدراعظم هم که آمده باید مشخص شود که صلاحیت آقای ربانی چه مقدار است و از صدراعظم تا چه حد است از این جهت هیچ‌گونه تغییر و تحولی تا حالا به وجود نیامده که روی موقف حزب بحث شود.

بی‌بی‌سی: اگر آن‌ها خواسته‌های شما را رد کردند، در آن صورت موقعیت شما چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما در موقعیت خود هستیم و امکان دارد در آن صورت در دولت شرکت نکنیم.

بی‌بی‌سی: شورای جهادی تاکنون جلسه‌ای نداشته است. به نظر شما در آینده این شورا می‌تواند نقشی داشته باشد؟

استاد مزاری: بله این فیصله هست که شورای جهادی تا وقتی که انتخابات دایر نشده و مجلس شورای اسلامی تشکیل نگردیده، به قوت خود باقی است و ممکن است توسعه هم پیدا کند.

بی‌بی‌سی: آیا از شما تقاضا شده که در شورای قیادی نماینده معرفی کنید؟ یا در این زمینه برای

شما حقی قایل نیستند؟

استاد مزاری: این مسأله در پاکستان فیصله شده بود که یک نفر از حزب وحدت اسلامی باید در شورای قیادی باشد. بعد از مذاکراتی که ما با شورای جهادی داشتیم نیز روی این مسأله توافق شد که یک نفر از ما در شورای قیادی باشد. منتها تشکیلات این شورا بعد از حضور نمایندهٔ ما باید از نو ساخته شود و رئیس و معاون و سخنگوی شورا از نو انتخاب شوند و این مسأله نیز در فیصله با شورای جهادی آمده است.

رویترز: به نظر شما اگر آقای ربانی از صلاحیت بیشتری برخوردار باشد، منافع حزب وحدت بهتر تأمین خواهد شد یا آقای فرید خواسته‌های شما را بهتر برآورده می‌کند؟

استاد مزاری: تشکیلات دولت موقت تشکیلات احزاب است. این مهم نیست که چه فردی در رأس دولت باشد، توافق‌ها، توافق‌های حزبی است. سه وزارت‌خانه، چهار وزارت‌خانه در اختیار یک حزب قرار می‌گیرد و وزیر آن وزارت‌خانه‌ها را خود آن حزب تعیین می‌کند. فقط اعلام و تشریفاتش ممکن است مربوط به رئیس‌جمهور باشد یا صدراعظم. تا وقتی که حکومت منتخب به وجود نیامده کسی نمی‌تواند در جامعه‌ای که احزاب مختلف در آن با قدرت حضور دارند به نفع یک جریان کار کند.

رویترز: سفیر جدید ایران به کابل آمده است آیا شما در ارتباط با آن‌ها تقاضا یا خواسته‌ای دارید که از شما پشتیبانی نمایند؟

استاد مزاری: این‌که نماینده‌ای از سوی یک دولت به افغانستان می‌آید یک امر طبیعی است. ما در این مورد نظر خاصی نداریم. سفیر پاکستان قبل آمده. از ایران جدیداً وارد شده و از جاهای دیگر نیز بعداً می‌آیند. این مسأله مربوط به روابط خارجی کشور و وزارت امور خارجه است، وقتی که کشوری دولت افغانستان را به رسمیت شناخت طبعاً سفیر هم می‌فرستد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی مجاهدین دولت موقت را به رسمیت شناخته و اکنون نیز سفیر خود را اعزام کرده است. این مسأله ارتباطی به ما ندارد نظر به روابط دو دولت است.

بی‌بی‌سی: آیا مطبوعات غرب در اشتباهند که ایرانی‌ها از شما حمایت مادی و معنوی می‌کنند. آیا این مسأله واقعیت دارد؟ ما نیز بعضی وقت‌ها در گزارش‌های خود نوشته‌ایم که حزب وحدت توسط ایران حمایت می‌شود، ممکن است ما نیز اشتباه کرده باشیم؟

استاد مزاری: این برداشت درستی نیست، حزب وحدت اسلامی تنها حزب جهادی بوده که

از داخل مملکت پا گرفته و تشکیلش در داخل بود، و مرکزیتش نیز در داخل کشور بوده در حالی که هیچ حزب جهادی دیگری تشکلاتش و مرکزیتش در داخل مملکت نبوده است اما با توجه به این‌که تمام احزاب در کشورهای مختلف دفتر نمایندگی داشته‌اند حزب وحدت اسلامی نیز این نمایندگی‌ها را در ایران، پاکستان، آلمان، اتریش، فرانسه و سایر جاها داشته است. نمایندگی گذاشتن به معنای این نیست که آن کشور از جریان خاصی حمایت می‌کند. در حالی که ما گروه‌های دیگری را هم می‌بینیم که از طرف خارجی‌ها حمایت می‌شده‌اند حتی در جنگی که با حزب وحدت اسلامی در کابل اتفاق افتاد ما تعدادی از نیروهای خارجی را که در جنگ علیه ما شرکت داشتند دستگیر کردیم. ولی ما به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم که در تصمیم‌گیری‌های ما در جنگ ما یا در صلح ما دخالت نمایند. ما یک جریان سیاسی هستیم که در بسیاری از کشورها از جمله ایران و پاکستان دفتر داشته‌ایم، چرا که در این کشورها مهاجر داشته‌ایم؛ اما علایق و پیوندهای فرهنگی و مذهبی که با ایران داریم این یک امر طبیعی است و هیچگاه به معنی این نیست که ما از آن‌جا حمایت می‌شویم و آن‌ها نیز از گروه خاصی حمایت می‌نمایند.

بی‌بی‌سی: آیا برای شما از ایران پول نمی‌آید؟

استاد مزاری: نه، ما از مردم خود کمک می‌گیریم. در طول چهارده سال جهاد هیچ‌کس ما را کمک نکرد و اگر کمک‌های دنیا هم آمد، برای ما ندادند ما تا حالا از کسی کمک نگرفته‌ایم و بعد از این هم نخواهیم گرفت.

بی‌بی‌سی: آیا ائتلاف یا ارتباط شما با نیروهای شما تضمین‌کنندهٔ حقوق شما است و اگر نه چه نیروی سیاسی ـ نظامی این حقوق را تضمین می‌کند؟

استاد مزاری: در این‌جا تنها حقوق، مطرح نیست که تضمین داشته باشیم یا نداشته باشیم. مردم افغانستان چهارده سال مبارزه کردند و همه هم در این مبارزه شریک بودند، ما حقوق همهٔ مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهاد می‌خواهیم و همهٔ مردم هم مسلح‌اند و این موضع قوی و نیروی نظامی خودشان تضمین‌کنندهٔ این مسأله است که تا توافق همهٔ ملیت‌ها گرفته نشود، یک دولت پایدار در افغانستان به وجود نمی‌آید تا بتواند حق کسی را ضایع کند. در این‌جا نیروی شمال یک نیروی منسجم و منظمی است و برای مردم خودش حق می‌خواهد. حزب وحدت اسلامی نیز یک نیروی منظم جهادی دارد و از یک‌چهارم مردم افغانستان نمایندگی می‌کند و حقوق آن‌ها را می‌طلبد، مردم غرب و هرات نیروی مسلح جهادی

دارد و امروز منطقهٔ خود را اداره می‌کند. همهٔ این مناطق که همهٔ مردمش مسلح است و هم در جهاد سهم داشته‌اند باید در نظر گرفته شوند و با توافق همه، یک دولت قوی، جامع و پایدار روی کار بیاید. این مسأله در دوران عبور و حاکمیت دولت موقت است. اما وقتی که انتخابات دایر می‌شود باز باید از کل نفوس افغانستان آمار گرفته شود و سرشماری شود و این سرشماری هم زیر نظر سازمان ملل صورت گیرد. آنگاه انتخابات زیر نظر سازمان ملل برگزار شود و هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند و این مربوط به یک ملیت خاصی نیست که تضمین داشته باشیم. ملیت‌های مختلف در این کشور وجود دارند. ما می‌خواهیم همهٔ ملیت‌ها همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند و در تکالیفی که در طول جهاد پیش آمده سهم داشتند، شهید دادند و آواره شدند؛ باید در آینده این مملکت هم سهم داشته باشند.

رویترز: آیا وزیر امنیت ملی تا به حال شروع به کار کرده است؟

استاد مزاری: چون وزارت‌خانه‌ها در دست احزاب بود و آن‌ها هنوز تخلیه نکرده‌اند و وزارت امنیت ملی نیز تاکنون تخلیه نشده، وزیر امنیت ملی کارش را در جای دیگر شروع کرده؛ ولی به وزارت‌خانه هنوز نرفته است.

رویترز: قرار فیصلهٔ شورای قیادی وزارت امنیت ملی منحل گردیده و تا به حال هم شورای قیادی به این تصمیم خود پافشاری می‌کند آیا این موضوع را به شما اطلاع نداده‌اند؟

استاد مزاری: شورای رهبری در وقتی وزارت امنیت دولتی را منحل کرده که خارج از صلاحیتش بوده قبل از زمانی که باید شورای رهبری دایر شود، دایر شده و به این کار مبادرت ورزیده که غیرقانونی است. و تا وقتی که همه در شورای رهبری نباشند کسی وزارت‌خانه‌ای را منحل نمی‌تواند. آقای مجددی هم که با شورای جهادی توافق کرده وزارت امنیت ملی را به اختیار حزب وحدت اسلامی گذاشته است این توافق‌نامه به قدرت خود باقی است.

رویترز: گفته می‌شود که در میدان‌شهر تصادماتی بین حزب وحدت اسلامی و احزاب دیگر صورت گرفته است آیا این گفته واقعیت دارد؟

استاد مزاری: در آن‌جا توطئه‌ای پیش آمد، هیأت رفته بود که مذاکره کند تا راه‌هایی که از طرف احزاب مسدود گردیده بود، باز شود. پس از مذاکره فیصله شد که هیچ‌کس جلوی تردد نیروهای دیگر را نگیرد و راه‌ها باز باشد، روز بعد که نیروهای حزب اسلامی براساس این توافق

وارد میدان‌شهر گردیدند، قوماندان‌های ما که از قرارگاه خود خارج می‌شدند از سوی عرب‌هایی که در بین نیروهای حزب اسلامی بودند، مورد حمله قرار گرفته و به شهادت رسیدند که از همین جا جنگ در گرفت.[۱]

۱ . نشریهٔ وحدت اسلامی، شمارهٔ دوم، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۴/۱۹، چاپ کابل.

(۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری فرانسه

پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۵/۱

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری فرانسه به سؤالات وی در رابطه با جنگ تحمیلی اخیر و مسائل جاری کشور پاسخ گفت.

وی ضمن برشمردن تجاوز مسلحانهٔ نیروهای سیاف به مناطق غیرنظامی دشت‌برچی، قلعهٔشاده، خوشحال‌خان مینه، افشار، کارته‌سه و... و میزان تلفات و خسارات مردم بی‌دفاع شهر، در پاسخ به این سؤال که چرا آقای سیاف با شما می‌جنگد؟ گفت: «این مسأله را از خود آقای سیاف بپرسید. ما همین طور نشسته‌ایم، یک دفعه آتش‌باری‌های اتحاد شروع می‌شود.»

استاد مزاری پس از بیان تلاش‌های وزیر دفاع و اعضای هیأت صلح در جهت برقراری و اجرای آتش‌بس و نقض مکرر آن از سوی طرف مقابل، در پاسخ به سؤال دیگری راجع به موضع شورای رهبری درباره این جنگ گفت: «به درخواست وزیر دفاع جلسه اضطراری شورای رهبری تشکیل شد و گزارش کار هیأت‌های صلح داده شد. همه این مسأله را تأکید کردند که هم جنگ را آن‌ها آغاز کرده و هم آتش‌بس را نقض کرده‌اند.»

استاد مزاری با اشاره به نقش مخرب عربستان سعودی در جهت ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌ای در افغانستان و این‌که اتحاد سیاف از عربستان دستور می‌گیرد. در پاسخ به سؤال دیگر خبرگزاری فرانسه گفت: «ما با سیاف هیچ‌گونه نزاعی نداریم، سیاف نه دولت است که ما از او حق خود را مطالبه کنیم و نه هم با او خصومت جناحی و گروهی داریم. او هم یک گروه سیاسی را رهبری می‌کند و ما نیز یک گروه جهادی هستیم، ولی این دومین بار است که آن‌ها بر سر ما حمله کرده‌اند.» حجت‌الاسلام مزاری در اخیر در پاسخ به این سؤال که شرایط شما در رابطه با تخلیهٔ مراکز شهر چیست؟ گفت: «با توجه به این‌که یک‌سوم ساکنان شهر کابل از مردم ما است و بیش از

صد منطقه، شهر هم اکنون در اختیار و کنترل حزب وحدت اسلامی است به نظر ما این طرح که از هر گروه صد نفر برای وزارت دفاع و صد نفر دیگر برای وزارت داخله در جهت تأمین امنیت داده شود، نه عادلانه است و نه هم امکان‌پذیر؛ زیرا اولاً مردم ما در شهر کابل بیشتر است و لذا امنیت بیشتر می‌خواهد و ثانیاً ما در این‌جا نیروی نظامی بیشتر و قوی‌تری داریم و باید متناسب با حضور نظامی خود در تأمین امنیت شهر حضور داشته باشیم. و از طرف دیگر جای‌گزین‌کردن یک نیروی هزار و پنج‌صد نفری به جای یک‌صد هزار نیروی مسلح یک چیز مسخره و غیر معقول است.»[۱]

۱. نشریهٔ وحدت اسلامی، شماره چهارم، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۵/۱ هـ.ش، برابر با ۲۲ محرم‌الحرام ۱۳۱۴ هـ.ق. چاپ کابل.

(۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو تلویزیون ترکیه

۷۱/۵/۱۵

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی ابتدا در پاسخ به این سؤال که هدف شما از جهاد چهارده‌ساله چه بود؟ ضمن برشمردن موارد متعدد تهاجمات سیاسی، فرهنگی و نظامی روس‌ها و تحمیل یک حکومت مارکسیستی در افغانستان، گفت: «در افغانستان یک حکومت کمونیستی مورد حمایت همه‌جانبه روسیه به وجود آمد که با تمامی موجودیت دینی و مذهبی و عنعنات اسلامی ما مخالف بود. ما جهاد را آغاز کردیم تا اولاً این حکومت ملحد را از بین ببریم و تجاوز روس‌ها را سرکوب کنیم و ثانیاً یک حکومت اسلامی که منافع همهٔ مردم ما را تأمین کرده و عدالت اجتماعی را تحقق بخشد و حقوق پایمال‌شده کلیهٔ ملیت‌های مظلوم و محروم جامعه را اعاده نماید، در افغانستان به وجود آوریم.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگری در رابطه با توافقات جنبش ملی ـ اسلامی با حزب وحدت اسلامی گفت:

«وقتی که حکومت کمونیستی در کابل حاکم بود و جنرال دوستم و جنرال نادری با حکومت به مخالفت برخاستند با حزب وحدت اسلامی تماس گرفتند که علیه آن حکومت قیام و برای سرنگونی آن اقدام می‌کنند و از حزب وحدت خواستار حمایت و همکاری شدند. ما نیز با آن‌ها صحبت کردیم که اگر شما تا آخر با مجاهدین همکاری کنید که کابل ساقط شود و یک حکومت اسلامی که حقوق همهٔ ملیت‌های محروم را احیا کند در افغانستان برقرار شود، ما از شما حمایت می‌کنیم. آن‌ها نیز قبول کردند و توافق شد. لذا در مزار مشترکاً جنگیدیم تا آن شهر آزاد گردید و در آن‌جا یک شورای نظامی تشکیل دادیم تا شهر را اداره نماید. بعد برای فتح کابل نیرو اعزام کردیم تا سرانجام کابل نیز سقوط کرد و مجاهدین به پیروزی رسیدند. اکنون نیز نیروهای آن‌ها در کابل حضور دارند کما این‌که سایر نیروهای مجاهدین و حزب وحدت اسلامی نیز هستند. استاد مزاری

در پاسخ به سؤال دیگری راجع به انگیزه‌ها و مسبب اصلی جنگ‌های تحمیلی اخیر در شهر کابل توضیحات مفصلی ارائه کرده و در بخشی از آن گفت: «در جنگ اول از طرف شورای جهادی که رئیس آن آقای مجددی صاحب بود هیأتی تعیین شد و ما مذاکره کردیم که در دولت شرکت کنیم و توافق به عمل آمد، قبل از آن‌که توافق ما عملی شود جنگ شروع شد. در این جنگ نیز وقتی که ما حاضر شدیم که در دولت شرکت کنیم و نمایندهٔ خود را در شورای قیادی فرستادیم و مسائل سیاسی هم رو به حل‌شدن می‌رفت، جنگ دوم شروع شد و...»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا این جنگ یک جنگ مذهبی است؟ گفت: «ما این جنگ را مذهبی نمی‌دانیم برای این‌که در این کشور تنها حزب وحدت اسلامی شیعه نیست. تنظیم‌های جهادی دیگری هم هستند که هم شیعه هستند و هم از برادران اهل سنت، اگر این جنگ مذهبی می‌بود می‌باید همهٔ شیعیان و سنیان در آن شرکت می‌کردند. در حالی که بسیاری از گروه‌های سنی و شیعیان دیگر در جنگ شرکت نداشتند، این جنگ صرفاً یک جنگ سیاسی، تنظیمی بود که در واقع از بیرون هدایت می‌گردید.»

حجت‌الاسلام استاد مزاری در پاسخ به سؤالی راجع به انتخابات و این‌که آیا زنان هم حق شرکت در انتخابات را خواهند داشت؟ گفت: «ما تنها راه حل مسألهٔ افغانستان را در انتخابات می‌دانیم. البته بعد از این‌که مهاجرین همه برگشتند و یک سرشماری دقیق از جمعیت افغانستان به عمل آید.»

ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همهٔ مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند، ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرف‌دار شرکت کلیهٔ مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر، جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم، این عادلانه نیست که مردان حق شرکت در انتخابات داشته باشند؛ ولی زنان از این حق مسلم انسانی ـ اسلامی‌شان محروم باشند، همه حق دارند که در انتخابات شرکت نمایند.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا شما با دولت موقت فعلی اختلافی دارید؟ گفت: «بله، این حکومتی است که در پاکستان تشکیل دادند و در آن‌جا نمایندهٔ ما حضور نداشت، ما با اصلش مخالف بودیم و اعتقاد داشتیم که همهٔ نیروهای جهادی می‌نشستند و این حکومت را با تفاهم تشکیل می‌دادند و هیچ لزومی هم نداشت که در پاکستان تشکیل شود، می‌آمدند در داخل افغانستان حکومت را تشکیل می‌دادند، فعلاً هم توافقی که با آقای مجددی

کردیم مبنی بر این‌که هشت نفر از حزب وحدت اسلامی در شورای جهادی و یک نفر در شورای قیادی باشند و سه وزارت‌خانه که یکی از آن‌ها وزارت امنیت ملی است متعلق به این حزب باشد، از سوی آقای ربانی زیر پا شده و ایشان این توافقات را نادیده می‌گیرد.»

استاد مزاری در اخیر مصاحبه در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار تلویزیون ترکیه مبنی بر این‌که شما از حکومت موجود چه می‌خواهید گفت: «از حکومت موجود چیزی جز احترام به همان توافقی که دولت قانونی و مقبول خود آقایان با ما کردند، نمی‌خواهیم؛ در آن زمان نماینده‌های همهٔ نیروهای جهادی در شورای جهادی بودند و اکثریت‌شان این مسأله را پذیرفتند و رئیس این شورا آقای مجددی آن را امضاء کرده حالا ما می‌خواهیم که همین تعهدنامه را دولت فعلی نیز رعایت کند و عمل نماید، ما چیز جدیدی نمی‌خواهیم.»[1]

۱. نشریهٔ وحدت اسلامی، شمارهٔ ششم، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۵/۱۵ هـ.ش، برابر با ۶ صفر ۱۴۱۳ هـ.ق، چاپ کابل.

(۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با روزنامهٔ رسالت، چاپ تهران

یک‌شنبه ۱۳۷۱/۶/۲۸

مقدمه

حزب وحدت اسلامی یکی از احزابی است که نقش عمده‌ای، در قبل و بعد از پیروزی جهاد چهارده‌سالهٔ مجاهدین، بر عهده داشته است. این تشکیلات که شامل مجموعهٔ احزاب متحدشدهٔ شیعه است، هم اکنون با حضور فعال در پایتخت افغانستان به پاسداری و حفاظت از دستاوردهای جهاد مردم مسلمان این کشور مشغول است.

مجموعهٔ احزاب شیعه روند مبارزاتی خود را از سال ۱۳۵۷ آغاز کردند که سیر تحولات منجر به تشکّل آن‌ها در سال ۱۳۶۸ در قالب حزب وحدت اسلامی گردید.

حجت‌الاسلام والمسلمین مزاری که هم اکنون به عنوان دبیرکل این حزب در رأس نیروهای حزب وحدت در کابل به سر می‌برد، طی گفتگویی با خبرنگار ما نقش و نظرات این حزب در پیروزی و آیندهٔ افغانستان را تشریح کرده است که از نظرتان می‌گذرد.

رسالت: لطفاً در مورد نقش حزب وحدت اسلامی در پیروزی جهاد افغانستان توضیح بفرمایید؟

استاد مزاری: حزب وحدت متشکل از احزاب شیعی است که در طول چهارده سال در مبارزه مسلحانه سهم داشته‌اند و در اکثر مناطق شیعه‌نشین آغازگران انقلاب بوده‌اند و شروع انقلاب آن‌ها به سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد. در این تاریخ به مدّت سه سال اکثر مناطق شیعه‌نشین به کنترل در می‌آید و در مدت چهارده سال این مناطق از حضور نیروهای دولتی در امان بوده‌اند.

در سال ۱۳۶۷ گروه‌هایی که الان در حزب متشکل شده‌اند، پس از پنجاه‌وپنج روز محاصره، شهر بامیان را آزاد می‌کنند. در سال ۱۳۶۸ نیز حزب وحدت با عنوان فعلی اعلام موجودیت و به مبارزه ادامه داد. در جریانات اخیر افسرانی که هم اکنون در جنبش ملی اسلامی عضویت دارند اولین تماس را با حزب وحدت گرفتند و طی این تماس خواستار حمایت این حزب در مبارزهٔ آنان

علیه نیروهای دولتی نجیب شدند. شورای ولایتی حزب وحدت ضمن تماس با احمدشاه مسعود در این مورد تصمیم مثبت اتخاذ کرد. به دنبال این یک شورای نظامی متشکل از همهٔ احزاب شمال در مزارشریف تشکیل شد و این شهر توسط آنان سقوط کرد، ضمن این‌که اولین کسانی که وارد شهر مزار شدند، همین نیروها بودند. پس از سقوط مزارشریف، سمنگان نیز سقوط و بعد از آن شهر چاریکار نیز آزاد گردید. در شهر چاریکار یک شورای نظامی جدید بیست نفر تشکیل گردید که نمایندگان حزب وحدت در آن عضویت داشتند. طبق قرار قبلی نیروهای متحد شامل افسران سابق ارتش، نیروهای احمدشاه مسعود و نیروهای حزب وحدت اسلامی بایستی با هم به طرف شهر کابل و تصرف آن اقدام می‌کردند که متأسفانه زمانی که احمدشاه مسعود اقدام به حمله به کابل کرد، علیرغم توافق قبلی، حزب وحدت را از این موضوع مطلع نساخت اما حزب وحدت نیروهای خود را قبلاً وارد کابل کرده بود. با این حال حزب وحدت خود اقدام به حضور در شهر کابل کرد و بیش از صد منطقه، پایگاه، مراکز دولتی و اماکن دیگر را آزاد کرد و بدین ترتیب شهر کابل سقوط کرد. این نقشی بود که حزب وحدت در پیروزی جهاد بر عهده گرفته بود؛ اما متأسفانه نیروهای جهادی براساس تنگ‌نظری و عدم واقع‌بینی در پیشاور جمع شدند و جلسه‌ای تشکیل دادند و حزب وحدت را مجموعاً نادیده گرفتند.

اما ما با آقای صبغت‌الله مجددی رئیس جمهور قبلی به توافق رسیدیم که این توافق فعلاً در دوران آقای ربانی عملی نشده است.

رسالت: طبق قرارهای قبلی حضور نمایندگان حزب وحدت در شورای جهادی و کابینه قطعی شده بود آیا این روند اعمال می‌شود؟

استاد مزاری: در زمان آقای مجددی از حزب وحدت هشت نفر را در شورای جهادی، یک نفر را در شورای رهبری و سه وزیر را در کابینه پذیرفتند که یکی از این وزرا وزیر امنیت ملی بود. این توافق در زمان آقای مجددی بررسی و قطعی شد؛ اما در زمان ریاست‌جمهوری آقای ربانی از سوی وی رد شد و اعلام گردید که این توافق قانونی نیست. شورای جهادی تا کنون تشکیل نشده، در شورای قیادی، یک نفر از نمایندگان حزب وحدت اسلامی شرکت دارد و اما در مورد کابینه، مشکلات هنوز حل نشده و ما در کابینه شرکت نداریم و فعلاً هم تصمیم نداریم تا زمانی که مدت ریاست‌جمهوری آقای ربانی ادامه دارد، در کابینه شرکت کنیم.

رسالت: این به آن معنا است که شما با دولت همکاری نخواهید کرد؟

استاد مزاری: ما الان در دولت شریک نیستیم.

رسالت: ارتباط و همکاری‌های حزب وحدت و نقش آن در جنبش ملی ـ اسلامی شمال چگونه است؟

استاد مزاری: جنرال‌هایی که از امر دولت نجیب سرپیچی کردند به اضافهٔ ۹ حزب دیگر شمال مجموعاً جنبش ملی ـ اسلامی را به وجود آورده‌اند و ارتباط ما با این جنبش خوب است.

رسالت: مسأله‌ای که اکنون در کابل مطرح است وجود و حضور نیروهای شبه‌نظامی ازبک است. به نظر شما این نیروها چه نقشی می‌توانند در آیندهٔ افغانستان داشته باشند؟

استاد مزاری: موضوع شبه‌نظامیان ازبک بیشتر بین آقای حکمتیار و آقای ربانی مطرح است و به ما هیچ ربطی ندارد؛ چون ما نه به جنگ آن‌ها شریک بوده‌ایم و نه صلح‌شان و نه به بیرون رفتن و یا ماندن‌شان. ولی به هرحال آن‌ها دارای نیروهای منظم هستند و در پیروزی مجاهدین در کابل نقش تعیین کننده‌ای داشتند و طبیعی است که جایگاه خاصی در افغانستان داشته باشند، هم اکنون در هشت ولایت شمال و یک سوم افغانستان نیرو دارند که اگر این‌ها نادیده گرفته شود، واقعیت‌ها نادیده گرفته شده است.

رسالت: وضعیت حاکمیت در شمال چگونه است؟

استاد مزاری: حاکمیت در دست جنبش ملی ـ اسلامی است که همهٔ احزاب در آن حضور دارند و اقدام به تشکیل شورای ولایتی کرده‌اند و کارهای سیاسی، نظامی و اداری را انجام می‌دهند.

رسالت: سیستم سیاسی که حزب وحدت اسلامی خواستار استقرار آن در افغانستان آینده است، چیست؟

استاد مزاری: ما قبلاً نیز این موضوع را اعلام کرده‌ایم، اکنون با این وضعیت که در افغانستان و به ویژه در کابل وجود دارد، تنها راه ثبات و به وجود آوردن مرکزیت، اعمال سیستم فدرالی است و ما آن را تنها راه حلی می‌دانیم که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان را در پی دارد.

یکی از اصول فدرالیسم این است که حاکمیت‌های مختلف در ارتباط با حاکمیت مرکزی به کار ادامه می‌دهند که این مورد هم‌اکنون در افغانستان صادق است. در ولایات مختلف افغانستان حاکمیت‌های مختلف وجود دارد که باید قانع شوند و راه قانع‌شدن آن‌ها فقط سیستم فدرالی است.

رسالت: اگر دولت و حاکمیت موجود سیستم فدرالی را نپذیرفت، موضع حزب وحدت چه خواهد بود؟

استاد مزاری: فعلاً که دولتی وجود ندارد. ما معتقدیم دولت و حاکمیت در فدرالیسم معنی پیدا می‌کند. دولت فعلاً که چهارماه از عمرش می‌گذرد، هیچ ارتباطی با ولایات خود ندارد، این دیگر دولت نیست، این سیستم فدرالی است که توافق ولایات مختلف را در مرکز هماهنگ می‌کند، توافقات ولایات باید بر یک سیستم خاص اعمال گردد که آن هم فدرالی است.

رسالت: شما در مورد قانون اساسی جدید افغانستان نظرات خاصی ارائه کرده‌اید؟

استاد مزاری: همان طور که می‌دانید یک قانون، زمانی قانون است که پیش‌نویس و تدوین آن توسط نمایندگان تمامی مردم صورت گرفته باشد و بعد کلیهٔ مردم نیز به آن رأی داده باشند تا وقتی که حاکمیت در جایی به وجود نیامده، نوشتن قانون اساسی آن، توسط خود خلاف قانون و غلط است. در انقلاب‌هایی که در دنیا به وجود می‌آید، مسئول قانون‌گذاری شورای انقلاب است و تا زمانی که حاکمیت تثبیت نشده همین شورا قانون می‌گذارند، حال در مورد قانون اساسی باید کلیه مردم در تنظیم پیش‌نویس آن حضور داشته باشند و پس از آن‌که در اختیار مردم قرار گرفت مورد همه‌پرسی گذارده شود در غیر این صورت این قانون نیست. هرکس و یا هر حزب می‌تواند خودش قانونی را تنظیم و ابلاغ کند. در هیچ کجای دنیا تا حزبی توسط مردم انتخاب نگردد و حاکم نشود، نظرات آن حزب را کسی قانون اساسی نمی‌داند.

این چیزی که الان به عنوان قانون اساسی افغانستان مطرح است، قانون اساسی نیست و چیزی است که در پاکستان ساخته‌اند و مردم اصلاً آن را قبول ندارند. در حقیقت کمیسیونی که برای تنظیم قانون اساسی در نظر گرفته‌اند، از اطلاع عموم خارج بوده و کسی از آن خبر نداشته است مثلاً در شمال هشت ولایت وجود دارد که خط مشی این ولایات توسط نیروهای جهادی همین ولایات تعیین می‌شود. لهذا این قانون اساسی اعلام‌شده قانون نیست و خلاف روند انقلاب‌های جهانی است و ارزش قانونی ندارد، وقتی که ارزش قانونی دارد که روال قانونی را طی کرده باشد. هم اکنون افغانستان قانون ندارد چرا که اصلاً جلسه قانون‌گذاری ندارد. آقای ربانی عملاً شورای جهادی را منحل کرده در حالی که کار این شورا وضع قانون تا تثبیت موقعیت نظام بوده است. شورای رهبری نیز بیش از سه یا چهار نفر را شامل نمی‌شود که آن‌ها هم حق قانون‌گذاری ندارند، فعلاً در افغانستان مرکز قانون‌گذاری نیز وجود ندارد.

رسالت: به نظر شما نقش بیگانگان و کشورهای دیگر در نابسامانی‌های افغانستان پس از پیروزی چیست؟

استاد مزاری: من قبلاً نیز گفته‌ام که حاکمیت و ثبات همیشه براساس دو اصل اساسی در افغانستان به وجود می‌آید که عبارتند از:

قطع مداخلات خارجی، یعنی باید بگذارند که مردم افغانستان خودشان سرنوشت‌شان را تعیین کنند و مردمی که چهارده سال در مقابل یک ابرقدرت جنگیدند با شکست شوروی سابق باعث آزادی نیمی از جهان شدند می‌توانند برای آینده خود تصمیم بگیرند، لهذا هیچ ضرورتی ندارد که همسایه‌ای، دولتی، دشمنی در این مورد دلسوزی بکند.

تمام ملیت‌ها در افغانستان در جهاد چهارده‌ساله سهم داشته‌اند. همه شهید داده‌اند، مجروح، معلول و آواره شده‌اند و همه در پیروزی نقش داشته‌اند و در آینده نیز همین ملیت‌ها باید براساس نفوس و دیگر امتیازات در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشند. اگر این دو اصل اساسی رعایت گردد، یک حکومت و حاکمیت با ثبات در افغانستان به وجود خواهد آمد. تا کنون نیز این دو مسأله در افغانستان مطرح بوده است، هم نفوذ خارجی فوق‌العاده بوده است و هم در فرمول ساخته‌شده در این‌جا حقوق مردم در نظر گرفته نشده است. لذا در مدت این چهارماه گرفتن جشن و شادی و بازگشت مهاجرین، مردم به مصیبت گرفته شده‌اند، تا موقعی که این مسائل رعایت نشود، برای آینده امنیتی برقرار نخواهد شد.

رسالت: پس با این حال چگونه امنیت در افغانستان برقرار خواهد شد؟

استاد مزاری: راه برقراری امنیت توافق همهٔ جماعات و احزاب است اگر توافق صورت نگیرد و همهٔ جوانب ذی‌دخل که در پیروزی نقش داشتند تفاهم نکنند، امنیتی برقرار نخواهد شد.

رسالت: به نظر می‌رسد خلع سلاح گروه‌های موجود در کابل زمینه‌ای باشد، برای ایجاد امنیت، عملیات خلع سلاح تا کنون به چه شکلی پیش رفته است؟

استاد مزاری: پیش از جنگ اخیر، جلسه‌ای تشکیل شد که در آن شهر کابل به دوازده حوزه تقسیم‌بندی و این حوزه‌ها در میان گروه‌های جهادی تقسیم شد. در حالی که اکثریت گروه‌ها با طرح خلع سلاح در برقراری نظم موافق بودند. مدت‌ها است که روی این طرح کار می‌شود تا عملی گردد. منتها این کار به واسطهٔ جنگ‌ها به تأخیر افتاده است. با این همه این طرح دارای اشکالاتی است، طبق این طرح نمایندگان همهٔ گروه‌ها باید در هیأت صلح حضور داشته باشند و هیچ گروهی نباید حاکم باشد؛ اما اکنون می‌بینیم که وزارت دفاع در اختیار شورای نظار (نظامیان وابسته به احمدشاه مسعود) می‌باشد و این‌ها به این طرف و آن طرف می‌روند در واقع تخلیه در مورد همهٔ گروه‌ها

صورت می‌پذیرد؛ اما نیروهای شورای نظار جایگزین آن‌ها می‌شوند که من معتقدم این مسأله اشتباه است و تا زمانی که طرح درستی عملی نشود، اوضاع روبه‌راه نخواهد شد.

رسالت: فعلاً که همه چیز در کابل متوقف است برنامه‌های فرهنگی حزب وحدت چیست؟

استاد مزاری: حزب وحدت در کنار جلسات سخنرانی در مساجد و مجالس اقدام به انتشار نشریهٔ «وحدت اسلامی» کرده بود که خوب بود، منتها پس از وقوع جنگ اخیر (بین حکمتیار و ربانی) تمامی شهر اعم از برق، آب، تلفون و غیره آسیب دید. انتشار نشریه با توقف روبه‌رو شد و همین وجود حملات در کابل تقریباً کارهای فرهنگی را متوقف کرده است.

رسالت: آیا هنوز هم نیروهای حزب وحدت اسلامی از سوی نیروهای حزب اتحاد اسلامی سیاف مورد تعرض قرار می‌گیرد؟

استاد مزاری: ما از بدو حضور در کابل مجبور به سه درگیری با حزب اتحاد شده‌ایم که این سه درگیری هربار با ایجاد آتش‌بس قطع، و مجدداً شروع شده است. الان نزدیک به بیست‌وپنج روز است که از آتش‌بس آخر ما می‌گذرد و هیأت‌های طرفین سعی می‌کنند با ادامهٔ مذاکرات مانع از درگیری جدید شوند؛ اما به طور یک‌طرفه ۲۵۰ تن از اسرای حزب اتحاد سیاف را آزاد کرده‌ایم در حالی که آن‌ها هنوز اقدام به رهاسازی اسرای ما نکرده‌اند.

رسالت: به نظر شما آیا حکمتیار قادر به حملهٔ مجدد به شهر کابل خواهد بود؟

استاد مزاری: این‌که حکمتیار بتواند یا نتواند چنین کاری را صورت دهد در استنباط ما نیست. منتها شرایط دو طرف (حکمتیار-ربانی) برای آتش‌بس متناقض است، از طرف آقای ربانی یک‌سری شرایط و از طرف آقای حکمتیار نیز یک سلسله شرایط اعلام می‌شود، و عملاً در مورد آتش‌بس و صلح توافق نظری وجود ندارد، به هرحال ما در این جنگ بی‌طرف هستیم. ما بنای جنگ با هیچ‌کس را نداریم و با همهٔ احزاب سر همکاری داریم.[۱]

۱. هفته‌نامهٔ وحدت، شمار ۶۴، ۲ میزان ۱۳۷۱، چاپ قم.

(۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جاپان

یک‌شنبه ۱۳۷۱/۷/۵

استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جاپان، در رابطه با آخرین تحولات و انکشافات سیاسی در کشور سخن گفت. وی ضمن تشریح موقعیت سیاسی ـ نظامی فعلی قطع مداخلات خارجی و واقع‌بینی رهبران تنظیم‌های جهادی را یگانه راه حل معقول و مقبول مشکلات فعلی دانسته، نسبت به آیندهٔ افغانستان اظهار خوش‌بینی نمود. استاد در پاسخ به سؤالات دیگر خبرنگار مبنی بر این‌که چرا هزاره‌ها با پشتون‌ها جنگیدند؟ گفت:

«در طول جنگ‌هایی که بر ما تحمیل گردیده به عنوان هزاره‌ها و پشتون‌ها نبوده است. هزاره‌ها و پشتون‌ها با هم برادرند و سال‌ها در کنار یکدیگر در این کشور زندگی مشترک داشته‌اند و حزب وحدت اسلامی تنها در برابر تجاوزات تنظیم اتحاد آقای سیاف جنگیده است و این جنگ‌ها، جنگ میان دو تنظیم سیاسی بوده است.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه با اشاره به نقش زندهٔ جنبش شمال در سرنگونی رژیم کمونیستی گفت: «در این جنبش همهٔ احزاب جهادی عضویت دارند که یکی از آن‌ها حزب وحدت اسلامی است.» استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که موقف شما در رابطه با جنگ حزب اسلامی و جمعیت اسلامی چه بوده است؟ گفت:

«موقف ما در این جنگ بی‌طرفی کامل است.»[۱]

---

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ چهارم، دوشنبه ۱۳۷۱/۷/۶.

(۱۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار روزنامهٔ کیهان

چاپ تهران، ۱۳۷۱/۷/۲۲

استاد مزاری، قبل از هر چیزی از روزنامهٔ کیهان به خاطر این‌که گزارش‌گرانی را به منظور انعکاس دردها و رنج‌های ملت مسلمان افغان (افغانستان) به کابل اعزام نموده است تشکر می‌کند، جایگاه دولت فعلی افغانستان و درگیری‌های حزب اسلامی حکمتیار، با آن مهم‌ترین مسألهٔ روز افغانستان محسوب می‌شود. از استاد، نظر حزب وحدت اسلامی را پیرامون دولت افغانستان جویا می‌شویم، حجت‌الاسلام والمسلمین استاد مزاری چنین پاسخ می‌دهد:

«از نظر ما فعلاً دولتی در افغانستان وجود ندارد، زیرا توافق بین گروه‌های مجاهدین در پاکستان بر مبنای تشکیل یک شورای رهبری و یک شورای جهادی و ایجاد یک دولت دو ماهه و چهار ماهه بود. از روزی که قدرت از آقای صبغت‌الله مجددی به آقای ربانی انتقال یافت تا کنون شورای جهادی دایر نشده و در مورد شورای رهبری هم اکثریت قاطع اعضای آن حضور ندارد.»

وی سپس به استعفا، اخراج و سفر عده‌ای از شورای (رهبری) و نیز عده ای از وزرای دولت به خارج از کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر تنها وزرای دفاع و کشور در دولت حاضر می‌شوند.»

وی ریشه اختلافات و درگیری‌های فعلی را لجاجت، قشرگرایی و انحصارطلبی می‌داند و می‌گوید: «اگر طرفین متخاصم دست از انحصارطلبی برندارند، امکان بروز مجدد جنگ وجود خواهد داشت.»

استاد مزاری سپس به تشریح تاریخچهٔ تشکیل شورای حل‌وعقد یا «لویه‌جرگه» در افغانستان می‌پردازد و می‌گوید: «بعد از دولت موقت آقای ربانی، لویه‌جرگه متشکل از نمایندگان مناطق مختلف تشکیل می‌شود و لویه‌جرگه، یک نفر را به عنوان رئیس دولت انتخاب می‌کند که طبق توافق قبلی گروه‌ها، عمر این دولت یک‌سال‌ونیم است و پس از آن انتخابات آزاد در کشور برگزار می‌شود.»

به اعتقاد رهبر حزب وحدت اسلامی، در حال حاضر امکان برگزاری انتخابات در افغانستان به دلایل زیادی وجود ندارد. مهم‌ترین این دلایل عدم بازگشت مهاجرین افغان (افغانستان) از کشورهای مختلف، عدم تأمین امنیت و عدم توان نظارتی سازمان ملل بر انتخابات است. وی تشکیل لویه‌جرگه را به شرط آن‌که اعضای آن از میان همهٔ گروه‌ها، براساس عدالت و بر مبنای میزان جمعیت، انتخاب شوند، در شرایط فعلی مثبت تلقی نموده و هشدار می‌دهد که چنان‌چه بخواهد این لویه‌جرگه مثل لویه‌جرگه‌های گذشته فرمایشی باشد، از آن‌جا که شرایط قدرت فعلی مثل سابق نیست و همهٔ گروه‌ها مسلح هستند، این مجلس نمی‌تواند موفق باشد.

استاد مزاری، موضع حزب وحدت اسلامی را در درگیری بین دولت و حکمتیار بی‌طرفی اعلام می‌کند و می‌گوید: «ما تنها با گروه‌هایی که بخواهند و موجودیت ما را به مخاطره بیاندازند می‌جنگیم، همچنان که در مقابل «اتحاد سیاف» از حقوق‌مان دفاع کردیم.»

تأمین حقوق کلیهٔ گروه‌های جهادی و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها براساس میزان جمعیت گروه‌ها و قطع ایادی بیگانگان، در امور داخلی افغانستان، دو راه حل برای خاتمهٔ بحران فعلی این کشور است که رهبر حزب وحدت اسلامی مطرح می‌سازد.

وی می‌گوید: «همهٔ کشورهایی که در جریان جهاد چهارده‌ساله ملت مسلمان افغانستان به نحوی به گروه‌های جهادی کمک کردند، در حال حاضر در امور داخلی افغانستان دخالت می‌کنند و تا دخالت آنان قطع نشود، افغانستان روی آرامش را نخواهد دید.»

وی می‌افزاید: «هیچ کشوری حق ندارد که برای مردم افغانستان دایهٔ دلسوزتر از مادر شود، گروه‌های جهادی که با جنگ چهارده‌سالهٔ خود یک ابرقدرت را شکست دادند، بهتر از هر کسی می‌توانند ادارهٔ امور کشور را در دست گیرند.»[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، صص ۲۳۸ـ۲۴۰.

(۱۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار روزنامهٔ سلام

۱۳۷۱/۷/۲۸

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار روزنامهٔ «سلام» از جمهوری اسلامی ایران اوضاع فعلی کشور را تحلیل و ارزیابی کرد.

استاد مزاری با تأکید بر این‌که علت تشنج، درگیری و بی‌نظمی اجتماعی طرح‌هایی است که از خارج بر ملت ما تحمیل می‌شود فرمود:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌های مستقر در پیشاور اشتباهی را مرتکب شدند که برای کشور افغانستان فاجعه آفرید و هنوز که هنوز است اوضاع به ثبات مبدل نگردیده است.» دبیرکل حزب وحدت اسلامی با اشاره به این‌که طرح‌های گذشته از قبیل شورای مشورتی و حکومت موقت راولپندی و توافق پیشاور جامع نبوده و مورد حمایت قشر عظیمی از مردم و قوماندانان جهادی قرار نگرفت فرمود:

«تنها راه حل و قانع‌کننده‌ترین راه این است که حقوق طبیعی مردم به آن‌ها داده شود، چرا که همهٔ ملیت‌ها در پیروزی سهم داشته و فشار چهارده سال جهاد را به دوش کشیده‌اند.»

استاد مزاری فرمود: «رعایت حقوق ملیت‌ها فقط در قالب حکومت فدرال عملی است و با این طرح می‌توان حکومت‌های متعدد ولایتی را در یک حکومت مرکزی جمع کرد و الاّ احتمال تجزیهٔ افغانستان و تداوم جنگ‌های داخلی قویاً وجود دارد.»

ایشان اضافه فرمود: «حکومت فدرال فعلاً در کشورهای پیشرفته و آزادی‌خواه دنیا وجود داشته و موجب جذب و وصل ملیت‌های متعدد است.»

ما معتقد هستیم تنها راه جلوگیری از تجزیهٔ افغانستان و تأمین وحدت ملی و ارضی این است که همهٔ ملیت‌ها به حقوق‌شان برسند. دبیرکل حزب وحدت اسلامی با تأکید بر این نکته که هیچ افغانی راضی به تجزیهٔ افغانستان نیست، فرمود: «اگر ملیتی حقوق خود را طلب نموده و خواستار

عدالت باشد به معنی تجزیه نیست. این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشد.»

استاد مزاری دخالت خارجی‌ها و جاه‌طلبی رهبران جهادی را ریشه‌های درگیری موجود بین گروه‌ها ذکر نموده فرمود: «همکاری دولت‌های دوست و برادر در چهارده سال مبارزه مردم جای قدردانی و سپاس دارد ولی در امور داخلی ما نباید دخالتی صورت بگیرد، دخالت خارجی‌ها موجب دردسر است، اوضاع اسف‌بار فعلی زاییدهٔ دو اشتباهی است که در پاکستان پیش آمده، مردم افغانستان که چهارده سال مبارزه نموده و روس‌ها را شکست دادند این صلاحیت را دارند که حکومت دل‌خواه خویش را تشکیل بدهند.»

ایشان اضافه کرد: «اگر دخالت خارجی‌ها قطع شود و رهبران جهادی از انحصار بیرون آمده بپذیرند که این پیروزی مال همهٔ مردم افغانستان است و آن‌ها حق دارند برای سرنوشت آینده خود تصمیم بگیرند، دیگر مشکل وجود نخواهد داشت و حکومت باثبات و طبق خواستهٔ مردم به وجود خواهد آمد. مردم حکومت اسلامی می‌خواهد. ولی حکومت به نام اسلامی و در واقع انحصاری را نخواهد پذیرفت.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی فرمود: «اکثر کشورهایی که در طول جهاد ما را کمک نمودند نه به خاطر دلسوزی به مردم افغانستان بلکه به خاطر شکست روسیه که رقیب‌شان بود و سخت از آن وحشت داشتند، به این کار مبادرت می‌کردند.» وی افزود: «در دخالت‌هایی که در افغانستان صورت می‌گیرد آمریکا پشت پرده است.» استاد مزاری از افغانستان به عنوان خط مقدم جبهه علیه استکبار در گذشته یاد نموده فرمود: «حالا که اتحاد شوروی از هم پاشیده باز هم شاهراه تعیین‌کنندهٔ حرکت اسلامی که بتواند مسلمان‌ها را متحد بسازد و اتحاد اسلامی که در تصور غرب قدرت بعدی را تشکیل می‌دهد را شکل دهد، افغانستان است.» ایشان علاوه کرد: «انقلاب افغانستان برای غرب بسیار حائز اهمیت است زیرا دارای دو خصیصه است که انقلاباهای دیگر فاقد آن است. اول این‌که عملاً مسلمانان در این انقلاب شریک بوده و نیاز ندارد به جهان صادر شود، هم اینک در جهان صادر شده است الجزایر، کشمیر و... دیگر این‌که غرب نمی‌تواند شیعی‌بودن را به آن نسبت دهد و بدین وسیله مسلمانان را از آن دور سازد چنان‌چه در رابطه با انقلاب اسلامی ایران عملی کردند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در جواب این سؤال که غرب روی چه نیروهایی سرمایه‌گذاری

می‌نماید تا بتوان روی کار بیاورد فرمود: «غرب در گذشته‌ها کمک‌هایی را که در اختیار بعضی قرار می‌داد روی این ملاحظه بود که چه کسی توان مبارزه و سازمان‌دهی جنگ بر علیه روسیه را دارد و در این فکر نبود که چه کسی در خط‌شان هست، ولی امروز سیاست غرب تفاوت می‌کند. تلاش می‌کند از طریق بدنام و بی‌اعتبارساختن مجاهدین نزد جهان و بدبین‌نمودن مردم به اسلام از طریق تحمیل جنگ، بی‌امنیتی و تشنج جلو ایجاد حکومت اسلامی با پایه‌های وسیع مردمی را بگیرد و فرصت کافی برای رسیدن نوبت کسانی که در خط‌شان هست، به وجود آورد.»

ایشان از بازگشت مهاجرین، بازسازی خرابی‌های جنگ چهارده‌ساله، شکوفاساختن فرهنگ و سازمان‌دهی بهداشت به عنوان اولویت‌های دوران بازسازی یاد کرده فرمود:

«اگر روی استخراج منابع سرشار طبیعی از قبیل نفت و گاز و... سرمایه‌گذاری شود وضعیت اقتصادی خوبی در افغانستان قابل پیش‌بینی است.» ایشان علاوه کرد: «منابع افغانستان دست‌نخورده باقی مانده و روس‌ها علیرغم این‌که می‌خواستند منابع کشور ما را دست‌بُرد بزنند نتواستند کاری از پیش ببرند، پروژه‌ها و طرح‌های آبیاری و... که ناتمام مانده اگر فعال گردد به زودترین فرصت شاهد شکوفایی کشور خویش خواهیم بود.»

استاد مزاری با تأکید بر این‌که در کشور، نیروی متخصص انسانی به قدر کافی موجود بود مشکل افغانستان کمبود نیروی انسانی و متخصص نیست فرمود: «تنها مشکل در شرایط فعلی مسألهٔ امنیت و مشکل اقتصادی و سرمایه‌گذاری است. باید حکومتی که مورد قبول همهٔ مردم باشد به وجود آید تا امنیت تأمین گردیده، زمینهٔ سرمایه‌گذاری و جذب کمک‌های خارجی ایجاد گردد.»

ایشان فرمود: «انتظار ما از مجامع بین‌المللی به طور کلی این است که نسبت به بازسازی افغانستان توجه کنند مخصوصاً کشورهای اسلامی که افغانستان برای آنان اهمیت حیاتی دارد و هم‌چنین از نگاه موقعیت اسلامی‌شان بایست توجه زیادی به خرج دهند.» استاد مزاری از جمهوری اسلامی ایران شخصاً نام برده فرمود:

«مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران که در بازسازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال جنگ، تجربه‌ها اندوخته است این تجربه‌ها برای افغانستان اهمیت حیاتی دارد. انتظار ما این است که در بازسازی افغانستان فعالانه کمک نماید.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در پایان از مسلمان‌ها درخواست نمود تا همان‌گونه که

طی چهارده سال مبارزه مردم افغانستان را کمک نمودند؛ امروز نیز بعد از پیروزی انقلاب آن‌ها را برای تشکیل یک حکومت اسلامی یاری دهند و آرزو نمودند تا دومین کشور اسلامی تحقق یافته سنگر مطمئنی شود برای مبارزات جهان اسلام.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۲۵ و ۲۶، ۲۹ و ۳۰ میزان ۱۳۷۱.

(۱۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران فرانسه

۱۳۷۱/۸/۵

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعدازظهر ۱۳۷۱/۸/۵ طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران خبرگزاری فرانسه به سؤالات آنان پاسخ گفت:

استاد مزاری در پاسخ به سؤالی که آیا حزب وحدت برای زعامت سیاسی آیندهٔ کشور کاندیدایی معرفی خواهد کرد گفت؟

حزب وحدت اسلامی در انتخابات شورای اهل حل‌وعقد، برای زعامت سیاسی آینده کاندیدا معرفی خواهد کرد.

استاد مزاری در قسمت دیگر از این مصاحبه، پیرامون تمدید ریاست آقای ربانی در شورای رهبری گفتند: «احتمالاً ریاست ایشان، تا تشکیل شورای اهل حل‌وعقد تمدید خواهد شد، ولی مدت ده ماه برای این تمدید زیاد است.» وی ضمن تأکید بر تشکیل هر چه زودتر شورای اهل حل‌وعقد در رابطه با طرح امنیتی شهر کابل گفت: «قرار بود امنیت شهر توسط کلیهٔ احزاب گرفته شود؛ ولی متأسفانه طبق این قرار عمل نشد.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگر، مبنی بر این‌که آیا حزب وحدت حوزهٔ ششم امنیتی را تخلیه خواهد کرد؟ اظهار داشت: «حوزهٔ سوم و ششم امنیتی مربوط به حزب وحدت اسلامی و حرکت اسلامی می‌باشد و نیروهای ما آن‌جاها را ترک نخواهند کرد.» وی ضمن رد این شایعه که حزب وحدت اسلامی ساحات پوهنتون کابل و سایر مرکز علمی را ترک خواهد کرد گفت: «امنیت این مناطق بر عهدهٔ حزب وحدت اسلامی است و نیروهای ما در این مناطق باقی خواهند ماند.»[۱]

---

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۰۴.

(۱۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانسوی

خبرنامهٔ وحدت شمارهٔ ۳۱، ۷۱/۸/۶

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار فرانس‌پرس به سؤال‌های وی پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا در جلسهٔ فردای شورای رهبری برای انتخاب رئیس‌جمهوری، خود شما تشریف می‌برید و یا نمایندهٔ شما؟ فرمود:

«در آن جلسه نمایندهٔ حزب وحدت شرکت نموده و نظریات خود را خواهد گفت و نمایندهٔ مذکور آیت‌الله فاضل است.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در جواب این سؤال که آیا وقتی که شورای اهل حل‌وعقد تشکیل شود حزب وحدت کاندیدا دارد؟ گفت: «بله کاندیدا دارد حتمی است.»

ایشان در پاسخ به این سؤال که به نظر شما در جلسهٔ فردا چه کسی انتخاب خواهد شد گفت: «ما نظر خاصی نداریم، ولی احتمال زیاد است که آقای ربانی را برای یک مدت تمدید کنند.»

خبرنگار فرانس‌پرس: آیا تمدید رهبری ممکلت صرف برای دو ماه خواهد بود؟

استاد مزاری: نه. دو ماه زیاد است.

فرانس‌پرس: شورای اهل حل‌وعقد چه وقت دایر می‌شود؟

استاد مزاری: اگر چه تلاش بر این است که زودتر از یک ماه دایر شود؛ ولی به خاطر مشکلاتی که وجود دارد یک ماه دیگر دایر خواهد شد.

خبرنگار فرانس‌پرس: بنا است یک قوت حائل از سوی وزارت دفاع تأسیس و بین حزب وحدت و اتحاد مستقر شود، آیا نیروهای حزب وحدت از خط اول حوزهٔ پنجم عقب‌نشینی خواهد کرد؟

استاد مزاری: نبایست از خط اول منطقه عقب‌نشینی نمایند، فقط حوزهٔ پنجم را بنا بود تخلیه نماییم که حزب وحدت تخلیه کرده است. در آن منطقه خط حائل بین طرفین موافقه شده و

عقب‌نشینی مورد توافق نیست.

خبرنگار فرانس‌پرس: طوری که ما فهمیدیم خط اول دست حزب وحدت بود و در عوض قدرت حائل همانجا جابه‌جا می‌شود؟

استاد مزاری: خط حائل که ترسیم شده است خارج از سنگرهای اول در حوزهٔ پنجم می‌باشد که در آن نیروی صلح و در دو طرفش نیروی حزب وحدت و اتحاد مستقرند.

خبرنگار: می‌گویند خروج نیروهای حزب وحدت از حوزهٔ پنجم و منطقهٔ پوهنتون مورد توافق قرار گرفته است؟

استاد مزاری: این مناطق مربوط حزب وحدت بوده و ادارهٔ آن هم در اختیار حزب وحدت خواهد بود. ممکن است گروه‌های اضافی خود را در مراکز ببرد، ولی حفظ حوزه از نظر امنیتی مربوط حزب وحدت است.

خبرنگار: در مورد امنیت شهر کابل چه ملاحظه‌ای داشته و نظر شما دربارهٔ تهدید حکمتیار و سیاف مبنی بر حمله به کابل چیست؟

استاد مزاری: در مورد امنیت شهر کابل قبلاً توافق به عمل آمده بود و دوازده حوزهٔ امنیتی بین احزاب تقسیم شود که امنیت آن‌ها را بگیرد. منتها حالا رعایت نشده و اکثر حوزه‌ها در دست شورای نظار است. ما خواهان رعایت‌شدن توافقات قبلی هستیم. اما در رابطه با آقای حکمتیار نظر ما این است که مسائل‌شان را با مذاکره و جلسه حل‌وعقد، حل کنند.

استاد مزاری ضمن برشمردن مظالم و مفاسد دورهٔ گذشته، روی برادری و اخوت اسلامی مردم افغانستان و آبادانی کشور و تشکیل حکومت اسلامی بر پایه‌های وسیع اجتماعی و محرومیت‌زدایی و جبران گذشته‌ها تأکید کردند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۱، ۷۱/۸/۶، کابل.

(۱۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

حجت‌الاسلام استاد، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان با تأکید بر اهمیت تشکیل شورای اهل حل‌وعقد گفت: «چنان‌چه مشکلی پیش نیاید این شورا باید یک هفته پیش از پایان دورهٔ آقای ربانی یعنی تا بیست‌وپنج آذر (قوس) ماه تشکیل شود.

استاد مزاری که در مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گفت، افزود: «شورای اهل حل‌وعقد با نظر ریش‌سفیدان و افراد متعهد، تشکیل می‌شود و براساس جمعیت افغانستان حدود ۱۲۰۰ نماینده برای عضویت در آن معرفی می‌شوند.»

حجت‌الاسلام مزاری گفت: «با معیارهایی که برای انتخابات اعضای شورای اهل حل‌وعقد در نظر گرفته شده است حقوق ملیت‌های مختلف افغانستان تا حدودی حفظ خواهد شد. در این قالب نزدیک به ۲۶۰ نفر از اعضای شورا را شیعیان تشکیل خواهند داد.» آقای مزاری هم‌چنین گفت: «مهاجرینی که هنوز به کشور بازنگشته‌اند به هر حزب و گروه، یا ملیتی که تعلق داشته باشند در انتخابات نمایندگان شورای حل‌وعقد محاسبه خواهد شد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی گفت: «پس از پایان کار شورا که رئیس آیندهٔ دولت اسلامی افغانستان را به مدت یک‌سال‌ونیم انتخاب خواهد کرد، حدود یک سوم این تعداد برای مجلس قانون‌گذاری افغانستان انتخاب می‌شوند و مجلس قانون‌گذاری افغانستان در طول مدت یک‌سال‌ونیم، پیش‌نویس قانون اساسی کشور را تهیه خواهد کرد و برای تصویب نهایی به آرای عمومی گذاشته خواهد شد.»[۱]

---

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵.

(۱۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی

پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۸/۱۴

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه‌ای با خبرنگار بی‌بی‌سی در روز پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۸/۱۴ شرکت نموده به سؤالات وی پاسخ گفت.

سوزی پرایس: استاد محترم اوضاع متشنج امروز از چه قرار بود؟

استاد مزاری: از اول ما هم در جریان نبودیم، ولی بعداً به ما تلفون آمد که تعدادی از مردم هزاره را که سوار بر یک مینی بوس بودند در حصهٔ پل آرتن دور داده پول و ساعت‌های‌شان را گرفتند. بعد آن‌ها رفته پوستهٔ حزب وحدت را در حصهٔ اول چنداول خبر می‌دهند. این‌ها نیز به دوردادن افراد شروع می‌نمایند از همین جا اوضاع متشنج گردید. وقتی که ما مطلع شدیم برای خاموش‌نمودن بحران چهار پنج هیأت را فرستادیم تا افرادی را که شورای نظار و نیروهای حزب وحدت گرفته آزاد کنند؛ تا هم اکنون در اکثر جاها افراد آزاد گردیده و سایر جاها نیز آزاد خواهند گردید.

سوزی پرایس: آیا گروگان‌گیری طبق هدایت قوماندان‌ها بود و یا بچه‌ها خودسرانه عمل کردند؟

استاد مزاری: خیر، از مقام بالایی دستور داده نشده بلکه به محض شنیدن این‌که افراد را دور داده است آن‌ها هم عمل بالمثل انجام دادند.

سوزی پرایس: وضع در این وقت‌ها در این مناطق چطور است آیا عموماً اوضاع متشنج است؟

استاد مزاری: نه وضع آرام بود، فقط همین روز این طوری شد. در این مناطق بعد از جنگ‌ها هیچ تشنجی نبود. نیروهای صلح جابه‌جا شده بودند منتها از طرف آقای سیاف و اتحاد اسلامی بعضی از وقت‌ها روی منطقهٔ برچی و قطعهٔ اسکاد فیر می‌شد که هیأت‌های صلح فوراً دست‌به‌کار شده خاموش می‌نمود. ولی وضع شهر آرام بود.

سوزی پرایس: از این گپ‌ها گذشته آیا شورای اهل حل‌وعقد ظرف چهل‌وپنج روز دایر خواهد شد؟

استاد مزاری: بستگی به همکاری تنظیم‌ها و فعالیت دولت دارد چهل‌وپنج روز زمان کافی برای

جمع‌کردن نماینده‌ها است به شرطی که احزاب کارشکنی نکنند و دولت به طور فعال برخورد نماید.

سوزی پرایس: سیستمی را که روی انتخاب نماینده‌ها قبول کردند (انتخاب روی تناسب نفوس) شما چه نظری دارید؟

استاد مزاری: خواسته و پافشاری ما روی همین بود که انتخاب روی معیار نفوس باشد، حالا مقداری مسأله حل شده است، ولی باز هم مشکل وجود دارد؛ زیرا برای یک السوالی یک نماینده در نظر گرفته‌اند ولو ۱۵۰۰۰ هزارنفر هم نباشد؛ یعنی معیار نفوس صددرصد قبول نشده است؛ ولیکن حزب وحدت با درنظرداشت مصالح و این‌که غیر از این ممکن نیست برای فعلاً به همین راضی شده است.

سوزی پرایس: آیا از تمدید مهلت آقای ربانی به مدت چهل‌وپنج روز حمایت می‌کنید؟

استاد مزاری: در توافق روی تمدید چهل‌وپنج روز، نمایندهٔ حزب وحدت حضور داشته این مسأله با اکثریت آراء صورت گرفت.

سوزی پرایس: به نظر شما زمستان کابل زمستان آرامی خواهد بود و یا باز هم جنگ در خواهد گرفت؟

استاد مزاری: بستگی به شورای اهل حل‌وعقد دارد اگر عادلانه برگزار شود و احزاب هم راضی شوند و یک حکومت نیمه‌قانونی به وجود بیاید، احتمال جنگ منتفی است. در غیر این صورت احتمال آرامی نیست.

سوزی پرایس: آیا تمام اسیران را با اتحاد تبادله کردید؟

استاد مزاری: ما در جنگ سوم ۲۵۰ نفر از اتحاد را اسیر گرفته بودیم، همه را در یک روز آزاد کردیم، ولی اسرای ما هنوز آزاد نشده حتی از جنگ دوم ۳۰۰ نفر نزد اتحاد اسیر است علاوه بر این‌که از راه‌های شمال و میدان‌شهر گرفته‌اند که حدوداً به ۷۰۰ نفر بالغ می‌شود.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۸، شنبه ۷۱/۸/۱۶، کابل.

(۱۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

یک‌شنبه ۱۳۷۱/۸/۱۷

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به سؤالات وی پیرامون اوضاع سیاسی کشور، شورای اهل حل‌وعقد، حقوق زنان، دورنمای آیندهٔ انقلاب اسلامی، وضع امنیتی کابل و مشکلات مردم پاسخ گفت.

استاد مزاری در قسمتی از این مصاحبه ضمن تأکید بر ضرورت تشکیل به موقع شورای اهل حل‌وعقد، تشکیل این شورا را یگانه راه خروج از بن‌بست فعلی و شکل‌گیری یک حکومت قانونی در افغانستان ذکر کرد.

وی هم‌چنین با اشاره به نقش و جایگاه والای زن در تفکر اسلامی حضور فعال زنان در صدر اسلام را یادآوری کرد و موضع کسانی را که مخالف حضور زنان در صحنهٔ فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی می‌باشند، خلاف اسلام دانست و گفت:

«زنان از کلیهٔ حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همهٔ عرصه‌های حیات اجتماعی ـ سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه اوضاع فعلی را نگران‌کننده توصیف کرده اظهار امیدواری نمود با شکل‌گیری یک ترکیب جدید امنیتی متشکل از کلیهٔ احزاب جهادی وضع امنیتی کابل رو به بهبود و آرامش رود.[۱]

---

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۰، دوشنبه ۱۳۷۱/۸/۱۸، کابل.

(۱۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با صدای آمریکا

دوشنبه ۱۳۷۱/۸/۱۸

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با صدای آمریکا به سؤالات وی پیرامون اوضاع سیاسی کشور، وضع امنیتی کابل، جنبش شمال، شورای اهل حل‌وعقد، مشکلات مردم و... پاسخ گفت.

استاد مزاری در قسمتی از این مصاحبه راجع به وضع سیاسی کابل گفت: «گرچه فعلاً جنگ نیست؛ ولی ادارهٔ صحیحی وجود ندارد، چون همهٔ احزاب در وزارت‌خانه‌های امنیت، داخله و دفاع شرکت ندارند و کنترل در دست یک حزب است به همین جهت گاهی تشنج به وجود آمده و وضع امنیتی مختل می‌گردد.» دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که انتخاب شورای اهل حل‌وعقد روی معیار نفوس چگونه می‌تواند باشد، در حالی که آمارگیری دقیقی تا هنوز صورت نگرفته است؟ گفت: «معیار آمارگیری است که در سال ۱۳۵۸ از سوی آمریکایی‌ها انجام شده و هم‌چنین آمار احصائیه مرکزی در سال ۱۳۵۸ چرا که راه دیگری وجود نداشت. اگر چه در این‌جا ظلم زیادی نسبت به بعضی السوالی‌ها روا داشته شده است چون نفوس السوالی‌ها متفاوت است بعضا ۱۶۰/۰۰۰ جمعیت دارد؛ ولی کوچک جلوه داده شده و بالعکس السوالی‌های کوچک دیگری بزرگ جلوه داده شده است؛ ولی مجبور بودیم برای مرحلهٔ فعلی همین آمارگیری تخمینی را بپذیریم؛ گرچه عدالت رعایت نشده است.»

استاد مزاری راجع به نقش شورای اهل حل‌وعقد گفت: «ضمن این‌که شورا زعیم سیاسی آینده را باید انتخاب نماید، مجلس قانون‌گذاری از بین همین شورا انتخاب می‌گردد و تدوین قانون اساسی نیز توسط این مجموعه باید صورت بگیرد و به رفراندم و آراء مردم گذاشته شود.»

استاد مزاری با تأکید بر این‌که اعضای شورا توسط مردم و با همکاری حوزه‌های اداری انتخاب می‌شوند گفت: «نمایندگان شورا باید مسلمان و تابع افغانستان باشند و جرم سابقه نداشته باشند و می‌توانند از هر قشری انتخاب شوند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا مکانیزمی به وجود آمده است که از برخوردهای خودسرانه در پایتخت جلوگیری نماید؟ گفت:

«تشکیلاتی می‌تواند جلو تشنجات و برخوردها را بگیرد که در ترکیب آن، همهٔ احزاب جهادی حضور داشته باشند که متأسفانه تا هنوز رعایت نشده است، اگر حوزه‌های امنیتی وزارت داخله، دفاع و امنیت از همهٔ احزاب نباشد، امنیت تأمین نمی‌شود. باید همهٔ احزاب در تأمین امنیت شرکت کنند تا جلو اغتشاشات گرفته شود.» استاد مزاری راجع به مناسبات حزب وحدت اسلامی با اتحاد سیاف گفت:

«بعد از قبول صلح و جابه‌جا شدن نیروهای حائل مذاکرات ادامه دارد، ولی اسرای ما هنوز آزاد نگردیده و راه‌ها همچنان به روی ما بسته است، منتها تلاش‌ها در جریان است تا مشکلات حل شود.»

وی راجع به نقش هیأت‌های صلح گفت: «چندین هیأت صلح از مناطق مرکزی، شمال و جنوب در کابل حضور دارند و یک کمیتهٔ مرکزی از هیأت‌های صلح به وجود آمده تا از جنگ جلوگیری شود و صلح پایدار در کشور تحقق یابد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۱، سه‌شنبه ۱۳۷۱/۸/۱۹، کابل.

(۱۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار جاپانی

یک‌شنبه ۱۳۷۱/۸/۲۴

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جاپانی به سؤالات وی پیرامون اوضاع سیاسی کشور، ساختار تشکیلاتی حزب وحدت اسلامی، کمک‌های بین‌المللی برای اعمار مجدد در افغانستان و راه‌های رسیدن به یک دولت باثبات در این کشور پاسخ گفت.

استاد مزاری در قسمتی از مصاحبه با برشمردن مشکلات و دشواری‌های اقتصادی خواستار همکاری‌های جدی، همه‌جانبه و بی‌قید و شرط کشورهای صنعتی و از جمله جاپان به افغانستان گردید.

استاد مزاری ضمن اشاره به کمک‌های پراکندهٔ دولت جاپان به گروه‌های مختلف از این کشور خواست تا به مناطق مرکزی افغانستان کمک‌های بیشتری ارائه نماید.[۱]

---

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۶، دوشنبه ۱۳۷۱/۸/۲۵، کابل.

(۱۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی

سه‌شنبه ۱۳۷۱/۹/۱۰

حجت‌الاسلام والمسلمین استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به سؤالات وی پیرامون تحولات جاری کشور، شورای اهل حل‌وعقد و مشکل مهاجرین افغانی مقیم جمهوری اسلامی ایران، پاسخ گفت.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا شورای اهل حل‌وعقد در موعد مقرره تشکیل خواهد شد؟ گفت: «احتمال دایرشدن شورای اهل حل‌وعقد در موعد تعیین‌شده از سوی دولت موقت به ضعف گراییده و ممکن است به تأخیر بیفتد.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به مشکلاتی که فراروی تشکیل به موقع شورای حل‌وعقد وجود دارد، گفت: «در اکثر ولایات با هیأت‌های ناظر بر انتخاب اعضای شورا برخورد خوب صورت نگرفته است. نیروهای شمال نیز خواسته‌هایی دارند و از جمله می‌خواهند در کمیسیون مرکزی شورای اهل حل‌وعقد و نیز شورای قیادی نماینده‌ای داشته باشند و اگر خواسته‌های آن‌ها برآورده نشود، ممکن است از مناطق شمال نماینده‌ای نیاید.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه از برخوردهای ضعیف دولت در این زمینه انتقاد کرد و گفت: «دولت موقت امکانات لازم را در اختیار هیأت‌های نظارت بر انتخاب اعضای شورا نگذاشته و علاوه بر آن رئیس کمیسیون مرکزی شورای حل‌وعقد بدون نظر و توافق اعضای این کمیسیون مسافرت‌هایی به بعضی نقاط کشور، انجام داده و پول‌هایی در راستای خواسته‌های جناح خاص پخش کرده است که این مسأله، مشروعیت کار کمیسیون را زیر سؤال برده و اعتراض سایر اعضای آن را برانگیخته است.»

استاد مزاری ضمن اشاره به مشکلات دیگری که فرا راه تشکیل شورا وجود دارد در رابطه با

مواضع احزاب و جریان‌های جهادی گفت: «اکثریت احزاب جهادی تصمیم گرفته‌اند که تدویر شورای اهل حل‌وعقد به زمان دیگری موکول گردیده به تأخیر افتد و تا زمان تشکیل شورا یک دورهٔ موقت دیگر از طریق شورای رهبری به وجود آمده زمینهٔ تشکیل واقعی و تعیین‌کننده شورا را فراهم آورد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که نظر شما در مورد تصمیم دولت جمهوری اسلامی مبنی بر بازگشت مهاجرین به کشورشان چیست؟ گفت: «از نظر ما فعلاً شرایط برای بازگشت مهاجرین آماده نیست، قحطی افغانستان را تهدید می‌کند. سرمای زمستان و برف و کولاک موانع بزرگی به سر راه انتقال و اسکان مهاجرین ایجاد خواهد کرد و از طرف دیگر، هیچ‌گونه امنیتی در راه وجود ندارد. دولت آمادگی پذیرایی از مهاجرین را ندارد و در این زمینه هیچ برنامه‌ای ندارد بر علاوه ثبات سیاسی در کشور به وجود نیامده است، لذا ما از مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و دولت جمهوری اسلامی جداً می‌خواهیم که برای مهاجرین ما فرصت بیشتری بدهند تا آمادگی لازم برای بازگشت را پیدا نموده و کشور ما نیز قدرت پذیرایی و اسکان آنان را به دست آورد.»

استاد مزاری از مقامات جمهوری اسلامی خواست که علاوه بر چهارده سال حمایت و پشتیبانی از مقاومت مردم افغانستان و پذیرایی از مهاجرین چند ماه دیگر را نیز تحمل نموده، به مهاجرین مهلت دهند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۶۰، چهارشنبه ۱۳۷۱/۹/۱۱، کابل.

(۲۰)

مصاحبه‌ای از رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد عبدالعلی مزاری

خبرنگار: نیروهایی به نام اتحاد سیاف چند بار به پایگاه‌های حزب وحدت اسلامی و به مناطق مسکونی کابل که عمدتاً شیعه‌نشین هستند، حمله کردند به نظر شما علت این خصومت‌ها چیست؟

بسم الله الرحمن الرحیم. دربارهٔ جنگ‌های تحمیلی که از طرف تنظیم اتحاد اسلامی[۱] بر حزب وحدت اسلامی[۲] تحمیل شده، علت‌های متعددی دارد. علت عمده این است که دست خارجی در این جنگ‌ها دخیل است. عرب‌هایی که از طرف وهابیت تقویت شده و به افغانستان آمده‌اند تا به این اختلافات دامن بزنند. دربارهٔ علت اول، ما در جنگ اول و در جنگ میدان‌شهر که جنگ دوم است و نیز در جنگ‌های سوم و چهارم، عرب‌های زیادی را اسیر کردیم. عرب‌های زیادی هم کشته شدند. خود دولت و وزارت دفاع هم اعتراف کردند که عرب‌ها در جبهه‌های آنان حضور دارند و سلاح‌های سنگین در اختیارشان است. این‌ها با سلاح سنگین گلوله شلیک می‌کردند. در میدان‌شهر و در جنگ اول هم این غائله را اعراب به وجود آوردند. در کوته‌سنگی پنج نفر خارجی دستگیر شدند که بازهم به یک شکل آن را رها کردند؛ واسطه شدند. چند نفری هم این‌جا کشته شدند. چند اسیر از آن‌ها گرفته شد.

پاکستان هم در این جنگ عملاً دخالت دارد. نیروها و نفرهای پاکستانی هم در این جنگ

---

۱. اتحاد سیاف یا اتحاد اسلامی حزب جهادی توسط عبدالرب رسول سیاف از فرماندهان سابق مجاهدین است. سیاف رهبر تنظیم دعوت اسلامی افغانستان (اتحاد اسلامی سابق) در دوران جنگ شوروی در افغانستان دیدگاه‌های اسلام‌گرایانه با گرایش سلفی نزدیکی داشته وی موفق شد تا کمک‌های زیادی را از مخالفان شوروی به ویژه عربستان دریافت کند. بسیاری از داوطلبان عرب نیز تحت سرپرستی او در جنگ افغانستان شرکت می‌کردند که در گفتگوی حاضر به حضور نیروهای عرب در جنگ‌های کابل اشاره شده است. نیروهای سیاف پس از سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان وارد کابل شده در جریان جنگ داخلی افغانستان درگیری‌های خونینی با حزب وحدت اسلامی و دیگر گروه‌های شیعه داشتند. عفو بین‌الملل او را به جنایت‌های جنگی در سال ۱۹۹۲ پس از فروپاشی دولت نجیب‌الله، متهم کرده است. طبق این گزارش‌ها نیروهای سیاف به مناطق شیعه‌نشین و مردم هزاره شهر کابل حمله کرده هم‌چنین نقش بسزایی در حادثه افشار داشته‌اند؛ بنابراین، گزارش نیروهای سیاف به کشتار، تجاوز و آتش‌زدن خانه‌های غیرنظامیان افشار دست زدند.

۲. حزب وحدت اسلامی افغانستان یکی از حزب‌های سیاسی قوم هزاره در افغانستان در سال ۱۳۶۸ متشکل از ۸ حزب به وجود آمد. این هشت حزبی که در یک حزب متحد شدند رهبری آن را عبدالعلی مزاری بر دوش داشت که به دست طالبان کشته شد.

دستگیر شدند. نیروهای تبلیغاتی‌شان که می‌آیند، علیه شیعیان تبلیغ می‌کنند. جمعی از این نیروها دستگیر شدند.

در این‌جا جنگ تنها بین حزب وحدت و اتحاد سیاف نبوده است؛ بلکه علیه حزب وحدت و حرکت اسلامی بوده است. عرب‌ها این جنگ را علیه شیعیان شروع کردند.

علت دوم این است که شیعیان افغانستان در طول تاریخ محروم بوده‌اند. در سیاست دخالت نداشته‌اند. حکومت‌های پیشین افغانستان شیعیان را از مشارکت سیاسی محروم کرده بودند. در طول چهارده سال جنگ که روسیه بر مردم ما تحمیل کرد، مردم ما فعالانه در این جنگ شرکت کردند و چهارده سال مبارزه کردند و از این امتحان سربلند بیرون آمدند. تمام مناطق‌شان را که در سال اول جهاد آزاد کردند، در طول چهارده سال آزاد نگه داشتند. مرکز ولایت بامیان را در سال ۱۳۶۷ آزاد کردند که تا حالا آزاد بوده، در حالی که گروه‌های هفتگانه[۱] و دولت موقت[۲] با تمام امکاناتی که در اختیار داشتند، نتوانستند جلال‌آباد را آزاد کنند. وقتی در جنگ نقش فعال داشته‌اند، یعنی در آزادسازی مناطق‌شان نقش فعال بوده‌اند.

دربارهٔ تسخیر کابل هم شیعیان نقش فعال ایفا کردند و نیروی تعیین کننده بودند. در کابل فقط نیروهای نظامی حزب وحدت اسلامی، شورای‌نظار، حرکت اسلامی و اتحاد اسلامی حضور

---

۱. قرار معلومات مارک جیمز در کتاب طلایی زرد، جنرال اختر رئیس سازمان ای اس آی پاکستان توانست یک اتحاد رسمی را بین احزاب جهادی بوجود آورد؛ بدین اساس کوشش کرد تا فعالیت‌های داخلی تنظیم‌های هفتگانه را از این طریق اداره کند و از شهزاده ترکی رئیس استخبارات عربستان سعودی نیز دعوت کرد تا به پاکستان آمده و در این مذاکرات اشتراک کند. این همان اتحادی بود که در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی به نام اتحاد هفتگانه نام یافت و به اثر فشارهای رژیم‌ها و سازمان‌های استخباراتی آمریکا، پاکستان، عربستان سعودی، کویت و سایر شیخ نشین‌های خلیج فارس صورت گرفت و شامل این تنظیم‌ها می‌شد:

جمعیت اسلامی به رهبری برهان‌الدین ربانی؛

حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار؛

حزب اسلامی افغانستان به رهبری مولوی یونس خالص؛

حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرسول سیاف؛

حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمدنبی محمدی؛

محاذ ملی به رهبری پیر سید احمد گیلانی؛

جبهه نجات ملی به رهبری صبغت‌الله مجددی.

۲. دولت موقت در این‌جا، دولت موقت مجاهدین است؛ یعنی بعد از توافقات ژنو که منجر به خروج نیروهای شوروی از افغانستان گردید، سران احزاب جهادی مستقر در پاکستان حکومت موقت تشکیل دادند و کابینهٔ دولت موقت را پی ریزی کردند. دولت موقت ناکامی که اختلاف بنیادین بین در احزاب و گروه‌های مجاهدین را نتوانست مدیریت کند؛ بعضی از سران احزاب با بعضی از کشورهای عربی مثل عربستان و پاکستان ارتباطات نزدیکی داشتند. این ارتباطات به حدی مستحکم بود که آن‌ها مستقیماً در مسائل مربوط به افغانستان و حکومت مجاهدین دخالت می‌کردند. نتیجهٔ این دخالت‌ها را در جنگ‌های مداوم شورای نظار احمدشاه مسعود از جمعیت اسلامی و حزب اسلامی حکمتیار در طول جهاد و هم‌چنین نفاق و از هم پاشیدگی مکرر دولت موقت مجاهدین از سوی حکمتیار در پاکستان و عدم‌پذیرش شرکت مجاهدین شیعی در قدرت و غیره می‌توان ملاحظه کرد.

داشتند؛ ولی بیشتر قاطع مناطق نظامی، مراکز سیاسی و اداری در دست حزب وحدت بود. این برادرانی که در طول تاریخ حکومت کرده بودند قابل قبول نبود. از این جهت است که این‌ها جنگ‌ها را علیه مردم مظلوم ما تحمیل می‌کنند. این خودشان به ما می‌گویند که شما جوالی بودید و جوالی‌گری می‌کردید و امروز که سلاح به دوش می‌گیرید حقوق طلب می‌کنید؟ این درست نیست!

علت سوم هم این بود که قبلاً اگر تحولاتی در افغانستان به وجود می‌آمد، این تحولات از جنوب بود؛ اما در تحولات کنونی که انقلاب اسلامی را پیروز کرده، از شمال شروع شده و در تحولات شمال و سقوط مزارشریف نقش عمده را حزب وحدت داشته است. اگر ژنرالی آمده و با دولت وقت مخالفت کرده، این مخالفت را اول آمده با حزب وحدت در میان گذشته است. اول موافقت حزب وحدت را گرفته و گفته اگر شما از ما حمایت می‌کنید، ما این مخالفت را ادامه می‌دهیم و تعهد می‌سپاریم که حکومت را سرنگون کنیم و از این حکومت اسلامی حمایت کنیم.

اولین تماس‌ها با حزب وحدت بوده است. شورای مرکزی حزب وحدت پس از بحث و گفتگو با این مسائل موافقت کرده و بعد مزارشریف تسخیر شده که نقش تعیین کننده را حزب وحدت داشت. کابل هم که تسخیر شد، بازهم نقش تسخیر کننده را حزب وحدت داشت.

خبرنگار: چرا به این حملات و جنگ‌ها ادامه دادند؟

استاد مزاری: از نگاه تاریخی، این تحولات برای یک‌سری تنظیم‌ها قابل قبول نیست. حسادت می‌ورزند؛ همین موضوع سبب می‌شود تا این‌ها علیه مردم مظلوم ما جنگ را تحمیل کنند. این سه علت، دلایل عمده‌ای است که این جنگ‌ها را علیه ما تحمیل کرده است و الا ما هیچ انگیزه‌ای برای جنگیدن نداشتیم و حالا هم نداریم.

با وجودی که این‌ها نسبت مردم ما توهین و تحقیر کردند، در تصمیم‌گیری‌هایی که دربارهٔ مسألهٔ افغانستان در سال ۱۳۶۷ و در سال ۱۳۷۱ گرفته شد، مردم شیعه را با این حضور عظیمش نادیده گرفتند؛ ولی ما از باب این‌که جنگ‌طلب نبودیم، مخالف جنگ بودیم، طرفدار جنگ نبودیم، با این از ابتدای ورودشان به کابل نه فقط جنگ نکردیم، بلکه از این دفاع هم کردیم. وقتی حضرت صاحب (صبغت‌الله مجددی) به این‌جا آمد و تقاضای مذاکره کرد، ما بلافاصله هیأت تعیین کردیم تا مذاکره کنند. در آستانهٔ توافق قرار داشتیم و قرار بود که این توافق در رادیو هم اعلام شود که ناگهان اولین جنگ علیه ما تحمیل شد. در اولین روز جنگ اول بلافاصله از طرف

فرماندهان دو طرف آتش‌بس امضاء شد که هر سه طرف یعنی حرکت اسلامی، حزب وحدت اسلامی و اتحاد اسلامی قطعنامهٔ آتش‌بس را امضاء کردند؛ ولی آن‌ها رعایت نکردند. فردای همان روز دوباره جنگ را علیه ما شروع کردند.

از طرف صبغت‌الله مجددی اقداماتی شد. اعلامیهٔ آتش‌بس اعلام شد. با وجودی که ما در دولت رسماً عضویت نداشتیم، اما آتش‌بس را قبول کردیم. آقای عبدالرسول سیاف که عضو دولت بود، این آتش‌بس را نپذیرفت. به‌رغم این‌که اعلام هم نکردند که به هیچ‌وجه جنگ ادامه پیدا نکند و آتش‌بس رعایت شود، بازهم این آتش‌بس از طرف آن‌ها نقض شد.

در سومین روز جنگ، باز هیأتی از طرف فرماندهان حزب وحدت، حرکت اسلامی و اتحاد اسلامی تعیین شدند و آتش‌بس به امضاء رسید و در جریان آتش‌بس اسرا مبادله شدند. سه روز نگذشته بود که آقای برهان‌الدین ربانی شورای عالی نظارت را خواست که شما هم بیایید آتش‌بس امضاء کنید. این آتش‌بس به امضاء رسید و از رادیو و تلویزیون هم پخش شد و تا چند روزی دوام پیدا کرد تا این‌که مسألهٔ میدان‌شهر را این‌ها به وجود آوردند.

به‌موجب موافقت‌نامهٔ آتش‌بس پیشنهاد شده بود که هیأتی برود تا مشکلات را حل بکند تا راه‌ها به‌طرف هزاره‌جات باز شود و در تردد مردم ممانعت نکنند؛ لذا ما هیأت تعیین کردیم که این‌ها چهار تا پنج جلسه مذاکره کردند. حاجی عبدل و شهید فاضل به مشکلات رسیدگی کردند تا راه‌ها آزاد باشد. به‌رغم امضای موافقت‌نامه‌های آتش‌بس، بازهم آن‌ها به دو پایگاه مرکزی حزب حرکت اسلامی در شهر میدان‌شهر در مسیر راه کابل حمله کردند و چلچلهٔ آن را با راکت زدند و درگیری دوباره شروع شد و جمعی شهید شدند؛ این جنگ چند روز ادامه داشت.

در حقیقت عامل این جنگ بازهم عرب‌ها و اتحاد اسلامی وابسته عبدالرسول سیاف بود. این نیروها به‌حساب برقراری صلح و به‌حساب این‌که ما نیروی صلح هستیم، آمدند و بچه‌ها را در میدان‌شهر خلع سلاح کرده و این شهر را به تصرف خود درآوردند. با وجودی که شهر در محاصره بود، بچه‌ها چند روزی مقاومت کردند. پس از آن دوباره جنگ دیگری بر ما تحمیل شد. البته ناگفته نماند که چند روز پیش از آغاز جنگ سوم نفرگیری شروع شد؛ هم نیروهای شورای‌نظار نفرهای ما را می‌گرفتند، هم نیروهای اتحاد اسلامی حاج آقای فاضل، تورن مختار و استاد خلیلی را هم در این راهزنی‌ها گرفتند. افزون بر آنان بیست نفر از مردم مظلوم ما را که کارگر و شاگرد دکان بودند، گرفتند و آن‌ها را خفه کردند و از بین بردند. ما تحمل کردیم و دوباره هیأت

تعیین کردیم تا این نفرگیری‌ها و راهزنی‌ها متوقف شود و آن‌هایی را که گرفته‌اند آزاد کنند و این کار ادامه پیدا نکند؛ زیرا این کار به نفع ملت و مردم نیست.

در همین حال آن‌ها بازهم به کابل حمله کردند که این جنگ سه روز طول کشید. در روز اول که این‌ها آمدند، ما اعلامیهٔ آتش‌بس را یک طرفه امضاء کردیم و بردیم پیش آقای سیاف که امضاء کند؛ ولی این هم رعایت نشد. مهاجمان، مناطق مسکونی غرب کابل را با سلاح‌های سنگین به‌شدت گلوله‌باران کردند؛ به‌طور مثال در منطقهٔ دشت‌برچی ۱۸۴۴ خانه صدمه دید. قلعه‌شاده و مناطق مسکونی دیگری نیز به همین شکل صدمه دیدند. در این جنگ یک‌صد تن از مردم ما شهید و حدود پنج‌صد نفر از مردم غیر نظامی مجروح شدند. شاید خبرنگاران خارجی و کسانی که در کابل بودند، در طول چهارده سال چنین جنگ شدیدی را در کابل به خود ندیده بودند.

خبرنگار: دولت ربانی برای توقف این حملات چه اقداماتی را به عمل آورد؟

استاد مزاری: در این جنگ شورای رهبری (هیأت دولت) دخالت کرد که دو طرف قضیه بنشینند در «قَرغَه» در منطقهٔ زیر نفوذ جمعیت اسلامی، آتش‌بس امضاء کنند که ما این پیشنهاد را پذیرفتیم و آن‌جا رفتیم و آتش‌بس را امضاء کردیم. پس از امضای آتش‌بس، هیأتی را تعیین کردیم تا به وضعیت مجروحان و مبادلهٔ اسرا رسیدگی کند. از مردم غیر نظامی ما ۵۰۰ نفر اسیر بودند که آن‌ها تعهد دادند همه را آزاد کنند؛ ولی آزادی اسیران مدت‌ها طول کشید.

از طرف هیأت دولت هم کمیته‌ای تعیین شده بود تا به مجروحان، خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان رسیدگی کند که بازهم این حرفی بیش نبود و در این مسأله اقدامی نشد و اسیران ما وقتی آزاد شدند که جنگ چهارم شروع شده بود.

چهار روز پیش از آغاز جنگ چهارم هم این‌ها قندهاری را آوردند و در کوته‌سنگی مستقر کردند و افراد بی‌گناهی از مردم ما را اعم از شاگردان دکان‌ها و کارکنان ادارات را جمع کرده و هشت کارگر را در اتاق‌شان به رگبار بسته و از بین بردند. بازهم ما این مسأله را تحمل کردیم. هیأت‌های وزارت دفاع و داخله را بردیم و نشان دادیم؛ ولی متأسفانه که این‌ها نه اعلام کردند و نه اعلامیه دادند که این تجاوز را محکوم کنند. نه اعلامیه دادند که این‌ها موافقت‌نامه آتش‌بس را نقض کرده و نه اعلامیه دادند که این‌ها مردم بی‌گناه را کشته‌اند بازهم ما صبر کردیم.

باز دو روز بعد در همین کوته‌سنگی، همین قندهاری‌ها یک مرد و یک زن عابر را زدند و کشتند. جنگ درگرفت و از کنترل ما خارج بود. این جنگ شش روز ادامه داشت. در خلال این

جنگ دوصد نفر از اسرای قبلی ما که از مردم عادی بودند، فرار کردند و آمدند و سیصد نفر دیگر ماندند. در این جنگ شش‌روزه خسارات زیادی به بار آمد. ما در حال دفاع بودیم؛ ولی متأسفانه هیچ گروه افغانی و هیچ دولتی این آتش‌باری و این جنگ‌افروزی را که منازل مسکونی مردم و مناطق غیرنظامی را مرتب گلوله‌باران می‌کردند، نه محکوم کرد و نه هم اقدامی به جای آورد.

در این زمان جنگ آقای حکمتیار با آقای ربانی شروع شد. این جنگ موشک‌پرانی از دور بود. بعد شورای رهبری هیأت دولت نشست و این جنگ را محکوم کرد. در رادیو و تلویزیون اعلامیه و پیام دادند. بعضی دولت‌های خارجی هم این جنگ را محکوم کردند. ما نمی‌دانیم که اگر در دنیا جنگ با غیر نظامی‌ها محکوم است و زدن مناطق غیر نظامی محکوم است، آن اندازه که آقای سیاف با اتحادش مناطق مسکونی و مردم غیر نظامی ما را زده‌اند، خیلی گسترده‌تر از آن است که آقای حکمتیار مناطق ربانی را زده است؛ لذا ما از این جهت گله داریم که هیچ‌کس حملات نیروهای سیاف به مناطق مسکونی ما را محکوم نکرد، ولی ما در این جنگ جاری (بین ائتلاف جنرال دوستم و حزب اسلامی با ربانی و مسعود) بی‌طرف هستیم. جنگ بین دو تنظیم است؛ چون این جنگ بین دو تنظیم است، لذا مسألهٔ دولت در کار نیست و ما این حق را به خود می‌دهیم تا در این جنگ بی‌طرف باشیم و دخالت نکنیم.

در حال حاضر همهٔ راه‌های ارتباطی مناطق (شیعه‌نشین) هزاره‌جات بند است. الآن راه‌های ما در تمام مناطق بسته است. تنها حزب اسلامی این راه را بند نکرده، بلکه همهٔ راه‌هایی مانند راه‌های جلال‌آباد، قندهار، هرات و راه شمال بند است. راه میدان‌شهر هم به روی مردم ما بند است. این ظلمی است که دربارهٔ مردم روا داشته شده است.

ما دربارهٔ این مسأله با حزب اسلامی در حال مذاکره و بحث هستیم تا حل شود. مبنای ما این است که با همهٔ احزاب از راه مذاکره، گفت‌وگو و تفاهم مشکلات را حل کنیم. منطق ایجاب نمی‌کند که دو تنظیم دیگر که بین خود جنگ دارند، ما طرف یکی را بگیریم به خاطر آن‌که راه ما بند است. این ظلم را همه دربارهٔ مردم ما کرده و ما از راه مذاکره و تفاهم حاضریم تا مسائل را حل کنیم. این جنگی که در کابل جریان دارد، جنگ بین دو تنظیم است. ما معتقدیم که مشکل افغانستان از راه تفاهم، مذاکره و به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر حل می‌شود، نه از طریق جنگ.

خبرنگار: از طرف حزب وحدت اسلامی هشت نفر به شورای جهادی معرفی شده‌اند، آیا

فعالیت‌شان را آغاز کرده‌اند یا مشکلی پیش آمده است؟

استاد مزاری: ما با حضرت صاحب (صبغت‌الله مجددی) توافق کردیم که هشت نفر در شورای جهادی، یک نفر در شورای رهبری و سه وزیر معرفی کنیم. منتهی از روزی که قدرت به آقای ربانی انتقال پیدا کرده تا به امروز شورای جهادی دایر نشده است؛ چون آقای صبغت‌الله مجددی رئیس شورای جهادی بود و اکنون ایشان به خارج رفته، آقای برهان‌الدین ربانی هم شورای جهادی را دایر نکرده؛ لذا شورای جهادی دایر نشده تا افرادی از حزب وحدت در آن‌جا شرکت کنند. برای شورای رهبری، ما آقای فاضل را نماینده برگزیدیم تا برود و در آن‌جا شرکت کند تا یک‌سری مشکلاتی را که در کابل داریم از نزدیک حل شود؛ به خاطر این‌که هر وقت مسأله‌ای پیش می‌آمد، ما با نمایندگان شورای رهبری و دولت مسائل را مطرح می‌کردیم و آن‌ها برای فرار از این موضوع می‌گفتند که تصمیم این مسأله را شورای رهبری می‌گیرد. در حال حاضر جلسات شورای رهبری دایر نمی‌شود و اعضای آن‌هم وجود ندارند. آقای یونس خالص استعفا کرده است. آقای حکمتیار را هم اخراج کرده‌اند و مولوی محمدنبی، پیر صاحب گیلانی و حضرت مجددی هم در خارج هستند. عملاً این‌جا شورای رهبری وجود ندارد تا مشکلات افغانستان از راه شورای رهبری حل شود.

خبرنگار: خواسته‌های حزب وحدت چیست و به نظر شما مشکلات کشور چگونه حل می‌شود؟

استاد مزاری: خواسته‌های اساسی حزب وحدت اسلامی به تکرار بیان شده است. حزب وحدت معتقد است که مردم افغانستان چهارده سال مبارزه کرده و شرایط سختی را تحمل کرده‌اند، شهید و معلول داده‌اند، آواره و مهاجر دارند، مردم با مبارزات خستگی‌ناپذیرشان نه‌تنها روسیه را در سطح افغانستان شکست دادند که یک ابرقدرت را در سطح بین‌المللی شکست دادند و در نتیجهٔ این مبارزه نصف جهان آزاد شده است؛ لذا حق طبیعی همهٔ مردم و ملیت‌های افغانستان این است که در تعیین سرنوشت آینده‌شان مشارکت داشته باشند و تصمیم بگیرند.

یکی از خواسته‌های عمده و اساسی حزب وحدت اسلامی تضمین حقوق ملیت‌هاست؛ چون در جریان انقلاب و جهاد چهارده ساله، شهید و مجروح دادند. در مسألهٔ آوارگی و مهاجرت همه شریک بوده‌اند؛ پس در تصمیم‌گیری‌ها هم باید همه شریک باشند. دوران حکومت یک قشر خاص یا یک نژاد خاص بر دیگران سپری گشته است. ملیت‌ها خواستهٔ اساسی‌شان را طبق آمار

و میزان جمعیت می‌خواهند؛ یعنی هر ملتی در افغانستان طبق جمعیتش باید در سیاست‌گذاری، تشکیل دولت و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز سهمی داشته باشد.

دربارهٔ شیعیان افغانستان، حزب وحدت اسلامی در سال ۱۳۶۷ با مسامحه‌کاری جمعیت بیست‌وپنج درصد شیعیان را پذیرفته و روی همان خواسته‌اش پافشاری می‌کند. برای سایر ملیت‌ها هم طبق آمار جمعیت‌شان همین خواسته را دارد.

مسألهٔ دیگری که مطرح است، مسألهٔ تشکیلات اداری و آیندهٔ سیاسی افغانستان است؛ چون تشکیلات اداری پیشین تشکیلات ظالمانه بوده؛ لذا حزب وحدت خواهان دگرگونی نظام تشکیلات سیاسی اداری افغانستان است. اگر انتخابات آینده بر مبنای تناسب جمعیت و ارزش آرای عمومی، نه منطقهٔ خاص جغرافیایی برگزار شود، نتایج این انتخابات ارزش خواهد داشت. در حال حاضر می‌بینیم که مناطق کشور به شکل استعماری و استبدادی تقسیم شده است. شما می‌دانید که در مناطق شمالی و مناطق مرکزی السوالی‌هایی تا ۱۵۰ یا ۱۶۰ هزار جمعیت دارند؛ ولی از این مناطق هم یک وکیل به مجلس ملی می‌رفت و از آن شهری هم که پنج هزار جمعیت و یا بعضی از مناطق اداری که ۲۸۰۰ نفر جمعیت داشتند هم یک وکیل به مجلس می‌رفت. برخی از ولایت‌ها که ۶۵ هزار جمعیت داشتند هشت وکیل به مجلس می‌فرستادند. یک السوالی هم که ۱۶۰ هزار جمعیت داشت، یک وکیل می‌فرستاد. از نگاه ما این تقسیمات ظالمانه است و باید عادلانه روی جمعیت السوالی‌ها تقسیم‌بندی شود.

در افغانستان که شیعیان بیست‌وپنج درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، حتی ادارهٔ یک ولایت از بیست‌وهشت یا سی ولایت به مردم شیعه اختصاص ندارد. در ادارهٔ ولایت شیعه‌نشین بامیان باز باقی برادران اهل تسنن نیز شریک‌اند، در حالی که این همه جمعیت داشتیم؛ لذا این مسأله باید اصلاح شود.

مسألهٔ دیگر مسألهٔ انتخابات است، حزب وحدت دربارهٔ انتخابات معتقد است که تنها راه نجات مردم و ثمرهٔ انقلاب برای مردم افغانستان این است که انتخابات آزاد برگزار شود و همهٔ اقشار مردم از پیر، جوان، مرد و زن به‌تناسب جمعیت در آن حق و سهم داشته باشند؛ منتهی به این شرط که تابع افغانستان باشند، یعنی تابعیت افغانستان را بپذیرند.

مردم افغانستان در انتخابات و سرنوشت‌شان حق رأی دارند؛ اما کسی که تابعیت افغانستان را نپذیرفته و در طول تاریخ نپذیرفته، باید حق رأی نداشته باشد و باید انتخابات آزاد طبق جمعیت

و آرای عمومی گرفته شود.

احزابی که هرکدام‌شان اکثریت را کسب می‌کنند، دولت تشکیل دهند؛ این خواستهٔ حزب وحدت است و روی این مسأله پافشاری می‌کند. این مسأله تنها خواستهٔ حزب وحدت نیست، بلکه ملیت‌های زیادی از مردم افغانستان خواسته‌شان همین است. راه‌حل اصلی را ما تشکیل یک حکومت اسلامی مورد قبول همهٔ مردم افغانستان می‌دانیم؛ یعنی تا زمانی که این مسأله به وجود نیاید، افغانستان را یک حزب و دو حزب یا یک نژاد و دو نژاد نمی‌تواند اداره کند. مجامع بین‌المللی و کشورهای همسایه باید از این خواستهٔ به‌حق مردم افغانستان حمایت کنند تا این خواسته عملی شود. در غیر این صورت هر راه‌حلی که باشد منجر به شکست می‌شود، چنان‌که در این مدت این خواسته به‌حق مردم را در نظر نگرفتند و دچار شکست شدند.

خبرنگار: گفته می‌شود که دولت موقت یک قانون اساسی را به‌طور موقت تنظیم کرده است، آیا این خواسته در آن منعکس شده است؟

استاد مزاری: این قانون اساسی هرگز قانون اساسی نیست. در دنیا مرسوم است که قانون اساسی وقتی ارزش پیدا می‌کند که قاطبهٔ مردم به آن قانون رأی موافق دهند. قانونی بدون رأی موافق مردم هیچ ارزش حقوقی و ارزش شرعی ندارد. آقایان در پاکستان نشستند و بدون آگاهی مردم افغانستان قانونی را تنظیم کرده و در این‌جا به‌صورت نمایشی چند کمیسیون تشکیل دادند. حزب وحدت اسلامی که بخش عظیمی از مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد، در این کمیسیون‌ها مشارکت نداشته است، نیروهای شمال که ثلث افغانستان را از نگاه ولایات تشکیل می‌دهند و از نگاه جمعیتی جمعیت بالایی دارند، در تدوین این قانون اساسی حضور نداشته‌اند؛ لذا این یک چیز مسخره است، یک امر معقول نیست، قانون اساسی نمی‌تواند موقت شود، قانون اساسی نه موقت می‌شود و نه بدون رأی اکثریت مردم و نه بدون حضور نمایندگان مردم ارزش پیدا می‌کند.

اگر بنا باشد که معیارهای حقوقی قانون اساسی رعایت شود، هر فرد و هر حزبی نمی‌نشیند تا یک قانون اساسی بنویسد؛ این نه عاقلانه است و نه مرسوم و نه پذیرفتنی. این‌گونه قوانین از نظر ما مردود است. هیچ‌گونه ارزش قانونی ندارد و نمی‌تواند مشکل افغانستان را حل کند؛ چرا که نه حقوق مردم را در نظر گرفته و نه اکثریت قاطع مردم از جزئیات آن آگاهی دارند. انقلاب ما وقتی پیروز می‌شوند که یک «شورای انقلابی» تشکیل شود و کار تدوین پیش‌نویس قانون اساسی را بر عهده گیرد؛ سپس این پیش‌نویس از طریق روزنامه‌ها و رسانه‌ها به آگاهی عموم برسد و بعد

هم قاطبهٔ مردم به آن رأی موافق دهند. در این صورت قانون اساسی ارزش قانونی پیدا می‌کند، چنان‌چه حقوق ملیت‌ها و نحوهٔ تشکیلات اداری و نحوهٔ اداره مملکت از نگاه مذهبی در محتوای قانون اساسی رعایت نشود، این قانون یک چیز بی‌محتوا و هیچ‌گونه ارزش قانونی نخواهد داشت.[۱]

۱. ماهنامهٔ شاهد یاران، شمارهٔ ۵۹، مهرماه ۱۳۸۹، آرشیف مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.

(۲۱)

مصاحبهٔ استاد عبدالعلی مزاری با خبرنگاران خارجی[۱]

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ مطبوعاتی به سؤالات خبرنگاران بی‌بی‌سی[۲] و آسوشیتدپرس[۳] پیرامون آخرین تحولات سیاسی کشور پاسخ گفت. استاد مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی دربارهٔ تشکیل «شورای اهل حل‌وعقد»[۴] گفت:

«حزب وحدت اسلامی مصمم بود که این شورا به‌صورت عادلانه و به‌موقع دایر گردد تا یک حکومت با ثبات از این طریق به وجود آید و در این باره فعال هم برخورد کرد؛ ولی متأسفانه به خاطر این‌که در ولایاتی مانند قندهار، فراه، نیمروز، ارزگان، ولایات شمال و پروان مشکلاتی برای هیأت‌های ناظر بر انتخاب اعضای شورا به وجود آمد و اصلاً قندهار مسألهٔ حل‌وعقد را قبول نداشتند و لوی‌جرگه را پیشنهاد می‌کردند و دولت هم با این مسأله فعال برخورد نکرد و اتهاماتی هم وجود دارد که پول‌هایی پخش کردند، فعلاً احتمال دایر شدن شورای حل‌وعقد ضعیف گردیده است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که در صورت دایر نشدن شورای اهل حل‌وعقد چه خواهد شد، گفت:

---

۱. مصاحبهٔ استاد عبدالعلی مزاری با خبرنگاران خارجی، چهارشنبه ۱۳۷۱/۹/۱۱.

2 . BBC (British Broadcasting Corporation)

3 . Associated Press

۴. در سال ۱۳۷۱ برهان‌الدین ربانی جهت مشروعیت بخشیدن به ریاست و حکومت خود به تشکیل «شورای حل‌وعقد» اقدام کرد. براساس مصوبهٔ پیشاور قرار بود که پیش از اتمام دورهٔ چهار ماههٔ ریاست جمهوری برهان‌الدین ربانی، انتخابات برگزار شده و شورایی جهت تشکیل دولت جدید به وجود آید، اما این کار صورت نگرفت و شورای رهبری تصویب کرد که ایشان به مدت ۴۵ روز دیگر بر سر کار بماند تا مقدمات شورای حل‌وعقد فراهم شود. بدین منظور کمیسیونی از نمایندگان احزاب جهت ترتیب آیین نامهٔ انتخابات شورای اهل حل‌وعقد تشکیل شد. پیش از انتخابات نمایندگان، برهان‌الدین ربانی و سید احمد گیلانی خود را نامزد مقام ریاست دولت کردند، اما شیوهٔ کار کمیسیون و انتخاب نمایندگان باعث آن شد که گیلانی از نامزدی خود صرفنظر کند و ربانی تنها نامزد باقی بماند. به جز اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف تمامی گروه‌های دیگر با روند شکل گیری شورای اهل حل‌وعقد مخالفت کردند، اما این شورا علی‌رغم این مخالفت‌ها به تاریخ ۷۱/۱۰/۸ تشکیل شد و تا تاریخ ۷۱/۱۰/۱۳ ادامه یافت. شورای حل‌وعقد به تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۹ با ۹۱۶ رأی موافق، ۵۹ رأی مخالف و ۳۶۰ رأی ممتنع برهان‌الدین ربانی را به مدت دو سال رئیس دولت افغانستان انتخاب کرد.

«مرجع اصلی و قانونی تصمیم‌گیری در کشور، شورای‌قیادی است که همهٔ احزاب در آن شرکت دارند و قطعاً باید «شورای قیادی»[۱] فردی را به‌طور موقت تعیین کند تا شرایط برای تشکیل عادلانهٔ شورای حل‌وعقد فراهم شود و توافق ولایات هم گرفته شود.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه به سردی هوا، بسته بودن راه‌های مواصلاتی، اعتراضات ولایات دربارهٔ تشکیل شورا، ضرورت تشکیل یک دولت موقت دیگر را یادآور گردیده گفت: «سه چهار ماه لازم است تا شرایط تشکیل عادلانهٔ شورا با شرایط صحیح فراهم شود.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه در پاسخ به پرسش خبرنگار آسوشیتدپرس مبنی بر این‌که هیأت‌های مناطق مرکزی چه مشکلی داشته‌اند؟ گفت: «دولت به وعده‌های خود دربارهٔ نقل و انتقالات هیأت‌ها وفا نکرد، آن‌ها چند روز معطل ماندند؛ ولی با آن‌هم نمایندگان مناطق مرکزی طبق شرایط تعیین گردیده‌اند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که اگر بین آقای ربانی و شورای قیادی اختلاف‌نظر پیش آمده و وی تصمیم بر تدویر شورای حل‌وعقد بگیرد چه خواهد شد؟ گفت:

«شورای اهل حل‌وعقد خارج از احزاب نیست، شورای قیادی نیز از احزاب جهادی تشکیل گردیده است. بنابراین، اگر احزاب نخواهند شورا تشکیل گردد، اعضای انتخابی این شورا نیز به کابل نخواهند آمد. فعلاً شورای قیادی تنها مرجع تصمیم‌گیری قانونی است، هر تصمیمی که شورای قیادی بگیرد همان اعتبار دارد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به سؤال خبرنگار آسوشیتدپرس دربارهٔ پیشرفت پروسهٔ حل‌وعقد گفت: ما در دوران چهارماههٔ آقای ربانی نیز گفتیم که کسی باید رهبری دولت موقت را بر عهده بگیرد که برای دور بعدی کاندیدای ریاست دولت نباشد تا از قدرت دولت به نفع جناح خاص خود سوءاستفاده نکرده و بیت‌المال مسلمانان را در جهت تثبیت موقعیت سیاسی خود مورد بهره‌برداری قرار ندهد؛ که متأسفانه امروز این مشکل پیش آمده و سوءظن‌هایی را برانگیخته است که همین مسأله نیز باعث تأخیر در تشکیل شورای اهل حل‌وعقد خواهد شد.

---

۱. منظور از «شورای قیادی» در این‌جا یعنی زمانی که مجاهدین در سال ۱۳۷۱ در کابل حکومت اسلامی را تشکیل دادند، بعد از ختم دورهٔ شش ماههٔ ریاست جمهوری صبغت‌الله مجددی از طرف شورای قیادی مجاهدین برای چهار ماه به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و با ختم میعاد مذکور با تشکیل شورای به نام «اهل حل‌وعقد» که از ملاها تشکیل گردیده بود، مدت ریاست جمهوری خویش را تا دو سال دیگر تمدید کرد؛ به خاطر همین مسأله و اختلاف رهبران مجاهدین بر سر تشکیل دولت و انحصارگرایی سیاسی حکومت ایشان، در کابل جنگ‌های خونین تنظیمی و قومی به وجود آمد و کابل ب‌کلی به ویرانه تبدیل شد.

استاد مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی دربارهٔ خواسته‌های جنبش ملی افغانستان گفت:

«در این باره باید شورای قیادی بحث و بررسی لازم را انجاتم بدهد و با توجه به این‌که جنبش از بخش عظیمی از مردم افغانستان نمایندگی می‌کند، لذا مشکل آن‌ها را حل کند تا در کشور آرامش، صلح، ثبات اساسی و پایدار به وجود آید و بدون حضور جنبش مشکل سیاسی کشور حل نمی‌گردد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۶۱، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۹/۱۲، کابل.

(۲۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهور اسلامی ایران[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ تلفنی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به پرسش‌های وی پیرامون جنگ تحمیلی اخیر، آتش‌بس و شورای حل‌وعقد پاسخ گفت:

«پس از اعلام آتش‌بس دیروز تاکنون آتش‌بس رعایت نشده و به‌جز تیراندازی‌های پراکنده، هر دو طرف آن را رعایت کرده‌اند و ما امیدواریم که آتش‌بس دوام داشته و امنیت و آرامش به شهر بازگردد.»

وی در قسمت دیگری از این مصاحبه دربارهٔ شورای اهل حل‌وعقد گفت:

«هر کس اندکی تأمل کند در شرایط فعلی با توجه به وضع جنگی کابل، امتناع جنبش ملی اسلامی از فرستادن نمایندگان خود به کابل و مخالفت بسیاری از ولایات کشور و مهم‌تر از همه مخالفت احزاب جهادی، اصولاً زمینهٔ دایر شدن شورا فراهم نیست، مگر این‌که کسانی را از کوچه و بازار جمع کنند و به‌صورت قلابی و نمایشی دایر کنند.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه دربارهٔ جابه‌جایی نیروهای حائل گفت:

«هیأت صلح نیروهای فرقهٔ هفتاد را در برخی از مناطق درگیری جابه‌جا کرده‌اند و قرار است در گردنهٔ «باغ‌بالا» و «خیرخانه» فردا فرقهٔ هشتاد جابه‌جا شوند.»[۲]

---

۱. خبرگزاری جمهور اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۹/۱۹.

۲. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۶۸، شنبه ۱۳۷۱/۹/۲۱، کابل.

(۲۳)

مصاحبهٔ دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، با آژانس خبری ایتالیا[1]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار آژانس خبری ایتالیا به سؤالات وی پیرامون اهداف حزب وحدت اسلامی، نظام حکومتی آینده و جنگ تحمیلی اخیر پاسخ گفت. دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که حزب وحدت اسلامی چه اهدافی را دنبال می‌کند، گفت: «هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرن بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گرایی، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد و کلیهٔ مردم افغانستان از هر قوم، نژاد، با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقهٔ تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین گردیده و آن‌ها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقش‌شان در جهاد چهارده‌سالهٔ ضد روسی در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان سهم بگیرند. خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «ما حقوق ملیت‌های محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم؛ اما هیچ‌گاه معتقد به اتخاذ شیوه‌های قهرآمیز و توسل به جنگ برای تأمین آن نبوده‌ایم و بعد از این نیز نخواهیم بود؛ ولی هرگاه بر ما تجاوز شود و دیگران بخواهند مواضع انحصارطلبانه‌شان را بر ما تحمیل کنند، آمادهٔ دفاع از مردم خود هستیم.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار ایتالیایی دربارهٔ سیستم حکومتی آینده در افغانستان گفت: «ما تنها راه‌حل مشکل افغانستان را تشکیل «حکومت فدرالی» در این سرزمین می‌دانیم. ما معتقدیم که بدون ایجاد یک ساختار فدرالی که تأمین کنندهٔ خواست‌ها و اهداف کلیهٔ اقوام، مذاهب و گرایش‌های سیاسی است بحران افغانستان حل نخواهد شد؛ چون در افغانستان کنونی هیچ مرکزیتی وجود ندارد و کشور به حوزه‌های اقتدار محلی تبدیل گردیده است. در سیستم فدرالی حقوق ملیت‌ها بهتر تأمین خواهد شد؛ و وحدت ملی نیز به‌صورت اصولی تحقق

---

۱. آژانس خبری ایتالیا، چهارشنبه ۱۳۷۱/۹/۲۵.

خواهد یافت.»

استاد مزاری دربارهٔ جنگ تحمیلی اخیر گفت: «ما آغازگر این جنگ نبودیم. در آغاز این جنگ بین شورای‌نظار[۱] و فرقهٔ هشتاد صورت گرفت. سپس با دستگیری‌های وسیع مردم هزاره توسط شورای‌نظار به‌تمامی نقاط شهر کشیده شد و با تهاجم شورای مزبور بالای یکی از موترهای حامل نیروهای ما پای حزب وحدت اسلامی نیز کشیده شد. ما از همان آغاز درگیری تلاش کردیم آتش جنگ را مهار کنیم. ما هیأت صلح تعیین کردیم؛ ولی چون از قبل این جنگ طراحی و سازمان‌دهی شده و با پلان قبلی از سوی شورای‌نظار بر ما تحمیل گردیده بود، تلاش‌های صلح به‌جایی نرسید و درگیری‌ها شدت یافت که در نتیجهٔ آن سیلوی مرکزی، ریاست تصدی کاماز، لوای سی‌وهفتم کماندویی، خانهٔ علم و فرهنگ، لیسهٔ حبیبیه و چندین پوستهٔ شورای‌نظار به تصرف نیروهای حزب وحدت اسلامی درآمد و متقابلاً آن‌ها مناطق مسکونی «چنداول»، «قلعه‌موسی» و «تایمنی» را با سلاح‌های سنگین مورد حمله قرار دادند و چنداول را به آتش کشیدند.»[۲]

۱. شورای‌نظار ائتلافی از گروه‌های نظامی مجاهدین افغانستانی بود که احمدشاه مسعود در پانزدهم قوس ۱۳۶۲ در جلسه‌ای از فرماندهان جمعیت اسلامی افغانستان در السوالی اشکمش ولایت تخار گذاشت و بعداً در جلسه‌ای مشابه در خاواک پنجشیر «شورای نظار» نام گرفت.

۲. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۷۳، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۹/۲۶، کابل.

(۲۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار بی‌بی‌سی به سؤالات وی پیرامون اوضاع جاری کشور، شورای اهل حل‌وعقد، دولت موقت، مذاکرات چهارجانبه و مسائل دیگر پاسخ گفت. خبرنامهٔ وحدت به خاطر اهمیت این مصاحبه متن آن را به نشر می‌سپارد که می‌خوانید:

سولماز دبیری: مثل این‌که امروز کار کمیسیون انتخابات تمام شده آیا شما شرکت می‌کنید؟

استاد مزاری: با توجه به این‌که هفت تنظیم برگزاری شورای حل‌وعقد در شرایط کنونی را رد کرده و مشترکاً اعلامیه‌ای را در این زمینه تصویب و منتشر کردند، به فکر من پافشاری آقای ربانی در جهت تدویر آن بی‌مورد است.

سولماز دبیری: شورای مذکور ممکن است یکی دو روز آینده تشکیل شود، پس به نظر شما راه‌حل چیست؟

استاد مزاری: راه‌حل همان است که اکثریت اعضای شورای قیادی در جلسهٔ پلچرخی تصویب کردند. در این جلسه که به دنبال سپری شدن مهلت ریاست آقای ربانی دایر گردید، چنین فیصله شد که ایشان قدرت را به شورای قیادی منتقل کند تا آنان کسی دیگر را تعیین کنند تا شورا را به‌صورت عادلانه بررسی کرده دایر کند؛ بدین صورت مشکل حل می‌شد؛ اما آقای ربانی از این کار سرباز زده و بدون مجوز قانونی قدرت را نگه‌داشته است. هیچ مرجع قانونی بقای ریاست او را بعد از اتمام چهل‌وپنج روز تأیید نکرده و ایشان اگر فرضاً هم در دوران حکومت غیر قانونی خود شورای حل‌وعقد را دایر کند، هیچ ملاک قانونی ندارد و مورد پذیرش سایر تنظیم‌ها نخواهد بود و همه آن را رد کرده‌اند.

سولماز دبیری: به‌طور رسمی از سوی آن‌ها رد شده است؟

استاد مزاری: بلی، هم نماینده‌های هفت تنظیم در کمیسیون مرکزی تدویر شورا اعلامیه دادند

---

۱. خبرگزاری بی‌بی‌سی، شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۵.

و هم رهبران تنظیم‌های یاد شده مصوبه کردند که شورا باید به تأخیر بیفتد و قدرت به شورای رهبری منتقل شود؛ زیرا شرایط کنونی برای انجام این کار مناسب نیست.

سولماز دبیری: آیا جنبش هم مشمول تنظیم‌هایی است که شرایط را برای تدویر شورا مناسب نمی‌دانند؟

استاد مزاری: جنبش ملی اسلامی هشتمین تنظیمی است که در این مصوبه شرکت دارد.

دبیری: آیا پیشنهاد شما در مورد مذاکرات چهارجانبه به‌جایی رسیده است؟

استاد مزاری: وقتی تصمیم گرفته شد که بایستی مشکلات مملکت به نحوی حل و فصل شود، علاوه بر مذاکرات حضوری آقای ربانی کتباً به قوت‌های عمدهٔ جهادی اختیار دادند که در مورد مشکلات کنونی کشور به شمول مشکلات شورای اهل حل‌وعقد پس از بحث و بررسی همه‌جانبه تصمیم مقتضی را بگیرند و این‌که این تصمیمات مورد قبول او خواهد بود ما توافق حزب اسلامی و جنبش ملی ـ اسلامی را گرفتیم؛ اما آقای ربانی در یک تخلف آشکار از نامهٔ کتبی به امضاء خودش نمایندهٔ خود را در اجلاس چهارجانبه نفرستاد و هرچه تماس گرفتیم پاسخ مثبت نداد.

دبیری: دلیل این‌که نمایندهٔ خود را علی‌رغم توافق قبلی‌اش نمی‌فرستند چیست؟

استاد مزاری: ایشان در یک پیشنهاد دیگر خواستار کمیسیون سه‌جانبه با شرکت جمعیت، حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی ـ اسلامی شدند و این‌که این‌ها در بین خود این مشکل را حل کنند که ما آن را نپذیرفتیم؛ زیرا معتقد هستیم تا همهٔ طرف‌های ذی‌نفع در قضیهٔ افغانستان به شمول حزب اسلامی آقای حکمتیار در اتخاذ یک تصمیم اصولی، در جهت منافع، مصالح ملت و کشور شرکت نداشته باشند مشکل افغانستان حل نخواهد گردید.

دبیری: ایشان خواهان این است که حزب، هیچ شرکت نداشته باشد و یا این‌که بعداً حزب وارد مذاکره می‌شود؟

استاد مزاری: می‌گفتند که مشکلات در یک کمیسیون سه‌جانبه حل و فصل شود بعداً با حزب اسلامی وارد صحبت شوند؛ ولی ما گفتیم حزب وحدت و جنبش طی ماه‌های گذشته نیز در دولت شرکت داشتند؛ ولی راه‌حل اصولی برای معضلات کشور یافت نشد. جنگ، بستن راه‌های مواصلاتی به روی کاروان‌های مواد غذایی، سوخت و... بیش از پیش مردم را دامن‌گیر مشکلات ساخت.

دبیری: من شنیده‌ام حزب اسلامی مانع ورود مواد غذایی و سوختی در شهر است، آیا این درست است؟

استاد مزاری: حزب اسلامی قبلاً خواستار تشکیل کمیسیون با شرکت همهٔ احزاب جهادی گردیده بود تا جریان توزیع عادلانهٔ مواد غذایی را در شهر کابل زیر نظر بگیرند و تأکید کرده بود که در این صورت راه‌ها را باز می‌کند. نماینده‌های احزاب هم تعیین گردید و وقت برای تجمع نمایندگان در وزارت داخله نیز مشخص شد؛ اما در اثر مخالفت دولت ربانی و کارشکنی‌های‌شان کار کمیسیون مختل گردید.

دبیری: تا آن‌جا که می‌دانم بعضی‌ها مخالف هر نوع نقش جنبش در قضایای افغانستان است؟

استاد مزاری: البته این موضع‌گیری از سوی هر کسی که باشد به صلاح مردم افغانستان نیست؛ زیرا یگانه چیزی که مردم افغانستان بعد از چهارده سال جنگ به آن نیاز مبرم دارند صلح و آرامش است؛ و راه ایجاد صلح و امنیت در کشور احترام گذاشتن به حق و حقوق تمام ملیت‌های باهم‌برادر و کسب رضایت تمام قوت‌ها است.

دبیری: در صورت اصرار دولت جهت تدویر شورا و یا بر اقدام دیگری آینده را چگونه می‌بینید، آیا وضعیت خطرناک نخواهد شد؟

استاد مزاری: آقای ربانی اگر قانونی عمل می‌کرد، یعنی پس از سپری شدن چهل‌وپنج روز قدرت را به شورای قیادی منتقل می‌ساخت و آن‌ها کس دیگری را مسئولیت می‌دادند و اعتراضات بالای ترکیب فعلی شورای حل‌وعقد از سوی آنان بررسی می‌گردید تا شورای یاد شده مطابق لایحه‌ای که احزاب آن را تدوین کرده بودند در زمان مناسب و ممکن دایر شود مشکلی پیش نمی‌آمد؛ ولی برهان‌الدین ربانی از این کار سرباز زده بیش از ده روز است که به‌طور غیر قانونی قدرت را در دست دارد و هیچ مرجع قانونی حکومت او را صحه نگذاشته است. به توافقات قبلی و اختیارنامهٔ کتبی‌اش که کمیسیون چهارجانبه را برای حل قضایای فعلی کشور پیش‌بینی کرده بود نیز عمل کرده‌اند؛ لذا ما معتقد هستیم مسئول عواقب خطرناک آن شخص آقای ربانی است.

دبیری: دولت اعلام کرده است که ۱۳۰۰ نفر نماینده به کابل آمده است، آیا نماینده‌های شما هم از آن جمله است؟

استاد مزاری: خیر، نماینده‌ای از سوی حزب وحدت نیامده است. نماینده‌های جنبش هم که آمده است فعلاً خواستار به تعویق افتادن تدویر شورا است.

دبیری: آیا حزب کاندیدایی را جهت احراز پست ریاست جمهوری معرفی کرده است؟

استاد مزاری: خیر، چون ترکیب فعلی شورا را عادلانه نمی‌دانیم و خواستار به تعویق افتادن تدویر شورا هستیم، کاندیدایی را معرفی نکرده‌ایم؛ بله اگر شورا از ترکیب فعلی بیرون بیاید و به‌صورت عادلانه دایر شود، آن‌وقت ممکن است کاندیدا داشته باشیم.

دبیری: آیا در حال حاضر هیچ وزارت در اختیار شماست؟

استاد مزاری: طبق توافقات قبلی حزب وحدت اسلامی با آقای ربانی، چهار تا وزارت بایستی در اختیار این حزب می‌بود که وزارتخانه‌های تجارت، انکشاف‌دهات و «معادن و صنایع» در اختیار ما گذاشته شده بود، اما بعد از جنگ، وزرای ما نمی‌روند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۸۱، یک‌شنبه ۶ جدی ۱۳۷۱، کابل.

(۲۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار مجلهٔ میدل‌ایست[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار مجلهٔ میدل‌ایست[۲] چاپ لندن به سؤالات وی پیرامون شورای حل‌وعقد، دولت ربانی، آیندهٔ سیاسی افغانستان، نقش حزب وحدت اسلامی در تحولات جاری و خواسته‌های این حزب پاسخ داد.

استاد مزاری در قسمتی از این مصاحبه دربارهٔ شورای اهل حل‌وعقد و تأثیر آن بر آیندهٔ سیاسی گفت: «این شورا به‌صورت غیر قانونی، کاملاً تقلبی و علی‌رغم درخواست‌های مکرر احزاب و سازمان‌های جهادی مبنی بر تأخیر آن تشکیل شد؛ بنابراین تصمیمات آن نیز غیر قانونی بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای مردم مسلمان افغانستان و احزاب جهادی نمی‌آورید. طبیعتاً پیامدهای دردبار تصمیمات این شورا نیز بر عهدهٔ کسانی است که به‌صورت یک‌جانبه و عظمت‌خواهانه به تشکیل غیر قانونی آن اقدام کردند.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه ضمن رد هرگونه مذاکره و گفتگو با آقای ربانی گفت: «آقای ربانی باید قدرت را به شورای قیادی تسلیم کند، راه دیگری غیر از این وجود ندارد. شورای قیادی اکنون تنها مرجع قانونی تصمیم‌گیری در کشور است. این شورا برای مدتی فرد دیگری را تعیین خواهد کرد و او ضمن ادارهٔ دولت، زمینهٔ تشکیل عادلانهٔ شورای حل‌وعقد یا انتخابات عمومی را فراهم خواهد آورد.»

آقای مزاری در پاسخ به این سؤال که شیعیان چند درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و چه خواسته‌هایی دارند؟ گفت: «شیعیان سی درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و ما خواستار یک حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همهٔ مردم افغانستان به‌تناسب نفوس و میزان حضورشان

---

۱. خبرگزاری مجله میدل‌ایست (Middle East)، شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۱۲.

2 . Middle East

در حیات سیاسی اجتماعی کشور تأمین گردد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به نقش کلیدی و محوری حزب وحدت اسلامی در سقوط و سرنگونی رژیم الحادی نجیب و حضور توانمند و گستردهٔ این حزب در مقاومت کبیر چهارده‌ساله گفت:

«در ترکیب آیندهٔ قدرت باید یکی از پست‌های کلیدی کشور به حزب وحدت اسلامی نمایندهٔ اصلی و قانونی شیعیان افغانستان تعلق گیرد.»

آقای مزاری در مورد روابط حزب اسلامی با جنش شمال و حزب وحدت اسلامی گفت:

«حزب وحدت اسلامی با حزب اسلامی آقای حکمتیار، جنبش شمال، احزاب و تنظیم‌های جهادی دیگر از قبیل «جبههٔ نجات ملی» و «محاذ ملی» دیدگاه مشترک دارند و در شرایط کنونی دولت غیر قانونی ربانی را به رسمیت نمی‌شناسند و تا وقتی که خواسته‌های سیاسی‌شان تأمین نگردد، به طور مشترک در برابر حکومت ربانی خواهند ایستاد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که روابط شما با ایران چگونه است گفت: «از این‌که جمهوری اسلامی ایران کشور شیعی است، شیعیان افغانستان با این کشور پیوند مذهبی دارند؛ اما از نظر سیاسی و جهادی ما در اکثر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران و پاکستان دفتر نمایندگی داشتیم، همان‌گونه که سایر احزاب جهادی از برادران اهل سنت نیز در ایران نمایندگی داشتند و کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به همهٔ احزاب جهادی کمک و مساعدت برادرانه کرده است که این امر اختصاصی به شیعیان افغانستان نداشته است.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به این‌که دولت ربانی یک دولت غیر مشروع است، گفت: «آقای ربانی با تشکیل شورای قلابی حل‌وعقد زمینه‌ساز اختلافات گردید و پیامدهای آن نیز به عهدهٔ وی خواهد بود.»

وی دربارهٔ آیندهٔ سیاسی افغانستان گفت: «ما امیدواریم که در افغانستان حکومت اسلامی که خواسته‌های تمام مردم افغانستان را تأمین کند به‌وجود آمده و منطق اصالت

زور و حکومت‌هایی که می‌خواهند با زور بر مردم حکومت نمایند نابود گردد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۸۷، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۱۳، کابل.

(۲۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس[۱]

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری فرانسه[۲] به سؤالات وی دربارهٔ با جنگ‌های اخیر، دولت ربانی، دستگیری آقای جریر و داکتر طالب، مذاکرات سیاسی و مسائل کلی کشور پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال که چه مانعی برای مذاکرهٔ شما با دولت آقای ربانی وجود دارد گفت: «دولت ربانی از یک منبع قانونی سرچشمه نگرفته و از نظر ما دولت غیر قانونی و غیر مشروع است و ما با چنین دولتی مذاکره‌ای هم نداریم.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه گفت: «هفت گروه از نه گروه جهادی با تشکیل شورای قلابی اهل حل‌وعقد مخالفت کردند و خواستار تأخیر آن گردیدند؛ ولی آقای ربانی بدون توجه به خواست احزاب جهادی و مردم مسلمان افغانستان و صرفاً برای تحکیم قدرت خود و جناح وابسته‌اش اقدام به تشکیل شورای کاملاً نمایشی و انتصابی کرد که این عمل وی نقض مقررات پیشاور و مصوبات شورای قیادی به شمار آمده و از نظر اکثریت احزاب و مجاهدین کشور مردود است.»

وی در پاسخ به این سؤال که انگیزه‌های جنگ اخیر بین حزب وحدت اسلامی و شورای‌نظار چه بوده، آیا این جنگ با تشکیل شورای حل‌وعقد ارتباطی داشته است؟ گفت: «این جنگ را شورای‌نظار آغاز کرده و هدف آن نیز ایجاد یک جو تبلیغاتی به نفع جناح حاکم بود. آن‌ها می‌خواستند با تحمیل این جنگ بر حزب وحدت اسلامی و جامعهٔ شیعیان شهر کابل به گروه‌های مخالف دیگر نیز زهرچشمی نشان داده و به خیال خود آنان را از مخالفت با دولت ربانی بر حذر دارند؛ اما با دفاع قوی و همه‌جانبهٔ مردم ما، تمامی نقشه‌های آنان خنثی گردیده و جنگ اخیر بیش از این‌که دستاوردی برای شورای‌نظار داشته باشد، سند رسوایی دولت و وزارت دفاعش به شمار

---

۱. خبرگزاری فرانس‌پرس، سه‌شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۱۵.

2 . Agence France-Presse

می‌آید. آنان با کشتار سبعانهٔ مردم چنداول، آتش زدن خانه‌ها، مغازه‌های مردم، چور و چپاول اموال و دارایی‌های عامه عقده‌های شکست‌شان در میدان‌های جنگ را فرونشاندند؛ ولی همهٔ دنیا شاهد بود که جنگی را که آنان بر هدف مشخصی بر مردم ما تحمیل کردند، جز شکست و ضعف ارمغان دیگری برای‌شان نداشت.»

آقای مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه با اشاره به دستگیری آقای جریر و داکتر طالب گفت: «مذاکرهٔ سیاسی و تبادل نظر مابین احزاب جهادی و جریان‌های سیاسی حق مسلم آنان است و ما نیز با حزب اسلامی آقای حکمتیار با توجه دیدگاه مشترکی که داریم، پیرامون اوضاع سیاسی بحث و تبادل نظر می‌کنیم.»

آقای جریر نیز در این باره به مرکز حزب وحدت اسلامی آمده و در عین حال براساس قرار قبلی می‌خواست آقای داکتر علاءالدین بروجردی معاون وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران را جهت مذاکره با آقای مهندس حکمتیار به چهارآسیاب ببرد که این ملاقات به دلایل امنیتی به هم خورد. هنگامی که آقای جریر به‌طرف چهارآسیاب برمی‌گشت، از سوی نیروهای شورای‌نظار با کمین مواجه شده و همراه با دکتر طالب دستگیر می‌شوند که از نظر ما این عمل اقدام تروریستی و راهزنانه به‌شمار می‌آید. اگر این سنت سوء ادامه یابد، بدیهی است که دود آن به چشم دولت‌مداران آقای ربانی نیز خواهد رفت.

استاد مزاری در قسمت اخیر این مصاحبه دربارهٔ آینده سیاسی کشور گفت: «ما فعلاً علیه دولت، مبارزهٔ سیاسی می‌کنیم و امیدواریم آقای ربانی سرانجام به طرح مذاکرات چهارجانبه تن داده و به ارادهٔ مردم تسلیم شود. در غیر آن صورت گروه‌های پنج‌گانهٔ حزب اسلامی، حزب وحدت اسلامی، جنبش ملی- اسلامی جبههٔ نجات ملی، محاذ ملی اسلامی، به طور مشترک تصمیم خواهند گرفت.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۹۰، چهارشنبه ۱۳۷۱/۱۰/۱۶، کابل.

۲۷

مصاحبه استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با سوزی پرایس خبرنگار بی‌بی‌سی به سؤالات وی پیرامون شورای حل‌وعقد، ریاست ربانی بر دولت، ائتلاف مخالفین، آیندهٔ سیاسی کشور، جنگ احتمالی و مواضع حزب وحدت اسلامی پاسخ گفت.

استاد مزاری در قسمتی از این مصاحبه ضمن غیر قانونی خواندن دولت ربانی و این‌که حزب وحدت اسلامی ربانی را به حیث رئیس جمهوری کشور به رسمیت نمی‌شناسد گفت: «موضع حزب وحدت اسلامی و احزاب ائتلافی این است که ربانی باید قدرت را به شورای قیادی واگذار کند و شورای قیادی فرد دیگری را به جای وی تعیین کند تا زمینهٔ تشکیل عادلانهٔ شورای حل‌وعقد یا انتخابات آزاد و عمومی فراهم آید.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که اگر دولت ربانی در کابینهٔ خود برای شما یک پست مهم در نظر بگیرد، حاضرید با وی توافق کنید؟ گفت: «ما یک جبههٔ ائتلافی متشکل از چندین گروه و حزب سیاسی جهادی هستیم و از اصل، با ریاست غیر قانونی ربانی مخالفیم و به‌تنهایی هیچ توافقی با ربانی نخواهیم کرد.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه ضمن تأکید بر حل سیاسی مشکلات افغانستان گفت: «ما طرفدار حل مسائل از طریق مذاکره و تفاهم همگانی هستیم و فعلاً می‌خواهیم بر ربانی فشار سیاسی وارد کنیم و وی را متقاعد سازیم که برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی و به خاطر مصالح مردم خواسته‌های برحق مردم و احزاب جهادی تن داده و از قدرت کناره‌گیری کند.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از مصاحبه ضمن رد هرگونه شکاف در صفوف احزاب ائتلافی گفت: «ربانی تلاش دارد در میان احزاب ائتلافی شکاف ایجاد کند؛ ولی احزاب مذکور تاکنون موضع واحد داشته‌اند.»

استاد مزاری در پاسخ گفت به این سؤال که اگر تقاضای شما برآورده شود، آیا ربانی را به حیث

---

۱. خبرگزاری بی‌بی‌سی، شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۱۹.

رئیس جمهور قبول می‌کنید؟ گفت: «ما ریاست ربانی را از اساس غیر قانونی می‌دانیم. ایشان خود را به‌صورت غیر قانونی رئیس اعلام کرده است، ما با اصل ریاست ایشان بر دولت مخالفیم و تا وقتی که ایشان بر سریر قدرت باشد نوبت به تقاضاهای دیگر ما نمی‌رسد، ایشان باید از قدرت کناره‌گیری کنند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به ملاقاتی که داکتر بروجردی و سایر شخصیت‌های داخلی و خارجی با وی در زمینه داشته‌اند گفت: «آن‌ها طرفدار تفاهم و حل مسائل از طریق مذاکره بودند و نسبت به ادامهٔ خشونت‌ها و خون‌ریزی‌ها اظهار نگرانی می‌کردند که ما نیز به آن‌ها یادآوری کردیم که کلیهٔ مسائل مربوط به ربانی می‌شود و مسئولیت جنگ و خونریزی‌های احتمالی نیز بر عهده وی خواهد بود.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا حزب وحدت اسلامی مواضعی را که در جنگ با شورای‌نظار تصرف کرده بود، پس داده است یا نه؟ گفت: «مواضع نظامی که از طریق جنگ تحمیلی اخیر به دست آورده‌ایم پس نداده‌ایم.»

وی در ادامهٔ این مصاحبه اظهار داشت: «هر مشکلی که در آینده برای مردم مسلمان شهر کابل پیش آید، مسئول مستقیم آن شخص ربانی است؛ زیرا که می‌خواهد به‌زور بر مردم، حکومت کرده و از طریق توسل به قهر و قوت نظامی خود را بر احزاب جهادی دیگر تحمیل کند.»[1]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۹۳، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۲۰، کابل.

(۲۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار جمهوری اسلامی به سؤالات وی پیرامون اوضاع جاری سیاسی کشور پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا حزب وحدت اسلامی بر مواضع اعلام شدهٔ پیشین باقی است یا تغییراتی ایجاد شده است؟ گفت: «مواضع حزب وحدت اسلامی، همان چیزی است که قبلاً در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مسئولین این حزب اعلام گردیده است. ما خواهان احقاق حقوق کلیهٔ ملیت‌های ساکن در کشور بوده و تلاش داریم در افغانستان حکومت اسلامی قانونی و مبتنی بر عدالت اجتماعی به وجود آید. دولت ربانی از یک مرجع قانونی سرچشمه نگرفته با توجه به سوءاستفاده‌های آنان از قدرت و بیت‌المال مسلمان‌ها نمی‌تواند از ارادهٔ مردم مسلمان افغانستان نمایندگی کرده و حقوق حقهٔ آنان را تأمین کند.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه دربارهٔ تلاش‌های هیأت صلحی که اخیراً تشکیل یافته و مسافرتی که به پاکستان داشته است گفت: «این هیأت با اشاره و تشویق ربانی تشکیل شده و تلاش‌هایی را نیز سازمان‌دهی کرده است؛ اما مواضع ما و سایر احزاب جهادی همان مواضع قبلی است که اولاً آقای ربانی باید از قدرت کناره‌گیری کند، دوم- شورای قیادی تشکیل گردد، سوم- فرد دیگری به جای ربانی تعیین نگردد تا وی زمینهٔ تشکیل شورای حل‌وعقد را طبق لایحهٔ برگزاری یا انتخابات آزاد و عمومی را فراهم آورده، چهارم- به سوءاستفاده‌های ربانی- مسعود از بیت‌المال دربارهٔ شورای قلابی و سایر مصرف‌های غیرقانونی آن و اجحاف نسبت به دارائی عامه رسیدگی شود.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه با بیان این مطلب که پنج گروه عمده سیاسی- جهادی دارای مواضع مشترک و متحد بوده و مخالف حکومت ربانی هستند، دربارهٔ تمایل آقای پیر گیلانی برای تصدی پست صدارت گفت: «پیر گیلانی مواضعش با ما فرق ندارد،

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۰/۲۷.

ایشان صدارت را از طرف شورای قیادی و با توافق همهٔ احزاب می‌خواهد، نه از طرف ربانی؛ شورای حل‌وعقد را نیز ایشان قانونی ندانسته نتایج آن را نمی‌پذیرند.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا حزب وحدت اسلامی با حزب اسلامی آقای حکمتیار ائتلاف کرده است؟ گفت: «ما دربارهٔ شورای قلابی حل‌وعقد و نتیجهٔ آن با حزب اسلامی موضع مشترک و واحد داریم.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که جمعیت اسلامی ادعا دارد ما به لحاظ تاریخی زبانی و فرهنگی متحد طبیعی حزب وحدت هستیم نظر شما چیست؟ گفت: «مسائلی که در طول شش ماه اخیر به وجود آمده و حوادث ناگواری که توسط جمعیت اسلامی بر مردم ما تحمیل گردید، بسیاری از باورهای تاریخی ما را عوض کرده و دسته‌بندی‌هایی را که در طول چهارده سال جهاد روی آن حساب می‌گردید، تغییر داد. امروز هر جریانی که اهداف ما را تعقیب کرده و واقعیت‌های جامعهٔ افغانستان را در نظر گرفته و به حقوق مردم ما احترام می‌گذارد و برای برپایی حکومت راستین اسلامی و منتخب تلاش کند، ما حاضریم با آن‌ها در یک جبهه مبارزه کنیم. پس از جنگ اخیری که جمعیت بر مردم ما تحمیل کرد، دیگر مردم ما نمی‌توانند بپذیرند که تشکیلات سیاسی‌شان مسائل قبلی را دنبال کند.»

استاد مزاری در بخش دیگری از مصاحبه‌اش گفت: «امروزه استقلال و تمامیت ارضی افغانستان بستگی به این دارد که حکومت اسلامی با شرکت متناسب همهٔ مردم افغانستان در این سرزمین تشکیل گردیده و با توجه به مشترکات اعتقادی میان مردم مسلمان افغانستان و خصلت ضد خارجی آنان وحدت ملی در این کشور تأمین گردد.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه گفت: «ما در راه تحقق خواسته‌ها و اهداف خود مبارزهٔ سیاسی می‌کنیم و بر جمعیت اسلامی نیز فشار وارد می‌آوریم تا در برابر ارادهٔ مردم و احزاب جهادی تسلیم گردیده و قدرت را به شورای قیادی واگذار کند.»

وی در ادامه اظهار داشت: «خط‌مشی اعلام شده توسط ربانی حکایت از آغاز یک جنگ می‌کند. جابه‌جایی نیروهای نظامی و آوردن نیرو از مناطق شمال و پنجشیر نیز بیانگر آمادگی ربانی–مسعود برای جنگ است. حزب وحدت اسلامی به خاطر حفظ آرامش مردم و جلوگیری از خون‌ریزی تلاش می‌کند جلو جنگ و کشتار گرفته شود؛ اما اگر جنگی واقع شود، بدون شک مسئولیت آن به دوش ربانی خواهد بود. آقای ربانی باید از قدرت کناره‌گیری

کرده و بر مواضع خلاف قانون و حق و عدالت اصرار نورزد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۰۰، دوشنبه ۱۳۷۱/۱۰/۲۸، کابل.

(۲۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان با ابراز نگرانی از بروز یک جنگ دیگر در این کشور گفت: «این حزب مخالفت با دولت برهان‌الدین ربانی را که از راه‌های سیاسی پیگیری می‌کند و آغاز کنندهٔ جنگ نخواهد بود.»

وی که صبح دیروز در گفتگو با خبرنگاران ایرانی اعزامی به کابل شرکت کرده بود افزود: «حزب وحدت اسلامی معتقد است شورای قیادی مرکب از رهبران تمامی احزاب جهادی این کشور بایستی هرچه زودتر یک سرپرستی موقت برای دولت افغانستان انتخاب کند.»

بر پایهٔ پیشنهاد دبیرکل حزب وحدت اسلامی دولت موقت انتخابی، شورای قیادی نیز موظف است زمینه را برای انتخابات عمومی در این کشور و انتخاب رئیس جمهوری و دولت آینده با رأی مستقیم مردم افغانستان فراهم آورد.

استاد مزاری گفت: «این پیشنهاد را در دیدار با آقای محسنی رئیس هیأت صلح، میان گروه‌های افغانی ارائه داده‌ام.»

وی در این گفتگو بار دیگر از حزب اسلامی حکمتیار، جنبش ملی اسلامی شمال جنرال دوستم، حزب محاذ ملی سید احمد گیلانی و جبههٔ نجات ملی صبغت‌الله مجددی چهار متحد حزب وحدت اسلامی افغانستان یاد کرد.

استاد مزاری هم‌چنین بزرگ‌ترین عامل اشتراک مردم افغانستان را تشکیل حکومتی که حقوق همهٔ ملت‌ها را در این کشور تأمین کند و از اسلام سرچشمه گیرد، خواند.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان با ابراز نگرانی از احتمال بروز یک جنگ دیگر در این کشور گفت: «ما امیدواریم ربانی قدرت سیاسی را به شورای قیادی مرکب از رهبران تمامی گروه‌های جهادی افغانستان واگذار کرده از بروز چنین جنگ خونین جلوگیری کند، با این حال وی تأکید کرد ائتلاف پنج گروه مخالف علیه دولت ربانی خواست‌های خود را از راه‌های سیاسی

---

۱. مصاحبه استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۱۰/۲۹، کابل.

پیگیری می‌کند و هرگز آغاز کنندهٔ جنگ نخواهد بود.»[۱]

۱ . منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷۳.

(۳۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با آسوشیتدپرس[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار آسوشیتدپرس[۲] به سؤالات وی پیرامون جنگ اخیر شورای‌نظار علیه حزب اسلامی، اهداف حزب وحدت اسلامی و آینده سیاسی افغانستان پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال که نظر شما دربارهٔ جنگ دیروز وزارت دفاع با حزب اسلامی چیست؟ گفت: «این جنگ را شورای‌نظار شروع کرده و مسئولیت عواقب آن به عهدهٔ شورای‌نظار است. آن‌ها نه‌تنها علیه حزب اسلامی که علیه حزب وحدت اسلامی نیز از محور گردنهٔ «باغ‌بالا» حملاتی را آغاز کردند، اما به‌شدت سرکوب گردیده و عقب‌نشینی کردند.»

آقای مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه ضمن تأکید بر موضع قبلی اعلام شده از سوی حزب وحدت اسلامی تنها راه‌حل بحران کنونی را کناره‌گیری ربانی از قدرت اعلام کرده و دربارهٔ راه‌حل نظامی گفت: «هرگاه فشارهای سیاسی به‌جایی نرسد، راه‌حل نظامی را بررسی خواهیم کرد.»

استاد مزاری در خصوص روابط حزب وحدت اسلامی با حزب اسلامی گفت: «ما با چهار گروه عمدهٔ سیاسی ـ جهادی مواضع مشترک داشته و یک ائتلاف سیاسی مخالف ربانی را تشکیل می‌دهیم حزب اسلامی نیز یکی از آن‌هاست.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در ادامهٔ این مصاحبه با اشاره به نقش تخریبی مداخلات خارجی در امور افغانستان، حفظ استقلال، تمامیت ارضی و ثبات سیاسی این کشور را از اهم وجایب نیروهای سیاسی- جهادی افغانستان دانسته بر نقش مستقل و مردمی حزب وحدت اسلامی تأکید کرده گفت: «حزب وحدت اسلامی از متن مردم برخاسته، مرکزیت آن در داخل افغانستان قرار داشت و هم‌اکنون نیز تنها به مردم خویش اتکا داشته از آن‌ها کمک می‌گیرد و به

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۱۰/۲۹، کابل.

2. Associated Press.

یاری آنان می‌شتابد. حزب وحدت اسلامی از مردم خود می‌آموزد و به آن‌ها آموزش می‌دهد. ما یک حزب مردمی هستیم که تاکنون هیچ‌گونه کمکی از هیچ کشور خارجی دریافت نداشته‌ایم.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۰۳، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۱۱/۱، کابل.

(۳۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران بی‌بی‌سی و آسوشیتدپرس به سؤالات آنان پیرامون جنگ اخیر، موضع نیروهای ائتلافی، مذاکرهٔ رهبران جهادی و مسائل دیگر پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که نظر شما در رابطه با جنگ اخیر چیست؟ گفت: «این جنگ را شورای‌نظار علیه حزب اسلامی شروع کرده است و علی‌رغم آتش‌بس اعلام شده آن‌ها عملاً آتش‌بس را زیر پا گذاشته و حملاتی را علیه حزب وحدت اسلامی نیز سازمان دادند و در گردنهٔ «باغ‌بالا» کوه سیلو و مرکز تعلیمی بالای مواضع ما آتش‌باری نمودند که در نتیجهٔ آن چندین نفر از نیروهای ما به شهادت رسیدند.»

استاد مزاری در ادامهٔ این پاسخ، گفت: «حزب وحدت اسلامی تاکنون از سیاست صبر و خویشتن‌داری پیروی کرده است و علی‌رغم آتش‌افروزی شورای‌نظار از گسترش دامنهٔ جنگ خودداری کرده است؛ ولی اگر دولت ربانی بخواهد حملات خود را ادامه دهد، ما نیز تصمیم جدی خواهیم گرفت.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در ادامهٔ این مصاحبه دلایل حمله شورای‌نظار بر مواضع حزب وحدت اسلامی را مخالفت سیاسی این حزب با جمعیت اسلامی و غیر قانونی دانستن حکومت ربانی دانست و گفت: «آقای ربانی پس از اعلام ریاست خود بر دولت خط‌مشی جنگ‌طلبانهٔ خود را اعلام کرد و طی یک سخنرانی اظهار داشت که در مناطق تحت کنترل حزب وحدت اسلامی پوستهٔ امنیتی خواهد زد و براساس همین خطی‌مشی علیه حزب اسلامی جنگ را آغاز کرده و علیه حزب وحدت اسلامی نیز حملاتی را سازمان داده است. ربانی تلاش دارد تا مخالفین سیاسی خود را از طریق نظامی سرکوب کند.»

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه دربارهٔ توافق حزب وحدت اسلامی با حزب

---

۱. مصاحبه استاد مزاری با خبرنگاران خارجی، شنبه ۱۳۷۱/۱۱/۳.

اسلامی گفت: «ما با همهٔ احزاب اسلامی تفاهم و مذاکره داریم و با حزب اسلامی، جبههٔ ملی نجات، محاذ ملی و جنبش ملی- اسلامی نیز مواضع مشترک داشته و براساس آن اعلامیهٔ مشترک امضاء کرده‌ایم و تاکنون به همان موضع هستیم.»

استاد مزاری در قسمت دیگر سخنانش اظهار داشت: «نیروهای ائتلافی به‌صورت مرتب در تماس بوده و پیرامون اوضاع جاری سیاسی کشور مذاکره و گفتگو دارند و در تلاش حل بحران افغانستان از طریق سیاسی هستند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که شرایط شما برای مذاکره با آقای ربانی چیست؟ گفت: «ما بارها اعلام کرده‌ایم که شرط هر نوع مذاکره با ربانی کناره‌گیری وی از قدرت و تحویل آن به شورای قیادی است و در صورت کناره‌گیری، ما حاضریم در جلسهٔ رهبران جهادی که نمایندهٔ جنبش نیز در آن حضور داشته باشد شرکت کنیم.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که ناظران می‌گویند حزب وحدت به دنبال بهانه برای گسترش جنگ است نظر شما چیست؟ گفت: «اگر ما به دنبال جنگ برآییم، همین حملات شورای‌نظار بر مواضع ما کافی بود که ما نیز وارد عمل شده و دامنهٔ جنگ را گسترش دهیم.»

استاد مزاری دربارهٔ گروگان‌گیری‌های شهر کابل گفت: «این مسأله مربوط به دولت ربانی است که میلیاردها پول بیت‌المال را به عناوین مختلف به مصارف رسانیده، ولی تاکنون نتوانسته است امنیت را برقرار کند. از طرف دیگر خود نیروهای امنیتی شورای‌نظار و جمعیت اسلامی عامل ناامنی است و به آدم‌ربایی و گروگان‌گیری متوسل می‌گردند. والی کابل که در حقیقت کارگزار آقای ربانی است خودش دست به آدم‌ربایی می‌زند و مردم را از راه‌ها، حتی مغازه‌ها و خانه‌های‌شان می‌برد و بعد از آن‌ها پول مطالبه می‌کند.»

استاد مزاری در ادامه افزود: «ما تلاش می‌کنیم که جلو گروگان‌گیری و آدم‌ربایی‌ها گرفته شود؛ ولی وقتی دولت ربانی به گروگان‌گیری متوسل می‌شود و مردم را به اسارت می‌گیرد، از توان ما بیرون است.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه دربارهٔ راه عملی پیشگیری از گروگان‌گیری‌ها و اعادهٔ امنیت به شهر کابل گفت: «راه عملی اعادهٔ صلح و ثبات در کشور و از جمله شهر کابل تشکیل حکومت اسلامی فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی و تشکیل نیروی امنیتی جدید از همهٔ نیروهای احزاب جهادی است و این‌که در وزارت دفاع و داخله همهٔ نیروهای جهادی متشکل

گردیده و این دو وزارتخانه از انحصار جناح خاص خارج گردند و این‌همه مربوط به ربانی است. اگر وی قدرت را تحویل دهد و معقولانه حرکت کند مسألهٔ امنیت نیز با تفاهم احزاب جهادی حل خواهد شد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۰۵، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۱/۴.

(۳۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه‌ای با خبرنگار بی‌بی‌سی به سؤالات وی پیرامون جنگ جاری کابل و دعوت پادشاه عربستان از رهبران جهادی به این کشور پاسخ گفت.

وی در قسمتی از این مصاحبه با اشاره به دعوت ملک فهد پادشاه عربستان سعودی از مقامات این کشور به خاطر کمک‌های چهارده‌سالهٔ به جهاد افغانستان و نیز حسن توجه آنان نسبت به قضایای دردآور فعلی اظهار سپاس‌گزاری کرده اظهار داشت که حزب وحدت اسلامی از این دعوت پادشاه عربستان سعودی حسن استقبال می‌کند و پیشنهاد می‌کند برای ختم بحران جاری و استقرار صلح پایدار و دائمی در افغانستان از کلیهٔ جریان‌های مؤثر در قضایای افغانستان و از جمله جنبش ملی-اسلامی افغانستان دعوت شود تا در مذاکرات سیاسی ریاض شرکت کنند.

استاد مزاری در ادامهٔ این گفتگو هم‌چنین گفت: «حزب وحدت اسلامی آماده است به عربستان رفته و در کنفرانس ریاض شرکت کند؛ اما به شرطی که اولاً از آقای ربانی به حیث رهبر جمعیت اسلامی دعوت شود نه رئیس جمهور افغانستان، دوم- شورای‌نظار و آقای ربانی جنگ علیه حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی را متوقف سازند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در بخش دیگری از این مصاحبه اظهار امیدواری کرد که با شرکت کلیهٔ رهبران احزاب جهادی افغانستان در ریاض عوامل اصلی بحران فعلی و جنگ‌های خانمان‌سوز کابل شناسایی گردیده و در جهت حل اصولی، اسلامی و عادلانهٔ مسائل افغانستان گام‌های اساسی برداشته شود.

وی در قسمت دیگری از این مصاحبه در پاسخ به این سؤال که آیا شما با دولت ربانی مذاکراتی دارید؟ گفت: «هیأت مشترکی از دو طرف دربارهٔ رعایت آتش‌بس و تبادل اسرای جنگ قبلی و نیز برآورد خسارات منطقهٔ چنداول که به دست شورای‌نظار تخریب گردیده بود و نیز مشکلاتی که مردم در داخل شهر دارند و هر روز از سوی شورای‌نظار گروگان گرفته می‌شوند، مذاکره و گفتگو

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری بی‌بی‌سی، سه‌شنبه ۱۳۷۱/۱۱/۶.

دارند، اما دربارهٔ مسائل سیاسی هیچ مذاکره‌ای با آقای ربانی نداریم.»

وی ضمن تأکید بر مواضع اعلام شدهٔ قبلی حزب وحدت اسلامی، دربارهٔ جنگ جاری کابل گفت: «این جنگ را مسعود و آقای ربانی بر سر حزب اسلامی تحمیل کرده و علیه حزب وحدت اسلامی نیز تاکنون شش حمله داشته‌اند که دفع گردیده است.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۰۸، چهارشنبه ۷ دلو ۱۳۷۱، کابل.

(۳۳)

مصاحبهٔ دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد مزاری با خبرنگاران خارجی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران خبرگزاری فرانسه و آسوشیتدپرس به سؤالات آنان دربارهٔ جنگ جاری کابل و موضع احزاب ائتلافی پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال که نتیجهٔ مذاکرات شما با هیأت صلح چه بود اظهار داشت که هیأت صلح به سرپرستی آیت‌الله محسنی مسألهٔ آتش‌بس را مطرح کردند و ما نیز موضع حزب وحدت اسلامی مبنی بر کناره‌گیری آقای ربانی از قدرت، آزادی زندانیان سیاسی و آتش‌بس در چهارچوب یک توافق اصولی و اساسی را به اطلاع آن‌ها رساندیم.

استاد مزاری با بیان این‌که جنگ را آقای ربانی شروع کرده و در بیانیه‌های رسمی خود علیه احزاب مخالف اعلام جنگ نیز کرده است گفت: «ما بدون حصول یک توافق همه‌جانبه و اساسی برای حل قضایای افغانستان حاضر به قبول آتش‌بس نیستیم.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به پیروزهای نظامی حزب وحدت اسلامی در جبهه‌های جنگ گفت: «تا وقتی‌که آقای ربانی از قدرت کناره‌گیری نکرده و به خواسته‌های مردم افغانستان تسلیم نگردد، ما بر موضع خود مبنی بر مخالفت با حکومت ربانی استوار خواهیم ایستاد.»[۲]

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری فرانسه و آسوشیتدپرس ۱۳۷۱/۱۱/۱۷.
۲. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۱۵، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۱/۱۸، کابل.

(۳۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری رویترز و بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز چهارشنبه طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران بی‌بی‌سی و خبرگزاری رویترز[۲] به سؤالات آنان پیرامون جنگ اخیر و مواضع حزب وحدت اسلامی پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا بین شما و شورای‌نظار آتش‌بس صورت گرفته است گفت: «توافق‌نامهٔ آتش‌بس به‌صورت رسمی بین ما امضاء نشده است؛ ولی با توجه به این‌که جنگ را شورای‌نظار و دولت ربانی آغاز کرده اگر آتش‌بس اعلام شده را رعایت کنند ما رعایت می‌کنیم.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال خبرنگار رویترز مبنی بر این‌که آیا وساطتی بین شما و جمعیت اسلامی صورت گرفته است؟ گفت: «تاکنون هم جنرال حمیدگل، هم ایران و هم جنبش ملی-اسلامی بین ما وساطت کرده‌اند و آقای محسنی نیز قبلاً در راستای انجام مذاکرات و برقراری صلح تلاش‌هایی داشت.»

استاد مزاری در ادامهٔ این مصاحبه دربارهٔ دوام آتش‌بس گفت: «جنگ را دولت ربانی علیه ما و حزب اسلامی شروع کرده است، تداوم آتش‌بس بستگی به هر سه طرف جنگ دارد. اگر آن‌ها توافق‌نامهٔ آتش‌بس را امضاء کرده و متعهد شوند، آتش‌بس دوام خواهد یافت و در غیر آن صورت تضمینی برای دوام آتش‌بس وجود ندارد.»

استاد مزاری دربارهٔ شرایط حزب وحدت اسلامی برای اجرای آتش‌بس گفت: «حزب وحدت اسلامی شرایط خویش را به هیأت صلح ارائه کرده است این شرایط عبارت‌اند از:

۱. آزادی بدون قید و شرط اسرا چه آن‌هایی که پیش از جنگ اسیر شده‌اند و چه آن‌هایی که در خلال جنگ به اسارت درآمده‌اند.

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرگزاری رویترز و بی‌بی‌سی، چهارشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۲۸.

2 . Reuters

۲. آغاز مذاکرات سه‌جانبه هم‌زمان با اجرای آتش‌بس با نظارت کشورهای اسلامی پاکستان، ایران، عربستان سعودی و نمایندگان نهضت‌های اسلامی؛
۳. تشکیل دولت موقت در ظرف یک هفته پس از آغاز مذاکرات؛
۴. برگزاری انتخابات در ظرف کمتر از یک سال؛
۵. تشکیل کمیسیونی برای بررسی سوءاستفاده های مالی ربانی از بیت‌المال؛
۶. تشکیل مجلس قانون‌گذاری موقت براساس معیار نفوس و برای هر صد هزار نفر یک نماینده؛
۷. تغییر ساختار اداری کشور و ایجاد ساختارهای جدید اداری پیش از انجام انتخابات؛
۸. رعایت حقوق همهٔ احزاب و تنظیم‌های سیاسی- جهادی در ترکیب دولت موقت به‌تناسب حضور قدرتمند آن‌ها؛
۹. اکمال قطعات نظامی مجاهدین زیر نظر کمیسیونی مرکب از نمایندگان احزاب جهادی.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا برای پس گرفتن مواضع‌تان اقدامی خواهید کرد؟ گفت:

«ما فعلاً تصمیم بر تشدید و گسترش دامنهٔ جنگ نداریم تا نتیجهٔ تلاش‌های هیأت‌های صلح مشخص گردد. اگر این تلاش‌ها به نتیجه‌ای منتج نگردید، در زمینه بعداً تصمیم خواهیم گرفت.»

استاد مزاری ضمن رد انگیزه‌های مذهبی جنگی اخیر گفت: «این جنگ‌ها هیچ‌گونه انگیزهٔ مذهبی ندارد، بلکه انگیزه‌های کاملاً سیاسی علیه ما و حزب اسلامی دو جریان قدرتمند جهادی آغاز گردیده است و هدف آن سرکوب مخالفت‌های سیاسی از طریق نظامی است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار رویترز که چه شماری از مردم شیعه به اسارت درآمده‌اند گفت: «آن‌ها افراد غیر نظامی و ساکنان مناطق مسکونی را به اسارت گرفته‌اند و این چیز تازه‌ای نیست؛ آن‌ها قبلاً نیز مردم ما را از مناطق مختلف دستگیر کرده و به اسارت می‌بردند که این هم یک عمل ضد اسلامی است و هم یک اقدام غیر انسانی.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی دربارهٔ اشتراک مواضع حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی گفت: «ما و حزب اسلامی هر دو مورد تهاجم نیروهای شورای‌نظار قرار گرفته‌ایم و موضع دفاعی مشترک داریم و از نظر سیاسی نیز دولت ربانی را غیر مشروع می‌دانیم.»

استاد مزاری ضمن رد شایعات دشمن مبنی بر این‌که در میان رهبران حزب وحدت اسلامی اختلاف نظر وجود دارد گفت: «حزب وحدت اسلامی یک شورای تصمیم‌گیری دارد که دربارهٔ کلیهٔ مسائل این شورا تصمیم می‌گیرد و هیچ اختلاف نظری در سطح رهبری حزب وحدت اسلامی وجود ندارد.»

وی در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که قرار بود بین شما و نیروهای دولت نیروی حائل جابه‌جا شود، نظر شما در این زمینه چیست؟ گفت: «ما اعلام کرده‌ایم که اگر فرقهٔ ۵۳ بین ما و طرف مقابل حائل شود، قبول داریم؛ ولی طرف مقابل حائل شدن فرقهٔ ۵۳ را قبول نکرد.»

وی دربارهٔ حائل شدن نیروهای هیأت صلح شهر کابل گفت: «حائل شدن آن‌ها کارساز نیست. در جنگ قبلی بین ما و شورای‌نظار نیز این نیروها حائل شده بودند؛ ولی هیچ‌گونه تأثیری نداشت و از طرف دیگر این نیروها به هیچ‌وجه بی‌طرف نیستند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که مردم کابل بسیار رنج و زجر کشیده‌اند و تلفات زیادی را متحمل گردیده‌اند، نظر شما چیست؟ گفت: «ما نیز از رنج و فشاری که بر مردم مسلمان کابل تحمیل می‌شود، رنج می‌بریم؛ ولی عامل اصلی این رنج‌ها و کشتارها شخص آقای ربانی است که برخلاف قانون و ارادهٔ مردم و احزاب جهادی می‌خواهد به‌زور بر مردم حکومت کرده و جنگ را علیه ما و حزب اسلامی شروع کرد.»

وی در ادامهٔ مصاحبه دربارهٔ راه‌حل اساسی قضایای افغانستان گفت: «تنها راه‌حل برای مشکل کنونی افغانستان این است که همهٔ مردم افغانستان همهٔ طایفه‌ها و نیروهای جهادی به میزان موجودیت و حضورشان در نظر گرفته شده و براساس تفاهم و مذاکره مسائل را حل کنند و هیچ‌کس و جریانی به دیگران زور نگفته و براساس منطق اصالت زور عمل نکنند. اگر زور می‌توانست کارساز و حل کنندهٔ مسائل باشد، نجیب که هم نیروی نظامی داشت و هم ادارهٔ اطلاعاتی منظم داشت و هم از پشتوانهٔ خارجی برخوردار بود، می‌توانست بر این کشور حکومت کند.»

وی در پایان این مصاحبه با اشاره به نقض مکرر موافقت‌نامه و پیمان‌ها از سوی ربانی، مسعود و تخلفات آنان از مصوبات شورای قیادی و لایحهٔ برگزاری شورای اهل حل‌وعقد گفت: «هر کس که به حقوق مردم ما احترام گذاشته و خواسته‌های مشروع ما را بپذیرد، ما

نیز به او احترام قائلیم؛ ولی هرگاه به حقوق مردم ما تجاوز شود، در برابر متجاوز خواهیم ایستاد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، ۱۳۷۲/۱۱/۲۹، کابل.

(۳۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با محمد معصوم[۱]

خبرنگار: برای قطع جنگ بین دولت و حزب وحدت چه توافقی حاصل شده است؟

استاد مزاری: مدت دو سه روزی می‌شود که از طرف دولت کم فیر می‌شود؛ لهذا از طرف ما هم جواب کم داده می‌شود. اگر دولت آتش‌بس را رعایت بکند که نزند، دو طرف تا حل سیاسی مسأله از طرف ما رعایت می‌شود، ولی چون عملیات را دولت شروع کرده‌اند و ما جنگ را آغاز نکرده‌ایم؛ حالا آتش‌بس هم بستگی به عمل آن‌ها دارد.

خبرنگار: قراری که شنیده می‌شود نیروهای حائل بین نیروهای دولت جابه‌جا خواهد شد، آیا در این زمینه شما کدام پیشرفت کردید و کدام مذاکراتی تا حاصل صورت گرفته است؟

استاد مزاری: نیروهای که الآن در جنگ بی‌طرف است، نیروی فرقهٔ ۵۳ جنش است. ما مطرح کردیم که اگر نیروهای حائل بیاید برای حفظ آتش‌بس از این‌ها باشد که این را تا حالا آن‌ها موافقت نکرده‌اند.

خبرنگار: به‌جز از این نیروهای فرقهٔ ۵۳ نیروهای کمیتهٔ صلح شهر کابل هم حاضر بودند نیروهای حائل شوند، به چه دلیل شما قبول نگردید که گفتید نیروهای فرقهٔ ۵۳ باید حائل باشند؟

استاد مزاری: چون ما در جنگ قبلی با وزارت با اصطلاح دفاع که علیه ما جنگ را آغاز کرده بود، ما قبلاً از این کمیته در گردنه نیرو پذیرفتیم؛ اما این‌ها هم برای حفظ آتش‌بس هیچ مؤثر نبود؛ لذا هر روز درگیری آن‌ها بیشتر می‌شد، درگیری می‌کرد؛ و این‌ها در این جهت مانع شده نمی‌توانست؛ چون مؤثر نیست، بی‌طرف هم نیست؛ از این جهت ما آن‌ها را قبول نکردیم.

خبرنگار: آقای مزاری! در جریان جنگ‌های اخیر مردم کابل بسیار تلف دادند و از هر جناح مردم تلف شدند، نظر شما به حیث یک رهبر این جنگ‌ها چقدر مردم دیگر کابل را تلف کند و تا شما رهبران بین هم کنار بیایید؟

استاد مزاری: مردم کابل، جای شک نیست که فشار بسیار دیده و رنج زیادی کشیده و ما از

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با محمد معصوم خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی، ۱۳۷۱/۱۱/۲۸.

این مسأله رنج می‌بریم؛ ولی عامل این مسأله آقای ربانی است که خلاف مرجع قانونی عمل کرد و بعد دست به حمله هم علیه ما هم حزب اسلامی زد، عامل این مسأله آقای ربانی است و مردم باید از او بازخواست بکند.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷۵.

(۳۶)

مصاحبه با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز یک‌شنبه طی یک مصاحبهٔ اختصاصی، با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به سؤالات وی دربارهٔ اهداف و خواسته‌های حزب وحدت اسلامی درگیری‌های اخیر کابل، علل اختلافات روند مذاکرات سیاسی-تلاش‌های هیأت صلح و مسائل مهم دیگر پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال که اهداف و خواسته‌های حزب وحدت اسلامی چیست؟ گفت: «حزب وحدت اسلامی می‌خواهد پس از چهارده سال جهاد مسلحانهٔ مردم افغانستان و پیروزی مجاهدین یک حکومت اسلامی که تأمین کنندهٔ حقوق همهٔ مردم بوده و تمامی ملیت‌های ساکن در این کشور در آن سهیم باشند به وجود آید. ما می‌خواهیم که کلیهٔ ملیت‌های ساکن در این کشور در آن سهیم باشند، به وجود آید. ما می‌خواهیم که کلیهٔ ملیت‌های مسلمان این سرزمین هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن‌ها حکومت آینده می‌برده و در تمامی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است و انواع گوناگون تبعیض و مظالم وجود داشته است که همهٔ آن‌ها نتیجهٔ حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به این‌که همهٔ مردم افغانستان در جهاد آزادی‌بخش ضد روسی شرکت داشته و در تمام رنج‌ها و غارت‌ها و مشکلات ناشی از جنگ چهارده‌ساله گرفته‌اند باید در محصول جهاد نیز همه شریک باشند و مظالم و تبعیضات و ستم‌های گذشته باید از بین برود. این خواست همهٔ مردم افغانستان است و این خواست برآورده نمی‌شود، مگر این‌که همهٔ آنان هویت سیاسی و زبان سیاسی داشته باشند و این هدف تنها در سایهٔ تشکیل یک حکومت راستین اسلامی تحقیق پذیر است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که علت اساسی درگیری‌های اخیر کابل چه بوده؟ اظهار داشت:

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، یک‌شنبه ۱۳۷۱/۱۲/۲.

«علت اصلی درگیری‌ها را باید از آقای ربانی سؤال کرد. وی برخلاف خواست و ارادهٔ مردم افغانستان و احزاب جهادی با آن مخالفت کرده و نتایج آن را مردود اعلام کردند. خود را رئیس جمهور افغانستان خوانده و مخالفت احزاب جهادی را مخالفت با دولت اسلامی می‌خواند و به دنبال آن تهاجمات ناجوانمردانه‌ای را به نام تصفیهٔ شهر علیه حزب اسلامی آغاز کرد و بیش از هشت حمله را علیه حزب وحدت اسلامی سازمان داد که پس از سرکوب و دفع این حملات راه مذاکره را در پیش گرفته و از آقایان محمدنبی محمدی و محسنی خواست که پادرمیانی کنند. با وجود آن‌که ما در اثر میانجیگری آقای محسنی آتش‌بس را در چهارچوب یک راه‌حل اساسی برای مذاکره را بردوآورد می‌کرد حملهٔ نامردانه دیگری را علیه مزکریت حزب وحدت اسلامی انجام داد.»

استاد مزاری در ادامهٔ این مصاحبه افزود:

«این‌که ربانی طی این حمله مناطق را به تصرف خود درآورد، چندان اهمیتی ندارد؛ چرا که در جنگ این یک مسألهٔ طبیعی است که منطقه‌ای را به دست می‌آوریم و منطقه‌ای را از دست می‌دهیم؛ ولی آن‌چه مهم است و باید وجدان‌های بشری را به تکان آورده و قضاوت تمامی مسلمانان- مجامع بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را دربارهٔ حکومت نام نهاد ربانی ـ مسعودفرا خواند، فجایعی است که این‌ها در منطقهٔ مسکونی افشار انجام دادند که در تاریخ جنایات بشری بی‌سابقه است. در این منطقه دسته‌های مختلفی از مردم زندگی می‌کردند. شیعه در آن‌جا بود، سنی در آن‌جا زندگی می‌کرد، وحدتی بود، حرکتی بود، بی‌طرف بود و حتی از طرفداران جمعیت نیز در آن منطقه زندگی می‌کردند؛ ولی وقتی که نیروهای ربانی ـ مسعود وارد منطقه شدند، به هیچ‌کس رحم نکردند. پیرمردان هفتاد ساله را کشتند، زنان را سر بریدند، اطفال مظلوم را قتل‌عام کردند، زنان و کودکان را به اسارت گرفته با خود بردند، خانه‌ها را از یکسر غارت کردند. پس از غارت آتش زدند، حتی بعد از گذشت چندین روز جلو دفن کشته‌ها را نیز گرفته و مانع انتقال جسد آنان شدند.»

استاد مزاری در ادامهٔ سخنانش با اشاره به این‌که هم در اسلام و هم در مقررات بین‌المللی زنان، کودکان و پیرمردان از تعرض مصون‌اند، اقدامات ضد اسلامی و ضد بشری نیروهای متجاوز را خلاف مقررات بین‌المللی جنگ و تعالیم عالیهٔ اسلام در زمینه خواند و گفت:

«با این ستمی که بر مردم افشار از سوی دستگاه ربانی اعمال گردیده، ما مطمئن هستیم که

حکومت وی ماندگار نیست و این برای مردم نیز قابل تحمل نخواهد بود.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در ادامهٔ این مصاحبه با اشاره به عوامل اصلی تضادها و اختلافات کنونی گفت:

«عمده‌ترین علت اختلاف سیاسی و مخالفت احزاب اسلامی با حکومت ربانی، انحصارطلبی و قدرت‌طلبی جنون‌آمیز دستگاه ربانی است و آن‌ها هنوز درک نکرده‌اند که با زور نمی‌شود بر مردم افغانستان حکومت کرد. اگر روز حکومت زور مداران کارساز بود، روس‌ها می‌توانستند در این کشور حکومت کنند.»

وی هم‌چنین گفت:

«تا وقتی‌که حقوق عادلانه و متناسب احزاب جهادی در نظر گرفته نشده و حقوق ملیت‌های مسلمانان کشور تأمین نگردد، مشکل در نظر گرفته نشده و حقوق ملیت‌های مسلمانان کشور تأمین نگردد، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی‌گردد. این‌که یک حزب با یک ملت سر دیگران حکومت کرده و بر آن‌ها زور بگوید دورانش گذشته است، باید همهٔ احزاب این حقیقت را درک کنند که تنها با تفاهم و احترام به حقوق یکدیگر می‌توان بحران کنونی را مهار کرد و یک حکومت مردمی و اسلامی به وجود آورد. انحصارطلبی و زورگویی جز ادامهٔ جنگ و ویرانی و بدنامی برای مجاهدین ثمر دیگری ندارد.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه ضمن اشاره به سوءاستفاده دستگاه ربانی از تفاوت‌های قومی و لسانی در افغانستان گفت:

«در طول تاریخ افغانستان یک حکومت ملی و مردمی وجود نداشته و ستم و تبعیض زیاد بوده است. این، باعث تراکم عقده‌هایی در برخی از جناح‌های محکوم گردیده است؛ ولی کسانی که انحصارطلبی دارند، می‌خواهند از این عقده‌ها سوءاستفاده کرده و تضادهای ملیتی را دامن بزنند. مردم افغانستان دشمن یکدیگر نیستند. آن‌ها یکدیگر را برادر می‌دانند و خواهان زندگی برادرانه در افغانستان‌اند. هیچ قومی دیگر را نفی نمی‌کند؛ و این جناح قدرت‌طلب و انحصارطلب است که به خاطر بقای حکومت انحصاری خود ملیت‌هایی را علیه یکدیگر تحریک می‌کنند.»

وی در ادامه اظهار داشت:

«عامل جنگ تفاوت‌های مذهبی، قومی، لسانی و ستمی نیست، عامل جنگ انحصارطلبی

است که در همهٔ حکومت‌های خودکامه وجود دارد.»

استاد مزاری در پاسخ این سؤال که نظر شما دربارهٔ پیشنهاد دولت مبنی بر مذاکرهٔ جداگانه و دوجانبه بین حزب وحدت اسلامی و دولت چیست؟ گفت:

«مذاکرهٔ دوجانبه به‌تنهایی حل کنندهٔ مسأله افغانستان نیست. ربانی صرفاً برای ایجاد تفرقه در صفوف مخالفین این پیشنهاد را ارائه می‌کند. راه اساسی برای پایان بحران جاری، همان طرح چهار جانبه‌ای است که از سوی حزب وحدت اسلامی ارائه گردید و شخص ربانی نیز آن را قبول کرد.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه دربارهٔ نتایج مذاکرات هیأت‌های صلح گفت:

«هیأت‌های مختلفی از پاکستان و ایران بین اطراف درگیر جنگ میانجیگری کرده‌اند و حزب وحدت اسلامی نیز مواضع خود را برای آن‌ها گفته است و تاکنون به نتایج خاصی نرسیده است.»

وی در ادامهٔ این مصاحبه دربارهٔ رابطهٔ حرکت اسلامی با حزب وحدت اسلامی گفت:

«مردم شیعه و هزاره در ستم‌هایی که بر آن‌ها تحمیل شده، دارای یک سرنوشت بوده و جنگ‌های اخیر نیز بر همهٔ آن‌ها تحمیل گردیده است و خسارات ناشی از جنگ نیز بر همه وارد آمده است و همهٔ آن‌ها در مقابل تجاوزهای دشمن دفاع کرده‌اند. رابطهٔ ما با حرکت اسلامی نیز دوستانه است؛ ولی آن‌ها یک حزب است و ما هم یک حزب، در نتیجه آن‌ها موضع خاص خود را دارند و ما نیز موضع خود را.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که ائتلاف شما با حزب اسلامی بر چه اساس استوار است، گفت:

«پنج حزب سیاسی طی اعلامیهٔ مشترکی حکومت ربانی را غیر قانونی اعلام کردند و خواستار کناره‌گیری وی از قدرت و واگذاری آن به شورای قیادی گردیدند که وی علیه حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی حملهٔ مسلحانه کرد که ما مشترکاً دفاع کرده‌ایم و اکنون نیز در سنگر مشترک قرار داریم.»

وی دربارهٔ بیانیهٔ جنرال دوستم مبنی بر حمایت راه‌حل صلح‌آمیز قضیهٔ افغانستان و آمادگی جنبش شمال برای میانجیگری گفت:

«ما از صلح و آرامش استقبال می‌کنیم. هر راه‌حلی که به واقعیت‌های افغانستان مشکل

کشور را به‌صورت اساسی و اصولی حل کند، مورد تأیید ماست. جنبش ملی- اسلامی می‌تواند میانجی بین اطراف درگیر باشد، چون هم در طول جنگ‌های اخیر پی طرف بوده است و هم قدرت این را دارد که مانع درگیری‌های مجدد گردد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، ۱۳۷۱/۱۲/۳، کابل.

(۳۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با میرویس جلیل[۱]

میرویس جلیل: آیا این آتش‌بس (موقت) می‌تواند مقدمه برای آتش‌بس دائمی باشد؟

استاد مزاری: در صورتی که آتش‌بس دائمی پیش می‌آید که مذاکرات شروع و مسألهٔ خواسته‌های طرفین بررسی شود و یک راه‌حل اساسی قانع شوند، آن‌وقت آتش‌بس دائمی که بعد تضمینی هم در این‌جا جا داده شود که دوباره این آتش‌بس نقض نشود، جنگ دوباره شروع نشود که ما در آن‌جا از کشورهای پاکستان، سعودی و ایران و نهضت‌های جهان اسلام تضمین خود سیستم که نظارت بکنند و این توافقاتی که می‌شود باید این‌ها را در اجرایش آن‌ها هم حاضر باشند.[۲]

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با میرویس جلیل، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی، ۱۳۷۱/۱۲/۵.
۲. منشور برادری، بنیاد رهبر بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷.

(۳۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگاران خبرگزاری فرانسه، تایمز لندن و بی‌بی‌سی به سؤال‌های آنان دربارهٔ مذاکرات صلح پاکستان و اوضاع جاری کشور پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال خبرنگار مجله تایمز لندن که آیا حزب وحدت اسلامی در مذاکرات پاکستان شرکت خواهد کرد و گفت: «حزب وحدت اسلامی در این مذاکرات شرکت می‌کند و جناب آقای محمدکریم خلیلی را به‌عنوان نمایندهٔ خود در این مذاکرات معرفی و اعزام کرده است.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که تا چه اندازه به مذاکرات پاکستان خوش‌بین هستید؟ گفت: «در طرحی که از سوی دولت پاکستان برای حل بحران جاری ارائه شده است، نکات مثبتی وجود دارد که باید در جریان مذاکرات روی آن‌ها بحث شود و توافق نهایی شود.»

وی دربارهٔ نکات مثبت طرح دولت پاکستان گفت: «از جمله نکات مثبت این طرح تشکیل یک دولت موقت در ظرف چهار ماه و تشکیل کمیسیونی برای تشکیل عادلانهٔ شورای حل و ادارهٔ شورایی وزارت دفاع و تقسیم عادلانه و متناسب قدرت است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگاری بی‌بی‌سی که حزب وحدت اسلامی در مذاکرات پاکستان چه پیشنهادهایی خواهد داشت؟ گفت: «پیشنهادهای ما عبارت‌اند از:

۱. تشکیل یک دولت موقت؛
۲. تشکیل کمیسیونی برای بررسی و تشکیل شورای حل‌وعقد؛
۳. ادارهٔ وزارت دفاع توسط تنظیم‌های جهادی؛
۴. بررسی تخلفات ربانی از مصوبات شورای قیادی و لایحه شورای حل‌وعقد؛

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی، سه‌شنبه ۱۳۷۱/۱۲/۱۱.

۵. بررسی و سوءاستفاده‌های مالی ربانی از بیت‌المال مسلمین؛
۶. برگزاری انتخابات در ظرف مدت کمتر از یک سال.»

استاد مزاری دربارهٔ اداره شورایی وزارت دفاع گفت: «ما مسعود را هرگز وزیر دفاع قبول نخواهیم کرد. در صورت ادارهٔ شورایی وزارت دفاع این وزارت توسط چهار تنظیم عمدهٔ کشور اداره خواهد شد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگاری بی‌بی‌سی که آیا حزب وحدت اسلامی با سرپرستی صبغت‌الله مجددی در وزارت موافق است؟ گفت: «برای سرپرستی شورای اداره کنندهٔ وزارت دفاع، آقای مجددی از سوی جنبش پیشنهاد گردیده است و در صورت توافق همهٔ اطراف قضیه با توجه به بی‌طرفی حضرت ما نیز مخالف نیستیم.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی دربارهٔ صدارت آقای حکمتیار گفت: «این‌که آقای حکمتیار صدراعظم انتخاب شود، بستگی به توافق همهٔ احزاب دارد. مذاکرات پاکستان را پذیرفته و در آن شرکت می‌کنیم و هر تصمیمی که در آن‌جا گرفته شود، در مورد ما قبول ما است.»

وی دربارهٔ آینده این مذاکرات گفت: «غیر از این مذاکره هیچ راه دیگری برای استقرار صلح و امنیت در کشور وجود ندارد.»

استاد مزاری در پاسخ به این پیشنهاد مسعود که باید یک هیأت بین‌المللی برای بررسی شورای حل‌وعقد تشکیل شود گفت: «ما طرح مسعود را قبول نداریم. باید یک کمیسیون بیست نفری از نمایندگان احزاب تشکیل شود که هم شورای حل‌وعقد را بررسی کند و هم سوءاستفاده‌های مالی ربانی- مسعود از بیت‌المال مسلمانان را.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار مجله تایمز لندن که شما نسبت به شورای حل‌وعقد گذشته چه اعتراضاتی دارید گفت و در جریان برگزاری این شورای حل‌وعقد گذشته چه اعتراضاتی دارید، گفت: «در جریان برگزاری این شورا پول‌های کلانی از بیت‌المال مسلمین، به‌منظور خریدن و اجیر کردن اشخاص در ولایات مختلف از سوی ربانی توزیع شده و از مصوبات شورای قیادی و لایحهٔ برگزاری شورای حل‌وعقد تخلف صورت گرفت و هیچ یک از اعضای شورای کذایی طبق لایحه نیامدند. بسیاری از آن‌ها از کوچه و بازار شهر کابل و در بدل پول جمع‌آوری شدند. به آرای مردم، قوماندانان جهادی و احزاب سیاسی کم‌ترین اعتنایی نشد. در این زمینه چهارده نفر از هجده عضو کمیسیون مرکزی تدوین لایحه و برگزاری شورای

حل‌وعقد اعتراض کرده و خواستار تأخیر تشکیل آن شدند؛ اما ربانی به علت خصلت جنون‌آمیز قدرت‌طلبی کم‌ترین توجهی به این اعتراض احزاب جهادی نکرد و یک شورای کاملاً نمایشی و قلابی را دایره کرد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانسه که آیا موضع شما کناره‌گیری ربانی از قدرت است و آیا این را قبول کرد؟ گفت: «بلی موضع ما کناره‌گیری ربانی از قدرت و تحویل آن به شورای قیادی یا کمیسیون بیست‌نفری است. وقتی‌که ربانی آمد در مذاکرات شرکت می‌کند، باید نتایج آن را نیز قبول کند. این مذاکرات آخرین شانس برای استقرار صلح است. اگر به نتیجه نرسد، مشکل افغانستان و اختلاف سیاسی- نظامی حل نخواهد گردید.»

وی در پاسخ به این سؤال که در صورت کناره‌گیری رانی آیا مسعود هم باید از دفاع کناره‌گیری کند؟ گفت: «دولت ربانی یک دولت قانونی نیست، باید دولت از نو تشکیل شود؛ بنابراین اعضای کابینهٔ ربانی نیز باید کناره‌گیری نمایند.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۲۲، چهارشنبه ۱۳۷۱/۱۲/۱۲، کابل.

(۳۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ با خبرنگاران بی‌بی‌سی، خبرگزاری رویترز، مجلهٔ تایم[۲] و صدا و سیمای جمهوری اسلامی به سؤالات آنان پیرامون موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد، آیندهٔ افغانستان، انتخابات، سیستم حکومتی آینده و مسائل مهم دیگر گفت. وی در پاسخ به این سؤال خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که نظر شما دربارهٔ توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد[۳] چیست؟ گفت: «ما اصل توافقات را با توجه به این‌که اکثریت رهبران احزاب جهادی به شمول نمایندهٔ حزب وحدت اسلامی آن را امضا کرده‌اند، قبول داریم و مثبت ارزیابی می‌کنیم؛ اما این‌که این توافق‌نامه تا چه حد می‌تواند ضمانت اجرا داشته و در آینده قابل تطبیق باشد، محل تردید است؛ چرا که در این توافق‌نامه برخی از واقعیت‌ها نادیده گرفته شده است. هر طرحی که بدون توجه به واقعیت‌های جامعهٔ افغانستان ارائه شود، ضمانت اجرائی ندارد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در ادامهٔ این مصاحبه افزود: «در این توافق‌نامه جایگاه احزاب در ساختار حکومت آینده مشخص نگردیده و نقش جنبش نیز در ترکیب سیاسی آینده مشخصی نشده است. توافق‌نامه هم‌چنین باید چهارچوب‌های کلی مربوط به تغییر ساختار اداری باقی‌مانده از رژیم‌های گذشته را تعیین کرده و معیارهای انتخابات آینده را نیز مشخص می‌ساخت.»

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی، دوشنبه ۱۳۷۱/۱۲/۱۷.

2. Time Magazine

۳. با آغاز سال جدید ۱۳۷۲ رهبران احزاب مجاهدین با پا در میانی پاکستان در اسلام‌آباد گرد آمدند تا در مورد تأمین صلح، مذاکرات و توافقاتی کنند. در نتیجهٔ مذاکرات آن‌ها که پشت درهای بسته و با حضور میزبانانشان به شمول رئیس استخبارات عربستان سعودی صورت گرفت، موافقت نامه‌ای را در هفدهم حمل ۱۳۷۲ به امضاء رسانیدند که به موافقت‌نامهٔ اسلام آباد معروف گردید. متن موافقت‌نامه به زبان انگلیسی تهیه شده بود و رهبران احزاب که برخی از آن‌ها زبان انگلیسی را نمی‌فهمیدند در پای همان متن انگلیسی امضاء کردند. امضاء کنندگان موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد بعد از پایان جلسات و امضای موافقت‌نامه، برای زیارت خانهٔ کعبه راهی عربستان سعودی شدند. سپس رهبران احزاب اسلامی در دهم ثور ۱۳۷۲ در شهرجلال‌آباد گرد آمدند تا کابینهٔ جدید حکومت حکمتیار را تعیین و معرفی کنند. احمدشاه مسعود در کابینهٔ جدید از وزارت دفاع برکنار گردید. این در حالی بود که احمدشاه مسعود یک سال قبل از این رهبران خواست تا برای تحویل‌گیری قدرت از حکومت داکترنجیب‌الله، حکومت خود را تشکیل دهند و به کابل بیایند. احمدشاه مسعود وزارت دفاع را ترک گفت و به جبل‌السراج رفت. گلبدین حکمتیار از ورود به مقر صدارت در شهر کابل امتناع ورزید و وزیران کابینهٔ خود را برای تدویر جلسات کابینه به چهارآسیاب، قرارگاه نظامی خود فرا خواند. روی‌همرفته توافقنامهٔ اسلام‌آباد به پایان جنگ و تامین صلح نیانجامید و جنگ در پایتخت در یازدهم جدی ۱۳۷۲ وارد مرحلهٔ خونین و گسترده شد.

استاد مزاری افزود: «با توجه به این‌که میزان حضور احزاب جهادی در کشور متفاوت بوده و برخی احزاب قوی و برخی دیگر ضعیف‌اند، از سوی دیگر جنبش یکی از قوت‌های عمدهٔ سیاسی- نظامی است، از سوی دیگر مناطق شمال کشور عملاً تسلط دارند، نادیده‌گیری این واقعیت‌ها می‌تواند مشکلات جدیدی در برابر اجرای مفاد موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد قرار دهد.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار مجلهٔ تایم که حزب وحدت اسلامی دربارهٔ وزارت دفاع چه نظر دارد؟ گفت: «ما قبلاً هم اعلام کرده‌ایم که وزارت دفاع باید به‌صورت شورایی و توسط نمایندگان احزاب عمدهٔ جهادی اداره شود و سرپرستی آن را هم یک فرد قابل قبول و موجه در سطح ملی و بین‌المللی بر عهده بگیرد.»

وی در پاسخ به این سؤال خبرنگار رویترز که آیا در صورت تغییر وزیر دفاع مشکلی به وجود نمی‌آید؟ گفت: «در صورتی که سرپرست وزارت دفاع از گروه‌های تعیین شود که دارای قدرت نظامی کمتری باشند، مشکلی به وجود نخواهد آمد؛ اما اگر باز هم سرپرستی آن بر عهدهٔ گروه‌های قدرتمند قرار بگیرد مشکل‌آفرین خواهد شد.»

وی در پاسخ به این سؤال خبرنگار رویترز که آیا مسعود وزارت دفاع را به‌صورت مسالمت‌آمیز تحویل خواهد داد؟ گفت: «در غیر آن صورت توافق‌نامه به‌هم‌خورده، این بدان معنی است که ربانی صلاحیت مذاکره و امضای موافقت‌نامهٔ ما را از طرف تنظیمش نداشته است.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا مردم کابل نخست‌وزیری آقای حکمتیار را قبول دارند؟ گفت: «در این زمینه به آراء مردم مراجعه نشده است که آن‌ها چه کسانی را به حیث رئیس جمهور و چه کسانی را به حیث صدراعظم قبول دارند؟ توافق اسلام‌آباد در حقیقت تصمیم رهبران جهادی است و آن‌ها صدارت آقای حکمتیار را پذیرفته‌اند.»

وی در ادامهٔ این مصاحبه در پاسخ به این سؤال خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که مشکل احمدشاه مسعود چگونه حل خواهد شد؟ گفت: «در مذاکرات پاکستان مشکل احزاب مورد بحث قرار گرفته و در حدی مشکل آن‌ها حل شده است و مشکل جمعیت اسلامی نیز حل گردیده است؛ اما این‌که شکل افراد چه می‌شود، اهمیتی ندارد. اگر قرار شود دربارهٔ مشکل تک تک افراد صحبت شود، اشخاص بسیار زیاد دیگری نیز در این کشور هستند که می‌خواهند مشکل‌شان حل شود و این به معنای تعمیم فضای هرج و مرج در کشور است.»

استاد مزاری دربارهٔ انتخابات پارلمانی آینده گفت: «انتخابات آینده باید براساس نفوس

باشد. در غیر این صورت انتخابات نیست و انتصابات ظالمانه است و ما هرگز ظلم را نخواهیم پذیرفت.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ با این سؤال خبرنگار مجلهٔ تایم که شما چه نوعی سیستمی را برای آیندهٔ افغانستان پیشنهاد می‌کنید؟ گفت: «ما سیستم فدرالی را که در آن حقوق همهٔ مردم افغانستان رعایت شده و سیستم انحصاری قدرت را که در هم می‌شکند مناسب‌ترین ساختار سیاسی برای آینده افغانستان می‌دانیم. در این سیستم که با توجه به واقعیت‌های جامعهٔ افغانستان، بافت و ترکیب قومی مذهبی و محلی آن پیشنهاد می‌گردد، بسیاری از مشکلات کنونی حل گردیده و خواسته‌های بر حق کلیهٔ ملیت‌ها و اقوام افغانستان مبنی بر سهم گیری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط به کشورشان تحقق می‌یابد.»

وی در پاسخ به سؤال دیگر این خبرنگار دربارهٔ میزان جمعیت شیعیان افغانستان گفت: «ما معتقدیم که شیعیان افغانستان بیشتر از بیست‌وپنج در صد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، ولی با توجه به این‌که ما در سال ۱۳۶۷ میزان بیست‌وپنج درصد را با دولت موقت آن روز موافقت کرده‌ایم تا انجام یک سرشماری دقیق از جمعیت کشور همان میزان را قبول داریم؛ اما معتقدیم که باید سرشماری دقیق، زیر نظر سازمان ملل متحد از جمعیت افغانستان صورت گرفته و میزان جمعیت‌های انسانی ساکن در کشور مشخص گردد. ما نتیجهٔ این سرشماری را هر چه باشد، می‌پذیریم و به همان اندازه که هستیم خواهان سهم‌گیری و مشارکت در ساختار سیاسی کشور هستیم.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار تایم دربارهٔ تیراندازی‌های شب‌های اخیر گفت: «با وجود آن‌که هم ما و هم طرف مقابل موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد را امضاء کرده‌ایم، ولی در این شب‌ها به‌طور مرتب از سوی نیروهای وابسته به مسعود بر مواضع ما حمله می‌شود که نیروهای ما نیز از خود دفاع می‌کنند.»

وی در این زمینه ادامه داد: «مقابل در گذشته نیز نشان داد است که هیچ‌گاه به تعهدات خود عمل نمی‌کند و احتمال بسیار قوی وجود دارد که تعهدات خود در اسلام‌آباد را نیز زیر پا گذارد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی دربارهٔ موفقیت نظامی حزب وحدت اسلامی گفت: «هرچند در جنگ اخیر مرکز علوم اجتماعی و سیلوی مرکزی، به دست نیروهای دشمن افتاد، ولی موقف نظامی حزب وحدت اسلامی هنوز هم در سطح بالایی قرار داشته و ما مناطق وسیعی از شهر

کابل را تحت کنترل خود داریم. نیروهای ما نیز آمادگی قوی رزمی و دفاعی در برابر هرگونه تجاوز احتمالی داشته و تاکنون بیش از ده حملهٔ شورای‌نظار و اتحاد سیاف را سرکوب کرده‌اند.»

دبیرکل وحدت اسلامی در پایان این مصاحبه در پاسخ به این سؤال خبرنگار مجلهٔ تایم که شما از کشورهای خارجی و سازمان ملل تقاضای چه نوع کمک‌هایی دارید؟ گفت: «ما از کشورهای جهان و سازمان ملل می‌خواهیم که مردم افغانستان را در امر بازسازی و اعمار مجدد افغانستان یاری رسانده و با توجه به این‌که فعلاً در افغانستان حکومتی وجود ندارد، امکانات مادی و کمک‌های بین‌المللی را به مناطق مختلف افغانستان گسیل دارند تا همهٔ مردم افغانستان از آن بهره‌مند گردند، در غیر این صورت فقط یک گروه از این کمک‌ها استفاده کرده و بقیه را محروم نگه می‌دارند و این تجربه در دوران حکومت ربانی به‌خوبی نمایان بود.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۲۷، سه‌شنبه ۱۳۷۱/۱۲/۱۸، کابل.

(۴۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ کوتاه با خبرگزاری فرانسه به سؤالات وی پیرامون توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد، سیستم سیاسی کشور، برقراری صلح و آتش‌بس، ترکیب کابینهٔ آینده، مواضع حزب وحدت اسلامی، مسألهٔ وزارت دفاع و... پاسخ گفت. وی در بخشی از این مصاحبه دربارهٔ ادامهٔ آتش‌بس گفت: «آن‌ها توافق‌نامهٔ را احترام گذاشته و به مفاد آن عمل کنند و موارد ابهام آن را برطرف کنند و با قضایای افغانستان به‌صورت عادلانه برخورد کنند، آتش‌بس رعایت خواهد شد؛ اما از همین اکنون اختلاف نظر بین آقایان حکمتیار و ربانی بروز کرده، ممکن است در آینده مشکلاتی به وجود آید؛ لذا ما زیاد به آینده خوش‌بین نیستیم.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا دولت آقای ربانی آتش‌بس را رعایت کرده است؟ گفت: «آن‌ها در طول همین مدت همواره مناطق مسکونی مردم ما را کوبیده و راکت باران کرده‌اند. دیروز و دیشب نیز دشت‌برچی را موشک‌باران کردند که در نتیجهٔ آن چندین نفر کشته و زخمی گردیدند.»

وی دربارهٔ این ادعای مسعود که وی توانسته است بیش از هشتاد درصد نیروهای نظامی حزب وحدت اسلامی را نابود سازد گفت: «در جنگ‌ها عقب‌نشینی و پیشروی یک امر طبیعی و عادی است؛ این‌که یک سنگر یا دو سنگر از دست می‌رود و یا به دست می‌آید، اهمیت استراتژیک ندارد. آن‌چه مهم است عامل انسانی و آمادگی‌های رزمی مجموعهٔ پیکارجویان است. طی جنگ‌های اخیر آن‌ها افشار را گرفتند و مردم غیر نظامی را قتل‌عام کردند و خانه‌هایشان را آتش زدند؛ اما گذشته از چند نفر که در جریان جنگ به شهادت رسیدند، کلیهٔ نیروهای نظامی حزب وحدت اسلامی پابرجا و آمادهٔ دفاع از عزت و کرامت ملی- مذهبی خویش‌اند. ما بیش از ده هزار نیروی رزمی آماده داریم. ادعاهای آقای مسعود مانند بسیاری از لاف‌زنی‌های وی دروغی بیش نیست.»

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس، دوشنبه ۱۳۷۱/۱۲/۲۴.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا شما از نخست‌وزیری آقای حکمتیار راضی هستید؟ گفت: «ما نتایج توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد را قبول داریم؛ اما این‌که چه کسی رئیس جمهور و چه کس صدراعظم می‌شود، برای ما مطرح نیست. آن‌چه اهمیت دارد این است که حکومت از یک مرجع قانونی تشکیل شود.»

وی در مورد جایگاه و نقش حزب وحدت اسلامی در کابینهٔ آینده گفت: «باید هر یک از احزاب جهادی به‌تناسب حضور نظامی و پشتوانهٔ مردمی خود در قدرت سهیم باشند. حزب وحدت اسلامی یکی از احزاب عمدهٔ افغانستان است که هم از پشتوانهٔ وسیع مردم خود بهره‌مند است و هم یک نیروی قوی نظامی دارد و هم در کابل حضور گسترده دارد؛ بنابراین باید جایگاه حزب وحدت در دولت آینده به‌صورت عادلانه تعیین گردد.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا کابینه را آقای حکمتیار و ربانی تشکیل خواهند داد؟ گفت: «کابینه را صدراعظم با مشورت رئیس جمهور و رهبران احزاب جهادی تشکیل خواهد داد. مسألهٔ سه جانب دارد و باید هر حزب به‌تناسب حضور سیاسی- نظامی خود در کابینه شرکت داشته باشد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که شما چه وزارتخانه‌هایی را می‌خواهید؟ گفت: «در مذاکرات مقدماتی اسلام‌آباد شش پست کلیدی مشخص گردیده بود، بنابراین، شده بود که برای هر یک از احزاب عمدهٔ جهادی یکی از این پست‌ها داده شود که حزب اسلامی نیز یکی از احزاب عمدهٔ به‌حساب آمده است.»

وی دربارهٔ ادارهٔ وزارت دفاع گفت: «طبق توافق اسلام‌آباد یک حزب نمی‌تواند دو پست کلیدی را داشته باشد؛ چون ریاست جمهوری به ربانی تعلق گرفته است، مسعود نمی‌تواند وزیر دفاع باشد و باید از این مقام کناره‌گیری کند.»

وی در پاسخ به این سؤال که ربانی اعلام کرده است که دیگر رهبر جمعیت نیست و فردی بی‌طرف است؛ بنابراین برای جمعیت اسلامی پست وزارت دفاع می‌ماند گفت: «آقای ربانی در اجلاس اسلام‌آباد در نقش رهبری جمعیت اسلامی شرکت کرده بود نه رئیس جمهور.»

وی دربارهٔ اظهارات یکی از معاونین مسعود مبنی بر این‌که این موضوع که یک حزب نمی‌تواند بیش از دو پست کلیدی داشته باشد، لغو گردیده است گفت: «ما معتقدیم که اظهارات آقای حکمتیار که در اجلاس اسلام‌آباد شرکت داشته و صدراعظم کشور است، از اعتبار بیشتری

نسبت به اظهارات معاون مسعود برخوردار است. وی به‌صراحت اعلام کرده است که مسعود نمی‌تواند وزیر دفاع باشد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۱۳۳، سه‌شنبه ۲۵ حوت ۱۳۷۱- کابل.

(۴۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون B.B.C, A.B.C و مجلهٔ تایم[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران تلویزیون‌های ای.بی.سی[۲] و بی‌بی‌سی[۳] و مجلهٔ تایم[۴] به سؤالات آنان پیرامون توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد، آتش‌بس و جنگ‌های اخیر پاسخ گفت. وی در پاسخ به این سؤال که آیا پس از امضاء توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد آتش‌بس رعایت گردیده است؟ گفت: «طبق فیصلهٔ اسلام‌آباد پس از امضای موافقت‌نامه باید بلافاصله آتش‌بس اجرا شود؛ ولی متأسفانه از آن زمان تاکنون چندین بار از سوی شورای‌نظار و اتحاد سیاف بالای مواضع حزب وحدت اسلامی حمله شده و در طول ماه مبارک رمضان مناطق مسکونی شیعه‌نشین هدف آتش‌باری‌های سلاح‌های ثقیل آنان قرار گرفته است که طی آن ده‌ها نفر تاکنون شهید و بیش از صد نفر زخمی شده‌اند.»

وی در مورد تأثیرپذیری احزاب جهادی از کشورهای خارجی گفت: «پس از اشغال افغانستان توسط اردوی متجاوز روسی، این یک امر طبیعی بود که احزاب در خارج از کشور دفاتری داشته باشند؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی این بستگی به خود احزاب دارد که تا چه حد مستقل عمل می‌کنند و تا چه میزان در خط وابستگی حرکت می‌کنند. از نظر حزب وحدت اسلامی هر جریانی که بر مدار وابستگی به دولت‌های خارجی حرکت کند، محکوم به فنا و تجرید از مردم مسلمان افغانستان است و مردم ما آن‌ها را نمی‌بخشد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که رابطهٔ حزب وحدت اسلامی با ایران چگونه است؟ گفت: «حزب وحدت اسلامی تنها حزبی است که در داخل کشور تأسیس شده و مرکزیت آن در طول سالیان جهاد در داخل کشور بوده و مستقل‌ترین حزب در میان احزاب جهادی است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز رهبران حزب وحدت اسلامی همواره در داخل کشور بوده‌اند و ما از

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون B.B.C, A.B.C و مجلهٔ تایم، یکشنبه ۱۳۷۲/۱/۱.

2. A.B.C
3. BBC
4. Time Magazine

هیچ کشوری متأثر نبوده و بعد از این نیز از هیچ کشوری تأثیر نمی‌پذیریم. ما براساس مصالح و منافع مردم و کشور خود، خود تصمیم می‌گیریم.»

وی دربارهٔ نقش شیعیان در حکومت آینده با توجه به محرومیت شیعه در نظام‌های پیشین گفت: «حکومت‌های گذشته حکومت‌های مردمی و مبتنی بر اراده و انتخابات آزاد مردم نبودند؛ اما در شرایط کنونی پس از چهارده سال جهاد، مبارزه، دادن بیش از یک‌میلیون شهید و چندین صد هزار معلول و آواره شدن بیش از پنج میلیون نفر و ویرانی شهرها، دهکده‌ها و تحمل هزاران رنج مشکل دیگر که همهٔ مردم افغانستان در آن شریک بودند، باید همهٔ ملیت‌های کشور در حکومت اسلامی آینده بر طبق نفوس‌شان سهیم باشند، در غیر این صورت حکومت آینده حکومت اسلامی نخواهد بود و در افغانستان نمی‌تواند حکومت کند؛ چراکه همهٔ مردم افغانستان امروز مسلح بوده و دارای تشکیلات خاص خود هستند و بدون در نظر گرفتن همهٔ آن‌ها مشکل حل نخواهد شد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که دو روز است که از آتش‌بس تخلف صورت می‌گیرد، پس نتیجهٔ کار کمیسیون نظارت بر آتش‌بس چیست؟ گفت: «متأسفانه از همان روز امضای موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد تاکنون همیشه این تخلف صورت گرفته است و شما تازه خبر شده‌اید! بعد از امضای توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد نه‌تنها حملات آقای مسعود و سیاف کاهش نیافته که بر شدت آن افزوده شده است. آن‌ها مراسم نماز جمعه را هدف آتشباری قراردادند. به نظر ما کسانی که از اجرای توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد ناراضی بوده و آن را به ضرر خود می‌دانند، بهانه‌طلبی می‌کنند و در پی برهم زدن آن تلاش می‌ورزند.»

وی دربارهٔ نتایج کار کمیسیون نظارت بر آتش‌بس گفت: «جنرال حمیدگل، از حزب وحدت اسلامی، جمعیت اسلامی و حزب اسلامی خواست نمایندگان‌شان را برای نظارت بر آتش‌بس معرفی کنند؛ ولی چون هیأت نظارت بر آتش‌بس در وزیراکبرخان مستقر شده است، از جنگی که در این قسمت از شهر صورت گرفته و مناطق مسکونی کوبیده می‌شود با خبر نمی‌شوند.»

وی در پاسخ به این سؤال که پس راه‌حل برای رعایت آتش‌بس چیست؟ گفت: «راه‌حل این است که در هر دو منطقه هیأت ناظر بر آتش‌بس مستقر شود و هر جریانی که تجاوز کرد متجاوز را در سطح رسانه‌های خبری معرفی و اعلام کنند و الا با توجه به این‌که رادیو دست مسعود است، وی هم جنگ را آغاز می‌کند و هم در رادیواش تبلیغ می‌کند که حزب وحدت اسلامی آتش‌بس

را نقض کرده است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که شما از میانجی کنندگان پاکستانی چه انتظاری دارید؟ گفت: «انتظار ما از آن‌ها این است که باید متخلف و متجاوز را معرفی کنند تا افکار جهانی بدانند که چه کسانی شرارت و جنگ‌افروزی می‌کنند. باید متجاوزین تحت فشار سیاسی قرار بگیرند تا مناطق مسکونی را هدف آتشباری با سلاح‌های ثقیل قرار ندهند.»

وی دربارهٔ نقش اتحاد سیاف در جنگ‌های اخیر گفت: «اتحاد خود را جزء دولت می‌داند تاکنون اعلام جنگ هم نکرده است و جنگ کنونی را هم بین دولت و حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی می‌داند، ما اتحاد را جدا از دولت نمی‌دانیم. آن‌ها وزارت دفاع را قبول ندارند و هماهنگ با شورای‌نظار علیه ما می‌جنگند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا پروسهٔ خلع سلاح گروه‌ها موفق خواهد شد؟ گفت: «اگر یک ترکیب سیاسی معقول و مورد قبول همهٔ احزاب جهادی و مردم افغانستان در کشور به وجود آمده و وزارت دفاع هم از انحصار یک حزب خارج شود و فرد دیگری به جای مسعود انتخاب گردد، جریان جمع‌آوری سلاح‌ها امکان‌پذیر خواهد بود؛ اما در غیر این صورت هیچ‌کس حاضر نخواهد شد سلاح خود را تسلیم کسانی کند که دشمنی آنان با مصالح ملت افغانستان محرز بوده و مردم مسلمان کشور از آن‌ها نفرت دارند.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۳۷، دوشنبه ۲ حمل ۱۳۷۲، کابل.

(۴۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون سوئیس[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی یک مصاحبهٔ تلویزیونی با خبرنگار تلویزیون سوئیس به سؤالات وی پیرامون جنگ‌های اخیر شهر کابل و مواضع حزب وحدت اسلامی پاسخ گفت. وی در پاسخ به این سؤال که شورای‌نظار و اتحاد در افشار جنایات زیادی را مرتکب شده‌اند. شما در این زمینه چه نظر دارید؟ گفت: «در جنگی که اخیراً در افشار پیش آمد، آن‌ها برخلاف موازین اسلامی و انسانی و اصول حاکم بر شرایط جنگی، فجایعی را بار آوردند که وجدان انسان را به لرزه درمی‌آورد. آن‌ها قاعدتاً باید مناطق نظامی را می‌زدند؛ اما برخلاف کلیهٔ مقررات اسلامی و بین‌المللی وقتی‌که بر منطقهٔ افشار مسلط شدند، به هیچ‌کس رحم نکردند. زنان، کودکان و پیرمردان را که در هر شرایطی از تعرض مصون‌اند قتل‌عام کرده و در برابر چشم کسانشان سر بریدند.»

وی دربارهٔ علل عدم توقف جنگ بین شورای‌نظار و اتحاد و حزب وحدت اسلامی گفت: «یکی از اصول توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد، آتش‌بس فوری پس از امضای این توافق‌نامه است. آقایان مسعود و سیاف برخلاف این توافق‌نامه هر روز مناطق مسکونی ما را زیر آتش گرفته و بر مواضع نیروهای ما تعرض می‌کنند و عملاً آتش‌بس را نقض می‌کنند. آن‌ها نمی‌خواهند که این موافقت‌نامه به نتیجه برسد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به این سؤال که مردم کابل از جنگی که مجاهدین برای رسیدن به قدرت در پیش گرفته‌اند، شاکی هستند نظر شما چیست؟ گفت: «از نظر ما نیز جنگی که برای رسیدن به قدرت و یا حفظ آن بر مردم تحمیل گردیده و قربانیان خود را نیز از مردم می‌گیرد محکوم است. حزب وحدت اسلامی در طول چندین جنگی که تحمیل گردیده است، تنها از خود دفاع کرده است. ما با سیاف هیچ‌گونه نزاعی بر سر قدرت نداشته‌ایم و نداریم؛ چراکه او نه مصدر قدرت است و نه هم کسی است که ما از قدرت فردای وی هراسی داشته باشیم؛ اما او با هر انگیزه‌ای بیش از چهار جنگ را بر مردم

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون سوئیس، سه‌شنبه ۱۳۷۲/۱/۳.

ما تحمیل کرده است. جنگ‌هایی را که مسعود علیه حزب وحدت اسلامی شروع کرد با هدف تصفیهٔ ما از شهر کابل بود و او می‌خواست برای بسط حوزهٔ اقتدار خود حزب وحدت اسلامی را خلع سلاح کند؛ ولی به این کار موفق نگردید.»

استاد مزاری در ادامه افزود: «ما یک حزب سیاسی هستیم و خواسته‌ها و اهداف خاص خود را داریم؛ اما راه نیل به آن‌ها را در جنگ جستجو نمی‌کنیم؛ اما این طرف مقابل است که برای حفظ قدرت یا انگیزه‌های دیگر جنگ را بر مردم مظلوم و بی‌دفاع کابل تحمیل می‌کند.»

وی هم‌چنین اظهار داشت: «به اعتقاد ما پس از چهارده سال جهاد مقدس مردم افغانستان علیه اشغالگران روسی که تمامی ملیت‌های افغانستان در آن سهم داشتند، امروز نیز در حکومتی که تشکیل می‌شود باید همه سهیم باشند و هر ملیتی طبق نفوس‌شان به همان اندازه که هستند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط به کشور شرکت داده شوند، نه حق بیشتر ازآن‌چه که هستیم می‌خواهیم و نه هم اجازه می‌دهیم که کسی بر ما ظلم کند.»

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه در پاسخ به این سؤال که آیا شما یک بنیادگرا هستید؟ گفت: «ما مسلمانیم و مبارزهٔ ملت ما نیز یک مبارزهٔ اسلامی است و براساس انگیزه‌ها و اهداف اسلامی شکل گرفته است. بنابراین، پس از چهارده سال مبارزه سخت و دشوار و تقدیم بیش از میلیون شهید، می‌خواهیم در افغانستان حکومت اسلامی که حقوق همهٔ مردم افغانستان در آن تأمین شود، تشکیل دهیم. غیر از این نه مردم ما می‌خواهند و نه ما.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که دربارهٔ وابستگی حزب وحدت اسلامی به ایران چه می‌گویید؟ گفت: «ما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که تنها حزبی که در داخل افغانستان تشکیل شده و مرکزیت آن در طول سالیان جهاد در داخل بوده و تصمیم‌گیری‌هایش نیز در داخل افغانستان صورت می‌گرفته است حزب وحدت اسلامی است؛ این در حالی است که سایر احزاب هم رهبران‌شان در خارج بوده وهم مرکزیت‌شان و هم تصمیم گیری‌هایشان در خارج شکل می‌گرفته است. حزب وحدت اسلامی یک حزب سیاسی مستقل است و به هیچ کشوری کم‌ترین وابستگی هم ندارد. ایران یک کشور اسلامی و همسایهٔ ما است. در طول سالیان جهاد مانند پاکستان به مردم افغانستان یاری رسانیده و احزاب جهادی را نیز اعم

از شیعه و سنی کمک کرده است و بیش از دو میلیون مهاجر ما را پناه داده است.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۳۹، ۱۳۷۲/۱/۷، کابل.

(۴۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و تلویزیون آلمان[۱]

استاد مزاری، با شرکت در یک مصاحبهٔ رادیو تلویزیونی به سؤالات خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و شبکهٔ اول تلویزیون آلمان در مورد نقض مجدد آتش‌بس، کابینهٔ جدید آقای حکمتیار، خواسته‌های حزب وحدت اسلامی و... پاسخ گفت. استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که در این دو روز آتش‌بس نقض می‌گردد، ناقض آتش‌بس کدام تنظیم است؟ گفت: «یکی از موارد موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد رعایت و برقرار شدن فوری آتش‌بس بود که متأسفانه تاکنون به آن عمل نشده و حزب وحدت اسلامی که این معاهده را امضاء کرده است به آن متعهد بوده و تا حال از طرف ما آتش‌بس نقض نشده و ما برای ایجاد صلح و تحقق عملی معاهدهٔ اسلام‌آباد با شورای‌نظار و اتحاد سیاف دو کمیسیون جداگانه به وجود آوردیم؛ اما با همهٔ این مسائل شب و روز از طرف شورای‌نظار آتشباری صورت می‌گیرد و در هر شب و روز حدود چهل نفر کشته و زخمی از مردم بی‌گناه است. ما از برادرانی که در معاهدهٔ اسلام‌آباد و کمسیون دوجانبهٔ نظارت بر آتش‌بس امضاء و تعهد کرده‌اند، تقاضا می‌کنیم که به تعهدشان عمل کنند و آتش‌بس را نقض نکنند.»

خبرنگار بی‌بی‌سی در مورد کمیسیون آتش‌بس و ناظرینی که روی کوه‌های تلویزیون و سیلو مستقر بودند پرسید؟ استاد مزاری گفت: «ابتدا بعد از معاهدهٔ اسلام‌آباد کمیسیونی از سه حزب جمعیت اسلامی، وحدت اسلامی و حزب اسلامی به وجود آمده بود که از طرف شب هیچ‌گونه مانعی نمی‌توانستند باشند؛ اما روزها تا حدودی درگیری نبود، گرچه گاهی از آن کوه‌ها آتش باری صورت می‌گرفت. در این اواخر نفرهای ناظر ما را از کوه سیلو و تلویزیون پایین کردند، هیچ‌کسی اعتراض نکرد و دوباره آتش‌بس از آن‌جا نقض گردید. به عقیدهٔ من این کمیسیون حل کنندهٔ مشکل نیست، مگر این‌که کمیسیونی دایر گردد از کشورهای اسلامی که متجاوز را اعلان کنند یا خود کسانی که آتش‌بس را امضاء کرده‌اند به آن پایبند باشند.»

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و تلویزیون آلمان، جمعه ۱۳۷۲/۱/۲۵.

استاد مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار تلویزیون آلمان که پرسید: آیا امکان این موجود است که شما با مسعود همکاری داشته باشید گفت: «برای ما شخص مطرح نیست، دولتی که از پایه‌های مردمی و ملی برخوردار باشد و یک مرجع قانونی که مردم آن را قبول داشته باشد، ما با آن دولت همکاری می‌کنیم.»

خبرنگار تلویزیون آلمان پرسید: کابینهٔ آقای حکمتیار را ربانی رد کرده است، نظر شما دربارهٔ کابینهٔ موصوف چیست؟ استاد مزاری گفت: «آقای حکمتیار بعد از معاهدهٔ اسلام‌آباد با تمامی گروه‌ها چه با رهبران یا نمایندگان‌شان مشورت‌های لازم را انجام داده است، هم در جلال‌آباد و هم در چهارآسیاب؛ در جلال‌آباد تمام نمایندگان گروه‌ها از جمله نمایندهٔ آقای ربانی و سیاف تعهد کرده بود که اگر در نه حمل رهبران‌شان را نتوانستند به جلسه بیاورند، هیچ‌گونه حق اعتراضی ندارند. آقای حکمتیار بر همان اساس لیست اعضای کابینه را به‌تمامی احزاب داد. این مخالفت آقای ربانی قانونی نیست. باید کابینه را قبول می‌کرد و دوباره باعث مشکلات برای مردم رنجدیده ما نمی‌شد؛ اما حزب وحدت که نماینده‌اش در تمامی جلسات شرکت داشت، ملاحظاتی دربارهٔ کابینه دارد که با آقای حکمتیار مطرح کرده که این ملاحظات به معنی رد کابینه نیست.»

استاد مزاری در جواب این سؤال خبرنگار تلویزیون آلمان که پرسید: آیا شما نمایندهٔ حزبی هستید که از یک اقلیت قومی نمایندگی می‌کند؟ گفت: «در افغانستان ملیت‌ها و نژادهایی وجود دارد که هیچ کدام دارای اکثریت نیستند؛ ولی در مجموع چهارتا قوم عمده وجود دارد مانند پشتون، هزاره، تاجیک و ازبیک که ما نیز یکی از اقوام عمدهٔ کشور روی تعداد نفوس باید در دولت آینده و تصمیم‌گیری‌هایش نقش داشته باشیم.»

خبرنگار تلویزیون آلمان پرسید: شایعه است که شما با ایران رابطه دارید و از آن کشور کمک دریافت می‌کنید، آیا درست است؟ استاد مزاری گفت: «از زمانی که افغانستان به اشغال شوروی درآمد، مخالفین دولت به کشورهای همسایه مهاجر شدند که مردم ما نیز به کشورهای مختلف از جمله ایران آواره شدند و همهٔ احزاب در خارج دفترهای نمایندگی ایجاد کردند و تمام احزاب مرکزشان نیز در خارج از کشور بود، تنها حزبی که مرکزیتش در داخل کشور قرار داشت، حزب وحدت اسلامی بود. ما در ایران نمایندگی داریم، چنان‌چه در پاکستان و کشورهای اروپایی داریم. در ایران نه‌تنها مهاجرین ما بلکه مهاجرین تمام احزاب وجود دارد. ایران برای همهٔ مهاجرین کمک کرده و این‌که تنها برای حزب وحدت کمک خاص کرده باشد، صحت ندارد و ما آن را

تکذیب می‌کنیم.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار تلویزیون آلمان که پرسید برای تأمین صلح پایدار در افغانستان از دولت چه خواسته‌ها و توقعاتی دارید؟ گفت: «در طول چهارده سال جهاد و مبارزه علیه شوروی تمامی مردم افغانستان سهم داشته‌اند نه یک قوم و یک تنظیم. در آینده نیز همه باید در ادارهٔ کشور سهم داشته باشند. ما خواستار حکومتی هستیم که طبق قانون و انتخابات به میان آید و در آن مرد و زن شرکت داشته باشند و برای مردم خود براساس تعداد نفوس و وسعت جغرافیایی‌اش خواستار حقوق در آینده هستیم.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۵۵، پنج‌شنبه ۱۳۷۲/۱/۲۶، کابل.

(۴۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران روزنامهٔ ام. ال. فک فرانسه[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی خبرنگار ام.ال.فک فرانسه را در دفتر کارش به حضور پذیرفت و به سؤالات وی در مورد تحولات جاری کشور پاسخ گفت که اینک خوانندگان محترم خبرنامه متن مصاحبه را پیش رو دارند.

خبرنگار: دربارهٔ اوضاع فعلی کشور افغانستان اگر ممکن هست توضیح بدهید؟

استاد مزاری: توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد که همهٔ احزاب آن را امضاء کرده بودند، بهترین زمینه راه‌حل برای معضلات افغانستان را به وجود آورده بود؛ اما از طرف آقای ربانی این توافق‌نامه نقض گردید و تاکنون رعایت نشده و همیشه از طرف آن‌ها جنگ در گرفته که وضع را مبهم و مغشوش کرده است.

خبرنگار: تنظیم‌هایی که در کابل هستند، حزب وحدت با کدام یک از آن‌ها روابط نزدیک و خوب دارد؟

استاد مزاری: غیر از جمعیت و اتحاد با بقیه روابط حزب وحدت خوب است.

خبرنگار: آیا شما به خاطر قدرتمند بودن جمعیت و اتحاد با آن‌ها رابطهٔ خوبی ندارید؟

استاد مزاری: در اجلاسی که در پاکستان قبل از سقوط دولت کمونیستی برپا شد، قدرت در دست آن‌ها افتاد. حالا این دو گروه برای حفظ قدرت دست به هر اقدامی می‌زنند، از جمله جنگ که عدم رابطهٔ خوب ما با آن‌ها به خاطر شرارت آن‌هاست نه به خاطر قدرتمندی آن‌ها.

خبرنگار: وقتی شما حزب جمعیت و اتحاد را استثنا قرار می‌دهید با حزب اسلامی چگونه رابطه‌هایی دارید؟

استاد مزاری: با تمام تنظیم‌ها رابطهٔ حسنه و خوب داشتیم؛ ولی اتحاد و جمعیت علیه ما جنگیدند و به همان خاطر رابطهٔ ما با آن‌ها خوب نیست؛ ولی با بقیهٔ گروه‌ها روابط دوستانه و نزدیک داریم.

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران روزنامه ام.ال.فک فرانسه، سه‌شنبه ۱۳۷۲/۱/۳۱.

خبرنگار: وقتی برخورد نظامی علیه دولت می‌شود، شما با حزب اسلامی یک‌جا علیه دولت می‌جنگید؟

استاد مزاری: دولت، یک دولت قانونی نیست؛ زیرا وقتی توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد نقض گردید، دیگر نه آقای ربانی رئیس جمهور است و نه آقای حکمتیار صدراعظم بلکه آن‌ها به‌عنوان یک حزب مطرح هستند و ما قصد جنگ نداریم. آن‌ها جنگ را علیه ما در می‌دهند؛ آن‌وقت طبیعی است که ما از خود دفاع می‌کنیم.

خبرنگار: رابطهٔ شما با دولت ایران چگونه است، آیا از آن‌ها کمکی دریافت می‌کنید؟

استاد مزاری: بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی تمام گروه‌ها در خارج از کشور دفتر نمایندگی ایجاد کردند، از جمله حزب وحدت اسلامی در پاکستان، ایران و کشورهای اروپایی دفتر ایجاد کرد. در ایران تمامی گروه‌ها دفتر نمایندگی داشتند. در بین گروه‌ها تنها حزبی که مرکزیتش در داخل کشور بود حزب وحدت است که در طول جهاد و بعد از پیروزی مرکزیتش در داخل کشور بود. ما کمک خاصی از ایران دریافت نکرده‌ایم.

خبرنگار: در قسمت‌های مرکزی و شیعه‌نشین افغانستان چه مشکلاتی وجود دارد؟ آیا جنگی در آن مناطق جریان دارد؟

استاد مزاری: بعد از سقوط رژیم کمونیستی غیر از کابل تمامی ولایات آرام بوده‌اند. فقط در این اواخر قندهار نیز شاهد درگیری بوده است. به‌غیر از این دو ولایت باقی ولایات از جمله مناطق مرکزی شیعه‌نشین آرام است.

خبرنگار: وضع مواد اولیه از نگاه اقتصادی، دارویی و وضع فرهنگی مناطق مرکزی چگونه است؟

استاد مزاری: مناطق مرکزی از نظر اقتصادی، فرهنگی و صحی در طول چهارده سال دچار مشکلات بوده و حالا نیز این مشکلات ادامه دارد. شفاخانه وجود ندارد. از نظر مواد غذایی و دارویی کمبود وجود دارد و مکاتب غیر فعال هستند.

خبرنگار: از احزاب اهل تشیع حزب دیگری هست به نام حرکت اسلامی چرا این حزب با حزب وحدت یکی نمی‌شود؟

استاد مزاری: تشکیلات سیاسی و نظامی به وجود آمده بعد از تجاوز روس‌ها به افغانستان هیچ‌کدام به یک مذهب اختصاص ندارد. این، برای مبارزه تشکیلات به وجود آمد. در سال

۱۳۶۸ نه گروه توافق کردند که وحدت کنند و در یک تشکیلات واحد منسجم گردند که یکی از این گروه‌ها حرکت اسلامی بود که از هجده نفر اعضای شورای مرکزی حرکت سیزده نفرشان قبول کردند به حزب وحدت بیایند، امضاء هم کردند، ولی آقای محسنی رهبر حرکت با این وحدت مخالفت کرد.

خبرنگار: در حال حاضر رابطهٔ شما با حرکت از چه قرار است؟

استاد مزاری: رابطهٔ ما فعلاً عادی و خوب است.

خبرنگار: آیا نیروهای حرکت اسلامی با شما در جنگ‌ها همکاری دارند؟

استاد مزاری: منطقهٔ ما به شکلی است که نیروهای آن‌ها با ما یکجا هستند و در جنگ‌های قبلی چون مناطق ما را با سلاح‌های ثقیل مورد هدف قرار دادند، آن‌ها نیز وارد جنگ شده بودند.

خبرنگار: آیا شما برخلاف دولت موضع دارید؟

استاد مزاری: ما در اول گفتیم که اگر توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد نقض شود، دیگر دولتی وجود ندارد، بلکه احزاب‌اند. آن‌طرف هم احزابی هستند، این طرف نیز.

خبرنگار: آیا شما در هفته‌های آینده خوش‌بین هستید که صلحی برقرار شود؟

استاد مزاری: اگر توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد عملی شود و تمامی امضاء کنندگان به مفاد توافق‌نامه عمل کنند، ما امیدوار هستیم که امنیت برقرار شود. اگر آقای ربانی آن را نقض کند، امنیت برقرار نخواهد شد.

خبرنگار: دولت‌های گذشته کلاً در دست پشتون‌ها بوده حالا که آقای ربانی یک تاجیک هست رئیس جمهور شده شما چه نظر دارید؟

استاد مزاری: در جهاد چهارده‌ساله تمامی اقوام و احزاب شرکت داشته‌اند، مبارزه کرده‌اند، شوروی را شکست داده‌اند؛ لذا باید در حکومت نیز همه شریک باشند. این‌که در گذشته عده‌ای از پشتون‌ها حاکم بوده ظلم کرده‌اند، جای شکی نیست؛ اما ظلم آن‌ها باعث نمی‌شود که حالا آقای ربانی که تاجیک است باید قدرت را بگیرد و بر مردم ظلم کند و ما هم از او حمایت کنیم، نه، بلکه ما از حکومتی حمایت می‌کنیم که عدالت اجتماعی را مدنظر داشته باشد، حالا هرکس که باشد فرق نمی‌کند.

خبرنگار: شما خودتان کی به کابل تشریف آوردید؟

استاد مزاری: تقریباً بیست روز بعد از سقوط کابل به کابل آمدم، قبلاً در بامیان بودم.

خبرنگار: به نظر شما در حکومت آیندهٔ افغانستان شیعه‌ها به حقوقشان خواهد رسید؟ چون در گذشته شیعه‌ها مورد ظلم حکومت‌ها قرار داشته‌اند؟

استاد مزاری: ما معتقدیم حکومت آینده نباید روی مذهب و نژاد شکل بگیرد. باید در حکومت آینده همه به حقوق خود برسند. ما معیار نفوس را که یک معیار بین‌المللی هست معتبر می‌دانیم و بر همان اساس نفوس از دولت و حکومت آینده خواستار حق خود هستیم. ما نمی‌خواهیم روی کسی ظلم کنیم و نخواهیم گذاشت کس دیگری بر ما ظلم کنند.

خبرنگار: به‌عنوان آخرین سؤال، شما براساس فی‌صدی نفوس در آینده خواهان چند وزارتخانه در کابینه هستید؟

استاد مزاری: در افغانستان تا حال سرشماری دقیق به وجود نیامده است. تا سرشماری دقیق صورت می‌گیرد، ما خواهان یک‌چهارم سهم در تمامی ارگان‌های دولتی برای مردم شیعه و هزاره هستیم.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۱۶۰، چهارشنبه ۱۳۷۲/۲/۱، کابل.

(۴۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی

سه‌شنبه ۱۳۷۲/۲/۷

به مناسبت اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و بررسی تحولات یک سال گذشته و نیز دورنمای آینده، ادارهٔ خبرنامهٔ وحدت مصاحبهٔ با استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی انجام داده است که در ذیل آورده می‌شود:

سؤال: تحولات یک سال گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: متأسفانه سال گذشته برای مردم رنجدیدهٔ افغانستان به جای این‌که سال پیروزی و سال خوش می‌بود، سال تلخ و ناگواری بود! هشت جنگ خونین بر مردم کابل تحمیل شدند. این جنگ‌ها باعث ویرانی، خرابی و تلفات مالی و جانی بر مردم شدند؛ سال ناگواری بود که بر ما گذشت و حتی تاکنون هم حالت اضطراب، وحشت و ناامنی از سر مردم رفع نشده است.

سؤال: اوضاع کنونی کشور را چگونه می‌بینید؟

جواب: اوضاع کنونی کشور چشم‌انداز روشن ندارد؛ برای این‌که زمینهٔ انتخابات عمومی فراهم نشده است و تنها مرجعی که اکنون برای سرنوشت کشور و مردم افغانستان تصمیم‌گیری می‌کند، نیروهای جهادی و رهبران جهادی‌اند که متأسفانه آن‌ها هیچ‌گونه تعهدی در قبال مردم، این مملکت و سرمایه‌های آن نشان نمی‌دهند و برعلاوه به قول و قرارها و امضاهای‌شان پابندی ندارند؛ از این جهت وضعیت فعلی کشور سردرگم است و روشن نیست که چه وقت مردم ما از این وضعیت وحشت‌بار و ناآرام نجات می‌یابند.

سؤال: در رابطه با موفقیت و یا عدم موفقیت معاهدهٔ اسلام‌آباد چه نظر دارید؟

جواب: معاهدهٔ اسلام‌آباد نقص‌های زیاد داشت و از آن‌جایی که حزب وحدت نماینده‌هایش را در آن‌جا فرستاده بود تا در ذهن دیگران مانع صلح، آرامش و استقرار آتش‌بس دایمی در کشور قلمداد نشود، به تعهدات خود وفادار است. البته نماینده‌های ما نقطه‌نظرات‌شان را بیان کرده بودند؛ ولی کشور میزبان به آن چندان اعتنایی نکرده بود، با آن‌هم نمایندهٔ حزب وحدت اسلامی

به خاطر مصالح مردم توافق‌نامه را امضا کرد. وقتی این توافق‌نامه را امضا کرد؛ حزب وحدت مصمم بود که به خاطر آن امضا، توافق‌نامه را رعایت کند تا اجرا شود. متأسفانه که این توافق‌نامه تا حالا در هیچ صورت رعایت نشده است، مسألهٔ دیگر آتش‌بس بوده است که اصلا رعایت نشده است و کابینه هم که در ظرف دو هفته باید تعیین می‌شد، بعضی رهبران که آن‌جا امضا کرده بودند کارشکنی کردند، در این مدت نیامدند و فقط نماینده‌های‌شان آمدند که تا نه حمل آن را به تأخیر انداختند و توافق کردند که در آن تاریخ همهٔ رهبران خود را حاضر بکنند که این‌ها باز حاضر نشدند. مشورت‌هایی را که صدراعظم با نماینده‌های احزاب انجام داد و بعد روی آن مشورت‌ها کابینه تشکیل شد، رئیس جمهور این کابینه را مورد اعتنا قرار نداد. نه رد و نه تأیید کرد؛ یعنی کابینهٔ پیشنهادی را اعلام نکرد. بعد چهار پنج تا حزب دیگر را جمع کرد و خلاف توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد و خلاف آن تعهدی که آن‌جا کرده بود، کابینهٔ دیگری برای آقای حکمتیار پیشنهاد کرد. این از حق رهبران و رئیس جمهور نیست که چنین کنند؛ در مقابل توافق‌نامه که هشت تنظیم امضا کرده بود، رهبران می‌توانستند دربارهٔ حزب‌شان تنها با صدراعظم اعتراض داشته باشند و صحبت بکنند؛ این‌ها دیگر حق نداشتند جمع شوند و چیزی دیگری درست کنند. رئیس جمهور هم اگر احیانا نظری دربارهٔ کدام وزیر داشت، این را می‌توانست به طور کتبی به صدراعظم بدهد که دربارهٔ این وزیر این نظر را دارم و اصل کابینه را باید اعلام می‌کرد، حق این بود که دیگران را جمع بکند و کابینه را تشکیل بدهد؛ اما این را نقض کرد و باز هم صدراعظم و رئیس جمهور جلسه کردند که آن‌هم بی‌نتیجه بود. لذا علت تمام بدبختی‌ها این است که بعضی از رهبران با انحصارطلبی و جاه‌طلبی برخورد می‌کنند و هیچ‌گاه به منافع مردم نمی‌اندیشند. حالا باز هم توافق کرده‌اند که جلسه شود، روی مسائل بحث صورت گیرد که من چندان خوشبین نیستم به خاطر این‌که این‌ها هیچ تعهد و تصمیم ندارند که مسألهٔ افغانستان را به نفع مردم حل کنند. این‌ها فقط خودشان را می‌خواهند و اگر هم می‌آمدند و همه با هم می‌نشستند و صادقانه حرف می‌زدند، کار آسان بود؛ ولی در جلسه‌ای که در پل‌چرخی بنا بود دایر شود، خود صدراعظم به طور علنی اعلان کرد که در مسیر راه او مین‌گذاری شده است تا او را بزنند. حال خود رئیس جمهور جلسه دایر می‌کند؛ اما نه برای این‌که مسأله حل شود؛ بلکه به خاطر این‌که طرف خود را از بین ببرد که با این وسیله مشکل است به نتیجهٔ برسند. ما معتقدیم که وقتی معاهدهٔ اسلام‌آباد رعایت نشود، دیگر نه رئیس جمهور، نه صدراعظم و نه هم کابینه قانونی‌اند؛ چون مجوز این نهادها توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد و توافق رهبران

احزاب است، حالا باور ندارم که این توافق‌نامه که مکرر نقض شده است، عملی شود که عملی هم نمی‌شود. اکنون در مسائل افغانستان باز هم این احزاب‌اند که در بین‌شان به توافق باید برسند نه معاهدهٔ اسلام آباد.

سؤال: تلاش‌های صلحی را که پس از کابینهٔ آقای حکمتیار راه افتاد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: این تلاش‌های صلح از سوی آقای محسنی به راه افتاده است، به فکر ما نفس صلح بد نیست؛ اما حقیقت این است که این‌ها دولت آقای ربانی را پذیرفته‌اند و در جنگ و صلح بین حزب و جمعیت این‌ها در کنار جمعیت قرار دارند، صلح یک‌طرفه مفهوم ندارد. هیأت صلح باید بی‌طرف باشد و هر دو طرف آن را قبول داشته باشند. حالا در شمالی جنگ به شدت ادامه دارد و در قندهار چند روز پیش جنگ بود؛ یعنی هیچ آیندهٔ صلح و دوستی در کشور دیده نمی‌شود.

سؤال: در رابطه با بهبودی اوضاع آینده چه طرحی دارید؟

جواب: طرح ما همان است که قبلا هم گفته بودیم که رهبران جهادی یک مقدار به حال مردم فکر کنند، واقعیت‌های اجتماعی را ببینند و درک کنند و روی آن مسأله یک حکومت موقت به وجود بیاورند و زمینهٔ انتخابات عمومی را به اسرع وقت فراهم کنند. راه‌حل این است که مردم خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند. متأسفانه کسی تا حالا هم حاضر نیست دست از انحصارطلبی بردارد و واقعیت‌ها را ببیند. مثلا در پاکستان ربانی پافشاری کرد که نمایندگان جنبش ملی اسلامی را در جلسه شرکت ندهد، آن‌ها که دعوت شده بودند در آن‌جا به خاطر مخالفت آقای ربانی شرکت نتوانستند؛ ولی وقتی که برگشت در این‌جا برای جنبش ملی اسلامی هیأت فرستاد.

این‌ها واقعا می‌خواهند که موجودیت جنبش را نفی کنند، آن‌ها را ملیشه و جانی می‌دانند. نمی‌خواهند که آن‌ها در مسألهٔ افغانستان دخالت کنند.

سؤال: به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی چه پیامی برای مردم مسلمان افغانستان دارید؟

جواب: متأسفانه مسئولین و رهبران جهادی آن قدر بد عمل کرده‌اند که حالا نمی‌شود هیچ پیامی برای مردم خود داشت؛

ولی یک چیزی را که با همهٔ این تلخی‌ها می‌شود بگویم، این است که چون مردم ما به خاطر انقلاب و سرنوشت‌شان، خودشان تلاش کرده‌اند، باید خودشان تصمیم بگیرند و راه‌حل بسنجند. این مردم که یک‌ونیم میلیون شهید داده‌اند و چهارده سال مبارزه کرده‌اند و یک ابرقدرت

را شکست داده‌اند، یک‌بار دیگر هم در صحنه بیایند و اثبات کنند که می‌توانند خودشان حکومت تشکیل بدهند و زعیم برای خود انتخاب کنند. این مسأله که وارث حقیقی شهدا و این انقلاب هم خود این مردم است، اگر این مردم خودشان در صحنه نیایند، از راه تظاهرات، اعتصاب و فشار این‌ها را قانع نکنند، این‌ها از جاه‌طلبی و انحصارطلبی دست برنمی‌دارند، تلاش می‌کنند تا واقعا اثبات کنند که افغانستانی‌ها می‌توانند بجنگند؛ ولی نمی‌توانند حکومت تشکیل بدهند و مسلما در بین این نیروها و مسئولان جهادی کسانی هستند که منافع مردم را در نظر می‌گیرند و برای مردم فکر می‌کنند. نیروهای جهادی مؤمن و مردم باید توجه بکنند و هماهنگ شوند که از این مشکلات و بدبختی بیرون بیایند. خودشان سرنوشت‌شان را تعیین بکنند، با انتخابات و با مسئول تعیین کردن می‌شود که یک دولت قانونی و مردمی به وجود بیاید و مردم از این بدبختی‌ها بیرون شوند. یک طرف قضیه تعلق دارد به خود مردم، تنها پیامی که می‌توانم برای مردم بگویم همین مسأله است؛ چرا که ما هیچ خاطرهٔ شیرینی در یک سال گذشته نداشتیم که حالا برای مردم بگویم. حکومت و دولت این‌ها، که آمدند و به عنوان نمایندهٔ مردم حرف زدند، چه داشته‌اند که حالا برای مردم بگویم و به آینده امیدوارشان بکنم؛ ولی از آن‌جایی که انقلاب مال مردم است و مردم بار این انقلاب را بدوش کشیده‌اند، فداکاری از مردم بوده است، شهید دادن از مردم بوده است، حالا هم مردم در صحنه بیایند و راهی را در پیش بگیرند و این‌ها را از انحصار و انحصارطلبی باز دارند و یک حکومت مردمی و دل بخواه‌شان را به وجود بیاورند که خون این همه شهیدان به هدر نرود. تکلیف این همه مهاجرین معلوم شود و ویرانی کشور تعمیر گردد و بر ویرانی‌اش افزوده نشود.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۱۶۶، چهارشنبه ۱۳۷۲/۲/۸، کابل.

(۴۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار وحدت اسلامی

کابل، ثور ۱۳۷۲

خبرنگار: یک‌سال از پیروزی مجاهدین و شکست دولت دست‌نشانده سپری شد، به طور خلاصه از اوضاع یک‌سال گذشته چه تحلیلی دارید؟

استاد مزاری: یک‌سالی که از پیروزی مجاهدین افغانستان می‌گذرد، متأسفانه در طی یک‌سال گذشته خلاف انتظار مردم افغانستان و مخصولاً مردم کابل، برای‌شان سال خوبی نبود و انتظار مردم بر این بود که بعد از چهارده سال جنگ و مبارزه، بعد از آن‌که پیروز می‌شوند یک حکومت مورد قبول همه به وجود بیاید و امنیت‌شان تأمین شود و دوران شادی و سرور را بگذرانند و برای آبادی مملکت اقدام بکنند، متأسفانه خلاف باور و انتظارشان در ظرف یک‌سال گذشته، بر مردم افغانستان نزدیک‌به هشت یا نه جنگ تحمیل شد؛ آن هم در روزهای پس از پیروزی و خرابی و مصیبتی را که مردم به خصوص مردم کابل متحمل شدند، بسیار سنگین‌تر از چهارده سال مبارزه‌ای‌اند که در مقابل حکومت دست‌نشانده متحمل شده بودند.

متأسفانه دنیا یک باوری از قبل در مورد مردم افغانستان داشتند که مردم افغانستان در مبارزات نظامی‌شان پیروز می‌شوند و در تاریخ مبارزهٔ مردم ما هم ثابت شده است که مردم افغانستان این دومین ابر قدرتی بود که به نابودی کشانید. ابر قدرت اول انگلیس بود که آن روز تمام و اکثریت دنیا را تسخیر کرده بود؛ ولی در افغانستان آن‌چنان با مقاومت مردم افغانستان روبه‌رو شد که شکست خورد و شکست ادامه پیدا کرد تا از ابرقدرتی افتاد و تا این‌که منحصر به انگلستان گردید. ابرقدرت دوم، شوروی بود که هفتاد سال حکومت مارکسیستی آن، آن‌چنان وحشت در دنیا ایجاد کرده بود که نصف سرمایهٔ دنیا برای جلوگیری از پیشروی آن‌ها مصرف می‌شد، در هر سرزمینی که ارتش سرخ پا می‌گذاشت، آزادی و استقلال مردم سلب می‌شدند و مردم از استقلال و آزادی دست می‌کشیدند و همسایه‌های‌شان در لرزه می‌افتادند که چه وقت هجوم خواهند آورد. این ارتش زمانی که پا به افغانستان گذاشت، مردم قهرمان افغانستان نه تنها افغانستان را آزاد کردند

که نصف جهان را آزاد کردند. اروپای شرقی مرهون مبارزهٔ مردم افغانستان است که به آزادی رسیدند، آسیای میانه آزاد شد. خود مردم قبول دارند و کل دنیا می‌دانند که این آزادی در اثر مبارزهٔ سرسختانهٔ مردم افغانستان به دست آمده است.

متأسفانه در گذشته باور دنیا همین بوده است که مردم افغانستان در مبارزهٔ نظامی پیروزند؛ ولی در تشکیل حکومت ملی مردم افغانستان شکست می‌خورد که خورد. در یک سال گذشته جنگ‌های افغانستان، این باور را دوباره در اذهان جهان و مردم افغانستان زنده کرد که مردم افغانستان از نظر سیاسی ضعیف‌اند و نمی‌توانند مشکل‌شان را خودشان حل بکنند و حکومت دلخواه‌شان را که قاطبهٔ مردم حمایت بکنند، به وجود بیاورند. این باور یک باور خطرناک و باوری است که برای مردم افغانستان کشنده است. حرف ما رد این است. این‌هایی که خود را رهبران جهادی می‌نامند، باید باوری که دنیا در دربارهٔ مردم ما دارند، باطل کنند، باید ثابت کنند که مردم افغانستان هم‌چنان که مردم جنگ و مبارزه‌اند، مردم سیاست و تشکیل‌دهندگان یک حکومت اسلامی نیز هستند.

در یک‌سال گذشته رهبران بسیار بد عمل کردند. بی‌عرضگی‌شان را برای مردم اثبات کردند. مردم و جهان اسلام را مأیوس ساختند که این‌ها هیچ تعهدی در برابر مردم ندارند. دلسوزی برای مردم‌شان ندارند و هیچ‌گاه به مردم‌شان فکر نمی‌کنند. فقط برای خودشان و قدرت‌شان فکر می‌کنند. این‌ها هنوز مردم افغانستان را نشناخته‌اند، مردمی که باعث شکست اتحاد شوروی و آزادی توده‌ها شدند. چهارده سال مبارزه کردند. این‌ها باید بدانند که مردم دیگر انحصارطلبی را قبول ندارند؛ لهذا خوب است که هرکس به حقش اکتفا کند. زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی نکند.

در افغانستان قبلاً دو باور دیگر نیز وجود داشت؛ یک باور این بود که مردم مبارزه کردند؛ ولی یک حکومت دلخواه تشکیل نشد. این را فکر می‌کردند که یک قوم بر این مردم خیانت کرده‌اند، به این باور بودند که یک قوم بر اقوام دیگر ظلم کرده‌اند و حکومتی را که بر قرار کرده‌اند، به نام اسلام بوده است و بسیاری از ملیت‌ها خواهان حقوق‌شان بودند و فکرشان این بود که در برابر آن قوم مبارزه و مقاومت بکنند؛ چون آن حکومت را امیران و روسایی تشکیل می‌دادند و ظلم می‌کردند که از یک قوم بودند و دیگر اقوام فکرشان این بود که کل آن قوم بر آن‌ها ظلم می‌کنند؛ ولی در ظرف این ماه‌های اخیر این باور عوض شد، برای این‌که حکومت‌های قبلی یک حکومت اسلامی نبودند و از نام اسلام استفاده می‌کردند برای قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی‌شان، مال یک قوم

نبودند؛ بلکه یک قبیله و خوانین با همکاری بیگانگان سر مردم مسلط شده بودند و به مدت ۲۵۰ سال خاندانی حکومت کرده بودند و مردم قهرمان ما آن‌ها را با اربابان‌شان از افغانستان خارج کردند؛ ولی از در بیرون کردند و از پنجره وارد شدند، باید مردم افغانستان امروز بدانند که اگر ۲۵۰ سال ظلم بالای‌شان شده است، جای انکار نیست، منتها این ظلم نه مال اسلام بود که آن‌ها حکومت می‌کردند و نه هم مال یک قوم بلکه یک خاندانی که وابسته به خارج بودند که سر باقی مردم ظلم کردند و حق مردم را غصب کردند و این‌که امروز مردم از دولت‌های گذشته شکایت دارند، سیستم حکومت‌های گذشته ظالمانه بود، این حق مردم است و اگر مردم می‌آیند و نفوس را در انتخابات و تشکیلات اداری ممکلت مطرح می‌کنند، باز این حق همهٔ مردم افغانستان است و اگر مردم رأی‌گیری آزاد را مطرح می‌کنند، حق‌شان است و در اسلام تأمین شده است و آن اسلامی را که مجاهدین حقیقی افغانستان و وارثین واقعی شهدا دنبال می‌کردند، همهٔ این مظالم را رد می‌کنند و در طول ماه‌های اخیر با همهٔ ظلمی که بر مردم صورت گرفته است، تاریخ گذشتهٔ افغانستان با تصویر روشن و مشخص برای مردم افغانستان بیان می‌کند.

چه‌طور کسانی که چهارده سال به نام اسلام و مردم افغانستان به عنوان رهبران‌شان مبارزه کردند و به عنوان اسلام‌خواهی در ظرف هشت، نه و ده سال، اکنون این همه را برای مردمش روا می‌دارند، این در کجای اسلام است؟ این در کجای جهاد است؟ این در کجای عدالت اسلامی است؟ و کسانی که اسلام را سپر می‌کنند و از اسم اسلام و نژاد هم استفاده می‌کنند، ما را به این باور می‌رسانند که نه آن روز، ظلم حکومت‌های گذشته سرچشمه از اسلام گرفته بود و نه امروز بلکه اسلام را وسیله قرار داده بودند و مسئلهٔ نژاد را باز وسیلهٔ دیگری برای برقراری حکومت‌شان قرار داده بودند، امروز عین همان مسأله در افغانستان تکرار می‌شود و امروز می‌آیند و مدعی اسلامی بودن، بیشتر از دیروز هستند و این‌هایی که روایت را بیشتر از آن‌ها می‌خوانند و خود را به عنوان رهبر نهضت اسلامی می‌خوانند؛ ولی می‌بینیم که برای قدرت‌طلبی و انحصارطلبی این همه ظلم را بر مردم‌شان با سرمایهٔ خود این مردم روا می‌دارند، نه امروز این‌ها حاکمان اسلامی‌اند و نه ۲۵۰ سال گذشته و باید ببینم و نتیجه بگیریم که ظلم اشخاص، ظلم قوم نیست و این را با مردم افغانستان با صراحت بیان می‌کنم. مردم افغانستان از اقوام مختلف تشکیل شده‌اند و همه برادر و همه از یک سرزمین‌اند و می‌خواهند در این سرزمین زندگی بکنند و مردم، هیچ‌کدام دشمن دیگری نیستند و هیچ‌کس نمی‌توانند قوم یا اقوام دیگر را حذف بکنند، اگر به حساب قومیت، به

حساب نژاد، ظلم می‌کنند، این ظلم مربوط به شخص یا اشخاص قدرت‌طلب است؛ لهذا برای مردم افغانستان از همه چیز مهم‌تر برادری، اخوت و دوستی است، مردم هم تشنهٔ آن هستند.

ما برای مردم اطمینان می‌دهیم، اگر روزی در این سرزمین حکومت اسلامی واقعی بر قرار شود، در آن حکومت اسلامی نه تبعیض نژادی، نه تبعیض زبانی و مذهبی وجود دارد، اسلام یک مکتب زنده‌ای است که برای نجات دادن بشریت در عالم عرض اندام کرده است و دیگر مکاتب روزبه‌روز به طرف بطلان پیش می‌روند؛ ولی اسلام روزبه‌روز حقانیت، جامعیت و عدالتش را به اثبات می‌رساند. امروز بشرِ سرگردان، دنبال مکتب نجات‌بخش اسلام می‌گردند و تشنهٔ آن هستند و چشم جهان در افغانستان دوخته شده است و امید مسلمان‌ها که چهارده سال با مردم ما همنوایی داشتند و بشریت هم تشنهٔ عدالت اسلامی است و مردم ما چهارده سال را به این امید مبارزه کردند و مردم انتظار و امید حکومت اسلامی را داشتند و دارند و این‌ها برای مردم ما مهم‌اند که رهبران باید به دنبال‌شان باشند.

متأسفانه استکبار غرب و دشمنان اسلام به دست خود کسانی که مدعی اسلام خواهی بودند، جهاد و مبارزه را لکه‌دار ساختند که اگر میلیاردها پول مصرف می‌کردند، به این اندازه موفق نمی‌شدند که مردم را از اسلام مأیوس بسازند؛ ولی ما امیدوار هستیم که مجاهدین حقیقی و مردانی که دل‌شان برای اسلام و مردم افغانستان می‌سوزند، اسلام و مردم را از این حالت نجات بدهند و چشم امید مردم و جهان اسلام را روشن بکنند و از این‌که خداوند تبارک‌وتعالی این وعدهٔ حق را به مسلمانان و بندگان خودش داده است، مطمئن هستم که در این راه پیروز می‌شویم و حکومت اسلامی را که حقوق همه را بر آورده سازد، تشکیل خواهیم داد و تشکیل خواهد شد؛ ولی برای مردم افغانستان سال گذشته سال تلخی بود و مخصوصاً برای مردم ما که هشت تا جنگ را تحمل کردند که از نظر اجتماعی و از نظر شرایط زندگی بسیار سخت و دشوار بود، ولی ما امیدوار هستیم که رهبران جهادی به هوش بیایند و به حال این مردم دل‌شان بسوزد و از خودخواهی، جاه‌طلبی و بی‌قولی بیرون بیایند، به امضا و تعهدشان ارزش قائل شوند و برای مردم افغانستان احترام بگذارند و به جان و مال این‌ها و به ناموس این‌ها احترام داشته باشند و حکومتی که خواست همین مردم است و امنیتی که مردم تشنهٔ آن است، برقرار کنند.

خبرنگار: استاد محترم، در این اواخر شاهد فاجعهٔ بسیار تلخ و دلخراش در منطقهٔ افشار بودیم. در این مورد لطف کرده توضیح بدهید و بفرمایید که با عاملین این جنایت چه کردید؟

استاد مزاری: البته برای مردم ما و مردم کابل همان‌طور که عرض کردم، هشت ماه گذشته، ماه‌های تلخی بودند، ویرانی‌ها و خرابی‌های زیادی بر مردم تحمیل شدند و مخصوصاً برای مردم ما، هشت تا جنگ را تحمیل کردند و همهٔ این جنگ‌ها بسیار ویران‌کننده و خطرناک بودند که عاملین جنگ‌ها، نابودی مردم ما را می‌خواستند؛ ولی مردم ما با فداکاری، شهامت و شجاعت با یک‌دستی و با وحدت از خودشان دفاع کردند و دفاع جانانه کردند و دشمن را سرکوب کردند. متأسفانه این‌جا بار دیگر تاریخ تکرار شد. وقتی که عبدالرحمان خان صد سال قبل تصمیم گرفت که با زور و استبداد یک دولت مرکزی به وجود بیاورد و دولت‌های ملوک‌الطوایفی و عشیره‌ای را به دولت مرکزی تبدیل کند، همهٔ این دولت‌ها با عبدالرحمان خان مخالفت کردند، در آن روز هم مخالفت مردم ما شدید بود و هم عکس‌العمل عبدالرحمان در قبال مردم ما، در آن وقت، هفت سال مبارزه دوام می‌کند، عبدالرحمان مأیوس می‌شود وقتی که از راه جنگ مأیوس می‌شود، برای به اطاعت کشاندن مردم ما از راه دیگری وارد می‌شود، به این شکل که تعداد خاینین مردمی از بین مردم پیدا می‌کند و این‌ها را اجیر می‌کند، برای‌شان مقام و منصب وعده می‌دهد که به مردم‌شان خیانت بکنند.

متأسفانه در آن زمان این توطئه‌ها موفق می‌شوند. مردمی که هفت سال قهرمانانه جنگیده بودند و دولت مرکزی را به زانو در آورده بودند؛ ولی وقتی که خاینین دست به خیانت می‌زنند، مردم با شکست روبه‌رو می‌شوند و شصت‌ودو درصد مردم قتل‌عام می‌شوند یا آواره می‌شوند و به کشورهای هم‌جوار مهاجرت می‌کنند. در پایان شکست، مردم ما را به بردگی می‌کشانند و قانون کنیز و غلام را وضع می‌کنند و تا دوران امان‌الله خان این مسأله ادامه پیدا می‌کند که مردم ما را خرید و فروش می‌کردند و از قیمت آن‌ها مالیات می‌گرفتند و به خزانهٔ دولت می‌ریختند.

این بار هم که ایادی خارج با برنامه‌ای از قبل طرح شده، به سراغ مردم ما آمدند و برای حذف مردم ما از صحنهٔ سیاسی اقدام کردند، جنگ را علیه مردم ما آغاز کردند و مردم ما چهار پنج جنگ را که جنگ‌های بسیار خطرناک و نابودکننده بودند، پشت سر گذراندند و دشمن را درس دادند؛ ولی در اخیر باز تاریخ تکرار شد، دشمنان وقتی از مقابلهٔ مستقیم با مردم مأیوس شدند، شروع به همان دسیسهٔ تاریخی کردند که باید تعدادی را بخرند و خاینین را پیدا بکنند که باز یک‌بار دیگر به مردم ما خیانت بکنند و ما وقتی از بامیان آمدیم، احساس مردم را که دیدیم، عشق و علاقهٔ مردم به وحدت و یک‌پارچگی و دفاع مشترک از خودشان را مشاهده کردیم، به این باور

رسیدیم که دیگر از این مردم کسی پیدا نمی‌شود که به مردمش خیانت بکند، به این باور بودم و می‌گفتم صد سال قبل اتفاق افتاده است و از این مردم گذشته است و دیگر تکرار نمی‌شود. متأسفانه بار دیگر تکرار شد. در قضیهٔ افشار تعدادی از خاینین پیدا شدند که به این مردم خیانت بکنند و سنگرها را بفروشند و تعهد بکنند که از این مردم دفاع نکنند، با این‌که این مردم آن‌چنان این‌بار به این‌ها خدمت کرده بودند، آن‌چنان از خودشان مایه گذاشته بودند، آن‌چنان سنگر ساخته بودند و آن‌چنان به این‌ها غذا می‌رساندند که در تاریخ ملت‌ها این‌گونه فداکاری کم وجود دارد؛ ولی این‌ها بی‌شرمانه حاضر شدند که به همین مردم فداکار خیانت بکنند و این فاجعه پیش آمد.

توجه داشته باشیم! در جنگ مهم نیست که یک سنگر پیروز شود و یا شکست بخورد، این از خصلت و طبیعت جنگ است؛ ولی فاجعه‌ای که برای مردم پیش آمد، بسیار فاجعهٔ خطرناک و تکان دهنده بود؛ از چند جهت تکان دهنده بود، از یک جهت این‌که یک بار دیگر ثابت شد که مواظب خاینین در داخل ملت باشیم و این درسی بسیار بزرگ بود. چیز دیگری که نیز ثابت شد، این است که آن روزی که عبدالرحمان جنایت را انجام داده بود، که لکهٔ ننگ در تاریخ افغانستان بود و متعلق به قوم پشتون بود و مردم ما به این باور بود که پشتون‌ها به ما ظلم کرده‌اند و دشمن ما پشتون‌ها است و این فاجعه اثبات کرد که این مظالم مال اشخاص است، مال اقوام و ملت‌ها نیست؛ این بار آن‌چنان فجایعی پیش آمد که روی فجایع دوران عبدالرحمان را شست و این‌ها بر مساجد حمله کردند و مساجد را ویران کردند، خانه‌ها را سوزاندند و طفل‌های کوچک، زن‌ها و پیرمردهای هفتاد ساله را سربریدند و در این قضیه، کینهٔ عمیق درونی‌شان نسبت به مردم ما فهمیده می‌شد، که این‌ها نسبت به مردم ما چه‌قدر کینه دارند و چه‌قدر منافق‌اند؛ به‌نام ملیت‌های محروم شعار می‌دهند؛ ولی این چنین ظلم را روا می‌دارند، اگر مسألهٔ تنها جنگ بود و جنگ بین حزب وحدت، جمعیت و اتحاد بود؛ مردم چه گناه داشتند که آن‌گونه ظالمانه با آن‌ها رفتار کردند، مردم از وحدت بودند، از حرکت بودند و بی‌طرف هم بودند، تنها به هزاره‌ها ظلم نشد؛ بلکه تمام کسانی را که این‌جا ساکن بودند، کشتند و خانه‌های‌شان را ویران کردند، در این‌جا فقط یک مسأله با تاریخ گذشته فرق داشت. در گذشته کسانی‌که آمدند به ملت ما خیانت کردند و ملت ما را با آن وضع نابسامان و ناهنجار گرفتار کردند؛ خود خاینین در کنار عبدالرحمان به سرداری رسیدند و مدت‌ها سردار بودند و ملت ما دست‌شان نرسید که آن‌ها را محاکمه کنند و جزا بدهند؛ ولی امروز این خاینین اکثریت قاطع‌شان دستگیر شده‌اند و دوتای‌شان اعدام شده‌اند

و این نیز یک پیروزی برای مردم ما است که خاینین را به جزای‌شان می‌رسانند تا به خاینین آینده عبرت شود که دیگر به این مردم خیانت نکنند و مردم در داخل و خارج آن‌چنان احساسات نشان دادند و فداکاری کردند که در تاریخ این‌گونه مردم فداکار، کم پیدا می‌شود، ما از این جهت بسیار خوشحال هستیم و بسیار مفتخریم که در بین هم‌چو مردم ایثارگر و فداکار هستیم و این‌ها نسبت به سرنوشت‌شان، آینده‌شان حساس‌اند و از این جهت خوش وقتیم.

خبرنگار: معاهدهٔ اسلام‌آباد توسط گروها امضا شد و کشورهای پاکستان، ایران و عربستان نیز به عنوان ناظر امضا کردند؛ ولی تا کنون موفقیت نداشته است، در آینده چه فکر می‌کنید، آیا حل‌کنندهٔ قضایای افغانستان خواهد بود؟

استاد مزاری: متأسفانه همان‌طورکه قبلاً یاد آورد شدم که نقص این مسأله بر می‌گردد به کسانی که امروز به عنوان رهبران جهادی قلمداد می‌شوند، معاهدهٔ اسلام‌آباد نواقصِ زیادی داشت، ما با آن توافق‌نامه موافق نبودیم؛ ولی به خاطر آن‌که اثبات کرده باشیم که ما مانع صلح نیستیم، ما مانع برقراری یک حکومت نیستیم، با این‌که در محتوای توافق‌نامه موافق نبودیم، نمایندهٔ حزب وحدت شرکت کرد و این توافق‌نامه را امضا کرد، بعد از این‌که نمایندهٔ حزب وحدت امضا کرده است، باید پابنده باشیم و این توافق‌نامه اجرا شود و امید مردم همین توافق‌نامه بود، متأسفانه این مسأله بر می‌گردد به مسألهٔ پیمان رهبران که قبلاً اشاره کردم؛ این‌هایی که به عنوان رهبران مجاهدین هستند، این‌ها باعث تمام این بدبختی‌ها برای مردم افغانستان هستند و شده‌اند. یک تعدادشان اصلاً از خود اراده ندارند، اصلاً پابند به امضای‌شان نیستند، فقط پلهٔ ترازو را می‌بینند که کدام طرف قضیه سنگینی می‌کند، یک تعداد دیگرشان آن‌چنان قدرت‌طلب، انحصارطلب هستند که هنوز مردم افغانستان را درک نکرده‌اند، مردمی که در مقابل اتحاد جماهیر شوروی ایستاده شدند و با دست‌های خالی چهارده سال مبارزه کردند و از حق‌شان دفاع کردند. الان زیر بار قدرت‌طلبی و انحصارطلبی نمی‌روند؛ لهذا از این جهت این‌ها وقتی در پاکستان دست به سینه می‌گذارند و می‌گویند هرچه شما می‌گویید ما قبول می‌کنیم و ما صلح می‌خواهیم، ما آرامی می‌خواهیم، ما هیچ‌گونه نقطه‌نظر دربارهٔ این مسأله نداریم. وقتی‌که امضا می‌کنند و به داخل افغانستان می‌آیند، فراموش می‌کنند؛ چون به مردم فکر نمی‌کنند و دنبال منافع شخصی خود می‌گردند. در توافق‌نامه، توافق شده بود که ظرف دو هفته، صدراعظم کابینه را با مشورهٔ رهبران معرفی بکند و قرار گذاشتند که به جلال‌آباد بیایند، جمع شوند، با مشوره کابینه معرفی شود و

تعداد زیادی از این رهبران نیامدند و نماینده‌های‌شان آمدند که بعد از مشوره‌ای که با صدراعظم داشتند تک‌تک این نماینده‌ها نشستند و با صدراعظم مذاکره کردند و با تقاضای نمایندهٔ جمعیت و نمایندهٔ اتحاد، معرفی کابینه توسط صدراعظم تا نه حمل به تأخیر افتاد، و آن‌جا گفتند که اگر ما نتوانستیم تا نه حمل رهبران خود را در جایی غیر از جلال‌آباد حاضر بکنیم، دیگر حق اعتراض نداریم. در آن‌جا صدراعظم خواست که هر حزب ده نفر در کابینه معرفی بکنند تا کابینه تعیین شود و اکثریت قاطع معرفی کردند و پیش از نه حمل تعدادی از نمایندگان در چهارآسیاب جمع شدند، متأسفانه که از رهبران در آن‌جا خبری نبود، نیامدند و تخلف کردند و باز در آن‌جا لیست کابینه را ترتیب دادند و به آقای ربانی فرستادند، این یک طرف قضیه بود. طرف دیگر قضیه که در بند توافق‌نامه، مسألهٔ آتش‌بس آمده بود، بعد از توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد تا حالا مدت سه ماه می‌گذرد، هیچ‌گونه آتش‌بس رعایت نشده است، نه از ناظرین که تضمین کننده بودند خبری است و نه هم آمدند بازخواست کنند که چه کسی تخلف کرده است، نه از رهبرانی که رفته بودند و امضا کرده بودند.

مادهٔ دیگر توافق‌نامه آزادی بی‌قید و شرط اسرا بود که تا حالا کسی اسیری را آزاد نکرده است و نیز برگشت مهاجرین بود. پنج تا کمیسیون باید تشکیل می‌شد، این کمیسیون‌ها تشکیل نشده‌اند و نماینده‌های احزاب نیامدند؛ لهذا ما معتقدیم که این توافق‌نامه از روی خودخواهی از بین می‌رود و یک فاجعهٔ دیگر در اثر این خودخواهی برای مردم ما پیش رو است و تا رهبران متعهد به امضا و تعهدشان نباشند، این مصیبت از سر مردم ما کم نمی‌شود. ما معتقدیم که امروز اگر توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد عملی نشود، دیگر نه رئیس جمهور در افغانستان قانونی است و نه صدراعظم و کابینه مشروعیت دارند. برای این‌که در افغانستان انتخابات به وجود نیامده است تا مردم رئیس جمهور را انتخاب کرده باشند و حکومت مردمی به وجود آمده باشد؛ بلکه حکومت احزاب بوده است و هشت حزب امضا کرده بودند و خود رهبران، آن را نقض کرده‌اند. ربانی کابینهٔ آقای صدراعظم را اعلام نکرد که هیچ، بلکه چند رهبر را جمع کرد و طرح پنج حزب را ریخت و کابینهٔ را از طرف خود ترتیب داد و خلاف توافق‌نامه عمل کردند. زمانی که امضای هشت حزب نزدشان اعتبار نداشته باشد! امضای پنج حزب چگونه اعتبار دارد؟

وقتی توافق‌نامه نقض شود، معاهده از بین برود، دیگر نه رئیس جمهوری وجود دارد که کابینه تشکیل بدهد و نه احزاب است که بنشینند و طرح بدهند و برنامه‌ریزی بکنند، حکومتی وجود

ندارد، خودشان توافق‌نامه را نقض کردند و از این جهت امیدی برای آینده وجود ندارد و در این‌جا چه امید به تفاهم وجود دارد که در پی حذف یکدیگرند. این‌جا وقتی می‌آیند، برای حذف یکدیگر اقدام می‌کنند، وقتی بنا است در پل‌چرخی جلسه گذاشته شود، راه پل‌چرخی مین‌گذاری می‌شود، برای این است که این‌ها هیچ وقت تحمل یکدیگر را ندارند و هیچ وقت تصمیم ندارند که بین هم بنشینند و روی آیندهٔ حکومت و منافع مردم فکر بکنند. زمانی که تعهد نباشد و برای حذف یکدیگر تصمیم‌گیری بکنند، کسانی که شب و روز برای حذف یکدیگر گام برمی‌دارند، به مردم فکر نمی‌کنند و دل نمی‌سوزانند، این‌جا است که دل ما برای مردم افغانستان و مردم مظلوم کابل می‌سوزد.

لهذا تقاضای ما این است که این‌ها به خود بیایند، به حرف، تعهد و امضای‌شان ارزش قائل شوند. یک لحظه به مردم فکر بکنند و یک مقدار برای آیندهٔ مملکت فکر بکنند، که چه‌قدر این مردم و این مملکت را به خرابی کشانیده‌اند؟ برای حذف یکدیگرشان نکنند.

ما از آن‌جایی که این اعمال و این روش‌ها را دیدیم، برای آیندهٔ مسأله خوشبین و امیدوار نیستم. از خداوند می‌خواهم که مردم به آرامش برسند و کسانی که مردم را به این روز کشانده‌اند، از سر این مردم برطرف کند تا مردم نفس راحت بکشند و مردم بتوانند حکومت دلخواه‌شان را به وجود بیاورند.

خبرنگار: استاد! میزان حضور نیروهای حزب وحدت اسلامی در شهر کابل به چه صورت است و در کل حزب وحدت اسلامی چه خواسته‌هایی دارد و در راه تأمین این خواسته‌های خود چه تلاش‌هایی داشته است؟

استاد مزاری: نیروهای حزب وحدت اسلامی در مرحلهٔ اول، هدفش دفاع از مردم‌شان است. از مردم خود دفاع می‌کند. برای این مسأله مصمم است. در هشت جنگی که علیه‌شان تحمیل شده است، این مسأله را اثبات کرده است و خواهان حقوق اجتماعی و سیاسی برای همهٔ مردم افغانستان است که یک حکومتی تشکیل شود که ارادهٔ همهٔ مردم افغانستان در آن حکومت دخیل باشد و حقوق همه درنظر گرفته شود و از یک راه قانونی باشد. تشکیلات گذشته و دولت‌هایی که ظالمانه بودند، اکنون دولت تغییر کند. مجلس‌هایی که قلابی بودند، اکنون مجلس براساس نفوس به وجود بیاید و از یک راه قانونی حقوق همه در نظر گرفته شود. این خواست مردم ما است و از این خواسته حزب وحدت دفاع می‌کند و حامی مردم است و مردم هم از حزب وحدت

حمایت می‌کنند. نظامیان حزب وحدت در هر شرایطی آماده‌اند از مردمش دفاع بکنند و از حیثیت سیاسی‌شان دفاع بکنند.

خبرنگار: در این اواخر اعلامیه‌ای از طرف حزب اسلامی حکمتیار در کابل پخش شده است و در آن تذکر داده شده است که علیه شیعیان دست به جهاد بزنید، نظر شما در رابطه به این اعلامیه چیست؟

استاد مزاری: این اعلامیه از طرف خاد پخش شده است و از طرف حزب اسلامی نیست؛ چون این‌ها تلاش زیادی می‌کنند و پول‌های زیادی مصرف می‌کنند، برای این‌که رابطهٔ حزب وحدت و حزب اسلامی را به هم بزنند؛ چون وجودشان بستگی به نفاق جامعه دارد و این‌ها با ایجاد نفاق بین مردم به قدرت رسیده‌اند، ما معتقدیم که این اعلامیه از طرف حزب اسلامی نیست؛ بلکه از طرف خاد که متعلق به شورای‌نظار است، می‌باشد و این‌ها پول می‌دهند که افراد حزب اسلامی اختطاف شوند و ایجاد درگیری شود و نفاق بین ملیت‌ها ایجاد شود تا خودشان حکومت بکنند و به بقا و چپاول‌شان، به راحتی ادامه بدهند و ما اطمینان می‌دهیم به مردم که از طرف حزب اسلامی و حزب وحدت چنین اقداماتی صورت نمی‌گیرد. این توطئه مال کسانی است که وحدت ملیت‌ها را دیده نمی‌توانند و لذا ایجاد نفاق می‌کنند. ما اطمینان می‌دهیم که با هیچ ملیت قصد دشمنی نداریم؛ فقط در مقابل ظلم ظالم، حزب وحدت ایستاده است و روزی که یک حکومت اسلامی به وجود بیاید، هیچ‌گونه اختلاف بین ما و دیگر اقوام و احزاب وجود نخواهد داشت.

ما به مردم خود می‌گوییم، هشیار باشید، فریب توطئه‌ها را نخورید. این اولین توطئه نیست؛ بلکه توطئه‌هایی از قبل انجام داده‌اند و این‌هایی که تشنهٔ قدرتند و جز قدرت هیچ چیزی را نمی‌بینند، به این توطئه اکتفا نمی‌کنند و مردمی که چهارده سال جهاد کرده‌اند و در یک سنگر خون داده‌اند این توطئه برای آن‌ها کارگر نیست و مردم باید هشیار و بیدار باشند و توطئه‌های دشمن را با هشیاری‌شان خنثی بکنند و هیچ تزلزلی برای ایجاد یک حکومت اسلامی به دل‌شان راه ندهند و گرفتار این توطئه‌ها بشوند.

خبرنگار: همان‌طوری‌که اطلاع دارید، این مصاحبه برای مهاجرین خارج انجام شده است و برای آن‌ها چه پیامی دارید؟

استاد مزاری: مردم ما که در خارج‌اند، چه آن‌هایی که از دوران ستم عبدالرحمان فراری شده‌اند

و در کشورهای همسایه‌اند و مقیم‌اند و چه مهاجرین عزیزی که در اثر چهارده سال جنگ از افغانستان مهاجر شده‌اند، پیام ما برای این عزیزان این است که امروز سرنوشت‌شان به سرنوشت مردم کابل گره خورده است و حیات آیندهٔشان به حیات مردم کابل گره خورده است و تا حالا هم حمایت کردند، حمایت بی‌دریغی کردند، زبان ما قاصر است از این‌که بتوانیم وصف و تشکر بکنیم. از این مهاجرین و کسانی که در خارج هستند؛ در تاریخ چنین اخلاص و حمایتی سابقه نداشته است. این حمایت را ادامه بدهند و این حمایت را تا آن وقتی که خطر از این مردم رفع نشده است تا وقتی که این مردم از نگاه حقوق سیاسی و اجتماعی، حق‌شان تثبیت نشده‌اند، این همکاری و حمایت‌شان را ادامه بدهند و برای حیات آیندهٔشان حساس باشند و فکر بکنند. ما معتقدیم که تا حالا خوب حمایت و خوب هم‌دردی نشان دادند و امیدواریم که در آینده نزدیک حکومت اسلامی که حقوق همهٔ ملیت‌ها را در بر داشته باشد، تحقق پیدا بکند، حکومت اسلامی که همهٔ مردم و جهان اسلام در آرزوی آن است و این خطر جنگ و نابودی رفع شود و مهاجرین عزیز سربلند، با عزت و با آبرو و سرافرازی به کشورشان برگردند و هم‌وطنان‌شان از مهاجرین استقبال بکنند و پیروزی اسلام را در کابل جشن بگیرند و برادران هم از تحقیر و شکنجه‌هایی که در خارج می‌شوند، نجات پیدا بکنند و در آبادی و عمران این خانهٔ مشترک شرکت بکنند، این آرزوی ما است.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، صص ۲۰۶-۲۱۶.

(۴۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو تلویزیون پیام آزادی

جمعه ۱۳۷۲/۲/۲۵

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، خبرنگاران رادیو و تلویزیون پیام آزادی را به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان در رابطه به جنگ‌های اخیر، اجلاس رهبران جهادی در جلال‌آباد و برقراری صلح و... پاسخ گفت که متن کامل این مصاحبه چنین است:

سؤال: چند روز است که باردیگر کابل شاهد جنگ و درگیری است، این جنگ از طرف چه کسانی آغاز شده است؟

استاد مزاری: متأسفانه مردم کابل در طی یک‌سال گذشته، متحمل مشکلات زیادی شده‌اند و این نهمین جنگی است که از سوی شورای‌نظار و شخص احمدشاه مسعود، بالای این مردم تحمیل شده است. در اسلام‌آباد توافق‌نامه‌ای امضا شد و یکی از مفاد مهم آن رعایت آتش‌بس فوری و بدون قیدوشرط بود؛ ولی تاکنون رعایت نشده است و مردم ما به طور مداوم زیر آتش آن‌ها قرار داشته است. ما با این‌که از توافق‌نامه راضی نبودیم؛ ولی به خاطر این‌که نمایندهٔ ما آن را امضا کرده بود و به خاطر این‌که مردم امنیت و آرامش داشته باشند، متعهد شدیم تا آن را رعایت کنیم. در این اواخر مسعود جنگ را در پروان و کاپیسا علیه حزب اسلامی آغاز کرد و از آن‌جا به نیروهایش در کابل پیام داد تا ما از پروان برمی‌گردیم، شما جنگ را در کابل علیه حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی آغاز کنید و براساس همین پیام مسعود، در این اواخر با مسئولین فرقه هفتاد جلسهٔ داشتند و اعلام کردند که ما به وزارت دفاع مربوط هستیم و اگر حزب وحدت هم‌چنان با وزارت دفاع مخالفت کند، ما وارد جنگ خواهیم شد.

ما با جنبش ملی اسلامی تماس گرفتیم و خواستیم موضع خود را دربارهٔ فرقه هفتاد روشن سازد و بعد از سه چهار روز جنبش به ما پیام داد که وضعیت فرقهٔ هفتاد برای ما روشن شد و دیگر فرقهٔ هفتاد مربوط جنبش نیست و شما خود دربارهٔ آن‌ها تصمیم بگیرید و این درحالی بود که فرقهٔ هفتاد از چند محور طرح عملیات را ریخته بود.

افراد این فرقه، از محور دشت‌آزادگان، چهارقلعه و ریاست پنج، راه‌گیری مردم ما را شروع کرده بودند که حزب وحدت اسلامی با هماهنگی حزب اسلامی از خود دفاع کردند و مناطق آن‌ها را به تصرف درآوردند و اکنون آنان سه روز است که حملات‌شان را در دهمزنگ و اطراف سیلو انجام می‌دهند؛ ولی در تمام تهاجمات‌شان شکست خورده‌اند و با به جا گذاشتن اجساد زیاد عقب‌نشینی کرده‌اند.

سؤال: حدود دو هفته است که جلسات رهبران جهادی در جلال‌آباد جریان دارد و تا حال به کدام نتیجهٔ مشخص نرسیده است، آیا فکر می‌کنید که این جلسه به نتیجه‌ای برسد؟

استاد مزاری: ما تنها راه‌حل مناسب مسألهٔ افغانستان را مذاکره و مفاهمه می‌دانیم؛ اما متأسفانه اکثر کسانی که آن‌جا شرکت دارند هیچ‌گاه خود را متعهد به امضا و حرف خود نمی‌دانند. در جلال‌آباد اولین توافقی که بین آن‌ها صورت گرفت، این بود که تا به راه‌حلی نرسیده‌اند از جلسه خارج نمی‌شوند؛ ولی آقای سیاف با زیر پا گذاشتن این توافق از جلسهٔ خارج شد و برنگشت؛ لهذا به جلسهٔ جلال‌آباد زیاد خوشبین نیستم؛ چون اگر این‌ها به دنبال راه‌حل بودند، نباید جنگ را در شمالی و کابل آغاز می‌کردند؛ ولی با وجود این عدم خوشبینی، چون نمایندهٔ ما در آن‌جا شرکت دارد، مرتب پیام می‌دهیم که کوشش شود راه‌حلی پیدا شود و مردم بیشتر از این زجر نبینند؛ اما نتیجهٔ توافقات قبلی نشان می‌دهد که این اجلاس نیز، به جایی نخواهد رسید و من معتقدم که تا مردم تصمیم نگیرند و سرنوشت خود را تعیین نکنند، معضلهٔ افغانستان از طریق این‌گونه جلسات حل نخواهد شد، همان‌طور که سرنوشت چهارده سال جهاد را خود مردم تعیین کردند و حالا نیز باید خود مردم سرنوشت خود را تعیین کنند.

سؤال: پیش‌تر اظهار داشتید که از جلسهٔ اسلام‌آباد راضی نبودید، دلیل این عدم رضایت شما چه بود؟

استاد مزاری: باید مردم افغانستان خودشان سرنوشت‌شان را تعیین کنند، نه کشورهای خارجی، درست است که کشورهای همسایه به مهاجرین و جهاد ما بسیار کمک کرده‌اند؛ ولی در تاریخ افغانستان هم این مسأله ثابت شده است که در خارج از افغانستان نمی‌توانند سرنوشت مردم افغانستان را تعیین کنند. علاوه‌بر این مسأله، برای ما یک شکست بود، بعد از چهارده سال جهاد و شکست‌دادن یک ابرقدرت، دست به طرف کشورهایی خارجی دراز کردیم تا بیایند و دربارهٔ حکومت ما تصمیم بگیرند!

مسألهٔ دیگری که وجود داشت این بود که قبل از اجلاس اسلام‌آباد، اصولی تهیه کرده بودند که نواقصی داشت که عبارت از نادیده گرفتن میزان نفوس احزاب و کمیت افراد و نیروهای نظامی آن‌ها بود. البته رعایت حال جمعیت و حزب اسلامی شده بود؛ ولی بعضی گروه‌های دیگر از جمله حزب وحدت، میزان حضور فیزیکی و جغرافیایی‌اش در نظر گرفته نشده بود. مسألهٔ دیگر نادیده گرفتن تمامی اطراف درگیر جنگ بود، که بعد از آن‌که دولت، جنگ را به عنوان عملیات تصفیه‌ای آغاز کرد، سه طرف در جنگ درگیر بودند، جمعیت، حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی، ولی حزب وحدت را نه نهضت‌های اسلامی و نه کشورهای همسایه، هیچ‌کدام در نظر نگرفتند، حملاتی که بالای حزب وحدت صورت گرفت از سوی هیچ یک از هیأت‌های صلح اعلام نشد. مسألهٔ دیگر، مسألهٔ جنبش ملی اسلامی بود که آن‌ها به عنوان یک واقعیت اکنون در جامعهٔ ما مطرح‌اند و باید برای حل قضایا، آن‌ها مد نظر گرفته می‌شدند، ما به خاطر وجود این نواقصی که در اصول ابتدایی اجلاس بود، از اجلاس راضی نبودیم؛ ولی به خاطر مصالح عمومی مردم افغانستان و به خاطری که نمایندهٔ ما توافق‌نامه را امضا کرده بود، متعهد شدیم که آن را رعایت کنیم؛ ولی از طرف آقای ربانی و شورای‌نظار این توافق‌نامه به هیچ وجه رعایت نشد.

سؤال: نظر شما در رابطه با جنبش ملی در وضعیت فعلی چه است؟ آیا بی‌طرفی خود را حفظ خواهد کرد؟

استاد مزاری: در جنگ‌هایی که قبلا شورای‌نظار علیه حزب وحدت اسلامی آغاز کرده بود، جنبش، بی‌طرفی خود را حفظ کرد؛ ولی تبلیغاتی که اکنون وجود دارد، که از طرف رسانه‌های تبلیغاتی اعلام می‌شود که آن‌ها بی‌طرف نمانده‌اند و به نفع شورای‌نظار وارد جنگ شده‌اند، نشان می‌دهد که بی‌طرف نیستند؛ اما دفتر نمایندگی جنبش در ایران بی‌طرفی جنبش را اعلام کرده است و از مواضع حزب وحدت اسلامی پشتیبانی خود را اعلام کرده است. جنرال دوستم هم از مزار پیام‌هایی داد که به این مطلب تأکید می‌کرد؛ ولی شرایط افغانستان طوری است که روی هیچ قول و قراری اعتبار و تضمین وجود ندارد. وقتی که رهبران گروه‌های جهادی پابند به تعهد خود نباشند، روی مواضع دیگران نیز نمی‌توان اطمینان داشت.

سؤال: ولی همین موضع بی‌طرفی در شرایط حاضر چه قسم یک موضعی می‌تواند باشد؟

استاد مزاری: کسی که روی مصالح مردم تکیه دارد، بی‌طرف نمی‌تواند بماند و اکثر مشکلات فعلی کشور از سوی همین بی‌طرف‌هایند؛ چون هم بی‌طرف هستند و هم با تمام اطراف. حالا

فرق نمی‌کند این بی‌طرف، جنبش باشد یا احزاب دیگر و ما به این برادران توصیه داریم که مصالح مردم را در نظر بگیرند و یک تصمیم و یک موضع اتخاذ کنند.

سؤال: شورای‌نظار ترجیح می‌دهد که سنگرهای‌شان را به جنبش بسپارد تا به حزب وحدت و حزب اسلامی، نظر شما در این رابطه چیست؟

استاد مزاری: ممکن است پشت‌پرده مسائلی باشد و از خصیصهٔ وجودی مسعود است که همواره در کارهایش از نیرنگ و فریب استفاده می‌کند. مسعود با زور بازوی جنبش به داخل کابل آمد؛ ولی بعد از این‌که بر اوضاع تا حدودی مسلط شد، جنبش را کنار زد و حتی درگیری‌های خونینی را علیه جنبش راه انداخت، حالا هم اگر احساس خطر کند، باز هم همان راه را می‌رود و این بستگی به جنبش دارد که چه تصمیم می‌گیرد و فکر می‌کنم که جنبش در طول یک‌سال گذشته مسعود را شناخته است و دیگر فریب نخواهد خورد.

سؤال: شما دربارهٔ مواضع سیاسی‌تان از سوی احزاب و جوانب مختلفی تحت فشار هستید و در همین راستا از سوی شورای‌نظار تبلیغات صورت می‌گیرد که در حزب وحدت اسلامی اختلاف وجود دارد، نظر شما چیست؟

استاد مزاری: حزب وحدت اسلامی تنها حزبی است که در داخل افغانستان تشکیل شده است و مرکزش در داخل افغانستان است؛ ولی در خارج نمایندگی‌هایی دارد، در پاکستان، ایران و کشورهای اروپایی، من با اطمینان می‌توانم بگویم که حزب وحدت از جمعیت کرده متشکل‌تر است و آن قدر اختلاف نظر و تعصبی که در جمعیت است، در حزب وحدت وجود ندارد. حزب وحدت یک شورای مرکزی و یک شورای تصمیم‌گیری دارد که در رابطه با دفاع و صلح و آتش‌بس و... به صورت شورایی تصمیم می‌گیرد و اعلام جنگ و صلح می‌کند و یک خصیصه‌ای که حزب وحدت دارد و در بین گروه‌های داخل حتی خارج از کشور، بی‌نظیر است، حمایت مردم، از این حزب است. با این‌که جنگ به این مردم تحمیل شده است؛ اما مردم یک‌دست و یک‌پارچه از حزب وحدت حمایت می‌کند و شما تظاهرات عظیم مردم غرب کابل را در این اواخر شاهد بودید.

حزب وحدت اسلامی به هیچ کشور خارجی متکی نیست و تنها به مردم خود متکی و وابسته است، البته تبلیغاتی که صورت گرفته است، ما آن را کاملا نفی نمی‌کنیم. ممکن است افراد ضعیف‌النفس وجود داشته باشند؛ ولی این مسأله در تمام جریان‌ها وجود دارد و بنیان‌گذار این

کار که افرادی را با پول می‌خرند، نجیب بود که پول بی‌پشتوانه چاپ می‌کرد و در بین افراد نظامی توزیع می‌کرد و اینک مسعود دست به چنین کارهایی می‌زند.

سؤال: آیا ائتلاف حزب وحدت اسلامی یک ائتلاف مقطعی و زمانی است یا یک ائتلاف اعتقادی؟

استاد مزاری: حزب وحدت تا کنون هر تعهد و توافقی که داشته است، به آن پابند بوده است و صادقانه عمل کرده است، ما یک ائتلاف لفظی با جنبش داشتیم و پای آن ایستادیم و همواره از جنبش به عنوان یک واقعیت حمایت کردیم، توافق دیگری داشتیم با احمدشاه مسعود پیش از سقوط دولت کمونیستی تا آخرین لحظات به آن پابند بوده و عمل کردیم. در جنگ‌های اتحاد علیه حزب وحدت می‌دانستیم که عامل جنگ مسعود است؛ ولی به خاطر همان تعهد صبر کردیم؛ ولی وقتی که جنگ پنجم را مسعود بالای فرقهٔ هفتاد آغاز کرد، پنج‌صد نفر از مردم ما را اسیر گرفت. ما مجبور شدیم از مردم خود دفاع کنیم. ائتلافی که بین ما و حزب اسلامی به وجود آمده است، طبیعی‌ترین ائتلاف است و کسانی که تبلیغ می‌کنند، مسألهٔ نژاد و مذهب را مطرح می‌کنند، آن‌ها مردم افغانستان را نشناخته‌اند، من بارها اعلام کرده‌ام که حکومت ملی مردم افغانستان حکومت اسلامی است و حزب اسلامی نیز بر همین باور است و حزب اسلامی و حزب وحدت روی این مسأله توافق نظر دارند که نه حکومت‌های گذشته اسلامی بوده است و نه حکومت یک سالهٔ گذشته و در طول سال‌های گذشته حزب وحدت و حزب اسلامی مواضع کاملا ثابت و مشخصی داشته‌اند؛ لهذا طبیعی‌ترین ائتلاف این ائتلاف است و ما این مسأله را به حزب اسلامی و مردم مربوط به حزب اسلامی اطمینان می‌دهیم که حزب وحدت با کسی توافق نمی‌کند و اگر توافق کرد پای آن توافق می‌ایستد.

سؤال: در ارتباط با ائتلافی که پیش از سقوط کابل در سمت شمال به وجود آمد، شما نقش اساسی را داشته‌اید دربارهٔ این ائتلاف اگر ممکن است توضیحاتی بفرمایید.

استاد مزاری: ما تا سال شصت‌وهفت جز به جهاد و آزادی افغانستان فکر نمی‌کردیم؛ ولی بعد از خروج شوروی‌ها اکثرا فکر می‌کردند دولت به زودی سقوط می‌کند و با همین باور تعدادی از برادران در پاکستان حکومت تشکیل دادند و متأسفانه حزب وحدت را نادیده گرفتند و این مسأله توهین بزرگی به مردم ما بود و ما آمدیم در داخل افغانستان و با قوماندانانی که نقش اساسی را در جهاد داشتند و آن‌ها نیز در حکومت تشکیل‌شده نادیده گرفته شده بودند، کار را شروع

کردیم و چون می‌دانستیم که در خارج از افغانستان نمی‌توان برای افغانستان کاری انجام داد با تمام قوماندان‌های جهادی که در جهاد مؤثر بودند، ملاقات کردیم و به همه جا هیأت فرستادیم تا این‌که در اواخر سال هفتاد عده‌ای از جنرالان سمت شمال با ما تماس گرفتند و گفتند که اگر شما از ما حمایت کنید، ما علیه دولت کابل اقدام می‌کنیم و به خاطر این‌که با قوماندانان قبلا نیز مذاکراتی داشتیم، با آن‌ها تماس گرفتیم، هیأتی پیش فرید و مسعود در شمالی و پنجشیر فرستادیم و بعد از مذاکرات، مسعود با آن زرنگی که داشت، از این مسأله استقبال کرد و برای فتح مزار با ما توافق کرد. بعد از فتح مزار، ما روی همان مذاکرات قبلی با قوماندان‌ها در شورایی که در چاریکار تشکیل شد، شرکت کردیم و در آن‌جا بیست نفر از مجاهدین و ژنرالان تعیین شدند که کابل را فتح کنند و قرار شد که چهارهزار نفر از شمالی حرکت کنند و یک هزار نفر آن از حزب وحدت باشد و چهارهزار نفر دیگر از حزب وحدت از میدان شهر وارد کابل شوند؛ ولی مسعود مانع این کار شد و تنها نیروی خود را وارد کابل کرد؛ اما در رابطه با تشکیل جنبش ما به این باور بودیم که این‌ها حق خود را ادا کرده‌اند؛ چون همهٔ دولت‌ها و همهٔ مجاهدین به این باور بودند که در افغانستان یک دولت بی‌طرف روی کار بیاید و نیروهای جنبش آمدند و دولت را سقوط دادند و مزد همین کارها را ما برای گناهان سابقهٔ آنان کافی دانستیم و یکی از اهداف ما از تماس با قوماندان و جنرالان سابق این بود که اردو سالم بماند و اگر این خیانت و عهدشکنی را مسعود نمی‌کرد، این پراکندگی و بی‌نظمی فعلی در اردو به وجود نمی‌آمد، ولی مسعود با ضربه‌ای که به مجاهدین زد، کاری کرد که حتی استکبار جهانی در طول چهارده سال گذشته نتوانسته بود بزند.

سؤال: در تحولات شمال، شما نقش اساسی داشتید؛ چرا مسعود در این تحولات ظاهرا به موفقیت‌هایی دست یافت؟

استاد مزاری: ما چون به مردم خود فکر می‌کردیم و مصالح آن‌ها را مد نظر داشتیم، با قضایا صادقانه برخورد کردیم؛ ولی مسعود چون یک تعهد دیگر، با کابل داشت، بیشتر به کابل متکی شد، ما را نگذاشت که وارد کابل شویم و در ابتدا که می‌خواست وارد کابل شود، از حضرت صاحب اجازه ورود می‌خواست؛ ولی بعد از این‌که مسلط بر اوضاع شد، حضرت را حتی نگذاشت در تلویزیون خطابه‌اش پخش شود و طیاره‌اش را مورد هدف قرار داد و پسرش را با زور سلاح بیرون کرد، این کارها بود که مسعود خود را تا حدودی بر مردم تحمیل کرد.

سؤال: حالا که جنگ جریان دارد، آیا شما همراه قیادت حزب اسلامی روی مسئلهٔ آتش‌بس

هیچ فکری کرده‌اید؟

استاد مزاری: من با توجه به شناختی که از مسعود دارم، اطمینان ندارم که آتش‌بس رعایت شود؛ ولی چون در فکر آسایش و آرامش مردم هستیم، هر وقت طرف مقابل بخواهد آتش‌بس کند، ما آن را قبول می‌کنیم، البته با یک اصول و شرایطی باید آتش‌بس شود.

سؤال: چه پیامی به مردم کابل و در کل افغانستان دارید؟

استاد مزاری: من خود را کوچک‌تر از آن می‌دانم که برای مردم افغانستان پیامی داشته باشم. مخصوصا بعد از این‌که نه جنگ بر مردم تحمیل شده است؛ ولی خواهش من از مردم این است که خود مردم در صحنه بیایند و به هر قیمتی که می‌شود، به این وضع خاتمه بدهند، با تظاهرات می‌شود، با سلاح به دست گرفتن می‌شود و به هر طریقی که می‌شود، به این وضع را خاتمه بدهند، چنان‌چه که در چهارده سال جهاد ارادهٔ مردم بود که تعیین کننده بود و آن‌ها توانستند یک ابرقدرت را شکست بدهند و حالا هم همین مردم وارد صحنه شوند و به نفع مردم وضع را تغییر دهند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۱۸۰، شمارهٔ ۱۳۷۲/۲/۲۵.

(۴۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی

سه‌شنبه ۱۳۷۲/۲/۲۸

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان استاد مزاری، با شرکت در یک مصاحبهٔ رادیویی با خبرنگاران بی‌بی‌سی به سؤالات آنان در ارتباط با جنگ اخیر، آتش‌بس، استراتژی فعلی حزب وحدت و هیأت‌های صلح پاسخ گفت:

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که علت جنگ اخیر را جویا شد، گفت:

بعد از این‌که شورای‌نظار جنگ را علیه حزب اسلامی در پروان آغاز کرد، از آن‌جا به نیروهای تحت فرمانش در کابل پیام داد که تا من از پروان برمی‌گردم، شما جنگ را در کابل علیه حزب وحدت اسلامی آغاز کنید و بر همین اساس این‌جا صد نفر از قوماندانان آن‌ها به سرپرستی شیرعلم از اتحاد جمع شدند و فیصله کردند که از دو نقطهٔ دارالامان و دشت‌برچی جنگ را شروع کنند. در قصر دارالامان هم فرقه هفتاد جلسه داشتند و اعلان کردند که ما مربوط به وزارت دفاع هستیم، نه جنبش. بعد از این جلسهٔ آن‌ها، ما با دوستم تماس گرفتیم که فرقهٔ هفتاد چنین فیصله کرده است و ما تا حال آنان را به عنوان نیروهای جنبش تحمل کردیم و دوستم پیام داد که فرقهٔ هفتاد تحت قومانده ما حرکت نمی‌کند.

فرقه هفتاد راه دارالامان را مسدود کرد و در یک روز حدود صد نفر از اهالی منطقه را زندانی کرد و ما جنرال رفیع، معاون جنرال مؤمن را خواستیم و به او گفتیم که اگر شما راه دارالامان را ببندید، ما نیز راه اکمالاتی شما را قطع می‌کنیم، از همین جا بود که درگیری شروع شد و در یک روز تمام ساحات به غیر از ریاست پنج خاد تصفیه شد.

خبرنگار بی‌بی‌سی پرسید که ما خود دیدیم که نیروهای فرقهٔ پنجاه‌وسه علیه شما می‌جنگیدند، شما چه نظر دارید؟ استاد گفت: دوستم با ما تماس گرفت که آن‌ها خودسرانه عمل کرده‌اند و تعداد کمی بوده‌اند که دوباره برگشته‌اند و نیروهای مؤمن نیز عکس‌های دوستم را بالا می‌کنند به نام فرقهٔ پنجاه‌وسه که این مسأله از سوی فرقهٔ پنجاه‌وسه تکذیب شد.

استاد مزاری: در جواب به این سؤال که استراتژی حزب وحدت اسلامی در جنگ چیست؟ و آیا به حملات خود ادامه می‌دهد یا نه؟ گفت: ما سیاست جنگی نداریم نه در سیلو نه در دهمزنگ و نه در قلعهٔ قاضی، در هیچ‌جا سیاست جنگی نداریم و فقط از خود دفاع می‌کنیم و سنگرهای خود را با تمام قوا حفظ خواهیم کرد.

خبرنگار پرسید که آیا آمادگی برای آتش‌بس دارید؟ استاد مزاری جواب داد: اگر تضمین وجود داشته باشد که مسعود دوباره جنگ را شروع نمی‌کند، ما حاضر هستیم در رابطه با صلح مذاکره کنیم.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا حاضر هستید با هیأت‌های صلح گپ بزنید؟ اظهار داشت: هیأت‌های ساخته شده از سوی شورای‌نظار به درد نمی‌خورند، اگر هیأت صلح جلال‌آباد که از هر تنظیم دو نفر در آن شرکت دارند، از ما بخواهند ما حاضر هستیم برای آتش‌بس صحبت کنیم.

در حال حاضر دو کمیسیون صلح وجود دارد، یکی به سرپرستی آقای انوری و دیگری هم به سرپرستی محراب‌الدین که در راستای آتش‌بس و صلح هیچ‌گونه اقدامی نکرد و نقض کنندهٔ آتش‌بس را معرفی نکرد. انوری هم که از طرف مسعود انتخاب شد و مورد قبول ما نیست، اگر جنبش و هیأتی که قرار است از جلال‌آباد بیاید میانجیگری کند، ما از آن‌ها استقبال می‌کنیم و آن‌ها را قبول داریم.

استاد مزاری در پاسخ این سؤال که شما دربارهٔ توافق رهبران در جلال‌آباد چه نظر دارید؟ اظهار داشت: همین‌که عامل جنگ، یعنی مسعود برکنار شود و امنیت در کشور حاکم شود، آن را قبول داریم.

خبرنگار پرسید: در این دو ماه مسعود چکاره خواهد بود؟

استاد پاسخ داد: در جلال‌آباد توافق شد که کابینهٔ جدید تشکیل می‌گردد و کابینهٔ قبلی ملغی می‌شود و در این صورت مسعود هم دنبال کار خود می‌رود.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۱۸۴، چهارشنبه ۱۳۷۲/۲/۲۹.

(۴۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با حامد علمی، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

۱۳۷۲/۲/۲۸

حامد علمی: آقای مزاری علت اساسی جنگ شما با حکومت چه است؟

استاد مزاری: ما با حکومت جنگ نداریم؛ ولی شورای‌نظار است که برای تحکیم پایه‌های حکومت‌شان نه توافق را قبول دارند، نه فیصله‌ای را که امضاء می‌کنند قبول دارند؛ لهذا از خاطر استحکام پایه‌های حکومت‌شان، این چندبار است که به عنوان تصفیهٔ شهر، جنگ را علیه ما آغاز کردند.

حامد علمی: ولی بیشتر در این جنگ‌ها اهالی تلفات می‌بینند، آیا شما برای قطع جنگ کدام پیشنهادی دارید؟

استاد مزاری: ما از این جهت که اهالی شریف کابل بیش‌ترین خسارات را می‌بینند، بسیار متأثر و متأسف هستیم، ما به مردم احترام داریم و همین مسأله است که ما تمام جنگ‌هایی را که آقای مسعود علیه ما تحمیل کرده، در همهٔ این موارد، هرکس که پادرمیانی کرده و صلح‌طلبی کرده، ما قبول کردیم.

حامد علمی: ولی در حال حاضر دو کمیسیون با دو هیأت صلح است که برای صلح تلاش می‌کند؛ ولی هیچ یک از تلاش‌ها به نتیجه‌ای نرسیده علت چیست؟

استاد مزاری: این‌ها یک تلاش‌های یک‌جانبه است؛ یعنی توافق بی‌طرفانه نیست؛ ولی ما هرکسی که تماس گرفت، گفتم آتش‌بس را آن‌ها قطع بکنند، ما قطع می‌کنیم. بعد آن‌ها طیاره را بالا کردند، مردمان غیرنظامی را زدند، منتهی در اخیر به ما دو پیشنهاد شده که ما با هردویش موافقت کردیم. گفتند که یک هیأت از طرف رهبران از جلال‌آباد می‌آید با دو نفر عضو، شورای جهادی جلال‌آباد، و جنرال دوستم هم پیام داده که ما یک هیأت می‌فرستیم از برای میانجیگری، ما هردویش را گفتیم که خوب است تا حالا نرسیده‌اند.

حامد علمی: آیا شما به صلح امیدوار هستید؟

استاد مزاری: والله اگر آقای مسعود دست از جنگ بردارد و قانع به توافق رهبران و پابند امضای‌شان باشد و عهدشکنی نباشد و عهدشکنی نکند، امیدوار هستیم که راه‌حل به وجود آید که مردم آرام شوند.[۱]

۱ . منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ص ۲۷۰، ۱۳۷۹.

(۵۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با روزنامهٔ دیلی‌تلگراف

چاپ انگلستان، چهارشنبه ۱۳۷۲/۳/۵

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، خبرنگار روزنامهٔ دیلی‌تلگراف چاپ انگلستان را به حضور پذیرفته و به سؤالات وی در مورد خواسته‌های حزب وحدت اسلامی، آتش‌بس و جنگ اخیر پاسخ گفت.

استاد مزاری در جواب این سؤال خبرنگار دیلی‌تلگراف که پرسید: حزب وحدت چه خواسته‌هایی از حکومت آینده دارد؟ گفت: حزب وحدت اسلامی می‌خواهد در حکومت آینده تمام ملیت‌ها واقوام ساکن در کشور شرکت داشته باشند. همان‌گونه که در جهاد تمامی مردم افغانستان سهیم بودند و باید انتخابات زیر نظر سازمان ملل‌متحد انجام شود که در آن همهٔ اقشار مردم اعم از زن و مرد شرکت داشته باشند.

استاد مزاری در مورد آتش‌بس ایجاد شده اظهار داشت: حدود یک هفته است که آتش‌بس برقرار شده است؛ اما درگیری‌های پراکنده‌ای وجود دارند و از طرف شورای‌نظار مناطق مسکونی مردم بی‌دفاع و مواضع حزب وحدت اسلامی با هاوان و سلاح‌های خفیفه مورد هدف قرار می‌گیرد، دیشب در ساحهٔ پوهنتون درگیری نسبتا شدید بود و حزب وحدت اسلامی نیز فقط دفاع کرده و مواضع آنان را هدف قرار داد، و به آتشباری سلاح‌های آنان پاسخ گفت و از طرف ما هیچ‌وقت مناطق مسکونی آن‌ها زده نشده در صورتی که آن‌ها مناطق مسکونی را نیز هدف قرار می‌دادند.

خبرنگار پرسید در کابینهٔ جدید، حزب وحدت اسلامی چه موقعیتی را دارا است؟

استاد جواب داد: دو وزارت خانه به حزب وحدت اسلامی تعلق گرفته و یک وزارت‌خانهٔ دیگر نیز قرار است که بعدا به حزب وحدت اسلامی داده شود.

استاد مزاری در جواب به این سؤال خبرنگار که پرسید آیا شما از کابینهٔ جدید راضی هستید؟ گفت: ما به خاطر این‌که توافق رهبران از بین نرود و مردم در آرامش و امنیت به‌سر ببرند و به خاطر این‌که نمایندهٔ ما آن را امضا کرده بود، آن را قبول کردیم؛ چون کمیت حضور نظامی و مردمی

حزب وحدت اسلامی مد نظر گرفته نشده است، از آن کاملا راضی نیستیم و در این موافقت‌نامه رعایت حال جمعیت و حزب اسلامی شده است؛ اما حزب وحدت اسلامی که از پشتوانهٔ عظیم مردمی برخوردار است، به حقوق خود نرسیده است.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید: رابطهٔ شما به حزب اسلامی چه‌طور است؟ اظهار داشت: ما با تمام احزاب جهادی روابط حسنه داریم؛ اما با شورای‌نظار و اتحاد سیاف که علیه ما جنگیدند رابطهٔ خوب نداریم و در همین اواخر شورای‌نظار و اتحاد مشترکا علیه ما و حزب اسلامی جنگیدند و ما نیز مشترکا با حزب اسلامی از خود دفاع کردیم.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۱۹۱، پنج‌شنبه، ۱۳۷۲/۳/۶.

(۵۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی

جمعه ۱۳۷۲/۲/۱۴

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان استاد مزاری، طی مصاحبه با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی به سؤالات آنان پیرامون تحولات و رویدادهای جاری کشور پاسخ گفت و اینک خوانندگان محترم خبرنامه وحدت متن کامل این مصاحبه را پیش رو دارند:

سؤال: معاهدهٔ اسلام‌آباد تا کنون به چه نتایجی انجامیده است؟

جواب: بسم الله‌الرحمن‌الرحیم، در جلال‌آباد توافق بر این شده بود که کابینهٔ قبلی در همان‌جا منحل اعلان شود و وزرای کابینهٔ جدید مراسم تحلیف را به جا بیاورند و تمامی رهبران و نمایندگان تنظیم‌های جهادی این مسأله را قبول کردند؛ اما عملی نشد و متأسفانه تا کنون این توافق‌نامه به نتیجه‌ای نرسیده است و این دو علت دارد: یکی این‌که رهبران در آن‌جا توافق کردند که تا به موافقه نرسیده‌اند، آن‌جا را ترک نمی‌کنند؛ ولی سیاف برآمد و دوباره برنگشت و همراه مسعود جنگ را در پروان و کابل آغاز کرد. مسعود برای این‌که توافقات به جایی نرسد، مجلس حل‌وعقد را مطرح کرد و ربانی که خود را رئیس جمهور افغانستان می‌داند، بیش از بیست روز در جلال‌آباد ماند و بعد هم رفت در پاکستان، آقای ربانی اگر خود را مسئول می‌داند، چه‌طور می‌شود که یک دولت بیش از یک ماه رئیس جمهور نداشته باشد.

و مسألهٔ دوم باز مربوط به رهبران است که این‌ها به هیچ وجه در قبال ملت و مردم احساس مسئولیت نمی‌کنند، در جلال‌آباد که جمع شده بودند به خاطر اصرار و اقدامات قوماندانان و خانواده‌های شهدا بود، و الا آن‌ها یک ذره برای مردم افغانستان نه توجه دارند و نه به فکر آن‌ها هستند و اگر آن‌ها به فکر مردم می‌بودند، باید بعد از امضای موافقت‌نامه به کابل می‌آمدند و برای عملی شدن آن تلاش می‌کردند. درست است که حج رفتن و خانهٔ خدا را زیارت کردن مسألهٔ بزرگ و عظیمی است در نزد مسلمانان، به این کسی اعتراضی ندارد؛ اما وقتی این حج برای رهبران می‌زیبد که مردم‌شان در آرامش باشند و این‌که سرنوشت مردم را رها کرده می‌روند به نظر

من گناه بزرگی را مرتکب شده‌اند. مردم افغانستان این‌ها را با این همه فجایع نمی‌بخشند.

سؤال: شما فرمودید آتش‌بس نقض شده است، ناقض آتش‌بس کدام یک از جناح‌هایند؟

جواب: حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی هر جا که تعهد کرده، روی آن مسأله ایستاده‌اند و تمام تلاش‌شان این است که توافقات عملی گردند.

وقتی ما به آتش‌بس توافق کردیم، آن را رعایت کردیم؛ ولی از طرف مقابل مکررا نقض گردیده و هیأت جلال‌آباد که آمدند، ما برای آن‌ها گفتیم که برای این‌که نظارت دقیق‌تر بر آتش‌بس داشته باشید، باید در ساحهٔ حزب وحدت نیز نمایندگی ایجاد کنید. مردم جلال‌آباد یک نیروی عظیمی هستند و می‌توانند پشتوانهٔ مردمی خوبی برای هیأت صلح باشند و متخلف را جزا بدهند. من نقش آن‌ها را در طول دوران جهاد و به خصوص توافق‌نامهٔ اخیر تذکر دادم و به آنان گفتم که باید متخلف را به دنیا معرفی کنید، این متخلف چه ما باشیم یا طرف‌های دیگر. تنها قول دادند که این‌ها را انجام می‌دهیم، متأسفانه تاکنون چهار بار از طرف مقابل حمله صورت گرفته است؛ ولی یک منبع پیدا نشده است تا ناقض آتش‌بس را اعلان کند.

شنیدیم که تگاب و نجراب نیز بمباران شدند؛ ولی آن‌ها اعلان نکردند. باید یک مرجع بی‌طرف تشکیل می‌شد و متخلف را به مردم مسلمان و جهانیان معرفی می‌کرد.

سؤال: برخورد رسانه‌های خبری ادارهٔ کابل دربارهٔ معاهدات اسلام آباد نشان می‌دهد که آن‌ها مخالف این معاهده هستند، شما چه نظر دارید؟

جواب: مخالفت این‌ها از تبلیغات و موضع‌گیری‌های‌شان از طریق رسانه‌ها پیدا است و نیز در محافل خصوصی‌شان این مسأله را تأکید کرده‌اند که ما در برابر این توافق‌نامه می‌ایستیم و این‌ها با جمع کردن نماینده‌های قلابی شورای حل‌وعقد عملا مخالفت خود را اعلان کردند، موضع‌گیری این‌ها چندان مسأله‌ای نیست تأسف ما از رهبران جهادی است که چه‌طور راضی می‌شوند و قبول می‌کنند که یک تعداد از قوماندانان نظامی توافق آنان را نادیده می‌گیرند و برخلاف آن تصمیم و موضع می‌گیرند و این جای تأسف و ناامیدی است که بعد از توافق‌نامهٔ جلال‌آباد مخالفت می‌کنند؛ چون با عملی شدن این توافق‌نامه حکومت انحصاری آن‌ها از هم می‌پاشد؛ ولی جای ناامیدی از رهبران جهادی است که به مردم تعهد کرده‌اند آنان را از بدبختی نجات دهند و با تأسف که بازیچهٔ یک تعداد نظامی قرار می‌گیرند و از آنان پیروی می‌کنند.

سؤال: با توجه به این همه توافق شکنی‌ها آیا مردم حق ندارند که از توافقات مأیوس شوند؟

جواب: ما بر این عقیده هستیم که چهارده سال جهاد را مردم به انجام رسانیدند و شوروی در هرکجا که پا نهاد آن‌جا را اشغال کرد. مردم افغانستان، افغانستان را قبرستان آنان ساختند و حالا هم باید مردم دربارهٔ مشکلات‌شان تصمیم بگیرند و نشان بدهند، همان‌طوری که مردم، مرد جنگ هستند، مرد سیاست، اداره و حکومت نیز هستند و مردم باید نگذارند بیشتر از این با سرنوشت آن‌ها بازی شود.

سؤال: آیا شکست شورای‌نظار در جنگ اخیر در توافقات جلال‌آباد نقش دارد؟

جواب: آقای سیاف و مسعود تصمیم قاطع داشتند که در مقابل این توافق‌نامه بایستند و این‌ها نظر داشتند که با پیروزی بر حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی با دست بالایی در جلسه شرکت کنند؛ ولی شکست آن‌ها در کابل، این طرح آنان را با شکست روبه‌رو ساخت و آقای ربانی توافق‌نامه را امضاء کرد.

ولی بعد از امضای توافق‌نامه متأسفانه آقای ربانی از ترس مسعود و شورای‌نظار وارد کابل شده نتوانست و این جای تأسف است که دربارهٔ سرنوشت یک رهبر یک قوماندان تصمیم می‌گیرد.

و پس از این‌که چندین هیأت از جانب ربانی با مسعود دیدار می‌کند، مسعود اجازه می‌دهد ربانی وارد کابل شود و ربانی با این‌که با امضای خودش کابینهٔ قبلی را منحل اعلان کرده بود؛ ولی در رادیو وزرای سابق باز هم به عنوان وزیر مطرح می‌شوند و این نشان می‌دهد که ربانی در دست آن‌ها اسیر است و ما باز هم تقاضا داریم که خود مردم تصمیم بگیرند و از رهبران نیز می‌خواهیم که سرنوشت مردم را در نظر داشته باشند.

سؤال: در جنگ اخیر آن‌ها مواضع زیادی را از دست دادند، باز چه چیز آن‌ها را وادار می‌کند که آمادگی برای جنگ می‌گیرند؟

جواب: آن‌ها حیات‌شان را در جنگ جستجو می‌کنند و به خاطر این‌که در مقابل توافق‌نامهٔ جلال‌آباد بایستند و امکانات و سرمایه‌های ملی و مردمی را در دست داشته باشند، اقدام به شرارت می‌کنند؛ چون وقتی حکومت قانونی به وجود بیاید، جلو چپاولگری و غارتگری آن‌ها را می‌گیرد؛ ولی آن‌ها می‌خواهند که این وضعیت را ادامه بدهند.

سؤال: در طول یک‌سال گذشته به خاطر جنگ‌هایی که در کابل به وقوع پیوست، وجههٔ جهادی مردم مسلمان ما خدشه‌دار شد، شما برای جلوگیری از مسأله چه طرحی دارید؟

جواب: ما هر طرحی که رهبران توافق کردند، قبول کردیم و هر طرحی که به صلح، امنیت و

آرامش دائمی مردم ما بینجامد، آن را قبول داریم.

و طرح خودمان این است که نیروهای جهادی که چهارده سال جهاد و فدارکاری کردند، این‌ها منسجم شوند، اقدام کنند و سرنوشت آیندهٔ خود و این ملت را به نفع ملت تعیین کنند و نگذارند یک تعداد عامل بیگانه نام آنان را لکه‌دار کرده و با سرنوشت آن‌ها بازی کنند. توافق جلال‌آباد زمینهٔ خوبی است برای اقدام آنان و برای یک اقدام مردمی و ملی که دیگر مانع جنگ و خونریزی شوند و ما امیدواریم با اقدام مهاجرین و حمایت مردم از آنان، یک حکومت اصیل اسلامی در افغانستان تحقق پیدا کند و غیر از این راه، راه دیگری وجود ندارد.

سؤال: بعضی‌ها می‌گویند احمدشاه مسعود که مخالف توافق‌نامهٔ جلال‌آباد هست، می‌خواهد جنرال دوستم را نیز با خود همراه سازد، شما چه نظر دارید؟

جواب: دوستم از اجلاس اسلام‌آباد و جلال‌آباد ناراحتی‌هایی داشت؛ چون در اسلام‌آباد پاکستانی‌ها از جنبش دعوت کردند که در اجلاس شرکت کنند؛ ولی در اجلاس شرکت داده نشدند و در جلال‌آباد نیز اصلا دعوت نشدند.

شورای‌نظار با وجود این ناراحتی جنبش از مسأله استفاده کرد و هیأت و پول فرستاد برای آن‌ها که در جلال‌آباد هم شما حذف شده‌اید و هم ما، و باید هر دو علیه این توافق‌نامه اقدام کنیم؛ ولی در حقیقت مانع اصلی دعوت جنبش، خود جمعیت بود و آقای ربانی و نورالله عماد سخت پافشاری کردند که باید آن‌ها در دولت نباشند و حزب وحدت و جبههٔ نجات اصرار کردند که جنبش به عنوان یک واقعیت مطرح است و آقای حکمتیار هم پافشاری کرد که برای خاتمه دادن به بحران افغانستان باید جنبش در نظر گرفته شود؛ ولی جمعیت قبول نکرد.

و من معتقدم که این مسأله برای نیروهای جهادی باعث خجالتی و سرشکستگی است که در جلسه آنان را رد می‌کنند و بعد هیأت پشت هیأت با پول، وعده و وعیدها پیش آنان می‌فرستند، معلوم است که این‌ها نمی‌خواهند قضیهٔ افغانستان حل شود، اگر جنبش را به عنوان یک واقعیت قبول دارند، چرا در جلسات آن‌ها را رد می‌کنند؟ و اگر می‌گویند جنبش از بقایای رژیم سابق است؛ چرا دنبال آنان می‌روند؟ چیز دیگری که بسیار جای تأسف و تأثر است، این است که پارسال جنبش اصرار می‌ورزید که ما جزء اردوی اسلامی هستیم؛ ولی دیگران قبول نداشتند؛ اماحالا کار را به جایی رسانیده‌اند که نه تنظیم موافقت‌نامه‌ای را امضاء می‌کنند؛ ولی این‌ها می‌گویند که ما شما را در کابل قبول نداریم. ما در همان اوایل پیروزی مجاهدین گفتیم که جنبش

یک واقعیت است و ما طرفدار آن هستیم که همه جوانب در نظر گرفته شود تا صلح در کشور برقرار شود. به علاوه جنبش نمایندگی از یکی از ملیت‌های افغانستان می‌کنند، برادران ازبک و ترکمن عدهٔ کثیر آن‌ها از جنبش حمایت می‌کنند؛ اما متأسفانه رهبران جهادی این طور با افراط و تفریط برخورد کردند. یک‌بار دیگر اصلا قبول نداشتند؛ ولی حالا پشت دروازهٔ آن‌ها ایستاد می‌شوند و از آنان کمک می‌طلبند. آقای مجددی در آن زمان با یک وزارت‌خانه مسألهٔ جنبش را حل کرده بود؛ اما آقای سیاف و مسعود قبول نکردند و نگذاشتند که این خبر از تلویزیون پخش شود. امروز که خود آقای مسعود منافعش در خطر است، باز طرف آن‌ها رفته و می‌گوید حق شما غصب شده است. من به برادران جنبش توصیه می‌کنم که با بصیرت برخورد کنند و باید نمایندگی از مردم‌شان کنند و آلهٔ دست این و آن قرار نگیرند.

ما به خاطر حل بحران افغانستان آن‌ها را قبول کردیم و از آنان حمایت کردیم و آن‌ها باید به منافع مردم‌شان و کشورشان فکر کنند و امروز، که رهبران توافق کرده‌اند آن‌ها مانع نشوند و این لکه را در دامن خود و ملیت خود قبول نکنند.

سؤال: در این اواخر رادیو کابل هر وقت از معاهدهٔ جلال‌آباد صحبت می‌کند، از جمع‌آوری سلاح‌ها یادآوری می‌کند، نظر شما در این رابطه چیست؟

جواب: البته در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد پیش‌بینی شده که یک اردوی اسلامی تشکیل شود و بعد از تشکیل اردو، طبیعی است که باید سلاح‌ها جمع‌آوری شوند و الا صلح و آرامش برقرار نخواهد شد و در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد هم‌چنین ذکر شده که تا دو ماه کمیسیونی تشکیل شود و امور وزارت دفاع را پیش ببرد و بعد از آن قوماندانان جهادی برای مشخص کردن وضع وزارت دفاع جمع می‌شوند و تصمیم می‌گیرند و این یک چیزی بجا و معقول است؛ اما این‌ها که این مسأله را پیش کشیده‌اند، خلاف معاهدهٔ اسلام‌آباد و جلال‌آباد است و این عملی نیست. چه‌طور مردم می‌توانند قبول کنند که سلاح‌های ثقیلهٔ خود را به وزیر دفاعی بدهند که با طیاره مردم را بمباران می‌کند و این را هیچ‌کس نمی‌تواند قبول کند که سلاح خود را به کسی بدهد که دوباره علیه خودش استفاده کند و طرح این مسأله بهانه‌جویی و ایجاد مانع است برای مخالفت با توافق‌نامهٔ جلال‌آباد و این‌ها می‌خواهند مردم افغانستان را فریب بدهند در حالی‌که خود را به بازی و تمسخر گرفته‌اند، مردم افغانستان هشیارتر از این هستند که با این مسائل فریب بخورند.

سؤال: در مورد تصادمات پغمان چه معلوماتی می‌توانید ارائه دهید؟

جواب: حزب وحدت اسلامی قبلا نیز پایگاه‌هایی در اطراف پغمان داشت و به خاطر این‌که راه‌های‌شان بند بودند، آن‌ها در کوه‌های پغمان مستقر شدند و سیاف نیرو جمع کرد و حمله کرد و بعد از سه روز درگیری حملات آن‌ها دفع گردید و تعدادی از سنگرهای آنان به تصرف حزب وحدت درآمدند و اگر باز هم آن‌ها لجاجت به خرج بدهند و راه را باز نکنند، نیروهای حزب وحدت مجبور خواهند شد تا خودشان راه‌شان را باز کنند و گام‌های عملی نیز در این راستا برداشته‌اند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۱۹۵، یک‌شنبه ۱۳۷۲/۳/۱۶.

(۵۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو تلویزیون پیام آزادی

چهارشنبه۱۳۷۲/۴/۲

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، طی یک مصاحبه با خبرنگاران رادیو تلویزیون پیام آزادی، به سؤالات آنان پاسخ گفت. ادارهٔ خبرنامهٔ وحدت به دلیل اهمیت این مصاحبه، متن کامل آن را به دست نشر سپرد تا خوانندگان گرامی خبرنامهٔ وحدت از تحولات فعلی کشور آگاهی یابند:

سؤال: آقای استاد مزاری، لطفا در رابطه با شورای کمیسیون‌های کابینهٔ جدید نظر خود را ابراز دارید؟

جواب: متأسفانه در این مدتی که کابینه تشکیل شده است، فقط دوبار جلسه انجام داده و کمیسیون‌های مختلف که تشکیل شده بودند، در رابطه با وزارت دفاع، خارجه و داخله و آتش‌بس، این‌ها جلساتی داشته‌اند؛ ولی این آتش‌بس، هیچ‌وقت رعایت نشده است و اصلا متوقف نشده است که خوشبینی مردم و امید مردم همه روی این محور، دور می‌زند، برای این‌که این کارهایی که انجام شده‌اند، نتیجه‌اش صلح باشد، یک آرامی باشد و یک ثبات در این مملکت به وجود بیاید؛ ولی متأسفانه، این مسأله تحقق پیدا نکرده و در این مناطق که ما هستیم، همه روزه شاهد درگیری هستیم، همه روزه تا پانزده بیست نفر زخمی و چند نفر شهید از مردم غیر نظامی داریم. به علاوه این‌که امروز هم روز جلسهٔ کابینه بود در قصر دارالامان و بنا شد وزرا بیایند از سه نقطه، که می‌خواستند بیایند، مانع به وجود آوردند و وزارء نتوانستند بیایند. از این جهت مردم امیدشان به یأس تبدیل می‌شود. که باز هم امیدی که داشتند تا صلح و ثبات برقرار شود، یک تعدادی این مسأله را جلوگیری می‌کنند و نمی‌خواهند که کابینه دایر شود و دولت روال قانونی‌اش را بگیرد و برای مردم امنیت برقرار شود، این باعث تأسف است که متأسفانه پیش آمده است، امیدواریم این تعداد مردمی که مانع خلق می‌کنند، برای مسأله به اهداف و منافع مردم و ملت‌شان فکر کنند و این قدر مانع صلح و ثبات نشوند.

سؤال: استاد محترم بفرمایید که این تخلفات و موارد نقض مکرر از چه جانب یا جوانبی صورت می‌گیرند؟

جواب: در این مدتی که این مسأله پیش آمد، نقض آتش‌بس از طرف شورای نظار، بیشتر بوده و از طرف اتحاد هم در این مناطق صورت گرفته، با این‌که هم هیأت صلح عمومی که از جلال‌آباد آمده بود، از همه احزاب نفر در آن حضور دارد و هیأت دولت، نیز شش نفر از هر تنظیم دوباره مصوبه کردند، خصوصی هم خواستند که کمیسیون دوجانبه به وجود بیاوریم، هم با شورای‌نظار کمیسیون به وجود بیاوریم، هم با اتحاد. متأسفانه هیچ‌کدام مانع درگیری نشده و درگیری دوام دارد.

سؤال: با این‌که استاد ربانی خودشان تعهد می‌کنند که جنگ به پایان رسیده و دیگر آتش‌بس و تعهدها نقض نمی‌شوند و در جهت آغاز کار ارگان‌های دولت به مردم اطمینان می‌دهد، باز چرا ما شاهد این درگیری‌ها هستیم، آیا استاد ربانی از تعهدات‌شان تخلف می‌کنند، یا کسانی دیگری از شورای‌نظار و جمعیت اسلامی تصمیم نهایی را می‌گیرند؟

جواب: آن‌چه که پیدا است ما معتقدیم که تصمیم گیرنده در جمعیت شورای‌نظار است و رهبری جمعیت، تصمیم‌گیرنده نیست، برای این مسأله هم دو سه مورد ما نمونه داریم که هم در اسلام‌آباد ایشان (ربانی) رفت و امضاء کرد و حالا سه چهار ماه از آن مسأله می‌گذرد؛ ولی هنوز تحقق پیدا نکرده است، باز در جلال‌آباد رفتند و دوباره امضاء کردند و از این مسأله نزدیک یک ماه بیشتر می‌گذرد، که تحقق پیدا نکرد، در پغمان هم نشستند، آقای ربانی باز کمیسیونی به وجود آورد و اختیار داد این کمیسیون را، و مصوبه کرد که در مسیر، راه وزرای کابینه که می‌آید در قصر دارالامان باید از پل گذرگاه در این منطقه نیروهای جنبش نباشند و این منطقه را جمعیت اسلامی و حزب اسلامی تضمین بکنند، وزیران کابینه تردد بکنند و کابینه دایر شود که متأسفانه این را عملی نتوانست. از این جهت پیدا است که تصمیم‌گیرنده در جمعیت شورای‌نظار است و نه آقای ربانی، ربانی صلاحیت ندارد و تصمیم را شورای‌نظار می‌گیرد؛ لذا عملی نشده است.

سؤال: استاد محترم نظر شما در مورد جلسهٔ پغمان چیست، بعضی‌ها تبصره می‌کنند که گویا قیادت حزب وحدت اسلامی از جلساتی که در پغمان دایر گردیده است، ناراحت شده است؟

جواب: ما البته معتقد به یک راه‌حل عمومی در افغانستان که همهٔ جوانب ذیدخل در آن راه‌حل عمومی سهم داشته باشند، هستیم و طرفدار یک ثبات و صلح دایمی نیز هستیم. روی همین مبنا

بود که در اسلام‌آباد که رهبران تنظیم‌ها نشستند و نمایندهٔ ما هم بود، در آن‌جا توافق‌نامهٔ کلی را که طبق خواست ما نبوده، امضاء کردیم و آن را رعایت کردیم. در جلال‌آباد هم که نشستند دنبال آن توافق‌نامه، تعیین کابینه و وزراء و این مسائل را کردند، باز هم ما راه‌حل عمومی مسأله را حمایت و رعایت کردیم و تا حالا تلاش کردیم که به روی مسأله پا فشار شود و عملی شود؛ ولی در آن‌جا جلسه‌ای که در پغمان پیش آمد، برای ما این مسأله مطرح شد که آقای رئیس جمهور با صدراعظم به خاطر دایر شدن کابینهٔشان می‌نشینند و موانعی که در بین دو تا شخصیت است، برمی‌دارند و تمام توافقات را عملی می‌کنند و ما از این مسأله راضی بودیم و حمایت می‌کنیم، بعد شایعاتی پخش شد در آن‌جا که با وساطت آقای سیاف توافقاتی کردند غیر از چارچوب توافق‌نامهٔ جلال آباد و برادرانی‌که آمدند مسأله را به ما توضیح دادند، از آن هم پیدا بود که باید یک چیزی غیر از چارچوب توافق‌نامهٔ جلال‌آباد باشد. ما در اصل جریان‌هایی که وحدت بکنند و اتحاد به وجود بیاورند مخالف نیستیم، استقبال می‌کنیم که تعدد گروه‌ها از بین برود؛ ولی باید در چارچوب موافقهٔ همهٔ گروه‌ها باشد، اگر یک وقت تنها سه تا گروه می‌آیند، دیگران را نادیده می‌گیرند، این را راه‌حل درستی نمی‌دانیم و انحصارطلبی اگر برای افغانستان راه‌حل باشد و می‌بود، در این یک سال باید صلح، ثبات و آرامش در افغانستان تأمین می‌شد. ما معتقدیم که در این‌جا این آفت، بدبختی و فجایع که سر مردم تحمیل شده‌اند، سرچشمه می‌گیرند، از انحصارطلبی‌هایند؛ لهذا هر وحدتی که برای صلح و ثبات و امنیت باشد و در این راستا گام برداشته شود، این نقطهٔ مثبتی است، اگر به مبنای انحصارطلبی باشد، این اصل برای افغانستان راه‌حل نیست و نباید در این راه کسی گام بردار و آن هم حرف اولی است که همه سهم داشته باشند، تا یک صلح و ثبات عمومی و بادوام برقرار شود.

سؤال: استاد محترم این طور شنیده می‌شود در بعضی حلقات سیاسی یک سلسله تلاش‌هایی در جریانند تا در ائتلاف و نزدیکی و هماهنگی بین حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی صدمه برساند و بعضی‌ها تحلیل و تفسیر می‌کنند که اهداف بعضی در تلاش‌های سیاسی هم همین است و بعضی تلاش‌های دیپلوماتیک هم در جریان است. شما می‌توانید در مورد نظر دهید؟

جواب: ما معتقدیم که شاید یک‌سری دسته‌جاتی باشند که این توافق دو جریان اسلامی را به نفع‌شان ندانند و تلاش بکنند که این مسأله را بشکنانند؛ ولی ما به مردم‌مان اطمینان می‌دهیم که این توافقاتی که پیش آمده، این‌ها برای صلح و ثبات برای یک حکومت اسلامی مفید بوده و

به نفع مردم ما هستند و هیچ‌وقت اجازه نمی‌دهیم برای آن دسته‌ای که بخواهند علیه منافع مردم گام بردارند و این توافقات را بشکنانند، ما با آن اصول اساسی و طبق خواسته‌های مردم‌مان این توافق‌نامه را امضاء کردیم و پابند هستیم و مطمئن هستیم که این به نفع ثبات مردم و مملکت ما است و هیچ کس نمی‌تواند این را بشکناند.

سؤال: استاد محترم: شما از نقض آتش‌بس توسط اتحاد سیاف صحبت کردید و ما روز یک‌شنبه مصاحبه‌ای داشتیم با استاد سیاف، ایشان ادعا کردند که جنگ را علیه حزب وحدت آغاز نکرده‌اند، به‌خصوص در مورد روزهای اخیر گفت که به نمایندهٔ حزب وحدت آقای مقصودی گفتم که شما اختیار عام‌وتام دارید با حزب خود صحبت کنید، به هر چیز که شما توافق دارید ما حاضریم او را بپذیریم و از طرف ما آن را امضاء کنید، شما در این مورد چه نظر دارید؟

جواب: در رابطه با جنگ بین اتحاد و وحدت شاید دست‌هایی وجود داشته باشد، که این جنگ‌ها را به وجود آورده باشد؛ چون بعد از جنگ دوم در قرغه نشستیم، همین حرف را همان وقت هم آقای سیاف گفته بود که ما جنگ را آغاز نکردیم، حزب وحدت در تمام جنگ‌ها در روز اول و دوم هم هیأت صلح را قبول کرد و هم اعلامیهٔ آتش‌بس را امضاء کرد، که متأسفانه در این ده تا جنگی که علیه ما در کابل تحمیل شده، در همهٔ این‌ها اتحاد اسلامی سهم داشته و در این اواخر کمیسیون‌هایی دایر شده، هم از جلال‌آباد آمد، آتش‌بس سراسری اعلان کرد، ما گفتیم خوب، استقبال کردیم، باز آقای سیاف از آقای حکمتیار درخواست کرده بود که شما میانجی شوید بین ما و حزب وحدت که جناب حکمتیار این مسأله را از ما خواست و ما بلافاصله قبول کردیم، هیأت تعیین کردیم که جنگ تمام شود و خاتمه پیدا کند. پسر آقای ناصر که یکی از علمای بزرگ ما که روس‌ها ایشان را از بین بردند و بیشتر از این مورد اعتماد جامعه است، آقای سیاف از پاکستان خواست، فرستاد در این‌جا که می‌خواهیم آتش‌بس رعایت شود و مشکل حل شود، باز هم من به ایشان گفتم که بسیار خوب ما طرفدار جنگ نیستیم، منتهی آتش‌بس را که ما قبول کنیم با همان طرح جلال‌آباد، اما مرتب این‌جا هاوان می‌آید و مردم ما شهید و زخمی می‌شوند. اگر بنا شود که این حالت تغییر پیدا کند و اطمینان پیدا بکنیم که جنگی پیش نمی‌آید، ما مسائلی را با ایشان پیشنهاد کردیم، هم با پسر آقای ناصر و هم با آقای حکمتیار، ما گفتیم راه میدان شهر باز شود؛ چون در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد و اسلام‌آباد باز بودن راه‌ها توسط همهٔ رهبران جهادی تأیید شده، یکی از این راه‌ها میدان شهر است که مدت یک‌سال گذشته بسته بود و ما مشکلاتی زیادی داریم،

اسرایی که این‌ها از اقشار افراد غیرنظامی را گرفته، نزدیک به شش‌صد نفر، این‌ها آزاد شوند که ما تحت فشار هستیم، دچار مشکلات در بین مردم خودیم، مردم ما از مرده و زندهٔ اسیران‌شان اطلاع ندارند، دیگر مردم مهاجری‌که از افشار مهاجر شدند رفتند به مزار، این‌ها سرخانه و جای‌شان برگردند و اطمینان کنند که دوباره مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرند. ما پیشنهاد کردیم در این‌جا نیروی حزب اسلامی در منطقه حائل باشند هم مردمی که متعلق به اتحاد اسلامی است، در این منطقه به خاطر جمع آمده می‌تواند و هم مردم ما که همسویی با اتحاد نداریم می‌تواند برگردد، این مسائلی بود که ما مطرح کردیم، هم در کمیسیونی که دایر شده بود بین ما و اتحاد اسلامی، هم به رهبری حزب اسلامی و نمایندهٔ خاص که آقای سیاف فرستاده بود، گفتیم حال هم اگر این مسأله عملی شود، ما مطمئن هستیم که دیگر جنگ پیش نمی‌آید و این آتش‌بس رعایت می‌شود.

تا حالا این سه تا مسائل قبول نشده و مرتب در این منطقه هاوان و سکر می‌آیند، در دشت‌برچی، قلعه شاده، کارته سه و چهار مرتب شهید و زخمی داریم که از آن طرف سلاح ثقیله می‌آید. خواهی نخواهی از این طرف هم جواب داده می‌شود، که آن طرف هم همین مشکل را دارد. تقاضای ما همین است که طرفدار جنگ نبودیم و نیستیم، طرفدار حل مسأله هستیم. برادران این مشکلات را حل بکنند تا این جنگ قطع شود و مردم از این تکلیف خلاص شوند.

سؤال: استاد! بفرمایید، اولا که اتحاد پذیرفت که نیروهای حزب اسلامی نیروی حائل باشند بین شما و دوما در این جنگ که شما فرمودید نیروهای حرکت اسلامی آقای محسنی علیه شما می‌جنگیدند یا نه؟

جواب: نیروهای حرکت اسلامی علیه ما در جنگ شرکت نکردند، منتهی در این مدت، بعد از جنگ سوم، منطقهٔ حوزهٔ پنج در دست ما بود، که به عنوان نیروی حائل، ما این را به سه چهار گروه تحویل دادیم، همان روز هم بنا بر این بود که ساکنین این منطقه در این منطقه بیایند، با خیال راحت بتوانند زنگی کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت اسلامی، جمعیت اسلامی و محاذ ملی اسلامی، این‌ها این منطقه، که در دست شورای‌نظار و اتحاد اسلامی است، این منطقهٔ حوزهٔ پنج را به جنگ نگرفته، ما این‌ها را به هیأت حائل تسلیم کردیم و این‌ها تحویل داد به نیروهای اتحاد.

سؤال: استاد محترم طوری‌که قراردادها و توافقات قبلی در اثنای برخوردهای نظامی با خطر مواجه شده‌اند، اینک متأسفانه می‌بینیم که یک سلسله حرکاتی به راه افتاده که معاهدهٔ جلال‌آباد

و پروسهٔ تطبیق آن را به خطرات شدید مواجه گردانیده، آیا این مسأله، بالاخره ثابت نخواهد کرد که اصلا قضیه باید بین نیروهای طرف‌هایی که نیروی نظامی تعیین کننده دارند، باید مسائل افغانستان را حل‌وفصل کنند؟

جواب: این یک مسأله‌ای است، ما این طرح را یک وقت به آقای ربانی دادیم و مسألهٔ اصلی در افغانستان فعلا همین مسأله است که واقعیت‌های اجتماعی و خارجی در داخل افغانستان باید در نظر گرفته شوند و نیروهایی که از نظر نظامی نقش تعیین‌کننده دارند و مردم زیادی را دنبال خود دارند، این یک واقعیت است که در نظر گرفته شوند. در دوران انقلاب و بعد از انقلاب که متأسفانه این مسأله را کم در نظر گرفتند. این باید در نظر گرفته شود و رعایت حقوق‌شان شود که حق طبیعی‌شان است. ما یک وقت به آقای ربانی پیشنهاد کردیم که در کابل فعلا آن‌که نقش تعیین‌کننده را دارد، چهار تا جریان نظامی هستند. این‌ها بنشینند، طرح امنیت و طرح یک حکومت را بریزند؟ برای دیگران هم به قدر توانایی نظامی و مردمی سهم قائل شوند. ما طرفدار حذف هیچ جریان در افغانستان نیستیم. آقای ربانی هم این را امضاء داد، آقای حکمتیار هم این مسأله را قبول کرد و جنبش هم قبول کرد. دوباره این مسأله از طرف آقای ربانی نقض گردید. امروز می‌فهمیم که از طرف آقای ربانی نبوده؛ ولی از طرف شورای‌نظار نقض شده، چون که آقای ربانی اختیاری نداشته، ما حالا هم راه‌حل همین را می‌دانیم که باید آن کسانی که از نگاه نظامی حضور تعیین‌کننده دارند، این‌ها یک طرح با توافق هم بریزند. برای امنیت، صلح، ثبات و باز بودن راه‌ها و از دیگران را هم بر طبق توان نظامی و طبق آن مردمی که به دنبال‌شان حرکت می‌کنند، برای‌شان سهمی بدهند. این یک راه عادلانه منطبق با واقعیت‌های خارجی است. از سوی دیگر وقتی هرکسی که بیاید و کسی را حذف کند، کسی را نادیده بگیرد، توان نظامی‌اش را در نظر نگیرد، این راه‌حل‌ها راه‌حل ناقص‌اند، راه‌حل جامع نیست؛ لهذا از این جهت پایدار نیستند و دوام پیدا نمی‌کنند و شکستانده می‌شوند.

سؤال: استاد محترم اکثرا فکر می‌شود که جنبش‌ملی اسلامی شمال به خاطر تثبیت حقوق سیاسی خود، به مزاحمت دست نمی‌زند؛ بلکه آن‌ها تلاش دارند، به‌طور مجموعی و کلی پروسهٔ صلح میان نیروهای سیاسی سبوتاژ شود و در عقب این، یک سلسله تحرکات خارجی وجود دارند، شما چه فکر می‌کنید که اگر به آن‌ها حقوق مناسب در کابینه داده شود، آن‌ها دست از اخلال و مزاحمت برمی‌دارند؟

استاد مزاری: در این رابطه، ما الآن در مسأله افغانستان دخالت‌های خارجی را نفی نمی‌کنیم، امکان دارد دخالت‌های خارجی وجود داشته باشند؛ ولی آنانی‌که باعث بی‌ثباتی و عدم صلح و عدم تحقق یک دولت شده‌اند، بیشتر موانع داخل افغانستانند؛ لهذا به اعتقاد ما در رابطه با جنبش یک مقدار در توافق‌نامه‌های پیش آمدهٔ رهبران جهادی واقعیت‌های خارجی افغانستان نادیده گرفته شده است. در اسلام‌آباد پاکستان از این‌ها دعوت کرده و در جلسه این‌ها را نگذاشته، که این خلاف انتظار بود و خلاف شرایط افغانستان، نه تنها این‌ها در شمال نیرومند هستند، مردم زیادی در کابل هم دارند که عملا این‌جا می‌توانند اخلال بکنند. کسانی که می‌خواهند بعد از پیروزی و بعد از مشکلات زیاد جمع شوند که حل مسأله افغانستان را بکنند، باید طرف‌های درگیر و طرف‌های ذیدخل را مراعات‌شان را بکنند که در این‌جا مراعات این‌ها نشده و باز هم جلسهٔ جلال‌آباد که پیش آمد، به عنوان نیرویی که در کابل حضور داشتند، باز هم متأسفانه در این‌جا این مسأله رعایت نشد، با این‌که حزب وحدت این مسأله را مطرح کرد. حزب اسلامی این مسأله را پذیرفت. از طرف آقای مجددی هم این مسأله تأیید شد. باقی رهبران مخالفت کردند، با واقعیت‌ها با شرایط عینی جامعه برخورد نکردند؛ یعنی وقتی‌که آن‌جا توافق‌نامه امضاء کردند، الآن بیش از یک ماه می‌شود دیگر این‌ها در افغانستان تشریف ندارند. وقتی‌که تشریف ندارند، موانع و مشکلات مردم افغانستان را درک نمی‌کنند؛ لهذا به سادگی آن‌جا می‌توانند فیصله بکنند که این‌ها نیروهای جهادی نیستند، نباشند؛ ولی وقتی‌که می‌آیند در آن‌جا مشکلات است برای مردم، دچار موانع می‌شوند، آن‌ها را در نظر نمی‌گیرند، ما معتقدیم که برای یک راه‌حل جامع که همهٔ جوانب مسأله در آن ذیدخل باشند، به معنای عامش این است که کل مردم افغانستان در این سرنوشت آینده‌اش تصمیم بگیرند؛ چه آن‌که به شکل نیروهای جهادی است و چه آن‌که به عنوان مجموعهٔ سیاسی- نظامی است. این‌ها دخیل باشند و مشکلات کشور بدون آن‌ها حل نمی‌شوند؛ لهذا امکان دارد مسأله دخالت‌های خارجی هم باشد؛ ولی بهانهٔ خوبی هم در این‌جا خود رهبران داده و دنبال حل مسأله نرفته تا حالا هم دنبال حل مسأله نیستند، مشکل مسأله هم در این‌جا است که این‌ها اعتنایی به مشکل کابل و مردم افغانستان نمی‌کنند، آن‌جا تنها امضاء می‌کنند، می‌روند خارج به خیر، دیگر جنگ می‌شود، صلح نیست، ثبات نیست، برای مردم ما کار پیدا نمی‌شود. دچار مشکلات اقتصادی‌اند. در فکر این مسائل نیستند. باید با واقعیت برخورد بکنند. بیایند بنشینند، انحصارطلبی نکنند، زمینه فراهم بکنند، انتخابات عمومی دایر شود که مردم سرنوشت

خود را تعیین بکنند. تمام این گرفتاری‌ها رفع شوند. تا وقتی‌که زمینهٔ انتخابات عمومی نیامده، باید تمام جوانب ذیدخل در حل مسأله افغانستان و برای برقراری امنیت دخیل باشند.

سؤال: استاد محترم در رابطه به جنرال دوستم شنیده می‌شود که پنج روز قبل آن‌ها سفری کردند، به ایالات متحدهٔ آمریکا، به نظر شما این سفر به چه منظور صورت گرفته باشد و کلا این‌که حکومت آمریکا از یک فردی که به هر صورت یک فرد نظامی است بیشتر از او دعوت می‌کند، بدون آن‌که حکومت مرکزی در جریان باشد، این مسأله مداخله در امور افغانستان تلقی می‌شود یا نه؟ دیگر این‌که کلا دعوت از یک فردی که نظامی است، خلاف عرف دیپلوماتیک است یا نه؟

استاد مزاری: در این رابطه، از این‌که حال حکومت آمریکا از این‌ها دعوت کرده و رفتند، معتقدم که بستگی به این کشورها دارد و خود کسی که دعوت می‌شود رفته است و شاید اول کشور آمریکا نبوده که از دوستم دعوت کرده است، قبل از این پاکستان، سعودی، ترکیه، ازبکستان، تاجیکستان و... مرتب از دوستم دعوت کرده‌اند؛ اما در رابطه به این مسأله که باید با اجازهٔ حکومت مرکزی باشد، متأسفانه ما معتقدیم که حکومتی در افغانستان برقرار نشده است که این حکومت مرکزی اداره کننده باشد و روابط برقرار بکند. چون شاهد یک مسأله را امروز شما بودید که هیأت کابینه را در منطقهٔ پلچرخی شورای نظامی خلع سلاح کردند و با وساطت آقای ربانی رها شدند؛ یعنی وقتی‌که در این کشور حکومتی نباشد، نمی‌شود از کشورهای همسایه یا جهان گله کرد که شما رعایت حکومت مرکزی را نکردید. در این‌جا حکومت مرکزی افغانستان برقرار نشده تا از دیگران بخواهیم که سنت دیپلماتیکش را رعایت بکنند.

سؤال: استاد محترم در این رابطه باز هم ما دیروز خبری داشتیم مبنی بر این‌که افراد فرقهٔ پنجاه‌وسه در مرکز ولایت بلخ، یعنی شهر مزارشریف، سر جمعیت اسلامی حمله کردند، باز امروز خبرهایی شنیدیم که افراد فرقهٔ پنجاه‌وسه در باغ بابر با افراد حزب اسلامی درگیری داشتند، به نظر شما اگر جنگی در بگیرد بین حزب اسلامی و فرقهٔ پنجاه‌وسه در آن جنگ شورای‌نظار و حزب وحدت اسلامی چه موقفی خواهند داشت؟

استاد مزاری: البته معتقدم که جنگ راه‌حل نیست، باید با تفاهم، مذاکره و هم‌سویی مشکل را حل کرد؛ اما وقتی‌که حکومت مرکزی برقرار نشد، ارتباط با ولایت محکم نشد، حکومتی به وجود نیامد، مردم چون مسلح‌اند، این یک امر طبیعی است که در همه جا این اصطکاک‌ها پیش آیند. بعضی وقت‌ها است که در بین دو تا متحد مثلا این اصطکاک پیش آمده و پیش می‌آید، حال

این‌جا اگر که جنبش- اسلامی هم‌سویی داشته باشد با شورای‌نظار، ما هفتهٔ قبل شاهد بودیم که در سمنگان بین این‌ها جنگ خونین بود و تا حالا هم حل نشد یا مثلا باز هم در بغلان جنگ داشتند، فعلا در سنگ‌چارک جنگ دارند، با این‌که در کابل مدعی‌اند که این‌جا هم‌سو هستند و هم‌سو عمل می‌کنند. اصل مسأله در این است که با تفاهم، با مذاکره بر یک راه‌حل اصولی همه توافق بکنند و مشکل را حل بکنند. جنگ راه‌حل نیست و هیچ وقت مشکل افغانستان با جنگ حل نمی‌شود.

سؤال: استاد محترم اگر احیانا بین حزب اسلامی و نیروی جنرال دوستم جنگی صورت بگیرد و یک سلسله اتهامات شنیده می‌شود که حداقل بین دوستم و مسعود به این حد توافق شده که در برابر معاهدهٔ اسلام‌آباد مشترکا ایستاده شوند و چون هردوی‌شان از نظر انداخته شده در این معاهده و این را سبوتاژ کنند و در این صورت یک جنگ واقعی می‌شود، موضع‌گیری حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما در این رابطه خدمت‌تان همان‌طوری‌که قبلا عرض کردیم جنگ راه‌حل نیست، چه با هم‌سویی جنبش و شورای‌نظار باشد یا همگانی باشد، مسأله افغانستان با جنگ حل نمی‌شود؛ اما از خاطر درگیری که جنبش ملی اسلامی به وجود آورده، پایانش در همین دو سه روز است؛ ولی ما الآن بیش از یک ماه است که در این‌جا هم با شورای‌نظار و هم با اتحاد اسلامی مرتب درگیریم، یا شب یا روز به‌طور اوسط سه ساعت یا چهار ساعت در این‌جا درگیری می‌شود. این درگیری‌ها مشکل دائمی شهر کابل شده‌اند و با این‌که این زمان را هیچ رسانهٔ گروهی در خارج منعکس نمی‌کند که در کابل جنگ است؛ ولی اگر حساب بکنیم سه و چهار ساعت درگیری و بیست تا بیست‌وپنج نفر زخمی و شهید دادن از یک طرف که در آن طرفش طبعا عین مسأله است؛ این خودش جنگ است، صلحی نیست؛ لهذا طبیعی است که حزب اسلامی با حزب وحدت متحد است، دفاع مشترک دارد، از همدیگر دفاع می‌کنند وقتی‌که مورد تعرض قرار بگیرند؛ ولی جنگ را راه‌حل نمی‌داند و باید با تفاهم مشکل حل شود و باورم هم نمی‌آید که آقای مسعود بتواند با جنبش تفاهم بکند، برای این‌که این‌ها مرتب درگیرند. هم در مزار شریف درگیرند هم در جوزجان و هم در سمنگان درگیرند، هم یک و دو هفته پیش در منطقهٔ فراه و هیرمند درگیر بودند. با این‌که این‌ها تعهد کرده‌اند که نمی‌جنگند؛ ولی وقتی که یک حکومت مرکزی به جود نیامد، دیگر صلح نیست، ثبات نیست. اختیار در دست تنظیم‌ها نیست،

هر قوماندان می‌توانند در هر جای درگیری و ناآرامی به وجود بیاورند، این یک چیزی طبیعی شده است، الآن در افغانستان طرح ما همان است که با تفاهم هم، همه بنشینند واقعیت‌های اجتماعی افغانستان را در نظر بگیرند، توانایی احزاب را در نظر بگیرند؛ یعنی انحصارطلبی نکنند، کسی را نخواهند حذف کنند؛ چون کسی که چهارده سال مبارزه کرده، روس را شکست داده و این افتخار تاریخی را کسب کرده، او را نمی‌شود الآن حذف کرد، مردم دنبالش است. حذف سیاسی گروه راه‌حل نیست.

سؤال: مزاری صاحب! شما به حیث یک رهبر ملی‌ای که مردم کشور ما روزبه‌روز در اثر استقامت و موضع‌گیری‌های قاطعانهٔ شما و با پرنسیب‌هایی که در مورد توجه به مردم، عمل می‌کنید و زیادتر مردم بالای موضع و حرف‌تان حساب می‌کنند، به‌طور مشخص چه می‌گویید که آیا در معاهدهٔ جلال‌آباد تعدیلاتی صورت بگیرد و یا به خاطر تفریق این معاهده راه و روش‌های دیگری پیشنهاد می‌کنید که باید تطبیق شود؟

استاد مزاری: در رابطه با معاهدهٔ جلال‌آباد ما از خاطر صلح و امنیت که خواست قاطبهٔ مردم افغانستان و مخصوصا مردم کابل است، این معاهده را با ملاحظاتی هم که داشتیم، قبول کردیم و پایش امضاء کردیم. ملاحظات، در آن‌جا همین دو چیز بود: یکی مسأله جنبش که یک واقعیت است که در آن‌جا برایش سهم قائل نشده بود که اگر آن‌ها بیاید، حق طلب بکند که ما از مردم افغانستان هستیم و حق داریم که در کابینه سهم داشته باشیم، این را هیچ کس انکار نمی‌تواند و حق طبیعی‌شان است، باید برای‌شان حق داده شود، یکی هم در آن‌جا مراعات گروه‌ها طبق نیروی نظامی‌اش، توان نظامی‌اش و مردمی که دنبال‌شان هستند، رعایت نشده است، این دو تا نقص را توافق‌نامهٔ جلال‌آباد و هم اسلام‌آباد داشت، اگر کسی برای خراب‌کاری غیر از راه مذاکره بایستد که این حق را نخواهد و این را ترمیم نکنند، بعد مسأله افغانستان حلش مشکل می‌شود، برای این‌که در این‌جا اکثریت قاطع رهبران و تنظیم‌ها رفته پایش امضاء کرده، حال اگر آقای ربانی اختیار نداشته، آقای مسعود باید راه‌حلش را بسازد. از جنبش هم بیاید مذاکره بکند، به عنوان یک تنظیم، دو تا وزارت‌خانه می‌خواهند، این با تفاهم حل می‌شود.

سؤال: استاد محترم شنیده شده که آقای علاءالدین بروجردی، معاون وزارت امور خارجهٔ ایران در امور اقیانوسیه و آسیا در کابل به سر می‌برند، آن‌ها تلاش زیادی دارند که ملاقات بین شما و استاد ربانی صورت بگیرد که این پیشنهاد یا تلاش آن‌ها مورد استقبال سطح رهبری حزب

وحدت اسلامی قرار نگرفته، از طرف دیگر شنیده‌ایم که دولت شدید به ایران اعتراض کرد، و او را به دلیل حمایت از حزب وحدت متهم به مداخاله در امور افغانستان کرده است، شما بفرمایید که اولا مسأله ملاقات شما با ربانی به چه ترتیب بوده است، و ثانیا بفرمایید که حمایت ایران از حزب وحدت در چه حد و پیمانی بوده است، و به چه نوع است که آیا این حمایت متأخر است؟ و یک پدیدهٔ متأخر و جدید است یا قبلا هم حمایت می‌کرد از موقف حزب وحدت؟ و اگر سؤال من این طور می‌شد که کلا ایران در رابطه به جریانات افغانستان فعلا چه موقفی دارد؟

استاد مزاری: ایران البته هیأت‌های متعددی در ایام یک‌سال فرستادند، هم راه‌حلی که برای مشکل افغانستان مطرح شده، آن‌ها استقبال کردند، در اسلام‌آباد شرکت کردند. آن‌ها می‌خواهند در همسایگی خود یک دولت قانونی و با ثبات داشته باشند. البته در رابطه با ملاقات ما با آقای ربانی مطرح نبوده است؛ چون همین مسأله که در طول یک‌سال عمل شده در داخل افغانستان، خارج هم تا حدی این مسأله را درک کرده که زیاد تصمیم گیرنده جناب آقای ربانی نیست. آن‌ها با تقاضای شورای‌نظار میانجی شده بودند که ملاقاتی بین ما و آقای مسعود تحقق پیدا بکند. بیشتر برای تحکیم آتش‌بس و تبادل اسرا یک توافق‌نامهٔ هشت ماده‌ای که قبلا امضاء کرده بودیم که عمل نشده بود، روی آن مسأله پا فشاری داشت. ما این مسأله را قبول کردیم و گفتیم اشکال ندارد، این توافق‌نامه عمل شود، ما از ملاقات استقبال می‌کنیم، منتها از خاطری که در کابل وضعیت جنگی بود، از نگاه جایش توافق نشد. جای امن که امنیت باشد، دو طرف بنشینند این در بررسی‌هایی که پیش آمد متخصصین و کارشناسان امنیت نظر ندادند این ملاقات انجام نگرفت و منجر شد که یک کمیسیون تشکیل بدهیم، برای تحکیم آتش‌بس و تبادل اسرا با همین اکتفا شد و آن‌ها هم رفتند.

ما معتقدیم که حزب وحدت اسلامی رابطهٔ خاص با ایران ندارد. مثل باقی نیروهای جهادی که مهاجر دارند و دفترهای سیاسی داشته در خارج، همهٔ احزاب داشته و حزب وحدت هم داشت. پیش از پیروزی انقلاب حزب وحدت یک خصوصیت داشت که دفتر مرکزی و شورای مرکزی‌اش در داخل افغانستان بود. از اول تشکیلش در این‌جا بود؛ لهذا ما از نگاهی که کسی کمک بکند برای صلح و ثبات و یک حکومت پایدار در افغانستان از این مسأله استقبال می‌کنیم و هرکس که این حرف خیر را بزند و مداخله در امور داخلی را به هیچ کس و هیچ کشوری نمی‌دهیم؛ چنان‌چه یک ویژگی خاص مردم افغانستان دارند که ضد مداخلهٔ خارجی بوده‌اند و

در این مورد متحدند، لهذا از این جهت این‌ها یک تلاش اسلامی و همسایه‌داری کردند، ما از این تلاش‌شان تشکر می‌کنیم و این را حرف خیری می‌دانستیم و جواب مثبتی دادیم؛ اما از خاطر شرایط ناامنیتی افغانستان تحقق پیدا نکرد.

سؤال: استاد محترم! من این طور استنباط کردم که ایران فعلا در رابطه با افغانستان از یک سیاست مبتنی بر واقعیت‌های موجود در افغانستان پیروی می‌کند، استنباط من درست است؟

استاد مزاری: والله خودشان هم همین مسأله را می‌گویند که ما با واقعیت‌های افغانستان از دیگران کرده آشناییم و دعوت می‌کنند از همه که با تفاهم مسأله را حل بکنید و هر روزی که یک حکومت قانونی با ثبات در این‌جا بیاید، هم به نفع افغانستان است و هم به نفع ایران. از این مسأله حمایت می‌کنند، متأسفانه حالا یک‌سری موانع و مشکلات در داخل افغانستان است و آن خودخواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها در این‌جا مانع خواست مردم افغانستان و همسایه‌های افغانستان است.

سؤال: محترم مزاری صاحب! موضع‌گیری‌های شما در رابطه با قضایای کشور در چند ماه اخیر تا جایی که من فکر می‌کنم دو مسأله را به اثبات رسانده، یکی چگونگی تعلقات شما به ایران که زیاد در این مورد تبلیغات می‌شد و موضع‌گیری‌های‌تان اصالت و استقلالیت شما را زیاد تثبیت کرده و دوم این‌که موضع‌گیری‌های شما مؤثر واقع شده است و در جهت از بین بردن بعضی تفرقه‌های نژادی و مذهبی و از این قبیل مسائل نقش مهم بیشتر به شخص شما در حلقات منسوب می‌شود، آیا شما به این اعتراض موافق هستید که حزب وحدت در گذشته کمتر به این نقش توجه داشته است؟

استاد مزاری: حضور شما عرض شود که نگاه حزب وحدت از بدو تشکیلش روی واقعیت‌های افغانستان مبتنی بوده و روی آن واقعیت‌ها تشکیل شده است؛ لهذا در داخل افغانستان تشکیل شد و در خارج هستهٔ این وحدت ریخته نشد، در داخل و در بامیان، بعد از آزادی که بامیان بعد از پنجا و چند روز محاصره، آزاد شد، آن‌جا تشکیل شده است؛ بلکه بسیاری گروه‌های جهادی ما که در خارج بودند، یک باور دیگری از ما داشتند و با ما مخالفت می‌کردند و کشورهای همسایهٔ ما هم مخالفت می‌کردند، از روز تأسیس حزب وحدت، کشوری که با این مسأله مخالف بوده و مخالفت می‌کرد و یک‌سال طول کشید تا ما نمایندگی‌های حزب وحدت را در خارج به وجود آورده بتوانیم یکی آن ایران بود. خلاف برداشت همه، ایران با این مسأله موافق نبوده؛ چون

در داخل تشکیل شده بود و مبتنی بود با خواسته‌های مردم‌شان و ارادهٔ مردم‌شان، هرکس که از حزب وحدت یک تفسیر خاص داشت، گروه‌های جهادی هم در این مسأله به حد توان مخالفت داشتند؛ ولی سیاست حزب وحدت چون مبتنی بر واقعیت‌ها و مبتنی بر خواست مردمش بود، از آن روز که تشکیل شد تا امروز موفق بوده، ما از آن روز معتقد بودیم که مشکل افغانستان باید در داخل حل شود و خارج راه‌حل نیست؛ لهذا اول که حزب وحدت در بامیان تشکیل شد، ده تا هیأت فرستادیم در ولایات مختلف، با قوماندان‌های مختلف مذاکره داشتیم، از آن روز ما حل مسأله افغانستان را در داخل افغانستان می‌دانستیم، و تضادهایی که در این‌جا به وجود آمده بودند، من معتقدم که یک طرح استعماری و یک طرح استکباری بوده که تضادهای نژادی و حلقه‌های بنیادگرایی و تندروی را در افغانستان تحمیل کرده بود و در این‌جا به اوجش رسید. آمریکا و روسیه، من معتقدم در این طرح دست داشتند، می‌خواستند حکومت دست‌نشاندهٔ شوروی که از این‌جا رفت، این‌ها در داخل افغانستان حفظ شوند، دچار یک فرار و یک مهاجرت عمومی در خارج نشوند و اهداف دیگری که دنبال این مسأله هستند؛ لهذا در این راستا مسأله نژادی را آن‌قدر بالا برده بودند که افغانستان به سوی یک فاجعه پیش می‌رفت؛ یعنی در افغانستان ملیت‌های مختلفی ساکن هستند و سال‌ها این‌جا زندگی کردند و بودند مثل برادر از این خاک دفاع کردند، آنان این‌جا را خانهٔ مشترک‌شان می‌دانستند و چهارده سال هم اثبات کردند که این مردم در بین خودشان خصومت ندارند؛ ولی متأسفانه بعد از پیروزی آن‌چنان فاجعه و خصومت در این‌جا بالا کشیده شدند که تضادهای مختلفی در جامعه حاکم شدند.

هزاره‌ها شدید مخالف بود با پشتون، پشتون با هزاره، پشتون با ازبک، تاجیک با پشتون‌ها به عنوان فارسی زبان و این فاجعه برای انقلاب و مردم افغانستان بود، مسأله بنیادگرایی و تندروی فاجعهٔ دیگری بود که دامن زده می‌شد؛ ولی بحمدالله با اقداماتی این مسأله امروز در افغانستان هیچ کدام‌شان برای کسی برگهٔ با ارزش نیستند، نه امروز کسی می‌تواند هزاره‌ها را تحریک بکند علیه پشتون‌ها نه کسی می‌تواند پشتون‌ها را تحریک بکند علیه هزاره‌ها، نه کسی می‌تواند ازبک‌ها را تحریک بکند علیه پشتون‌ها نه کسی می‌تواند پشتون‌ها را تحریک بکند علیه ازبک‌ها، تاجیک‌ها هم به همین قسم، نه هم می‌توانند در این‌جا امروز بگویند که میانه‌رو و تندرو، چون مردم افغانستان را نشناخته، مردم افغانستان خواست قاطبهٔ‌شان حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی برای مردم افغانستان یک حکومت صددرصد ملی تلقی می‌شود. وقتی‌که این مسأله است، مردم اسلام

را می‌خواهند، دیگر در این‌جا در دنیا میانه‌رو و غیرمیانه‌رو، تندرو و اسلام بخواه و غیراسلام بخواه درست می‌کنند؛ لهذا در این‌جا این تضادها از بین رفتند و این مسأله را ما نقطهٔ امیدی می‌دانیم برای افغانستان که این تضادها به نفع مردم افغانستان نبوده و استعمار مطرح کرده بود و یک‌سری افراد سودجو و فرصت‌طلب می‌خواستند از این تضادها به نفع‌شان استفاده بکنند، دامن بزنند. ما معتقدیم که این مسأله ناشناسی از مردم افغانستان و از شرایط افغانستان است که الحمدلله این مسأله را ما یک موفقیت بزرگ به‌حساب می‌آوریم که ما این تضادها را از بین بردیم و می‌بریم و باز مردم افغانستان به عنوان احساس برادری و خانهٔ مشترک با هم‌دیگر فکر می‌کنند، همه طرفدار این است که یک صلح و ثباتی، یک حکومت با ثباتی در افغانستان برقرار گردد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۱۲-۲۱۴، ۴-۵-۶-۱۳۷۲/۴/۷.

(۵۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس

دوشنبه ۱۳۷۲/۴/۷

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس به سؤالات آنان در مورد اعلامیهٔ پخش شده به نام هیأت صلح و نقش آتش‌بس، ورود حکمتیار به کابل، جمع‌آوری سلاح‌های ثقیله و... پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که شما دربارهٔ اعلامیهٔ پخش شده از سوی هیأت صلح چه نظر دارید؟ گفت: اعلامیه‌ای که به نام هیأت صلح پخش گردیده در حقیقت از طرف ریاست امنیت و جبههٔ صلح به نام هیأت صلح پخش شده و در هنگام تدوین این اعلامیه نمایندگان حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی، حرکت اسلامی، جبههٔ ملی نجات، محاذ ملی، حرکت انقلاب اسلامی و اکثر نمایندگان شورای جهادی ننگرهاری حضور نداشتند. به همین دلیل هیچ اعتبار و ارزشی ندارد.

وی در جواب به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که فیر راکت‌ها بالای شهر هنوز ادامه دارد در این باره نظر شما چه است؟ اظهار داشت: وقتی که در یک روز ۱۵۰ فیر راکت بیاید در هنگام عزاداری مردم، آنان را هدف قرار بدهند، ما هم بی‌تفاوت نمی‌توانیم بمانیم و طبیعی است که از خود دفاع می‌کنیم. وقتی که از طرف مقابل بالای ما انداخت صورت می‌گیرد، تا ده دقیقه صبر می‌کنیم و جواب نمی‌دهیم و با بی‌سیم تماس می‌گیریم که از طرف شما فیر صورت می‌گیرد، خاموش کنید! ولی هنگامی که دیدیم آن‌ها بی‌تفاوت می‌مانند، ما مجبور هستیم که از مردم خود دفاع کنیم و وقتی که چند مرمی در خیرخانه مواضع آنان را هدف قرار داد، آن وقت آن منطقه، آنان را تحت فشار قرار می‌دهند که شما از این‌جا فیر می‌کنید و آن‌ها مجبور می‌شوند که جواب بدهند و آن‌ها قطع می‌کنند.

استاد مزاری در جواب این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که آیا امنیت آن‌قدر خوب هست که حکمتیار بتواند در کابل بیاید؟ گفت: این مسأله بستگی به اعمال مسعود و آقای حکمتیار دارد؛

چون همهٔ احزاب توافق کردند که حکمتیار به کابل بیاید؛ ولی وزرای کابینه از سوی شورای‌نظار راهگیری شده و توقیف گردیدند؛ لهذا اگر شورای‌نظار دست از این‌گونه اعمال بردارد، امنیت به کابل برخواهد گشت و زمینهٔ تمامی فعالیت‌ها فراهم خواهد شد.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که شما راجع به یک صلح دائمی در افغانستان چه‌قدر امیدوارید؟ گفت: این مربوط به توافق گروه‌ها است که تا چه اندازه به امضاء و تعهدشان پایبند هستند.

وی ضمن بیان این مطلب که هیچ‌کس حاضر نیست سلاح‌های خود را به یک حزب تسلیم کند، در پاسخ به سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که پرسید آیا حزب وحدت حاضر است سلاح‌های ثقیل خود را تسلیم وزارت دفاع کند؟ گفت: اگر یک اردوی ملی تشکیل شود، ما حاضر هستیم سلاح‌های ثقیل خود را تسلیم اردو کنیم و کمیسیون وزارت دفاع تصویب کرده که سلاح‌های ثقیل یا در یک جا جمع شوند و یا به نقطه‌ای که کابل را تهدید نکند، منتقل شوند و ما هردوی این مسأله را قبول کردیم.

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد: این دو مصوبهٔ کمیسیون وزارت دفاع کی عملی خواهد شد؟ استاد مزاری گفت: در صورتی‌که کمیسیون وزارت دفاع را بگذارند کار کند، این پروسه شاید عملی شود و اکنون در کمیسیون وزارت دفاع نمایندهٔ حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی و جبههٔ ملی نجات شرکت ندارند، نمایندگان این سه حزب در پلچرخی توقیف شدند و محافظین آن‌ها مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته، خلع سلاح شدند و هنگامی که نمایندگان ما شرکت نداشته باشند، طبیعی است که توافقات آن‌ها عملی نمی‌شوند.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که پرسید: دولت شما را متهم می‌کند که مواد خوراکی را آلوده به زهر می‌کنید و چند نفر از برادران هزاره را هم دستگیر کرده‌اند، شما چه نظر دارید؟ گفت: این دسیسه‌ها کار شورای‌نظار و ریاست امنیت است؛ چون ما می‌خواهیم که توافقات جلال‌آباد عملی شود؛ ولی عملی شدن توافقات جلال‌آباد به ضرر شورای‌نظار است و آن‌ها می‌خواهند ناامنی ایجاد کنند تا توافقات عملی نگردند و مردم هزاره را که گرفته‌اند، طبیعی است که آن‌ها میوه‌فروشی دارند؛ ولی میوه‌ای که داخل شهر کابل می‌شود از طرف شمالی می‌آید یا از جلال‌آباد و یا از پغمان و آن‌ها مرتبا تحت فشار هستند که اعتراف کنند.

استاد مزاری ضمن بیان این نکته که مردم ما روی پای خود ایستاده‌اند و به هیچ‌کس دیگری

متکی نیستند در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که پرسید: آیا شما هراسی ندارید از این‌که حکمتیار صاحب به کابل بیاید و با ربانی همکاری کند و شما تنها بمانید؟ گفت: درست است که آقای حکمتیار متحد ما است و ربانی با ما جنگ کرده است؛ اما ما طرفدار برقراری امنیت در کابل هستیم و هر کس بیاید در کابل امنیت برقرار کند و در فکر آسایش مردم باشد، ما با او همکاری می‌کنیم و فرقی بین اشخاص قابل نیستیم. ما حقوق خود را خواهانیم و پشتیبان ما هم مردم ما است و مردم ما روی پای خود ایستاده و به هیچ‌کس دیگری متکی نیستند.

در اخیر این مصاحبه خبرنگاران بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس اظهار داشتند اگرچه ما در هنگام پخش اعلامیهٔ هیأت صلح بودیم؛ ولی چون فهمیدیم که توازن برقرار نیست، از گزارش دادن آن به خارج خودداری کردیم.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۱۵، سه‌شنبه، ۸ سرطان ۱۳۷۲.

(۵۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی

سه‌شنبه ۱۳۷۲/۴/۱۵

بعد از ظهر سه‌شنبه، استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در محل اقامت‌شان خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را به حضور پذیرفته و به سؤالات آنان در مورد سفر جنرال دوستم، روابط حزب وحدت و جنبش، نقض آتش‌بس و... پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید: آیا تصمیم دارید دوستم را ببینید؟ گفت:

«دو هیأت از ما و از آن‌ها بین ما رفت‌وآمد کرده، بنا هست که فردا بیاید و با هم ملاقات کنیم.»

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد: شما به دوستم چه طرحی را پیشنهاد خواهید کرد و آیا طرح شما در مذاکره با دوستم موفقیت‌آمیز خواهد بود؟

استاد مزاری جواب داد: «طرحی که ما بنا داریم روی آن بحث صورت بگیرد، طرح تفاهم چهارگروه قدرت‌مند کابل است و اگر این چهار جریانی که در کابل هستند و قدرت نظامی دارند با هم مفاهمه نمایند مشکل افغانستان حل خواهد شد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که پرسید هدف مسافرت دوستم به کابل چه هست؟ گفت: «دوستم به دعوت برهان‌الدین ربانی به کابل آمده است و طبق مصاحبهٔ خود وی هدف از مسافرتش تفاهم بین گروه‌ها است. فعلا شورای‌نظار می‌خواهد حل قضیهٔ کشور سه‌جانبه باشد؛ یعنی حزب وحدت اسلامی، جنبش و شورای نظار. شورای نظار، حزب اسلامی را نمی‌خواهد در این طرح باشد، از آن طرف حزب اسلامی نیز می‌خواهد شورای‌نظار نباشد و قضیه بین ما، جنبش و حزب اسلامی حل شود؛ اما ما می‌خواهیم که همه با هم مشکل افغانستان را حل کنند.»

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد: سکونت دوستم در قصر ریاست جمهوری نشانهٔ این نیست

که با شورای‌نظار نزدیک‌تر باشد؟

استاد مزاری پاسخ داد: «سکونت دوستم در قصر به خاطر این است که آن‌ها از دوستم دعوت کردند که به کابل بیاید و طبیعی است که باید جایی هم برای دوستم در نظر بگیرند.»

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که آیا درواقع دوستم چنین طرح عمومی را در نظر دارد و یا نه در پشت پرده مسائل دیگر نیز هست؟ گفت: «ظاهرش این است که می‌خواهد صلح در افغانستان بیاید و این گروه‌های چهارگانه با هم بنشینند؛ اما باطنش را نمی‌دانم.»

استاد مزاری در جواب به این سؤال خبرنگار که آیا برای حزب اسلامی مشکل به وجود نخواهد آمد، در صورتی‌که با دوستم نزدیک شوید؟ و آیا حکمتیار با دوستم ملاقات خواهد کرد؟ اظهار داشت: «ما می‌خواهیم که از این رابطه‌ای که با دو طرف داریم استفاده کنیم و رابطهٔ آن‌ها را با هم خوب کنیم و حکمتیار با دوستم نیز در همین‌جا ملاقات خواهد کرد.»

استاد مزاری ضمن بیان این مطلب که مسموم کردن مواد غذایی مردم را عمل ضد انسانی و ضد اسلامی می‌دانیم که در پاسخ به سؤال خبرنگار که پرسید عده‌ای مسموم کردن مواد غذایی را به حزب وحدت و حزب اسلامی نسبت می‌دهند، آیا این درست است؟ اظهار داشت: «عامل این کارها کسانی‌اند که مخالف عملی شدن توافق‌نامهٔ جلال‌آبادند و می‌دانند در صورت عملی شدن آن تمام خیانت‌هایی که در یک‌سال گذشته به مردم کرده‌اند، آشکار خواهند شد، به این خاطر دست به این عمل می‌زنند تا توافقات عملی نشوند.»

ولی حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی مصمم هستند توافقات جلال‌آباد عملی شوند و هرگز با ایجاد ناامنی و کارهای خلاف انسانی نمی‌خواهند، مردم بی‌گناه رنج ببینند و توافقات عملی نشوند.»

خبرنگار اظهار داشت: لیکن دولت می‌گوید مرتبا شما درگیری‌ها را آغاز می‌کنید.

استاد مزاری پاسخ داد: «ما مرتب شب و روز درگیریم و مرتبا هر روز به‌طور اوسط ده نفر شهید و زخمی داریم و ما برای این‌که دولت جنگ را شروع می‌کند دو تا دلیل داریم: روزهای محرم برای مردم ما بسیار محترم و عزیز است و این مسأله را همهٔ مردم کشور و جهان می‌داند که مردم شیعه به هیچ قیمتی نمی‌خواهند که مراسم عزاداری و مذهبی‌شان به هم بخورد؛ ولی دولت در روز هفتم محرم عزاداران را هدف قرار داد و بیش از پنجاه نفر زخمی و ده نفر شهید داشتیم. دلیل دیگر این‌که در جلسهٔ اول کابینه در دارالامان ما امنیت وزرا را به بهترین وجه

گرفتیم و آن‌ها بدون هیچ مشکلی از مناطق ما عبور و مرور کردند؛ اما در جلسهٔ دوم که وزرا خواستند بیایند، شورای‌نظار از راه گردنهٔ باغ‌بالا و دهمزنگ ممانعت به وجود آورد. وقتی وزرا طرف پلچرخی رفتند آن‌ها را توقیف کرده و محافظین‌شان را خلع سلاح کرده و موجب هتک حرمت آنان را فراهم آورد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۲۱، چهارشنبه ۱۳۷۲/۴/۱۶.

(۵۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با سوزی پرایس، خبرنگار بی‌بی‌سی

۱۳۷۲/۴/۱۵

سوزی پرایس: دربارهٔ ملاقات جنرال دوستم و مشکلات حزب وحدت اسلامی با جمعیت اسلامی از استاد مزاری سؤال کرد.

استاد مزاری در جواب گفت: «در این رابطه قبلا جمعیت، پیشنهاد کرده بود که با مشکلاتی که بین ما و جمعیت است در راستای توافق نامه‌های قبلی که آزادی اسرا، تردد، باز بودن راه‌ها و برگشت مهاجرین و این‌ها است، ما توافق‌نامهٔ هشت ماده‌ای داشتیم کمیسیونی را هم تشکیل داده بودیم که این مسأله حل شود. در این راستا تا حالا از طرف جنبش چیزی گفته نشده است، فقط جنرال صاحب دوستم در مصاحبه‌اش گفته که من این میانجیگری را می‌کنم و این تفاهم را، ما از این مسأله خوشبینیم و آماده هستیم که هرکسی برای صلح و ثبات گامی بر دارد و دست دراز بکند، ما آن دست را فشار می‌دهیم و از این مسأله استقبال می‌کنیم، هرکسی باشد که کمک بکند به صلح و ثبات و رفع معضلات، ما از او استقبال می‌کنیم.»

استاد مزاری ادامه داد: «نفرهای او می‌توانند به آشتی دادن دشمنان سابق یعنی جنرال دوستم، حزب اسلامی نقش داشته باشند، همه گروه‌ها خواهان انعطاف قابل ملاحظهٔ جنرال دوستم هستند و این موقعیت جنرال دوستم را برای برقراری صلح که هدف او است، بالا می‌برد.»

استاد مزاری در ادامه گفت: «پنج نفر در منطقهٔ جنوب غربی شهر، در دشت‌برچی کشته و ده نفر زخمی شده‌اند.»

استاد مزاری ادامه داد: «جنرال دوستم سعی دارد روابط میان احمدشاه مسعود وزیر دفاع پیشین با حزب وحدت اسلامی بهبود یابد.»[۱]

---

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ص ۲۷۲، ۱۳۷۹.

(۵۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس

چهارشنبه ۱۳۷۲/۴/۱۶

بعد از ظهر چهارشنبه، استاد مزاری پس از ملاقات با جنرال دوستم، خبرنگار فرانس‌پرس را به حضور پذیرفته و به سؤالات وی در مورد ملاقاتش با جنرال دوستم و مسائل مختلف پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که پرسید در ملاقات با دوستم روی چه موضوعاتی بحث صورت گرفت؟ گفت: «در مذاکرات مسألهٔ مهمی که مورد بحث قرار گرفت، فراهم کردن زمینهٔ صلح و امنیت در کشور بود و مذاکرات طرف‌هایی که نقش تعیین‌کننده در کشور دارند، مورد تأکید قرار گرفت.»

خبرنگار سؤال کرد که آتشباری دیروز را در هنگام مذاکره چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و آیا ممکن است برای تخریب مذاکرات باشد؟

استاد مزاری جواب داد: «این مسأله یک چیز معمولی است و نیروهای آن‌ها چون با نیروهای ما نزدیک هستند، گرچه فکر نمی‌کنم که این آتشباری‌ها برای تخریب مذاکرات از سوی مقامات بالای شورای‌نظار باشد؛ اما گروه‌هایی در شورای‌نظار وجود دارند که تحت قوماندهٔ آن‌ها نیستند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید آیا جنرال دوستم تلاش نکرد که شما را از حزب اسلامی جدا کند؟ گفت: «نه! بلکه از ما خواست تا زمینهٔ نشست او را با حکمتیار فراهم کنیم، تا یک آرامش و صلح همه‌جانبه به وجود بیاید.»

خبرنگار فرانس‌پرس پرسید که شما چه‌قدر راجع به یک صلح دائمی امیدوار هستید؟

استاد مزاری جواب داد: «اگر طرحی را که ما یک سال قبل داده بودیم و فعلا هم روی این مسأله کار می‌شود، عملی گردد و چهار گروه قدرت‌مند موجود در کشور بنشینند و با تفاهم آتش‌بس را اعلان کنند، در آن صورت صلح برقرار خواهد شد و برای اجرای این طرح قرار بر این شد تا جنرال دوستم شورای‌نظار را حاضر به این مسأله کند و ما هم از حزب اسلامی می‌خواهیم که برای استقرار صلح دائمی در کشور این طرح را قبول کنند.»

استاد مزاری با ذکر این مطلب که جنبش ملی اسلامی توافقات جلال‌آباد و کابینه را قبول دارد،

در پاسخ خبرنگار که پرسید از عبور وزرای کابینه از مقابل باغ‌وحش چندی پیش توسط نیروهای جنبش جلوگیری شده بود، آیا این به معنی مخالفت با کابینه نیست؟ اظهار داشت: «دوستم به ما گفت که خواستار دو پست در کابینه برای جنبش هستیم و قبلا با حکمتیار فیصله کرده بودیم که دو پست باید به جنبش داده شود و او هم قبول کرد و ما به دوستم گفتیم که مسأله شما را با حکمتیار حل کرده‌ایم و شما باید موافقت ربانی را بگیرید؛ چون در انتخاب وزرا موافقت رئیس جمهور و صدراعظم شرط است.»

خبرنگار پرسید به نظر شما چه کسی مسئول تخطی از آتش‌بس است؟

استاد مزاری پاسخ داد: «چون طبق معاهدهٔ جلال‌آباد در تشکیل کابینه، شورای‌نظار در نظر گرفته نشده است، آن‌ها به فرماندهی احمدشاه مسعود همیشه ناامنی ایجاد می‌کنند و مسعود مسئول مستقیم تخطی از آتش‌بس است.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که آیا ریاست جمهوری و دو پست دیگری که جمعیت در اختیار دارد، از شورای‌نظار محسوب نمی‌شود؟ گفت: «این پست‌ها که به جمعیت داده شده است، بالاتر از حق آنان است؛ ولی شورای‌نظار نادیده گرفته شد؛ چون نیروهای شورای‌نظار در بین جمعیت کاملا افراد مشخص و دارای اهداف خاص خودند.»[1]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۲۲، پنج‌شنبه ۱۳۷۲/۴/۱۷.

(۵۷)

مصاحبهٔ استاد عبدالعلی مزاری با حامد علمی، خبرنگار بی‌بی‌سی

۱۳۷۳/۴/۱۷

این مصاحبه که توسط خبرنگار بی‌بی‌سی با استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، در رابطه با ملاقات جنرال دوستم، صورت گرفته است که اینک از نظرتان می‌گذرد.

حامد علمی: مذاکرات شما با هیأت صلح به چه توافقی رسیده است؟

استاد مزاری: مذاکراتی با آن‌ها برای صلح و آرامش بود، توافقاتی کردیم که جنگ دیگر نشود، به کلی در کابل دیگر جنگ نشود.

حامد علمی: توافقاتی امضاء شده است؟

استاد مزاری: مذاکرات ادامه دارد، امیدوار هستیم که همه‌جانبه، مذاکرات انجام شود و مشکلات کلا حل شود.

حامد علمی: مردم فکر می‌کنند و گفته می‌شود که جنرال دوستم می‌خواهد که یک ائتلاف تازه با حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی به وجود بیاورد، صحت دارد؟

استاد مزاری: مذاکره‌ای که ما با جنرال دوستم داشتیم، برای امنیت و صلح در کابل بود و فعلا مسألهٔ ائتلاف جدیدی مطرح نیست و امیدواریم همهٔ طرف‌های درگیری تفاهم بکنند.

حامد علمی: جنرال دوستم از شما پشتیبانی می‌کنند و شما همیشه از آن‌ها حمایت کرده‌اید و در مورد شرکت دادن آن‌ها به کابینه شما تلاش کرده‌اید؟

استاد مزاری: رهبران با جنرال دوستم که در کابینه شرکت کنند، مخالفت نداشتند؛ ولی با حضور آن‌ها در جلال‌آباد از طرف عده‌ای از رهبران مخالفت شده و ما پافشاری داشتیم که برای آن‌ها سهم داده شود. آقای حکمتیار و ربانی متقاعد شدند که به آن‌ها سهم بدهند و این‌ها هم خواهان صلح و آرامش هستند.

استاد مزاری گفت: برای شرکت دادن جنرال دوستم در کابینه با رئیس جمهور و نخست‌وزیر

صحبت خواهد کرد و این تضمین مسأله را می‌کند.[۱]

۱ . منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ص ۲۷۱، ۱۳۷۹.

(۵۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی، فرانس‌پرس و تلویزیون آلمان

چهارشنبه ۱۳۷۲/۴/۲۳

قبل از ظهر روز چهارشنبه در جریان ملاقات استر جنرال عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش ملی اسلامی با استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی، وی در یک مصاحبهٔ رادیو تلویزیونی با خبرنگاران بی‌بی‌سی، فرانس‌پرس و رادیو تلویزیون آلمان شرکت کرده و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که در ملاقات شما و جنرال دوستم روی چه موضوعاتی بحث صورت گرفت، گفت: «این ملاقات در ادامهٔ دیدار هفتهٔ گذشتهٔ جنرال دوستم با ما صورت گرفت و در دیدار قبلی روی مسائل صلح، ایجاد امنیت و آرامش مذاکراتی صورت گرفت و پس از آن کمیسیونی به وجود آمد که بر آتش‌بس نظارت کند و در زمینهٔ آزادی اسرا و امنیت راه‌ها فعالیت کند. ملاقات امروز ما در ادامهٔ همان صحبت‌ها صورت گرفت.»

خبرنگار فرانس‌پرس سؤال کرد: آیا در ملاقات امروز شما راجع به ملاقات صدراعظم گلبدین حکمتیار و جنرال دوستم صحبت شد؟

استاد مزاری گفت: «بله کلیات مذاکرات را جنرال صاحب دوستم صحبت کردند و در کل مذاکرات مفید بود.»

از استاد مزاری راجع به تحویل سلاح‌های ثقیله سؤال شد، استاد مزاری اظهار داشت: «قبلا کمیسیونی برای جمع‌آوری سلاح‌های ثقیله تشکیل شده بود؛ اما چون نتوانست امنیت را برای اعضای کمیسیون برقرار کند و تعدادی از اعضای کمیسیون همراه وزرا دستگیر و خلع سلاح شدند، دیگر نتوانستند در جلسات حضور پیدا کنند، به همین منظور این جلسات ناقص بود و تا حال نتوانسته است اقداماتی انجام دهد.»

خبرنگار بی‌بی‌سی در مورد امنیت راه‌ها سؤال کرد.

استاد مزاری اظهار داشت: «در این زمینه کمیسیونی تشکیل شده و دیروز اعضای این کمیسیون

در سرویی رفته‌اند تا پایگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی سر راه‌ها را بردارند؛ ولی تا حال یک نیروی نظامی دولتی تشکیل نشده تا به این کار اقدام کند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار رادیو تلویزیون آلمان که پرسید: نقش جنرال دوستم در میان مجاهدین در شرایط فعلی چیست؟ گفت: «هرکس در شرایط فعلی اقدام به کار خیر کند و باعث ایجاد امنیت و صلح در کشور شود، مورد احترام مردم و مجاهدین دلسوز به مردم خواهد بود.»

استاد مزاری ضمن بیان این مطلب که ما جنگ را آغاز نکرده‌ایم تا شرایط برای صلح تعیین کنیم، در پاسخ به این پرسش خبرنگار آلمانی که سؤال کرد چه شرایطی برای صلح در افغانستان دارید؟ گفت: «همیشه جنگ را دیگران علیه ما آغاز کرده‌اند و ما از خود دفاع کرده‌ایم و هر وقت طرف‌های مقابل ما حاضر به آتش‌بس شده‌اند، ما بدون قید و شرط آن را پذیرفته‌ایم و ما تصمیم جنگ نداریم تا شرایطی برای صلح داشته باشیم.»

خبرنگار آلمانی سؤال کرد: آیا آتش‌بس دوامدار خواهد بود؟

استاد مزاری اظهار داشت: «ما هر وقت آتش‌بس را قبول کردیم، به این قصد بوده است که دوامدار باشد و تا آخرین فرصت از آن حمایت کردیم و این بستگی به طرف‌های مقابل دارد که تا چه اندازه پایبند به تعهدات‌شان است.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۲۸، پنج‌شنبه ۱۳۷۲/۴/۲۴.

(۵۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار هفته‌نامهٔ کابل

یادآوری:

«هفته‌نامهٔ کابل» نشریه‌ای است که زیر نظر دولت برکنار شدهٔ استاد ربانی تأسیس شده است. این هفته‌نامه این مصاحبه را در آن زمان با استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان انجام داده است که بخش نخست آن در شمارهٔ بیست‌ودوم هفته‌نامهٔ مذبور، مورخهٔ ۳۱ سرطان ۱۳۷۲ چاپ شده است؛ اما اینک متن کامل آن را که خبرگزاری وحدت اسلامی از کابل برای هفته‌نامهٔ وحدت ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی خارج از کشور فرستاده است در این‌جا با هم مرور می‌کنیم.

هفته‌نامهٔ کابل: اطلاع به دست رسید که طی آن خبرنگار ما آمادگی خویش را برای انجام گفتگو با استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیرامون وضع جاری سیاسی کشور و موضع‌گیری‌های آن حزب، در قبال قضایای سیاسی اعلام داشت، بالمقابل مقام رهبری حزب وحدت اسلامی موافقت خویش را جهت انجام مصاحبهٔ مفصل با خبرنگار اختصاصی هفته‌نامهٔ کابل، به اطلاع ما رسانید. لازم به یادآوری است که ژورنالیست جسور ما دوشیزه لیلا یلدا که وظیفهٔ تهیهٔ مصاحبه را به عهده گرفت تا رسیدن به پایگاه استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی از میان افراد مسلح بی‌شمار، از لابه‌لای توپ و تانک راهی غرب کابل شده و خطرهای احتمالی زیادی را در امتداد راه پشت سر گذاشته است. اینک بخش نخست این مصاحبه را که در این شماره فراهم آورده است در زیر مطالعه کنید.

وقتی وظیفه گرفتم که مصاحبهٔ اختصاصی با محترم عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان داشته باشم، یک روز پیش با دفتر استاد مزاری تلفنی تماس گرفتم. ایشان برای فردای آن روز، ساعت چهار بعد از ظهر اجازهٔ ملاقات دادند، اگر رفتن به سمت غرب کابل و مصاحبه با مزاری صاحب، برای دوستان ژورنالیست به خصوص خانم‌ها باور نکردنی و دور از تصور می‌کرد با آن‌هم فردای آن روز ساعت چهار بعد از ظهر توانستم خود را در منزل ایشان واقع

در کارته سه برسانم. در نزدیکی دروازه و دم در افراد مسلح زیاد بودند. من خودم را به آن‌ها معرفی کردم. یکی از آنان داخل رفت و بعد از لحظاتی دوباره برگشت؛ در حالی که همه در تعجب به سویم می‌نگریستند، داخل منزل شدم. در سالن زیبا و مزین پذیرایی‌ام کردند. پس از لحظاتی محترم مزاری با جمع کثیری از افراد، از اتاق مقابل وارد سالن شدند. در حالی که برای سلام بنده کمتر توجه کرد، از چندین کوچ و چوکی گذشته در صدر سالن قرار گرفت. من هم در چوکی پهلویش نشستم و بعد از اجازه خودم را معرفی کردم. هنگام معرفی چنین تصور می‌شد که ایشان حضور ذهنی به گفته‌هایم ندارد؛ ولی یک‌بار روی حرف‌هایم لبخند خفیفی روی لب‌هایش نقش بست و خدا را شکر کردم. جرئت یافتم که سؤال‌هایم را آغاز کنم. سپس پرسش‌هایم را در مورد سیاست جاری حزب وحدت پرسیدم.

ایشان چنین گفت: سیاست حزب وحدت اسلامی بارها اعلام شده است. در جهاد افغانستان همهٔ مردم افغانستان سهم داشته است؛ پس باید برای مرجع قانونی (حکومت افغانستان) همهٔ مردم سهیم باشند و دربارهٔ آیندهٔ افغانستان تشکیل یک مرجع قانونی به وجود آید. حزب وحدت از آن مرجع قانونی حمایت می‌کند. تا زمانی که انتخابات دایر نشده است، مرجع قانونی «شورای قیادی» احزاب است. در حال حاضر همین رهبران و احزابی که تصمیم می‌گیرند تا دولت تشکیل شود، باید به توافق آن‌ها باشد. روی این مبنا ما با حضور رهبران و یا نمایندگانشان، توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد را، با این‌که طبق خواستهٔ ما نبود، چون همهٔ رهبران جهادی پای آن امضاء کرده‌بودند، حزب وحدت اسلامی از توافق‌نامه حمایت می‌کند.

دولت پاکستان از ما دعوت کرده بود، ما هم موافقت خود را اعلام کردیم. بعد از آن توافق‌نامهٔ جلال‌آباد امضاء شد. در آنجا نیز نمایندگان تنظیم‌ها حضور داشتند. همان ملاحظاتی را که در مورد توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد داشتیم، در این‌جا نیز داریم؛ ولی از آن‌جایی که نمایندهٔ ما آن را امضاء کرده بود، ما از آن حمایت کردیم. سیاست حزب وحدت اسلامی این‌گونه است. فعلاً هم در جهت تحقق این توافق‌نامه از دولت تشکیل شده حمایت می‌کنیم. توافق‌نامه باید تحقق یابد تا زمینهٔ انتخابات آن روز فراهم شود و باز فرصت کرده زمینهٔ آن به وجود آید تا مردم سرنوشت‌شان را خودشان تعیین کنند.

خبرنگار: در طی جنگ‌های خونین بین شورای‌نظار و حزب وحدت هستیم؟

ایشان چنین گفت: شورای‌نظار علیه حزب وحدت در طی جنگ‌های خونین اطفال بی‌گناه

ما را کشتند و زخمی کردند. علت اصلی این درگیری‌ها خودخواهی و تنگ‌نظری است. ما یک مسأله را زیاد در نظر داریم، آن این‌که طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه‌حل مسائل افغانستان نمی‌دانیم. ما فهمیده‌ایم که حل مسائل افغانستان از طریق جنگ اشتباه است، باید مشکل افغانستان از راه تفاهم و پذیرفتن واقعیت‌های افغانستان حل شود. هنگامی که جنگ درگرفت، روز دوم آن، اعلامیهٔ آتش‌بس را امضاء کردیم. در ایام رمضان هم چنانکه با وساطت جنرال حمیدگل[۱] و تعدادی از مقامات پاکستانی گفته‌اند که شما به احترام ماه مبارک رمضان آتش‌بس را اعلام کنید، ما قبول کردیم به هر حال در ماه رمضان چند بار جنگ بالای ما تحمیل شد. هر بار جنگ پنج تا شش ساعت ادامه داشت.

بازهم ما از هیأت پاکستانی دعوت کردیم تا بیاید ببیند، چه کسی آتش‌بس را نقض می‌کند؟ آن‌ها با این‌که وعده دادند، نیامدند. در جنگ‌های اخیر بعد از توافق‌نامهٔ جلال‌آباد، هیأت صلح آمد و آتش‌بس عمومی اعلام شد. ما از برادران تقاضا کردیم تا یک نمایندگی در غرب و یک نمایندگی در شرق کابل باید و جود داشته باشد تا مشاهده شود که چه کسی آتش‌بس را نقض می‌کند؟ آن‌ها قبول کردند، ولی نیامدند. بازهم جنبش پادرمیانی کرد تا با ایجاد کمیسیون مشترک جلو جنگ گرفته شود، آن را نیز پذیرفتیم. دو نفر از قوماندانان ما و دو نفر از قوماندانان شورای‌نظار قبول کردند تا از ساعت سه بجهٔ بعد از ظهر آتش‌بس اعلام شود و رعایت گردد. ساعت ۶ بجه بود که باز آتش باری شروع شد و یک شبانه روز دوام کرد، بر همگان روشن است که مردم شیعه در ایام محرم عزاداری و روضه‌خوانی دارند. اگر وضع به همین نحو باشد، ما سخت پایبند عنعنات مذهبی خود هستیم. روز هفتم محرم بود تعداد دو موتر نفربر به سوی مسجد امام خمینی به خاطر عزاداری و روضه‌خوانی می‌رفتند که آن‌ها را در پل هارتن[۲]، زیر آتش گرفتند که در اثر این تهاجم،

۱ . ژنرال حمیدگل، پدر معنوی گروه طالبان، رئیس پیشین سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان، در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۷ یعنی در آخرین سال‌های منتهی به پایان اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی سابق، ریاست سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان و در این مقام وظیفهٔ ساماندهی و تعلیم نظامی «مجاهدان»افغانستانی علیه ارتش شوروی را برعهده داشت و مدتی بعد نیز گروه طالبان را ایجاد کرد. پس از خروج ارتش شوروی، افغانستان دچار آشوب شد و گروه طالبان توانست به مرور افغانستان را از کنترل «مجاهدان» به رهبری احمدشاه مسعود خارج کند. در این دوره، حمیدگل، میانجی غیررسمی، پیوندهای خود را با دو گروه حفظ کرد. پس از خروج از ارتش پاکستان، حمیدگل به دلیل مواضعش در مورد هند و ایالات متحد امریکا همواره از محبوبیت بالایی در میان اسلامگرایان افراطی برخوردار بود. ایالات‌متحده امریکا به‌رغم همکاری‌هایش با حمیدگل در جریان سال‌های ۱۹۸۰عاقبت او را در فهرست حامیان گروه‌های تروریستی قرار داد.

۲ . پُل هارتن که به‌غلط میان مردم به نام «پُل هارتل» یا «پُل آرتل» یا «پل آرتن» مشهور است، از جمله پُل‌های معروف شهر کابل است که بر روی رودخانهٔ کابل (دریای کابل)، در دورهٔ پادشاهی شاه امان‌الله ساخته شد. شاه امان‌الله در سال ۱۳۰۲ خورشیدی هدایت داد تا دو طرف دریای کابل در قسمت کوره کاه (نقاره بزرگ) پل ساخته شود . قبلاً در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ هـ ش بنا به درخواست امان‌الله به

پنجاه نفر زخمی و ده نفر به شهادت رسیدند.

خبرنگار: ولی در ایام محرم از مناطق زیر نفوذ شما نیز راکت پرتاپ شد که مردم شهر کابل هم شاهد آن هستند.

استاد مزاری: من الآن می‌گویم که در روز هشتم محرم نیروهای شورای‌نظار زیارت سخی را در جمال‌مینه زدند. شما می‌دانید که مردم شیعه به سخی علاقه دارند. در ایام نوروز آن‌جا جشن‌ها برپا می‌شوند؛ ولی امسال میلهٔ نوروز را شورای‌نظار نگذاشتند. چند نفر را شهید کردند. هشتم محرم آن‌جا را مورد حمله قرار داده و آن‌جا را تکه تکه ساخت. به هر حال ما نمی‌گوییم که آن‌ها را نمی‌زنیم. می‌زنیم؛ ولی ما آتش‌بس را نقض نمی‌کنیم. وقتی‌که آن‌ها مناطق مسکونی را زیر آتش می‌گیرند و جنگ را شروع می‌کنند، طبیعی است که ما هم جنگ می‌کنیم؛ ولی ما آتش‌بس را نقض نمی‌کنیم. مردم نباید چنین تصور کنند همین‌که راکت طرف‌شان آمد، گویا ما آتش‌بس را ما نقض کرده‌ایم. آن‌ها باید در این‌جا بیایند، ارزیابی کنند که آتش‌بس را چه کسی نقض می‌کند؟

روز یازدهم محرم ما شاهد پرتاب ۱۵۰ هاوان در مناطق دشت‌برچی و قلعه‌شاده بودیم. طبیعی است وقتی‌که آن‌ها ۱۵۰ هاوان فیر می‌کنند ده یا دوازده سکر ما نیز می‌زنیم. بعد در شب‌هنگام، رادیوی آقای ربانی، همان ده یا پانزده سکر ما را می‌گوید که از طرف حزب وحدت پرتاب شده است؛ اما یک‌صدوپنجاه هاوان آن‌طرف را به‌حساب نمی‌آورد؛ این، از انصاف و عدالت دور است. کسی که خود را رئیس جمهور مردم می‌خواند، رادیوی آن نیز در خدمت مردم باید باشد. تنها پریروز چهل و هفت نفر زخمی داشتیم. دیروز سی و هفت نفر و امروز بیست و چند نفر زخمی داریم. از مناطق مختلف، چون از افشار، گردنهٔ‌باغ بالا و بالای کوه‌ها، مرتب سه ساعت بر ما آتش می‌بارد. برای ما جای تعجب است که مردم افغانستان چگونه تبلیغ یک‌جانبه را باور می‌کنند؛ در حالی که کابل تنها طرف شرق نبوده، بلکه طرف غرب نیز وجود دارد.

خبرنگار: در شهر شایعه است که افراد حزب شما به مسموم ساختن مواد غذایی دست زده است، شما در این باره چه نظر دارید؟

تعداد سی‌ودو نفر مهندس و متخصصین تعمیرات المانی وارد کابل شده بودند و در ساختمان قصرهای دارالامان سهم بسزایی داشتند. ضمناً ساختمان خشت سنگی برای ساخت پل‌ها و کتاره‌های دریایی از همین وقت شروع شد. این پُل، به‌فرمان شاه امان‌الله، به نام سرمهندس قصر دارالامان نام‌گذاری شده در لوحهٔ سنگی که در کنار دیوار پُل نصب شده، نام مهندس هارتن آمده است: «به یادگار حسن خدمت که عزتمند دیپلوم انجینیر والتر هارتن آلمانی سرمهندس دارالامان حین مأموریت خود در مهندسی ابنیهٔ شهر دارالامان ابراز نموده، نام این پل، «پل هارتن» نهاده شد.»

استاد مزاری: حرف‌های مذکور خلاف واقع است؛ زیرا حزب وحدت یک حزب اسلامی بوده متعهد به قوانین اسلامی است. عمل مذکور را خلاف اسلام و انسانیت می‌داند. باید گفت که این اعمال خلاف، کار آن‌هایی است که خلاف توافق جلال‌آباد عمل می‌کنند، آن‌هایی که جنگ می‌کنند و امنیت را برهم می‌زنند. به خاطر این است که ثابت کند توافق‌نامهٔ جلال‌آباد نباید تحقق یابد. نمایندهٔ ما در پای توافق‌نامه امضاء کرده است؛ لذا به خاطر اجرای توافق‌نامه ایستاده هستیم. مسلماً کسانی مسبب عمل فوق می‌گردد که میلیاردها پول از بیت‌المال مسلمین را برای تأمین امنیت مصرف کرده است؛ اما در سالی که گذشت، نتوانست امنیت را تأمین کند. در یک سال گذشته مشکلات و گرفتاری‌هایی را ایجاد کردند، بین پشتون و هزاره جنگ‌ها را تحمیل کردند، بین تاجیک و هزاره خصومت‌ها را به وجود آوردند؛ ولی همهٔ آن‌ها با توافق‌نامه جلال‌آباد از بین رفت، حالا پشتون در مناطق هزاره‌ها احساس بی‌امنیتی نمی‌کنند، همچنان یک هزاره در منطقهٔ پشتون‌ها حس نمی‌کند که مال و جانم در خطر است!

جاهای مردم هزاره را تار و مار کرده و از آن‌ها با شکنجه اعتبار گرفته که تا بگویند «کار مربوط حزب وحدت است». همان کسی را که تلویزیون نشان داد، امروز این‌جا آمده بود، گفت: چقدر شکنجه‌اش کرده است! می‌خواهند تا از آن‌ها اعتراف بگیرند که عبدالواحد، قوماندان حزب وحدت برای‌شان پول وعده کرده است تا این کار را انجام دهد، در حالی که عبدالواحد در اثر خیانت در قضیهٔ افشار تا حالا زندانی است. همین‌گونه در مندوی کابل، در جیب بچه‌های هزاره پیچکاری را انداخته (تبلیغات کردند)، حال این‌که در منطقهٔ تایمنی یک زن خاد شکر دره که مواد مسموم کننده را در نان انداخته بود، دستگیر شده است؛ لذا باید گفت که کار، کار امنیت و خاد است، چرا که یک سال می‌شود به خاطر امنیت کابل مصرف می‌کند.

اکنون پول‌های مذکور را به‌صورت زهر به دهان‌شان می‌دهد و به اعمال غیر انسانی دست می‌زند و بدنامی‌اش را به حزب وحدت حواله می‌کند؛ در حالی که حزب وحدت هیچ‌گاهی قبول ندارد و انگیزه‌ای در چنین مورد وجود ندارد. مسموم کردن علاوه این‌که عمل غیر انسانی است، شکست در جنگ را نیز نشان می‌دهد. دو گروه در مقابل هم می‌جنگند و اجرای این عمل مفهوم ندارد. در جنگ اخیر به‌اصطلاح وزارت دفاع ده روز با حزب وحدت اسلامی جنگید، تمام نیروهای خود به شمول قوای هوایی، زمینی، سلاح‌های ثقیله و خفیفه استفاده کردند؛ ولی شکست خوردند و فرار کردند. بازهم آن‌ها، آن را به خاطر پادرمیانی آوردند (تبلیغ کردند). این

مسأله به مردم کابل باید روشن شده باشد که حزب وحدت ضعیف نیست تا به چنین اعمالی دست بزنند.

خبرنگار: پرسیدم بعضاً به این باورند که اختلاف شما با دیگر احزاب جدی و زیاد است، ریشه قومی و مذهبی دارد، نظر شما در این باره چیست؟

استاد مزاری: تبلیغات مذکور مال دیگران است، مال ما نیست. ما هیچ‌وقت جنگ پشتون را با هزاره و یا با تاجیک را آغاز نکرده‌ایم؛ زیرا آغازگر جنگ، ما نبوده‌ایم و شروع جنگ را ما به عهده خود نمی‌گیریم. پانزده مرتبه جنگ بر ما تحمیل شده، هر روز که جنگ آغاز شده، روز دوم میانجی آمده (با این‌که موضع برتر هم داشته‌ایم) اما آتش‌بس را قبول کردیم؛ لذا تعداد کسانی که در کابل و در افغانستان می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند تا خودشان بر حکومت باقی بمانند، این مسأله را دامن می‌زنند، (وقتی) بین ما و اتحاد جنگ بود، می‌گفتند که جنگ بین پشتون و هزاره است. بعد از جنگ‌های آقای حکمتیار و وزارت دفاع، مسأله بین فارسی زبان و پشتون را مطرح کردندو. ما نه جنگ اول را جنگ هزاره و پشتون می‌دانیم نه جنگ فعلی را جنگ هزاره و تاجیک؛ چون ما در عالم دفاع هستیم، هر کسی که به ما حمله کند، وظیفهٔ ملی و اسلامی ما است که از مردم خود دفاع کنیم. هیچ‌یک از این جنگ‌ها را جنگ نژاد و مذهب نمی‌دانیم، بلکه از طرف عناصر قدرت‌طلب بر مردم افغانستان تحمیل گردیده است. مردم افغانستان سه صد سال باهم یک‌جا زندگی کردند. این‌جا هم فارسی زبان بودند، هم پشتو زبان، هم شیعه و هم سنی، تمام اقوام باهم‌برادر بوده‌اند و دو ابرقدرت انگلیس و روس را شکست دادند، این افتخار بزرگ مردم ما بوده است. افتخارات مذکور، مال یک قشر خاص نبوده است. توصیهٔ من برای مردم افغانستان این است که جنگ‌های تنظیمی را به جنگ‌های قومی و مذهبی نکشانند؛ زیرا به نفع مردم افغانستان نیست.

خبرنگار: گفته می‌شود که محترم حکمتیار نتوانسته به کابل بیاید، شما من حیث متحد حزب اسلامی آیا شرایط ورود را برای آقای حکمتیار مساعد می‌بینید؟ آیا دوری صدراعظم از شهر مشکلات فراوان به بار نیاورده است؟

استاد مزاری: این مسأله مربوط به آقای ربانی می‌شود؛ زیرا در شهر نیروهای او و شورای‌نظار است، باید امنیت را فراهم سازد که صدراعظم داخل کابل بیاید و برنامه‌هایش را پیش ببرد. وقتی که وزرا امنیت نداشته باشند و بعضی دستگیر گردد، صدراعظم به هیچ‌وقت امنیت نخواهد

داشت. یا امنیت صدراعظم فراهم شود یا اجازه داده شود که صدراعظم نیروهای امنیتی خود را بیاورد. در صورت عدم پذیرش، مسئولیت به دوش آقای ربانی است، یا گذاشته شود که وزارت داخله امنیت شهر را تأمین کند.

خبرنگار: در حال حاضر مناسبات شما با محترم انجنیر گلبدین حکمتیار، در چه سطح است؟ چرا که آقای حکمتیار پست مهمی را در کابینه‌اش برای حزب وحدت اختصاص نداده است؟

استاد مزاری: ما در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد دو ملاحظه داشتیم: یکی این‌که سهم احزاب با درنظرداشت موقعیت نظامی‌شان در نظر گرفته شود، دیگر این‌که جنبش ملی- اسلامی در این مراحل سهیم گردد. اکنون نیز ما این دو ملاحظه را داریم که باید رعایت شود و به نام حزب، برخورد صورت نگیرد.

دربارهٔ مسألهٔ بین ما و آقای حکمتیار باید گفت: تا آغاز رسمی کار کابینه و بر طرف شدن موانع در سر راه آن، آقای حکمتیار به تعهدش عمل می‌کند؛ ولی اکنون کسانی هستند که از تحقق این موافقت‌نامه جلوگیری می‌کنند.

خبرنگار: با جنبش ملی- اسلامی افغانستان چه نوع مناسبات باهم دارید؟

استاد مزاری: استراتژی حزب وحدت این است که از حقوق ملیت‌های محروم حمایت می‌کند.

خبرنگار: لطفاً از روابط‌تان با جمهوری اسلامی ایران حرف زده بگویید که آن کشور چه نوع کمک‌هایی را به شما می‌کند؟

استاد مزاری: حزب وحدت اسلامی تنها حزبی است که در دوران چهارده سال جهاد و شهادت، در داخل افغانستان تشکیل شده در حالی که تمام گروه‌ها در خارج از کشور مرکزیت داشتند؛ لذا حزب وحدت هیچ‌گونه رابطهٔ خاصی با ایران و کشور دیگری نداشته است. دربارهٔ نمایندگی‌های حزب وحدت در خارج، در پاکستان، اروپا و سایر کشورهای صلح‌دوست، مانند سایر مجاهدین تنها اجازه داده شده که یک دفتری داشته باشد که البته این کمک در طول چهارده سال جهاد، به مجاهدین انجام شده است که حزب وحدت را نیز شامل می‌شود. بنابراین، ما هیچ‌گونه رابطهٔ خاصی با ایران نداشتیم. جای یادآوری است این‌که ما با جمهوری اسلامی ایران رابطهٔ همسایگی و اسلامی مانند سایر کشورهای اسلامی داریم.

خبرنگار: در کابل شایعاتی وجود دارد که گویا جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های اخیر

کمک نظامی کرده است، شما چه نوع اسلحه‌ای را از جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده‌اید؟

استاد مزاری: این حرف بسیار غلط و بی‌منطق است؛ زیرا حزب وحدت در مناطق شیعه‌نشین و هزاره‌جات با ایران سرحد ندارد. همهٔ راه‌های مواصلاتی به روی مناطق شیعه‌نشین و هزاره نشین در کابل بسته است، ما چگونه و چطور سلاح‌ها را وارد کابل کنیم؟ در طول چهارده سال جهاد، تمام احزاب از صدها کشور خارجی کمک گرفتند، تنها حزبی که هیچ‌گونه کمک خارجی نگرفته، حزب وحدت اسلامی است. در چند جنگی که بر ما تحمیل شده، افراد خارجی وابسته به احزاب دیگر را یا اسیر گرفتیم یا کشته شده‌اند (که به خبرنگاران گفتیم ببینند) ولی هیچ گروهی نمی‌تواند اثبات کند و هرگز به اثبات هم رسانیده نمی‌تواند که یک نفر خارجی اعم از ایرانی و غیر ایرانی در کنار حزب وحدت اسلامی بوده است.

این‌هایی که سرتاپای حیات سیاسی و اقتصادی‌شان وابسته است و از دنیای خارج اعم از کفر و اسلام کمک گرفته است ما را وابسته می‌گویند؟ البته برای مردم، مسأله روشن است. این، را مردم افغانستان می‌دانند که چه کسانی بودند که در این مملکت معامله می‌کردند، حالا هم معامله می‌کنند و بعد از این هم معامله خواهند کرد.

خبرنگار: قرار است برای تعیین وزیر دفاع انتخابات صورت بگیرد، اگر احمدشاه دوباره وزیر دفاع تعیین شود، آیا شما با او همکاری خواهید کرد؟

استاد مزاری: انتخابات عملی نیست؛ چون زمینهٔ انتخابات فراهم نیست. می‌گویند: از هر ولایت دو قوماندان بیاید، شما می‌دانید که از یک سال و چند ماهی که مجاهدین مسلط شده‌اند، نتوانستند یک حکومت مورد توافق را در کابل به وجود بیاورند. ولایات و السوالی‌ها فعال نیست؛ حالا چگونه آن‌ها می‌توانند دو نفر نماینده‌شان را بفرستند تا وزیر دفاع و وزیر داخله را تعیین کنند؟ وقتی زمینهٔ عملی انتخابات وجود ندارد، مهم نیست که نتیجه‌اش را بپذیریم یا نپذیریم.

خبرنگار: در جریان جنگ افراد شما به چور و چپاول مناطق مسکونی پرداخته‌اند که حتی خودم شاهد بودم، شما من حیث رهبر حزب وحدت با عاملین آن چگونه برخورد کرده‌اید؟

استاد مزاری: ما هیچ‌گونه آزار و اذیت مردم را قبول نداریم و به کسی هم اجازه نمی‌دهیم که این کار را بکنند. در تنظیم‌ها، یک عده افراد لاابالی وجود داشته، از این جهت هر جایی که متخلفین را مشاهده کردیم، مرتکبین را دستگیر و جزا دادیم. ما افرادی داریم که اگر کسی یا گروهی تخلف کند و ما خبر شویم بلافاصله آن‌ها را دستگیر می‌کنیم. البته هرکسی امنیت ملی را

بر هم بزند یا تفرقه‌افکنی کند ما آن‌ها را نیز دستگیر می‌کنیم.

خبرنگار: تعداد زیادی از مأمورین دولتی زیر نفوذ شما زندگی می‌کنند، افراد مسلح شما مانع این افراد از ورود به شهر می‌شوند، شما برای رفع این مشکل چه تدابیری سنجیده‌اید؟

استاد مزاری: ما مانع رفت و آمد کسی تا آن حد نیستیم که بدانیم مردم ما را نمی‌گیرند و اذیت نمی‌کنند؛ ولی وقتی که مردم ما را دستگیر می‌کنند و اذیت می‌کنند، مسلماً ما هم مانع رفت و آمد می‌شویم. استادان پوهنتون آمدند، ما گفتیم: امنیت استادان پوهنتون را بگیرید که در وقت باز شدن پوهنتون هیچ‌گونه ممانعتی وجود ندارد. از اول اعلام کردیم که مانع رفت و آمد مأمورین نیستیم. قول می‌دهیم آنچه به ما مربوط است تلاش می‌کنیم تا مشکل رفت و آمد مأمورین رفع شود. این را یک وظیفهٔ ملی می‌دانیم. البته آن‌هایی که وظیفه‌شان تأمین امنیت است و به این منظور از بیت‌المال، پول مصرف می‌کنند خود سبب بی‌امنیتی می‌شوند.

خبرنگار: بعضاً شنیده شده که افراد مسلح شما اهالی غیرنظامی را به کندن سنگرها وا می‌دارند، آیا این افراد مطابق دستور شما عملی می‌کنند؟

استاد مزاری: ما به مسئولین مذکور توصیه می‌کنیم و با این کار موافق نیستیم. سنگرکنی را نباید بالای افراد انجام داد. اگر احیاناً چنین کاری انجام گرفته باشد، ما با آن موافق نیستیم، جلو آن را می‌گیریم.

خبرنگار: افراد مسلح شما پوهنتون را که یکی از مراکز علمی کشور است، پایگاه نظامی ساخته است و در اثر جنگ خسارت‌های فراوانی بر آن وارد شده است، آیا درصدد بازگشایی و ترمیم آن هستید؟

استاد مزاری: از طرف ما هیچ‌گونه مانعی وجود ندارد؛ ولی مسألهٔ جنگ به شورای‌نظار مربوط می‌شود که قله‌های کوه را در دست دارد و آن‌ها، وزارت تجارت وپوهنتون را حریق کرده؛ از این جهت است که کسی نمی‌تواند از آن ناحیه تردد کند؛ زیرا از بالای کوه‌ها فیر می‌شود. پس از برقراری آتش‌بس، در باز شدن پوهنتون از طرف ما هیچ‌گونه ممانعتی وجود ندارد. خرابی‌ها در اثر جنگ، تنها مربوط به پوهنتون نیست، بلکه مربوط به تمام مناطق کابل است.

خبرنگار: شنیده می‌شود که شما هشت نفر را به دار آویختید، آن‌ها چه کسانی بودند و جرم‌شان چه بوده است؟ آقای مزاری بعد از سکوتی از من خواست سؤالم را دوباره تکرار کنم، بعد چنین پاسخ داد.

استاد مزاری: نه. هشت نفر به دار آویخته نشده‌اند. ما افراد خودسری را که امنیت مردم را برهم می‌زدند، دستگیر کردیم که شاید تعدادشان به یک‌صد نفر می‌رسد که تعداد آن‌ها را به ضمانت آزاد کردیم. تعدادی را شلاق زدیم و تعدادی را زندانی کردیم. آن‌ها را به دار نیاویختیم، ما فقط دو نفر را اعدام کردیم که آن‌ها در سنگر فروشی‌های افشار دست داشتند و سنگرها را به شورای‌نظار فروخته بودند که در نتیجهٔ آن فاجعهٔ افشار پیش آمد که پیر و جوان کشته شدند و اموال و منازل آن‌ها به آتش کشیده شد و تعداد افراد غیر نظامی اسیر شدند. این‌ها را ما به‌خاطر خیانت‌شان دستگیر کردیم که بعد از تحقیقات به جرم‌شان اعتراف کردند؛ در فرجام دو نفر آن‌ها را اعدام کردیم.

خبرنگار: شما چگونه حقوقی را برای زنان افغانستان قائل هستید؟

استاد مزاری: شورای مرکزی حزب وحدت از ده کمیته تشکیل شده که یک کمیتهٔ آن به نام خواهران است. در تشکیلات حزب وحدت هیچ‌گونه ممانعتی در عضویت خواهران نیست، با همان شرایط برادران، خواهران را نیز در نظر داریم و در مورد خواهرها حقوقی را قائل هستیم که مطابق با موازین و معیار اسلام باشد و باید قوانین اسلامی را رعایت کنیم و بی‌حجابی را رفع کنیم. زن با حجاب می‌تواند اداره برود و تحصیل کند. ما برای زن‌ها غیر از محدودیت‌های اسلامی هیچ محدودیتی را نمی‌خواهیم. زن می‌تواند در انتخابات شرکت کند. این موضوع را باید اضافه کرد که در رهبری، قضاوت و فرماندهی ارتش، در اسلام در مورد خواهران محدودیت‌هایی آمده است، در غیر آن فرق بین زن و مرد وجود ندارد.

خبرنگار: اگر اجازه‌تان باشد در مورد زندگی شخصی‌تان می‌پرسم، آقای مزاری نگاهی کرد، پرسیدم چند تا فرزند دارید و چند بار ازدواج کرده‌اید و چند تا زن دارید و اعضای خانواده‌های‌تان در کدام کشور خارجی زندگی می‌کنند؟

استاد مزاری: بعد از تحصیل، به وطن برگشتم، در این‌جا تحولاتی پیش آمد، جنگ شروع شد، در نتیجه موفق به ازدواج نشدم. بعد دو برادرم در جنگ با روس‌ها شهید شدند که یکی از آن‌ها صاحب چند فرزند صغیر بود. به خاطر مشکلات زندگی و فرزندان صغیر برادرم، خانمش با من ازدواج کرد که کودکانش را به خاطر تحصیل به ایران فرستادم. تاکنون یک فرزند دارم.

خبرنگار: در طبیعت چه را دوست دارید؟

استاد مزاری: من دنبال این مسأله نبودم؛ زیرا در ایام جوانی که تمایلات بیشتر است یا زندانی

بودم یا در کوه‌ها یا بیشتر در مسائل فرهنگی و مبارزاتی مشغول بودم.

خبرنگار: هنگام فراغت مصروف چه کارهایی هستید؟

استاد مزاری: از این‌که تحصیلاتم در ساحهٔ دینی است، در اوقات فراغت به مطالعات کتب دینی می‌پردازم؛ زیرا به مسائل دینی علاقه فراوان دارم.

خبرنگار: در جهان از کدام کشور و از کدام سیاستمدار خوش‌تان می‌آید؟

استاد مزاری: البته از هیچ کشور و هیچ شخص پیروی نمی‌کنم، ما تابع سیاست اسلامی هستیم. امیدواریم که موفق شویم و در افغانستان سیاست اسلامی را پیاده کنیم تا افغانستان اسلامی متکی به هیچ کشور و شخصی نباشد.

خبرنگار: شما فرمانده هستید، از کشته شدن فردی متأثر شده‌اید؟

استاد مزاری: من هیچ‌گاهی طرفدار جنگ نبودم و راه‌حل افغانستان را جنگ نمی‌دانم و طرفدار آن نیستم. از همین رو، سال گذشته با آقای سیاف در قرغه نشستی داشتیم. آقای سیاف گفت: ما تصمیم جنگ را نگرفتیم. بعد ما هم گفتیم که طرفدار جنگ نیستیم؛ اما اگر شما انگیزهٔ جنگ را داشته باشید، حاضریم تا نیروها را از مناطق مسکونی بیرون کشیده در مناطق غیر مسکونی باهم مردانه بجنگیم تا معلوم شود که زور با چه کس است؟ جنگ هیچ‌گاهی برای من شیرینی نداشته که به‌عنوان خاطره یاد کنم، همه‌اش تلخ است و از آن بدم می‌آید و از نگاه اسلام محکوم است.

خبرنگار: بزرگ‌ترین آرزوی شما چیست؟

استاد مزاری: چنانچه قبلاً گفتم، بزرگ‌ترین آرزوی من ایجاد یک حکومت اسلامی است که حقوق همهٔ ملیت‌ها طبق اسلام به آن‌ها اعاده شود. ما برای این خواست مبارزه می‌کنیم و آن را دنبال می‌کنیم، اگر موفق شویم خوش وقت هستیم.

خبرنگار: آیا شما مثل اکثر رهبران، از روزهای نخست، شوق چوکی دولتی را در سردارید؟

استاد مزاری: تا حال برای خودم چوکی نخواستم، بعد از این هم نخواهم خواست؛ حتی نمی‌خواهم که رئیس جمهور باشم. ما فقط حقوق دیگران را می‌خواهیم که به آن‌ها داده شود. چوکی برای خودم مطرح نیست. در آینده ثابت خواهد شد که هیچ نوع پستی را قبول نخواهم کرد؛ البته برای حقوق مردم هزاره و شیعه در کابل در پهلوی دیگران اگر حقی برای‌شان قائل نشوند، مبارزه می‌کنیم.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۲۷.

(۶۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و صدای امریکا[۱]

پیش از ظهر روز پنجشنبه استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و صدای امریکا را به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که پرسید: شما در زمینهٔ رهایی اسرایی که با اتحاد اسلامی داشتید تا کدام حد پیشرفت داشته‌اید؟ اظهار داشت: «بعد از این‌که آقای سیاف از آقای حکمتیار خواست تا بین اتحاد و حزب و وحدت اسلامی میانجیگری کند، ما قبول کردیم. پس از دو سه جلسه‌ای که بین ما و آن‌ها زیر نظر آقای حکمتیار شد، آقای سیاف از ما خواست که کمیسیون مشترک مستقیماً فعالیت کند. دو سه با دیگر بدون این‌که آقای حکمتیار نظارت داشته باشد، این جلسه دایر شد. یک‌بار نمایندگان ما رفتند، سیاف را دیدند. نمایندگان آن‌ها آمدند با ما دیدار کردند. فیصله شد که بدون قید و شرط و با قول وجدان و شرف اسرا رها شوند؛ ولی متأسفانه قوماندانان اتحاد مخالفت کردند. خود آقای سیاف نظرش همین بود. با این‌که دو صد نفر اسیر از مردم ما از جنگ افشار نزد آن‌ها هستند، آن‌ها فقط چهارده نفر را در مبادله آزاد کردند. در مرحلهٔ سوم که قرار بود اسرا رها شوند، نمایندگان در محل مبادله رفتند؛ اما آن‌ها حاضر نشدند. بعد از این مسأله جلسه‌ای صورت نگرفته که ادامه قضیه چه می‌شود؟»

خبرنگار صدای امریکا سؤال کرد: گفته می‌شود که افراد غیر نظامی در اختیار حزب وحدت قرار دارد، آن‌ها مورد لت و کوب قرار می‌گیرد شما چه نظر دارد؟

استاد مزاری گفت: «ما اسیر غیر نظامی در اختیار نداریم و لت و کوب اسرا را نا جایز و نادرست می‌دانیم، حتی اسرای نظامی که در اختیار ما قرار دارند، مانند نیروهای نظامی ما اعاشه می‌شوند، هیچ‌گونه کار بالای آن‌ها نمی‌شود. در صورتی که بالای اسرای ما انواع و اقسام کارهای شاقه را انجام داده‌اند، توسط آن‌ها مهمات منتقل کرده‌اند، سنگر کنده‌اند، حتی زراعت هم کرده‌اند. این موضوعی را که آن‌ها علیه ما ادعا کرده‌اند، نادرست است.»

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و صدای امریکا، پنج‌شنبه ۱۳۷۲/۵/۷.

استاد مزاری با ذکر این نکته که معیار انتخاب قوماندانان ولایات مشخص نشده است، در پاسخ به این پرسش خبرنگار صدای امریکا که سؤال کرد: نحوهٔ انتخاب وزرای دفاع و داخله چگونه خواهد بود؟ اظهار داشت: «در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد قرار شد از هر ولایت دو نفر قوماندانان برای انتخاب وزرای دفاع داخله تعیین شود، این مسأله غیر عملی بود؛ زیرا این موضوع در صورتی ممکن می‌بود که السوالی ها فعال می‌شد، شورای جهادی تشکیل می‌شد. شورای جهادی ماه گذشته اکثر ولایات و السوالی های افغانستان فعال نبوده؛ به این مسأله، معیار انتخاب قوماندانان مشخص نشده بود. همهٔ کسانی که در چهارده سال جهاد سهم داشتند، خود را قوماندانان می‌دانند؛ این مسأله‌ای بود که از اول برای آن تدبیر اساسی سنجیده نشده بود. من معتقدم که این کار سختی است؛ چون هنوز در کابل یک حکومت درست پیاده نشده تا در ولایات نفوذ کرده باشد. بنابراین بهتر همان است که انتخابات عمومی برقرار شود و ولایات شورای جهادی منتخب تشکیل شود.»

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد: اخیراً مرزهای شمال افغانستان مورد تجاوز قوای روسی و عسکرهای سازمان مخوف کی.جی.بی قرار گرفته، نظر شما در این مسأله چیست؟

استاد مزاری پاسخ داد: «در اصل اختلافاتی که در تاجیکستان موجود است، ما هیچ دخالتی نداریم. ما مصمم نیستیم که در آینده در امور کشوری دخالت کنیم. مسائل آن‌ها مربوط خود آن‌هاست. اختلافات و کشمکش‌های مهاجرت را در مسیر دارد. تعدادی از مردم تاجیکستان به کشور ما پناه آورده‌اند. تجاوز روس‌ها را محکوم می‌کنیم. ما مقصر اصلی این مسأله را رهبران جهادی می‌دانیم زیرا که این‌ها نتوانستند اختلافات‌شان را رفع کنند و یک حکومت به وجود بیاورند. روس‌هایی که وزیر خارجه‌اش می‌گفت: ما از افغانستان که برآمدیم دست خود را داغ کردیم که دیگر در امور کشوری مداخله نکنیم، ولی متأسفانه با اختلافات و ضعف‌هایی که رهبران جهادی داشتند تجاوز کنند. تمام مردم افغانستان آماده هستند تا در صورت عدم جلوگیری از تجاوز روسیه به روس‌ها درسی بدهند که دیگر این جرئت را در گفتن هم پیدا نکنند.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار صدای امریکا که پرسید: درباره بازگشت مهاجرین غرب کابل چه تدابیر اندیشیده‌اید؟ گفت: «در طول سال گذشته ده تا جنگ بالای مردم ما تحمیل شده و پیامد طبیعی جنگ مهاجرت تعدادی از ساکنین مناطق درگیر جنگ است. ما از طرف خود اطمینان می‌دهیم برای تمامی مهاجرین که به خانه‌هایشان برگردند امنیت‌شان گرفته می‌شود

و منازل‌شان در اختیارشان قرار می‌گیرد؛ اما این‌که دوباره جنگ پیش می‌آید یا نه؟ بستگی به‌طرف مقابل دارد که اگر جنگ پیش باید، طبیعی است که مهاجرین برگشته نمی‌توانند با وجود این مسأله، ما در شرایط فعلی از مهاجرین دعوت می‌کنیم که به خانه‌های‌شان برگردند و مطمئن باشند که امنیت آن‌ها تأمین خواهد شد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار صدای امریکا که سؤال نمود: درباره آتش‌بس ایجاد شده چه نظر دارید؟ گفت: «از زمانی که توافقات جلال‌آباد امضاء شد تا آمدن جنرال دوستم آتش‌بس نمود، برای این‌که ما در جنگ اخیر که ده روز طول کشید و شدیدترین جنگ بود، هزار نفر از نظامی و غیر نظامی رخمی داشتیم؛ اما پس از اعلام آتش‌بس توسط نمایندگان شورای جهادی جلال‌آباد چهار هزار نفر زخمی داشتیم. وقتی که جنرال دوستم آمد و هیأت ناظر بالای کوه‌ها بالا شد، فعلاً آتش‌بس برقرار شده ما مصمم هستیم که این آتش‌بس را ادامه دهیم.»

استاد مزاری با بیان این نکته که وقتی که یک حکومت پایدار به وجود نیاید، هیچ‌کسی توانایی امنیت برقرار کردن صددرصد را ندارد، در پاسخ به این پرسش خبرنگار صدای امریکا که دربارهٔ وضع امنیتی مردم به خصوص جوانانی که مهاجر بوده‌اند و به خانه‌های‌شان برمی‌گردند، اظهار داشت: «در کابل هنوز وضیعت جنگی پایان نیافته، ولی ما مصمم هستیم که امنیت ساکنین این منطقه را تأمین نماییم. بر همین اساس ما بیش از صد نفر مسلح را که دست به تخلفات می‌زدند دستگیر کردیم. آن‌ها را جزا دادیم. حالا نیز به هر قیمت که می‌شود می‌خواهیم امنیت برقرار شود. متأسفانه در آن‌طرف که رئیس جمهور در آن‌جاست و مصارف هم برای امنیت شهر گرفته می‌شود. وقتی مردم برای کسب و کار می‌روند، مرتباً مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند که امیدوار هستیم در آینده رفع شود»[1]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۲۴۱، ۱۳۷۲/۵/۹، کابل.

(۶۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس[۱]

استاد مزاری در مصاحبه با خبرنگار فرانس‌پرس به سؤالات وی در مورد آتش‌بس، مبادلهٔ اسرا، مسائل مرزی و... پاسخ داد. استاد مزاری در پاسخ این سؤال خبرنگار که در مورد آتش‌بس ایجاد شده و تبادل اسرا چه پیشرفت‌های شده است؟ گفت: «از دیر زمان است که بین ما و شورای‌نظار، موافقت‌نامهٔ آتش‌بس امضاء شده است؛ اما این آتش‌بس عملی نگردید. آتش‌بس مرتباً از سوی آن‌ها نقض می‌شد؛ اما بعد از آمدن جنرال دوستم تا حدودی مشکل حل شده و کمیسیونی تحت نظارت جنبش ملی- اسلامی بین ما و شورای‌نظار به وجود آمد که بر آتش‌بس نظارت کند، اسرای دو طرف مبادله شوند. بر این اساس ما تعدادی از اسرای شورای‌نظار را آزاد کردیم؛ ولی آن‌ها اسرای ما را آزاد نکردند. ما سعی داریم تا مشکل حل شود و جنگ دوباره تحقق پیدا نکند. ما مستقیماً با آن‌ها مذاکره داریم تا اسرا آزاد شوند. تا حالا فقط بیست نفر بین ما و آن‌ها مبادله شده است.»

استاد مزاری با ذکر این مطلب که تا هنوز واحدهای اداری تشکیل نشده، در پاسخ به این سؤال که کار انتخاب وزیر دفاع به کجا انجامیده است؟ اظهار داشت: «بعد از چند جلسه که کمیسیون وزارت دفاع داشت، در آن‌جا بحث شد، به تصویب رسید که شورای احزاب در وزارت، دایر شود و انتخابات صورت بگیرد و از هر حزب دو نفر انتخاب شوند و در کابل بیایند و انتخابات را انجام بدهند؛ ولی به این زودی‌ها اجلاس قوماندانان و انتخاب وزیر دفاع مشکل است.»

استاد مزاری گفت: «دفاع مشکل نیست. مشکل افغانستان این است که یک دولت مقتدر وجود ندارد تا امنیت را در کابل تأمین کند. دولتی که امنیت را در کابل تأمین نمی‌تواند چگونه ممکن است بتواند از مرزها دفاع کند. روس‌ها که زمان خروج از افغانستان، دست خود را داغ گذاشته بودند که دیگر به افغانستان تجاوز نکنند، امروز که دوباره تجاوز می‌کنند، ضعف در این‌جاست که در افغانستان دولت نیست، اگر دولت باشد روس‌ها کار نمی‌توانند انجام بدهند.

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس، ۱۳۷۲/۵/۱۶، کابل.

باید دولت عمومی و فراگیر تشکیل شود تا قادر به دفاع از مرزهای ملی باشد. اگر این‌ها (سران جهادی) روش دولت داری را بلد می‌بودند، باید از این مسأله‌ای که روس‌ها به وجود آورده‌اند، استفاده کرده، مشکل خود را حل می‌کردند. ضعف در این است، وگرنه من معتقدم روس‌ها، نسل اندر نسل دست خود را داغ کرده تا با افغانستانی‌ها درگیر نشوند.

مجاهدین اگر روی منافع ملت‌شان توجه دارند، باید مشکل خود را حل کنند. مردم افغانستان برای دفاع آماده است. ما مطمئن هستیم که مردم افغانستان یک‌بار دیگر، روس‌ها را درس خواهند داد. مردم افغانستان مشکل ندارند؛ بلکه رهبران این وضع فاجعه‌ناک را بر مردم تحمیل کرده‌اند. ما به مسألهٔ تاجیکستان کاری نداریم؛ چون یک مسئلهٔ داخلی است؛ اما در صورتی که به خاک افغانستان تجاوز شود، هیچ فرد افغانی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. باید رهبران و مجاهدین مشکل خود را حل کنند تا از استقلال و تمامیت اراضی کشور دفاع شود.»

استاد مزاری ضمن بیان این مطلب که رهبران حزب وحدت اسلامی خواستار جنگ نیست، در پاسخ به این خبرنگار که پرسید: در گلوله‌باران متقابل شورای‌نظار و حزب اسلامی چه کسانی عامل آن خواهد بود؟ اظهار داشت: «یک تعداد عناصر خودسرانه از دو طرف شاید این کار را کرده باشند؛ اما این به نفع هیچ‌کسی نیست. حزب وحدت اسلامی اگر می‌خواست کاروان اکمالاتی را در مورد حمله قرار بدهد، می‌توانست آن‌طرف سالنگ ضربه بزند. وقتی که در آن‌جا ضربه نزده است، بعید به نظر می‌رسد که در شهر کابل اقدام به چنین کاری کرده باشد.»[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، صفحه ۲۳۴-۲۳۵.

(۶۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار سی. ان. ان امریکا[1]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز یک‌شنبه ۱۳۷۲/۶/۷ خبرنگار سی.ان.ان[2] امریکا را به حضور پذیرفته به سؤالات وی در مورد انتخابات، آتش‌بس و درگیری‌ها و... پاسخ گفت. استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید: نظر شما در مورد انتخابات چیست؟ گفت: «همهٔ مردم افغانستان انتخابات را می‌خواهند؛ ولی مشکل در این‌جاست که واحدهای اداری گذشته ظالمانه بوده؛ مثلاً یک واحد اداری که پنج هزار نفوس داشته، یک نماینده مستحق بوده، واحد اداری دیگر که یک‌صد و شصت هزار نفوس داشته آن‌هم یک نماینده استحقاق داشته. از این لحاظ باید در نحوهٔ انتخابات بحث شود. مسألهٔ دیگر در انتخابات، مشخص نمودن و مشکل دیگر شرکت و یا عدم شرکت زن‌ها در انتخابات است. ما طرح خود را برای حل این مسائل به کمیسیون انتخاب دادیم. ما در آن طرح گفته بودیم که باید احزاب و افراد مستقل کاندید شود. کسی که تابع افغانستان است اعم از زن و مرد در رأی‌گیری شرکت داشته باشند. به این طریق هم موضوع نفوس و هم واحد اداری حل می‌شود؛ چون اگر واحدهای اداری معیار باشد، حقوق تعداد زیادی از مردم ضایع می‌شود. اگر بگوییم که زن‌ها شرکت نکنند، بدین ترتیب نصف مردم در انتخابات حاضر نبوده و انتخابات ناقص خواهد بود. اگر نفوس را معیار قرار بدهیم، بازهم سرشماری دقیق وجود ندارد.»

خبرنگار سؤال کرد اگر یک حکومت ائتلافی تشکیل نگردد انتخابات انجام نخواهد گرفت و آیا هر کس زیادتر رأی آورد مورد قبول همه واقع خواهد شد؟

استاد مزاری پاسخ داد: «بعد از این‌که انتخابات برگزار شد، باید حکومت ائتلافی تشکیل شود. منتهی حکومت ائتلافی طبق معیار نفوس باید باشد؛ چون در افغانستان اگر ده حزب به وجود بیاید و مساویانه یک حکومت ائتلافی تشکیل بدهد، عدالت اجتماعی رعایت نخواهد

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار C.N.N امریکا، یک‌شنبه ۱۳۷۲/۶/۷.

2. C.N.N

شد؛ زیرا در بین این احزاب حزبی است که ثلث مردم افغانستان از آن حمایت می‌کند و یک حزب حتی پنجاه نفر طرفدار ندارند؛ لذا باید رأی‌گیری شود و طبق معیار نفوس حکومت ائتلافی تشکیل شود.

استاد مزاری در جواب این سؤال خبرنگار که پرسید به علاوهٔ آتش‌بس چرا هنوز جنگ ادامه دارد؟ گفت: «در افغانستان تا به حال یک حکومت قانونی به وجود نیامده است. هنوز کسانی که به ملیت‌هایی که حقوق‌شان ضایع شده بود، حق قائل نیستند و جنگ‌افروزی می‌کنند. وقتی‌که آن‌ها حق قائل نشوند، طبعاً جنگ پیش می‌آید. اگر یک حکومت قانونی به جود بیاید که حقوق تمامی ملیت‌ها را در نظر بگیرد، جنگ تمام خواهد شد.»

خبرنگار سؤال کرد چه تعداد نفوس از حزب وحدت حمایت می‌کند و شما چه ساحات کابل را تحت کنترل دارید؟

استاد مزاری جواب داد: «شما خودتان بروید و ببینید چه مقدار تحت کنترل ما است و چه مقدار تحت کنترل آقای ربانی است.»

در اخیر خبرنگار سی.ان.ان امریکا از استاد مزاری خواهش کرد که اجازه دهد از سفارت شوروی و مناطق فتح شده درالامان دیدن کند. استاد مزاری متذکر شد که سفارت شوروی در دست ما امانت است، ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم که از داخل آن گزارش تهیه کنید؛ ولی دیگر مناطق بلامانع است و شما می‌توانید عکس و فیلم بگیرید.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۲۶۷، دوشنبه ۱۳۷۲/۶/۸، کابل.

(۶۳)

متن مصاحبهٔ خبرنگاران روزنامهٔ هیواد[1]

خبرنگاران روزنامهٔ هیواد پیش از ظهر یک‌شنبه ۷۲/۶/۱۴ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی با وی مصاحبه‌ای ترتیب داده که به دلیل اهمیت مطالب آن خبرنامهٔ وحدت متن کامل آن را در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌دهد.

سؤال: استاد محترم دربارهٔ روابط حزب وحدت اسلامی و جمعیت اسلامی، اتحاد اسلامی، حزب اسلامی و سایر تنظیم‌های جهادی اگر نظری دارید، برای ما ارائه فرمایید؟

جواب: بسم‌الله الرحمن الرحیم. ما با همهٔ تنظیم‌های جهادی رابطهٔ حسنه داشته و داریم. ما علیه هیچ تنظیم خاص، موضع نداشتیم. دو بار تنظیم‌های جهادی حقوق مردم ما را نادیده گرفتند، یک‌بار در سال ۱۳۶۷ و بار دوم در سال ۱۳۷۱. در دولت‌هایی که تشکیل دادند برای مردم ما حق قائل نشده‌اند. از این جهت ما از دوستان گلایه داریم. نه در سال ۱۳۶۷ و نه در سال ۱۳۷۱ هیچ‌گونه اقدام خصمانه‌ای علیه تنظیم‌های جهادی از طرف ما صورت نگرفت. ما به خاطر مصالح انقلاب و مصالح مردم فقط گلایه داشتیم و اعتراض داشتیم و نظر هیچ‌گونه درگیری نداشتیم.

متأسفانه در چهارده جوزای ۱۳۷۱ از طرف اتحاد اسلامی بالای مواضع ما حمله شد. آن‌هم در وقتی‌که ما با آقای مجددی مشورت کرده بودیم و به توافق رسیده بودیم که به دولت عمومی شرکت کنیم. این توافق با هیأت شورای جهادی صورت گرفته بود؛ ولی هنوز اعلان نشده بود که این جنگ پیش آمد. این جنگ هم وقتی انتخاب شده بود که مردم ما با امام خمینی علاقه داشته و به‌عنوان رهبر جهان اسلام و رهبر سیاسی احترام می‌گذاشتند. ما می‌خواستیم سالروز رحلت امام خمینی را مراسم بگیریم. در زمان حکومت نجیب هم مردم ما این تجلیل را گرفته بودند، حکومت نجیب هم به مردم ما اجازه داده بود که به رهبر مذهبی احترام قائل شوند. این بود که مردم ما آمادگی گرفته بودند تا مراسم را برگزار کنند؛ ولی آن‌ها همین روز حمله کردند.

---

۱. متن مصاحبهٔ خبرنگاران روزنامه هیواد با استاد مزاری، یک‌شنبه ۱۳۷۲/۶/۱۴.

روز دوم جنگ ما اعلامیه آتش‌بس را یک‌طرفه امضاء کردیم؛ ولی سه چهار روز این جنگ دوام پیدا کرد. همین‌طور چهار جنگ از طرف اتحاد سیاف علیه مردم ما تحمیل شد. بعد از جنگ دوم از طرف رهبران جهادی درخواست شد که با آقای سیاف بنشینیم و در قرغه جلسه دایر شد. ما صحبت کردیم و از آقای سیاف سؤال کردیم که شما روی چه انگیزه‌ای با ما جنگ می‌کنید؟ او در پاسخ گفت که اگر ما با شما جنگ می‌کردیم وضعیت به این شکل نبود و می‌توانیم جنگ کنیم. مضمونش این بود که ما می‌توانیم شما را نابود کنیم. البته یک چیزی که آن‌جا اظهار کرد این است که من با کمونیست‌ها مخالف هستم؛ اما برای ما افتخار است، حتی اگر یک فرد اتحاد اسلامی باقی بماند، ما می‌جنگیم و غیر از این ما کاری نداریم.

ما برایشان گفتیم که ما برای مردم خود حق می‌خواهیم؛ ولی حق را از آقای مجددی می‌خواستیم. حالا از آقای ربانی می‌خواهیم و گرفتن حقوق هم جنگ نمی‌خواهد. ما در سال ۱۳۶۷ هم می‌توانستیم جنگ کنیم. در اول که حضرت صاحب مجددی وارد کابل شد، می‌توانستیم جنگ کنیم؛ یعنی برای حفظ مردم خود و حقوق مردم خود اگر جنگ می‌کردیم، همان وقت جنگ می‌کردیم. باز با دولت آقای مجددی توافق‌نامه امضاء کردیم؛ ولی وقتی‌که توافق‌نامه امضاء می‌شد، جنگ بالای ما تحمیل شد که ما علتش را نمی‌فهمیم.

نه. شما دولت نیستید تا از شما حقوق بخواهیم. از آقای مجددی خواسته بودیم و توافق‌نامه را امضاء کرده بودیم و حالا هم از آقای ربانی می‌خواهیم این به شما تعلق ندارد؛ ولی این‌که شما می‌گویید ما به خاطر بی‌حجابی با کمونیست‌ها می‌جنگیم، این به ما ربط ندارد. اگر بی‌حجابی به تلویزیون می‌آید، مال آقای ربانی است. اگر شما نیروهای شمال را می‌گویید، آن‌ها الآن در میدان هوایی و تپه مرنجان هستند. آنان در میدان هستند، شما می‌توانید با خودشان جنگ کنید؛ اما چرا جنگ سر ما تحمیل می‌شود؟ این مسأله بود که در آن‌جا مطرح شد و یک مدت طول کشید. بازهم جنگ سوم پیش آمد. در جنگ سوم کلیهٔ مناطق حوزهٔ پنج به دست ما بود. ما از باب صلح و مصالحه برای این‌که می‌خواستیم آرامی باشد، این منطقه را تخلیه کردیم و در اختیار نیروهای جهادی که مرکب از حرکت اسلامی، حرکت انقلاب و شورای‌نظار و اتحاد بود قرار دادیم.

این امر دلیل بر این بود که ما هیچ‌وقت طرفدار جنگ نبودیم. اگر ما طرفدار بودیم، منطقه‌هایی را که در جنگ گرفته بودیم، در صلح نمی‌دادیم. این مسأله بود که ما انگیزهٔ این جنگ‌ها را تا هنوز نفهمیده‌ایم. اگرچه آقای سیاف خودش در صحبت‌هایش در مجلس حل‌وعقد گفته بود که کابل

را کمونیست‌ها ساخته، باید ویران شود و از نو بسازیم. اگر او این انگیزه را دارد، چرا با ما جنگید که چهار جنگ بین ما و آقای سیاف پیش آمد. در چهار جنگ در روز اول آتش‌بس را قبول کردیم و اعلامیه آتش‌بس را امضاء کردیم. فعلاً هم یک کمیسیون تشکیل شده، بعد از این‌که کابینه دایر شد، آقای سیاف از آقای حکمتیار خواست که بین ما و اتحاد اسلامی میانجی شود.

آقای حکمتیار به حیث صدراعظم رسماً از ما تقاضا کرد که ما می‌خواهیم بین شما و اتحاد اسلامی میانجی شویم و مشکل ما حل شود. ما قبول کردیم و نمایندهٔ خود را تعیین کردیم. دو جلسه زیر نظر آقای حکمتیار در چهار آسیاب دایر شد. ما در آن مذاکرات سه مسأله را مطرح کردیم: یکی این‌که اسرا مبادله شوند، دیگر این‌که راه‌های مناطق آزاد باشد. با این‌که در فیصلهٔ اسلام‌آباد و جلال‌آباد این مسأله ترسیم شده بود، گفتیم برای اطمینان مهاجرین در طرف حائل بین ما و شما حزب اسلامی باشد. مردم ما هم اطمینان می‌کند. بعد از دو سه جلسه آقای سیاف، بااین‌که خودشان خواسته بود که آقای حکمتیار میانجی شود، پیغام داد که ما می‌خواهیم با شما مستقیماً مذاکره کنیم و واسطه نمی‌خواهیم. به آقای مقصودی هم گفته بود که هر قسم می‌خواهید مسأله را حل کنید.

این موضوع را هم قبول کردیم. گفتیم خوب، حالا که این‌ها میانجی نمی‌خواهند، مستقیماً مذاکره می‌کنیم. مستقیماً مذاکره شد. آقای مقصودی و آقای معصوم‌یار از طرف ما به مذاکرات شرکت می‌کردند و از آن‌طرف چند قوماندان و مسئولین اتحاد. این‌ها در جلسهٔ اول نشسته بودند اسنادش موجود است که دست به قرآن رساندند. مسألهٔ اول این بود که بدون قید و شرط اسرا آزاد شوند. اسرا که آزاد شد، بحث دربارهٔ مهاجرین می‌شود. با این‌که ۲۷۰ نفر از مردم ما در نزد آقای سیاف اسیر هستند، اما آن‌ها چهارده نفر را این‌جا برای تبادل آوردند که از چهارده نفر یک نفر آن‌ها از حزب اتحاد[1] خود آقای سیاف بود. حال این فردی را که آورده بودند از مردم افشار بود که از افشار گرفته بودند. این مسأله عملی نشد و باز دوباره جلسه شد. در روزی که مبادله می‌شد، از طرف نیروهای سیاف اخلال شد و فیر و تیرانداز صورت گرفت. در جلسهٔ بعدی هم باز پنج نفر آوردند که مجموعاً نوزده نفر از مجموع ۲۷۰ نفر را آن‌ها آزاد کردند. این مسأله تأخیر افتاد. در درگیری رابطه قطع شد تا این جلسهٔ بعدی که آقای مقصودی با آقای سیاف در گردنهٔ باغ‌بالا ملاقات کرد. بازهم دوباره جلسه دایر شد. گفته شد که یک کمیسیون مشترک از شورای‌نظار،

۱. حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.

اتحاد و حزب وحدت اسلامی به وجود بیاوریم. دولت آتش‌بس اعلام کرد. از آن به بعد پریروز (روز جمعه) بازهم پنج شش ساعت جنگ بود. این وضیعت ما است. ما با اتحاد اسلامی که هر وقت مذاکره خواستند رد نکردیم و از آن استقبال کردیم. نتیجه این‌که که ما هیچ خصومتی نداریم.

سؤال: جناب استاد مزاری در جریانی که صحبت کردید، گفتید که نوزده نفر از اسرای حزب وحدت اسلامی آزاد شده‌اند، بفرمایید از طرف حزب وحدت چند نفر آزاد شده‌اند؟

جواب: ما از اتحاد اسلامی اسیر نداشته‌ایم، باوجود این مسأله بین اسرایی که از دارالامان داشتیم، اعلان کردیم آن‌هایی که خودشان گفتند ما طرفدار آقای سیاف هستیم، سیزده نفر بودند که آزاد شدند؛ چون رسماً تعهد کرده بودیم. ما در مسألهٔ افشار اسیر نگرفته بودیم و در دارالامان هم از اتحاد نیرو نبود.

اما دربارهٔ سؤال قبلی‌تان در رابطه با شورای‌نظار ما در سال ۱۳۶۸ که حزب وحدت تشکیل شد، با شورای‌نظار رابطه داشتیم و در آن روز حزب وحدت به این نتیجه رسیده بود که برادرانی که در خارج هستند، این‌ها به توافق نمی‌رسند و مردم افغانستان جنگ را از داخل شروع کرده‌اند و ثقل جنگ به دوش این‌ها بوده است، ازاین‌رو خود این‌ها باید قضیه را حل کنند و به همین منظور ده هیأت مذاکره‌کننده از جمله یک هیأت در تخار پیش آقای مسعود فرستادیم تا برای هماهنگی عملیات نظامی و برای آیندهٔ افغانستان تصمیم گرفته شود؛ چون در خارج تحت تأثیر کشورهای همسایه نمی‌شد تصمیم گرفت.

سال ۱۳۶۹ یا ۱۳۷۰ بود که هیأت دیگری از ما در پروان با آن‌ها نشستند و در سال ۱۳۷۰ دو تا هیأت در پنجشیر فرستادیم و توافق کردیم که در کابل متفقاً وارد شویم. وقتی که کابل سقوط کرد، نیروهای حزب وحدت اسلامی در این‌جا بودند و با نیروهای جمعیت اسلامی هماهنگی داشتیم؛ ولی متأسفانه آقای مسعود به توافقاتش عمل نکرد تا وقتی‌که جنگ پنجم بین ما و شورای‌نظار پیش آمد، اصل مسأله در این بود که هیأت از شمال به سرپرستی سید منصور نادری از طرف جنبش ملی اسلامی می‌آمد تا با دولت این‌جا مذاکره کند و در مورد موقف و سهم‌گیری آن‌ها در شورای قیادی و دولت تصمیم گرفته شود. نفرهای سید منصور برای ما پیغام دادند که امروز سید منصور به کابل می‌آید و شما اگر خواستید نماینده‌تان را برای استقبال در میدان هوایی بفرستید، ما هم قبول کردیم و یک تعداد مردم ملکی و ریش‌سفیدان به میدان هوایی رفتند.

نیروهای سید منصور به مزار گزارش دادند که در کابل یک‌سری تحرکاتی وجود دارند که درنتیجه سید منصور مسافرت خود را لغو کرد و مردم ملکی ما که از این جا رفته بودند، برمی‌گشتند. افراد سید منصور با شورای‌نظار درگیر شده بودند، در تایمنی هم جنگ شروع شده بود، نیروهای ما از تایمنی کسب تکلیف کردند که نیروهای سید منصور با شورای‌نظار درگیر شده‌اند، ما چه کار کنیم. ما گفتیم که شما میانجی باشید، درگیری نکنید. گفتند حرکت اسلامی درگیری را شروع کرده است. ما گفتیم شما سعی کنید درگیری گسترده نشود. همین‌جا خاموش شود. چنین بود که به یک شکلی درگیری خاموش شد و فردای آن بیش از پنج‌صد نفر از مردم ما را به جرم این‌که هزاره هستند و مریدهای سید کیان‌اند، در شهر توسط شورای‌نظار دستگیر شدند. این مردم را که گرفتند، جنگ در دهمزنگ و سیلو شروع شد. از طرف شورای‌نظار میرهاشم آمد که درگیری ختم شود. او خودش هم می‌گفت من هم تعجب می‌کنم، جنگ با فرقهٔ هشتاد بود، پنج‌صد نفر از مردم شما چرا گرفتار شدند. سرانجام ایشان تلفن می‌زد که ملکی را رها کنید. جنگ خاموش می‌شود و آن روز هم جنگ خاموش نشد.

فردای آن روز در گردنهٔ باغ‌بالا آقای خلیلی را فرستادیم. از طرف ما اعلامیهٔ آتش‌بس امضاء شد و شب هم بنا بود از طریق رادیو پخش شود؛ ولی متأسفانه پخش نشد. اعلامیه‌ای به پشتو در بخش پشتوی تلویزیون و رادیو پخش شد و کاملاً علیه ما یک عبارت نادرستی را پخش کردند و در بخش‌های فارسی این موضوع پخش نشد. فردای آن روز که سوم بود، باز هم با ما قرار گذاشتند که در گردنهٔ باغ‌بالا بیاییم، هیأت ما رفتند و بنا شد از هر دو طرف سنگرها کنترل شوند. از ساعت چهار آمدند و گفتند حالا ناوقت شده است، امشب حتماً اعلامیه پخش می‌شود. فردا در سنگرها نفر می‌بریم که جلو این کارها را بگیرند. بازهم دوباره آن شب اعلامیهٔ آتش‌بس پخش نشد. روز چهارم بود که آقای طالقانی از سوی هیأت جنبش تلفن زد که ما پیش آقای ربانی رفتیم، می‌خواهیم که شما با نمایندهٔشان صحبت داشته باشید. گفتیم بسیار خوب است. آن‌ها آمدند در گردنهٔ باغ‌بالا، ولی از آن‌جا پیش‌تر راه ندادند و آن‌ها برگشتند و بعد ساعت یازده بود که فوزی و خان آقا آمدند که ما پیش آقای ربانی بودیم، از آن‌جا برای میانجیگری آمدیم و می‌خواهیم که بین شما آتش‌بس ایجاد کنیم. به آن‌ها گفتیم که آتش‌بس را با آن‌ها امضاء کرده بودیم، از رادیو و تلویزیون پخش نکردند، حالا که شما آمدید اختیار دارید و نیروهای شما بین نیروهای ما و نیروهای شورای‌نظار حائل شوند، ما قبول داریم و طرفدار جنگ نیستیم؛ ولی این‌ها از این‌که

اعلامیهٔ آتش‌بس را نشر نکرده‌اند، پیدا است که حاضر به آتش‌بس نیستند. بعد این‌ها رفتند و ساعت سه بود که با ما تماس گرفتند که این‌ها قبول کرده‌اند، شما آماده باشید که نیروهای ما برای حائل شدن می‌آیند و سپس نفر با صلاحیت شما با ما همراه باشد. گفتیم خیلی خوب است تا ساعت چهار شد، همین‌طور می‌گفتند که شما آماده باشید و ساعت پنج بود که فوزی با ما تماس گرفت که نیروهای ما از مزار با جنرال مجید آمده‌اند، می‌خواستند در مقر ما بیایند که شورای‌نظار با ما درگیر شدند، نیروهای ما را کمین زدند و این‌که ما بیاییم بین شما حائل شویم، منتفی شده است و ما اکنون درگیریم. این بود که در ظرف چند ساعت چندین پایگاه شورای‌نظار را آنان گرفتند و شب همین روز اعلامیهٔ آتش‌بس از رادیو خوانده شد. اعلامیه‌ای که ما سه روز پیش امضاء کرده بودیم، آن شب اعلان شد. دلیل این‌که ما طرفدار این جنگ نبودیم، با این‌که یک پایگاه در چنداول برای حفاظت مردم داشتیم که چهل نفر بیشتر نبودند، این‌ها آن‌جا را با تانک زدند، مسجد را گلوله باران کردند، خانه‌های مردم را زدند. بازهم مردم ما به خاطر آتش‌بس شادیانه فیر کردند. فیرهای هوایی کردند. با درگیری جنبش این آتش‌بس ایجاد شد. آتش‌بس که شد، سه روز بعد آقای فاضل و آقای صادقی با آقای ربانی ملاقات کردند که صلاح نیست این درگیری‌های ایجاد شوند. بعد از این جلسه تقاضا شد که ما هم با آقای ربانی بنشینیم تا این‌که در گردنهٔ باغ‌بالا نشستیم و در آن‌جا آقای ربانی گفت که قضیهٔ چنداول چیزی خوب نبود و منطقهٔ غیرنظامی زده شد. خساراتی که به این مردم وارد شده‌اند، ما این خسارات را می‌دهیم. از آقای فاضل خواست که شما این خسارات را ببنید و بشمارید، زمینه فراهم کنید. ما حاضریم با مردم صحبت کنیم. ما هم قبول کردیم. فیصله شد اسرایی که دو طرف گرفته بودند، آزاد شوند. در پایان کمیسیون تشکیل دادند، لیست خسارات را به آن‌ها دادیم، عمل نکردند. دوباره وقتی جنبش و حزب اسلامی میانهٔشان با شورای‌نظار به هم خورد، آقای ربانی احساس می‌کرد که این‌ها مشترکاً عمل می‌کنند، طرح چهارجانبه را قبول کرد تا چهارجانبه مسأله حل شود. حزب وحدت، حزب اسلامی، جمعیت و جنبش و دیگران را هم در کابینه شریک بکنند. پیش از مجلس حل‌وعقد کتباً این مسأله را امضاء کردند. آقای ربانی هم امضاء کرد. بعد که ما با آقای حکمتیار تماس گرفتیم، آقای حکمتیار گفت که من به آقای ربانی اعتماد ندارم؛ ولی از این‌که حزب وحدت پادرمیانی می‌کند، قبول دارم. این را کتباً از آقای ربانی گرفتیم. از حزب اسلامی، جنبش و حزب وحدت هیأت تعیین شد؛ ولی از جمعیت کسی نیامد. در آخر مجلس حل‌وعقد را دایر کردند، هفت نفر

از رهبران و تنظیم‌های جهادی این مسأله را رد کردند و گفتند که باید دایر نشود. این دو تنظیم آمدند و دایر کردند و در آن‌جا آقای ربانی در بیانیه‌اش اعلان کرد که ما مناطق کوته‌سنگی و پوهنتون را می‌گیریم. این بیانیهٔ رسمی‌اش بود. چنین بود که پس از مجلس حل‌وعقد یک مقدار از منطقهٔ حزب اسلامی را اشغال کردند که حزب اسلامی دوباره در جنگ مناطق‌شان را پس گرفتند و این جنگ دوام پیدا کرد.

شما می‌دانید که رابطهٔ فرهنگی ما با ایران مسأله‌ای است که کسی نمی‌تواند انکار کند و تمام مردم افغانستان در آن شریک هستند. در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جهان اسلام و ایران هماهنگی‌هایی دارند. در همین روز بیست‌ودوم دلو (بهمن) این‌ها سر افشار حمله کردند و چند قوماندان خائن را خریدند و این فجایع پیش آمد. در جنگ نظامی زیاد مهم نیست، یک سنگر از دست برود و یک وقت هم سنگری گرفته شود. در مسائل نظامی یک چیز طبیعی است؛ ولی این وضع که بر سر مردم آمد، چه آن‌هایی که بی‌طرف بودند و چه آن‌هایی که در تنظیم‌ها وابسته بودند، اسیر شدند، چور و چپاول شدند. این مسائل بسیار دور از انصاف و دور از حریم جهاد بود. ۷۲۰ نفر از مردم ما را از افشار اسیر کردند که آن‌ها تا حال اسیر هستند.

آقای عزیز مراد در جلال‌آباد به آقای خلیلی گفته بود که ما برای شما دیگر حق قائل نیستیم؛ یعنی همین که در کابل زندگی می‌کنید، کافی است. بعد صد قوماندان شورای‌نظار جمع شدند تا به دشت‌برچی همانند افشار حمله کنند. این در حالی بود که رهبران در جلال‌آباد نشسته بودند و روی موضوع صلح صحبت می‌کردند؛ ولی شورای‌نظار جنگ را طرح‌ریزی می‌کرد.

در آن طرف، معاون جنرال مؤمن آمد که قوماندانان ما را نیروی شما گرفته‌اند، در صورتی که پنج ماه راه‌های دارالامان در دست آن‌ها بود و ما احترامی که به جنبش داشتیم، تدارکات نظامی آن‌ها را مانع نشدیم، فقط می‌گفتیم ما با شورای‌نظار خوب نیستیم و شما کاری نداشته باشید. در حالی که می‌دانستیم که فرقهٔ هفتاد با شورای‌نظار در دارالامان کمک می‌کند. بازهم آن‌ها را کار نگرفتیم. و مانع نمی‌شدیم. وقتی آن‌ها آمدند و گفتند که چند قوماندان ما را نیروهای شما گرفته‌اند، تعجب کردیم. آن‌ها از مسعود دستور داشتند و در دارالامان جلسه کرده بودند و تصمیم داشتند که با ما بجنگند. چون ما طرفدار جنگ نبودیم، گفتیم که قوماندانان ما این کار را نمی‌کنند و نخواهند کرد. وقتی که شما شک دارید، هیأت تشکیل شود و پوسته‌ها را بررسی کند. آن‌ها قبول کردند و رفتند تمام پوسته‌ها را از نزدیک دیدند؛ ولی پیدا نکردند، در نتیجه نفرهای ما را از

این‌طرف و آن‌طرف گرفتند. راه چهارآسیاب را بستند، مجبور شدم، جنرال شکور را گفتم که شما می‌دانید ما با شما روابط خوبی داریم. شما چرا دست به چنین کارهای جنگ‌طلبانه می‌زنید؟ و اگر شما را بگیریم، چه می‌شود. آن‌ها گفتند احساسات بچه‌ها کنترل نمی‌شوند و ما کنترل کرده نمی‌توانیم.

در این وقت موتر خرج آن‌ها را که کاملاً تجهیزات نظامی بار بود، بچه‌های ما از راه گرفتند، جنرال شفیع آمد که موتر خرج ما را رها کنید، ما هم رها کردیم؛ ولی آن‌ها مردم ما را رها نکردند.

لهذا ما دیدیم که آن‌ها تصمیم جنگ گرفته‌اند و وزیر به اصطلاح دفاع هم به این‌ها دستور داده بود که علیه ما بجنگند. ما گفتیم باید با جنبش تماس بگیریم که آیا جنرال مؤمن تحت قومنده شما است یا نیست، اگر تحت قومانده شما است جلوش را بگیرید و اگر تحت قومنده شما حرکت نمی‌کند، بعد درگیری باعث تیرگی روابط ما با جنبش نشود. آن‌ها به ما خبر دادند که جنرال مؤمن تحت قومانده ما نیست. گفتم حال که تحت قومنده شما نیست، فرماندهان این‌جا کدام یکی تحت قومنده شما است. آن‌ها گفتند که جنرال اکرم رابطه‌اش با حزب وحدت خوب است. حزب وحدت همکاری می‌کند. رئیس ارکان جنرال اکرم را خواستم و گفتم که شما با جنبش هستید و ما با شما کاری نداریم. تنها جنگی که تصمیم گرفته بودیم، وارد عمل شویم، جنگ دارالامان بود و هیچ راهی دیگر برای ما نبود.

از ساعت هفت که عملیات را شروع کردیم تا ساعت دو به استثنای ریاست پنج بقیه جاها را تصرف کردیم و فقط ریاست پنج باقی ماند و در روز دوم جنگ ریاست پنج هم تصفیه شد. بعد آن‌ها از زمین و هوا مناطق مسکونی ما را کوبیدند که در این جنگ یک هزار نفر کشته و زخمی شدند. شما شاید باور نکنید که فیلم جنگ جهانی را به یاد می‌آورد. در این جنگ فقط بمب اتم استعمال نشد که آن هم نبود. وقتی که ما آتش‌بس را قبول کردیم و تا وقتی‌که جنرال دوستم آمد، در حال آتش‌بس که دنیا هم می‌گفتند که آتش‌بس برقرار شده است، از مردم غیرنظامی چهارهزار نفر زخمی داشتیم؛ یعنی در جنگ ده روز یک هزار نفر زخمی شده بودند و در زمان آتش‌بس هم چهارهزار نفر زخمی شده بودند و هر روز از رادیو و تلویزیون اعلان می‌کردند که حزب وحدت آن‌طرف را با راکت می‌زند و آتش‌بس را نقض می‌کند تا وقتی‌که جنرال دوستم آمد. جنرال دوستم گفت که من میان شما میانجیگری می‌کنم و طرفدار جنگ نیستم. من هم گفتم که ما هم طرفدار جنگ نبوده و نیستم و شما نیروها خود را به‌عنوان حائل بیاورید که جنگ ختم شود

و از آن روز به بعد جنگ قطع شد. در روز دوم و سوم گفتند که اسرا را تبادله می‌کنیم. ما پنجاویک نفر از دارالامان اسیر نظامی داشتیم. اصلاً ما به اسیرگیری معتقد نیستیم. مسلمان، مسلمان را نمی‌توانند اسیر بگیرند؛ ولی متأسفانه در چهارده ماه گذشته وضعی که در کابل پیش آمد، مجبور شدیم، اسیر گرفتیم. باور کنید از دارالامان کابل و گذرگاه که در دست ما است، غیر از نظامی کس دیگری را اسیر نگرفتیم. باور کنید که از افشار بیش از چند صد نفر اسیر شدند و تا حال بیش از یک ماه می‌شود که از طرف شورای‌نظار کسی حاضر نشده است که اسرا را تبادله کند. ما از اول طرفدار جنگ نبودیم و با هیچ‌یک از تنظیم‌ها درگیری نداشتیم و با جریان‌های جهادی رابطهٔ ما حسنه است و مسائلی در بین خود نداریم. همین‌طور با مسأله مولوی صاحب یونس خالص در عین حال که می‌گفت من شیعه را در افغانستان قبول ندارم؛ ولی با این همه ما با او جنگ نداریم. ما هم یک جزئی از ملت مسلمان افغانستان هستیم. این مربوط به آن‌ها است که ما را قبول دارد یا ندارد؛ اما ما به‌عنوان یک عضو از جامعهٔ افغانستان باید در دولت آینده شریک باشیم و باید طبق نفوس مردم ما، به ما حق داده شود و نمی‌خواهیم به کسی ظلم بکنیم و هم نمی‌خواهیم مورد ظلم کسی دیگر قرار بگیریم.

سؤال: روابط شما با حرکت اسلامی چه‌طور است؟ اگر ممکن است توضیحاتی ارائه بفرمایید.

جواب: ما با حرکت اسلامی چون مردم ما یکی است، هیچ‌گونه نزاع نداریم. تمامی ما یکی هستیم.

سؤال: سروصداهایی شنیده می‌شود که گویا اختلاف‌های سیاسی میان حزب اسلامی، وحدت اسلامی و حرکت اسلامی وجود دارد در این باره نظر شما چیست؟

جواب: هرکسی برای جامعه و بافت جامعهٔ خود برداشتی مستقلی دارد و این از خصلت انسان‌ها است. اختلاف در برداشت چه سیاسی و چه اجتماعی وجود دارد و طبیعی هم است؛ ولی ما هیچ اختلاف سیاسی و نظامی باهم نداریم؛ چون مردم ما یکی است در این چهارده ماه هیچ‌گونه اختلاف بین مردم ما نبوده است. ممکن است یک کسی یا یک تنظیمی با دیگری نزدیک‌تر و یا دورتر باشد، این‌ها یک چیزی طبیعی است. اختلاف نظر از فطرت انسان‌ها است.

سؤال: در رابطه با مذاهب شیعه و سنی در افغانستان چه نظر دارید؟

جواب: شیعه و سنی یک واقعیت خارجی است که امروز هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند. چه کسی در قانون اساسی یک مذهب را به رسمیت بشناسد و یا نشناسد. پیروان آن مذهب پیروی

از مکتب‌شان می‌کنند؛ یعنی حالا هم در افغانستان اگر مذهب تشیع مثل برادران مذهب تسنن رسمیت داشته باشد، خوب است که باید باشد. سنی در افغانستان یک واقعیت است، همان‌طور که شیعه یک واقعیت است. ما انتظار داریم بعد از چهارده سال جهاد، مردم ما این شجاعت و شهامت را در دنیا اثبات کنند و این مشکل جهان اسلام را در افغانستان حل کنند و اعلام کنند که بین شیعه و سنی هیچ فرقی نیست؛ یعنی یکی هستیم هر دوی ما مراسم خود را رسمی انجام می‌دهیم تا این پرده‌ای را که استعمار ترسیم کرده است، از دست استعمار در سطح بین‌المللی بگیریم تا دیگر این مسائل مطرح نشود. به خاطر اختلاف شیعه و سنی انقلاب ما ضربه خورده است، صحبت‌هایی که داشتیم، آقای حکمتیار گفت این حق شما است و کسی نمی‌تواند حق شما را سلب کند. آقای ربانی و مسعود این مسأله را قبول کردند که این حق طبیعی شما است و جنبش هم در خط‌مشی خود اعلان کرده است که این مسأله از نظر ما هیچ اشکال ندارد و می‌خواهیم مسئولین جهاد، مردم افغانستان درایت به خرج بدهند، این مشکل و معضل را که استعمار خلق کرده است و فوق‌العاده تبلیغ هم می‌کند، حل کنند. یک حکومت نمونه‌ای در جهان اسلام بسازند که بین شیعه و سنی هیچ اختلافی نباشد. تضاد مذهبی طبیعی است و بین مذاهب است. در بین مذاهب اختلاف‌های فردی رهبران مذهبی وجود دارد. چهار مذهب که برادران اهل تسنن دارند، استنباط و نظرشان هیچ‌وقت یکی نیست و نبوده است؛ یعنی اختلاف است، باید مسئولان تلاش کنند که به جنگ نینجامد و مورد سوءاستفادهٔ دشمنان قرار نگیرند.

سؤال: استاد مزاری محترم در مناطق دشت‌برچی، کارته‌سه و قلعه‌شاده خانه‌ها مردم در اثر جنگ به‌کلی تخریب شده‌اند و دولت بیانیه داده بود که ما خسارات خانه‌های تخریب شده را می‌پردازیم. ما می‌دانیم که از توان دولت برون است. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: برای اعمار مجدد خانه‌های تخریب شدهٔ مردم که از جنگ صدمه دیده‌اند، این وظیفهٔ تخریب‌کننده است که باید خسارت بپردازد و باید هم حل شود. متأسفانه نه از مجاهدین بین‌المللی در این رابطه کمک‌هایی گرفته شده‌اند و نه از طرف دولت و اگر یک مقدار بررسی بکنند، مصارفی را که برای نظامیان مصرف می‌کنند و در جاهای غیرضروری به کار می‌گیرند، اگر این مصارف را برای مردم بیچاره که خانه‌های‌شان را از دست داده‌اند، مصرف شود، قدری از مشکلات آن‌ها حل خواهند شد. افغانستان اکنون هیچ درآمد ملی ندارد. در سال گذشته بودجه‌ای که از طرف هیأت دولت تخصیص داده شده بود، پنجاه میلیارد افغانی از درآمد مردم

خود افغانستان در نظر گرفته شده بود و سیصدوپنجاه میلیارد دیگر بنا بود چاپ شوند و پولی که چاپ شد، متأسفانه میلیاردها افغانی بوده است. چاپ کردن پول بی‌پشتوانه که ساده است. بیایند به عوض مصرف این پول‌ها در جنگ‌های داخلی آن را مصرف عمران و آبادانی خانه‌های خراب شدهٔ مردم کنند و معتقدم این پول‌ها که برای مصارف نظامی مصرف می‌شوند، می‌توانند مشکل حال مردم را حل کنند. اگر چند چاپ پول بدون پشتوانه یک فاجعه است؛ ولی همین پول به جای این‌که برای تخریب مملکت مصرف شود، بهتر است بالای آبادانی جامعه مصرف شوند و در غیر این صورت وضعیت مردم افغانستان بدتر خواهد شد.

سؤال: استاد محترم، دانشگاه یکی از نهادهای فرهنگی ما است که تحت کنترل حزب وحدت اسلامی است و اخیراً خبر شدیم که دانشگاه از نیروهای‌تان تخلیه شده است و به دست رئیس وزارت تحصیلات عالی گذاشته شده است تا دوباره فعال شود، این طور شنیده می‌شود که شما علاقه‌مندی به تخیلهٔ دانشگاه نداشتید و گویا در اثر اعمال نفوذ جنبش، دانشگاه را تخلیه کردید، در این باره نظر شما چیست؟

جواب: این مسأله اشتباه است. برای این‌که ما سال گذشته هم استادان و مسئولین دانشگاه را خبر کردیم که از طرف ما هیچ مانعی نیست، بیایید دانشگاه را باز کنید که متأسفانه آن‌ها در سال گذشته در اثر جنگ‌های پی‌درپی نتوانستند دانشگاه را باز کنند. امسال پیش ما آمدند. ما با آقای حسن‌یار ملاقات کردیم. سه ماه پیش گفتم که دانشگاه در اختیار شما است. بروید بازگشایی کنید. باز در این اواخر که آمد ما به ایشان گفتیم دانشگاه آزاد است و از طرف ما هیچ مانعی نیست و دست‌های مغرض که کار می‌کردند، این‌ها تبلیغات کرده بودند که حتی کتاب‌های دانشگاه را حزب وحدت به ایران فروخته است و به ایرانی‌ها داده است. ما خبرنگاران را دعوت کردیم که آن‌ها آمدند، کتاب‌ها را هم در این‌جا دیدند و هم فیلم گرفتند. فهمیده شد که این یک توطئه‌ای بیش نبوده است و هرکس به سرمایه‌های ملی خیانت کند، یک روزی برای مردم افغانستان روشن خواهد شد. ما هیچ وقت با مسألهٔ دانشگاه به عنوان یک مسألهٔ فرهنگی و یک منبع فرهنگی که حیات مردم افغانستان به آن بستگی دارد، مانع نتراشیدیم و به عنوان یک وظیفهٔ ملی و اسلامی وظیفه ما است که دانشگاه باید باز شود تا نسل جوان افغانستان تحصیل بکنند و آیندهٔ افغانستان در اختیار این‌ها است و سرنوشت افغانستان را جوانان افغانستان تعیین می‌کنند و نباید بی‌سواد بمانند. جنبش در رابطه با دانشگاه با ما صحبت نداشت و جنبش فقط میانجی بین

ما و شورای‌نظار است و خودش هیچ‌وقت اعمال نظر نمی‌کند؛ منتهی بحث‌هایی که ما داشتیم کوه‌ها اگر تخلیه شوند، دانشگاه هم غیرنظامی می‌شود، هیچ مشکل ندارد. در کابل باید جنگ تمام شود، نباید خطری دانشگاه را تهدید کند. ما معتقد به نظامی‌کردن کابل نیستیم و نمی‌خواهیم کابل نظامی شود؛ ولی وقتی آن‌ها کوه‌ها را تخلیه کنند، منطقهٔ امن در اختیار مسئولین دانشگاه بگذارند، درس‌ها راحت جریان خواهند یافت. روی این مسأله جنبش هم توافق کرده بود، از بالای کوه‌های دانشگاه، سنگرها باید تخلیه شوند و دربارهٔ این مسأله کمیسیون مذاکره دارد که تا هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است و برادران حاضر به تخلیه کوه‌ها نشده‌اند. امیدواریم که این مسأله حل شود و آن‌ها کوه‌ها را تخلیه بکنند و خطر جنگ که منتفی شود، ما سنگرهای خط اول را از نظامی‌ها تخلیه می‌کنیم و منطقه کاملاً غیرنظامی خواهد شد؛ ولی اگر آن‌ها کوه‌ها را تخلیه نکنند، ما غیر از این‌که سنگرهای خط‌مقدم را حفظ کنیم و ساحهٔ دانشگاه را برای استادان تخلیه بکنیم، راهی نداریم. در این مورد، جنبش هیچ‌گونه دخالتی نداشته است و نظری نداشته است. جنبش میان ما و شورای‌نظار میانجی بوده است و ما این میانجی‌گری را قبول داریم و مذاکرات هم ادامه دارد. امیدوار هستیم که در آینده مشکلات حل شود.

سؤال: مناسبات حسنه بین شما و جنبش وجود دارد، در این رابطه استراتیژی حزب وحدت چگونه است؟

جواب: ما براساس استراتیژی که حزب وحدت دارد، حق و وظیفهٔ خود می‌دانیم که از جنبش حمایت بکنیم و جنبش هم باید در دولت افغانستان سهم داشته باشد و برای مردمش حق می‌خواستیم. ما به عنوان یک وظیفه در چهارده ماه گذشته از جنبش حمایت سیاسی کردیم و از حقوق‌شان دفاع کردیم؛ لهذا ما چون همهٔ ملیت‌های افغانستان را برادر می‌دانیم و وظیفهٔ برادری است که از یکدیگر دفاع بکنیم. ما طرفدار ظلم یک ملیت بر ملیت دیگر نیستیم و در این جهت متقابلاً جنبش با ما روابطش حسنه بوده است.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شماره‌های ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶ دوشنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه ۱۵، ۱۷. ۱۳۷۲/۶/۲۰.

(۶۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران روزنامه‌های هیواد، انیس و هفته‌نامهٔ مجاهد

یک‌شنبه ۱۳۷۲/۶/۲۱

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر روز یک‌شنبه، خبرنگاران روزنامه‌های هیواد، انیس و نشریهٔ مجاهد را به حضور پذیرفت و به سؤالات مختلف آنان پاسخ گفت.

خبرنامهٔ وحدت در همین شماره و شماره‌های آینده متن کامل این مصاحبه را به‌طور مسلسل نشر خواهد کرد.

خبرنگار انیس: امضای توافق‌نامهٔ جلال‌آباد به این خاطر که همهٔ رهبران و نمایندگان احزاب آن را امضاء کرده بودند، یک گام مثبت بود که باید عملی می‌شد. متأسفانه تاکنون به‌طور دقیق عملی نشده است.

استاد مزاری: اولین کسانی که با موافقت‌نامه مخالفت کردند، خود رهبران بودند؛ چون توافق کرده بودند که در ظرف یک هفته به‌خاطر عملی شدن توافقات به کابل بیایند؛ ولی تعدادی از رهبران تا حالا هم که چندین ماه از توافقات می‌گذرد، نیامده‌اند. کسی که خودش به‌عنوان مسئول تنظیم نسبت به امضای توافقش تعهد ندارد، از کسانی دیگر نیز نمی‌توان انتظار داشت. مشکل دیگری هم که در این‌جا پیش آمده است، پیش‌بینی نادرستی بود که رهبران در جلال‌آباد داشتند و آن هم مسألهٔ وزارت‌های دفاع و داخله بود که توافق شده بود بعد از دو ماه از هر ولایت دو نفر از قوماندانان در کابل جمع شوند و وزیر دفاع و داخله را انتخاب کنند، که رهبران انجام این کار را یا از اول تصمیم نداشتند و یا تصمیم داشتند؛ ولی شرایط و وضعیت موجود کشور را درک نکرده بودند. این فیصلهٔ آن‌ها درحالی صورت گرفت که در کابل یک حکومت مقتدر و امنیت نسبی برقرار نشده است. چه رسد به ولایاتی که قوماندانان را در کابل بفرستند. این یک کار غیرعملی بود و مشکل ممکلت هم سر وزارت‌های دفاع و داخله است؛ چون مسأله امنیت و جنگ مربوط به وزارت‌خانه‌ها است و رهبران محترم نیز تصمیم نداشتند این مسأله حل شود؛

لذا برای اغفال مردم مصوبه‌ای را امضاء کردند و یا درک صحیح از اوضاع نداشتند؛ چون در صورتی‌که واحدهای اداری ولایات درست نشده‌اند، شورای جهادی تشکیل نگردیده است و در خود کابل این مسأله تاکنون تحقق پیدا نکرده است، چه‌طور ممکن است در ولایات درست شود و در ظرف دو ماه به کابل بیایند و وزیر دفاع و داخله را انتخاب کنند؟

مسأله دیگری که باز هم مورد توافق رهبران قرار گرفته بود، ادارهٔ پنج وزارت‌خانه دفاع، داخله، مالیه، خارجه و اطلاعات و فرهنگ توسط کمیسیون بود. مفهوم این کار این بود که این وزارت‌خانه‌ها کلیدی‌اند و باید توسط کمیسیون و تمام احزاب مسائل وزرات‌خانه‌ها حل شوند. از آن روز تا حال در وزارت خارجه و اطلاعات و فرهنگ اصلاً این کمیسیون تشکیل نشده است. کمیسیون‌های وزارت دفاع و داخله هم وظیفهٔشان این شده است که مصارف آن وزارت‌خانه‌ها را امضاء کنند، در حالی که وظیفهٔ اصلی آن‌ها این بود که روی تشکیل اردوی ملی بحث کنند تا سلاح‌های ثقلیه جمع شوند و یک اردوی منظم و اسلامی به وجود بیاید؛ ولی از آن روز تا حالا یک قدم در این راستا برداشته نشده است و فقط برای تبلیغات چند جلسه‌ای دایر کردند و فیصله کردند که یا سلاح‌ها جمع آوری شوند و یا در نقطه‌ای که پایتخت را تهدید نتوانند جمع‌آوری شوند؛ ولی برای کمیسیون‌ها هیچ‌گونه صلاحیتی داده نشده است. به این خاطر باوری که مردم و احزاب از توافقات جلال‌آباد داشتند، عکس آن عمل شد. احزاب روی این موضوع نزاع نداشتند که پولی که برای وزارت تخصیص داده می‌شد، برای آن وزارت مصرف می‌شود یا نه و بر آن نظارت داشته باشند؛ بلکه برداشت مردم و احزاب این بود که کمیسیون وزارت دفاع روی تشکیل اردوی اسلامی که مرکب از تمام احزاب باشد کار کند؛ ولی می‌بینیم که بیش از صدوپنجاه قطعهٔ جدید در تشکیلات وزارت دفاع افزوده می‌شود و برای آن‌ها بودجه تخصیص داده می‌شود. در حالی‌که اکثریت قاطع این قطعات مربوط یک حزب است و از مجموع این صدوپنجاه قطعه ده تای آن مربوط باقی احزاب نخواهد شد؛ لهذا در رابطه با تشکیل اردوی اسلامی هیچ بحثی صورت نگرفته است و نتوانستند در ظرف این مدت هیچ کاری انجام دهند. عین مسأله در وزارت داخله نیز جریان داشت و دارد. توافق دیگر رهبران محترم احزاب تشکیل شورای عالی نظارت بر دولت بود که در این شورا به علاوهٔ رهبران احزاب قرار بود، دوازده نفر دیگر از صاحب‌نظران مملکت عضویت داشته باشند تا بر اعمال دولت نظارت کنند؛ ولی تا امروز نه رهبران جمع شدند و نه این شورا تشکیل شد.

مسأله دیگر تفکیک صلاحیت‌های رئیس جمهور و صدراعظم بود که عملی نشد. حالا نیز تمام مشکلات موجود کابینه و دولت به همین خاطر است که رئیس جمهور و صدراعظم وظایف‌شان مشخص نیست و این مسأله رعایت نمی‌شود. در تعیینات مشکل وجود دارد و در تخصیص بودجه مشکل وجود دارد و در خیلی جاهای دیگر. مثلاً آقای ربانی بودجهٔ وزارت دفاع را یک‌صدوشانزده میلیارد افغانی تعیین می‌کند. بودجه‌ای که بیشتر از بودجهٔ وزارت دفاع زمان داکتر نجیب است؛ ولی از طرف کابینه این مسأله پذیرفته نشد.

به این دو دلیل توافق‌نامهٔ جلال‌آباد عملی نشده است؛ اما به این خاطر که پس از توافقات، جنگی در کابل پیش نیامد، یک نقطه مثبت برای مردم ما بوده است؛ ولی در کل به توافقات عمل نشده است و در آینده هم اگر شورای علی نظارت تشکیل شود و بر اعمال دولت کنترل داشته باشند و رئیس‌جمهور و صدراعظم را به وظایف‌شان توظیف کنند، یک امیدی هست و الا اگر این مسأله تحقق پیدا نکند، این وضعیت تغییر خواهد کرد و قابل دوام نخواهد بود.

خبرنگار انیس: شما دلایل مختلفی را در جهت عملی‌نشدن موافقت‌نامهٔ جلال‌آباد برشمردید. به نظر شما راه بیرون‌رفت از این بن‌بست چه خواهد بود؟

استاد مزاری: بهترین راه بیرون رفت از وضعیت فعلی، پذیرش هم‌دیگر توسط تمامی جوانب دخیل در قضایای افغانستان است. شما ببینید در کشورهای مختلف جهان، اعم از اسلامی و غیراسلامی تمام ویژگی‌هایی که کشور ما دارند، دیگر کشوها نیز دارند؛ یعنی اگر در افغانستان احزاب، اقوام و مذاهب مختلف وجود دارند، در دیگر کشورها نیز چنین است؛ چون در دیگر کشورها هم‌دیگر را تحمل می‌کنند و هم‌دیگر را به عنوان یک واقعیت قبول دارند، هیچ‌کدام از این موارد باعث اختلافات و درگیری نشده است و حقوق همه محفوظ بوده است. تنها مسأله‌ای که در افغانستان باعث اختلافات و درگیری‌ها شده است، انحصارطلبی‌ها و عدم پذیرش یکدیگر است. حالا اگر این انحصارطلبی و عدم‌پذیرش در مسأله قومیت باشد و یک قوم بخواهد قوم دیگر را حذف کند. آن قوم دیگر در مقابل قوم مهاجم می‌ایستد. همین‌طور در مورد مذهب و حزب نیز چنین خواهد بود.

لهذا راه‌حل مسأله افغانستان پذیرش یکدیگر است. همهٔ اقوام ساکن در افغانستان حداقل سیصد سال در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و با هم برادر بوده‌اند. امروز هم بیایند حرف یکدیگر را برادروار بپذیرند و در کنار هم زندگی کنند. احزابی که در افغانستان به وجود آمده‌اند و چهارده

سال مبارزهٔ مسلحانه را مشترکاً پیش برده‌اند، اگر حالا نیز هرکدام طبق حقوق و موجودیت‌شان، در نظر گرفته شود، اختلافات دیگر وجود نخواهد داشت. از وقتی که نام افغانستان بر این کشور گذاشته شده است، دو تا مذهب در این کشور بوده است (شیعه و سنی) و تا حال هم‌دیگر را نفی نکرده‌اند. هرکس در این کشور چه از نظر حزبی، قومی یا مذهبی بخواهد انحصارطلبی کند، اختلاف پیش می‌آید؛ لهذا ما می‌گوییم بیایید هم‌دیگر را بپذیریم و برای هرکس حقوقش را در نظر بگیریم. نه بر کسی ظلم کنیم و نه ظلم را بپذیریم. این مسأله اگر عملی شود، معضل افغانستان حل خواهد شد، در غیر این صورت چون همهٔ مردم افغانستان مسلح هستند راه بیرون رفت وجود ندارد.

خبرنگار انیس: آیا به نظر شما در شرایط فعلی افغانستان انتخابات برگزار خواهد شد؟ و در نحوهٔ برگزاری انتخابات نظر شما چیست؟

استاد مزاری: باز هم همان مسأله قبلی مطرح است. اگر احزاب هم‌دیگر را بپذیرند و از مظالم گذشته که بر این مردم روا داشته شده است، صرف نظر کنند و راهی در انتخابات پیش گرفته شود که حقوق تمام ملیت‌ها تأمین شود، هیچ قومی بر قوم دیگر ظلم نکند و هیچ حزبی بر حزب دیگر ظلم نکند و انتخابات را آزاد و عادلانه برگزار کنند و اگر احزاب بر برگزاری انتخابات صادقانه توافق کنند و به آن توافق خود پای‌بند باشند، برگزاری انتخابات را مشروط به جمع آوری سلاح‌های ثقلیه کنند، انتخابات برگزار خواهد شد. در غیر آن صورت، انتخابات برگزار نخواهد شد؛ چون تمام این حرف‌ها برای انحصارطلبی در قدرت و برای تقلب است. اگر بنا باشد احزاب تعهد نداشته باشند با سلاح خفیفه هم می‌شود جلو برگزاری انتخابات را گرفت. اگر سلاح‌های خفیفه جمع شوند با چوب و چماق هم انتخابات را می‌توانند به هم بزنند. این‌که احزاب طبق خواست مردم حرکت می‌کنند یا نه مربوط به احزاب است؛ ولی شرایط افغانستان برای انتخابات فراهم است، اگر زور و اجبار و ظلمی نباشد و مردم را آزاد بگذارند، ظرف سه روز انتخابات تمام خواهد شد.

در راه برگزاری انتخابات در کشور چند مشکل عمده و اساسی وجود داشت که ما با درنظرداشت این مشکلات طرح انتخابات را تدوین کردیم و به کمیسیون انتخابات تسلیم کردیم. یکی از مسائل، موضوع واحدهای اداری سابقه بود و اکثر مردم و احزاب این واحدها را ظالمانه می‌دانند و آن را قبول ندارند. مثلاً در واحدهای اداری گذشته یک واحد پنج‌هزارنفری

نفوس دارد و یک واحد دیگر یک‌صدوشصت‌هزار نفوس دارد؛ اما در انتخابات از هر دو واحد یک‌یک نماینده تعیین می‌شد؛ که این مسأله غیرقابل قبول است. مسأله دیگر تعیین میزان نفوس در کشور است که تاکنون نفوس‌شماری دقیق صورت نگرفته است. در سال ۱۳۵۱ که در آن زمان عبدالواحد خان سرابی وزیر پلان بود از طرف فرانسوی‌ها یک بودجهٔ تخصیص داده شد که فقط سروی شد، نه نفوس شماری. از سال ۱۳۵۸ هم در مناطق زیادی توسط دولت کمونیستی روی همان سروی که از طرف فرانسوی‌ها صورت گرفته بود جاهای دیگر را نیز نفوس‌شماری صورت گرفت. آمریکایی‌های طبق همین سروی که شده بود، محاسبه کردند و کثرت و تلفات نفوس را در نظر گرفته و یک میزان را تعیین کردند که همین میزان نفوس را که آمریکایی‌ها هم تعیین کرده‌اند، عادلانه نبوده است. مثلاً یکه‌ولنگ در طول ده سال با آن جمعیت عظیمی که دارد، هیچ تغییر نکرده است. این چگونه ممکن است؟ و مشکلات دیگر در راه برگزاری انتخابات که در طول تاریخ افغانستان موجود بوده است، مسأله کوچی‌ها است؛ یعنی در افغانستان تا کنون تعداد نفوس کوچی‌های سروی نشده است که در دولت‌های گذشته از این‌ها به‌عنوان یک اهرم سیاسی استفاده می‌کردند.

دولت نجیب وقتی تصمیم گرفت از کوچی‌ها تعداد تقریبی نفوس آن‌ها را به دست بیاورد، چند هلیکوپتر را فرستادند تا غژدی کوچی‌ها را حساب کنند و پس از غژدی‌های آنان تعداد تقریبی که آن‌ها اعلان کردند، هشتاد هزار نفر بوده است. در حالی‌که در طول تاریخ کشور نفوس آن‌ها دو میلیون نفر ذکر شده است، بدون کدام مدرکی. این مشکلات موجود است و هیچ‌کسی نمی‌گوید فعلاً یک سرشماری عادلانه صورت بگیرد؛ چون ممکن نیست؛ زیرا مهاجرین برنگشته‌اند و واحدهای اداری نیز تغییر نکرده‌اند؛ لهذا ما با درنظرداشت این مشکلات طرحی را تدوین کردیم و گفتیم باید در انتخابات احزاب و افراد مستقل کاندید شوند و یک حوزهٔ مرکزی به وجود بیاید که سایر شعبات را اداره کند. طبق این طرح وقتی یک رئیس جمهور در سراسر کشور می‌تواند رأی بگیرد، یک حزب و یک کاندیدای مستقل نیز می‌تواند از سراسر کشور رأی بگیرد، که در این صورت هم رأی ضایع نمی‌شود، هم مشکل نفوس حل می‌شود و هم مشکلات واحدهای اداری و کوچی‌ها و مهاجرین حل خواهند شد.

مثلاً فرض می‌کنیم مجموع نمایندگان مجلس سیصد نفر باشند. مجموع آرای اخذ شده را بالای سیصد نفر تقسیم می‌کنیم و از باب مثال اگر ده هزار نفر بتوانند یک نماینده انتخاب کنند،

پس مجموع آرای یک حزب را حساب می‌کنیم و برای هر ده هزار رأی آن حزب یک نماینده به مجلس می‌فرستیم. احزاب برای این‌که نمایندگان خود را به مردم معرفی کنند و در اختیار مردم قرار بدهند، که اگر رأی آوردند، همان افراد معرفی شده توسط احزاب به مجلس معرفی خواهند شد.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: استاد مزاری محترم، اولین سؤال خود را می‌خواستم این طور مطرح کنم که شما اوضاع کنونی کشور را چگونه تحلیل می‌کنید؟

استاد مزاری: از این‌که وضعیت از حالت جنگی بیرون آمده است و حالت صلح برقرار شده است، امیدوارکننده است. درحالی‌که هیچ‌گونه قانون و قانون‌گذاری در مملکت وجود ندارد و اختلافات اجرائی بین صدراعظم و رئیس دولت وجود دارد، این مسأله باعث تشویش است که وضعیت خوبی در آینده پیش‌بینی نمی‌شود.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: بعد از اجلاس جلال‌آباد در موقف شما با دولت چه تغییراتی رونما شده است؟

استاد مزاری: موقف حزب وحدت این است که دولت، دولت ائتلافی است و باید حقوق همهٔ ملیت‌ها و احزاب در نظر گرفته شود. چیزی که در این جا پیش آمده است که ما با شورای‌نظار درگیر بودیم، وقتی که جلسهٔ جلال‌آباد ختم شد، یک هیأت آمد برای آتش‌بس. ما این آتش‌بس را قبول کردیم و چون هم در توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد و هم در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد آمد؛ این آتش‌بس را قبول کردیم؛ ولی قبول آتش‌بس فقط در این مسأله بود که جنگ گسترده‌ای که جریان داشت، خاموش شود؛ اما جنگ بین ما و شورای‌نظار و اتحاد تا آمدن جنرال دوستم همه روزه در حدود چهار ساعت و پنج ساعت ادامه داشت. بعدا که جنرال دوستم آمد در این‌جا میانجی شد و مسأله را مطرح کرد که می‌خواهیم آتش‌بس رعایت شود، ما از این مسأله استقبال کردیم. نمونه‌ای که ما در این‌جا برای شما بیان می‌کنیم، بسیار تلخ است. برای مردم ما در جنگ اخیر که شدیدترین جنگ بود، بین ما و برادران ما، از مردم ما، نظامی و غیرنظامی، هزار نفر زخمی داشتیم؛ ولی در ماه صلح که نامش صلح بود و در رسانه‌ها مطرح می‌شد و مرتباً پخش می‌شد که از طرف حزب وحدت آتش‌بس نقض می‌شود، چهارهزار زخمی داشتیم؛ ولی وقتی که جنرال دوستم آمد و هیأت ناظر در کوه مستقر شد، مسألهٔ آتش‌بس رعایت شد، بین ما و شورای‌نظار دیگر درگیری نیست. یک تعداد اسرا که باید تبادله می‌شدند، ما برای اولین بار با حضور جنرال دوستم در این‌جا

اسرا را فرستادیم و حالا بیش از یک ماه است که این اسیران در نزد جنبش هستند و تا حال این تبادله صورت نگرفته است. از این جهت که جنگ نیست و آتش‌بس رعایت شده است ما این را یک گام مثبت می‌دانیم و تلاش می‌کنیم موافق‌نامه‌های جلال‌آباد رعایت شود.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: روابط‌تان قبلاً با جمعیت اسلامی چگونه بود و فعلاً چگونه است؟

استاد مزاری: قبلاً ما با جمعیت اسلامی هیچ‌گونه روابط خصمانه نداشتیم؛ ولی متأسفانه در یک سال گذشته، وقتی که شورای‌نظار با فرقه هشتاد درگیر شد، در جریان آمدن سید منصور که تعدادی از نیروهای فرقه هشتاد در میدان هوایی رفته بودند، در برگشت وقتی شورای‌نظار با آن‌ها درگیر شد، از این‌که پیروان سید منصور آغا از ملیت هزاره بودند و حزب وحدت هم اکثریت‌شان از ملیت هزاره‌اند، این درگیری فرقهٔ هشتاد به درگیری میان حزب وحدت و شورای‌نظار کشانده شد. در این درگیری بیش از پنج‌صد نفر از مردم ما دستگیر شدند. چهار یا پنج روز تلاش برای ایجاد آتش‌بس جریان داشت تا این‌که جنگ خاموش شود و جنگ هم خاموش شد. بعد همین مسأله ادامه پیدا کرد تا جریان برگزاری شورای حل‌وعقد و هفت نفر از رهبران جهادی با طرح حل‌وعقد مخالفت کردند؛ ولی اتحاد اسلامی و جمعیت اسلامی به تنهایی شورا را دایر کردند. بعد از دایر شدن شورا آقای ربانی در خط‌مشی خود اعلام کرد که ما کوته‌سنگی و منطقهٔ دانشگاه را تصفیه می‌کنیم و طول نکشید که جنگ بین حزب وحدت اسلامی و جمعیت اسلامی در گرفت. بعداً قضیهٔ افشار پیش آمد که در آن‌جا از نگاه نظامی سنگر گرفتند و سنگر از دست دادند. این مسائل زیاد مهم نیست؛ ولی فجایع زیادی در افشار پیش آمد. چور و چپاول صورت گرفت و خانه‌های مردم را آتش زدند و مردم غیرنظامی را اسیر گرفتند که رابطهٔ ما از این واقعه به بعد تیره شد؛ یعنی رابطهٔ جنگی بود، بعد از توافق‌نامهٔ جلال آباد، یعنی در ظاهر صلح بود و در باطن جنگ. این وضعیت تا آمدن جنرال دوستم ادامه داشت و جنرال دوستم که آمد و کمیسیون تشکیل شد، فعلاً روابط ما خوب است و تلاش داریم توافق‌نامهٔ جلال‌آباد تحقق یابد.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: حوادثی را که بعد از سرنگونی دولت داکتر نجیب به‌وقوع پیوستند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد مزاری: این حوادث، رویداد بسیار تلخی بود؛ یعنی مردم افغانستان در سطح بین‌المللی یک قهرمانی را کسب کرده بودند که اتحاد جماهیر شوروی را متلاشی کرده بودند و جهان اسلام هم یک احساس دربارهٔ مردم افغانستان پیدا کرده بود و امید برای‌شان پیدا شده بود که ان‌شاءالله

تمام مسلمانان در همهٔ سرزمین‌های اسلامی پیروز شوند. متأسفانه حوادث پانزده ماه گذشته بسیار حوادث ناگوار بودند. این مسأله از آن‌جا ناشی می‌شد که احزاب هم‌دیگرپذیری نداشتند و برنامهٔ مدون قبل از سقوط رژیم به وجود نیامده بود؛ لهذا خسارات بسیار سنگین برای مردم افغانستان تحمیل شدند که در چهارده سال جهاد به این صورت برای مردم تحمیل نشده بود. اولین خساره که این‌جا برای مردم افغانستان پیش آمد، متلاشی شدن اردو بود؛ یعنی این اردو از نگاه ملی بعد از پیروزی مجاهدین، اردویی بود که می‌توانست از وجب وجب خاک افغانستان دفاع بکند.

متلاشی شدن اردو به این گونه در هیچ جای دنیا سابقه نداشته است. دستانی هم از خارج در این مسأله دخالت داشته است. خسارات مالی که بر دولت و مردم وارد آمد، بسیار سنگین بودند و معتقدم که اگر یک حکومت قانونی در این‌جا به وجود بیاید و تمام کمک‌های خارجی هم جذب شوند، همین خرابی‌های چند ماهه را ترمیم کرده نمی‌توانند. طی چند ماه گذشته حوادث بسیار ناگوار و طاقت‌فرسا بودند. امیدوارم که مسئولین جهاد و اندیشمندان این مملکت برای آینده فکر بکنند که جلو این ضررها گرفته شود.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: شما به عنوان یک‌طرف درگیر راه بیرون رفت از وضع کنونی را چگونه می‌دانید؟

استادمزاری: راه بیرون‌رفت از وضعیت کنونی انتخابات است که مردم رأی بدهند و آن هم به آن نحوی که حقوق همهٔ اقوام و ملیت‌ها و احزاب در نظر گرفته شود. در یک کلمه اگر اقوام و احزاب بیایند، یکدیگر را تحمل کنند و روی این معیار که ظلم بر کسی تحمیل نشود و یک حکومت قانونی به وجود بیاید، این راه بیرون‌رفت از این بن‌بست است. در غیر این صورت ما نسبت به آینده چندان خوشبین نیستیم.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: علت جنگ‌های یک‌سال اخیر با اتحاد اسلامی چه بوده است؟

استاد مزاری: باید علت جنگ‌ها از اتحاد اسلامی پرسیده و بازخواست شود. برای این‌که در دولتی که در پاکستان تشکیل شد، کلیهٔ احزاب تشیع حذف شدند. ما اگر می‌خواستیم که از خاطر حقوق از دست رفتهٔ خود بجنگیم با این دولتی که در پاکستان تشکیل شده بود، باید می‌جنگیدیم؛ ولی جنگ نکردیم. با آقای مجددی وارد مذاکره شدیم. از طرف شورای جهادی که هیأت آمد، با همه احزاب به توافق رسیدیم. روزی‌که به توافق رسیدیم و فقط اعلان آن مانده بود، فردایش

جنگ بر ما تحمیل شد. این جنگ هم‌زمان بود با رحلت امام خمینی (ره). یک سال پیش که دولت نجیب بود، رحلت امام خمینی را مردم افغانستان در این‌جا تجلیل کرده بودند و این یک امر طبیعی بود و نشان از روابط فرهنگی و مذهبی بین ملت مسلمان ایران و افغانستان داشت. به علاوه آن‌که امام خمینی حق بزرگی بر انقلاب جهانی اسلامی دارد. برگزاری مراسم رحلت امام خمینی یک امر طبیعی بود. در همان روز که حزب وحدت آمادگی گرفته بود که از رحلت امام خمینی تجلیل کند و با دولت موقت به توافق رسیده بود، جنگ از طرف اتحاد در همان روز بر ما تحیمل شد؛ یعنی این یک دلیل واضح است که اگر ما حق می‌خواستیم آقای سیاف رئیس دولت نبود که از او حق طلب می‌کردیم. اگر هم خصومت دیگری می‌داشتیم در این روزی که خود ما برنامهٔ تجلیل داشتیم، نمی‌خواستیم جنگ بکنیم.

آن‌ها جنگ را شروع کردند و ما در روز دوم جنگ توافق‌نامهٔ آتش‌بس را امضا کردیم و جنگ توقف نکرد. تاسه روز این جنگ دوام کرد و تا هنوز برای ما روشن نشده است که این جنگ‌ها را چرا تنظیم اتحاد اسلامی علیه ما تحمیل کرد. اگر ما حق طلب می‌کردیم، از کسی می‌خواستیم که در رأس دولت بود یا شورای قیادی که از همهٔ احزاب تشکیل شده بود و ما با حضرت صاحب مجددی و آقای ربانی هم مذاکره کردیم و جنگ نمی‌خواستیم؛ ولی متأسفانه این جنگ پیش آمد. برای ما هم این مسأله که چرا این جنگ سر ما تحمیل شد علتش روشن نیست.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: آیا شما به آیندهٔ توافق‌تان با اتحاد اسلامی مطمئن هستید؟

استاد مزاری: به عنوان وظیفهٔ اسلامی و انسانی هر کس که حاضر به مذاکره با ما باشد، از آن استقبال می‌کنیم. آقای سیاف آمد به آقای حکمتیار گفت شما میانجی بین ما و حزب وحدت شوید. آقای حکمتیار از ما خواست که با اتحاد اسلامی مذاکره کنیم. ما هم بلافاصله این در خواست آقای حکمتیار را قبول کردیم و در این زمینه دو جلسه زیر نظر آقای حکمتیار به عنوان صدراعظم میان ما و اتحاد سیاف دایر شد. پس از آن آقای سیاف آقای ناصرزاده را که از اقوام ما و عضو اتحاد است، نزد ما فرستاد که می‌خواهیم مستقیماً مذاکره کنیم و در این مورد واسطه نمی‌خواهیم. ما هم قبول کردیم و فعلاً هم ادامه دارد. آن‌چه که مربوط به ما است، تلاش می‌کنیم که مشکل خود را با اتحاد حل کنیم و در این مذاکرات سه و یا چهار موضوع که در توافق‌نامهٔ اسلام آباد هم وجود داشت که عملی نشده است، مورد گفتگو است. ما مصمم هستیم که مذاکرات را ادامه بدهیم و مشکلات موجود را از راه مذاکره و مفاهمه حل و فصل کنیم.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: نظر کلی شما در مورد انتخابات چیست؟

استاد مزاری: فشردهٔ طرح حزب وحدت اسلامی را در مورد انتخابات قبلاً بیان کردم و آن طرح را به کمیسیون انتخابات محول کردم. ما با درنظرداشت شرایط افغانستان و مشکلات مردم این طرح را تدوین کردیم. اگر این طرح ما عملی شود، راه‌حل مشکلات افغانستان خواهد بود و اگر کدام تنظیم دیگر راه‌حلی در انتخابات مطرح بکند که مشکلات افغانستان را در نظر گرفته و حقوق تمام ملیت‌های ساکن کشور در آن طرح گنجانده شده باشد، ما آن طرح را می‌پذیریم.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: اکثریت مردم ما خواهان این هستند که چیزهایی در مورد زندگی شخص شما بدانند که آیا ازدواج کرده‌اید یا خیر؟ و اگر ازدواج کرده‌اید چند فرزند دارید؟

استاد مزاری: من باتوجه به مشکلاتی که در مبارزه داشتم، مدت زیادی ازدواج نکردم. دو برادر داشتم که در دوران جهاد شهید شدند. یکی از برادرانم که قبلاً تشکیل خانواده داده بود، پنج فرزند از وی به جا مانده بودند که بعد از شهادت برادرم به خاطر سرپرستی فرزندانش با همسرش ازدواج کردم.

خبرنگار نشریهٔ مجاهد: در اخیر پیامی اگر برای مردم افغانستان داشته باشید، بیان بفرمایید؟

استاد مزاری: من کوچک‌تر از آنم که برای مردم افغانستان پیام بدهم؛ اما برای مردم افغانستان این حرف را می‌گویم که ثقل مبارزهٔ چهارده ساله را مردم به دوش خود کشیدند و امروز هم باید مشکلات فعلی را مردم حل کنند و بیشتر از این اجازه ندهند با سرنوشت‌شان بازی شود و قهرمانی‌های‌شان زیر سؤال قرار بگیرد. مردم باید سرنوشت خویش را خودشان تعیین کنند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شماره‌های ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲.

(۶۵)

مصاحبهٔ اختصاصی استاد مزاری با صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

چهارشنبه۱۳۷۲/۶/۳۱

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز چهارشنبه طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به سؤالات وی پیرامون جنگ‌های اخیر، انتخابات آینده، روابط حزب وحدت اسلامی با سایر احزاب سیاسی، دیدگاه‌های این حزب در قبال تحولات جاری کشور، مسائل فلسطین و سایر موضوعات مطرح شده پاسخ گفت:

وی در قسمتی از این مصاحبه به تشریح مواضع حزب وحدت اسلامی در رابطه با درگیری‌های پراکندهٔ اخیر در سطح شهر کابل پرداخت و گفت: «حزب وحدت اسلامی توسل به جنگ و شیوه‌های قهرآمیز برای رسیدن به مقاصد سیاسی را محکوم می‌داند و معتقد است که جنگ راه‌حل مشکل افغانستان نیست. ما بارها در این زمینه صحبت کرده‌ایم و حتی در مصاحبه‌های خویش تصریح کرده‌ایم که پس از چهارده سال جهاد و مقاومت ضد روسی اکنون دوران بازسازی و اعمار مجدد افغانستان فرا رسیده است و کلیهٔ اطراف قضایای کشور باید با تحمل یکدیگر و احترام به حقوق کلیهٔ ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور در راستای تشکیل یک حکومت اسلامی و زمینه‌سازی برای آبادی وطن اسلامی تلاش کنند».

استاد مزاری در ادامه با ذکر این مطلب که حزب وحدت اسلامی برای رسیدن به اهداف خود هرگز به شیوه‌های قهرآمیز متوسل نخواهد شد، گفت: «در صورتی‌که علیه ما جنگی تحمیل شود و مردم ما هدف حمله و تجاوز قرار بگیرد، ما تکلیف خود مبنی بر دفاع از موجودیت مردم خود را با قدرت و قوت تمام انجام خواهیم داد و در برابر متجاوز هرکسی که باشد، خواهیم ایستاد».

استاد مزاری روابط حزب وحدت اسلامی با سایر احزاب و جریان‌های اسلامی و جهادی را نیکو توصیف کرد و آن را مبتنی بر احترام متقابل دانست و گفت: «هر جریانی که به خواسته‌های مردم ما و دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی حزب وحدت اسلامی احترام بگذارد و علیه ما به توطئه و جنگ نپردازد، از نظر ما قابل احترام است و ما با آن‌ها روابط نیک و حسنه خواهیم داشت و در

چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی با آن‌ها همکاری خواهیم کرد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۸۷، پنج‌شنبه اول میزان ۱۳۷۲.

(۶۶)

مصاحبهٔ اختصاصی استاد مزاری با خبرنگار بی‌بی‌سی

جمعه ۱۳۷۲/۷/۲

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد مزاری طی مصاحبهٔ کوتاه، با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی به سؤالات وی پاسخ گفت:

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار ما که در مورد جنگ‌های شب گذشته چه نظر دارید؟ اظهار داشت: «پس از اجلاس جلال‌آباد بنا به درخواست آقای سیاف بین ما و اتحاد کمیسیونی به وجود آمد، تا آتش‌بس را برقرار کند و در همین اواخر نیز از طریق رادیو اعلان کردند؛ اما اتحاد به این تعهد خود عمل نکرد و شب گذشته با نقض آتش‌بس مناطق ما را گلوله باران کرد و نیروهای ما نیز مجبور شدند، جواب بدهند و از خود دفاع کنند. وقتی آن‌ها آتش سلاح‌های خود را خاموش ساختند، نیروهای ما نیز از فیرکردن خودداری کردند».

خبرنگار بی‌بی‌سی در مورد کمیسیون تسوید قانون اساسی موقت سؤال کرد که استاد مزاری جواب داد:

«تشکیل این‌گونه کمیسیون‌ها، وظیفهٔ شورای عالی نظارت بر دولت است. باید شورا تشکیل شود و اعضای شورا در این زمینه تصمیم بگیرند.

هم‌چنین طبق توافق‌نامهٔ جلال‌آباد، قانون‌سازی وظیفهٔ مجلس است که در نتیجهٔ انتخابات روی کار می‌آید؛ ولی اقدام فعلی که به منظور تصویب اصول اساسی است، غیرقانونی است و هیچ‌گونه اعتباری ندارد».[۱]

---

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۸۸، شنبه ۱۳۷۲/۷/۳.

(۶۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس

شنبه ۱۳۷۲/۷/۳

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز شنبه طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری فرانسه به سؤالات وی پیرامون انتخابات و کمیسیون تصویب اصول اساسی، جنگ‌های اخیر و آیندهٔ کشور پاسخ گفت.

وی در پاسخ به این سؤال که موضع حزب وحدت اسلامی در رابطه با کمیسیون تصویب اصول اساسی که در این اواخر تشکیل شده چیست؟ گفت: «موضع‌گیری ما اعلام شده است. ما هم اعلامیه دادیم و هم در مصاحبه با رسانه‌های جمعی اعلام شده است و اعلام کردیم که تشکیل کمیسیون کذایی یک اقدام غیرقانونی است و آن‌چه این کمیسیون تصویب کند، از نظر ما فاقد اعتبار است؛ چرا که طبق معاهدهٔ اسلام‌آباد تصویب قانون اساسی کار شورای منتخب قانون‌سازی است که در نتیجهٔ انتخابات برگزار می‌شود و نه هیچ مقام و جمع دیگر، از طرف دیگر براساس آیین‌نامهٔ شورای عالی نظارت بر دولت مصوب رهبران جهادی در جلال‌آباد در مسائل مهم و حیاتی کشور تنها شورای عالی می‌تواند باشد و نه رئیس جمهوری و یا کسی دیگر. بنابراین، کمیسیون را قانونی نمی‌دانیم و مصوبات آن را نیز به‌عنوان قانون قبول نداریم. این کمیسیون همان‌گونه که از بدو تأسیس به‌طور غیرقانونی و به‌صورت انتصابی تشکیل شده است، اکنون هم همین‌گونه است. انتصاب رئیس و منشی که باید توسط اعضای کمیسیون انتخاب شوند نه این‌که کسانی به‌صورت انتصابی خود را تحمیل کنند، نیز خلاف اصول و ضوابط پذیرفته شده است».

استاد مزاری، در قسمت دیگری از این مصاحبه و در پاسخ به این سؤال که شما چرا با شرکت در کمیسیون حرف خود را در داخل کمیسیون مطرح نمی‌کنید، گفت: «ما اصل کمیسیون را غیرقانونی می‌دانیم و طبیعی است که در آن شرکت نمی‌کنیم».

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تشکیل این کمیسیون بهانه‌ای برای شروع جنگ نیست، گفت: «بهانه نمی‌خواهد. آن‌ها که می‌خواهند جنگ را علیه ملت افغانستان تحمیل کنند، از هر

طریق می‌توانند به این اقدام مبادرت ورزند».

استاد مزاری در بخش دیگری از این مصاحبه ضمن رد ارتباط جنگ‌های اخیر با تشکیل کمیسیون یادشده گفت: «جنگ‌های اخیر از سوی اتحاد سیاف علیه مردم ما تحمیل گردید و هیچ ارتباطی با مسألهٔ تشکیل کمیسیون ندارد. ما تشکیل کمیسیون را غیرقانونی می‌دانیم؛ ولی برای ابراز مخالفت خود با آن به جنگ هرگز متوسل نخواهیم شد».

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که علایق شما با حزب اسلامی چه‌طور است، گفت: «علایق ما با احزاب حسنه است؛ مگر احزابی که علیه ما بجنگند».

وی در پاسخ به این پرسش که در رابطه با آزادی اسرا چه پیشرفت‌هایی حاصل شده‌اند و آیا شورای‌نظار در زمینه اقدامی کرده است، گفت: «تاکنون در این زمینه هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. تعدادی از اسرای شورای‌نظار که در نزد ما بودند، برای تبادله به جنبش تسلیم شدند که آن‌ها نیز به‌تدریج از سوی جنبش آزاد شده‌اند؛ ولی از اسرای ما تاکنون کسی آزاد نشده است».

استاد مزاری در قسمت دیگری از این مصاحبه در رابطه با انتخابات گفت: «ما نظر خود را در قالب یک طرح ارائه کرده‌ایم و در آن مسأله کاندیداتوری احزاب و اشخاص مستقل پیش‌بینی شده است. براساس این طرح افغانستان یک حوزهٔ انتخاباتی در نظر گرفته شده است و احزاب و اشخاص خود را در سراسر افغانستان کاندیدا می‌کنند. هر حزب و یا فردی که بیشترین رأی را به خود اختصاص داد، ریاست جمهوری و دومین حزب یا فرد صدارت عظمی را از آن خود خواهد کرد. به همین ترتیب به تناسب آرای کسب شده، کرسی‌های کلیدی به احزاب تعلق می‌گیرد. به گونه‌ای که هیچ حزبی نمی‌تواند دو پست کلیدی را یک‌جا به خود اختصاص دهد.

در این طرح ما تشکیل یک دولت دو ساله برای تدوین قانون اساسی، تشکیل نهادهای قانونی و تأسیس یک دولت قانونی در چهارچوب قانون اساسی در نظر گرفته شده است».

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش در جواب این سؤال که جمعیت اسلامی می‌گوید آقای ربانی برای مدت دو سال رئیس جمهور است گفت: «به معاهدهٔ اسلام‌آباد و توافق رهبران باید احترام گذاشته شود. باید تلاش شود از طریق انتخابات یک دولت قانونی به وجود آید. اگر آقای ربانی از پشتیبانی مردمی برخوردار است، قطعاً در انتخابات پیروز شود و یک رئیس جمهور انتخابی شود، در غیر این صورت باید به ارادهٔ مردم احترام بگذارد».

خبرنگار در ختم این مصاحبه پرسید: «آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟»

استاد مزاری در پاسخ گفت: «اگر توافقی پیش نیاید و بن‌بست موجود نشکند، آینده چندان امیداور کننده نیست. رهبران باید بنشینند و برای حل بحران جاری راه چاره‌ای بیندیشند. پیشنهاد ما این‌که رئیس‌جمهور و صدراعظم به‌خاطر مصالح مردم و جلوگیری از تشنجات بیشتر هر دو استعفا کنند و راه را برای تشکیل یک دولت عبوری موقت فراهم سازند تا این دولت انتخابات را به زودترین وقت دایر کند و زمینهٔ استقرار یک دولت قانونی و مقبول همهٔ مردم افغانستان را به فراهم آورد».[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۲۸۹، یک‌شنبه ۴ میزان ۱۳۷۲.

(۶۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس

یک‌شنبه ۱۳۷۲/۷/۱۸

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز یک‌شنبه در مقر مرکزی این حزب خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و فرانس‌پرس را به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان در مورد جنگ اخیر، نتایج و تلفات آن، آتش‌بس و شایعهٔ صدراعظمی آقای سید احمد گیلانی و موضع حزب وحدت اسلامی در صورت وقوع جنگ بین شورای‌نظار و حزب اسلامی پاسخ گفتند: استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که علت درگیری‌های اخیر چه بوده است، اظهار داشت: «علت جنگ برای ما هم روشن نیست، باید این مسأله را از اتحاد سؤال کنید که چرا درگیری به وجود آمده است، ما از آغاز درگیری شب گذشته نیز خبر نداشتیم. وقتی خبر شدیم که آن‌ها پیشروی کرده بودند و نیروهای مستقر در سنگرهای دفاعی ما آن‌ها را عقب راندند و چند پوستهٔ آنان را تصرف کردند. از این درگیری‌ها هر روز بوده‌اند و چیز جدیدی نیست».

خبرنگار بی‌بی‌سی، در مورد سنگرهای تصرف شده توسط حزب وحدت اسلامی و تلفات نیروهای آن حزب سؤال کرد و استاد مزاری پاسخ داد: «تپه‌ها و سنگرهای اطراف کوه چهل‌دختران تصرف شده‌اند و نیروهای ما در آن‌جا کنترل دارند. در این درگیری‌ها نیروهای ما چهار میل زیکویک و مقادیر زیادی سلاح و مهمات دیگر را به غنیمت خویش درآورده‌اند. در این جنگ از نیروهای نظامی ما فقط یک نفر زخمی شده است».

استاد مزاری با بیان این مطلب که آقای سیاف می‌خواهد جنگ را مذهبی کند، در پاسخ به این سؤال خبرنگار فرانس‌پرس که پرسید آیا این جنگ با تشکیل کمیسیون تدوین قانون اساسی ربطی دارد، گفت: «جنگ از طرف ما شروع نشده است و آقای سیاف می‌خواهد با استفاده از مخالفت سیاسی ما با کمیسیون تدوین قانون اساسی جنگ را شروع کند و آن را مذهبی سازد. در مخالفت با قانون اساسی اکثر رهبران با ما هم‌عقیده هستند. از جمله آقایان حکمتیار، پیرگیلانی، حضرت مجددی، محسنی، جنرال دوستم و مولوی خالص. باتوجه به این‌که اکثر احزاب قانون اساسی را

رد کرده‌اند، ما در این موضع‌گیری سیاسی خود موفق شده‌ایم و نیاز به جنگ نداریم».

خبرنگار فرانس‌پرس در مورد انتقال دفتر آقای محسنی از مرکز شهر به غرب کابل پرسید که آیا نیروهای حرکت در کنار وحدت در این جنگ شرکت داشته‌اند یا نه؟

استاد مزاری اظهار داشت: «دفتر حرکت از اول در این منطقه قرار داشت؛ ولی با شروع جنگ‌ها دفترش موقتا به مرکز شهر منتقل شده بود و آقای محسنی به خارج رفت. حالا که نسبتا امنیت برگشته است، آن‌ها دوباره دفترشان را این طرف شهر فعال کرده‌اند. نیروهای حرکت اسلامی در همهٔ جنگ‌ها در کنار وحدت بوده‌اند؛ زیرا در مناطق مسکونی هم مردم مربوط به حزب وحدت اسلامی زندگی می‌کنند و هم مربوط به حرکت اسلامی. وقتی که جنگ شروع می‌شود آن‌ها طبیعتا از خود دفاع می‌کنند».

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار بی‌بی‌سی که آیا کمیسیون آتش‌بس شما و اتحاد اکنون وجود دارد و جنگ دیروز چگونه خاتمه یافت، گفت: «کمیسیون آتش‌بس بین ما و اتحاد ده روز قبل خاتمه یافته بود و آقای سیاف حاضر نشده است که مذاکره کند و ما به‌خاطر تجربه‌ای که از احزاب داشتیم و از جنگ‌های گذشته داشتیم، می‌گفتیم که باید نیروهای جنبش و حزب اسلامی بین ما و اتحاد حائل شوند؛ ولی آقای سیاف گروه‌های دیگری را که توان کنترل نیروها و قدرت اجرایی ندارند، پیشنهاد می‌کرد و جنگ دیروز هم بدون واسطه ساعت دوازده ظهر خاتمه یافت».

خبرنگار فرانس‌پرس در مورد شایعات صدراعظمی آقای گیلانی سؤال کرد و استاد مزاری پاسخ داد: «اگر صدراعظم و رئیس جمهور هر دو استعفا بدهند و یک دولت موقت تشکیل شود، حاضر هستیم صدراعظمی آقای گیلانی را بپذیریم؛ ولی در صورتی که هم آقای ربانی و هم آقای حکمتیار هر دو طبق توافق احزاب برای هجده ماه باید در پست‌های‌شان بمانند و حالا یکی از آن‌ها کنار برود و دیگری باقی بماند، قابل تطبیق نیست و جنگ به وجود خواهد آمد. متأسفانه که آقای گیلانی همیشه شعار عدم جنگ را سر می‌داد و حال با قبول این پیشنهاد یک طرفه زمینه‌ساز جنگ در افغانستان می‌گردد».

استاد مزاری با بیان این مطلب که اگر بالای مواضع ما حمله صورت بگیرد از هر جناحی که باشد، ما دفاع خواهیم کرد، در پاسخ به پرسش خبرنگار فرانس‌پرس که پرسید در صورت وقوع جنگ بین حزب اسلامی و شورای‌نظار، حزب وحدت اسلامی چه موضعی اتخاذ خواهد کرد

و نظر شما در این مورد چیست، اظهار داشت: «در صورتی که کسی علیه ما حمله نکند، ما با کسی جنگ نمی‌کنیم. جنگ بین حزب اسلامی و شورای‌نظار احتمالا در خارج از کابل شروع خواهد شد و شورای‌نظار به تنهایی نمی‌تواند علیه حزب اسلامی در جنگ موفق شود و جنبش هم طرفدار جنگ نیست و در جنگ بی‌طرف خواهد ماند؛ چون معنی ندارد که جنبش در مزار با جمعیت مسأله داشته باشد و در این‌جا از او حمایت کند».[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۳۰۰، دوشنبه ۱۹ میزان ۱۳۷۲.

(۶۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران مجلهٔ الوطن و رادیو فرانسه[۱]

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیش از ظهر روز دوشنبه ۱۳۷۲/۷/۲۶ خبرنگار الوطن العربی و رادیو ملی فرانسه را به حضور پذیرفتند و به سؤالات مختلف آنان پاسخ گفت.

خبرنگار: آیا تمام اعضای حزب وحدت اسلامی هزاره هستند؟

استاد مزاری: خیر، در حزب وحدت اسلامی از نژادهای مختلف عضویت دارد. علاوه بر هزاره‌ها، پشتون‌ها، تاجیک، ترکمن و قزلباش نیز عضو این حزب هستند.

خبرنگار: هزاره‌ها چند فی‌صد نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند و چند فی‌صد رهبران حزب وحدت اسلامی هزاره هستند؟

استاد مزاری: در حدود بیست‌وشش فی‌صد نفوس افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند که در ولایات مختلف افغانستان سکونت دارند، مانند بادغیس، فاریاب، بغلان، تخار، کندوز، بدخشان و قسمت اعظم بامیان، غور، غزنی و ارزگان و تقریباً نه فی‌صد، رهبران حزب وحدت را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند.

خبرنگار: آیا شیعیان افغانستان در گذشته از حقوق‌شان برخوردار بودند؟

استاد مزاری: در گذشته حقوق شیعه‌ها و هزاره‌ها غصب شده بود و از هیچ‌گونه امتیازی برخوردار نبوده؛ ولی در طول انقلاب ما سهم فعال، اساسی و نقش مهمی را داشتیم، به نحوی که در طول چهارده سال جهاد مناطق هزاره‌جات آزاد بود و روس‌ها هرگز نتوانستند مناطق شیعه و هزاره‌نشین را تصرف کنند. فعلاً تا نفوس شماری دقیق صورت نگرفته، ما حداقل بیست‌وپنج فی‌صد حقوق را تمام امور کشور خواهانیم.

خبرنگار: آقای ربانی خواستار رسمیت مذهب تشیع در مناطق شیعه نشین شده است، شما چه نظر دارید؟

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار مجلهٔ الوطن و رادیو فرانسه، ۱۳۷۲/۷/۲۶، کابل.

استاد مزاری: مذهب تشیع بدون امر آقای ربانی در مناطق شیعه نشین رسمی است و نیاز به رسمیت ندارد. ما می‌گوییم که باید هر دو مذهب، تشیع و تسنن، در قانون اساسی افغانستان رسمیت پیدا کنند.

خبرنگار: دربارهٔ قانون اساسی موقت چه نظر دارید؟ آیا گروه‌های دیگری به رسمیت شناختن مذهب، شما را قبول دارد؟

استاد مزاری: آقای ربانی از طرف گروه جمعیت اسلامی با توافق دارد و امضاء کرده است که مذهب جعفری رسمیت پیدا کند و حکمتیار و جنبش ملی ـ اسلامی افغانستان نیز این توافق را با ما دارند؛ ولی آقای سیاف که این قانون اساسی را به وجود آورده در آن فقط به رسمیت شناختن مذهب حنفی تکیه شده است. فعلاً کمیسیون دیگری تشکیل شده تا در این باره تجدید نظر شود.

خبرنگار: جمعیت[1] که به شما این وعدهٔ امتیاز را می‌دهد، به این معنی است که شما با آن‌ها نجنگید؟

استاد مزاری: ما با هیچ یک از احزاب جنگ نداریم. وقتی که گروه‌های مقیم پاکستان در هنگام تشکیل دولت، مردم ما را نادیده گرفته بودند، ما علیه آن‌ها جنگ را شروع نکردیم. با این‌که ما بهتر از حالا در کابل نیرو داشتیم و مراکز عمده از قبیل وزارت داخله، وزارت صنایع و... در اختیار ما بود، ما جنگ نکردیم. این اتحاد سیاف[2] بود که در ابتدا جنگ را علیه ما شروع کرد و جنگ را بر ما تحمیل کرد. ما حقوق خود را خواهانیم؛ اما نه از راه جنگ، بلکه از راه صلح و مذاکره سیاسی.

خبرنگار: هر روز بین حزب وحدت و اتحاد سیاف، جنگ است عامل آن جنگ‌ها کیست؟

استاد مزاری: این جنگ‌ها از طرف اتحاد شروع می‌شود. ما به خاطر پایان دادن به این جنگ‌ها پیشنهاد کردیم که نیروهای حزب اسلامی و جنبش ملی- اسلامی بین ما و آن‌ها حائل شوند، چون بین ما و شورای نظار هم درگیری بود. از وقتی که نیروهای جنبش حائل شده است، این درگیری‌ها قطع گردید؛ ولی آقای سیاف این پیشنهاد ما را قبول نکرد، به همین خاطر هر روز جنگ است.

---

۱. حزب جمعیت اسلامی به رهبری برهان‌الدین ربانی.

۲. حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.

خبرنگار: پس، هر روز جنگ است، ممکن است این جنگ‌ها به جنگ بزرگتری تبدیل شود، در آن صورت موضع شما چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما طرفدار جنگ نیستیم. ما با تمام توان می‌کوشیم تا جنگ پیش نیاید. اگر بین گروه‌های دیگر جنگ در بگیرد، ما بی‌طرف خواهیم بود. از طرف ما هیچ تحرکی برای آمادگی گرفتن برای جنگ نیست؛ اما اگر کسانی دیگر با ما جنگ کند ما نیز جنگ خواهیم کرد.

خبرنگار: کدام یکی از حزب اتحاد و جمعیت، دشمن شماست؟

استاد مزاری: ما چون جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم، با هیچ‌کس بنای دشمنی نداریم. اتحاد تا حالا چهار بار علیه ما جنگیده است و جمعیت نیز دو بار.

خبرنگار: حزب وحدت چند مدتی با جمعیت رابطهٔ (حسنه) داشت، فعلاً با حزب اسلامی، چرا این روابط تغییر کرده حکمتیار برای شما چه وعده داده است؟

استاد مزاری: ما خواهان حقوق مردم خود هستیم. هر کسی بیاید، حکومت کند و عدالت اجتماعی را رعایت کند، از هر حزبی که باشد فرقی نمی‌کند، ما از او حمایت می‌کنیم. جمعیت علیه ما جنگید. وقتی که جنگ پیش بیاید، دیگر رابطهٔ دوستی باقی نمی‌ماند. آقای حکمتیار، حضرت صاحب مجددی و ربانی با ما توافق‌نامه دارند. آن‌ها با امضای خود تعهد سپرده‌اند که حقوق ما را رعایت کنند؛ ولی جمعیت، علیه ما جنگید و ارتباط ما با حزب اسلامی مستحکم‌تر شد. بعد از مدتی جمعیت اعلام کرد که ما جنگ نمی‌خواهیم، ما هم دوباره با آن‌ها رابطه برقرار کردیم. فعلاً کمیسیونی بین ما و آنها کار می‌کند. اگر یک روز اتحاد هم اعلام کند که دیگر جنگ نمی‌خواهد، با آن‌ها هم رابطه برقرار می‌کنیم.

خبرنگار: آیا حکمتیار آتش‌بس حزب وحدت و جمعیت را قبول دارد؟

استاد مزاری: بلی، آقای حکمتیار طرفدار جنگ نیست. طبق توافق‌نامهٔ جلال‌آباد کمیسیون آتش‌بس، بین احزاب تشکیل شد که حزب اسلامی و جمعیت اسلامی هم در آن نماینده دارند.

خبرنگار: وقتی کمیسیون است پس چرا هر روز جنگ است؟

استاد مزاری: جنگ‌های پراکنده وجود دارند؛ ولی جنگ رسمی نیست. در سروبی که جنگ پیش آمده است، بین قوم احمدزی و شورای جهادی ننگرهار است. هم حکمتیار و هم مسعود، شرکت‌شان را در این جنگ‌ها تکذیب کرده است.

خبرنگار: مانع ایجاد صلح چیست و حزب وحدت در این زمینه چه موقعیت دارد؟

استاد مزاری: کسانی که توافق‌نامه‌ها را امضا کرده‌اند، ولی به تعهد خود پایبند نیستند. هر کسی به شکلی آن را نقض می‌کند. آن‌ها عامل اساسی جنگ‌ها هستند. دولت ائتلافی از سوی احزاب تشکیل شده است؛ ولی آقای ربانی به شکلی بر امور دولت اقدام می‌کند و آقای حکمتیار به شکل دیگر. تا وقتی که این مسأله وجود داشته باشد، ایجاد صلح مشکل خواهد بود. در این بین حزب وحدت اسلامی با وجود این‌که نسبت به توافق‌نامهٔ جلال‌آباد ملاحظاتی داشت، با آن‌هم به توافق‌نامه عمل کرد و اولین مفاد آن که ایجاد آتش‌بس بود، رعایت کرد؛ اما متاسفانه از طرف احزاب دیگر این موضوع رعایت نشد.

خبرنگار: به نظر شما چه کسی از حکومت نمایندگی می‌کند، حکمتیار یا ربانی؟

استاد مزاری: از آن‌جا که دولت، دولت ائتلافی است، تمام احزاب در آن نماینده دارند و هرکس از حزب خود نمایندگی می‌کند. آقای حکمتیار از حزب خود نمایندگی می‌کند و آقای ربانی از حزب خود نمایندگی و حزب وحدت اسلامی هم نماینده دارد. این‌که دولت منحصر به یک حزب باشد، این‌گونه نیست. در دولت باید تمام احزاب سهیم باشند.

خبرنگار: دربارهٔ شایعات صدراعظمی آقای گیلانی چه نظر دارید؟

استاد مزاری: ما این مسأله را راه‌حل نمی‌دانیم. در صورتی که آقایان ربانی و حکمتیار هر دو استعفا بدهند و یک حکومت موقت به شمول احزاب مستقل تشکیل شود، ما از آن استقبال می‌کنیم؛ ولی در صورتی که ربانی در مقامش ثابت بماند و حکمتیار برکنار شود جنگ پیش خواهد آمد.

خبرنگار: حکومت موقت توسط چه ارگانی تشکیل خواهد شد؟

استاد مزاری: طبق فیصلهٔ رهبران در جلال‌آباد و اسلام آباد، شورای عالی نظارت بر دولت که متشکل از نه نفر از رهبران جهادی و یازده نفر از صاحب نظران و افراد با صلاحیت از بین مردم هستند، این دولت را تشکیل می‌دهند.

خبرنگار: حزب وحدت با ایران روابط حسنه دارد، همکاری شما در چه سطحی است؟

استاد مزاری: ما با همهٔ کشورهای همسایه روابط حسنه داریم. ایران هیچ استثنایی ندارد. ما در پاکستان، ایران، امریکا و اروپا دفتر نمایندگی داریم ودفتر مرکزی ما چه در دوران جهاد، چه بعد از پیروزی مجاهدین در بامیان بوده است.

خبرنگار: آیا ایران حزب وحدت را از نظر اقتصادی و تسلیحاتی کمک می‌کند؟

استاد مزاری: ایران، نه، ما را از نظر اقتصادی کمک کرده است و نه از نظر تسلیحاتی.

خبرنگار: چگونه روابطی بین ایران و حزب وحدت اسلامی وجود دارد؟

استاد مزاری: مهاجرینی که در ایران هستند، اکثراً از حزب وحدت اسلامی، مردم ما هستند؛ به همین خاطر ما در آن‌جا دفتر داریم تا دربارهٔ بهبود وضعیت مهاجرین با مقامات ایرانی در ارتباط باشند.

خبرنگار: ایران مهاجرین را وادار به ترک ایران می‌کنند آیا حکمتیار در این زمینه توافق‌نامه امضاء کرده است؟

استاد مزاری: آقای حکمتیار توافق‌نامه با ایران و نمایندگی سازمان ملل متحد، در امور مهاجرین را امضا کرده است این‌گونه که مهاجرینی که داوطلب بازگشت به افغانستان هستند، ایران ممانعت ایجاد کند و سازمان ملل متحد نیز کمک کند، همین توافق‌نامه را با پاکستان هم امضاء کرده است، مقامات ایرانی وعده داده‌اند که مهاجرین را وادار به خروج از ایران نکنند.

خبرنگار: آیا روابط شما با عربستان سعودی حسنه است؟

استاد مزاری: نمایندهٔ حزب وحدت اسلامی در ترکیب هیأتی که به خاطر امضای توافق‌نامهٔ جلال‌آباد به عربستان سعودی رفته بودند شرکت داشت و در کابل سفیر عربستان مرتبا با ما در ارتباط است.

خبرنگار: آیا عربستان و ایران چیز خاصی از حزب وحدت مطالبه دارند؟

استاد مزاری: خیر.

خبرنگار: مناسبات شما با پاکستان چگونه است؟

استاد مزاری: ما هم در پیشاور و هم در کویته، دفتر نمایندگی داریم و روابط ما حسنه است.

خبرنگار: سیستم نظامی و اقتصادی حزب‌تان را چه کسی کمک می‌کند؟

استاد مزاری: دو میلیون مهاجر در ایران است و تعداد زیادی در پاکستان، هم‌چنین در کشورهای غربی، اروپا و امریکا هستند که آن‌ها ماهانه از آنجا کمک می‌فرستند و در افغانستان هم مردم کمک می‌کنند و هیچ دولتی در دوران جهاد و پس از آن به ما کمک نکرده است.

خبرنگار: با این پولی که مردم کمک می‌کنند، سلاح ثقیله می‌خرید؟

استاد مزاری: نه، سلاح ثقیله به قدر کافی از دولت، به غنیمت گرفته‌ایم.

خبرنگار: چه نوع سلاح ثقیله دارید؟

استاد مزاری: همه نوع سلاح ثقیله داریم به‌غیر از طیاره.

خبرنگار: موشک استینگر هم دارید؟

استاد مزاری: بله.

خبرنگار: امریکا اعلام کرده است که هر کدام از موشک‌ها را یک صد هزار دلار می‌خرد، شما حاضرید که به آن‌ها بفروشید؟

استاد مزاری: نه، چون برای دفاع از خود ضرورت داریم.

خبرنگار: جمعیت، سلاح خریداری می‌کنند، آیا به آن‌ها حاضر هستید سلاح بفروشید؟

استاد مزاری: هر کس از مردم ما اگر سلاح‌ها را بفروشد دستگیر و زندان می‌شود.

خبرنگار: با این حساب شما معتقد به جنگ هستید؟

استاد مزاری: تا یک اردوی ملی و اسلامی به وجود نیامدهٔ ما این سلاح‌های خود را حفظ می‌کنیم، برای دفاع نه برای جنگ هر وقت یک اردوی ملی اسلامی به وجود آمد، تمام سلاح‌های خود را تسلیم اردو خواهیم کرد.

خبرنگار: نظر شما دربارهٔ آینده کشور چیست و نقش حزب شما چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما قبلاً طرح داده بودیم که چهار گروه که در افغانستان از نظر نظامی عمده هستند به توافق برسند و دولت را تشکیل دهند، بقیه احزاب، به‌تناسب حضورشان نقش داده شود. این طرح را جنرال دوستم، حکمتیار، و ربانی قبول کرده بودند؛ ولی مسعود با این طرح مخالفت کرده جنگ را علیه ما شروع کرد. اگر این طرح عملی می‌گردید، مشکلات افغانستان حل می‌شد، حزب وحدت برای مردم خود یک چهارم حق در دولت آینده را خواهان است که باید در تمام مسائل کشور و تصمیم‌گیری‌ها شریک باشند به همین تناسب.

خبرنگار: اگر کسی را به خاطر حوادث یک‌سال گذشتهٔ کابل ملامت کنید چه کسی را ملامت می‌کنید؟

استاد مزاری: هر کسی که از راه زور بخواهد ارادهٔ خود را بر مردم تحمیل کند و واقعیت‌های عینی جامعه را انکار کند، مورد ملامت ما است.

خبرنگار: در شرایط فعلی مسعود ملامت است یا حکمتیار؟

استاد مزاری: کس خاص را ملامت نمی‌کنیم، ولی کسانی که نسبت به تعهدات‌شان پایبند نباشند، منافع شخصی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند، مورد ملامت مردم

افغانستان است.

خبرنگار: اگر در کشمکش حکمتیار و مسعود، حکمتیار برنده شود، شما چه موضعی اتخاذ می‌کنید؟

استاد مزاری: شانزده ماه جنگ در کابل ثابت کرد که در این جنگ‌ها غالب و مغلوب ندارد، به آن معنی که یک جریان کاملاً حذف شود، باید منطق تفاهم بر منطق جنگ ترجیح داده شود.

خبرنگار: اگر به فرض این مسأله واقع شود، در آن صورت چه موقف دارید؟

استاد مزاری: اگر کس علیه ما نجنگند، ما با کسی دشمنی نداریم.

خبرنگار: شما و آقای حکمتیار متهم به بنیادگرایی هستید، آیا این موضوع صحت دارد؟

استاد مزاری: مردم افغانستان نودونه فی‌صد مسلمان هستند و چهارده سال با همین انگیزه علیه روس‌ها جهاد کرده‌اند. اگر صرف مسلمان بودن را بنیادگرایی می‌دانید، همهٔ مردم افغانستان بنیادگرا هستند؛ ولی بنیادگرایی را با مفهوم تروریسم و دخالت در امور دیگر کشورها می‌گویید، ما این عمل را محکوم می‌کنیم، حالا عامل این کار مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

خبرنگار: ایران را می‌توانیم بگوییم که بنیادگراست؟

استاد مزاری: رهبران و مسئولین ایران این موضع را قبول ندارند.

خبرنگار: دربارهٔ امریکا چه نظر دارید؟

استاد مزاری: امریکا در طول چهارده سال جهاد برای گروه‌های مقیم پاکستان کمک کرده است. ما انتظار داریم که پس از پیروزی مجاهدین، کشورهای خارجی در امور داخلی ما مداخله نکنند، فرق نمی‌کند این کشور امریکا باشد یا غیر امریکا.

خبرنگار: به نظر شما هنوز کمونیست‌ها در امور دولت نفوذ دارند؟

استاد مزاری: وقتی مجاهدین به پیروزی رسیدند، عفو عمومی اعلام شد. آن‌گاه رهبران کمونیست‌ها به خارج از کشور فرار کردند. کسانی‌که باقی هستند، ممکن است به خاطر ارتباط قوی با بعضی از احزاب ارتباط داشته باشند، ولی تصمیم گیرنده نیستند.

خبرنگار: دربارهٔ نقش زنان چه نظر دارید؟

استاد مزاری: ما معتقدیم زنان نصف جامعه افغانستان را تشکیل می‌دهند و در طرح انتخاباتی که ما داشتیم گفتیم که زن‌ها هم انتخاب شوند و حق انتخاب کردن را دارند؛ ولی دیگر احزاب یا علناً و تلویحاً با این مسأله مخالف هستند.

خبرنگار: کدام احزاب مخالف نقش زنان هستند؟

استاد مزاری: حزب اسلامی یونس خالص، اتحاد سیاف و دیگران یا اظهار نظر نمی‌کنند یا مخالفت خود را تلویحاً اعلام کرده‌اند.

(۷۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو دری امریکا

رادیو دری امریکا: اکرم گیزابی همکار سرویس دری دیروز با عبدالعلی مزاری منشی عمومی حزب وحدت در مورد موقف آن حزب در برابر وضع موجود کابل مصاحبه کرده است که اینک تقدیم می‌شود.

خبرنگار: آقای مزاری، شما موقف حزب خود را در قبال جریانات کابل لطفاً برای ما بگویید؟

استاد مزاری: حزب وحدت در قبال وضعیت کابل و در حل سیاسی‌اش، همان موضع قبلی‌اش است. رئیس جمهور و صدراعظم هر دویشان باید استعفا کنند، سپس یک دولت موقت تشکیل شود و تا اردوی ملی و اسلامی تشکیل شود و زمینهٔ انتخابات زیر نظر سازمان ملل مساعد شود.

خبرنگار: اظهاراتی ضد و نقیض می‌شنویم مبنی بر این‌که حزب شما از جنگ در کابل حمایت می‌کند .گویا درگیر جنگ‌اند. گاهی می‌شنویم که درگیر جنگ نیست. آیا این، تغییراتی در موقف‌گیری بوده که در موضع گیری حزب بعضاً رخ می‌داده یا اصلاً از ابتدای مرحلهٔ شما در این جنگ کابل بی‌طرف بودید؟

استاد مزاری: دربارهٔ این مسأله که تبلیغات می‌شد، این تبلیغات درست نبود. حزب وحدت یک حزب یک‌پارچه مردمی است که از حمایت مردمش برخوردار است.

اگر جنگ کند یا صلح کند یک موضع دارد. این‌که ما در این مدت موضع نگرفته بودیم، هر کس به استفادهٔ خودش مطرح می‌کرد و این‌ها اشتباه بود. حزب وحدت طرفدار جنگ نیست و جنگ را راه‌حل نمی‌داند. از نگاه قوت‌های نظامی، جنبش ملی- اسلامی باید شرکت داشته باشد؛ زیرا در کابل حضور دارد. برای باقی احزاب هم طبق شعاع وجودی‌شان برای‌شان حق بدهند.

خبرنگار: پس، از اول موقف شما یکی بوده و آن این‌که در جنگ‌های کابل شما دخیل نبودید؟

استاد مزاری: بلی چون جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم، از این جهت به جنگ دخالت نمی‌کنیم.

خبرنگار: ما شنیدیم که بعضی گروه‌ها علیه جنبش ملی- اسلامی فتوای جهاد داده‌اند، شما در

این مورد چه نظر دارید؟

استاد مزاری: دربارهٔ فتوای جهاد، این هم از نگاه شرعی درست نبود و هم از نگاه ملی و هم از نگاه؛ زیرا حل مسئلهٔ افغانستان را مشکل می‌کند. از نظر شرعی فتوا را باید کسی بدهد که اهلیت فتوا را داشته باشد. این کسانی که فتوا داده، هیچ‌کدام‌شان اهلیت فتوا را ندارد. این فتوا از نگاه ملی و تمامیت اراضی هم بی‌جا بود. جنبش ملی ـ اسلامی از نگاه ملی مربوط به ملت سمت شمال است؛ زیرا نیروهای جهادی وغیر جهادی‌اش در این مسأله شامل است. از نگاه حل مسألهٔ سیاسی افغانستان هم مناسب نبود، برای این‌که آقای ربانی قبلاً جنبش ملی ـ اسلامی را به رسمیت شناخته بود و جنرال دوستم را قهرمان ملی و مجاهد خطاب کرده بود و به کفالتش به ریاست جمهور جا داده بود. روی این مسأله تا آن وقتی که از او حمایت می‌کرد، هم مسلمان بود و هم مجاهد بود؛ ولی وقتی که با وی مخالفت کرد، این را علیه‌اش فتوا بدهد. این در مصالح ملی نبود و حزب وحدت این مسأله را محکوم می‌کند و این را قبول ندارد.

(۷۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز چهارشنبه خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را به حضور پذیرفته به سؤالات آن دربارهٔ کمیسیون جدید آتش‌بس با اتحاد و موضوعات دیگر پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار که دربارهٔ میانجیگری آقای محسنی پرسید، اظهار داشت که ما طرفدار جنگ نیستیم. هر بار آقای سیاف که کسی را برای میانجیگری فرستاده، ما آن را قبول کردیم. آقای حکمتیار را برای میانجیگری فرستاد، ما قبول کردیم. داکتر عبدالرحمن معاون شورای نظار را فرستاد، ما قبول کردیم. این بار که هم آقای محسنی برای میانجیگری فرستاده، ما قبول کردیم؛ ولی تا حال که جلسه زیر نظر آقای محسنی برگزار شده نتوانسته است جنگ را قطع کند و انداخت‌های اتحاد هر روز جریان دارد.

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد، فرق بین این آتش‌بس با آتش‌بس‌های قبلی چیست؟

استاد مزاری در پاسخ گفت: «ما پیشنهاد کردیم که برای دوام آتش‌بس نیروهای حزب اسلامی و جنبش ملی اسلامی بین ما و اتحاد حائل شوند؛ ولی آقای سیاف این موضوع را قبول نکرد. اگر این موضوع قبول می‌شد، بر خلاف آتش‌بس‌های قبلی می‌توانست درگیری را متوقف کند. فعلاً هم تصمیم گرفته شده است که از چهار گروه وحدت[۲]، حرکت[۳]، اتحاد[۴] و جمعیت[۵] در چند نقطهٔ خطوط مقدم نیروهای ناظر مستقر شوند و دو گروه دیگر نیز به شکل سیار فعالیت خواهد کرد.»

خبرنگار بی‌بی‌سی سؤال کرد که بعضی از رهبران معتقد به مقصر بودن قوماندان‌ها هستند که جنگ را شروع می‌کنند، آیا رهبران هم دستور به جنگ می‌دهند؟

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی، چهارشنبه ۱۳۷۲/۸/۵.
۲. حزب وحدت اسلامی.
۳. حزب حرکت اسلامی به رهبری آصف محسنی قندهاری.
۴. حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.
۵. حزب جمعیت اسلامی به رهبری برهان‌الدین ربانی

استاد مزاری پاسخ داد: «از روزی که توافق‌نامهٔ جلال‌آباد امضاء شد و هیئت صلح به کابل آمد، از قوماندان خود خواستیم تا آتش‌بس را مراعات کنند. ما هیچ‌گاه دستور جنگ را نداده‌ایم. اگر از سوی طرف مقابل مواضع و مناطق مسکونی مورد هدف قرار گرفت با ما قوماندانان تماس می‌گرفتند که طرف مقابل آتش‌بس را نقض می‌کند، ما به آن‌ها اجازه می‌دادیم که طبق همان سلاح‌هایی که آن‌ها مناطق را می‌کوبند، جواب بدهند. دربارهٔ مصاحبهٔ یکی از قوماندانان اتحاد که می‌گفت: رهبران دستور جنگ را صادر می‌کنند، از سوی حزب وحدت اسلامی این مسأله را تکذیب می‌کنم. گفتهٔ قوماندان اتحاد، نشانهٔ این است که آقای سیاف به آن‌ها دستور جنگ را می‌دهد و آغازگر جنگ آن‌ها هستند.»

استاد مزاری با بیان این مطلب که با تشکیل کمیسیون جدید امیدوار است که از درگیری‌های پراکنده جلوگیری شود، در پاسخ خبرنگار که پرسید: آیا جنگ‌های پراکنده باعث جنگ‌های بزرگ نخواهد شد؟ اظهار داشت: «اگر جنگ‌های پراکنده جلوگیری نشود، باعث جنگ‌های بزرگ‌تری خواهد شد. تا به حال یک مرکز مشترک وجود نداشته تا شخصاً از جنگ‌های پراکنده جلوگیری کند و با تشکیل کمیسیون جدید امیدوار هستیم که درگیری‌های پراکنده در همان حد باقی مانده خاموش شود و از گسترش آن جلوگیری گردد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید آیا آتش‌بس اعلام خواهد شد؟ گفت: «آتش‌بس قبلاً هم اعلام شده بود؛ ولی نتایجی نداشت است. در این کمیسیون نیز آقای محسنی آتش‌بس را چند روز پیش اعلان کرده بود؛ ولی پس از اعلان آتش‌بس روز دوشنبه در سه راه علاءالدین چند نفر از اهالی ملکی شهید و چند نفر زخمی شدند. هم‌چنین روز سه شنبه در مناطق پل‌سوخته از اثر اصابت هاوان چند نفر شهید شدند و چند نفر دیگر زخمی شدند. اعلام آتش‌بس به تنهایی نمی‌تواند از درگیری‌ها جلوگیری کند. اگر میان ما و اتحاد، نیروهای جنبش و حزب اسلامی حائل می‌شدند، بین ما و اتحاد مشکل تا حدودی حل می‌شد.»

خبرنگار پرسید: اگر از طرف قوماندان شما تخلفی صورت بگیرد، چه تصمیمی دربارهٔ آن می‌گیرید؟

استاد مزاری پاسخ داد: «اگر کسی از سوی ما آتش‌بس را نقض کند، ما او را دستگیر و خلع سلاح می‌کنیم و به کمیسیون قضایی حزب وحدت اسلامی معرفی می‌کنیم تا درباره‌اش تصمیم بگیرد.»

خبرنگار سؤال کرد: چه تضمینی از سوی حزب وحدت اسلامی برای آتش‌بس وجود دارد؟ استاد مزاری جواب داد: «حزب وحدت اسلامی هر تعهدی که داشته و پای آن امضاء کرده است تا به آن تا آخر عمل کرده است. بعد از امضاء توافق‌نامهٔ جلال‌آباد ما آتش‌بس را مراعات کردیم. تا حالا هم هر وقت نمایندهٔ ما با آن‌ها به توافق رسید، با تمام توان کوشش می‌کنیم تا آتش‌بس را تحکیم و رعایت کنیم. من فکر می‌کنم عمل کردن حزب وحدت اسلامی به تعهدات خود، بهترین تضمین برای رعایت باقی توافقات خود باشد؛ ولی از طرف مقابل تضمینی وجود ندارد.»

(۷۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیش از ظهر جمعه ولیامریو، پیترجونیان و میرویس جلیل[۲] از خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را در اقامتگاه‌شان به حضور پذیرفته به پرسش‌های آنان در مورد آتش‌بس، رهایی اسرا، ورود اعضای شورای مرکزی به کابل، جنگ تگاب و... پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که پرسید: در مورد آتش‌بس بین حزب وحدت اسلامی و اتحاد[۳] چه نظر دارید؟ اظهار داشت: «آتش‌بس تا حالا رعایت شده است. گاه‌گاهی توسط تعدادی از قوماندان‌ها نقض می‌شود که با تلاش هیأت نظارت بر آتش‌بس جلوگیری می‌گردد. ما امیدوار هستیم که آتش‌بس رعایت شده تحکیم یابد. ما به آن خوش‌بین هستیم.»

خبرنگار در مورد رهایی اسرا و تعداد آنان این‌که آیا زن‌ها نیز جزء اسرا هستند، پرسید. استاد مزاری گفت: «چند روز پیش مجموعاً سی‌ویک نفر از دو جانب رها شدند که بیست‌ودو تن را اتحاد آزاد کرد و نه نفر از طرف ما آزاد شدند. اکنون کمیسیون صلح و نمایندگان دو طرف تلاش دارند تا این پروسه ادامه پیدا کند.

از اتحاد پیش ما اسیر نیست، چون در افشار ما از آن‌ها اسیر نداشتیم. در جنگ دارالامان نیروهای اتحاد در این منطقه نبودند؛ اما اگر از جنگ‌های پیش، اسیری پیش قوماندان‌های ما باشد

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی، جمعه ۱۳۷۲/۸/۲۸.

۲ . میرویس جلیل، شهروند افغانستان از مردم ولایت لغمان که برای بخش فارسی و پشتوی رادیو بی‌بی‌سی کار می کرد، بعد از مصاحبه با گلبدین حکمتیار از رهبران مجاهدین به تاریخ ۷ اسد ۱۳۷۳ خورشیدی در راه بازگشت در محلهٔ چهل‌ستون کابل به ضربات چاقو به این شهر کشته شد. وی از آن دسته خبرنگاران دورهٔ جنگ‌های کابل. وی در اوج جنگ‌های داخلی میان احزاب مختلف مجاهدین که بعد از سقوط رژیم کمونیستی کشور را به ویرانه ای تبدیل کرده بودند، خبرنگاری فعال و جسوری بود که اوضاع جنگ را از طریق بی‌بی‌سی یگانه رادیوی پیشتاز در آن زمان، بازتاب می داد. جسد میرویس جلیل از منطقهٔ چهل‌ستون کابل پیدا شد. او یک شب قبل از مرگ در خبری از وضعیت جنگ در کابل گفته بود: «با نیروهای دولتی در تپه مرنجان قرار دارد و این تپه به کنترل نیروهای دولتی در آمده است.» نیروهای دولتی در آن زمان به نظامیان طرفدار برهان‌الدین ربانی اطلاق می‌شد. ربانی که رئیس دولت مجاهدین بود با طرفداران حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی در جنگ بود. هیچ فردی تا اکنون به اتهام قتل این خبرنگار جوان بازداشت و یا محاکمه نشده است. روانش شاد!

۳ . گروه اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.

کوشش می‌کنیم که رها شوند.

در افشار جملگی ۷۲۰ نفر از مردم ما اسیر شدند که برابر گزارش‌هایی که ما داریم ۲۷۰ نفر از آن‌ها پیش اتحاد است؛ البته این‌ها کسانی هستند که جای آن‌ها را این‌که پیش چه کسانی هستند خبر داریم. این اسرا اکثراً غیر نظامی هستند، در همین دفعهٔ آخر که اسرا رها شدند یک بچه ده ساله هم جزء آن‌ها بود که رها شد. در افشار زن‌ها را زیاد کشتند؛ ولی از اسارت آن‌ها تاکنون برای ما گزارش دقیقی نرسیده است.»

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که پرسید: آیا انتقال اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی توسط هلیکوپترهای وزارت دفاع به این معنی است که ائتلاف جدید بین شما و مسعود به وجود آمده است و دیگر با حزب اسلامی ائتلافی نخواهید داشت؟ گفت: «پس از حائل شدن نیروهای جنبش ملی- اسلامی[1] بین ما و شورای‌نظار دیگر درگیری بین ما و شورای‌نظار به وجود نیامد. در همان زمان هیأتی از حزب وحدت اسلامی توسط هلیکوپتر به بامیان منتقل شد. چندی پیش نیز هیأت دیگر از حزب وحدت اسلامی توسط هلیکوپتر به بامیان رفتند و در روز چهارشنبه نیز اعضای شورای مرکزی به کابل آمدند. این مسأله به این معنی نیست که وقتی رابطهٔ ما با آن‌ها خوب شد با آقای حکمتیار به هم بخورد. ما با آقای مسعود ائتلاف نداریم و ائتلاف ما مثل سابق با حزب اسلامی است.»

استاد مزاری هدف از آمدن اعضای شورای مرکزی را چنین بیان داشت: «قبلاً مقر شورای مرکزی در بامیان بود و در کابل یک شورای تصمیم‌گیری وجود داشت؛ چون کابل مرکز سیاست‌گذاری‌های کشور است، شورای عالی نظارت و شورای مرکزی سه ماه پیش مصوبه کرده بودند که شورای مرکزی به کابل منتقل شود؛ لذا روز پنج‌شنبه اعضای باقی‌ماندهٔ شورای مرکزی به کابل وارد شدند. این، به معنی به وجود آمدن جناح‌بندی‌های جدید نیست. رابطهٔ ما با همه حسنه است.»

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که سؤال کرد: حزب وحدت اسلامی در جنگ‌های تگاب چه نقشی دارد؟ گفت: «ما چون خواستار جنگ نیستیم، می‌گوییم که باید جنگ

---

۱. جنبش ملی- اسلامی افغانستان حزب سیاسی‌ای بوده است که در سال ۱۳۷۱ به رهبری عبدالرشید دوستم تأسیس شد. این سازمان سیاسی- نظامی که معمولاً در افغانستان به‌طور خلاصه جنبش خوانده می‌شود، بیشتر از ازبیک‌ها و ترکمن‌های شمال افغانستان تشکیل شده و سال‌ها بخش‌های بزرگی از شمال افغانستان به مرکزیت مزار شریف را در کنترل خود داشت.

خاتمه پیدا کند. در جنگ جاری طرفدار هیچ‌یک از آن‌ها نیستیم. ما تلاش می‌کنیم تا جنگ خاتمه پیدا کند؛ چون جنگ به ضرر دو طرف است، بیشتر از آن‌ها مردم منطقه آسیب می‌بینند.»

خبرنگار پرسید: با توجه به رابطه‌هایی که با هر دو حزب دارید، چرا در جهت خاتمهٔ جنگ میانجیگری نمی‌کنید؟ استاد مزاری پاسخ داد: «ما قبلاً این طرح را داشتیم. ما تصمیم داشتیم در قطع جنگ تلاش کنیم؛ ولی کابینهٔ دولت هیأتی را توظیف کرده که آقای بلاغی وزیر تجارت از حزب وحدت اسلامی نیز جزء هیأت است؛ لهذا منتظر ماندیم تا هیأت دولت در این زمینه اقدام کند.»

استاد مزاری در مورد افواهات شایع در کابل که دوباره جنگ در پایتخت آغاز خواهد شد، اظهار داشت: «ما در مجموع جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم. ما سعی می‌کنیم تا جنگی به وجود نیاید؛ چون ضرر جنگ بیشتر متوجه مردم ملکی و غیر نظامی است.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۳۳، شنبه ۲۹ عقرب ۱۳۷۲، کابل.

(۷۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با تلویزیون پیام‌آزادی[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان روز شنبه بیست‌ونهم عقرب خبرنگار تلویزیون پیام‌آزادی را به حضور پذیرفته و به سؤالات وی در زمینه‌های مختلف و اوضاع جاری کشور پاسخ گفت.

سؤال: محترم عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان! در مورد انتقال اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی توسط هلیکوپترهای شورای‌نظار به شهر کابل به‌طور ناگهانی یک سلسله انگیزه‌ها و تصورات را در بین طبقات سیاسی- جهادی به راه انداخته، در این مورد به‌طور مفصل روشنایی اندازید.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحیم، شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از اول تأسیس در بامیان بوده یعنی مقرش در بامیان بود. بعد که کابل آزاد شد تا سال گذشته برادران ضرورت دیده بودند که شورای مرکزی در بامیان باشد. در کابل باید شورا تصمیم‌گیری به وجود آید. بعد مشکلات جریانات و جنگ‌هایی که در کابل پیش آمد و حساسیتی که در شرایط فعلی در کابل است، سه چهار ماه پیش برادران به این نتیجه رسیدند که شورای مرکزی حزب وحدت را در کابل بیاورند؛ زیرا تصمیم‌گیری‌هایی که در کابل صورت می‌گیرد و وضعیت حساسی که وجود دارد ضرورت ایجاب می‌کند که مرکزیت در این‌جا باشد؛ زیرا بعضی اوقات راه از نظر امنیت مساعد نیست، بند می‌شود و بعضی مشکلات دیگر ارتباط با مرکز بامیان را با مشکل مواجه می‌سازد.

روی این مسأله سه ماه پیش هیأتی از بامیان به کابل آمد و ضمن بررسی‌های همه‌جانبه تصمیم گرفتند که شورای مرکزی در کابل بیاید و یک شورای تصمیم‌گیری برای ادارهٔ مناطق هزاره‌جات در بامیان به وجود بیاید. این هم‌زمان بود با وقتی‌که مجدداً بین ما و شورای‌نظار توسط جنرال دوستم آتش‌بس برقرار شده و هیأت حائل بین ما و شورای‌نظار آمد. طی صحبت‌های شورای عالی نظارت، شورای تصمیم‌گیری و هیأت شورای مرکزی بامیان به این نظر رسیدند که شورای

۱. مصاحبه استاد مزاری با تلویزیون پیام آزادی، شنبه ۱۳۷۲/۸/۲۹.

مرکزی از بامیان به کابل منتقل شود. بعد این را پیام دادیم به شورای مرکزی و ضرورت‌ها را منعکس کردیم. شورای مرکزی بامیان این را مصوبه کرد که شورای مرکزی باید منتقل شود؛ اما تاریخ انتقال را تأخیر انداخت تا در آن‌جا شورای تصمیم‌گیری به وجود بیاورد.

همان وقت تازه ما آتش‌بس کرده بودیم و نیروهای حائل جابه‌جا شده بود و کمیسیون بین ما و شورای‌نظار به وجود آمده بود. هیأت بامیان توسط طیاره از این‌جا به‌طرف بامیان رفتند. بعد از بحث و گفتگو شورای مرکزی، مصوبه شد که تاریخ انتقال شورای مرکزی به کابل باید ۱۵ میزان باشد. در این مدت چون مناطق مرکزی هزاره‌جات وسیع است و السوالی ها فعال نشده است، احساسی در هزاره‌جات به وجود آمد که مبادا با رفتن شورای مرکزی از بامیان به کابل از نگاه اداره ضعیف شود و امکان دارد ناآرامی به وجود بیاید. روی این ملاحظات و مسائل دیگر، تعدادی پیشنهاد داشتند که انتقال شورای مرکزی به تأخیر بیفتد و جلوگیری شود. در این باره در تاریخ ۸ عقرب مجدداً عده‌ای از علمای بلندپایهٔ ما دوباره برای انتقال شورای مرکزی به بامیان رفتند و با مردم صحبت کردند تا قناعت‌شان را در این زمینه فراهم آوردند. برای آنان گفته شد که امنیت‌شان به هم نمی‌خورد. شما باید قبول کنید که شورای مرکزی در این‌جا بیاید.

هیأتی که از این‌جا فرستادیم بازهم توسط هلیکوپتر در بامیان انتقال دادیم. موافقت شد که در ۲۵ عقرب هیأتت ما مشترکاً با شورای مرکزی به کابل بیایند. بعد از این توافق با کمیسیون مشترکی که داشتیم تماس گرفتیم. طیاره گرفتیم و فرستادیم. این یک چیز طبیعی بود و چیز تازه‌ای نبود. مدت آن به سه چهار ماه می‌رسید. از وقتی که آتش‌بس بین ما و شورای‌نظار به وجود نیامده و از طرف دیگر طیاره‌هایی که وجود داشته مال دولت است، ما هم در این دولت شریک هستیم، وزرای ما در کابینهٔ دولت هستند، طیاره‌ها مال ملت است و در خدمت ملت باید باشد، هیچ تنظیم سیاسی حق ندارد که آن‌ها را حق انحصاری خویش به‌حساب آورد و مال شخصی کسی نیست. این مسأله کاملاً یک امر عادی است که اعضای شورای مرکزی با استفاده از این طیاره‌ها به کابل آمده‌اند؛ ولی رسانه‌ها یک مقدار این را غیر طبیعی جلوه داده و کاری جدید و تحول جدیدی نبوده است.

سؤال: سؤال من دربارهٔ کمیسیونی است که تقریباً یکی دو ماه پیش موظف شده بودند تا قانون اساسی و اصول اساسی کشور را تصویب کنند. در این کمیسیون افرادی از حزب و حدت هم شرکت داشتند؛ ولی بعداً حزب وحدت اسلامی نظر به ملاحظاتی که داشت افراد خود را در

آن‌جا معرفی نکرده از جمله ملاحظات آن این بود که این‌ها موادی را در آن‌جا گنجانیده بودند که مذهب رسمی افغانستان مذهب حنفی است از مذهب جعفری در آن‌جا نام برده نشده بود. شما گفته می‌توانید که چگونه می‌شود از مذهب جعفری در آن‌جا نام برده نشده بود؟ شما گفته می‌توانید که چگونگی تطبیق آن را در ولایات مختلف افغانستان چگونه ارزیابی و بررسی می‌کنید؟

جواب: ما در جریان تشکیل کمیسیون نبودیم. وقتی که از رادیو اعلام شد، خبر شدیم. در صورتی که شما می‌دانید در مملکت توافق احزاب دولت را به وجود آورده است؛ یعنی هر تصمیمی که در این‌جا فعلاً قانونی است و مردم افغانستان تا حدی خودش را قانع می‌کند، توافق احزاب است. موافقت جلال‌آباد، موافقت‌نامهٔ اسلام‌آباد و بعد مسألهٔ دوماهه و چند ماههٔ حکومت که تشکیل شد، توافق احزاب بود. هیچ مرجع قانون‌گذاری غیر از احزاب وجود ندارد.

وقتی که کمیسیون کار خود را شروع کرد ما در جریان نبودیم و خبر نداشتیم. درست است که از افراد ما آن‌ها دو نفر در نظر گرفته بودند، ولی با اجازهٔ حزب وحدت نبوده حزب وحدت خبر نداشت. نفرهای ماهم حضور نداشتند. یکی در بامیان و دیگری در ایران بود. کمیسیون کار خود را شروع کرد. طبیعی است که اعلام کار کمیسیون از سوی افراد معلوم‌الحال از صلاحیت قانونی برخوردار نباشد. در توافق‌نامهٔ جلال‌آباد آمده است که کمیسیون انتخابات و شورای عالی نظارت دولت از احزاب و رهبران احزاب تعیین شود. دوازده نفر از دانشمندان و مردمان صاحب اعتبار افغانستان در شورای عالی نظارت عضویت پیدا کند؛ در صورتی که تا حالا که ما این‌جا نشسته‌ایم، شورای عالی نظارت بر دولت تشکیل نشده است؛ لهذا ما در کمیسیونی که اول هم از تشکیل آن خبر نداشتیم، شریک نبودیم. روی همین ملاحظات ما در آن شرکت نکردیم.

من هم نظر خود را گفتم که از مرجع غیر قانونی به وجود آمده بود. به نظر ما علاوه بر این‌که کمیسیون مذکور از مرجع غیر قانونی است، اشکالات عدیدهٔ دیگری نیز دارد که یکی از آن‌ها مسألهٔ مذهب تشیع بود. دربارهٔ مسألهٔ مذهب، ما معتقدیم که هر که در این مسأله پافشاری می‌کند که مذهب رسمی باید مذهب حنفی باشد، مذهب جعفری که پیروانی در این‌جا دارد رسمیت نداشته باشد، این، تصور غیر عادلانه و نادرست است؛ برای این‌که امروز در دنیا کفر جهانی مخالف مسلمان‌هاست و مخالف به وجود آمدن حکومت اسلامی؛ آن‌ها چندان در چهرهٔ شیعه و سنی نگاه نمی‌کنند؛ بلکه امروز تنها حربه‌ای که آن‌ها دارند و از آن استفاده می‌کنند، آن، حربهٔ استعماری تضاد شیعه و سنی است که انقلاب اسلامی افغانستان در جهان نمونه بود. انقلاب

مسلحانه‌ای که بر مبنای فکر و عقیدهٔ اسلامی ریخته شده است. مسئولین آن باید این درایت و روشن‌بینی را به دنیا اثبات کنند که این اختلافات فرعی نباید زنده شود و روی این مسأله پافشاری شود؛ لهذا باید همان‌طوری که شیعه و سنی در این انقلاب شریک‌اند، در تصمیم‌گیری آن شریک باشند.

در دنیا اعلام کنند و اثبات کنند که مسلمان‌ها بین خودشان هیچ اختلافی ندارند و از نظر اجرایی چندان مشکل نیست. این دست خارجیان است که مسأله را عمده جلوه می‌دهند؛ که اگر در این‌جا دو مذهب رسمی باشد، مشکل اجرائی دارد. نه مشکل اجرائی این‌جا وجود ندارد. در فقه شیعه و سنی این مسأله حل شده است. از نظر جهان اسلام نمونه‌هایی وجود دارند که در آن‌جا این مسائل را حل کرده‌اند؛ مثلاً در لبنان این مسأله را دارند، در ایران این مسأله حل شده و مشکل اجرائی برای کسی پیش نمی‌آید. این، استعمار خارجی است که این مسألهٔ جزئی را علم می‌کند تا بین مسلمان‌ها مشکل ایجاد کنند. این یک چیز واضح است که در طول تاریخ افغانستان نه سنی شیعه شده و نه شیعه سنی شده است. اگر مذهب یکدیگرشان را به رسمیت بشناسند، شیعه شیعه است و سنی سنی است.

طبق فقه‌شان هم عمل می‌کنند. حال که آمده‌اند به فقه‌شان عمل می‌کنند، این دیگر ضرورت ندارد که در قانون اساسی این کش بیفتد که این رسمی باشد یا نباشد، چه قبول گردد و یا نگردد. هرکس فقهی را که دارد به آن عمل می‌کند. بدین‌جهت ما در این مسأله مشکل نداریم. توصیهٔ ما به دوستان این است که امروز مشکلات جهان اسلام بالاتر از این است که ما بیاییم خود را محدود بکنیم به مسألهٔ کشیدگی‌های مذهبی و کشیدگی‌های قومی و نژادی. اگر بیاییم تن در دهیم، حکومت عادلانهٔ اسلامی برقرار می‌گردد که خواستهٔ همهٔ مردم است. آن، خودش این مسأله را حل و تضمین کرده است، حتی در دعاوی مطرح شده که اگر پیرو دو مذهب دعوا داشته باشند، حال آن را در کجا فیصله بکنند؟

در فقه به‌طور واضح آمده است که مدعی پیرو هر مذهب که هست، طبق آن مذهب فیصله گردد؛ پس این مسأله در اسلام سابقه داشته و بوده است. بزرگان و دانشمندان اسلامی روی این مسأله فکر کرده و شریعت برایش راه‌حل دارد. اختلافات جزئی فقهی بین تمام مذاهب وجود دارد. مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت مانند مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی در بین خود اختلاف برداشت دارند و مذهب جعفری نوع برداشت خود را دارد. برداشت‌ها از متون اسلامی نزد

مذاهب مختلف گوناگون پیدا شده است؛ در حالی که مشترکات زیادی موجود است خداوند(ج)، قرآن مجید، کعبه، پیامبر، سنت پیامبر(ص) و همهٔ این‌ها مشترک‌اند و همه این‌ها را قبول دارند.

اختلافات جزئی فقهی باعث نمی‌شود که این‌گونه موجب نفاق و اختلاف شود. بدین جهت است که معتقدم کسانی که برای تدوین قانون اساسی آمده‌اند، مطابق با روح اسلام و روح جامعهٔ افغانستان حرکت نکرده‌اند. این، از اول غیر قانونی بود. قانون اساسی را باید یک مرجع قانونی، مرجع با صلاحیت و دارای دانش کافی و تدبیر لازم تدوین کند.

سؤال: قبلاً از معاهدات اسلام‌آباد، جلال‌آباد و مکهٔ مکرمه ذکر به عمل آوردید، ما می‌خواهیم به‌طور مختصر از شما بشنویم که عامل و انگیزه‌هایی که باعث شکست و ناکامی این معاهدات شده و تا امروز تصمیم جنگ و اختلاف و کشمکش در افغانستان کم نشده است، شما در چه می‌بینید؟

جواب: در این باره مکرراً نظر خود را اعلام کرده‌ام. حالا هم به‌طور مختصر عرض می‌کنم که این عدم تعهد رهبران بر امضای‌شان است. اگر رهبران به تعهداتی که پای آن امضاء می‌کنند پایبند باشند و به آن عمل بکنند، مشکل و جنجال افغانستان حل می‌شود؛ ولی این کار را نکرده‌اند و باعث شکست و باعث ناآرامی در افغانستان شدند.

سؤال: به‌صورت مشخص به نظر شما کدام یک از رهبران قصور بیشتر داشته‌اند؟

جواب: هم برای مردم مشخص است هم برای شما که یک تعداد در جلال‌آباد تعهد کرده‌اند که در مدت یک هفته برای تطبیقش در کابل بیایند؛ ولی نیامدند و خارج رفتند. بعد اصلاحاتی که بین صلاحیت رئیس جمهور و صدراعظم مشخص شده بود، این‌ها، رعایت نشده است. شورای عالی نظارت که بنا بود تشکیل گردد، تشکیل نگردید. این مجموع مسائلی‌اند که اگر رهبران به این تعهدات خویش عمل می‌کردند، این مشکلات پیش نمی‌آمد. به همان توافقی که همه توافق کرده بودند، پایبند می‌بودند مسائل تا حدودی حل می‌گردید.

سؤال: استاد محترم شما پیش‌تر فرمودید که روابط شما با شورای‌نظار بهبود یافته است. همچنان مسعود در مصاحبهٔ خود با جریدهٔ عربی «الوطن» گفت که روابطش با حزب وحدت اسلامی بهتر شده است و در حال بهتر شدن است. آیا این روابط بهتر شدن با شورای‌نظار خودش یک ائتلاف جدیدی را در جریانات سیاسی به وجود نخواهد آورد؟

جواب: ما مکرراً گفتیم که ما مبنای جنگ در افغانستان نیستیم و طرفدار جنگ نیستیم و جنگ

را راه‌حل نمی‌دانیم. از اول، هجده ماهی که کابل آزاد شده، ما در این‌جا بودیم، این مطلب را عملاً پیاده کردیم. ما از نگاه تئوری معتقد هستیم که جنگ افغانستان راه‌حل نیست، تفاهم راه‌حل است؛ بر این مبنا هر وقتی که جنگ پیش آمده و بر ما تحمیل شده، روزهای اول ما آتش‌بس را امضاء کردیم. هرکس از داخل پیشنهاد کرد که ما میانجی می‌شویم، ما پذیرفتیم.

کشورهای خارجی مثلاً پاکستان، ایران، عربستان سعودی هم اگر آمدند، میانجی شدند، ما پذیرفتیم. این دلیلی است که ما طرفدار جنگ نیستیم. وقتی که طرفدار جنگ نیستیم، هر تنظیمی که با ما سر جنگ نداشته باشد، ما سر جنگ نداریم. این به معنی آن نیست که علیه جریان دیگری یا یک تنظیم دیگر ائتلاف بکنیم؛ لذا از وقتی که پس از توافق‌نامهٔ جلال‌آباد هیأت آتش‌بس در این‌جا آمد، بلافاصله پذیرفتیم؛ ولی این در ظاهر آتش‌بس بود؛ در حالی که شورای‌نظار با ما جنگ داشت.

نمونهٔ آن این بود که در آن جنگ شدیدی که دوازده روز طول کشید، هزار نفر از مردم غیرنظامی زخمی شدند؛ ولی تا وقتی جنرال دوستم آمد و نیروهای حائل را جایگزین کرد که دو ماه طول کشید، چهار هزار زخمی داشتیم؛ یعنی در ظاهر این مسأله آتش‌بس بود؛ ولی هر شبانه روز این‌جا بالای مردم جنگ و جدال بود. وقتی که جنرال دوستم نیروهایش آمد، جنگ متوقف شد، ما در این‌جا کمیسیون مشترکی داشتیم که مشترکاً از شورای‌نظار و حزب وحدت به وجود آمده و از طرفی جنرال دوستم ناظر بود. عین این کمیسیون را ما بین جنرال دوستم و حزب اسلامی برقرار کردیم.

روی این مسأله درگیری مشخص بین ما و شورای‌نظار پیش نیامد. آن‌ها جنگ را قطع کردند و آتش‌بس را رعایت کردند. ما هم رعایت کردیم. ما طرفدار این هستیم که آتش‌بس حفظ شود و جنگ نشود؛ به معنی این‌که ما ائتلاف سیاسی کردیم نیست. ما با همهٔ تنظیم‌ها رابطهٔ خوبی داریم. آخرین آتش‌بس هم بین ما و اتحاد ایجاد شد و کمیسیون با شرکت شش نفر تشکیل شد و از دو طرف خود ما نظارت می‌کنیم. این کمیسیون تا به حال از درگیری‌ها کاسته است. ما تصمیم داریم که آتش‌بس هم‌چنان حفظ شود.

سؤال: استاد محترم دربارهٔ سفر اخیر ربانی به مزار شریف که شما در جریانات قرار دارید که بعداً سفرش را به پاکستان و مصر نیز ادامه داد، لطفاً توضیحاتی ارائه فرمایید؟

جواب: مسافرت آقای ربانی به مزار شریف کاملاً غیر مترقبه بود. تا وقتی‌که نرفته بود ما اطلاع

نداشتیم. ما این‌قدر خبر داشتیم که نیروهای جمعیت و اتحاد در شیرخان‌بندر که نیروهای جنبش ملی ـ اسلامی مسلط بود، حمله کرده منطقه را تصرف کرده و تعدادی از افراد جنبش به‌طرف تاجیکستان رفته‌اند. ما در این‌جا همین اندازه اطلاع داشتیم؛ ولی مسافرتی که آقای ربانی به شمال می‌کند، این را اطلاع نداشتیم. بعد از این‌که وی در شمال رفت، آنگاه ما مطلع شدیم که با مولوی صاحب محمدنبی محمدی پیش جنرال دوستم رفته‌اند. منابع جنبش برای ما گفته‌اند که آقای ربانی به خاطر درگیری شیرخان بندر آمده تقاضا کرده که شما آتش‌بس را بپذیرید. هیأت تعیین می‌گردد. آن‌جا این مسأله از طریق مذاکره حل گردد و جنبش ملی ـ اسلامی هم آتش‌بس را پذیرفته مذاکره ادامه دارد و از نتیجهٔ آن اطلاعی نداریم که موفق بوده یا نه؟

سؤال: محترم استاد مزاری آن‌گونه که شما پیش‌تر فرمودید، معاهدات جلال‌آباد و اسلام‌آباد در عمل بی‌نتیجه مانده است؛ یعنی عملی نشده است؛ از آن جمله یکی از موارد مهم آن مسألهٔ انتخابات بود. این انتخابات دایر نشده و حزب اسلامی اخیراً طراحی را ارائه کرده که باید رئیس جمهور، صدراعظم و اعضای کابینه همگی استعفا کنند و به‌جای آن یک حکومت بی‌طرف که جریان دورهٔ انتقال قدرت را به دست بگیرد و کمیسیون انتخابات را هم همین حکومت تشکیل بدهد، ایجاد شوند؛ ولی اخیراً مطبوعات، جراید کابل و رسانه‌های گروهی راه‌حل مشکلات را استعفای حکمتیار و آمدن پیر سید احمد گیلانی در ریاست صدارت اعظمی دانسته‌اند. ما می‌خواهیم که نظر شما در مجموع به این‌گونه اخباری که از رادیو و جراید مطرح گردیده است، چیست؟

جواب: دربارهٔ مسألهٔ بیرون رفتن از وضعیت فعلی که ما طرفدارش هستیم، که یک حکومت بی‌طرف باید تشکیل گردد، از اول هم ما این طرح را داده بودیم. وقتی که دوران چهار ماههٔ آقای ربانی سپری شد، برای تمدید دورهٔ یک‌ونیم ماهه یا دو ماههٔ دیگر که مجلس حل‌وعقد تشکیل شد، در جلسه‌ای که پنج تنظیم در آن‌جا بود، این طرح را دادیم. گفتیم که هر کسی که در مجلس حل‌وعقد خودش را کاندید می‌کند، نباید این دورهٔ موقت تمدیدی را عهده‌دار شود؛ برای این‌که امکانات دولتی باید به نفع شخصی استفاده نگردد.

از نظر مجامع بین‌المللی نباید انتخابات یا مجلس حل‌وعقد زیر سؤال نرود و گفته شود که سوءاستفاده شده است. در آن‌جا پنج تنظیم جهادی طرح ما را قبول کردند. فیصله و مصوبه شد که هر کسی که در مجلس حل‌وعقد کاندید می‌شود، نباید دورهٔ تمدیدی را عهد دار گردد. متأسفانه

وقتی جلسهٔ شورای قیادی تشکیل شد، آقای ربانی و سیاف این توافق ما را شکستند و به‌قاعده عمل نشد و نتیجهٔ مطلوب هم نداد. آقای ربانی مدت چهل‌وپنج روز تمدید شد. نهایت آن مسأله مجلس حل‌وعقد بود. طوری که شاهد بودیم خراب از آب درآمد و مورد قبول تنظیم‌ها هم نبود.

حالا هم برای بیرون رفتن از این وضعیت فعلی این طرح را بپذیریم. باید رهبران جهادی جمع شوند، هم آقای ربانی استعفا دهد و هم آقای حکمتیار استعفا کند و یک دولت موقت بی‌طرف تشکیل گردد. زمینهٔ انتخابات آزاد را در کشور فراهم بکند. تعهد سپرده شود کسی که پست دولت موقت را به عهده بگیرد، برای بعد کاندیدا نباشد. این یک کار معقول است و در دنیا منطقی هم است، سابقه هم دارد و در پاکستان هم همین مسأله را عمل کرده‌اند؛ لذا غیر از این راه، راه بیرون رفتن از وضعیت فعلی وجود ندارد که بگوید یکی از آن‌ها استعفا بکند و دیگری استعفا نکند. این موضوع با توافق رهبران است. برای بیرون رفتن از وضعیت موجود با توافق رهبران دولت موقت تشکیل گردد. زمان برایش مشخص گردد. علاوه بر آن قانون مشخص برایش وضع گردد تا بدان عمل شود؛ این، یک راه‌حل معقول است.

سؤال: جناب استاد مزاری! شنیده‌ایم که داکتر حسن الترابی رهبر جنبش اسلامی سودان غرض اصلاح بین گروه‌های جهادی که باهم درگیرند در افغانستان مسافرت داشته‌اند و ملاقاتی هم با استاد سیاف، شما، مسعود و حکمتیار داشته‌اند، می‌خواهم که دیدگاه شما را دربارهٔ اصلاح و این‌که چقدر کار آن‌ها ثمربخش خواهد بود بدانیم؟

جواب: آقای حسن الترابی دیروز این‌جا تشریف آورده بود، تقریباً مدت دو ساعت باهم ملاقات داشتیم. ایشان با دو هدف به افغانستان آمده است: یکی کنفرانسی که در مرکز سودان از جهاد اسلام و نهضت‌های اسلامی دارند، دیگر میانجیگری برای از بین رفتن درگیری‌های داخل افغانستان. از نظر ما هر دو نظر ایشان نظر نیک و مثبت بوده این‌که وی می‌آید برای جهان اسلام، حل مشکلات مسلمانان راه‌حل ارائه می‌کند و سران نهضت‌ها را جمع می‌کند؛ این کار در سطح جهان کار بزرگی است.

ما به دعوت ایشان جواب مثبت دادیم و اعلام آمادگی کردیم که در این کنفرانس از حزب وحدت اسلامی شرکت می‌کنند. ما از این عمل‌شان استقبال می‌کنیم. دربارهٔ حل مشکلات داخلی افغانستان هم همان طوری که در طول ۱۸ ماه از تحرکات صلح‌جویانه و اصلاح‌گرایانه استقبال کردیم، از اقدام آقای حسن الترابی نیز به گرمی استقبال می‌کنیم و آن را گام مثبت می‌بینیم

و در تمام زمینه‌ها با ایشان همکاری می‌کنیم.

سؤال: جناب آقای مزاری! سؤال دیگر ما دربارهٔ جنگ «تگاب» است؛ شاید شما در جریان قرار داشته باشید که تقریباً دو سه هفته می‌شود که جنگ میان مجاهدین حزب اسلامی و افراد مربوط به شورای‌نظار جریان دارد؛ ولی اخیراً از رسانه‌های گروهی شنیدم که شما در این جنگ اظهار بی‌طرفی کرده‌اید. نظر ما این است که از نظر اسلام وقتی که میان دو گروه اسلامی جنگ و اختلافی صورت گیرد، یک فرد مسلمان یا یک گروه اسلامی وظیفه‌اش این است که در میان دو گروه متخاصم باید صلح کند و طرفی که از صلح تمرد می‌کند و سرباز می‌زند، باید جانب کسی را بگیرد که مظلوم واقع شده است و علیه به‌غاوت کننده و متمرد باید صف‌آرایی کند. به نظر شما در این چه راه‌حلی وجود دارد؟

جواب: ما گفتگو، تفاهم و پذیرش همدیگر، منطق و دلایل منطقی راه‌حل می‌دانیم؛ چه حالا این تضاد بین تنظیمی پیش آید و چه به‌حساب قومی، همهٔ این مسائل وجودش ضرر برای یک کشور است. در تمام دنیا مشاهده می‌کنیم که همه‌جا مسائل سیاسی وجود دارد؛ یعنی احزاب مختلف، اقوام مختلف و مذاهب مختلف وجود دارد؛ ولی وقتی که راه تفاهم را بپذیریم، برای تکامل مردم و کشور از آن استفاده کنیم، مشکل پیش نخواهد آمد؛ اما همهٔ این‌ها در افغانستان به خاطر عدم تفاهم باعث دردسر شده است؛ لهذا وقتی که راه‌حل را مبنای تفاهم می‌دانیم از این جهت ما جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم. جنگی که در آن‌جا پیش آمد، ما درصدد بودیم که جنگ در آن‌جا باید محدود نگه‌داشته شود و گسترش پیدا نکند. اگر کسی از کسی حمایت کند و طرفی از طرف دیگر جنگ حمایت کند، جنگ گسترش پیدا می‌کند و تمام مناطق کابل را دربرمی گیرد. در صورتی که این مردم ده تا جنگ خونین را سپری کرده‌اند. روی این اصل برای اولین بار بود که برای اصلاح این مسأله اقدام گردید. ما آقای فاضل را پیش آقای حکمتیار فرستادیم.

ما از آقای حکمتیار خواستیم که ما میانجیگری کنیم تا این جنگ صلح گردد. آقای حکمتیار گفته بود که کابینه پیش از شما اقدام کرده است. کابینهٔ دولت که متعلق به همهٔ احزاب است تصمیم گرفته بود که این مشکل را حل بکند. ما از این جهت از اقدام اسلامی خود صرف نظر کردیم، برای این‌که کابینه و تشکیلاتی را که کابینه به وجود آورده بود اقدام کرده بود. از نظر ما اقدام کابینه جامع‌تر بود؛ چون همهٔ احزاب در آن‌جا عضویت داشتند.

از این جهت ما خوشحال شدیم که این‌ها برای صلح اقدام کرده‌اند. ما هم امیدوار هستیم که

هر چه زودتر صلح برقرار شود. به جای جنگ تفاهم برقرار گردد. باید راه تفاهم تعقیب گردد. درست است که هر کس تمرد کرد و تفاهم را قبول نکرد، مسلمان‌ها وظیفه دارند تا تمرد کننده را تنبیه کنند؛ ولی وضعیت افغانستان طوری است که چون در اثر یک انقلاب مسلحانه پیروزی انجام شده است و همهٔ مردم مسلح‌اند، باید بیشتر روی تفاهم و مذاکره تکیه کنیم. اسلام هم این مسأله را صحه گذارد. وقتی که همهٔ راه‌ها بسته شود، باید تفاهم و مذاکره شود.

سؤال: استاد محترم، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان! در طول یک سال‌ونیم گذشته رابطهٔ حزب اسلامی با حزب وحدت اسلامی در تمامی عرصه‌ها شکل پشتیبانی را داشته، هم از نظر عملی و هم از نظر نظری حزب اسلامی از موضع حزب وحدت اسلامی پشتیبانی کرده؛ ولی اگر باز در این اواخر دامنهٔ جنگ را شورای‌نظار در کابل بکشاند و جنگ بین حزب اسلامی و شورای‌نظار به وقوع بپیوندد، در آن صورت موقف حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟

جواب: خیر، معتقدیم که جنگ راه‌حل نیست و گسترش آن اصلاً به سود مردم نیست. تلاش می‌کنیم که این جنگ در کابل واقع نگردد. ما رابطه‌هایی با احزاب داریم؛ هم رابطهٔ ما با حزب اسلامی و هم با جنبش ملی ـ اسلامی حسنه است. ما با شورای‌نظار هم کمیسیون مشترکی داریم و خیر و صلاح این را می‌دانیم که جنگ نباید در کابل صورت گیرد.

سؤال: فرض مثال اگر احتمالاً جنگ رخ داد، در آن صورت چه خواهد شد؟ این را به خاطر این تأکید می‌کنیم که شورای‌نظار همان‌طوری که برای شما بهتر معلوم است، به هیچ تعهد و توافق خود پایدار نمانده و نخواهد ماند. اگر احیاناً جنگ رخ دهد، موقف نظامی حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟

جواب: مسألهٔ طبیعی است که در کابل چند تا قدرت نظامی در این‌جا موجود است و حضور فعال دارد. وقتی که ما هم با جنبش ملی ـ اسلامی روابط حسنه داریم و هم با حزب اسلامی، بنابراین این جنگ تحقق پیدا نمی‌کند.

سؤال: معاهدهٔ آتش‌بس که میان شما و اتحاد اسلامی به خاطر قطع جنگ صورت گرفته تا چه حد استحکام خواهد داشت و درگیری ایجاد نخواهد شد؟

جواب: دربارهٔ مشکلاتی که بین ما و اتحاد[1] در هجده ماه گذشته موجود بوده است و اقدامات زیادی برای این کار انجام گرفته است که باید این مشکل رفع گردد. وقتی آقای حکمتیار واسطه

۱. حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.

شد که باید مذاکره شروع شود، به خاطر این کار کمیسیونی تشکیل شد. کسانی که در این راه اقدام کردند، ما همیشه از آن استقبال کردیم. فعلاً هم کمیسیون شش نفره تشکیل شده‌اند که سه نفر از اتحاد و سه نفر از حزب وحدت اسلامی در آن عضویت دارد.

این‌جا یک تعداد نیرو را برای حفظ آتش‌بس تعیین کرده‌اند و گروه سیار نیز تشکیل شده است که بر خطوط مقدم نظارت کنند و تخلفی که صورت گیرد باید جلو آن گرفته شود. یک مقر مشترک از دو تنظیم به وجود آمده است که نقض آتش‌بس را دیده گزارش آن را به هیأت بدهد. این گام مثبتی برای حفظ آتش‌بس است. از وقتی که آتش اعلام شده درگیری تقلیل یافته خیلی کم گزارش شده است. ما مصمم هستیم که این کمیسیون را تعقیب کنیم و این آتش‌بس حفظ گردد.

سؤال: در آیندهٔ افغانستان بعضی طرفدار این مسأله هستند که مطبوعات افغانستان باید مطبوعات آزاد باشد؛ اما یک عدهٔ دیگر طرفدار آزادی مطبوعات نیستند. می‌خواهیم نظر شما را بدانیم که آیا شما با آزادی مطبوعات عقیده دارید یا این‌که قید و شرطی که دیگران معتقدند، شما به آن باور دارید؟

جواب: از نظر تمدن بشری و قوانین بین‌المللی فکر می‌کنم که امروز یک مسألهٔ پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات باید آزاد باشد و هر کس باید طبق برداشت‌های سیاسی و عقیدتی‌اش عقیدهٔ خود را بازگو کند؛ اما یک عده نسبت به این مسأله تعصب نشان می‌دهند. کسانی که می‌گویند سانسور باشد و مطبوعات آزاد نباشد، این دیگر خیلی دورانش گذشته است؛ یعنی در این دوران تطبیق نمی‌کند. از نظر اسلام هم عقیدهٔ مخالف داشتن جرم نیست؛ این یک اصل پذیرفته شده است. ما معتقدیم که آن آزادی‌ای که اسلام و خلفای اسلام پذیرفته است، هنوز غرب هم به آن نرسیده است.

ما نمونهٔ بارزی نشان می‌دهیم که در زمان خلافت علی(ع) خوارج با حضرت علی(ع) مخالف بودند و اختلاف برداشت هم از متن اسلام داشت و آیات و روایاتی را پیدا می‌کردند و علیه خلیفه مسلمین آن روز می‌رفتند قرائت می‌کردند، مثل شعارهایی که فعلاً می‌دهند. بسا اوقات حضرت علی(ع) در حال رکوع بود و این‌ها استدلال می‌کردند. حضرت علی آن‌قدر رکوع را طول می‌داد تا استدلال آن‌ها تمام گردد. من فکر می‌کنم که در هیچ جای دنیا در جامعهٔ متمدن فعلی چنین نمونه‌ای وجود ندارد که کسی برود سر نماز یا سر جماعت یک رهبر و یک خلیفه آن استدلال را کند و اجازه داشته باشد. در این حد وقتی که در اسلام آزادی وجود دارد؛ بنابراین ما نمی‌توانیم

بگوییم حالا که انقلاب اسلامی پیروز شده است مطبوعات باید در اختیار یک حزب و یک دولت باشد تا دیگران نتواند ابراز عقیده و نظر کنند، تبلیغ کنند و برداشت‌های خود را منعکس کنند.

البته در قوانین اسلامی برایش محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده که آن‌هم به خاطر منافع جامعهٔ انسانی و اخلاق اجتماع است. آن، این است که باید فطرت انسان‌ها که برای نجات و فلاح است کاری نشود که آن‌ها منحرف گردند و جای دیگری بروند که این مسأله طبق مبانی اسلامی باید در آیندهٔ مطبوعات تدوین گردد. این، به معنی محدود کردن نیست، بلکه به معنی این است که کسی حق ندارد دیگری را سلب کند.

کاری بکند که آزادی عقیدهٔ وی گرفته شود حتی دربارهٔ مسیحی‌ها و ارمنی‌ها در مبانی فقه اسلامی آمده که آنان برای عقیده داشتن و مراسم مذهبی آزاد است؛ ولی یک‌سری کارهای‌شان مثل شراب‌خواری و دیگر مسائلی که در اسلام مجاز نیست، این‌ها را فقط در مجامع عمومی انجام ندهند. آن‌ها فقط می‌توانند در خانه‌شان انجام دهند؛ لذا ما آزادی مطبوعات را طبق فرمان‌ها اسلامی می‌دانیم و نظر ما هم همین است که هرکس باید آزاد باشد منتهی مزاحمت به دیگران نباشد.

سؤال: محترم استاد مزاری! شما در مصاحبه‌تان با یک خبرنگار فرانسوی گفته بودید که جمعیت اسلامی به‌خصوص استاد ربانی برای شما تعهد داد که مذهب شیعه را به رسمیت بشناسد، دلیلی وجود دارد که استاد ربانی تا اکنون این کار را انجام نداده است؟

جواب: آقای ربانی با ما توافق کرد که از نظر تنظیم جمعیت، فقه جعفری رسمیت دارد و در تدوین قانون اساسی هم از این موضوع جمعیت اسلامی حمایت کند. این توافق‌نامه را هم حزب اسلامی و هم جمعیت اسلامی داده است و جنبش ملی ـ اسلامی رسماً در اساسنامه‌اش منعکس کرده است، منتهی این قانون اساسی از طرف مردم تدوین گردد، ببینیم که آن‌جا با آن توافقاتی که دارند چگونه عمل خواهند کرد؟

سؤال: در این اواخر شما از طریق رادیوهای بین‌المللی شاید شنیده باشید که بمباران وحشیانه در شهر سروبی که اصلاً در آن مراکز نظامی وجود ندارد، صورت گرفته تلفات زیادی برای اهالی سروبی داشته است، در این قسمت حزب وحدت اسلامی هیچ عکس‌العمل از خود نشان نداد و این عمل را تقبیح نکرد، شما در این مورد چه می‌فرمایید؟

جواب: البته ما اصل جنگ را قبول نداریم. مردم غیر نظامی چه با کلاشینکوف به شهادت

برسند چه با راکت چه با بمباران، این کار غلط است. متأسفانه در جنگ‌های افغانستان این مسأله مکرراً تکرار شده و پیش‌آمده است. ما بمباران را اصلاً منطقی نمی‌دانیم؛ برای این‌که بمباران برای این است که دولت با کشورهای خارجی جنگ داشته باشد؛ اما این‌که اعضای دولت در بین خودشان جنگ می‌کنند و غیر نظامیان مورد بمباران قرار می‌گیرند، این کار از نظر مردم مردود است و درست منطقی هم نیست.

سؤال: شما مشخصاً راه بیرون رفت از این بحران کنونی را که در آن قرار داریم، چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

جواب: من این موضوع را در سؤال‌های قبلی هم جواب دادم. راه بیرون رفت غیر از این‌که رهبران بنشینند، توافق کنند و یک دولت موقت بی‌طرف که برایش زمانی قائل شوند، وظایف مشخصی قائل شوند به وجود بیاورند تا زمینه فراهم گردد برای انتخاباتی که مردم خود سرنوشت‌شان را تعیین کنند، این راه منطقی است، غیر از این هر راه دیگری را که بپیمایند راه موفقی نخواهد بود.

سؤال: استاد شما که در صحبت صریح گفتن شهرت دارید، صحبت صریح می‌کنید، اگر در آخرین دقایق بگوییم چه کسی نمی‌خواهد این راه مثلاً پیشنهاد صدراعظم را کدام رهبر یا کدام جناح نمی‌خواهد بپیماید؟

جواب: من این را مکرراً گفته‌ام و در این مسأله اکثریت رهبران شامل بوده‌اند. برخی به خاطر این‌که تعهد سیاسی ندارند، شامل‌اند. آن‌ها پیمانی را که امضاء می‌کنند، دنبالش نیستند و موضع‌گیری درست ندارند؛ به‌اصطلاح هزارگی ما «شاهین ترازو را سیل می‌کنند» که کدام طرف سنگینی می‌کند. این‌ها واقعاً یک‌سری فجایعی در افغانستان به‌بار آورده‌اند و برخ دیگر هم قناعت ندارند به وظایفی که برای‌شان سپرده می‌شود؛ یعنی قناعت برای قانون و صلاحیتی که برایش داده شده است ندارند؛ لذا از این جهت ما طرفدار این مسأله هستیم که قانون بیاید و حاکم گردد، برای این‌که زمانی که قانون حاکم شد یا مرجع قانونی بیاید، صلاحیت محدود می‌گردد و جلو خودسری‌ها و دخالت‌ها گرفته می‌شود.

عدهٔ دیگر هم از بیت‌المال استفاده‌های دارند؛ یعنی وقتی که حساب و کتاب نبود، قانون نبود، وضع عادلانه نبود می‌تواند از وضع عمومی به نفع خویش و یا جریانش استفاده کند؛ لذا این‌ها هم به خاطر بی‌نظمی و انارشیزمی که وجود دارد حیات خود را به این مسائل وابسته می‌دانند و این

شیوه را دنبال می‌کنند و تن به حقیقت و قانون نمی‌دهند. مجموع این عوامل را که در نظر بگیریم شامل حال اکثریت رهبران می‌گردد و استثنا کم است.

سؤال: ببخشید آقای مزاری! من در اخیر طرح شخصی‌ام برای راه‌حل بحران کنونی افغانستان این است که یک سلسله کارهای تاکتیکی و اخلاقی میان رهبران و سایرینی که در جهاد شرکت داشته‌اند صورت بگیرد، هرچند که پیشنهادهایی که شما دارید همه جای قبول است؛ ولی تا جایی که تجربیات نشان داده است، همه به یاد داریم که معاهداتی که در جلال‌آباد و اسلام‌آباد انجام شد و پیمان‌ها و امضاهایی شد و در پای آن پیمان‌ها، امضای همهٔ رهبران گرفته شد، در کعبهٔ شریف نیز تعهد کردند که توافق‌نامه‌هایی را که امضاء کرده‌اند؛ باید عمل کنند. همگی شاهد هستند که این کار عملی نشد.

به نظر من اگر قلب‌ها پاک و تطهیر شود و کینه‌ها زدوده شود یا اگر زمانی که تفاهم به وجود می‌آید یا فیصله‌ای می‌شود یا انتخابات برگزار می‌گردد یا اگر پیمان‌های دیگری برای حل مشکلات امضاء می‌گردد، همهٔ آن باید عملی شود تا اعتماد بین رهبران بیشتر شود، نظر شما در این باره چیست؟

جواب: معتقدم که این‌جا دو سه مسأله ضرورت دارد تا باید رعایت شود: یکی در طول جهاد و در طول هجده ماه تا به حال ثابت شده که رهبران در تعهدات خود ثابت نیستند، این ملت است که در این باره باید تصمیم بگیرند و نیاز است تا یک قدرت اجرایی باشد، همان‌طوری که ملت بدون سلاح و با دست‌خالی توانستند روس‌ها را از کشور بیرون برانند (البته با تمام توان‌مندی که روس‌ها داشتند) توجه لازم است این‌که ملت این‌ها را رهبر ساخته است.

این یک راه‌حل اساسی است. جای شکی نیست که مسألهٔ اخلاقی، معنویات، پاکی و تطهیر قلب‌ها مؤثر است. هر جامعه‌ای به این‌ها ضرورت دارد، منتهی این مسأله غیر عملی است، مگر الهام از امداد غیبی بگیریم یا خدا این کار را به شکل معجزه انجام دهد و این همه جاه‌طلبی، قدرت‌طلبی و کینه‌توزی را تغییر بدهد.

این هم ضرورت به یک قدرتی دارد که این‌ها را از افغانستان بیرون کند و درس اخلاق برای‌شان بگذارد؛ متأسفانه این از صلاحیت و اختیار ما نیست. از ملت هم می‌خواهیم و خود ما هم دعا می‌کنیم که خدا اصلاح بکند؛ اما این‌که این‌ها را از سر قدرتشان جمع کرده ببرند، درس اخلاق برای‌شان تدریس کنند، این دیگر در توان ما نیست. فقط راهی که همانا وجود مردم افغانستان

است که در طول تاریخ اثبات کرده‌اند که مردم هم شهامت جنگ را دارند و هم شهامت تعیین سرنوشت آیندهٔ خود را دارند. مردمی که خارجی‌ها را دفع کرده و با تمام توانمندی خارجی‌ها آنان را بیرون رانده‌اند. حالا رهبران را هم همین ملت اصلاح کنند. لازم است که رهبران به خاطر منافع مردم و منافع کشورشان روی این مسأله فکر کنند و در اجرای تعهدات و توافقات‌شان پایبند باشند و برای بیرون رفتن از وضعیت فعلی فکر کنند. در مجموع رهبران به این مسائل توجه کنند تا ان‌شاءالله مشکل حل گردد.

رهبران راه تفاهم، مذاکره، راه پذیرش و تحمل یکدیگر را پیش بگیرند. ملت هم فشار بیاورند. طبیعی است که نقش اخلاق، ایمان و تقوا را نمی‌توان در جامعهٔ اسلامی نادیده گرفت؛ این اصل ضروری است؛ منتهی تطبیق آن تعلق به عمل خود افراد دارد، مگر این‌که ضروری باشد تا این‌جا دروس اخلاقی دایر شود که این هم در افغانستان ممکن نیست.

سؤال: استاد محترم! ببخشید که سؤال زیاد شد. یک سؤال دیگر دربارهٔ دانشگاه کابل است؛ البته پوهنتون کابل با حضور شما از طرف صدراعظم رسماً افتتاح شد؛ ولی بازهم وزیر مشاور دولت جلساتی را در قصر ریاست جمهوری دایر کرد که گویا می‌خواهند پوهنتون را افتتاح کنند؛ یعنی خارج از ساحهٔ پوهنتون کابل در جای دیگر. هم‌چنین در این روزها شنیده شده که کمیتهٔ مرکزی که فعلاً وزارت دفاع است و در حال حاضر مولوی محمدنبی محمدی آن‌جا مقر دارد، برای پوهنتون کابل آن را اختصاص داده است؛ در این باره اگر نظرتان را ابراز دارید، از شما ممنون هستیم.

جواب: حضور شما عرض شود که به خاطر بازگشایی دانشگاه و شروع دروس محصلین، مکرراً با رئیس دانشگاه جلساتی داشتیم و از آن‌ها تقاضا کردیم که دوباره دانشگاه را فعال کند. اخیراً که استادان دانشگاه همه را ملاقات کرده، در جبل‌السراج رفتند و آقای مسعود را ملاقات کردند، آقایان سیاف و ربانی را دیدند و جلسهٔ طولانی و چند ساعته با آقای حکمتیار داشتند، بعد این‌جا آمدند و ما توافق کردیم که دانشگاه افتتاح شود و دانشجویان پذیرفته شوند. در مسألهٔ بازگشایی پوهنتون از همه دعوت شده بود که آقای حکمتیار هم در آن شرکت کرده بودند؛ ولی دوستان دیگر نیامدند و پوهنتون افتتاح شد. در هیأت دولت این مسأله مطرح شد و چند وزیر موظف گردیدند که کمیسیونی را برای ترمیم دانشگاه فعال کنند؛ ولی این‌که آقایان در جای دیگر پوهنتون را انتقال دهند، این نه عملی است و نه هم چیزی درست می‌شود.

این کار فقط می‌تواند یک برگهٔ سیاسی برای جلب کمک‌ها باشد و از این طریق طرف مقابل را متهم کنند و بگویند که این‌ها طرفدار بازگشایی دانشگاه نیستند. من باور دارم که این کار عملی نیست، برای این‌که مردم شریف افغانستان امروز به‌خوبی می‌دانند. رسانه‌های بین‌المللی نیز روزی که دانشگاه در این‌جا افتتاح شد، همه‌شان حضور داشتند. در این‌جا صحبت‌هایی هم شد و تکیه شد که پوهنتون باید فعال شود. روی این مسأله این برگهٔ سیاسی هم ارزشش را از دست داده تا طرف را متهم کنند که طرفدار علم و دانش نیست. این‌ها نمی‌خواهند که علم و دانش باشد.

از نظر این‌که کمک‌ها را جلب کنند، این برگه هم دیگر سوخته است و فعلاً آن‌ها از این هم بهره‌برداری نمی‌توانند که ما می‌خواهیم پوهنتون را بازگشایی کنیم و از این طریق کمک جذب کنند تا این‌که امنیت و یک حکومت مورد قبول مردم افغانستان به وجود نیاید، از خارج کسی کمک نمی‌کند، چه برای بازسازی افغانستان باشد و چه برای بنیهٔ اقتصادی باشد و چه برای بنیهٔ فکری و فرهنگی باشد؛ لذا این یک مسألهٔ بی‌ثمری است.

هیأتی که از طرف کابینه تشکیل شده است، یازده پروژهٔ ساختمانی برای ترمیم و فعال کردن دانشگاه کار می‌کند؛ فعلاً مشغول ترمیم آن هستند. هر کس که برای کمک برای بنیهٔ دانش و فکر در افغانستان توجه دارد و دلش می‌سوزد که باید دانشگاه ترمیم شود، باید تلاش کند که در همین‌جا فعال گردد. مانعی هم برای این کار وجود ندارد. در جای دیگر بازگشایی دانشگاه عملی نیست. برای این‌که شما خودتان فرد تحصیل‌کرده و انجنیر هستید، می‌دانید که درس‌ها فرمولی دارد که باید کتاب‌های آن موجود باشد برای همان فرمول کلاس درسی آن طبق همان فرمول باشد. این مسأله دکانداری نیست که یک آدم یک دکان را تعطیل کند و جای دیگر برود، اجناس خود را بفروشد. این طبق همان فرمول و نقشهٔ آن ترتیب یافته و سابقه دارد، کتاب‌های مختلف علمی و پژوهشی جمع‌آوری شده است و اسناد وجود دارد، بازگشایی آن در جای دیگر عملی نیست. کسانی که این مسأله را مطرح می‌کنند، آن‌ها مغرض‌اند و به نفع این مملکت فکر نمی‌کنند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره‌های ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، کابل.

(۷۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

در افغانستان عبدالعلی مزاری یکی از رهبران حزب وحدت می‌گوید که حزب او هیچ تغییر اساسی در طرف گیری‌های سیاسی‌اش نداده است. حزب وحدت متحد اصلی حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نخست‌وزیر افغانستان است؛ ولی اخیراً در مورد نزدیک‌تر شدن این حزب به حزب جمعیت اسلامی که رهبری آن با برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور است، شایعاتی شنیده می‌شد. این شایعات پس از آن قوت گرفت که احمدشاه مسعود وزیر دفاع پیشین و متحد اصلی برهان‌الدین ربانی برای سفیر اعضای شورای اجرائی حزب وحدت از پایگاه‌شان در بامیان به کابل هلیکوپترهایی را در اختیار آنان گذاشت.

استاد عبدالعلی مزاری در گفتگو با میرویس جلیل همکار ما در کابل در مورد علت سفر اعضای شورای اجرایی حزب وحدت به کابل شایعهٔ ائتلاف جدید بین حزب وحدت و احمدشاه مسعود چنین گفت: شورای مرکزی ما قبلاً در بامیان بود و یک شورای تصمیم‌گیری در کابل داشتیم. مسألهٔ تصمیم‌گیری‌های سرتاسری مملکت چون در کابل گرفته می‌شود و وضعیت حساس در کابل حاکم است؛ از این جهت حزب وحدت تصمیم گرفت تا در کابل خود را متمرکز کند. سه ماه پیش مصوبه شده بود که شورای مرکزی در کابل منتقل شود؛ یعنی یک شورای تصمیم‌گیری در بامیان باشد و شورای مرکزی حزب در کابل. روی این مصوبهٔ قبلی انتقال پیدا کردند، هیچ ربطی به مسألهٔ رابطهٔ احزاب دیگر ندارد و ائتلاف جدیدی هم روی کار نیست. رابطهٔ ما با همهٔ احزاب خوب است. رابطهٔ حسنه داریم، جنگ نداریم و با هیچ جناحی طرفدار جنگ هم نیستیم.

خبرنگار: شما اخیراً آتش‌بس با آقای سیاف داشتید، شما گفته می‌توانید که فعلاً آتش‌بس چه‌طور است آیا دو طرف آتش‌بس را رعایت می‌کنند؟

استاد مزاری: آتش‌بس از آن وقتی که برقرار شده تا حالا خوب بوده، یعنی نقض کم داشته، گاه‌گاهی پراکنده نقض می‌شده، همین نیروهایی که از دو طرف از اتحاد[1] و حزب وحدت ناظر

۱. حزب اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف.

هست، این‌ها جلو نقض آتش‌بس را می‌گیرند. ما با این خوش‌بین نیستیم، امیدواریم که ادامه پیدا بکند و نقض نشود.

خبرنگار: فعلاً زدوخوردهایی که میان نیروهای آقای مسعود و آقای حکمتیار در تگاب جریان دارد، موقف نیروهایی شما چیست؟ آیا شما تا هنوز در ائتلاف با آقای حکمتیار هستید یا می‌خواهید که ائتلاف جدیدی داشته باشید؟

استاد مزاری: ما چون طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را هم راه‌حل نمی‌دانیم و طرفدار این مسأله هستیم که این جنگ‌ها خاتمه پیدا کند و به نفع دو طرف نیست، ما با همهٔ احزاب روابط حسنه داریم و طرفدار هیچ‌کدام‌شان از نگاه جنگ نیستیم. سعی می‌کنیم که این جنگ هم خاتمه پیدا کند و برای خرابی خانه‌های مردم، این وضعیت، هوای سرد برای مردمان غیر نظامی بسیار تکلیف است، از این جهت متأسف هستیم و سعی و تلاش می‌کنیم که این جنگ خاتمه پیدا کند.

خبرنگار: یک سلسله افواهایی در شهر کابل پخش شده که امکان دارد برخوردهای شدیدی دوباره در شهر کابل از سر گرفته شود، شما در این زمینه چه نظری دارید؟

استاد مزاری: ما در مجموع در افغانستان جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم، مذاکره و تفاهم را راه‌حل می‌دانیم و سعی می‌کنیم که جنگ در کابل تحقق پیدا کند.

خبرنگار: شما که فعلاً روابط خوب‌تری با آقای مسعود و آقای حکمتیار دارید، پس چرا در جنگ میانجیگری نمی‌کنید؟

استاد مزاری: ما البته این مسأله را مطرح کردیم که میانجیگری کنیم، حالا هم دنبال این مسأله هستیم؛ ولی از این‌که پیش از ما از طرف هیأت دولت و کابینه فیصله کرده بود، چند نفر وزرایی را تعیین کرده بود که میانجیگری بکنند، آقای بلاغی از حزب وحدت جزء آن هیأت میانجیگری است، امیدوار هستیم که این مسأله نتیجه بدهد و جنگ خاتمه پیدا کند.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، صص ۲۳۰-۲۳۱.

(۷۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی، صدا و سیمای ایران و رادیو صدای امریکا[۱]

استاد عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی پیش از ظهر روز شنبه خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی، صدا و سیمای ایران و صدای امریکا را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته به سؤالات آنان دربارهٔ اوضاع جاری کشور پاسخ گفت که متن کامل آن در زیر به دست نشر سپرده می‌شود.

بی‌بی‌سی: سازمان ملل بعد از بازدید از موزیم کابل اقداماتی را روی دست گرفته بود تا در زمینهٔ حفظ و نگهداری از موزیم و آثار باستانی همکاری کند نظر شما چیست؟

استاد مزاری: نمایندهٔ سازمان ملل متحد در این اواخر به کابل آمده بود، طی ملاقاتی که با ما داشت تقاضا کرد که از موزیم بازدید کند. بعد از این‌که موزیم را از نزدیک مشاهده کردند وعده دادند که در زمینهٔ حفظ و نگهداری آثار تاریخی افغانستان کمک می‌کنند. موضوع حفظ و نگهداری آثار باستانی افغانستان وظیفهٔ ملی ما است. ما از این اقدام سازمان ملل متحد استقبال می‌کنیم و با آنان کمال همکاری را خواهیم داشت.

بی‌بی‌سی: در این اواخر شایعاتی مبنی بر ضایع شدن اموال موزیم پخش می‌شود، آیا برای نگهداری بیشتر به آن‌جا نیروی زیادتر نمی‌فرستید؟

استاد مزاری: پس از جنگ، خودم رفتم از موزیم بازدید کردم. یک نفر غیر از افراد امنیتی را تعیین کردم که از اموال موزیم نگهداری کند. فعلاً اعزام نیرو ضروری نیست. اگر نیاز بود خواهیم فرستاد.

بی‌بی‌سی: برای آیندهٔ موزیم چه برنامه‌ای دارید؟

استاد مزاری: پس از این‌که کارهای تعمیراتی موزیم تکمیل گردید، مسئول پیشین موزیم را می‌خواهیم تا ادارهٔ موزیم را در اختیار بگیرد و نیروهای امنیتی را برای نگهداری موزیم در اختیار

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی، صدا و سیمای ایران و رادیو صدای آمریکا، ۱۳۷۲/۹/۱۳.

آن‌ها قرار می‌دهیم.

صدا و سیمای ایران: آیا آثار تاریخی از موزیم غارت شده است؟

استاد مزاری: پیش از جنگ یک مقدار اموال موزیم توسط نیروهای شورای‌نظار بیرون کشیده شده بود و در زمان جنگ فقط خرابی به وجود آمد.

بی‌بی‌سی: موضوع آتش‌بس در منطقهٔ شما چگونه است؟

استاد مزاری: فعلاً جریان آتش‌بس خوب است و کم‌تر نقض می‌شود. فقط شب گذشته؛ یعنی شنبه از طرف مقابل اتحاد از منطقهٔ مسجد کویتی‌ها و حوزهٔ پنج فیرهایی صورت گرفت.

صدا و سیمای ایران: چه تعداد از افراد غیر نظامی اسیر شده است؟

استاد مزاری: در مجموع اسرای غیر نظامی ۷۲۰ نفر هستند. از این مجموع ۲۷۰ نفر پیش اتحاد هستند، بقیه در نزد ملا عزت و سایر قوماندانان جمعیت.

صدا و سیمای ایران: در طول هجده ماه گذشته در مناطق شما چه تعداد شهید و مجروح و معلول وجود داشته؟

استاد مزاری: به تعداد ۱۶۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند و آمار شهدا به ۲۰۰۰ نفر می‌رسد. تعداد دقیق معلولین مشخص نشده است که از این جمع اکثریت آن‌ها غیر نظامی هستند.

صدا و سیمای ایران: آیا در ساحات شما مکاتب فعال شده؟

استاد مزاری: وزارت معارف قبلاً به ما وعده همکاری داده بود، ولی عمل نکرد؛ اما از طرف اهالی مناطق مختلف مجموعاً ده مکتب و لیسه فعال شده است.

صدا و سیمای ایران: آیا در قسمت جریان برق در ساحات غرب کابل اقدامی صورت گرفته است؟

استاد مزاری: تصمیم زیاد گرفته شده؛ ولی عملاً در این مورد کاری صورت نگرفته است، حتی بودجه هم از وزارت مالیه برای همین منظور گرفته‌اند؛ ولی تا حال عمل نکرده‌اند.

رادیو صدای امریکا: آیا از توافقات جلال‌آباد کدام نتیجه‌ای به دست آمده است؟ نظر شما در این مورد چیست؟

استاد مزاری: توافقاتی که در جلال‌آباد و اسلام‌آباد صورت گرفت، هیچ‌کدام از آن‌ها عملی نگردید. در آن توافقات فیصله شده بود که در ظرف یک هفته تمام رهبرانی که توافق‌نامه را امضاء کرده‌اند به کابل بیایند. شورای عالی نظارت بر دولت تشکیل شود، کمیسیون‌های وزارتخانه‌های

مشخص باید به وجود بیاید و بین رئیس جمهور و صدراعظم باید وظایف تفکیک شود. این‌ها جزء توافقات بود؛ ولی به هیچ‌یک از آن‌ها عمل نشد و تمام مسائل به حالت عادی و سابقهٔ خود باقی ماند.

رادیو دری امریکا: نظر حزب وحدت اسلامی در وضعیت کنونی افغانستان چیست؟

استاد مزاری: نظر حزب وحدت اسلامی این است که هم رئیس جمهوری و هم صدراعظم استعفا بدهند و یک دولت موقت که مورد توافق همهٔ احزاب باشد، تشکیل شود تا زمینهٔ انتخابات فراهم شود و یک اردوی اسلامی به وجود بیاید. با وضعیت موجود نه اردو تشکیل می‌شود، نه سلاح‌ها جمع‌آوری می‌گردد، نه انتخابات صورت می‌گیرد.

رادیو صدای امریکا: آقای حکمتیار آمادگی خود را برای استعفا اعلام کرد؛ ولی سخنگوی ریاست جمهوری این موضوع را رد کرد و گفت که آقای ربانی از طرف شورای حل‌وعقد انتخاب شده است، در این مورد چه نظر دارید؟

استاد مزاری: شورای حل‌وعقد را هفت تنظیم رد کرده و آن را قانونی نمی‌دانستند. در اسلام‌آباد با توافق همهٔ احزاب موضوع شورای حل‌وعقد رد شده بود. آقای ربانی در پای توافق‌نامه امضاء کرد که شورای حل‌وعقد اعتبار ندارد و باید احزاب رئیس جمهور و صدراعظم را تعیین کنند و تنها مرجعی که در افغانستان فعلاً قانونی است تمام احزاب است.

رادیو دری امریکا: تحت کدام شرایطی مهاجرین می‌توانند به ساحات تحت کنترل شما برگردند؟

استاد مزاری: ما هیچ شرطی برای بازگشت مهاجرین به منازل‌شان نداریم. بعد از قطع جنگ اعلام کردیم که حزب وحدت اسلامی آماده است تا از مهاجرینی که از این مناطق آواره شده‌اند، پذیرایی کند و ضمن حمایت از آنان امنیت کامل آن‌ها را تأمین می‌کنیم.

رادیو صدای امریکا: اگر استاد ربانی و حکمتیار صاحب استعفا نکنند، آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

استاد مزاری: ما صلاح می‌بینیم که آن‌ها دربارهٔ منافع کشور و مردم فکر کنند و یک راه‌حل منطقی را در پیش بگیرند. اگر وضعیت به این شکل ادامه یابد، بیشترین صدمه را مردم افغانستان می‌بینند. با توجه به سردی هوا و عدم جابه‌جایی مهاجران به منازل‌شان وضع سختی برای مردم

پیش‌آمده است که باید مسئولین در این باره فکر کرده و راه‌حل بسنجند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۴۷، کابل.

(۷۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیش از ظهر دوشنبه خبرنگار فرانس‌پرس را به حضور پذیرفته و به سؤالات وی پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید بعضی از کشورهای غربی شما را بنیادگرا می‌دانند و عده‌ای معتدل، خود شما چه می‌گویید؟ اظهار داشت: «اگر بنیادگرایی را به این معنی بدانیم که در کشورهای دیگر دخالت کند و دولت‌های دیگر را سرنگون کند، من نیستم. ما معتقد نیستیم که امروز افغانستان در تاجیکستان، کشمیر، فلسطین و بوسنیا دخالت کرده و نیرو بفرستد؛ چون خود ما بیشتر از هر کشور دیگری مشکلات داریم. بالاترین آواره، بالاترین مجروح، بالاترین شهید و بیشترین خرابی‌ها را در دنیا کشور ما متحمل شده است، اگر بنیادگرایی را این قسم تعبیر کنند، ما بنیادگرا نیستیم.

ولی اگر بنیادگرایی به این معنی باشد که ما مسلمان هستیم و غیر از اسلام چیزی دیگری را قبول نداریم، ما بنیادگرا هستیم. ما از اسلام منکر نمی‌شویم. مردم و کشور ما اسلامی است. چهارده سال برای اسلام مبارزه کردیم و می‌خواهیم اسلام را در افغانستان پیاده کنیم. تعبیر این موضوع به آن‌ها تعلق دارد که چه تعریف می‌کنند.»

خبرنگار فرانس‌پرس سؤال کرد: دربارهٔ تاجیکستان و جنبش مقاومت تاجیک چه نظر دارید؟

استاد مزاری در پاسخ گفت: «برادران تاجیک مانند ما تند حرکت کردند؛ چون آن‌ها مدت هفتاد سال در یک خلأ فکری (لااقل) زندگی کرده بودند. اگر اول کار فرهنگی صورت می‌گرفت، بهتر از این بود که به مبارزهٔ مسلحانه کشانده شوند. آن‌ها به‌محض آزادی، استقلال صددرصد می‌خواستند؛ اما این مطابق با شرایط تاجیکستان نبود. من با رهبران تاجیک صحبت کردم. گفتم شما اگر می‌توانستید همان دوران آزادی مسجد و مدرسه را که در زمان گورباچف به وجود آمده بود حفظ می‌کردید و همین وضعیت را ادامه می‌دادید، به نفع‌تان بود از این‌که با تندی برخورد کردید.

---

۱. مصاحبه استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس، دوشنبه ۱۳۷۲/۹/۱۵.

تظاهرات در کنار رئیس جمهور مسائل اضافی بود؛ چون به این تندی نه امریکایی‌ها شما را آرام می‌گذارند و نه روس‌ها. همان موقعی که نظربایف روی کار آمد، موضع‌گیری‌ها تند بود. من با این شکل، در ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان معتقد نیستم؛ چون همین‌هایی که حالا روی کار هستند، اگر کمونیست هم هستند، حس ملی‌گرایی دارند. خود آن‌ها می‌خواهند که از روس‌ها جدا شوند. آن‌ها را باید زمان داد که یک مقدار از روس‌ها استقلال بگیرند، هم از نگاه صنعت، هم از نگاه فرهنگ و اقتصاد. چون روس‌ها آن‌ها را طوری ساخته است که آن‌ها به‌زودی نمی‌توانند مستقل شوند. اگر آن‌ها در شرایط فعلی بیایند و بگویند ما استقلال صدفی‌صد می‌خواهیم، معنایش این است که کشورشان فلج شود. از این جهت من با مبارزهٔ تند موافق نیستم. معتقد هستم که باید کار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت بگیرد تا زمینهٔ استقلال فراهم شود.

این مسأله را کمونیست‌های ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و دیگر کشورهای سابق اتحاد شوروی می‌خواهند، درست است که اسلام را نمی‌خواهند، بنیادگرایی را نمی‌خواهند، ولی استقلال از روسیه را می‌خواهند، باید به‌تدریج گام برداشته شود؛ اما در شرایط موجود که هیچ‌گاه مستقل نیستند، فراهم کردن زمینهٔ دشمنی با روس‌ها و امریکایی‌ها به صلاح نیست؛ چون کشورشان را فلج می‌کند. کسی دیگر هم نیست که آن‌ها را کمک کند. فعلاً آذربایجان از روس‌ها آزادی خود را گرفته است و یک نفر از روس‌ها را هم در کشور خود نگذاشتند. یک حکومت ملی را هم به وجود آوردند؛ ولی نتیجه این شد که سه میلیون ارمنی که هم روس‌ها و هم امریکایی‌ها آن‌ها را تقویت می‌کنند سی فی‌صد خاک آذربایجان را اشغال کردند، چه کسی به فریاد آن‌ها رسید؟ کدام کشور اسلامی آماده شد بروند و نیروهای مسلح آذربایجان را تشکیل دهند؟ کدام کشور اسلامی به اقتصادش کمک کرد؟ کدام کشور اسلامی به فرهنگش کمک کرد؟ از ترکیه کمک می‌خواهد، اما ترکیه برایش کمک نمی‌کند. از ایران کمک می‌خواهد، ایران برایش کمک نمی‌کند.

آن‌ها مجبور می‌شوند که بیایند از افغانستان کمک بخواهند؛ در حالی که ایران در آن منطقه همسایگی دارد، نفت دارد، امکانات دارد؛ ولی کسی به فریاد مردم آذربایجان گوش نکرد. در این صورت مبارزهٔ تند تباه کردن مردم است. باید شرایط عینی جامعه در نظر گرفته شود. امروز حکومت گرفتن، یک مسأله است و حکومت اداره کردن، مسألهٔ دیگر. ما در افغانستان چهارده سال جهاد کردیم و هشتاد درصد خاک افغانستان را در اختیار داشتیم، فقط بیست درصد خاک

ما در اختیار کمونیست‌ها بود؛ ولی فعلاً با یک خلأ فکری مواجه هستیم. حالا در کابل ما خلأ فکری داریم. این در حالی است که مردم ما از نگاه حفظ هویت ملی و مذهبی خود در دنیا بی‌نظیر است. مردم ما فرهنگ بیگانه را کمتر می‌پذیرد؛ ولی با آن هم می‌بینیم که تبلیغات کمونیست‌ها تا حدودی اثر گذاشته؛ ولی آن‌ها هفتاد سال زیر نظر کمونیست‌ها بوده‌اند؛ لذا مشخص است که مشکلات‌شان به‌مراتب بیشتر از ما است.»

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار فرانس‌پرس که سؤال کرد: نظر شما دربارهٔ موضوع صلح اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین چیست؟ اظهار داشت: «ما معتقدیم که خود فلسطینی‌ها باید تصمیم بگیرند، به ما ربطی ندارد. اگر سازمان آزادی‌بخش و دیگر مردم فلسطین موضوع صلح را پذیرفتند، ما هم قبول داریم، چون کاری برای آن‌ها نمی‌توانیم، حرف هم نمی‌زنیم.»

خبرنگار در اخیر گفت من با آقای حکمتیار این موضوع را در میان گذاشتم و او گفت: «کسانی که این موافقت‌نامه را امضا کرده‌اند، کافرند.»

استاد مزاری بیان داشت: «این موضع ایشان است. ما موضع خود را داریم. ما هر وقت توانستیم برای مسلمانان کاری انجام دهیم، آن‌وقت حرف می‌زنیم و می‌گوییم که این موضع‌گیری شما خوب است و این خوب نیست؛ ولی وقتی که نمی‌توانیم برای آن‌ها کار کنیم، حرف هم نمی‌زنیم.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۴۸، کابل.

(۷۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روزنامهٔ سلام[۱]

عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، حل مشکل سیاسی این کشور را کناره‌گیری برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور و گلبدین حکمتیار نخست‌وزیر دانست. وی که دیروز با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفتگو می‌کرد اعلام نمود: هیچ‌یک از توافق‌های اسلام‌آباد که در اسفند (حوت) گذشته حاصل شده بود، تاکنون عملی نشده است.

وی گفت: «برای حل مشکل افغانستان یک دولت موقت بی‌طرف باید جایگزین دولت فعلی افغانستان شود و زمینهٔ انتخابات و تشکیل یک ارتش (اردو) ملی را فراهم سازد.»

آقای مزاری، مجدداً بر بی‌طرفی حزب وحدت در درگیری‌های شمال شرق کابل تأکید کرد و یادآور شد که حزبش هرگز به حل مشکل سیاسی افغانستان از طریق جنگ معتقد نیست و بر این باور است که آیندهٔ سیاسی این کشور باید از طریق مذاکره و تفاهم رهبران جهادی افغانستان پایه‌ریزی شود.

وی در مورد آتش‌بس بین نیروهای اتحاد اسلامی سیاف و حزب وحدت در غرب کابل اظهار داشت: «در ردهٔ رهبری با اتحاد اسلامی سیاف و جمعیت اسلامی افغانستان مشکل وجود ندارد، تنها بعضی از فرماندهان در مورد آزادی اسرا مشکلاتی به وجود آورده‌اند.»

آقای مزاری گفت: «با وجود این آتش‌بس، مشکل اساسی مردم غرب کابل هنوز حل نشده است. وی ابراز امیدواری کرد، طرفین با خویشتن‌داری به‌طور ریشه‌ای به اختلافات‌شان پایان دهند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی گفت: «از مجموع ۷۲۰ اسیر نظامی و غیر نظامی این حزب، طی دو مرحله مبادلهٔ اسرا تنها بیست‌وشش نفر آزاد شده‌اند، بقیه در اسارت فرماندهان نظامی اتحاد سیاف و جمعیت اسلامی هستند.»

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، روزنامهٔ سلام ۱۳۷۲/۹/۱۶.

وی گفت: «از مجموع این تعداد ۳۷۰ تن در اسارت اتحاد اسلامی سیاف و بقیه در اختیار فرماندهان جمعیت اسلامی هستند.»

آقای مزاری با اشاره به ویرانی‌های جنگ در غرب کابل افزود: «پس از روی کار آمدن دولت مجاهدین این منطقه به‌طور مطلق از داشتن برق محروم است و مردم با مشکلات عدیده‌ای از قبیل کمبود مواد سوختی و مواد غذایی، مسدود بودن راه‌ها و از بین رفتن زمینهٔ کار مواجه هستند.»

وی گفت: «در جنگ‌های یک سال‌ونیم گذشته بیش از چهار هزار واحد مسکونی در غرب کابل ویران شده است و شانزده هزار نفر بر اثر اصابت سلاح دوربرد مجروح شده‌اند.»

وی افزود: «از دو هزار نفری که تا به حال جزء کشته شدگان این منطقه ثبت شده‌اند، تنها ۳۳۰ نفر نظامی بوده‌اند، بقیه را غیر نظامیان تشکیل می‌دهند.»[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری ۱۳۷۹، ص ۲۷۷-۲۷۶.

(۷۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی[۱]

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی روز یک‌شنبه خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را در مقر مرکزی آن حزب به حضور پذیرفته و به سؤالات آنان در مورد اوضاع جاری و نقض آتش‌بس پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که مقررات آتش‌بس در کدام منطقه شکسته شده و درگیری‌ها به چه میزانی تلفات داشته است؟ گفت: «سعی می‌شود که آتش‌بس جاری حفظ شود؛ ولی گاه‌گاهی که نقض می‌شود، هیأت‌های ناظر از ادامهٔ نقض آن جلوگیری می‌کنند. امروز در مناطق ما یک فیر هاوان اصابت کرد که منجر به شهادت سه نفر گردید. هیأت‌های ناظر از سوی اتحاد از این عمل جلوگیری نکردند و ما به هیأتی که از سوی حزب وحدت اسلامی مسئولیت نظارت بر آتش‌بس را دارد اطلاع داده‌ایم تا با آن‌ها صحبت کند که جلو نقض آتش‌بس گرفته شود.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که تا هنوز چند تن از اسرا تبادله گردیده؟ گفت: «تاکنون جمعاً سی‌وپنج نفر تبادله شده، تلاش‌ها ادامه دارد تا عدهٔ بیشتری از اسرا رهایی یابند. در ادامه خبرنگار پرسید: اگر نقض آتش‌بس ادامه یابد، شما چه پیش‌بینی می‌کنید، چه واقع خواهد شد؟»

استاد مزاری: «سعی می‌کنیم تا جلو نقض آتش‌بس را بگیریم؛ ولی اگر کنترل نشد، طبیعی است که دوباره درگیری پیش می‌آید. امیدواریم که این موضوع پیش نیاید.»[۲]

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی، یک‌شنبه ۱۳۷۲/۹/۲۱.
۲. خبرنامهٔ وحدت، شماره ۳۵۲، کابل.

(۷۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با هفته‌نامهٔ کابل[۱]

استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیش از ظهر چهارشنبه خبرنگار هفته‌نامهٔ کابل را به حضور پذیرفت و به سؤالات وی پاسخ گفت که در زیر متن کامل آن به دست نشر سپرده می‌شود.

سؤال: تحویل پست صدارت‌عظمی برای آقای محمدامین وقاد یک امر طبیعی است یا خیر؟ در این باره لطفاً نظر خویش را ابراز کنید؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم. فرمان آقای حکمتیار را که مطالعه کردیم و این تبلیغاتی که فعلاً از طریق رسانه‌های خبری و دستگاه‌های اطلاعاتی به راه افتاده است، در این‌جا دو موضوع مطرح است: آقای حکمتیار در فرمانش نوشته است که تا آمدن قطب‌الدین هلال و آقای ارسلا رحمانی شما وظایف صدارت را به عهده بگیرید. به اساس فرمان آقای حکمتیار پست صدارت موقتاً به آقای قاضی امین وقاد سپرده شده است؛ ولی آن تبلیغاتی را که رادیو کابل، تلویزیون کابل و رادیو بی‌بی‌سی مطرح می‌کند، غیر از این است. ما از آقای حکمتیار در این مورد بازخواست کردیم. آقای حکمتیار این تبلیغاتی را که در کابل مطرح شده است، تکذیب کرد.

سؤال: با توجه به سپردن وظیفه صدارت به قاضی امین وقاد، احتمال تغییرات مهم سیاسی را در منازعات کنونی تأیید می‌کنید؟

جواب: چون آقای حکمتیار اصل وظیفه را برای قاضی امین وقاد دائمی قرار نداده است، تا آمدن معاونین وظایف صدراعظم به آقای امین وقاد سپرده شده است، ما تغییراتی را در وضعیت فعلی پیش‌بینی نمی‌کنیم.

سؤال: چون وظیفهٔ صدارت به محترم حکمتیار در معاهدهٔ جلال‌آباد از طرف رهبران تنظیمات صورت گرفته بود، برکناری او باید از طرف رهبران صورت می‌گرفت، بهتر بود یا از طرف رئیس جمهور؛ نظر خود را در این باره ابراز فرمایید؟

---

۱. مصاحبهٔ استاد مزاری با هفته‌نامهٔ کابل، چهارشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۴.

جواب: طبق توافق‌نامهٔ اسلام‌آباد و توافق‌نامهٔ جلال‌آباد از طرف رهبران تنظیم‌ها، رئیس جمهور، صدراعظم و وزرای کابینه تعیین گردیده‌اند، این موضوع مربوط به رهبران تنظیم‌ها است و هیچ‌کس دیگری صلاحیت آن را ندارد که کسی را حذف کند و کس دیگری را تعیین. باید شورای عالی نظارت رهبران احزاب تشکیل شود، آن‌ها در این مورد تصمیم بگیرند.

سؤال: از دیدگاه رهبری حزب وحدت اسلامی در حال حاضر می‌توان روی آتش‌بس دائمی در جنگ‌های سروبی و تگاب امیدوار بود؟

جواب: دربارهٔ مسألهٔ آتش‌بس، ما قبلاً اقدام کرده بودیم. به هر دو طرف تماس گرفتیم که ما می‌خواهیم میانجیگری کنیم، آتش‌بس نافذ شود و جنگ خاتمه یابد. بعداً دو طرف برای ما گفتند که کابینه اقدام کرده و همهٔ احزاب در آن‌جا حضور دارند و در این مورد، اقدام دسته‌جمعی احزاب صورت می‌گیرد. ما این موضوع را مفید تشخیص دادیم. گفتیم: خوب است، جنگ راه‌حل نیست. متأسفانه تا به اکنون کابینه هر قدری که جلسه کرده و توافقاتی که صورت گرفته، عملی نشده است. تلاش‌شان برای برقراری آتش‌بس ادامه دارد. ما امیدوار هستیم که تلاش کابینه به‌جایی برسد و آتش‌بس تحکیم گردد. جنگ به نفع نیست. مردم افغانستان و مردم غیر نظامی در عذاب‌اند، باید برادران راه تفاهم را در پیش گیرند و از راه مفاهمه مشکل‌شان را حل کنند.

سؤال: آیا تلاش‌هایی به مقصد تأمین آتش‌بس از سوی حزب وحدت در حال اجراست؟

جواب: در ترکیب هیأتی که از طرف کابینهٔ دولت تعیین شده بود، از وزرای حزب وحدت نیز در آن عضویت داشت. در برنامهٔ اولی آقای بلاغی وزیر تجارت سهم داشت و در برنامهٔ جدید که دوباره کابینه اقدام کرده است، وزیر مالیه آقای خلیلی سهم دارد. در جریان این تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس و میانجیگری در جنگ و ختم آن، حزب وحدت اسلامی حضور فعال دارد. فعلاً تلاش‌ها جریان دارد. امیدواریم که آتش‌بس نافذ گردد.

سؤال: در سه ماه اخیر چه تحولاتی در سیاست‌های حزب وحدت اسلامی در قبال قضایای داخلی کشور پدید آمده است؟

جواب: دربارهٔ سیاست حزب وحدت اسلامی باید بگویم که سیاست حزب وحدت اسلامی تغییر نکرده است. حزب وحدت اسلامی موضع سابق خود را دارد. حزب وحدت برای ملیت‌های محروم کشور سهم مساوی در تصمیم‌گیری‌ها می‌خواهد؛ چون انقلاب اسلامی مال همه بوده و همهٔ اقشار مردم در انقلاب شرکت داشتند. در تصمیم‌گیری هم باید طبق نفوس‌شان شرکت داشته

باشند. حزب وحدت راه‌حل مسألهٔ افغانستان را راه انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل می‌داند و تعیین واحدهای اداری گذشته را ظالمانه. باید آن‌ها طبق نفوس و طبق منافع منطقه‌ای تغییر کنند. در انتخابات، مرد و زن باید شرکت داشته باشند و سرنوشت‌شان را تعیین کنند. در این سیاست‌هایی که در پیش داشته، هیچ تغییری نیامده است. حزب وحدت اسلامی دنبال سیاست‌های خویش ایستاده است تا تحقق یابد.

سؤال: مکانیسم انتخابات آزاد از نظر شما چگونه قابل توضیح است؟

جواب: برای انتخابات آزاد، ما طبق شرایط کشور یک طرح تدوین کرده بودیم. از آن جهت که مسألهٔ واحدهای اداری عادلانه نبوده، به‌طور نمونه ۱۶۰ هزار نفوس یک نماینده داشته ۳۰۰۰ نفوس هم یک نماینده داشته است. از جهت دیگر پنج میلیون آواره در خارج از کشور وجود دارد، آن‌ها از واحدهای مختلف در یک نقطه جابه‌جا شده‌اند که به‌عنوان واحد اداری قابل حل نیست. از طرف دیگر هم موضوع کوچی‌ها حل نشده است. حزب وحدت در کمیسیون انتخابات این طرح را داده است. این حزب، این طرح را بهترین طرح می‌داند. طرحی عادلانه‌ای است که هیچ مشکلی پیش نیاید. معضل‌هایی که در جامعهٔ افغانستان وجود دارد حل شود. امیدوار هستیم که باقی برادران این طرح را بپذیرند، بدین‌سان مشکل افغانستان از راه انتخابات حل شود.

سؤال: آیا حوادثی را در آینده پیش‌بینی می‌کنید که حزب وحدت اسلامی به اسلحه متوسل گردد؟

جواب: حزب وحدت اسلامی طرفدار جنگ نیست، در گذشته هم طرفدار جنگ نبوده است. در آن جنگ‌هایی که بالای این حزب تحمیل شده، هر کس میانجی شده حزب وحدت پذیرفته است. هرکس که گفته آتش‌بس، حزب وحدت پذیرفته است. حزب وحدت اسلامی در آینده نیز راه‌حل مشکلات افغانستان را جنگ نمی‌داند. از این جهت طرفدار جنگ نیستیم؛ ولی حزب وحدت اسلامی یک تعهد به مردمش داده تا از مردمش دفاع کند. هرکس متجاوز باشد حزب وحدت اسلامی در مقابل آن دفاع می‌کند؛ ولی خودش جنگ را راه‌حل نمی‌داند و هیچ‌گاه به اسلحه متوسل نمی‌گردد.

سؤال: حزب وحدت اسلامی از چند درصد نفوس کشور نمایندگی می‌کند؟

جواب: البته نفوس‌شماری دقیق در افغانستان صورت نگرفته است. مردم تشیع خود را ثلث مردم افغانستان می‌دانند؛ ولی توافق‌نامه‌ای که در سال ۱۳۶۷ بین برادران اتحاد هفتگانه[۱] و ائتلاف

۱. ائتلاف هفتگانهٔ پیشاور، مهم‌ترین ائتلاف مجاهدین شامل هفت گروهی است که در سال ۱۳۶۴ در شهر پیشاور پاکستان با یکدیگر

هشت‌گانه[۱] صورت گرفته بود. در آن‌جا بیست‌وپنج فی‌صد توافق کرده بودند تا وقتی که نفوس شماری دقیق انجام نشده اصلاحات درست نسبت به واحدهای اداری گذشته نیامده است. حزب وحدت اسلامی بیست‌وپنج فی‌صد نماینده و حقوق مردم خویش را می‌خواهد.

سؤال: اگر از اثر جنگ‌های جاری در تگاب و سروبی جنگ در کابل از سر گرفته شود، نیروهای شما از کدام جناح طرفداری خواهد کرد؟

جواب: ما سعی می‌کنیم که جنگ در تگاب خاتمه پیدا کند و آتش‌بس صورت گیرد. ما در این راه تلاش داریم. وضعیت فعلی مردم کابل و جنگ‌هایی که در یک سال و نیم گذشته بر مردم کابل تحمیل شده، ایجاب نمی‌کند که جنگ دیگری در کابل شروع شود. اگر جنگ در کابل پیش بیاید و بر سر مردم ما تعرض صورت نگیرد، هیچ‌وقت ما طرفداری از کسی و یا از جناحی را نمی‌کنیم. ما فقط یک تعهد داریم که همانا از مردم خود دفاع کنیم.

سؤال: استاد محترم من با بسیاری از رهبران مصاحبه کرده‌ام، آن‌ها در جریان صحبت‌های‌شان گفتند که دشمنان خارجی وجود دارد، آیا شما برای تصفیهٔ این دشمنان کدام پلان را روی دست دارید؟

جواب: من این حرف را درست نمی‌دانم. امکان دارد که خارجی‌ها و کسانی که دشمنان

متحد شدند.. این ائتلاف به قرار زیر است:
جمعیت اسلامی افغانستان؛
حزب اسلامی - شاخه حکمتیار؛
حزب اسلامی – شاخه خالص به رهبری یونس خالص؛
اتحاد اسلامی افغانستان به رهبری رسول سیاف؛
محاذ ملی اسلامی افغانستان به رهبری پیر احمد گیلانی؛
جبهه ملی نجات افغانستان به رهبری صبغت‌الله مجددی؛
حرکت انقلاب اسلامی افغانستان به رهبری محمدنبی محمدی.

۱. ائتلاف هشتگانهٔ شامل مجاهدین شیعه می‌شدند که بیشتر به قوم هزاره تعلق داشتند؛ این ائتلاف به قرار زیر است:
حزب‌الله افغان؛
سازمان نصر؛
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افغانستان؛
شورای انقلابی اتفاق اسلامی؛
جنبش انقلاب اسلامی؛
حرکت اسلامی افغانستان؛
اتحاد مبارزان اسلامی؛
حزب رعد افغانستان.
برخی از احزاب بالا با تشکیل حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری در سال ۱۹۸۹ جذب آن شدند و پس از آن حزب وحدت به شکل گرفت که رهبری آن به دوش شهید عبدالعلی مزاری بود.

افغانستان هستند از جنگ‌هایی که در داخل افغانستان پیش آمده، خوشحال شوند؛ اما این‌که خارجی‌ها در این تحول مستقیماً دست داشته باشند، من این موضوع را قبول ندارم. این بدبختی‌هایی که بر سر مردم افغانستان تحمیل شده است، بیشتر روی مسألهٔ تنظیمی، جاه‌طلبی و انحصارطلبی‌هایی که در داخل افغانستان است به وجود آمده است. در گذشته مظالمی از نگاه تبعیضات نژادی تبعیضات مذهبی و واحدهای ظالمانه اداری بوده که از این مسائل سرچشمه می‌گیرد.

وقتی که این حوادث در داخل پیش می‌آید، درست است که یک تعداد از دشمنان از این سوءاستفاده می‌کنند. یک تعداد دشمنان را خوش و یک تعداد دوستان را مأیوس می‌سازد؛ ولی اصل این بدبختی‌ها در داخل خود افغانستان و مربوط به خود گروه‌های افغانستان است. اکثر رهبران روی تعهد خویش پایبند نیستند، در امضای خود بی‌تفاوت‌اند، فرصت‌طلب‌اند و پول‌پرستی می‌کنند؛ روی این موضوعات، مشکلاتی را در داخل افغانستان می‌بینیم. تا مردم افغانستان توجه نکنند، عناصر فرصت‌طلب را رها نکنند، دور آنان را تخلیه نکنند، مشکل افغانستان حل نمی‌گردد.

سؤال: برای شما بهتر معلوم است که نصف شهر کابل از بین رفته و بسیاری از مردم تلف شدند. از نگاه اسلام دربارهٔ کسانی که این جنگ و این دشمنی‌ها را در میان مسلمانان می‌اندازد چه نظر دارید؟

جواب: متأسفانه بعد از یک افتخار و یک قهرمانی که مردم ما در سطح بین‌المللی به دست آوردند در یک سال‌ونیم گذشته این قهرمانی‌ها زیر سؤال رفت و خرابی‌های زیاد به وجود آمد. ما از این موضوعات، دل‌خراش متأثر هستیم. منتها این مسأله، همان‌طوری که قبلاً به شما گفتم، حاصل یکسری مظالمی است که باید رفع گردد. به جای زور منطق را قبول کنند، به جای اسلحه تفاهم را قبول کنند و پذیرش همدیگر را داشته باشند. تمام احزاب و مذاهب توافق کنند و در این مسأله فکر کنند و این فاجعه را جلوگیری کنند تا خرابی‌ها بیشتر نگردد.

سؤال: برای بیرون رفتن از وضعیت کنونی چه مسائلی را پیشنهاد می‌کنید تا مردم و کشور از این حالت بیرون آیند؟

جواب: پیشنهاد ما همین است که باید شورای عالی نظارت تشکیل شود. در آن‌جا پیش‌بینی شده که رهبران جهادی و یازده نفر از شخصیت‌های صاحب رسوخ، ملی و اندیشمند را هم از

خود جامعه بگیرند تا تشکیل و ادارهٔ مملکت از انحصار حزبی بیرون آید. خود این بیست‌ویک عضو، شورای عالی نظارت را تشکیل دهند. تا وقتی که انتخابات تشکیل نشده، این شورا، صلاحیت و قدرت قانون‌گذاری را دارا باشد و مسائل یک سال گذشته را ارزیابی کند.

زیر نظر شورای عالی نظارت یک دولت موقت دیگر تشکیل شود. آن دولتی که در جلال‌آباد با توافق‌نامه‌اش نتوانست مشکل را حل کند، نظم و امنیت را برقرار کند؛ لذا از جنگ‌ها جلوگیری نشد. روی این موضوع با توافق، یک دولت موقت دیگر را تشکیل دهند که زمینهٔ سازمان‌دهی اردوی اسلامی و زمینهٔ انتخابات فراهم شود و مردم خودشان به سرنوشت‌شان شریک شوند و خود مردم مستقیماً سرنوشت خویش را تعیین کنند؛ این راه‌حل است. در غیر این صورت، بحران ادامه پیدا می‌کند و افغانستان از نگاه بین‌المللی در انزوا قرار می‌گیرد.

سؤال: در یکی از شماره‌های هفته‌نامهٔ کابل نوشته بود که شما به جبل‌السراج مسافرت کرده‌اید، آیا این واقعیت دارد؟

جواب: نه، متأسفانه در همان روز دو موضوع را هفته‌نامهٔ کابل نوشته بود که هر دوی آن دارای واقعیت نبود: یکی در دارالامان جنگ بین حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی به وقوع پیوسته است که این خبر واقعیت نداشت بلکه یک درگیری مختصر بین حرکت اسلامی و حزب اسلامی رخ داده بود که حزب وحدت اسلامی میانجیگری کرد و مسأله را حل کرد. دیگر این‌که نوشته بود که طبق شایعه من به جبل‌السراج سفر کرده‌ام. این مطلب هم اشتباه بود؛ برای این‌که هیچ‌گونه دلیلی نیست که من به جبل‌السراج بروم، هیچ ضرورت و نیاز ندارم.

من از این منطقه در مدت هجده ماه گذشته جای دیگری سفر نکرده‌ام و بنا هم ندارم که جایی بروم و با هر کس که لازم باشد، مذاکره کنم. نماینده‌های حزب وحدت در دولت است. روز پنج‌شنبه اعضای باقی ماندهٔ شورای مرکزی به کابل وارد شدند، این به معنی به وجود آمدن جناح‌بندی‌های جدید نیست. رابطهٔ ما با همه حسنه است.

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که سؤال کرد حزب وحدت اسلامی در جنگ‌های تگاب چه نقشی دارد؟ گفت:

ما چون خواستار جنگ نیستیم. ما می‌گوییم که باید جنگ خاتمه پیدا کند. در جنگ جاری طرفدار هیچ‌یک از آن‌ها نیستیم. ما تلاش می‌کنیم تا جنگ خاتمه پیدا کند؛ چون جنگ به ضرر هر دو طرف است. بیشتر از آن‌ها مردم منطقه آسیب می‌بینند.

خبرنگار پرسید: با توجه با رابطه‌هایی که با هر دو حزب دارید، چرا در جهت خاتمهٔ جنگ میانجیگری نمی‌کنید؟ استاد مزاری پاسخ داد: ما قبلاً این طرح را داشتیم و تصمیم داشتیم در قطع جنگ تلاش کنیم؛ ولی کابینهٔ دولت هیأتی را توظیف کرده که آقای بلاغی وزیر تجارت از حزب وحدت اسلامی نیز جزء هیأت است؛ لذا منتظر ماندیم تا هیأت دولت در این زمینه اقدام کند.

استاد مزاری در مورد افواهات شایع در کابل که دوباره جنگ در پایتخت آغاز خواهد شد، اظهار داشت: ما در مجموع جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم. ما سعی می‌کنیم تا جنگی به وجود نیاید؛ چون ضرر جنگ بیشتر متوجه مردم ملکی و غیر نظامی است.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۳، شنبه ۲۹ عقرب ۱۳۷۲، کابل.

(۸۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران آسوشیتدپرس و صدای آمریکا

پنج‌شنبه ۷۲/۹/۲۵

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنج‌شنبه، خبرنگاران آسوشیتدپرس و صدای آمریکا را در مقر حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و به سؤالات گوناگون آنان پاسخ داد که متن کامل آن به‌دست نشر سپرده می‌شود.

آسوشیتدپرس: آیا با آمدن شورای مرکزی، تعیینات جدیدی در حزب وحدت انجام می‌گیرد؟

استاد مزاری: بسم الله الرحمن الرحیم. سال گذشته پس از پیروزی مجاهدین، روی این موضوع بحث بود که آیا شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی به کابل منتقل شود یا نه؟ در این باره هیأتی از مرکز به کابل آمد و پس از بحث و بررسی بناشد که شورای مرکزی به کابل منتقل نشود و به یک شورای تصمیم‌گیری در کابل اکتفا شود. حوادثی که در طی یک سال گذشته پیش‌آمد و تحولات جدید، باعث شد که برای انجام بیشتر تصمیم‌گیری‌های حزب وحدت اسلامی، اعضای شورای عالی نظارت فیصله کنند که شورای مرکزی به کابل منتقل شود و چیزی تازه‌ای پیش نیامده است.

آسوشیتدپرس: در جنگ‌های گذشته به‌خصوص جنگ تگاب، احساسات نژادی پشتونیزم بسیار شدید وجود داشت، آیا با وجود این مسأله ائتلاف شما با حزب اسلامی دوامدار خواهد ماند؟

استاد مزاری: تبعیضات و احساسات نژادی و مذهبی از گذشته‌ها وجود داشت؛ ولی پس از اشغال افغانستان توسط شوروی این موضوع کمتر شد و تخفیف پیدا کرد. چون خارجی‌ها به افغانستان حمله کرده بودند جهاد مشترک علیه آنان آغاز شد و همه در جهاد سهیم بودند. حکومت نجیب که ساقط شد جنگ‌های داخلی پیش آمد و مسائل نژادی رواج گرفت و به‌نام‌های

تاجیک و پشتون و هزاره و ازبیک جنگ در می‌گرفت؛ ولی با تفاهم ما و حزب اسلامی، شصت درصد تخاصمات نژادی پایان یافت و طبیعی است که احساس نژادی از بین نرفته است؛ اما ما سعی می‌کنیم با تفاهم این مسائل حل شود چون به نفع مردم افغانستان نیست و این موضوعات در صورتی از بین می‌رود که در تصمیم‌گیری‌های آینده کشور، تبعیض صورت نگیرد و الا باز احساسات نژادی تحریک خواهد شد.

آسوشیتدپرس: آیا نگرانی ندارید که حزب اسلامی، جمعیت و اتحاد با انگیزه مذهبی علیه شما اقدام کنند؟

استاد مزاری: موضوع مذهبی در افغانستان یک واقعیت و حقیقت است؛ اما تضاد مذهبی راه‌حل نیست. در افغانستان غیر از موضوع مذهب، تضاد نژادی و تنظیمی وجود دارد که تضاد نژادی و حزبی بیشتر از تضاد مذهب برای کشور مشکل ایجاد کرده است و این معضلاتی که فعلاً موجود است و مانع تفاهم شده است به خاطر همین تضادهای حزبی و نژادی است نه مذهبی.

آسوشیتدپرس: دربارهٔ مداخلات خارجی چه نظر دارید؟ به‌خصوص ایران و پاکستان؟

استاد مزاری: در چهارده سال مبارزه مسلحانه افغانستان، مرکزیت اکثر رهبران در خارج بوده و پنج میلیون آواره ما در کشورهای ایران و پاکستان زندگی می‌کرده‌اند و طبیعی است که این کشورها علاقهٔ بیشتری به مسائل افغانستان دارند؛ ولی معتقد نیستیم که عامل مشکلات افغانستان خارجی‌ها باشند. بلکه این جنگ‌ها و عدم تفاهمات ریشه در داخل افغانستان دارد. بی‌عدالتی، ظلم، حق کشی و تبعیض نژادی بوده که باعث این جنگ‌ها شده و تا وقتی که این مسائل خاتمه نیابد، مشکلات افغانستان حل نخواهد شد. کشورهای همسایه درست است که علاقه به مسائل افغانستان دارند؛ ولی عامل جنگ‌ها در افغانستان نیستند و کسی که گناه این مشکلات را به گردن آن‌ها بیندازد صحیح و منطقی نیست.

آسوشیتدپرس: در رابطه به آتش‌بس موجود حزب وحدت اسلامی و اتحاد اسلامی چه نظر دارید؟

استاد مزاری: تجربه یک‌سال گذشته نشان داد که در جنگ‌ها تا تضمین قوی و نیرومند به‌وجود نیاید کمتر می‌تواند آتش‌بس‌ها دوام پیدا کند. در رابطه به حزب وحدت اسلامی و اتحاد اسلامی ما پیشنهاد کردیم؛ حزب اسلامی و جنبش حایل شوند؛ ولی اتحاد قبول نکرد و فعلاً هیأت ناظر به‌وجود آمده و تا حالا جبهات کنترل شده امیدوار هستیم که این آتش‌بس حفظ شود.

آسوشیتدپرس: نیروهای مجاهد افغانستان در آذربایجان مبارزه می‌کنند و تا حالا دقیقاً معلوم نیست که از کدام جریان‌ها هستند در این باره چه نظر دارید؟

استاد مزاری: در افغانستان تاکنون یک نظام استقرار نیافته و کشور ما بیشتر از هر کشور دیگری مشکل دارد، به این خاطر من موافق نیستم که نیرو از افغانستان به‌کشور دیگری برود؛ بلکه باید تمامی افغان‌ها تلاش کنند که مشکلات افغانستان را حل کنند.

آسوشیتدپرس: دربارهٔ مسائل تاجیکستان و مهاجرین آن چه نظر دارید؟

استاد مزاری: روش مبارزه مسلحانه را در آسیای میانه قبول ندارم. چون در آن‌جا هفتاد سال فرهنگ ملی و اسلامی آن‌ها سرکوب شده و باید نخست کار فرهنگی صورت می‌گرفت، مساجد و مدارس را احیا می‌کردند. ما در شهر کابل پس از چهارده سال دوران اشغال خلأ فرهنگ اسلامی را احساس می‌کنیم آن‌ها که هفتاد سال در حصار آهنین کمونیزم، زندگی کرده‌اند مشخص است که برای آنان بسیار مشکل است که دفعتاً مبارزه مسلحانه را شروع کنند. در رابطه به مهاجرینی که از تاجیکستان به کشور ما آمده‌اند، طبیعی است که ما به عنوان یک کشور مسلمان و همسایه آنان از آن‌ها پذیرایی می‌کنیم و این ربطی به جنگ ندارد؛ اما در رابطه به این‌که آن‌ها کمک شوند، از نظر تسلیحاتی و نظامی، ما قبول نداریم، چون دخالت کردن در امور داخلی دیگر کشورها به نفع ما نیست.

صدای آمریکا: آیا در رابطه به قانون اساسی با دولت به توافق رسیده‌اید؟

استاد مزاری: قانون‌اساسی موقت که به‌وجود آمد از مجرای قانونی انجام نگرفته بود و طبیعی است که با خلاف قانون نمی‌شود قانون ساخت و به همین لحاظ شکست خورد.

طبق توافق‌نامه همهٔ احزاب، مرجعی که باید قانون‌اساسی را به‌وجود بیاورد شورای عالی نظارت بر دولت است که آن‌ها پس از تهیه قانون‌اساسی آن را به رأی تمام مردم قرار دهند؛ ولی از تسوید قانون‌اساسی موقت به‌جز عدهٔ محدودی از احزاب، دیگران خبر نداشتند و این طرح از سوی حزب اسلامی، حزب وحدت اسلامی، جنبش ملی اسلامی، جبهه نجات، محاذ ملی اسلامی و حرکت اسلامی رد شده و پس از آن یک کمیسیون پنجاه نفره تشکیل شد تا ایرادها و نقص‌های این قانون‌اساسی را بر طرف سازند و اگر شورای عالی نظارت بر دولت، این مشوره را قبول کند، قانونیت دارد و الا نه.

صدای آمریکا: نظر شما در رابطه با قانون جدید مطبوعات چیست؟

استاد مزاری: دولت فعلی ائتلافی است و یک حزبی نیست؛ لهذا مرجع تمامی قوانین جدید، شورای عالی نظارت است که اگر از این مجرا کار صورت نگیرد، هیچ طرحی قانونیت ندارد و همهٔ مصوبات آنان را غیر قانونی می‌دانیم.

صدای آمریکا: در رابطه شما با دولت تغییراتی ایجاد شده است؟

استاد مزاری: پس از آمدن جنرال دوستم بین ما آتش‌بس ایجاد و مراعات شده است و کمیسیون صلحی که داریم با هم تفاهم دارند و تغییرات جدیدی پیش نیامده است.

صدای آمریکا: در رابطه با مهاجرین کابل چه نظر دارید؟

استاد مزاری: در دوران جنگ از کسانی‌که این‌جا بوده‌اند، دفاع کردیم و وقتی که جنگ نبوده اعلان کردیم کسانی‌که به منازل شان باز می‌گردند، امنیت آن‌ها را تأمین می‌کنیم و هیچ مانعی برای بازگشت آن‌ها نمی‌بینیم و با آنان همکاری می‌کنیم.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۵۶، کابل.

(۸۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیوهای بی‌بی‌سی و دری، در لندن و مشهد

پنج‌شنبه و جمعه ۱۰/۳۰ و ۷۲/۱۱/۱

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در روز پنج‌شنبه و جمعه، نظرات حزب وحدت اسلامی را پیرامون اوضاع جاری در کشور بیان داشتند.

استاد مزاری در پاسخ به پرسش خبرنگار رادیو دری مشهد که سؤال کرد چه چیزی باعث درگیری‌های جاری گردیده است؟ گفت: «چون دخالت‌ها در ولایات شمال کشور زیاد بود و پول‌های هنگفتی توزیع می‌گردید، تا حدی که قضیه شیرخان بندر، بلخ و مزار شریف را با پول به‌وجود آوردند. جنبش مجبور شد که به خاطر آرام نگهداشتن شمال کشور و جلوگیری از دخالت‌های این‌ها دست به این اقدام بزند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که پرسید موقف حزب وحدت اسلامی در جنگ‌های جاری چیست؟ اظهار داشت: «ما قبلاً هم اعلان کرده بودیم که مسائل نظامی و جنگ راه‌حل مشکل افغانستان نیست و باید برادران، منطق را بجای جنگ قبول کنند و با استعفای دولت فعلی، یک دولت موقت به‌وجود بیاید، تا زمینه تشکیل اردوی ملی و انتخابات آزاد را فراهم کند. متأسفانه این پیشنهاد حزب وحدت اسلامی قبول نگردید و این جنگ به‌وجود آمد. فعلاً موضع سیاسی ما حمایت از موضع شورای هماهنگی است و باید راه مذاکره پیش‌گرفته شود و راه معقول و صحیح پیدا شود.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که این دولت موقت را چه کسی به‌وجود خواهد آورد؟ بیان داشت: «اگر برادران همدیگر را بپذیرند و طبق شعاع وجودی احزاب از نظر نیروهای نظامی و مردمی برای آنان حق قائل باشند، مسأله حل می‌شود و ما قبلاً یک طرح داده بودیم که چهار تنظیم که از چهار ملیت بزرگ نمایندگی می‌کنند و حضور نظامی قوی دارند بنشینند و مشکل افغانستان را حل کنند و یک دولت موقت تشکیل دهند.»

ایشان در رابطه به تشکیل مجموعه‌ای از قوماندانان کابل جهت برقراری آتش‌بس با بی‌بی‌سی گفت: «در این مجموعه همهٔ قوماندانان کابل مخصوصاً حزب وحدت اسلامی، حرکت اسلامی، جبهه ملی نجات، و محاذ ملی عضویت ندارند و پیشنهاد آتش‌بس آنان قدم مثبت است؛ ولی در باقی تصمیم‌گیری‌هایش این مسأله اشتباه است که آقای مسعود به آن اقدام کرده است و طبق فیصلهٔ وی پنج گروه باید برای حل مسائل کشور، تصمیم بگیرند. چون خلاف شرایط اجتماعی و عینی جامعه است و حل کننده نیست، لذا جای تأمل دارد.

استاد مزاری با بیان این نکته که کسی که فتوای جهاد را صادر کرده است صلاحیت لازم را نداشته است، در پاسخ به سؤال رادیو دری مشهد در رابطه با حکم جهاد آقای ربانی اظهار داشت:

«از چند جهت این مسأله صحیح نبود؛ اول این‌که صلاحیت صدور فتوای جهاد را در اسلام کسانی که مشخص شده‌اند دارند و هر کس نمی‌تواند این مقام را احراز کند و کسی که در کابل فتوای جهاد را صادر کرده است، از صلاحیت لازم برخوردار نبوده است. ثانیاً از نظر منافع ملی باز هم درست نبود که آقای ربانی یک چنین فتوایی را صادر کند. آقای ربانی سه بار در شمال پیش جنرال دوستم رفته و دوستم را به عنوان قهرمان خطاب کرده بود و در مسافرتی که آقای ربانی به ترکیه داشت، جنرال دوستم را او در قصر ریاست جمهوری کفیل خود درست کرد و چندین بار اعلام کرد که اردوی جنرال دوستم جزء اردوی اسلامی است. این موقف کنونی به صلاح آقای ربانی نبود که با یک جنگ بلافاصله فتوا صادر کند. مسأله سوم این‌که در هجده ماه گذشته یک چیز ثابت شده و آن این‌که هیچ‌کس نمی‌تواند یک جریان دیگر را حذف کند و این فتوا دادن بر پیچیدگی اوضاع افغانستان افزوده است و هیچ کاری را نمی‌تواند حل کند. این اولین باری نیست که ربانی دست به چنین موضع‌گیری‌هایی می‌زند، سال گذشته دربارهٔ آقای حکمتیار نیز گفته بود که او یاغی و باغی است و خواستار محاکمه بین‌المللی او گردیده بود؛ لهذا آقای ربانی موضع‌گیری اخیرش بعید نبود وی و باقی علمای افغانستان و مسئولین جهادی به منافع علیای کشور فکر کنند و اوضاع را پیچیده‌تر از این نسازند.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مورد وضعیت مهاجرین مرکز شهر به غرب کابل اظهار داشت: «حدوداً پنج هزار نفر از مرکز کابل به غرب کابل پناهنده شدند اکثریت آن‌ها را مردم غرب کابل به خانه‌های‌شان جا داده‌اند. بیش از هزار نفر از آنان در مساجد و تکایا و خانه‌های خالی مستقر شده‌اند. مردم غرب کابل از آنان پذیرایی کرده‌اند. تا حال از سوی مجامع بین‌المللی کسی کمک

نکرده است و فقط یک کمک مختصر صلیب سرخ کرده است، به‌علاوه این روزانه دو هزار دانه نان برای اهالی مکروریان‌ها می‌فرستند و ما از این‌جهت از تمام کشورهای اسلامی و مجامع بین‌المللی تقاضا داریم که به این مهاجرین در این شرایط سخت کمک کنند. از مهاجرین عزیز افغانستان که در جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند می‌خواهیم که چنان‌چه در طول هجده ماه گذشته کمک کرده‌اند برای مردم کابل، حال نیز که هوا سرد شده است و جنگ جریان دارد، به این مهاجرین کمک کنند. از جمهوری اسلامی ایران نیز می‌خواهیم که در انتقال این مواد کمک کنند و این مواد را به مزار شریف منتقل کرده و از آن‌جا توسط طیاره به کابل می‌شود انتقال داد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۸۵، کابل.

(۸۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار ندای وحدت

دوشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۱

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز دوشنبه آقای همایون خبرنگار نشریه ندای وحدت چاپ آمریکا را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به‌حضور پذیرفته و به سؤالات وی پیرامون اوضاع سیاسی - نظامی جاری کشور پاسخ گفت که متن آن ذیلاً به‌دست نشر سپرده می‌شود.

سؤال: اوضاع فعلی حاکم بر کابل از چه قرار است؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم. تقریباً سی‌ودو روز است که جنگ در کابل جریان دارد و در طرف دیگر آقای ربانی، مسعود و سایر متحدین آنان قرار دارند. تلاش‌هایی برای میانجیگری از سوی ایران، پاکستان، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و ملل متحد صورت گرفت که نتیجه نداد.

قوماندانان کابل نیز اقدام به برقراری آتش‌بس کردند؛ که از سوی شورای هماهنگی پذیرفته شده و آتش‌بس یک روزه را اعلام کردند؛ اما از سوی دولت آقای ربانی رد شد.

در این اواخر نمایندگان شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی تلاش‌هایی را برای برقراری آتش‌بس آغاز کرده‌اند و در ملاقاتی که با آقای حکمتیار داشتند وی آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس به شرط استعفای آقای ربانی اعلام کرد و آقای ربانی در ملاقات با شورای آزادگان تصمیم نهایی خود را موکول کرد به حضور آقای مولوی محمدنبی محمدی و سیاف. جنگ جاری تلفات و خسارات زیادی را متوجه مردم ما کرده است. تعدادی زیادی از مردم مرکز شهر مهاجر شده‌اند و به قسمت‌های شرقی، جنوبی، حزب وحدت اسلامی پناهنده شده‌اند. برای مهاجرین مستقر در غرب کابل از سوی مجامع بین‌المللی تا حالا کمکی صورت نگرفته و تنها صلیب سرخ کمک‌های جزئی داشته است. آینده نامشخص است و جنگ هم تاکنون مؤثر نبوده است.

سؤال: موضع حزب وحدت اسلامی در قبال جنگ جاری چیست؟

جواب: تاکنون به خاطر این‌که جمعیت زیادی از مهاجرین مرکز شهر در غرب کابل مستقر شده‌اند، حزب وحدت اسلامی از نظر نظامی بی‌طرف بوده است؛ ولی از نگاه سیاسی موضع ما موضع شورای هماهنگی است. چون توافق‌نامه‌های اسلام‌آباد و جلال‌آباد نقض شده است؛ لهذا ما خواهان استعفای همزمان آقای ربانی و حکمتیار از پست‌های ریاست جمهوری و صدارت عظمی هستیم.

سؤال: آیا امکان درگیری حزب وحدت اسلامی در آینده نخواهد رفت؟

جواب: حزب وحدت اسلامی طرفدار جنگ نیست و ما امیدوار هستیم که مسائل از طریق مذاکره و مفاهمه حل و فصل گردد.

سؤال: دولت آقای ربانی اعلان کرده که مناطق اشغالی مربوط حزب وحدت اسلامی را مسترد می‌سازیم آیا به این گفته عمل شده است؟

جواب: ده ماه پیش توافق‌نامه‌ای داشتیم با جمعیت اسلامی که طی آن جمعیت تعهد سپرده بود تا خسارات افشار و چنداول را پرداخت کرده و منطقه افشار را به حزب وحدت اسلامی باز گرداند؛ اما این موضوع با تعلل از جانب آن‌ها حل نگردید؛ ولی با پیش آمدن جنگ اخیر آن‌ها آمادگی خود را برای مسترد ساختن منطقه افشار اعلام کردند و تاکنون این موضوع تحقق پیدا نکرده و روی جزئیات آن بحث ادامه دارد.

سؤال: در رابطه با اعلان جهاد آقای ربانی چه نظر دارید؟

جواب: ما قبلاً هم اعلان کردیم که حکم جهاد از سوی آقای ربانی صحیح نیست از چند جهت:

۱. در اسلام صلاحیت اعلام جهاد مخصوص افراد مشخص با خصوصیات مشخص است و کسی که حکم جهاد را صادر می‌کند باید مجتهد عالم و عارف به اوضاع زمان و مصالح مسلمین باشد که این چنین شخص وقتی حکم جهاد داد بر تمام مسلمین فرض می‌شود که حکم او را به مورد اجرا گذارند؛ ولی این صلاحیت و این خصوصیات را آقای ربانی ندارد.

۲. از نظر اسلام فتوای جهاد باید در ظرفیت زمانی صادر شود که موضوع حکم موجود شده باشد؛ چون آقای مجددی در اوایل پیروزی مجاهدین عفو عمومی اعلان کرد و به‌علاوه این آقای مجددی بر خوردار از مقام علمی و اسلامی بود شورای قیادی نیز بر این امر صحه گذاشت؛ لهذا پس از اعلان عفو عمومی اعلان حکم جهاد بی‌مفهوم است.

۳. آقای ربانی شخصاً چندین بار پیش جنرال دوستم رفت و او را به عنوان قهرمان و مجاهد بزرگ

خطاب کرد. یکبار که از ازبکستان بر می‌گشت دوستم را پسر خود خطاب کرده و دوستم نیز او را پدر خطاب کرد. در مسافرتی که به ترکیه داشت به هیچ کس برای کفالت از ریاست جمهوری اعتماد نکرد و دوستم را در ارگ ریاست جمهوری جای داد و نیروی نظامی جنرال دوستم را جزء اردوی اسلامی دانست و واقعیت امر این بود که اگر جنرال دوستم علیه دولت نجیب اقدام نمی‌کرد، برای مجاهدین مشکل بود که بتوانند دولت نجیب را سرنگون کنند؛ ولی وقتی‌که دوستم با دخالت‌های آقای ربانی در شمال مخالفت کرد، حکم جهاد علیه او صادر می‌شود. مسأله شیرخان بندر، فاریاب و بلخ با پخش پول از سوی آقای ربانی به‌وجود آمد. جنبش با این اقدام مخالفت کرد و به محض مخالفت با اقدامات دولت آقای ربانی حکم جهاد علیه او صادر می‌شود و کسی که مجاهد بزرگ خطاب می‌شد، ملحد و کافر می‌شود. روی این موضوع فتوای آقای ربانی بی‌جا بود.

کسی‌که رئیس جمهور مملکتی چون افغانستان است، باید حفظ وحدت ملی را در سر لوحه کار خود قرار دهد؛ چون این موضوع یک واقعیت است که ازبک و ترکمن مجاهد و غیر مجاهدش اکنون در جنبش ملی اسلامی هستند و از سوی دیگر هشتاد درصد منابع طبیعی افغانستان در سمت شمال کشور است. با این حال اگر کسی ذره‌ای به فکر مصالح کشور می‌بود، باید این کار را انجام نمی‌داد که با صدور فتوا زمینه تجزیه کشور را فراهم کند. حضرت امیر المؤمنین علی(ع) می‌فرماید: تا آن اندازه با کسی دوستی کن که راه دشمنی باقی مانده باشد و تا آن اندازه با کسی دشمنی کن که راه دوستی را باز بگذاری، اما آقای ربانی افراط و تفریط کرده است. یک روز آن‌قدر به دوستم اعتماد می‌کند که حاضر نیست مولوی محمدنبی محمدی را در قصر جای دهد و یک روز دیگر او را ملحد و کافر خوانده و حکم جهاد علیه او صادر می‌کند و این کار از سوی کسی که رئیس جمهوری یک مملکت خود را می‌داند هرگز به نفع مصالح علیای کشور و مردم ما نیست.

سؤال: تعداد زیادی از مهاجرین به غرب کابل آمده‌اند حزب وحدت اسلامی چه امکاناتی در اختیار آنان قرار داده است؟

جواب: پس از آن‌که در روزهای اول جنگ آتش‌بس ایجاد شد تا مردم غیر نظامی منطقه درگیری را تخلیه کنند، مهاجرین زیادی به غرب کابل و مناطق تحت کنترل حزب وحدت اسلامی آمدند و اکثر آنان را مردم به خانه‌های‌شان جای دادند و بیش از دو هزار نفر در مساجد، تکایا و خانه‌های خالی مستقر شدند در سه وقت از سوی افراد خیر وابسته به حزب وحدت اسلامی غذا، لباس و امکانات دارویی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. هم‌چنین تعدادی از مردم برای حفظ خانه‌های‌شان در

مکروریان‌ها باقی مانده‌اند که حزب وحدت اسلامی هر روز بلاوقفه به تعداد دو هزار قرص نان برای آنان شبانه از طریق چهار آسیاب ارسال می‌دارد. حزب وحدت اسلامی تا حال هر چه در توان داشت در اختیار مهاجرین و مردم ساکن در مکروریان‌ها قرار داده است ولی متأسفانه از سوی مجامع بین‌المللی و مؤسسات خیریه کمکی صورت نگرفته است.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۳۹۳، کابل.

(۸۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی

شنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۶

سؤال: محترم استاد مزاری لطفاً در مورد جریانات جاری در کابل معلومات دهید و علت به‌وقوع پیوستن این جنگ را توضیح دهید؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم. البته شما خود در جریان حوادث جاری افغانستان از همه بهتر و بیشتر قرار دارید، که در مدت بیست ماه گذشته بیست‌وپنج جنگ در ممکلت پیش آمد؛ لهذا این جنگ اخیر هم همان علت‌های جنگ‌های قبلی را دارد. یک سلسله تفاوت‌هایی دارد که جنبش در جنگ‌های قبلی بی طرف بود و بعضی اوقات در کنار شورای نظار. در جنگ اخیر جنبش طرف جنگ واقع شد. من معتقدم که روی یک سلسله حرکت‌هایی که علیه جنبش در مناطق شیرخان بندر، بلخ و فاریاب از طرف جمعیت صورت می‌گرفت که نا امنیتی و تشنج زیادی به‌وجود آمده بود. این بار جنبش از کنار جمعیت جدا شده و در جبهه مخالف قرار گرفت و مسئولین جنبش خودشان این مسأله را اعلام کرده بودند که از تحمل و تاب و توان‌شان بالا رفته و به‌خاطر قطع جنگ‌ها و تشنجات اقدام کردند و علیه جمعیت قرار گرفتند.

سؤال: استاد محترم سؤال در این‌جا است، در حالی‌که حزب وحدت اسلامی عضو شورای هماهنگی است و نشرات حزب وحدت اسلامی جریانات جنگ را به‌شکل خوب منعکس می‌کند و هم‌چنان حزب وحدت اسلامی در هیأت شورای هماهنگی که به خارج رفتند در آن‌جا هم نماینده دارد؛ اما این‌که در جنگ جاری سهم فعال نگرفتند علت آن را اگر تشریح کنید خوب خواهد بود.

استاد مزاری: البته موضوعاتی را که شورای هماهنگی مطرح کرده است حزب وحدت اسلامی قبلاً این مسائل را مطرح کرده بود. وضعیت فعلی افغانستان مسأله عمده است که برای هر افغان و هر جریان سیاسی قابل قبول و تحمل نبوده است. در این راستا حزب وحدت اسلامی در حدود

چهار ماه پیش اعلام داشت که باید تغییرات در اداره حکومت به‌وجود بیاید و کشور از این وضع سرسام آور بیرون بیاید. پیشنهاد حزب وحدت این بود که صدراعظم و رئیس جمهور فعلی استعفا کنند و حکومت زمینهٔ انتخابات و تشکیل یک اردوی مقاوم را فراهم کند. حزب وحدت اسلامی از قبل این مسأله را مطرح کرد و تا حالا روی این طرح ایستاده است که راه‌حل نهایی مشکل کنونی همین است. متأسفانه این موضوع را طرف جمعیت نپذیرفت شورای هماهنگی که تشکیل شد به‌جز از این موضوع چیزی دیگری نمی‌گویید؛ یعنی وضع ممکلت متأثر کننده است قیمتی و قحطی به اوج خود رسیده است، وضع مملکت از نگاه اقتصادی ضعیف است، بدون پشتوانه پول چاپ می‌شود، کشور در سرحد نابودی قرار دارد. باید یک تحول به‌وجود بیاید. روی این مسأله حزب وحدت اسلامی با شورای هماهنگی هم‌نظر بوده و این موضوع را قبول دارد؛ اما این موضوع که چرا در جنگ فعال شرکت نکرده است مکرراً حزب وحدت این مسأله را اعلام داشته که جنگ راه‌حل در افغانستان نیست. وقتی کسی جنگ را تحمیل می‌کند بر سر کس دیگری، طرف روی مجبوریت از خود دفاع می‌کند. اما این‌که جنگ را راه‌حل بدانیم جنگ راه‌حل نیست.

لهذا جنگ‌هایی که قبلاً پیش آمد ما کوشش می‌کردیم که این جنگ‌ها گسترده نشود، مثلاً در تگاب جنگ علیه حزب اسلامی آغاز شد، ما سعی کردیم که میانجیگری کنیم تا جنگ خاموش گردد. وقتی در کابل جنگ پیش آمد ما طرفدار این مسأله بودیم که جنگ گسترش پیدا نکند که به جز از خرابی و ویرانی نتیجه‌ای ندارد، برادران سلاح منطق به‌کار برند نه سلاح کشنده را. متأسفانه طرف مقابل تا به‌حال این موضوع را قبول نکرده است. شورای هماهنگی پذیرفت؛ اما طرف قبول نکرد.

سؤال: استاد محترم یک خبر دیگر شایع است که شورای نظار و اتحاد آماده شده‌اند که امتیازات قابل ملاحظه‌ای برای حزب وحدت بدهند و آن‌ها از این در هراس‌اند که اگر حزب وحدت با تمام نیرو و قوا داخل محاربه گردد معادله جنگ به زودی تغییر می‌کند. این موضوع به ضرر آن‌ها تمام می‌شود، شما اگر در این باره معلومات بدهید خوش می‌شویم.

استاد مزاری: خدمت شما عرض شود که قبلاً یک توافق‌نامه بین حزب وحدت اسلامی و شورای نظار امضا شد که تقریباً این موضوع نه ماه پیش به‌وقوع پیوست؛ یعنی بعد از سقوط افشار پیش از جلسه جلال‌آباد کمیسیونی بین حزب وحدت و شورای نظار با وساطت سفارت جمهوری اسلامی ایران دایر شد. در آن کمیسیون یک توافق‌نامه هشت ماده‌ای امضا شد و بعد آن را اعلام

کردند. در آن توافق‌نامه موضوع استرداد افشار است و مسأله پرداخت غرامت جنگی درج گردیده بود، رهایی اسیران، باز شدن راه‌ها، برگشت مهاجرین به خانه‌های‌شان، تحکیم آتش‌بس جزء همان توافق‌نامه بود. برای پیگیری این موضوعات کمیسیونی از دو طرف تشکیل شد تا در این موارد عمل کند. وقتی جنرال دوستم در تابستان سال جاری به کابل آمد بر علاوه آن کمیسیون میانجیگری کرد تا آن زمان آتش‌بس تحکیم نگردیده بود. نیروهای جنرال دوستم حایل شد و جنگ از آن زمان به بعد قطع گردید تا فعلاً کمیسیون میانجی ما وجود دارد و در این اواخر روی آن موضوعات توافق‌نامه پا فشاری شده که باید عملی گردد. آن‌ها گفتند که ما حاضر هستیم که در افشار مهاجرین برگردند و امنیت منطقه در دست شما باشد. این مسأله به‌عنوان یک امتیاز و امتیازگیری نیست؛ همان توافق‌نامه‌ای که هشت، نه ماه قبل امضا شده بود. آن‌ها فعلاً اعلام کردند که آن را عملی می‌کنیم. شاید شرایط ایجاب بکند که بهانه در دست حزب وحدت نیافتد که یک جنگ دیگری آغاز شود به بهانه آن‌که شما افشار را باز پس ندادید. این‌جا مسأله امتیاز نیست. این توافق‌نامه قبلی است اگر عملی شود در موضع سیاسی حزب وحدت تغییر ایجاد نمی‌کند.

سؤال: استاد محترم چند روز قبل ما شنیدیم که محترم استاد سیاف با شما تماس تلفونی برقرار کرده‌اند که بیایند به کارته سه و با شما روی بعضی مسائل و به‌دست آوردن توافقات مذاکره نمایند. اگر در این مورد شما روشنی اندازید بهتر خواهد بود؟

استاد مزاری: البته ما با آقای سیاف هم از آن وقتی که در بیست ماه گذشته جنگ‌هایی پیش آمد بلافاصله مسأله آتش‌بس و میانجیگری که مطرح بوده، ما قبول داشتیم و قبول می‌کردیم چون خود مان طرفدار جنگ نبودیم و جنگ را راه‌حل نمی‌دانستیم. لهذا در ده جنگ که قبلاً پیش آمد اکثراً آقای سیاف شرکت داشته ما میانجیگری و آتش‌بس را قبول کردیم و بعد از جنگ دوم آقایان سیاف و مسعود پیشنهاد کرد که شورای قیادی در قرغه دایر می‌شود که شما باید در آن‌جا بروید با این‌که من در شورای قیادی شرکت نمی‌کردم و نماینده‌ای از طرف حزب وحدت شرکت می‌کرد، ما در آن‌جا رفتیم و توافق کردیم متأسفانه عملی نشد. دوباره بار دیگر پا در میانی کردند که در پغمان مذاکره صورت گیرد از طرف حزب وحدت آقای صادقی و مقصودی با آن‌ها در پغمان نشست کردند و آقای سیاف قرار گذاشته بود که بعد بیاید در علوم اجتماعی نشست صورت گیرد تا مشکلات جاری حل شود که آن‌ها نیامدند، تا این‌که جنگ سوم شروع شد. باز دوباره آقای ربانی تقاضا کرد که در کاریزمیر مذاکره صورت گیرد که آقای فاضل و آقای خلیلی در آن‌جا رفتند و نشست کردند

و فیصله کردند و ما به آن عمل کردیم منطقه حوزه (پنج) را منطقه صلح اعلام کردیم و نیروهای خود را از آن‌جا تخلیه کردیم که فعلاً در دست آن‌هاست که در جریان جنگ نگرفتند. ما منطقه را به نیروی حایل دادیم. بعداً در تابستان سال جاری آن‌ها به آقای حکمتیار مراجعه کردند که شما پادرمیانی کنید باز این پا در میانی را قبول کردیم. کمیسیون تشکیل دادیم زیر نظر آقای حکمتیار دو جلسه دایر شد، باز آقای سیاف گفت باید ما و شما صحبت نماییم بین ما واسطه نباشد، این را هم قبول کردیم کمیسیون دایر شد باز هم جنگ خاموش نشد متواتر آتش‌بس نقض می‌گردید. آقای ارغندیوال را آقای حکمتیار در این‌جا فرستاد که میانجیگری کند که جنگ ختم شود. بعداً ایشان در قلعه حیدر نشست کردند و در آن‌جا این مسأله مطرح شد. متأسفانه آقای سیاف گفته بود که آن‌ها شاید فکر کنند که تو عامل سعودی باشی به این قسم مملکت بر باد می‌شود بعداً این مسأله را قبول نکرد و آن‌ها به ما خبر دادند که ما مأیوس شدیم و آن‌ها نمی‌خواهند مسأله را حل نمایند. دوباره وقتی آقای محسنی آمد و میانجی شد میانجیگری آقای محسنی را قبول کردیم، باز هم موضوع نشست مطرح شد که آقای سیاف گفته بود که من همراه ایشان نشست می‌کنم، آقای محسنی در این‌جا تماس گرفت ما گفتیم که اشکال ندارد. جای نشست در کجا تعیین شود اولاً مسأله شهداء و اسیران حل شود بعداً بنشینیم و از آن نتیجه‌گیری نماییم. آقای محسنی خودش با آقای حکمتیار تماس گرفته بودکه میزبان شما باشید، آقای حکمتیار از این موضوع استقبال کرده بود بعداً این موضوع را به آقای سیاف گفته بود و آقای سیاف در پاسخ خاطر نشان کرده بود که من از منطقه چهارآسیاب به کارته سه بروم بهتر است، بعداً آتش‌بس را آقای محسنی اعلان کرد و ما سه نفر را از شورای مرکزی معرفی کردیم. تا فعلاً آتش‌بس رعایت شده. در این اواخر دو، سه نفر آن‌ها که در کمیسیون بود، این‌ها تقاضا کردند که بیایند این‌جا وقتی آن‌ها در این‌جا آمدند گفتند که ما حاضر هستیم که مشکل خود را حل نماییم. شما چه فکر می کنید که باز هم من گفتم مشکل همان است مهاجرین باید بخانه‌های‌شان برگردند و مسأله اسیران باید حل شود این اصل کار است. اما برای نشستن دو مسأله وجود دارد یکی مسأله سیاسی و یکی هم امنیتی. در مسأله امنیت باید یک جای مطمئن باشد که امنیت را بگیرد. حزب اسلامی گفتند شما قبول نکردید از نگاه نوبت اگر حساب می‌کنید که ما رفته بودیم شما این بار در کارته سه بیایید. مسأله دیگر مسأله سیاسی است، ما با دولت و موضوع فتوای آن مخالف هستیم و آن را ناقض توافق‌نامه‌های اسلام‌آباد و جلال‌آباد می‌دانیم و ما با شورای هماهنگی، حزب اسلامی و جنبش، متحد هستیم آن‌ها دوست

ما هستند. شما در این شرایط آمده مسائل را انتخاب کرده‌اید می‌خواهید بهره‌برداری سیاسی کنید که این از نظر ما درست نیست. روی این مسأله که باید بهره‌برداری سیاسی نباشد و امنیت تأمین شود ما حاضر هستیم که مشکل را حل کنیم.

سؤال: استاد محترم بعضی‌ها به این عقیده هستند که درگیری‌های اخیر با تمام مصیبت‌ها بعضی انکشافات مفید را به‌وجود آورد مثلاً برای همه ثابت شد که با جنگ و زور احزاب نیرومندی مثل حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی از صحنه کشیده نمی‌شوند و برای نیروهای خارجی هم ثابت شد که مشکل است بدون در نظرداشت عوامل داخلی جامعه ما توطئه‌های خود را عملی کنند. صفحات شمال از دست جمعیت بیرون آمد تهدید به تجزیه می کرد و خود را به‌عنوان صاحب امتیاز می‌گرفت هم‌چنان مسائل زیادی را ثابت کرد. وحدت ملی افغانستان را استحکام بخشید جنبش ملی اسلامی در کنار حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی آمد. شما روی این موضوع تا چه حد موافق هستید؟

استاد مزاری: من البته معتقد هستم که مسألهٔ وحدت ملی افغانستان و تمامیت ارضی برای مردم افغانستان یک چیز تثبیت شده است، فعلاً اعتراض بیش از یک میلیون شهید داده و در هر وجب آن خون شهید ریخته شده است. هیچ افغان حاضر نیست که برای تجزیه فکر کند و هیچ قومی حاضر نیست که بیاید برای تجزیه این کشور فکر کند، که این افغانستان متحد نباشد تمامیت ارضی افغانستان به هم بخورد. این برای انگیزه حرکت خود مردم یک چیز ثابت است. بعد از این‌که دولت کمونیستی سقوط کرد، یک سلسله اختلافات تنظیمی پیش‌آمد این اختلافات از طرف کسانی است که می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند و حکومت کنند که این یک روند سابقه حکومت کردن است. برابر مردم بی‌چاره سردمداران حکومت این روش را دارند. اختلافات مختلف در بیست ماه گذشته روی داد؛ مسألهٔ شیعه و سنی به اوج آن مطرح شد. در جنگ دوم و سوم که بین ما و اتحاد اسلامی به‌وقوع پیوست علمایی طومار هایی را درست کرده بودند که مسأله برای وحدت ملی افغانستان خطرناک بود. این بالاترین فاجعه ملی تصور می‌شود. این موضوع با تلاش مسئولین دلسوز افغانستان رفع شد. بعداً مسأله تضادهای ملی مطرح شد، این مسأله بین هزاره و پشتون مطرح شد که تا یک مدت زمان کوتاهی هیچ هزاره در مناطق پشتون‌نشین رفته نمی‌توانست و هیچ پشتون در مناطق هزاره‌نشین آمده نمی‌توانست، این موضوع را به اوجش رسانده بودند؛ ولی جنگ جنگ پشتون و هزاره نبود جنگ بین تنظیم‌ها بود؛ ولی ابتدا به این شکل کشانیده

بودند که الحمدلله با نزدیکی حزب وحدت و حزب اسلامی که دو ستون فقرات این مملکت به حساب می‌آیند، این توطئه نقش بر آب شد. مسأله ازبک و پشتون به اوجش رسیده بود و خسارات زیادی را این دو ملت در افغانستان دیدند. دست استعمار کار می‌کرد. چنان وحشت ایجاد کرده بود که فکر کسی نمی‌رفت برای این‌که این‌ها از یک افغانستان هستند، و در یک کشور زندگی می‌کنند که الحمدلله با فعالیت‌هایی که شد و با نشست‌هایی که صورت گرفت در حدود هشتاد درصد این مسأله حل شده است. دیگر امروز یک پشتون ازبک را برای خود دشمن فکر نمی‌کند و یک ازبک، پشتون را دشمن فکر نمی‌کند. حالا یک مسأله دیگری در این‌جا مطرح است و آن این‌که آقای ربانی و آقای مسعود که در حکومت قرار دارند، آن‌ها یک وحشت را در بین تاجیک‌ها ایجاد کرده‌اند که اگر حکومت در دست ما نباشد، امکان دارد هزاره، پشتون و ازبک ما را نابود کنند که این درست نیست. ما برای ملت شریف افغانستان و خصوص ملت تاجیک اطمینان می‌دهیم که این مسأله واقعیت ندارد. ما حقوق ملیت‌ها را می‌خواهیم حقوق ملیت‌ها به معنی برابری و برادری ملیت‌هاست این به معنی دشمنی یک برادر نیست. هر کس در راستای دشمنی در افغانستان گام بردارد، فاجعه است و آن‌کس خائن ملی است؛ اما حقوق ملیت‌ها به عنوان برادری است. ما امیدوار هستیم که حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی سوء تفاهماتی را که پیش آمده رفع کرده و در جهت استحکام وحدت ملی نقش عمده و برجسته داشته باشند و حاضر هستیم که تا آخر وحدت ملی و تمامیت ارضی را حفظ کنیم.

سؤال: محترم استاد شما اطلاع دارید که استاد توانا از جمعیت انشعاب کرد. اگر قرار باشد که مذاکرات آغاز شود و ربانی هم از پست ریاست دولت استعفا بدهد، به نظر شما چه خواهد بود آیا استاد ربانی از جمعیت نمایندگی کند و یا استاد توانا و یا این‌که احمدشاه مسعود که نیروهای نظامی را در دست دارد کدام یک؟

استاد مزاری: سال گذشته وقتی‌که مجلس حل‌وعقد پیش آمد، هفت تنظیم مخالفت خود را با دایر شدن این مجلس اعلام کردند. اما آقای ربانی و سیاف پافشاری کرده و این جلسه را دایر کردند. بعد از این‌که جلسه دایر شد و با یک دست بالا کردن بدون این‌که وضعیت فعلی و آینده مملکت تغییر کرده باشد، آقای ربانی را به حیث رئیس جمهور تعیین کردند. آقای ربانی در بیانیه‌ای که در مراسم اختتام این جلسه و آغاز ریاست جمهوری داشت، رسماً در محضر همان مردم که خودش جمع کرده بود، اعلان کرد که من از جمعیت استعفا کردم، من دیگر رهبر جمعیت

نیستم. رئیس جمهور افغانستان هستم، روی این موضوع جمعیت جلسه‌ای دایر کرد و آقای استاد توانا را به‌حیث سرپرست جمعیت تعیین کرد. در آن جلسه که در خیرخانه دایر شد و استاد توانا هم برای جمعیتی‌ها وعده داد که ما تغییرات را در داخل جمعیت به‌وجود می‌آوریم. روی این مسأله رسماً رهبر جمعیت فعلاً استاد توانا هست آقای ربانی با استعفایی که کرده رهبر جمعیت نیست. اگر بنا شود که مذاکره صورت گیرد، استاد توانا شرکت کند نه کسی دیگر. از نگاه مرجع قانونی ربانی استعفا کرده و مسعود هم یک قوماندان جمعیت است که در مقابل خود چندین قوماندان را دارد، و مسئول نظامی کل جمعیت هم به حساب نمی آید. روی این مسأله هست که اگر مشکل جمعیت حل شود، در آینده اگر مذاکره‌ای باشد تنها مرجع قانونی، استاد توانا است؛ اما یک‌بار مذاکره روی این است که مشکل کابل باید حل شود، برای مردم کابل در این‌جا امنیت تأمین شود، جنگ نباشد و جای جنگ صلح و امنیت باشد، طبیعی است که باید با مسعود صحبت شود. در کابل نیرو از مسعود است جنگ در دست مسعود است، سرمایه از مسعود است، ربانی که یک وقت رئیس جمهور بودند و حالا هم خود را رئیس جمهور می‌داند و ما همان وقت هم معتقد بودیم با مسعود مذاکره شود تا مشکل کابل حل شود.

سؤال: آخرین نتایج جنگ را چگونه می‌بینید؟

جواب: ما معتقد هستیم هر جنگ آخرش صلح است. جنگ‌هایی که چندین سال طول کشیده آخرش صلح شده است و حالا هم معتقد هستیم که برادران به جای جنگ صلح را بپذیرند، همدیگر را تحمل کنند و با هم به تفاهم برسند، این بهتر است و به نفع مملکت است. متأسفانه که تا حالا از طرف آقای ربانی این مسأله پذیرفته نشده، اگر این مسأله پذیرفته نشود ویرانی بیشتر در ممکلت رونما می‌شود؛ اما در نهایت شاید بپذیرند جز این چاره‌ای نیست.

سؤال: اگر قرار باشد مذاکرات رهبران در مورد اختتام جنگ دایر شود حالا چند نیرو به‌طور مسلح و به‌طور نیرومند تثبیت می‌شود، آیا طرحی مورد نظر نیست که در مورد شورای قیادی تجدید نظر شود؟ احزابی که توانمندی و نیروی کمتر دارند و کمتر نقش دارند در مورد عضویت آن‌ها تجدید نظر شود گرچه از حقوق باید محروم نشود؟

استاد مزاری: ما اولاً مشکلات افغانستان را در هجده ماه گذشته و در طول دوران چهارده سال جهاد همین مسأله را می‌دانستیم؛ مثلاً در احزاب هفت‌گانه و یا نه‌گانه همین مسأله بود که به عنوان یک حزب مطرح بود مساوی مطرح می‌شد در صورتی‌که بسیاری از احزاب شهدایش از نیروهای

موجود حزب دیگر بالا بود در حالی‌که به‌صورت مساوی دارای حقوق بودند. این را هم من یک راه عادلانه نمی‌دانم ولی این‌جا یک گام مثبتی که برداشته شد، در دارالامان بود که تعداد شورای عالی نظارت را بالا بردند و به بیست و یک نفر رسید و گفتند از اندیشمندان، از علما و آدم‌های با فضل این مملکت اضافه شود برای حل و فصل مشکلات کشور در روند کار دولت نظارت کنند که متأسفانه تشکیل نشدن آن از فاجعه‌هایی بود که متوجه کشور گردید. ما معتقدیم که برای آینده باید حجم احزاب از نظر موجودیت نیروها، کمیت و کیفیتش و از این نظر که چه قدر مردم پشت سرش حرکت می‌کند، در نظر گرفته شود و باقی احزاب که هست طبق شعاع وجودیش حق داده شود. برای هیچ کسی نظر حذف نداریم و این را راه‌حل نمی‌دانیم منتها این رقم مساویانه بی‌عدالتی است و راه معقول هم نیست لهذا مشکل افغانستان حل نمی‌شود در تصمیم گیری‌های آینده این مسأله باید مورد توجه قرار گیرد.

سؤال: استاد محترم به‌عنوان قیادت حزب وحدت اسلامی برای جنبش چه امتیازاتی قائل هستید که آن‌ها به ما و شما در یک موضع و یک صف قرار گرفتند؟

جواب: ما معتقد هستیم که در این امتیازات نیست این مسأله که کسی به کسی امتیاز بدهد تا یک کسی در کنار کسی باشد، حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی عدالت در جامعه را در نظر دارد تا یک حکومت مورد قبول مردم و از طرف مردم تشکیل شود، روی این مسأله است که ما اعتراضی که داشتیم اداره ممکلت اداره انحصاری است توافق نامه جلال‌آباد و اسلام‌آباد را که قبول کردیم مورد خواست ما نبود؛ ولی به‌خاطر مصالح مردم قبول کردیم باز هم پای بند بودیم متأسفانه که از الف تا یای آن عملی نشد. روی این مسأله ما برای هر کس طبق شعاع وجودیش و مردمش حق قائل هستیم جنبش و یا غیر جنبش هر کسی باشد اگر انتخابات پیش بیاید هر کس رأی آورد در یک انتخابات عادلانه ما از او اطاعت می‌کنیم؛ لهذا در این‌جا که یک‌سری عملکردها از طرف جمعیت اسلامی علیه جنبش شد که جنبش در این موضوع که جنگ پیش آمد مشترکاً دفاع کردند بحساب یک امتیازی نبود ما در این مملکت حق نداشتیم حق خود ما ضایع شده بود چه رسد این‌که برای کسی ما امتیاز بدهیم. این‌جا برای احزاب کسی حق قائل نبود اگر کسی در این‌جا برای احزاب حق قائل باشد، سال هفتادویک هشت صد ملیارد پول چاپ شد یک روپیه ازین برای حزب اسلامی و حزب وحدت مصرف نشد و در سال هفتادودو هم یکهزار و دوصد میلیارد افغانی چاپ شد و دو صد و پنج هزار اردو اعاشه و اباته می‌شدند، به استثنای حوزه جنوب

غرب در صورتی‌که یک هزار افغانی برای حزب وحدت و حزب اسلامی داده نشده است. ما از چه جنبش را امتیاز بدهیم ما این حرف را می‌گفتیم که هر افغانی در این‌جا حق دارد هر ملیتی و هر مردمی که تابع افغانستان است باید قانع باشد و باید برای آبادی این خانه مشترک سهم بگیرند.

سؤال: استاد اگر کسی بگوید یک امتیاز بزرگ شما دادید، مثلاً استاد ربانی و مسعود شاید از لحاظ اعاشه و کمک لوژستیکی با این‌ها کمک کرده باشید؛ ولی شما یک امتیاز مهم سیاسی به آن‌ها دادید که در شورای تصمیم‌گیری به‌نام شورای هماهنگی انقلاب اسلامی عضویت دادید به نظر شما این امتیاز نیست؟

جواب: نه، من فکر می‌کنم هر کس بیاید و در رابطه با جنبش صحبت بکند که در تصمیم‌گیری‌ها و این مسائل نباشد نه طبق منافع مملکت افغانستان هست و نه حرف معقولی، هیچ منطقی در این‌جا وجود ندارد، برای این‌که کسی بگوید در تصمیم‌گیری‌ها جنبش باشد و یا نباشد از این جهت که هشتاد درصد منابع طبیعی مال شمال است که اکثریت قاطعش در دست جنبش است. جنبش حکومت نجیب را که همهٔ مجاهدین متقاعد بودند که از راه نظامی نمی‌شود ساقط کرد و باید با مذاکره دو طرف مسائل حل شود، آن را ساقط کرد. بعداً آن‌چنان مسأله شمال بین خودش بافت خورده و از نیروهای جهادی چهارده ساله شمال در جنبش هست و تمام اعضای علمای شمال در آن عضویت دارند. اگر کسی بگوید در فلان جلسه حل آینده افغانستان جنبش نباشد بی‌منطقی است و خیانت می‌کند، برای مملکت و این واقع‌بینی نیست آقای ربانی و جمعیت اسلامی پول داده بودند برای جنبش اعاشه و اباته کرده بودند آن‌ها را و هم دوستم را قائم مقام ریاست جمهوری تعیین کرده بودند؛ اما همراه با حزب اسلامی وقتی در مقابل حملات دولت از خودش دفاع کرد، تا این‌که در آینده حق داشته باشد و حق مردمش را طلب کند و در تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان تبعه این کشور دخالت داشته باشد، هر کسی این را امتیاز بگوید اشتباه است، این حق شان است هر کس که در فکر وحدت ملی و تمامیت ارضی در افغانستان باشد، باید این حق را برای جنبش بدهد این حق آن‌ها است.

سؤال: استاد به‌نظر شما ربانی و مسعود تمام درهای مذاکره را با جنبش بسته است علت این چه خواهد بود؟

جواب: به عقیدهٔ من آقای ربانی در طول بیست ماه حکومتش ضعف‌ها و اشتباهات زیادی داشته و یکی از اشتباهاتش هم همین است، هر کس که ادعای زعامت دارد باید معقول حرکت

کند. جنگ اول که بین جمعیت و حزب اسلامی پیش‌آمد ایشان در سطح بین‌المللی اعلام کرد که آقای حکمتیار یاغی و باغی است و باید در محاکم بین‌الملل محاکمه شود، که این اعلام درستی نبود و بعد طولی نکشید، نشستند با آقای حکمتیار و گفتند برادر حکمتیار، ما باید با تفاهم مشکل خود را حل کنیم و با حزب وحدت وقتی جنگ داشت جنگ شدیدی بود ضایعات زیادی در این‌جا به‌وجود آورد. طبیعی است وقتی که جنگ پیش می آید به قول معروف هزارگی در جنگ حلوا پخش نمی‌کنند بالاترین درگیری و خصومت است. آقای ربانی و دستگاهش اطفال و زن‌های هزاره را زندان بردند به این اتهام که هزاره‌ها و شیعه‌ها مردم را مسموم می‌کنند میوه و مواد خوراکی را مسموم می‌نمایند و قتل عام به‌وجود می‌آورند. رادیو تبلیغ کرد این حرکت معقولی نبود، جنگ است در میدان مردم جنگ می‌کند ما رابطه ملی خود را خدشه دار نمی‌کند؛ اما آن‌ها این کار را کردند و در آخر هم از طرف صحت عامه اعلان گردید که اصلاً مسمومیت در افغانستان نبود مرض کولرا بود و... حالا که با دوستم وارد جنگ شده در عین حال که خود آقای ربانی به دوستم مجاهد بزرگ و قهرمان لقب داد سه بار در شمال رفت و او را پسر خواند و دوستم هم آقای ربانی را پدر خطاب کرد. در جریان سفر به ترکیه او را کفیل ریاست جمهوری تعیین کرد علیه او فتوای جهاد داد و این عمل ناصحیح و اشتباهی بود که ایشان مرتکب شد، و حرکت معقول نبود و حضرت امیر(ع) می‌گوید که باید دوستی تا حدی باشد که راه دشمنی باقی بماند و دشمنی هم تا حدی باشد که راه دوستی باقی بماند. متأسفانه از آقای ربانی هم در دوستی افراطی مشاهده شد و هم در دشمنی. این فتوا نه به خیر و صلاح آقای ربانی و نه هم به صلاح مملکت. متأسفانه ایشان این ضعف روحی را دارد.

سؤال: استاد اگر معلومات بدهید در مورد میانجیگری شورای قوماندانان کابل که به کجا رسیده و مشخصات طرح آنان چیست؟

جواب: شورای جهادی کابل که تشکیل شده بود ما از اول در جریانش نبودیم آن‌ها رفته بودند پیش مسعود نامه‌ای از آن‌جا گرفته بودند و بعد پیش آقای حکمتیار رفته بودند و یک توافق نامه‌ای را در قالب چند ماده این‌ها اعلان کردند. در آن[توافق‌نامه] آمده بود، شورا با یک توسعه‌ای دولت موقت را تشکیل بدهد و نتیجه آن این می‌شد که آقای ربانی باید برکنار شود؛ لهذا ایشان با این طرح مخالفت کردند و آتش‌بس پیشنهادی که از سوی قوماندان‌ها اعلان شد دولت رعایت نکرد و فعلاً هم جلسات آن‌ها ادامه دارد و از قوماندان‌های ما دعوت کرده بودند و قوماندان‌های ما یک یا دو

جلسه شرکت کردند. قوماندان‌های ما ملاحظاتی داشتند که شورای مرکزی حزب وحدت در نظر گرفته بود که باید نماینده جنبش هم در این‌جا باشد چون هر کس اگر می‌خواهد مشکل افغانستان و کابل حل شود باید طرف‌های درگیر همگی باشند و این‌ها این مسأله را نپذیرفتند و ما این راه‌حل را معقول نمی‌دانستیم. قوماندان‌های ما بعد از آن در آن جلسات شرکت نکردند از آینده کارشان خبر ندارم که به کجا رسیده است.

سؤال: محترم استاد مزاری! در این اواخر استاد سیاف در یک نامه‌ای و هم‌چنین سخنگوی استاد ربانی اظهار کردند که گویا در این مسأله یک کشور خارجی دست می‌زند. مسأله شورای هماهنگی و قرار گرفتن جنبش در کنار حزب اسلامی به یک کشور خارجی ارتباط پیدا می‌کند که عبارت باشد از ازبکستان شما چه نظر دارید؟

جواب: البته یک فرمول امروز در دنیا برای توجیه مشکلات در داخل کشورها وجود دارد که کسی وقتی توانایی حل مشکلات در داخل کشور را نداشت آن‌ها را نسبت می‌دهد به خارج، این اول بار هم نیست سال گذشته درگیری که بین جنبش و دولت هنگامی که جنبش در درگیری بین دولت و حزب وحدت اسلامی میانجی بود پیش آمد و تعدادی از پوسته‌های نیروهای شورای نظار به تصرف جنبش در آمد بعد جنگ متوقف شد، اعلامیه‌ای پخش شد که دست خارج در کار است می‌خواست کودتا بکند و... حالا هم که جنگ پیش آمده این‌ها این مسأله را دامن می‌زنند در حالی‌که واقعیت ندارد. در بیست ماه حکومت آقای ربانی بیست‌وپنج جنگ پیش آمده و اکثریت قاطع این جنگ‌ها ریشه داخلی دارد و هیچ‌کدام ریشه خارجی ندارد و هنوز مجاهدین نتوانسته‌اند یک حکومت درست و حسابی را به‌وجود بیاورند و امنیت تامین شود و استکبار جهانی در این مسأله خوشحال است؛ چرا که در این‌جا اگر یک حکومت انقلابی به‌وجود می‌آمد برای آن‌ها خطر بزرگ بود خوشحال بودن‌شان را آدم انکار نمی تواند. اما این‌که کسی در این وضعیت بیاید و دست بگذارد و خود را آلوده کند، فکر نمی کنم چنین کشوری باشد که در این وضع فلاکت بار خود را وارد این معرکه کند. طبیعی است که در افغانستان کودتا مفهومی ندارد یعنی کودتا به یک نظام ضرورت دارد. باید نظامی در یکی کشور حاکم باشد، اردوی منظم داشته باشد، امنیت تأمین باشد، این‌جا کودتا مفهوم دارد که برای براندازی نظامی کسی دست به کودتا بزند. در افغانستان در طول بیست ماه گذشته نظامی حاکم نشده است تا علیه آن نظام،کسی دست به کودتا بزند در کل مناطق، مردم و احزاب همگی مسلح هستند در یک شهر کابل وجب به‌وجب آن در دست

نیروهای مختلف است تا هنوز یک نظام در خود کابل دایر نشده است. لذا اتهام به کودتا حرف منطقی و معقول نیست. نجیب مفری نداشت به‌جز از استعفا لذا تن داد به استعفاء. اگر نجیب مثل دولت فعلی شروع می کرد به چاپ کردن پول بدون پشتوانه، روس‌ها تا آخر عمر نجیب همین را برایش چاپ می کرد. ما معتقد هستیم که امروز وضعیت مردم و کشور ما بسیار بد است اصلاً نظام حاکم نشده و برنامه و نظمی و قانون نیست.

سؤال: استاد محترم! بعد از این‌که جنرال دوستم به این حرکت دست زد و درین حرکت دفاعی با حزب اسلامی هماهنگ شد، لحن آژانس‌های خبری و دیپلومات‌ها و سیاست مدارها در مورد آن تغییر کرد؟

جواب: این طبیعی است که استکبار جهانی و دولت‌های خارجی مخالف اسلام است و در این‌جای شکی نیست. یعنی هر مسلمانی که امروز فکر بکند که آمریکایی‌ها می‌خواهد در افغانستان اسلام حاکم شود ولو یک اسلام غیر انقلابی که هیچ تحرکی در خارج از مرزش نداشته باشد، این اشتباه است آمریکا و غرب اسلام را نمی‌خواهند وقتی اسلام را نمی‌خواهند، طبیعی است که خطر مهم و عمده برای آمریکا و غرب، اسلام است... لهذا تا آن وقت که علم می‌شد بنیادگرایان مسلمان و مجاهدین در آن‌جا حکومت تشکیل می‌دهند و جنرال دوستم مخالف آن است از دوستم تقدیر و تمجید می‌کردند. و او را قدرت تعیین کننده به حساب می‌آوردند ولی وقتی که آمد تصمیم گرفت تغییر به‌وجود بیاید و نظام حکومتی تغییر کند و حکومت در این‌جا محکم شود، چون غرب مخالف حکومت پایدار و نظام اسلامی چه از راه جنگ و چه از راه تفاهم و مذاکره است، موضع‌شان در مورد دوستم تغییر می‌کند. باورشان در مورد دوستم که مخالف اسلام گرایی است... و تغییر کرد، لهذا او را می‌کوبند. طبیعی است که هرکس را که غرب می‌کوبد به‌خاطر خصلت‌های خودی است. اگر آن خصلت‌ها تغییر کند دیگر غرب آنان را نمی‌کوبد؛ لهذا آنانی که مسلمانان را می‌کوبد روی احساس اسلامی‌شان هست همان‌گونه که دوستی‌شان با انگیزه هست دشمنی‌شان هم با انگیزه هست.

سؤال: استاد محترم! در طول یک ماه می‌شود که جنبش با حزب اسلامی و حزب وحدت هماهنگ است و عضویت شورای هماهنگی را دارد. برداشت شما از نتیجه اقدام شان چه است؟

استاد مزاری: من معتقدم که جنبش یک قدرت است که مردم زیادی از آن حمایت می‌کنند و از سوی دیگر نیرومندی و توانایی نظامی هم دارد. نظر مخالفتی هم با هیچ ملیت و قومی در

افغانستان ندارد و فقط دنبال منافع و حقوق‌شان می‌باشند. هر کس با یک نظر خوب با جنبش برخورد کند به او می‌تواند اطمینان دهد. حزب وحدت و حزب اسلامی روی واقع‌بینی که در جامعه داشته روی آن مسأله تحلیل داشته و حرکت کرده و هم برای جنبش اطمینان‌بخش است، و هم حزب اسلامی برای آن‌ها مورد اطمینان است. مهمترین مسأله وحدت ملی است که با این حرکت به دست آمده و این دست آورد بزرگ است برای تمام ملت افغانستان.

سؤال: استاد محترم! طق معلومات، استاد ربانی به استعفا حاضر هست؛ ولی می‌خواهد که روی این استعفا مذاکره کند، تا امتیازات بیشتری برایش داده شود که با دست خالی داخل مذاکره نگردد؟

من خلاف شما را معتقد هستم که آقای ربانی در طول زندگی خود حاضر به استعفا نیست و استعفا نمی‌کند و هیچ فشاری ایشان را وادار کرده نمی‌تواند. یا این‌که با استفاده از زور از دولت کنار برود یا خداوند معجزه آسا کدام کاری کند که ایشان استعفا کند. چون در جلسه‌ای که ایشان، چهل‌وپنج روز دیگر هم انتخاب می‌شدند. در آن وقت ایشان حاضر نشد تا قدرت را به شورای قیادی تحویل بدهد. هر چه در جلسه اصرار شد، ایشان حرف اصلی را نگفتند. گفت که وقت من تمام شده؛ ولی این‌را نگفت که من از مقام خود کنار می‌روم، وقتی شورای حل‌وعقد دایر شد و تنها در آن شورا کاندید ایشان بود و هفت حزب آن شورا را تحریم کرده بودند ربانی حاضر نشد که به شورای حل‌وعقد بگوید که من قدرت را به شورا تحویل می‌دهم. این حرف از زبان مبارک‌شان بیرون نشد.

سؤال: استاد محترم! اگر قرار شود که آن‌ها در اثر مقاومت شورای هماهنگی آخرین شکست را بخورند و تمام مواضع خود را از دست بدهند آیا شورای هماهنگی در آن‌صورت به سیاف، ربانی و مسعود امتیازات سیاسی می‌دهند؟

استاد مزاری: من معتقد هستم که مبنای حزب وحدت و نظر حزب وحدت این است که حذف یک جریان در افغانستان کارساز نیست. باید طبق واقعیت‌های جامعه حرکت کرد. این فاجعه‌ای که بالای مردم افغانستان تحمیل گردیده است و مردم بیست ماه جنگ را پشت سر گذاشته‌اند، همان قدر افغانستان خراب شد که اگر تمام دنیا کمک‌های خود را بدهند نمی‌توان خرابی‌های بیست ماه گذشته را جبران کرد. راه معقول این است که اگر طرف در جنگ نظامی شکست بخورد باید از نظر سیاسی برای‌شان سهم داده شود، اگر انحصار طلبی به جایی می‌رسید، در بیست ماه

گذشته به جایی می‌رسید. اگر از کابل طرف بیرون رانده شود هزاران دردسر را در خارج از کابل به‌وجود آورده می‌تواند. این بهتر است که در هر زمانی از تفاهم و پذیرش هم‌دیگر کار گرفته شود تا از این بیشتر کشور خراب نگردد.

سؤال: استاد محترم! اگر قرار باشد مذاکرات جهت حل قضیه افغانستان صورت گیرد، شما چه طرح‌های مشخص و دقیق دارید که حوادث تلخ گذشته تکرار نشود؟

جواب: البته اصل طرح همان مسأله خود مردم است منتها این‌که کدام راه پی‌گیری شود و برای مردم حق داده شود تا سرنوشت خود را تعیین نمایند. ما معتقد هستیم که یک دولت موقت اگر تشکیل شود مدت این دولت از یک سال و شش ماه تجاوز نکند و همین کسی که در رأس دولت موقت قرار می گیرد، احزاب تصمیم بگیرند که در انتخابات بعدی که برای مردم حق داده می‌شود تا سرنوشت خود را تعیین نمایند او خودش در آن انتخابات کاندید نباشد و قدرت و مال بیت‌المال در اختیار شخص قرار نگیرد. برای مردم حق بدهد که تا سرنوشت خود را تعیین نماید در این صورت یک انتخابات عادلانه صورت می‌گیرد و یک حکومت با اقتدار به‌وجود می‌آید.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شماره‌های ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، کابل.

(۸۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس

۱۳۷۲/۱۱/۱۸ کابل

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۸ خبرنگار فرانس‌پرس را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و به سؤالات وی در مورد وضعیت فعلی کشور پاسخ گفت.

استاد مزاری نظرش را در رابطهٔ جنگ فعلی و موقف حزب وحدت اسلامی چنین گفت: «حزب وحدت اسلامی چون جنگ را راه‌حل نمی‌داند همیشه تأکید کرده است که مسائل کشور از طریق تفاهم و مذاکره حل‌وفصل شود؛ اما در رابطه با جنگ کنونی باید بگویم که جنگ یک پدیدهٔ زشت و مذموم است و در زمانی‌که همهٔ مردم، مسلح هستند و در حکومت عدالت اجتماعی رعایت نمی‌شود و آن حکومتی که روی کار است همه‌جانبه نیست، طبیعی است که جنگ پیش می‌آید و حل ریشهٔ جنگ‌های فعلی در تشکیل یک حکومت وسیع‌البنیاد است. در صورتی که برای مردم افغانستان حقوق عادلانه در نظر گرفته شود، جنگ به کلی خاتمه می‌یابد.»

خبرنگار در مورد مهاجرین، به غرب کابل سؤال کرد، استاد مزاری پاسخ داد: «بیش از پنجاه هزار نفر به مناطق هزاره‌نشین غرب کابل آمده است که اکثراً در منازل مردم جای داده شده‌اند که توسط افراد خیّر مربوط به حزب وحدت اسلامی سه وعده غذا، لباس، کمپل و دارو در اختیار آنان قرار داده شده‌اند و به علاوهٔ کمک از طرف حزب وحدت اسلامی به مهاجرین مستقر در غرب کابل، دو هزار قرص نان از طریق چهارآسیاب و مکروریان فرستاده شد که در بین مردم باقی مانده در آن‌جا توزیع می‌شود.»

استاد مزاری، در پاسخ به این پرسش خبرنگار، که نظر وی را در مورد پافشاری دولت برای خارج شدن نیروهای جنرال دوستم از کابل جویا شد، اظهار داشت: «موضع دولت، موضع منطقی نیست، کابل متعلق به مردم افغانستان است و متعلق به حزب خاص و یک قوم خاص نیست، کابل پایتخت افغانستان است و همه حق دارند تا به وجود آمدن اردوی ملی در آن‌جا،

نیروهای نظامی داشته باشند.»

خبرنگار سؤال کرد که همهٔ رهبران با برگزاری انتخابات موافق بوده و تأکید دارند، ولی این موضوع عملی نشده است. علتش چیست؟ استاد مزاری پاسخ داد: «همه انتخابات می‌گویند؛ ولی عمل نمی‌کنند و انتخابات را به‌خاطر قدرت خودشان می‌خواهند. من قبلاً گفته بودم کسی‌که ریاست جمهوری اسلامی را موقتاً به عهده می‌گیرد، نباید در انتخابات کاندید شود، تا انتخابات عادلانه برگزار شده و از بیت‌المال مسلمین به نفع شخصی استفاده نشود، ولی این موضوع را آقای ربانی قبول نکرد.»

استاد مزاری، در مورد طرح حزب وحدت اسلامی برای آینده افغانستان گفت: «ما طرح سازمان ملل‌متحد را قبول کردیم و یک حکومت بی‌طرف را به نفع مردم افغانستان می‌دانیم، منتها مدت این حکومت کم باشد و زمینهٔ انتخابات را فراهم کند.» استاد مزاری، در رابطه با استعفا کردن آقای ربانی و موضع حزب وحدت اسلامی در قبال شورای هماهنگی فرمود: «در صورتی‌که آقای ربانی استعفا نکند، جنگ ادامه خواهد یافت و حزب وحدت اسلامی از موضع و خواسته‌های شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی پشتیبانی می‌نماید.»[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری ۱۳۷۹، صص ۲۴۹ و ۲۵۰.

(۸۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی

دوشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۲۵

استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی عصر روز دوشنبه خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را در اقامتگاه خود، برای مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به سؤالی در مورد قضیهٔ افشار اظهار داشت: «پس از به وجود آمدن فاجعهٔ افشار توافق‌نامهٔ هشت ماده‌ای بین حزب وحدت اسلامی و جمعیت اسلامی به منظور آتش‌بس و حل مسائل فی‌مابین از جمله افشار به امضا رسید. به دنبال جنگ دوازده روزه اخیر در مناطق دارالامان و دهمزنگ با وساطت جنرال دوستم توافق‌نامهٔ ده ماده‌ای دیگر امضا شد که جنرال دوستم به‌عنوان نیروی حایل و تضمین کنندهٔ توافق‌نامه، پای آن امضا کرد. در این توافق‌نامه باز هم تأکید شده است که به توافق‌نامهٔ هشت ماده‌ای گذشته عمل شود. موضوع اول توافق‌نامه هشت ماده‌ای عبارت است از رهایی بدون قیدوشرط اسرا که تاکنون به آن عمل نشده است. ما به‌عنوان حسن‌نیت در همان اوایل پنجاه‌ویک نفر از نظامیان جمعیت را که در منطقه دارالامان دستگیر کرده بودیم به جنرال دوستم تسلیم کردیم که باید تبادله صورت گیرد؛ اما از طرف جمعیت پیش آمد درستی نشد و مردم و مهاجرین افشار بر ما فشار آوردند که حزب وحدت داخل جنگ شود و افشار را آزاد کند. ما این موضوع را به کمیسیون مشترک محول کردیم که موضوع آزادی افشار جزء توافق‌نامه است و باید آزاد شود. پس از این مسألهٔ کمیسیون بین خود نشسته و توافق‌نامهٔ دیگری را به امضا رساندند که طبق آن افشار باید تخلیه شود منتها ۱۵۰ نفر از اتحاد در کمپنی باشند و تمام مناطق نظامی که در اختیار حزب وحدت اسلامی قرار داشت، باید دوباره مسترد شود و در مسیر راه سیلو ـ افشار پوسته‌های مشترک گذاشته شود و برای برگشتن مردم به افشار هیچ‌گونه ممانعتی نباید به وجود آید و کسانی‌که از مردم افشار مسلح هستند با سلاح خود برگردند. این چیزی است که در فیصله آمده است. منتها در تطبیق این فیصله دچار مشکل شدند و چون راه به طرف افشار باز نبود و نظامیان ما از نظر نظامی به صلاح نمی‌دانستند به افشار بروند

و در بین مردم هم این خبر پیچید که افشار آزاد می‌شود و همه هم آمادگی گرفتند برای برگشتن به افشار؛ اما جمعیت به تمام مواد توافق‌نامه عمل نکرده و کوه افشار را تخلیه نکردند و پوسته‌های مشترک نیز به‌وجود نیاوردند. از این جهت مردم احساس ناراحتی کردند و امروز هم دیدید که دست به تظاهرات زدند که باید کل توافق‌نامه عملی شود در آن صورت ما برمی‌گردیم. اگر کل توافق‌نامه عملی نمی‌شود نیروهای نظامی ما باید مردم را به خانه‌ی‌شان بر گردانند.»

خبر نگار سؤال کرد: «در تظاهرات امروز مردم خواستار تخلیه کوه‌ها و پرداخت غرامت جنگی از سوی دولت بودند و می‌گفتند در صورتی‌که به خواست‌های ما عمل نشود، علیه دولت دست به اقدام خواهند زد، آیا حزب وحدت ضرب‌الاجلی در این زمینه تعیین کرده است؟»

استاد مزاری جواب داد: «دولت به ما این قول را داده که خسارات را بدهد و توافق‌نامه کمیسیون حزب وحدت و جمعیت تطبیق شود.»

خبرنگار مجدداً سؤال کرد: «در صورتی که غرامت پرداخته نشود، تصمیم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟»

استاد مزاری جواب داد: «چنان‌چه قبلاً گفتم تا حال جمعیت اسلامی جواب این موضوع را نداده و به ما قبلاً وعده داده بودند که این توافق‌نامه عملی خواهد شد و به مردم هم ما وعده داده بودیم که غرامت افشار داده می‌شود و شما به منطقه خود بر می‌گردید و ما طرفدار جنگ نیستیم و جنگ راه‌حل نیست. اگر یک وقت جمعیت تخلف بکند تصمیم نهایی را همان وقت خواهیم گرفت و با مردم هم در میان گذاشته خواهد شد.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که آیا دولت در قبال این اقدام خود مبنی بر رهایی افشار شرط نگذاشته است که حزب وحدت با دوستم و حکمتیار هم‌دست نشود؟ گفت: «توافق‌نامهٔ ما مربوط به یک‌سال قبل است که بیست روز پس از فاجعه افشار به وجود آمد و این یک اقدام جدید نیست و در موضع‌گیری‌های حزب وحدت اسلامی دخالت ندارد.»

خبر نگار سؤال کرد که شایعاتی وجود دارد که دیپلومات‌های ایرانی و کشور ایران شما را توصیه می‌کنند که با دولت ربانی وارد جنگ نشوید آیا این موضوع صحت دارد؟

استاد مزاری در پاسخ گفت: «کشورهای همسایه طرفدار جنگ نیستند هم پاکستان، هم ایران، هم سازمان ملل و هم سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی همه درخواست کرده‌اند که آتش‌بس بر قرار شود و این تقاضای عمومی است و طبیعی است که کشورهای همسایه خواستار عدم جنگ

و درگیری در کشور هم جوارشان هستند؛ ولی جنگ فعلی مسألهٔ داخلی افغانستان است و حزب وحدت روی مصالح مردم و کشورش تصمیم می‌گیرد و اعتنایی به تصمیم‌گیری و توصیه کسی دیگری ندارد. حزب وحدت موضع خود را قبلاً اعلان کرده بود که جنگ راه‌حل نیست تفاهم و پذیرش همدیگر حل کننده مسائل است و نمی‌تواند کسی جریان دیگری را حذف کند.[۱]»

۱. خبرنامهٔ وحدت شماره‌های ۴۰۶، ۴۰۷، کابل.

(۸۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با هفته‌نامهٔ سیاسی ـ خبری «حرم» ارگان نشراتی امور فرهنگی شمال حزب وحدت

۷۲/۱۱/۳۰

اشاره: به دنبال حوادث اخیر که در آستانهٔ سال نو میلادی (۱۹۹۴) در کابل اتفاق افتاد و تا هنوز نیز جریان دارد، «حرم» مصاحبه‌ای انجام داد با مجاهد کبیر، استوانه افتخار، استاد و مرشد دلیر و سرخ‌جامهٔ جهاد، ابر مردی که همواره سرور و سردار سنگرداران آزادی‌خواه و عدالت‌طلب بوده و هم اینک حلقوم سرخی است که همهٔ دردها و درمان‌های تاریخی ملت ما را یک‌جا فریاد می‌کشد همو که اینک قامت بلند ارزش‌ها و آرزوهای ما گشته و در بلندای وجود او موجودیت مضمحل شدهٔ مان را بازیافته‌ایم؛ یعنی استاد و مراد همهٔ مجاهدین و معترضین بر بی‌عدالتی‌ها و ندانم‌کاری‌ها، استاد عبدالعلی مزاری.

حرم، بی‌نهایت مفتخر است که این گفتگو را بسیار صادقانه و صریح با معمار و سردار کبیر خود و مردم خویش انجام داده و با تشکر از استاد بزرگوار و دبیرکل محترم حزب وحدت اسلامی، در آینده نیز امیدوار است که گفتگوهایی از این دست را بیش از پیش با استاد انجام داده، گاه و بیگاه از این سمت نیز ارائه طریق بنماید. با آرزوی سلامتی و موفقیت استاد، اینک این شما و گفتگویی که چندی قبل با ایشان انجام گرفته است.

حرم: استاد محترم اگر لطف کرده دربارهٔ آخرین تحولات، انکشافات سیاسی و نظامی کشور و مرکز آن در کابل توضیحات کافی ارائه دهید، بسیار خوشحال خواهیم شد؟

استاد مزاری: بسم الله الرحمن الرحیم. وضعیت فعلی کشور وضعیت بسیار بدی است و جنگ بسیار سختی در کشور در همهٔ نقاطش به وجود آمده و این هم ناشی از این است که جمعیت اسلامی به علاوهٔ این‌که زمام مال و بیت‌المال به‌دست‌شان بوده و بی‌رویه مصرف می‌کردند، تمام پولی را که بی‌پشتوانه چاپ می‌شد، این‌ها را برای قطعات نظامی در همهٔ نقاط در جنگ مصرف می‌کند؛ لهذا از این جهت فعلاً جنگ در بادغیس است، در فراه است، در شیندند هست، در قندوز

هست، در بغلان هست و بیش از چهل روز هست که در کابل هم جنگ است، در صورتی‌که پیش از جنگ کابل دو ماه جنگ بود در تگاب و با زحمت زیادی از طرف مصلحین و کابینه، جنگ تگاب مهار شد، که مهاجرین زیادی از تگاب طرف جلال‌آباد رفته بود یا جای دیگر یک هفته طول نکشید که این توافق‌نامه‌ها باید عمل می‌شد؛ ولی در کابل جنگ درگرفت، این دفعه علیه حزب اسلامی و جنبش‌ملی اسلامی. جنگ که در این‌جا آغاز شد، خرابی‌های زیادی را به وجود آورده و همه نوع سلاحی که در اختیار بوده، استفاده شده و باعث مهاجرت زیادی از مردم شده، چه در شهرهای اطراف و چه در شهر کابل که در غرب کابل بیش از پنجاه هزار مردم این‌جا مهاجر شده آمده که مردم غرب کابل آن‌ها را در خانه‌های‌شان جا داده و آن‌هایی را که در مساجد و تکایای‌شان جا دادند بیش از دو هزار خانه‌وار است، اعم از پشتون، تاجیک، ازبک و هزاره، همه آمدند در این‌جا و مردم در این‌جا پذیرایی کردند، وضعیت جنگ فعلاً هم ادامه دارد و آیندهٔ مسأله روشن نیست، چه می‌شود؟ برای این‌که شورای هماهنگی پا فشاری دارد به این مسأله که باید در بیست ماه حکومت آقای ربانی، که بیست‌وپنج جنگ در کابل به وجود آمده عامل تشنجات این‌ها است، باید کناره‌گیری کند و یک دولت موقت تشکیل شود که آن دولت هم اردوی اسلامی را بسازد و هم زمینه انتخابات را فراهم کند. آقای ربانی پافشاری دارد بر این‌که باید سر قدرت بماند. از این جهت آینده مملکت و مردم نامعلوم و تاریک است.

حرم: استاد محترم بفرمایید که جنگ اخیر که نسبت به جنگ‌های گذشته بسیار بی‌سابقه بوده است، چگونه و به چه علت شروع شده؟ و چگونه حزب وحدت در جریان آن بی‌طرف بوده است؟

استاد مزاری: البته از نگاه جنگی ما معتقد نیستیم که این جنگ، جنگ بی‌سابقه‌ای باشد و استثنایی باشد و ما هنوز هم به این عقیده هستیم که جنگ شدیدی که در افغانستان در طول بیست ماه گذشته به‌وجود آمد، جنگ دارالامان بوده و دوازده روز این جنگ طول کشید. آن شدیدترین جنگ در افغانستان بوده و هست و بیست هزار مرمی ثقیله را خود آقای مسعود اعتراف کرده که ما در منطقه حزب وحدت زدیم و هواپیماهای‌شان در این منطقه بمباران کردند. این جنگ نسبت به آن جنگ شدید نیست؛ اما عامل این جنگ‌ها همان‌طور که قبلاً بیان شد، مسأله این هست که در دوازده جنگی که در کابل پیش آمده جنبش‌ملی اسلامی یا طرفدار جمعیت یا هم بی‌طرف بوده در این جنگ طرف جمعیت قرار گرفته، با جمعیت جنگ دارد، عاملش هم این است که جمعیت

اسلامی در سمت‌شمال به آن تعهدات که با جنبش داشت عمل نکرد و جنگ‌هایی را در آن‌جا علیه جنبش سازمان داده است. نمونه بارزش «شیرخان بندر» و «السوالی بلخ» است، «غرماچ» است. در مناطق «فاریاب» در مناطق «سنگ‌چارک» است در این منطقه‌ها با آن روابطی داشت و آن تعهدهایی که در بین‌شان بود، جمعیت عمل نمی‌کرد و جنبش مجبور شد بر این‌که حقش را مشخص بکند و این دفعه در کنار حزب اسلامی مشترکاً در جنگ قرار دارند. درست است این جنگ از نگاه این‌که طولانی شده بیش از چهل روز در کابل این جنگ بی‌سابقه بوده است؛ اما از نگاه شدت جنگ این جنگ با جنگ دوازده روزۀ تابستان قابل ملاحظه نیست که در آخر آن جنگ جنبش به عنوان حائل آمد، بین حزب وحدت و جمعیت، اما این‌که حزب وحدت در این‌جا چرا دخالت نکرده این یک مسأله است که ما دربارۀ حل جنگی معتقد نیستیم، ما معتقد نیستیم که جنگ راه‌حل است در افغانستان، لهذا در دوازده جنگ گذشته که سر ما تحمیل شده بود و سر ما این‌ها جنگ را آغاز کرده بودند. در این جنگ این‌ها حمله نکردند در مناطق ما. ما روی این مسأله تصمیم گرفتیم که با این‌که از نگاه موضع سیاسی و از نگاه این‌که دولت را ما دولت نمی‌دانیم قبل از این سه ماه پیش ما اعلان کرده بودیم که باید آقای ربانی تعهد داشته باشد که در انتخابات آینده خودش شرکت نکند، زمینه انتخابات زیر نظر سازمان ملل فراهم شود و اردوی اسلامی ساخته شود. این موضعی بود که سه ماه پیش گرفته بودیم و شورای هماهنگی هم روی همین موضع تشکیل شد. ما از موقعیت شورای هماهنگی حمایت کرده، در شورای هماهنگی، عضویت داریم؛ ولی از این‌که خود ما جنگ را در افغانستان راه‌حل نمی‌دانیم و تفاهم را راه‌حل می‌دانیم؛ لهذا به این جنگ شرکت نکردیم و با این‌که از نگاه گذشته‌ها این‌ها جنگ کرده بود، سیاف و آقای مسعود برای ما ایجاب می‌کرد و روحیه مردم ما در این مسأله را مساعد بود که این مسأله را به‌عنوان انتقام هم که شده در این جنگ شرکت بکنیم. از این‌ها انتقام بگیریم، ولی ما این را خواستیم که هم با این‌ها و هم به دنیا و مردم افغانستان اثبات بکنیم که ما طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم. دلیل دیگری که در این‌جا باز مانع جنگ و درگیری ما شد، مسألۀ مهاجرین بود. بیش از ۵۰۰۰۰ در غرب کابل و این‌جا پناه آورده بودند. از همۀ اقوام و ملیت‌ها، این هم باعث شد بر این‌که در این منطقه هم اگر جنگ آغاز شود، این مهاجرین کجا شوند و مشکلات برای مردم بیشتر پیش می‌آمد. لهذا از این جهت حزب وحدت از غرب کابل صلاح ندید که جنگ را شروع بکند؛ ولی هم موضع است با شورای هماهنگی و موضع شورای

هماهنگی را هم قبول دارد و حمایت می‌کند و راه‌حل غیر از این‌که ربانی استعفاء بکند و یک دولت موقت تشکیل شود که او زمینه انتخابات را فراهم بکند زیر نظر سازمان ملل اردو ساخته شود، دیگر راه‌حل برای مردم افغانستان نمی‌دانم.

حرم: استاد محترم ائتلاف نیروهای معارض که تحت عنوان شورای هماهنگی انقلاب اسلامی افغانستان تبارز یافته تاکنون به چه موفقیت‌های سیاسی و نظامی دست یافته و آینده این ائتلاف را شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد مزاری: شورای هماهنگی از نگاه نظامی موفقیت‌های بسیار بالایی داشته مهم‌ترین مسأله، مسأله مزار بوده که تصفیه شده و دومین پایگاه مهم جمعیت در سطح افغانستان مزار به حساب می‌رفت، تصفیه شده، سمنگان تصفیه شده و در بغلان پیشرفت‌هایی داشته و از طرف اسماعیل خان که این همه بوق و کرنا کرده بود، فتوای ربانی را قبول کرده بود و گفته بود که ما نیرو می‌فرستیم در غورماچ این‌ها را شکست دادند و تصفیه کردند. در مرغاب ضربه زدند و در فراه السوالی‌های متعددی را شورای هماهنگی تصفیه کردند و آن‌ها امروز به شورای هماهنگی پیوسته، در منطقه تاله و برفک قوماندانی‌های مهم جمعیت و اتحاد به شورای هماهنگی پیوست. در کابل هم جنگ شدیدی که به وجود آمد و هویت سیاسی د ولت از بین رفت، هرچه دیپلمات بود از کابل خارج شد، سازمان ملل از کابل خارج شد، ارگ تخلیه شده است، بانک‌ها از کار افتاده وزارتخانه‌ها مسدود شده‌اند. این‌ها دولت را به خیرخانه و پغمان بردندف، طبیعی است اگر کسی روی منافع مردمش فکر می‌کرد، استعفاء می‌کرد؛ ولی آقای ربانی چون بسیار تشنه قدرت است، روی ماندنش لجاجت دارد. از این جهت پافشاری کرده و هنوز استعفاء نکرده است. این‌ها موفقیت‌های مهمی بوده که شورای هماهنگی به دست آورده و در صحنه خارج که هیأت فرستاد، هیأت‌هایش بسیار موفق بوده، پاکستان از هیأت، بسیار بی‌سابقه استقبال کرده است. هیأت که با سفارت‌هایی در پاکستان تماس گرفته، کلاً موضع شورای هماهنگی را معقول می‌دانند. در ایران رفته بسیار با موفقیت بر خورده و ایرانی‌ها استقبال کرده برخلاف هیأت‌هایی که آقای ربانی در پاکستان و سعودی و کشورهای دیگر فرستاده، هیچ‌جا از ایشان استقبال رسمی نشده و دست‌آورد نداشته، بلکه همه‌جا برای‌شان گفتند که شما غیر معقول حرکت می‌کنید. این‌که دولت موقت تشکیل شود و بی‌طرف باشد، طرح شورای هماهنگی معقول است، شما باید این مسأله را بپذیرید و روی این مسأله هست که شورای هماهنگی تا حالا موفق بوده و امیدوار هستیم

که در آینده روی این مسأله موفق شود و مشکل افغانستان حل شود.

حرم: استاد محترم در جریان جنگ اخیر لحن رسانه‌های خبری رژیم آقای ربانی نسبت به حزب وحدت اسلامی و شخص جناب عالی تغییر زیادی کرده، علت عمدهٔ آن چه بوده است، آیا درست است که در بعضی از مسائل و از جمله افشار سازش و توافق‌هایی بین شما و جمعیت اسلامی به‌وجود آمده یا خیر؟

استاد مزاری: البته این مسأله‌ای که هست دربارهٔ افشار است. ما بیست روز بعد از سقوط افشار کمیسیون تشکیل دادیم. در آن‌جا بین ما و جمعیت و این هم با وساطت سفارت ایران شکل گرفته بود و یک توافق‌نامهٔ هشت ماده‌ای را امضاء کرده بود و همان کمیسیون دایر بود. کمیسیون دربارهٔ جبران خسارات افشار و چنداول و برگشت مردم بحث می‌کرد. در واقع استرداد افشار مطرح بود و این کمیسیون ادامه داشت تا وقتی که جنرال دوستم آمد میانجی شد و دوباره بین ما و جمعیت اسلامی کمیسیون سه جانبه شد که نیروهای جنبش به حیث ناظر شرکت می‌کرد که هم آتش‌بس رعایت شود و هم اسرا تبادله شود هم این توافق‌نامه‌ها حل شود. متأسفانه این گفتگوها پیشرفت زیادی نداشت؛ ولی همان کمیسیون ادامه داشت؛ با این‌که جنبش با جمعیت درگیر هم شد. از جنبش دیگر در کمیسیون شرکت نمی‌کرد؛ ولی کمیسیون ما و نفرهای ما با جمعیت ادامه داشت؛ ولی در این شرایط جنگی که پیش آمد جمعیتی‌ها از این مسأله بسیار وحشت داشت که حزب وحدت وارد جنگ می‌شود روی این مسأله باز همان کمیسیون مطرح شد دوباره که توافق‌نامه عمل شود، افشار بازگردانده شود و خسارتش داده شود و مشکلاتی که هست، آن‌ها اعلان آمادگی کردند. با این مسأله چون توافق‌نامه قبلی بود حزب وحدت هم مخالفت نکردند و پافشاری کردند که این مسأله هم حل شود. لهذا این کمیسیون دوباره در بین خودشان که نشستند یک توافق‌نامه دیگر را امضاء کردند و در این توافق‌نامه آمده که افشار، «خوشحال خان مینه» و طرف کمپنی ۴۵۰ نفر باشد که ۱۵۰ نفر از اتحاد طرف کمپنی باشد و ۱۵۰ نفر از وحدت در افشار باشد و ۱۵۰ نفر از جمعیت در خوشحال خان مینه باشد. مهاجرین این منطقه کلاً در منطقه برگردد و کوه افشار برای وحدت داده شود، علوم اجتماعی که مرکز حزب وحدت بوده تخلیه شود و برای این‌ها برگردانده شود. این مسأله‌ای بود که این کمیسیون اخیراً توافق‌نامه کرد و شورای مرکزی هم این مسأله را پذیرفت. روی این مسأله چیز جدیدی در این‌جا نیست که موضع ما تغییر کرده باشد. موضع ما همان است که باید ربانی استعفاء بکند، باید دولت موقت تشکیل شود و زیر نظر

سازمان ملل انتخابات برگزار شود و اردو ساخته شود. انقلاب را همهٔ مردم در پیروزی‌اش سهم داشته، همهٔ اقوام سهم داشته باید در تصمیم‌گیری‌اش هم همه سهم داشته باشد و انحصارطلبی قومی را هم ما نمی‌پذیریم روی این مسأله به خیال خودشان و برداشت خودشان از این‌که حزب وحدت باید در جنگ شرکت نکند. از این جهت لحن‌شان تغییر کرده احتیاط می‌کنند، علیه حزب وحدت تبلیغ نمی‌کنند و نمی‌گویند برای این‌که احساسات این‌ها جریحه‌دار نشود که این‌ها در جنگ شرکت نکنند. ما چون جنگ را راه‌حل نمی‌دانستیم، تفاهم را راه‌حل می‌دانیم، در بین همهٔ اقوام و احزاب و راه‌حلش هم همین را می‌دانیم که ربانی باید استعفاء بکند. این موضع ماست و در موضع ما تغییری نیست، اما آن‌ها روی مسأله قدرت‌طلبی‌ای که دارند این مسأله را به این شکل تبلیغ می‌کنند که هیچ ربطی به موضع حزب وحدت ندارد.

حرم: استاد محترم، به اساس تماس‌هایی که محصلین افغانی از اروپا و دانشجویان وابسته به حزب وحدت از اروپا گرفته‌اند، اظهار داشتند که در اروپا شایعه است، در غرب شایعه است که حزب وحدت تحت فشار ایران این بار در جنگ شرکت نکرده، بر علیه جمعیت و دولت ربانی شما در این رابطه چه توضیحاتی دارید؟

استاد مزاری: ما البته این اظهارات را نادرست می‌دانیم. برای این‌که حزب وحدت تنها حزبی است که در داخل افغانستان تشکیل شده و مرکزیتش قبل از پیروزی مجاهدین هم در داخل افغانستان بوده و تحت تأثیر هیچ کشوری از خارج نیست؛ اما از این‌که کشورهای همسایه و سازمان‌ملل و سازمان کنفرانس اسلامی طرفدار نبوده، ابراز کرده از طرفین خواسته که نباید جنگ باشد. ایران هم از این‌که همسایه افغانستان بوده طبیعی است که طرفدار جنگ نیست و سعی می‌کند که باید یک کشور با ثبات در کنار ایران باشد به نفع شان است، از این‌که یک کشور بی‌ثبات همسایه شان باشد. آن‌ها روی این مسأله تلاش‌هایی داشته که جنگ خاموش شود. این مسأله طبیعی است که این‌جا از موقف حزب وحدت اسلامی که در جنگ شرکت نکرده هم پاکستان تشکر کرده و هم ایران تشکر کرده و هم مجامع بین‌المللی. دیگر از این موضوع که گسترش جنگ را در افغانستان به ضرر می‌دانسته موقف حزب وحدت را تأیید کرده؛ ولی هیچ‌کس نه در قبل و نه در حال و نه در آینده سر حزب وحدت اثری کسی نداره، کشوری که بگوید در جنگ شرکت بکند یا در جنگ شرکت نکند حزب وحدت یک حزبی است که از متن مردمش به وجود آمده و مردمش حمایت کرده و تکیه بر مردمش دارد و روی منافع مردمش تصمیم می‌گیرد. یک روز

تشخیص بدهد که دفاع از مردمش به صلاح مردمش است، دفاع می‌کند، به صلاح هیچ‌کس و مشوره هیچ کس نیست. این دفاعش یک روز هم اگر کسی بر مردمش حمله نکند، جنگ نمی‌کند، تصمیم، تصمیم خودش است.

حرم: استاد محترم اوضاع آینده را چگونه ارزیابی کرده و فکر می‌کنید تا کی مردم مظلوم افغانستان این‌همه گرفتاری و مصیبت را تحمل می‌کند؟

استاد مزاری: برای آینده افغانستان باید جناح‌هایی که مسلح‌اند راه تفاهم و پذیرش را در پیش بگیرند. اگر در افغانستان این روش را بپذیرند، آینده خوب و درخشان در پیش رو است و حکومت اسلامی که خواست قاطبه مردم است در افغانستان برقرار می‌شود و این‌جا این مردمی که روسیه را شکست داده و شوروی را از بین برده توانایی این مسأله را دارد که حکومت قوی در این‌جا تشکیل بدهد و آینده‌شان را آباد بکند، تا حالا که بدبختی‌ها و فجایعی بوده روی این مسأله بوده که اقوام یکدیگر را پذیرش نداشتند، احزاب یکدیگر را پذیرش نداشتند، مذاهب همین‌طور؛ با این‌که ما می‌بینیم در دنیا مثل افغانستان نمونه‌های زیادی است که اقوام مختلف زندگی می‌کنند، احزاب مختلف زندگی می‌کنند، مذاهب مختلف حاکمیت دارند، وقتی که حرف روی پذیرش همدیگر و تفاهم با همدیگر است، برای این ممالک نه تنها فاجعه نیست که مترقی هم هست؛ ولی در افغانستان متأسفانه وقتی که این پذیرش در این مدت برای احزاب، اقوام و مذاهب به وجود نیامده همهٔ این‌ها برای افغانستان فاجعه شد. از این‌که در این اخیر دارد وحدت ملی به وجود می‌آید و دشمنی اقوام از بین می‌رود و یک هزاره با یک پشتون امروز احساس دشمنی نمی‌کند و ازبک با یک پشتون امروز احساس دشمنی نمی‌کند، پذیرش مذهب یکدیگر از حق یکدیگر خود می‌داند، جای خوشبختی است. ما امیدوار هستیم که برادران تاجیک هم بیاید همین راه را برود که یکی از اقوام افغانستان هیچ‌گونه خصومت و دشمنی را با اقوام دیگر نداشته باشد و پشتون‌ها را برادرش بداند و ازبک‌ها را بردارش بداند و هزاره‌ها را برادرش بداند، همین‌طور بلوچ و نورستانی و باقی اقوامی که در افغانستان سکونت دارند و همه با هم برادرند و این‌ها در یک خانه مشترک زندگی می‌کنند دست‌به‌دست هم بدهند مشترکاً این خانه خراب جنگ‌زده خودشان را بسازند. به این جهت از گذشته کرده الان امیدوار هستیم که خصومت‌ها کم شده به سوی وحدت ملی پیش می‌رود، آینده خوبی را انشاءالله برای افغانستان ما امیدوار هستیم که تحقق پیدا بکند تعداد کسانی که روی انحصارطلبی فکر می‌کنند، این‌ها هم از بیست ماه گذشته درس بگیرند و یکدیگر

را تحمل بکنند با یکدیگر تفاهم بکنند جای منطق زور و جنگ منطق صلح و تفاهم را بپذیرند و در این صورت، آینده افغانستان آینده خوب و درخشان خواهد بود.

حرم: استاد محترم همین حرکت‌های صلح‌آمیز و میانجی‌گرایانه و صلح خواهانه‌ای که از طرف قوماندان‌های کابل شروع شد و همین‌طور بعد توسط مولوی جلال‌الدین حقانی ادامه یافت و ادامه آن تا آن‌جا کشانیده شده که حالا وزیر خارجه پاکستان وارد افغانستان شده است. دیروز در جلال‌آباد با آقای حکمتیار دیدار داشته، دورنما و نتایج این حرکت‌ها را شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد مزاری: البته مسائلی که در افغانستان در این جنگ اخیر پیش آمده جناح‌های مختلفی برای صلح و آتش‌بس اقدام کرده که تا حالا نتیجه نداده، سازمان ملل این مسأله را خواسته ولی نتیجه نداده، سازمان کنفرانس اسلامی خواسته نتیجه نداده، ایران هیأتی فرستاد نتیجه نداد، پاکستانی‌ها درخواست آتش‌بس کردند نتیجه نداده، قوماندان‌های کابل اقدام کردند مسأله آتش‌بس نتیجه نداد و جلال‌الدین حقانی به نام شورای اصلاح هم وقتی که اقدام کرد، چهار روزه توافق شد که آتش‌بس رعایت شود که رعایت نشد. در مجموع من معتقد هستم که مشکل افغانستان از خارج قابل حل نیست، تجربه شده اگر در داخل روی این واقعیت‌های افغانستان و شرایط افغانستان اقدام شود از داخل مؤثر است و نتیجه می‌دهد. به شرطی که دست از انحصارطلبی قومی، نژادی و حزبی بردارند و با واقعیت‌های موجود برخورد بکنند و روی مصالح علیای مملکت فکر بکنند، روی منافع مردم فکر بکنند، فعالیت برای صلح از داخل مؤثر است، از خارج را زیاد مؤثر نمی‌دانیم. بیست ماه گذشته تجربه شده در پاکستان توافق‌نامه امضاء شده در مکه رفتند تعهد کردند و ایران نظارت داشته سعودی نظارت داشته، پاکستان نظارت داشته، این نه مانع از جنگ شده توانسته، نه توانسته مانع از اختلاف شود و نه به این تعهدات کسی عمل کرده؛ ولی اگر از داخل تفاهم باشد، روی واقعیت‌ها این بهتر است، برای این مسأله ما بیشتر امیدوار هستیم.

حرم: استاد همین نظر شما را که باید راه‌حل‌های مشکل افغانستان توسط خود افغانستان سنجیده شود که در گذشته خیلی از رهبران همین موضوع را یادآوری می‌کردند؛ ولی تجارب نشان داده که در این جلساتی که شده، گردهمایی که در طول بیست‌ودو ماه صورت گرفته بین رهبران افغانی و خود افغانستانی‌ها حالا با وساطت و در یک کشور دیگری آن سر جایش، ولی مصدر اصلی جلسات خود افغانی‌ها بوده، ولی با این‌همه در برخوردشان با جریانات و حوادث،

ملیت‌ها و گردهمایی که در افغانستان نقش داشته برخورد ناقص صورت می‌گرفته، من جمله با جنبش ملی اسلامی افغانستان. آیا این تصور و این گمان وجود ندارد که در آینده اگر نشستی صورت بگیرد باز نقش جنبش نادیده گرفته شود و این یک ملیت که در افغانستان حضور مهم دارد برایش توجه نشود به این ارتباط شما چه نظر دارید؟

استاد مزاری: البته در گذشته متأسفانه نه رهبران جهادی با واقعیت و شرایط عینی افغانستان برخورد داشته‌اند، نه کشورهای همسایه و نه هم مجامع بین‌المللی، لهذا روی همین مسأله بوده که در حل مسأله افغانستان موفق نبودند، هم رهبران جهادی موفق نبوده، هم کشورهای همسایه موفق نبوده و هم مجامع بین‌المللی. روی همین مسأله هست که ما می‌گوییم باید مردم افغانستان تصمیم بگیرند و مردم افغانستان روی شرایط عینی جامعه‌شان اقدام کنند. روی این مسأله هست که جنبش ملی اسلامی یک واقعیت عینی است و امروز یک بخش عظیمی از مردم وابسته به جنبش است، هر راه‌حلی خارج و داخل که جنبش را در نظر نگیرد آن راه‌حل، معقول و منطقی نیست و برای حل مسأله افغانستان نیست، بلکه برای پیچیده کردن اوضاع افغانستان است. جنبش ملی اسلامی از نگاه توان نظامی‌اش قوی‌ترین نیرو به حساب می‌رود، از نگاه مسأله مردمی‌اش مردم زیادی پشت سر این جنبش است، از نگاه مسأله منطقه سمت شمال هشتاد درصد منابع طبیعی افغانستان را تأمین می‌کند. منابع زراعتی، مالداری، مسائل نفت و گاز در سمت شمال است برعلاوه که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مرزهای متعددی در کشورهای مختلف اسلامی در شمال کشور مرتبط است و شمال یک منطقه استراتژیکی در افغانستان به حساب می‌رود. روی این مسأله هر کسی باید در این‌جا جنبش را در مذاکرات برای حل قضایا نادیده بگیرد، من معتقد هستم که این منطقی و معقول نیست و مسأله افغانستان را نمی‌تواند حل بکند، بلکه بر پیچیدگی این مسأله می‌افزاید و ما معتقد هستیم که هر کس روی تمامیت ارضی افغانستان، روی وحدت‌ملی افغانستان فکر می‌کند، باید با واقعیت‌های عینی جامعه برخورد کند و تمام جریانات سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را درنظر بگیرد. در این صورت، مسأله افغانستان قابل حل است در غیر این صورت بیست ماه تجربه شده که هیچ‌کسی نمی‌تواند هیچ ملیتی را حذف کند، هیچ تنظیمی تنظیمی را نمی‌تواند حذف کند و هیچ مذهب مذهبی را نمی‌تواند حذف کند. روی این جهت هست که هرکسی که برای حل مسأله افغانستان گام بر می‌دارد و حرف می‌زند، باید جبش را در نظر بگیرد، مخصوصاً که الآن جنگی که هست یک طرف جنگ جنبش است،

اگر کسی می‌آید جنگی را صلح می‌کند، اگر کسی می‌آید که این‌جا صلح برقرار شود طبیعی است که دو طرف درگیر را هم با دو طرفش در نظر بگیرد، هردو تایش وارد مذاکره شود.

حرم: استاد بر فرض اگر از تجارب گذشته درس لازم گرفته نشود و باز همان راه سابق ادامه داده شود و در مورد نقش جنبش برخورد اصولی صورت نگیرد و دوباره جنبش را کسی مطرح نکند، در آن صورت موضع حزب وحدت چه خواهد بود؟

استاد مزاری: موضع حزب وحدت یک موضع روشنی است. حزب وحدت نمی‌خواهد هیچ یک از اقوام حذف شود، هیچ یک از احزاب حذف شود و حزب وحدت حقوق ملیت‌ها را مطرح کرده، همان‌طور که در جهاد همهٔ ملیت‌ها سهم داشته باید در تصمیم‌گیری آینده همهٔ ملیت‌ها سهم بگیرند، حزب وحدت از موضع ملیت‌های محروم حمایت می‌کند و جنبش هم یکی از این ملیت‌هاست که حزب وحدت به آن تعهد دارد، پیمان دارد و ازش حمایت می‌کند و تا حالا هم ازش دفاع کرده هم دفاع سیاسی کرده و هم دفاع نظامی کرده؛ لهذا بدون جنبش هیچ راه‌حلی را معقول نمی‌دانم، حزب وحدت از موضع این‌ها حمایت می‌کند همچنان که در بیست ماه گذشته حمایت کرده است.

حرم: استاد محترم اگر پیامی برای مردم شمال به‌خصوص هم شهری‌های مزار شریف داشته باشید در خدمت هستیم؟

استاد مزاری: ما کوچک‌تر از این هستیم که برای مردم شمال پیام بدهیم؛ ولی از باب تذکر این مسأله را می‌گویم که مردم شمال یک ویژگی خاصی در تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان دارد، وقتی‌که کودتای ننگین هفت‌ثور به وجود می‌آید شمال قیام می‌کند، آغازگر این انقلاب است و این مسأله را ادامه می‌دهد و حکومت نجیب را که ساقط می‌کند باز این حرکت از شمال است و امروز هم ما معتقد هستیم که نقش تعیین کننده در مسأله افغانستان را مردم شمال دارد. مردم شمال باید این موقعیت‌شان را درنظر بگیرد و با مسئولیت برخورد بکند، انسجام‌شان را حفظ کند و منافع مملکت در نظرشان باشد، همین‌طور که در دوران انقلاب و در سقوط نجیب نقش تعیین کننده را داشته دربارهٔ برقراری یک حکومت اسلامی فراگیر که حقوق همهٔ ملیت‌ها را در نظر بگیرد و جایگاهش مشخص باشد. در این مسأله تلاش کند و این را در افغانستان تحقق ببخشد که این نقش تاریخی و برجستگی را که ایشان در دوران انقلاب کسب کرده در تاریخ افغانستان

الی‌الابد ثبت شود و این نقش تعیین کننده را باید دوباره بازی بکنند.[۱]

۱. نشریهٔ سیاسی - خبری حرم، شماره‌های ۲۰، ۲۱، ۲۲.

(۸۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

۱۳۷۲/۱۱/۳۰

خبرنگار: در همین حال، دیروز در غرب کابل زدوخوردهای میان نیروهای دولتی و حزب وحدت اسلامی افغانستان صورت گرفت که طی آن هفت نفر زخمی شده است. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان این زدوخوردها را محلی و بدون برنامه‌ریزی توصیف کرد. در این مورد امروز ضمن گفتگویی با استاد مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی، از او پرسیدم که علت برخوردهای دیروز در غرب کابل چه بود؟

استاد مزاری: علت درگیری‌ها این بوده که نیروهای حزب وحدت تعداد نفری را که از شهر می‌آمدند، تلاشی می‌کردند که مواد ارتزاقی را از این طرف می‌بردند، در همین‌حال درگیری شده است. این مشکلات برای منطقه است. از این مسأله بعد، در وقت تلاشی، افراد شورای نظار یک شاجور سر این نفرها فیر کردند، به واسطه این فیر شورای نظار، که دو نفر زخمی شدند و چند نفر دیگر هم که از شهر آمده بودند آن‌ها را گرفته بودند. یک کراچی وان را که کوچ یکی از برادران تاجیک را از این طرف منتقل می‌کرده بوده، او را گرفته بسیار لت کرده بود.

درگیری از همین‌جا شروع شد، بعد محلی بود، دو طرف که نماینده داشتند قبلاً هر چقدر تلاش کرده بودند، اول یک پوستهٔ بچه‌های ما را گرفته بودند، بعد دوباره این‌ها که اقدام کردند دو پوسته از آن‌ها را گرفتند، پوسته خودشان را هم پس گرفتند، بعد دوباره با میانجیگری هیأت، پوسته‌ها را ایلا کردند. امروز از دو طرف اقدام شد که ناظر قوی بفرستند تا جنگ مهار شود. الآن هم تخفیف پیدا کرده است.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، ۱۳۷۹، صفحهٔ ۲۳۳.

(۸۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی

دوشنبه ۱۳۷۲/۱۲/۲

حجت الاسلام استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز دوشنبه، آقایان ولیا مریو و صلاح‌الدین خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی را در دفتر کارشان به حضور پذیرفته و به سؤالات آنان پاسخ گفتند.

استاد مزاری در پاسخ سؤال خبر نگار بی‌بی‌سی که پرسید جنگ بین حزب وحدت اسلامی و شورای نظار در دهمزنگ چگونه به‌وجود آمد و نتیجه آن چه شد؟ گفتند: «روز شنبه زمانی که یک نفر از مردم ما مقداری روغن را با خود می‌خواست انتقال دهد، توسط نیروهای شورای نظار دستگیر شد و وقتی مجاهدین حزب وحدت اسلامی از آنان خواستند تا شخص موصوف را رها سازند نیروهای شورای نظار بالای مجاهدین ما فیر کردند که در نتیجهٔ درگیری‌های پراکنده آغاز شد و آهسته آهسته به سایر نقاط مانند تپه سلام نیز کشانیده شد شب دوشنبه نیز درگیری مختصری پیش آمد؛ ولی هیأت‌های که از دو طرف درگیر تعیین شده‌اند به تمامی سنگر ها گشتند و فعلاً آتش‌بس رعایت می‌شود و مناطق آرام است.

خبرنگار سؤال کرد: «با تظاهرات وسیعی که مردم در غرب کابل داشتند آیا دولت حاضر شده است که منطقه افشار را به کلی تخلیه نماید؟»

استاد مزاری جواب داد: «ما قبلاً با دولت توافق‌نامه داشتیم و به خاطر تظاهرات چیزی تازه‌ای پیش نیامده است.»

استاد مزاری با بیان این مطلب که موضع حزب وحدت اسلامی این است که باید ربانی استعفا کند، در پاسخ به این پرسش که آیا در آینده نزدیک ممکن است دولت به شما امتیازی بدهد؟ افزودند: «مسأله امتیاز نیست باید توافق‌نامه قبلی ما عمل شود. موقف حزب وحدت اسلامی این است که پس از استعفای ربانی یک دولت موقت به وجود آمده و اردوی ملی را تشکیل نماید و زمینه انتخابات را فراهم سازد با این تذکر که اعضای دولت موقت در انتخابات کاندید نشوند.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگری گفت: «حزب وحدت اسلامی جنگ را راه‌حل ندانسته و نمی‌داند و در این جنگ اخیر اثبات کرد که اگر کسی جنگ را علیه حزب وحدت اسلامی تحمیل ننماید حزب وحدت اسلامی خواهان جنگ نیست، ولی در صورتی که جریانی علیه مردمش، دست به اقدام بزند، طبیعی است که حزب وحدت اسلامی، مانند گذشته با تمام توان آماده دفاع از مردم خواهد بود و از آنان دفاع خواهد کرد.»

خبرنگار سؤال کرد: «آیا احتمال این مسأله نمی‌رود که اتحاد یا جمعیت علیه شما جنگ را تحمیل نمایند؟»

استاد مزاری اظهار داشتند: «با وجود جنگ در مرکز شهر آن‌ها در شرایطی نیستند که در این قسمت شهر هم درگیری به‌وجود بیاورند؛ ولی با خاموش شدن جنگ در مرکز شهر اگر درگیری به‌وجود آید جمعیت و اتحاد متحداً عمل خواهند کرد و تنها نمی‌توانند کاری انجام بدهند.»[1]

۱. خبر نامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۱۲، کابل.

(۸۹)

متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار آسوشیتدپرس

سه شنبه ۱۳۷۲/۱۲/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر امروز خبرنگار آسوشیتدپرس آمریکا را در دفتر کارش به حضور پذیرفته و به سؤالات وی در رابطه به تحولات جاری کشور پاسخ گفت که متن آن عیناً به‌دست نشر سپرده می‌شود.

سؤال: در طول دو سال گذشته صحبت از صلح و آتش‌بس بوده است؛ ولی نتیجه نداده است در این باره چه نظر دارید؟

جواب: در طول دو سال گذشته که مذاکرات و تلاش‌های صلح و آتش‌بس به جایی نرسیده به این دلیل بوده که جناح حاکم انحصارگرایانه عمل می‌کرد، جهاد چهارده ساله که در آن تمامی اقوام، مذاهب و احزاب شرکت داشتند و همهٔ مردم افغانستان با ظلم و استبداد مبارزه کردند، ثابت کرد که دیگر یک قوم و یا یک حزب نمی‌تواند به تنهای در افغانستان حکومت کند. اکنون هم اگر طرح چهارجانبه حزب وحدت اسلامی که در آن رعایت اقوام و احزاب عمده موجود در کشور شده است پذیرفته شود و صلح برقرار خواهد شد.

سؤال: شما در رابطه به کمک سازمان ملل و کشورهای همسایه برای حل قضیه افغانستان چه نظر دارید؟

جواب: مسأله افغانستان باید در داخل افغانستان حل شود با اجرای طرح چهارجانبه ولی انتخابات که برگزار می‌شود باید زیر نظر سازمان ملل متحد انجام بگیرد. طرح خارجی در افغانستان موفق نمی‌شود.

سؤال: طبق طرح شما آیا امکان دارد که چهار گروه با هم توافق بکنند؟

جواب: حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی و جنبش ملی اسلامی این طرح را قبول دارند و تنها جمعیت با آن مخالفت می‌کند. اگر جمعیت توافق کند مشکل حل می‌شود.

سؤال: در طول چهارده سال جهاد افغانستان جنگ بود، ولی به اندازهٔ دو سال گذشته خرابی

نداشته نتیجه این جنگ‌ها چه بوده است؟

جواب: نتیجه این جنگ‌ها این خواهد بود که تعداد محدودی که دست به انحصارگری می‌زنند، از ادامه این کار خودداری کنند و قبول کنند که چنان‌چه همهٔ مردم افغانستان در جهاد سهم داشتند، باید در تصمیم‌گیری آینده نیز سهم داشته باشند. طبیعی است اگر به انحصارطلبی پایان داده نشود، جنگ ادامه خواهد یافت و جنگ خرابی ببار می‌آورد نه آبادی. مجاهدین مجبور هستند علیه بی‌عدالتی مبارزه کنند.

سؤال: تعدادی مخالف دخالت شیعیان در دولت هستند و تعدادی مخالف حضور سنیان، شما چه نظر دارید؟

جواب: در افغانستان مسأله اختلاف شیعه و سنی نیست؛ بلکه اختلاف تنظیم‌ها است. یکی دو تنظیم محدود است که این موضوعات را دامن می‌زنند، ولی باقی احزاب حقوق تنظیم خود را می‌خواهند و ما که طرح چهارجانبه را مطرح می‌کنیم به همین خاطر است که دیگر کسی نمی‌تواند این مسائل و مشکلات را برای کشور به‌وجود آورد.

سؤال: گفته می‌شود کشورهای خارجی مانند ایران، عربستان و پاکستان در امور داخلی افغانستان دخالت می‌کند، شما چه نظر دارید؟

جواب: ما معتقد هستیم که مشکل افغانستان مربوط به مسائل موجود در داخل افغانستان است، در سایر کشورها نیز احزاب، اقوام و مذاهب مختلف وجود دارد؛ اما باعث درگیری و جنگ نشده است؛ ولی در افغانستان تعدادی از گروه‌ها انحصار طلبی می‌نمایند و باعث مشکلات فعلی گردیده‌اند که این موضوع ربطی به کشورهای خارجی ندارد. کشورهای ایران، پاکستان و عربستان در طول جهاد چهارده ساله به مجاهدین و مهاجرین کشور ما کمک کرده‌اند و به همین خاطر علاقه دارند تا مسائل افغانستان حل شود.

سؤال: آیا عربستان به اتحاد و جمعیت کمک نمی‌کند؟

جواب: در چهارده سال جهاد عربستان به تمام تنظیم‌های هفتگانه کمک می‌کرد و با این وضعی که اکنون در افغانستان پیش آمده است فکر نمی‌کنم که کسی در افغانستان دخالت کند.

سؤال: با این وضعیت که پیش آمده آیا شما نگران آینده فرزندان این کشور نیستید؟

جواب: از این وضعی که برای مراکز تعلیمی و در کل برای مردم افغانستان پیش آمده متأسف هستیم، ولی ما مصمم هستیم که یک حکومت همه‌جانبه با شرکت اقوام و احزاب و مذاهب

به‌وجود بیاوریم تا همه با تفاهم زندگی کنند.

سؤال: غیر از طرح چهار جانبه چه طرحی برای برقراری صلح دارید؟

جواب: مشکل فعلی کشور را دو مسأله پیچیده‌تر کرده یکی از این‌که ربانی استعفا نمی‌کند و دیگر صدور فتوای جهاد از سوی وی اگر این دو موضوع حل شود و ربانی استعفا داده و فتوای خود را پس بگیرد به زودی صلح در کشور تأمین و زمینهٔ برگزاری حکومت موقت فراهم خواهد شد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۱۸، کابل.

(۹۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو بی‌بی‌سی

یک‌شنبه ۱۳۷۲/۱۲/۲۹

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر امروز یک‌شنبه، آقای میرویس جلیل خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی را در دفتر کارشان به حضور پذیرفته و به سؤالات وی پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که نظر شما دربارهٔ طرح صلح هیأت حوزهٔ جنوب‌غرب چیست؟ اظهار داشت: «هیأت حوزهٔ جنوب‌غرب طی دیداری که با ما داشت کلیات طرح را با ما بازگو کرد و ما سه ملاحظه بر آن طرح داشتیم که برای آنان گفتیم؛ اول این‌که سی نفری را که آنان دعوت کرده‌اند معیار مشخصی ندارد. دوم در تشکیل شورا معیار نفوس در نظر گرفته شود. سوم این‌که یک طرف قضیه فعلی که جنبش است در این طرح نادیده گرفته شده و این موضوع حل کننده مسائل کشور نیست. تجربه بیست ماهه گذشته باید ثابت کرده باشد که طرح‌ها اگر از حالت انحصاری بیرون نیاید و واقعیت‌های عینی جامعه را مدنظر نگیرد، منجر به شکست خواهد شد.»

خبرنگار سؤال کرد نظر شما در رابطهٔ به درگیری‌های شمال چیست؟

استاد مزاری جواب داد: «درگیری‌ها از مزار آغاز شد و به قندوز، بغلان و بادغیس کشانیده شد. عامل تمام این درگیری‌ها جمعیت اسلامی بود. ما امیدوار هستیم که برادران تفاهم را بپذیرند و مسائل را از طریق مذاکره حل‌وفصل نمایند، نه از راه جنگ.»

استاد مزاری در مورد موقف حزب وحدت اسلامی در درگیری‌های شمال گفت: «ما در جنگ‌های اخیر کابل بی‌طرف بودیم و حزب وحدت اسلامی بخش شمال مانند سایر احزاب عضو جنبش ملی اسلامی است و سیاست جنبش را تعقیب می‌کند.»

خبرنگار سؤال کرد: «چگونه حزب وحدت اسلامی در کابل بی‌طرف است و در شمال با جنبش است؟»

استاد مزاری اظهار داشت: «کابل موقف خاص خود را دارد. حزب وحدت در کل جنگ را راه‌حل نمی‌داند و در جنگ‌های جاری کابل بی‌طرف بوده است؛ ولی از نظر سیاسی موضع شورای هماهنگی را دارد و خواستار استعفای همزمان رئیس جمهور و صدراعظم است؛ اما عضویت یک بخش از این احزاب در جنبش ملی اسلامی به معنی آن نیست که همه حزب وحدت عضو جنبش باشد.»

استاد مزاری در جواب این سؤال که در درگیری آینده کابل حزب وحدت اسلامی چه موقف خواهد داشت، گفت: «موضع حزب وحدت اسلامی این است که جنگ را راه‌حل نمی‌داند و خواستار استعفای صدراعظم و رئیس جمهور است و بر همین اساس تلاش خواهد ورزید.»[1]

۱. خبرنامه وحدت، شمارهٔ ۴۳۱، یک‌شنبه ۷۲/۱۲/۲۹ کابل.

(۹۱)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی

۱۳۷۳/۱/۱۳ - کابل

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۳/۱/۱۳، خبرنگاران فرانسوی را به حضور پذیرفته و سؤالات آنان را پاسخ گفت که اینک متن کامل آن را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

خبرنگار: «به نظر شما سازمان ملل متحد می‌تواند نقشی در افغانستان بازی کند و طرح شما چه است؟»

استاد مزاری: «سازمان ملل در صورتی‌که طبق شرایط و اوضاع افغانستان طرح داشته باشد، می‌تواند نقش مثبت و سازنده را در جهت حل بحران افغانستان ایفا نماید. طرح حزب وحدت اسلامی این است که باید یک دولت موقت بی‌طرف با توافق احزاب به وجود آید که این دولت موقت در طول مدت معین طرح انتخابات را تدوین و پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کند که در آن حقوق تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد درنظر گرفته شود. در همین ایام باید رفراندوم و همه‌پرسی دربارهٔ نوع حکومت آینده افغانستان که سیستم فدرالی باشد یا متمرکز، فراهم شود، اردوی ملی با شرکت همهٔ اقوام طبق معیار نفوس ساخته شود و اعضای دولت موقت حق کاندید شدن را در انتخابات آینده نداشته باشد.»

خبرنگار: شما کدام نوع حکومت را قبول دارید؟

استاد مزاری: ما سیستم فدرالی را می‌پذیریم.

خبرنگار: نیروهای مسلح در این شرایط به چه شکلی خواهد بود؟

استاد مزاری: نیروهای مسلح باید از تمام ملیت‌ها ساخته شود و زیر نظر حکومت مرکزی کار نمایند.

خبرنگار: تشکیلات اداری کنونی تغییر خواهد کرد؟

استاد مزاری: ما می‌گوییم در حکومت فدرالی باید این تغییرات به وجود بیاید.

خبرنگار: در گذشته خواست‌های مردم شما در نظر گرفته نشده است، حالا چه خواسته‌ای دارید؟

استاد مزاری: باید در آینده برای همهٔ مردم افغانستان سهم داده شود. در انتخابات همهٔ اقشار مردم اعم از زن و مرد شرکت نمایند و تبعیض وجود نداشته باشد.

خبرنگار: آیا شما تعداد معینی از پست‌های دولتی را می‌خواهید؟

استاد مزاری: تا زمانی‌که نفوس شماری دقیق صورت نگیرد ما خواهان یک چهارم سهم‌گیری در دولت برای مردم هزاره هستیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید مردم هزاره مانند گذشته در محرومیت به سر می‌برند؟

استاد مزاری: تا حکومت قانونی به وجود نیاید و آزادی اجتماعی، مدنی، سیاسی و فرهنگی وجود نداشته باشد، همچنان محرومیت است.

خبرنگار: آیا شما این موضوع را با سایر تنظیم‌ها در میان گذاشته‌اید؟

استاد مزاری: پیش از این‌که روس‌ها از افغانستان خارج شوند ما روی این موضوع بحث کردیم و با تنظیم‌هایی که در تماس بودیم گفتیم که در آینده افغانستان هیچ‌کس نباید ظلم کند و حق مردم باید داده شود و طبق شعاع وجودی‌اش باید در قدرت سهیم باشند.

خبرنگار: آیا در سمیناری که چند روز پیش در هوتل انترکانتینتال دایر شده بود، نماینده شما شرکت کرده بود؟

استاد مزاری: این سمینار از سوی طرفداران آقای ربانی سازماندهی شده بود و ما با آقای ربانی مخالف هستیم، آن‌ها از ما دعوت کرده بودند؛ ولی کسی شرکت نکرد.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید سمینار جنبه تبلیغاتی داشته است؟

استاد مزاری: بیشتر به‌خاطر سفر هیأت سازمان ملل متحد بود که خواسته‌های آقای ربانی را می‌خواست از زبان آن‌ها بیان نمایند و به نمایندگان سازمان ملل متحد منتقل نمایند.

خبرنگار: علت جنگ‌های داخلی چه چیزی بوده است؟

استاد مزاری: تصمیم عجولانه تنظیم های مقیم پیشاور بود که نظر همهٔ مردم افغانستان را نادیده گرفته و حکومت چهار ماهه و دو ماهه برای مردم که چهارده سال مبارزهٔ مسلحانه داشته‌اند به وجود آوردند. ثانیاً انحصارطلبی‌های جمعیت اسلامی بود که باعث اوضاع رقت‌بار کنونی در کشور گردید.

خبرنگار: در بین رهبران چه کسی را مسئول می‌دانید؟

استاد مزاری: مسئولیت بیشتر به عهده آقای ربانی است که به حیث مسئول دولت طی بیست ماه گذشته حکومت کرد و آقای سیاف که این مجلس حل‌وعقد را که از سوی هفت تنظیم رد شده بود، تشکیل دادند.

خبرنگار: از پنج ایالت در حکومت فدرالی کدام یک مربوط به شما خواهد بود؟

استاد مزاری: مناطق مرکزی.

خبرنگار: مناطق مرکزی چند ولایت فعلی را احتوا خواهد کرد؟

استاد مزاری: پنج ولایت فعلی را دربر می‌گیرد.

خبرنگار: وضعیت کابل در آینده چگونه خواهد بود؟

استاد مزاری: تا یک حکومت قانونی به وجود نیامده، وضعیت کنونی باقی خواهد ماند.

خبرنگار: در حکومت فدرالی، کابل چه موقعیتی را خواهد داشت؟

استاد مزاری: حکومت مرکزی کنترل آن را به عهده می‌گیرد.

خبرنگار: آیا کشورهای خارجی در جنگ‌های داخلی افغانستان دخالت دارند؟

استاد مزاری: طرح پیشاور اشتباه بود و باید با تفاهم یک حکومت فراگیر و درازمدت تشکیل می‌شد و فعلاً مشکلات در داخل افغانستان است، ممکن است بعضی از گروه‌ها با خارج تماس داشته باشند و عامل درگیری‌ها و تشنجات در داخل افغانستان است.

خبرنگار: چگونه رابطهٔ خاصی با ایران دارید؟

استاد مزاری: با همهٔ کشورهای همسایه روابط داریم؛ ولی تنها تنظیمی که در داخل افغانستان به‌وجود آمده و در طول دوران جهاد مرکزیتش داخل افغانستان بوده است، حزب وحدت اسلامی است که تنظیم‌های دیگر هیچ‌کدام این خصوصیت را ندارند. ما در ایران، پاکستان، کشورهای اروپایی، عربی و آمریکایی دفاتر نمایندگی داریم و غیر از این، با هیچ‌کدام رابطهٔ خاصی نداریم.

خبرنگار: به نظر شما آیا ایران می‌تواند نقش مثبتی را برای حل قضیه افغانستان بازی کند؟

استاد مزاری: سال گذشته با کمک دولت‌های ایران، پاکستان و عربستان سعودی توافق‌نامه اسلام‌آباد امضا شد،؛ اما مشکل افغانستان حل نشد.

خبرنگار: چرا این توافق‌نامه به ناکامی مواجه گردید؟

استاد مزاری: آقای ربانی به هیچ یک از توافق‌نامه‌های امضا شده عمل نکرد.

خبرنگار: آیا حزب شما از نظر سیاسی مخالف آقای ربانی است و از نظر نظامی بی‌طرف است؟

استاد مزاری: در کابل، بلی، ولی در شمال حزب وحدت اسلامی عضو جنبش ملی است و با آن هماهنگ عمل می‌نماید.

خبرنگار: دلیل عمده‌ای که شما را در کابل وادار به جنگ کند چه خواهد بود؟

استاد مزاری: باید ربانی بپذیرد که وضعیت افغانستان به نفع او و مردم افغانستان نیست و باید استعفا بدهد و اگر ربانی به این کار خود ادامه دهد، طبیعی است که نه برای ما قابل تحمل است و نه برای سایر تنظیم‌ها.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری ۱۳۷۹، صص ۲۵۳ ـ ۲۵۶.

(۹۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار صدای آمریکا

۱۳۷۳/۱/۱۶

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز گذشته، خبرنگار رادیو دری صدای آمریکا را در دفتر کارشان به حضور پذیرفته و به سؤالات ایشان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش که آیا طرح‌های ارائه شده توسط هیأت‌های مختلف صلح موفقیتی را در بر خواهد داشت؟ اظهار داشت: «طرحی صلحی که از سوی آقای حقانی و قوماندانان کابل ارائه شده است، ناقص است و حل کنندهٔ قضایا نمی‌تواند باشد، هم‌چنین طرح صلح حوزهٔ جنوب‌غرب نیز کامل نیست؛ چون اسماعیل خان یک طرف درگیری‌های افغانستان است و از فتوای جهاد آقای ربانی حمایت کرده است و طرح صلح باید از سوی منبع بی‌طرف باشد. در این طرح جنبش ملی اسلامی درنظر گرفته نشده است؛ لهذا امیدی برای موفقیت آن نیست، هیأت دولت و کابینه که برای صلح اقدام کردند، بیشتر تحت تأثیر آقای ربانی‌اند و طرف‌های مقابل طرح آن‌ها را نمی‌پذیرند. این طرح‌ها برای مردم افغانستان قابل قبول و حل‌کنندهٔ مسائل نیست.

هیأت سازمان ملل اکنون طرحی ندارد پس از این‌که با سایر مقامات و مردم افغانستان ملاقات کرد، انتظار می‌رود طرحی را ارائه کند و ما امیدوار هستیم که طرح جامع و فراگیر و قابل قبول برای همهٔ مردم افغانستان باشد.»

خبرنگار سؤال کرد: «در این اواخر سمیناری در هوتل انترکانتیننتال دایر شد و قرار است سمینار دیگری یکی در جلال‌آباد و دیگری در پاکستان برپا شود، نظر شما در این مورد چه است؟»

استاد مزاری در پاسخ فرمود: «این سمیناری که در کابل دایر شده بود از سوی آقای ربانی سازماندهی شده بود، این سمینار اگرچه به‌نام استادان پوهنتون برگزار شده بود؛ اما ریاست آن را یک نفر تاجر به عهده داشت و واضح است که این سمینار فرمایشی و بیشتر به‌خاطر ورود هیأت سازمان ملل بود که آقای ربانی می‌خواست بعضی از خواسته‌های خود را از زبان آن‌ها بیان کند.

آن‌ها از حزب وحدت اسلامی هم برای شرکت در این سمینار دعوت کرده بودند و چون سمینار فرمایشی بود شرکت نکردیم.

در رابطه با سمینار جلال‌آباد قبلا هم رهبران در آن‌جا جمع شده بودند و توافق‌نامه‌ای را امضا کرده بودند؛ اما عملی نشد؛ لهذا مردم زیاد خوشبین نیستند و امیدی برای موفقیت آن ندارند. اگرچه بنفسه کار خوبی است که به خاطر مردم و آرامش مردم تلاش می‌کنند؛ ولی نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. در ارتباط به سمیناری که در پاکستان قرار است دایر شود باید عرض کنم که تجربه در افغانستان نشان داده است که در هر طرح و تصمیمی که مردم افغانستان در آن شریک نباشند و نادیده گرفته شوند، سودی نخواهد بود و باید طرح جامع با حضور نمایندگان همهٔ اقوام و ملیت‌های افغانستان ارائه شود.»

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید: «طرح شما برای هیأت سازمان ملل چه بود؟»

گفتند: «هیأت سازمان ملل دوبار با ما ملاقات داشت و حزب وحدت اسلامی طرح مدونی را برای حل معضلهٔ کنونی کشور تقدیم هیأت کرد که در آن بر استعفای هم‌زمان رئیس جمهور و صدراعظم و تشکیل حکومت‌موقت بی‌طرف تأکید شده است که این حکومت بی‌طرف در طول مدت حاکمیتش لایحهٔ انتخابات را تدوین کرده و زمینهٔ برگزاری انتخابات را با شرکت تمام اقشار جامعه اعم از زن و مرد فراهم سازد، هم‌چنین این حکومت‌موقت ارتش ملی را با شرکت تمام اقوام تشکیل دهد.»

استاد مزاری با بیان این مطلب که ادامهٔ آتش‌بس بستگی به استعفای آقای ربانی دارد، در پاسخ به سؤال خبرنگار که پرسید: «آتش‌بس موجود دوام خواهد کرد؟» اظهار داشتند: «علت اصلی جنگ عدم استعفای آقای ربانی و پافشاری وی برای حفظ قدرت است و اگر علت جنگ از بین نرود و آقای ربانی استعفا نکند، آتش‌بس موجود دوام نخواهد کرد و اکنون مانند تابلیت مسکنی هست که برای مدت کوتاهی جلو تشنجات را می‌گیرد؛ ولی در درازمدت نمی‌تواند مؤثر باشد.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، شمارهٔ ۴۴۵، چهارشنبه ۱۳۷۳/۱/۱۷ هـ. ش.

(۹۳)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی

ضمن تقدیر از توجه شما بر جریانات سیاسی به ویژه علاقهٔ آگاهانهٔ شما به رهبری خردمندانهٔ حزب وحدت اسلامی در پاسخ به درخواست‌های مکرر شما، اکنون مصاحبهٔ دبیرکل محبوب حزب وحدت اسلامی، استاد مزاری با خبرنگاران تلویزیون پیام آزادی که در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۱۹ انجام شده است، در چند شماره نشر می‌شود، امید است که در کوچه‌های تاریک جریانات سیاسی کشور چراغی فرا راه ما باشد (ادارهٔ خبرنامه).

سؤال: استاد محترم در مورد انکشافات اخیر کشور از لحاظ سیاسی و نظامی اگر معلومات بدهید خوش می‌شوم.

جواب: در رابطه با مسألهٔ نظامی شما در جریان هستید که جنگ در اکثر نقاط کشور به صورت گسترده جریان دارد و در صفحات شمال کشور جنگ ادامه دارد و این نگران کننده است. باید برای خاموش کردن این جنگ‌ها راه‌حل سنجیده شود که بیشتر از این مردم افغانستان رنج و مشکلات جنگ را تحمل کرده نمی‌توانند. در رابطه با مسائل سیاسی هم اقدامات زیادی برای تأمین صلح و آتش‌بس و حل مشکلات کنونی صورت گرفته‌اند که متأسفانه بیشتر این اقدامات مطابق با شرایط جنگی نبوده و نیستند. آقای جلال‌الدین حقانی یک شورای اصلاحی را برای حل قضیهٔ کنونی به وجود آورده است و آقای اسماعیل خان از حوزهٔ جنوب‌غرب هیأت صلح تشکیل داده است و از جلال‌آباد حاجی قدیر خان برای حل مسأله سمیناری را پیشنهاد کرده است و از سوی دیگر دولت به سرپرستی آقای جاوید دستهٔ صلح را ایجاد کرده است و از جانب دیگر استادان پوهنتون کابل و خدمتگاران صلح در راستای صلح تلاش می‌کنند و سازمان‌ملل هم هیأتی را برای حل قضیه فرستاده است که می‌توان گفت در جهت حل مسائل و مشکلات کنونی کشور اقدامات زیادی صورت گرفته است. همهٔ دسته‌ها که برای صلح در افغانستان تلاش می‌کنند، طرح‌های خویش را اعلام داشته‌اند، به جز از سازمان ملل‌متحد که تا هنوز طرحی را در این مورد نداده است و در سایر طرح‌ها، امید صلح و برقراری صلح وجود ندارد. این امر دلایل فراوان دارد. آن دستهٔ صلح‌طلب

که از طرف کابینهٔ دولت تشکیل شده است، از موضع آقای ربانی دفاع می‌کند و استعفای آقای ربانی را مطرح نکرده است و در حالی‌که عامل تمامی جنگ‌ها و مشکلات کنونی بر سر قدرت ماندن آقای ربانی به شمار می‌آید. هر هیأت صلحی که برای اصلاح مشکلات و اختلافات اقدام می‌کند، باید موضع بی‌طرفانه داشته باشد، حرف‌های هر دو طرف را مدنظر بگیرد.

دستهٔ خدمت‌گذاران صلح که متشکل از استادان دانشگاه‌های کابل‌اند، این دسته هم به اشارهٔ آقای ربانی تشکیل شده است. آقای ربانی می‌خواست که قبل از آمدن هیأت سازمان ملل‌متحد مطالب خود را از زبان استادان پوهنتون بگوید.

دلیل عمدهٔ این موضوع این است که رئیس این سمینار یک تاجر است و استاد دانشگاه نیست و این برای استادان دانشگاه توهین به حساب می‌آید و نیز معلوم است که این سمینار ساختهٔ آقای ربانی بود. وقتی که سمینار تمام شد و نمایندهٔ سازمان ملل آمدنش به تأخیر افتاد، آن‌ها دو روز دیگر سمینار را تمدید کردند؛ اما باز هم هیأت نیامد، این است که هیأت صلح نمی‌تواند از یک طرف تشکیل شود و موضع یک طرف درگیر را مدنظر بگیرد، پیدا است که چنین هیأتی نمی‌تواند صلح را به وجود بیاورد.

تلاش‌های آقای جلال‌الدین حقانی هم نتیجه نداد؛ برای این‌که طرح اول ایشان جنبهٔ عملی نداشت و در طرح اولی آمده بود، از هر واحد اداری سه نفر شرکت کند و موضوعی را در طرح‌شان آورده بود که طبق این طرح شورایی به آن بزرگی تا شش ماه نمی‌توانست تشکیل شود. در حالی‌که از زمان حکومت آقای ربانی سه ماه باقی مانده است و مردم افغانستان همین اکنون حکومت آقای ربانی را قبول ندارند؛ اما در آن طرح برای آقای ربانی مدت شش ماه وقت داده شده بود که این امر با صلح و آتش‌بس در تناقض است. موضوع دیگری که در طرح آمده بود، نفوس بود. اگر نفوس افغانستان را در حدود بیست میلیون ارزیابی کنیم که بعضی‌ها بیست میلیون نفوس تخمین کرده‌اند، هر السوالی را با جمعیت بیست‌وپنج هزار نفری ایجاد کنیم، در کل در حدود هشت‌صد السوالی خواهند شد و اگر از هر السوالی سه نفر شرکت کند، به ۲۴۰۰ نفر می‌رسد و آقای حقانی گفته بود دوصد نفر دیگر را شورای اصلاحی حق دارد که در این شورا شرکت بدهد که در مجموع ۲۶۰۰ نفر می‌شود و رهبران جهادی هم هرکدام ده نفر حق دارند که معرفی کنند، در این صورت این شورا به ۲۷۰۰ نفر می‌رسد که این هم دو ساله باشد، در حالی‌که با بودجهٔ افغانستان امکان ندارد که مصرف ۲۷۰۰ نفر را به عنوان نماینده و قانون‌گذار پرداخت

کند و نه همچون جای بزرگ در افغانستان وجود دارد که ۲۷۰۰ نفر در آن‌جا مجلس تشکیل دهند؛ لذا این طرح غیرمعقول بود. امکان دارد که برای یک جلسهٔ ده روزه و پنج روزه در حدود ده هزار نفر جمع‌آوری شوند و برای مدت دو سال که قانون‌گذاری و دولت موقت را اداره کنند، امکان آن وجود ندارد. شما وقتی مجالس و کنفرانس‌های جهان را بررسی می‌کنید، در کشورهای که در حدود یک میلیارد جمعیت دارند، فکر نمی‌کنم ۲۷۰۰ نفر نماینده داشته باشد. روسیه در حالی که ۲۷۰ میلیون نفوس دارد، در کمیتهٔ مرکزی آن بیشتر از ۲۵۰۰ نفر نیست. این طرح در افغانستان غیرممکن بود و امکان عملی‌شدن را نداشت. موضوع دیگری را که مطرح کردند، این بود که ما از آن طرح صرف نظر کردیم و طرح دیگری داریم. طرح این است که آتش‌بس به زودی تأمین گردد و امنیت کابل را قوماندانان به عهده بگیرند و یک شورای محدود تشکیل شود و حکومت موقت را اداره کند. این طرح دوم آقای حقانی بود و بعداً گفتند که ما از آقای ربانی اختیارنامه گرفته‌ایم و وقتی با شورای هماهنگی موضوع را در جریان گذاشتیم، شورای هماهنگی گفتند که زیاد مخالفت در مورد این طرح نداریم، موضوع دیگر در طرح آن‌ها این بود که سلاح ثقیله از کابل دور شوند که این مسأله از بعضی جهات معقول و طرح روشن بود که مردم بیایند با این موضوعات توافق کنند. در قدم اول شرایط کابل با شرایط سایر ولایات افغانستان فرق می‌کند. شما می‌دانید در شهر مزارشریف اگر کسی بیاید و شورای جهادی را تشکیل بدهد و تمام مجاهدین مزار در آن شورا سهیم باشند، هیچ‌وقت ولایات جلال‌آباد، خوست و قندهار اعتراضی نمی‌کنند که چرا شما ما را خبر نکردید و بدون حضور ما شورای را در مزار تشکیل دادید. همین‌طور اگر در قندهار شورای تشکیل گردد، از مزار کسی اعتراض نمی‌کند. به خاطر این‌که همه احساس می‌کنند همان ولایت متعلق به همان مردمی است که در همان ولایت زندگی می‌کنند؛ اما شهر کابل آن طور نیست؛ بلکه شهر کابل متعلق به تمام مردم افغانستان است، کابل پایتخت است و مرجع تصمیم‌گیرندهٔ تمام مردم افغانستان است؛ لهذا اگر کسی بیاید این مسأله را اختصاص بدهد برای قوماندانان کابل، این را مردم افغانستان قبول نمی‌کنند؛ زیرا این عمل غیرمنطقی است. برعلاوه این قوماندانان کابل در ظرف بیست‌وسه ماه گذشته در جنگ‌های پی‌درپی شریک بودند. این طور نبود که اگر جنگ بین حزب اسلامی و جمعیت اسلامی رخ داده باشد، آن‌ها شریک نبوده باشند و در جنگی که بین وحدت و اتحاد صورت گرفته است، آن‌ها شریک نبوده باشند و در جنگی که با شورای هماهنگی جریان دارد، شریک نباشند؛ چگونه

معقول است طرفی که در جنگ دخیل است و منطقه را از طریق جنگ گرفته نتواند، آن را به‌نام منطقهٔ امنیت و صلح به طرف مقابل بدهد. این از جهت‌های دیگری نیز اشکال داشت که ما برای آن‌ها اشکالات آن را بیان کردیم؛ اما شورای محدودی که در طرح دوم گنجانیده شده بود، معیار آن معلوم نبود، کسی که در جریان بیست‌ودو ماه گذشته در جنگ‌ها کشته داده باشد، زخمی‌داده باشد، متحمل خسارات فراوان گردیده باشد، شورای بدون معیار را نمی‌پذیرد. آقای حقانی باید مشخص کند که این شورای محدود را روی چه معیار تشکیل می‌دهد. روی معیار احزاب، واحدهای اداری، اقوام، علما و دانشمندان و روی کدام آن‌ها روی چه معیاری؟

مسأله دیگری که عمده است و معتقدم که هرکس به آن توجه نکند، معلوم می‌شود که نمی‌خواهد راه‌حل بیابد. آن مسأله، مسألهٔ یک طرف جنگ است که جنبش است. اکنون آن دوران گذشته است که گفته شود، ما جنبش را در افغانستان قبول نداریم، آقای ربانی با چهار نفر ملای خود بر علیه جنبش فتوا داده است. بعداً آقای حقانی با همراهانش حاضر نیست با جنبش مذاکره کند. معتقدم که این طرح نمی‌تواند طرح صلحی باشد؛ زیرا نظریات یک طرف جنگ است، اگر بنا شود صلح تأمین گردد و آتش‌بس صورت گیرد، در کابل امنیت برقرار شود و حکومت تشکیل گردد، باید تمام اطراف درگیر را مدنظر گیرند تا در کابل امنیت برقرار شود. در جلسه‌ای که با حکومت داشتم، اصرار کردم که شما باید روی منافع مملکت و روی منافع ملی افغانستان فکر کنید و تمام حقایق جامعهٔ کنونی را مدنظر بگیرید. مهم‌ترین طرح در شرایط کنونی ایجاد اردوی اسلامی است. سلاح وقتی جمع‌آوری و از کابل دور می‌شود که ارتش تشکیل شود که همه احساس کنند که در آن اردو سهم دارند. چه از حزب و چه ملیت‌های ساکن در کشور و اگر اردوی قوی تشکیل نشود، از جوانب درگیر سلاح جمع‌آوری نمی‌شود. روی این مسأله ملاحظاتی که داشتیم بیان کردیم.

ما معتقد هستیم این‌که آقای حقانی موفق شود صلح را تأمین کند، امیدی نمی‌توان داشت.

می‌ماند هیأت صلح حوزهٔ جنوب‌غرب، حوزهٔ جنوب‌غرب ادعا دارد که هیأت ماه‌ها روی طرح صلح کار کرده است و این طرح جامع است. مشکل عمده این است که اسماعیل خان یکی از قوماندانان جمعیت است و از فتوای آقای ربانی حمایت کرده است و اکنون هم در منطقهٔ غورماچ با جنرال دوستم درگیر است. چگونه می‌شود که یک طرف جنگ اقدام به صلح کند و برای آن طرح تهیه کند. طرح صلح ایشان ناقض فتوای آقای ربانی است. هیأتی را که ایشان از غرب به

کابل فرستاده است، آن هم از طرف جمعیت است، این تحرکات صلح‌طلبی بدین معنی‌اند که فتوای آقای ربانی، فتوای خودسرانه بوده است. آن‌ها می‌گویند که ما از شمال نفر دعوت کرده‌ایم؛ اما به عنوان جنبش نفر دعوت نکرده‌ایم، شما خود می‌دانید که در سمت شمال اگر علما است، اگر دانشمندان است، همه و همه در جنبش سهیم‌اند و با قوماندهٔ جنبش عمل می‌کنند. این عمل یک عمل غیرمعقول است که نفر خواستیم از علمای آن و از مجاهدین سمت شمال و نه به عنوان جنبش، لهذا این عادلانه نیست و این طرح هم طرح عملی نبوده است و نمی‌تواند صلح و آتش‌بس را ایجاد کند. موضوع دیگر قضیه این است که شورای هماهنگی در مجموع با جمعیت در حال جنگ و درگیری‌اند و از نگاه مکانی و زمانی هم معقول نیست که یک طرف درگیر برود بر سر مذاکرهٔ صلح، اکنون اسماعیل خان یک طرف قضیه است و محل مذاکرات صلح را در هرات تعیین کرده است. کدام عضو شورای هماهنگی حاضر است که در این جلسه شرکت کند. وقتی یک طرف قضیه در مذاکره شرکت نکند، آن مذاکره ناقص است و نتیجه نخواهد داد. موضوع دیگر مسألهٔ جلال‌آباد است که آن هم دو موضوع را در خود دارد.

در سال گذشته در جلال‌آباد رهبران را جمع کردند و فشار آوردند که رهبران یک توافق‌نامه امضا کنند و این اقدام عملاً کارساز نبود و عملی نگردید و نتیجه هم نداشت؛ لهذا از این‌که امسال می‌خواهند سمینار دایر کنند در نزد همهٔ مجاهدین و مردم افغانستان ذهنیت خوب ندارد.

در جلال‌آباد یک سمینار است، طرح نیست، اگر این‌جا با یک جامعیت و روی یک معیار مشخص از احزاب، اقوام و ملیت‌ها بروند و در آن سمینار روی یک طرح توافق کنند، امید است که نتیجهٔ آن راه‌حل باشد. ما معتقدیم که امروز هرکس در افغانستان واقع‌بینانه و طبق شرایط افغانستان حرکت می‌کند، باید بداند که احزاب یک واقعیت جامعه است؛ یعنی نمی‌شود بدون احزاب طرح عملی گردد و اگر کسی بدون احزاب اقدام کند، کار وی بی‌ثمر و ناقص خواهد بود. اقوام هم یک واقعیت است؛ یعنی ملیت‌های ساکن افغانستان یک واقعیت است، چه در قالب احزاب باشند، چه نباشند، باید این معیار در نظر گرفته شود. اگر کسی یک‌طرفه عمل کند و بگوید که من اقوام را در نظر می‌گیرم و احزاب خوب عمل نکرده است، درست است، ما قبول داریم که احزاب خوب عمل نکرده‌اند؛ ولی احزاب چهارده سال جهاد کرده‌اند. احزاب روس‌ها را از کشور بیرون کرده‌اند، احزاب اتحاد شوروی را شکست داده‌اند و اکنون این احزاب مسلح هستند و اگر کسی بدون نظر احزاب کار کند، غیرمعقول خواهد بود و بدون احزاب هیچ مشکل

حل نخواهد گردید.

لهذا اگر هم بافت قومی مردم افغانستان و هم موضوع احزاب را در نظر گرفته شوند و یک طرح با توافق این‌ها درست شود، امیدواریم که نتیجه بدهد؛ ولی تا به حال شعار داده شده است که منهای احزاب ما معتقدیم که با این شعار قضیهٔ افغانستان حل نخواهد شد.

باقی می‌ماند طرح سازمان ملل باید بگویم که آن‌ها طرح ندارند و در دو موردی که من با آنان ملاقات داشتم، طرح نداشتند. آن‌ها می‌گفتند که ما اقشار مختلف افغانستان، احزاب، علما، ریش‌سفیدان، روشنفکران و تمام قشرهای افغانستان را از نزدیک می‌بینیم و نظریات آنان را می‌خواهیم و از مجموع آن‌ها یک طرح ترتیب می‌کنیم. اکنون طرحی وجود ندارد که روی آن حرف بزنیم که آیا عملی و قابل اعتماد است یا نه، نتیجهٔ آن را می‌توان وقتی دریافت کرد که طرح در مورد تهیه شود، آنگاه می‌توانیم روی آن قضاوت کنیم که آیا عملی است و آیا مشکل افغانستان را حل کرده می‌تواند یا نه، از این جهت در انکشافات سیاسی اقدامات زیادی صورت گرفته است؛ ولی امیدوارکننده نبوده و نیست و بعضی آن‌ها اصلاً طرح نیست.

سؤال: استاد محترم شما در مورد فیصله‌های هیأت صلح خوشبین نیستید، در حالی‌که طبق اطلاعات به دست آمده چون طرح‌های شورای هماهنگی مبنی بر واقعیت‌ها است و بیشتر معقولیت دارد، بنابراین، طرح آنان و فیصلهٔ آنان نیز بیشتر مشابه است به فیصله‌های شورای هماهنگی، معلومات شما در این باره چگونه است؟

جواب: ما در مورد طرح‌هایی که از طرف دسته‌های صلح به ما داده شده است، ملاحظاتی داشتیم و برای خودشان هم بیان کردیم و اکنون برای شما هم بیان می‌کنم تا مردم هم از جریان آگاه شوند. در آن طرح‌ها یک‌سری نواقص وجود داشت، حرف این است هر طرحی اگر نواقص داشته باشد و واقع‌بینانه نباشد، ما در مدت بیست‌وسه ماه گذشته تجربه کردیم که بر پیچیدگی افغانستان می‌افزاید؛ لهذا ما آن را رد کردیم و اکنون در قید آن نیستیم که این طرح با فیصلهٔ شورای هماهنگی مشابه باشد یا نباشد.

سؤال: استاد محترم شما اشاره کردید به مسأله جنبش، وقتی شما و جناب آقای حکمتیار هر دو در صحبت‌ها و نشست‌های‌تان با حلقه‌های سیاسی و هیأت‌های صلح پافشاری می‌کنید که آن‌ها باید با شورای هماهنگی صحبت کنند و شما مواضع را تشریح کنید و تصمیم اخیر را شورای هماهنگی اتخاذ کند، در این صورت من فکر می‌کنم که مشکل جنبش حل است؟

جواب: ما با هیأت حوزهٔ جنوب‌غرب و آقای حقانی به نوبهٔ خود این مسأله را گفتیم که اکنون دو طرف قضیه وجود دارد، یک طرف آقای ربانی با تعدادی طرفدارانش و یک طرف شورای هماهنگی با اعضایش، راه‌حل قضیه این است که توافق دو طرف گرفته شود تا مشکل حل شود و آتش‌بس صورت گیرد، باید با شورای هماهنگی مذاکره و صحبت کنید، آن‌ها وعده کردند؛ اما عمل نکردند؛ لهذا ما معتقدیم که آن‌ها واقع‌بینانه عمل نمی‌کنند و طرح‌شان عملی نیست.

سؤال: استاد شما طرح‌های هیأت صلح را چه داخلی و چه خارجی امیدوارکننده ندانستید، به نظر شما طرح کوتاه و حل‌کننده چیست؟

جواب: حزب وحدت اسلامی از سال گذشته تا به اکنون راه کوتاه و نزدیک طرح چهارجانبه را اعلام کرده است که سه جانب مسأله چه در جنگ و چه قبل از جنگ این طرح را قبول کردند؛ اما یک طرف که جمعیت بود، این مسأله را قبول نکرد.

ما این طرح را معقول‌ترین طرح می‌دانیم و آن را بهترین راه‌حل می‌دانیم. مشکلات جاری افغانستان را این چهار جریان سیاسی می‌توانند، حل کنند. در بیست‌وسه ماه گذشته ثابت شده است که تنظیمی تنظیم دیگری را حذف کرده نمی‌تواند. البته این بدان معنی نیست که ما باقی نیروهای جهادی را نادیده بگیریم، ما طبق شعاع وجودی هر جریان سیاسی، برای آن‌ها حق قائل هستیم و اگر این چهار جوانب توافق کنند و جنگ نکنند، جنگی پیش نمی‌آید و امنیت کابل هم تأمین می‌گردد تا آن‌که زمینهٔ تشکیل اردوی اسلامی فراهم گردد. ما این طرح خود را سال گذشته اعلام داشتیم و اکنون هم آن را اعلام می‌داریم. متأسفانه که تاکنون از طرف جمعیت این طرح پذیرفته نشده است.

سؤال: استاد محترم طرح شما از لحاظ پرنسیب و واقعیت‌ها معقول است و معمولاً مشکلات در پرنسیب‌ها کم‌تر بوده است، مشکلات در تقسیم قدرت بین احزاب است. بسیاری از احزاب تاکنون در اهداف و شعارهای‌شان هیچ مشکل نداشتند. منتها وقتی مسألهٔ مکانیزم توزیع امتیازات مطرح می‌شود، مسأله به راکت و تفنگ کشیده می‌شود. به نظر شما چه‌گونه امتیازات بین احزاب تقسیم گردد و چه‌گونه احزاب تثبیت شود، تا مشکلی پیش نیاید. اساسی‌ترین مشکل به نظر ما این است، نظر شما چه‌گونه است؟

جواب: ما معتقدیم که هر طرح دو مرحله دارد. اولاً اصل طرح باید با واقعیت‌های جامعه با شرایط جامعه با توانایی نظامی تطابق داشته باشد. اگر رهبران روی این موضوع توافق کردند و

عمل کردند، پیاده کردن آن، مرحلهٔ بعدی است. ما معتقدیم که این چهار جریان اگر اصل مذاکره و تفاهم را در میان شان قبول کنند، موضوع بعدی آن ساده است، این‌که در افغانستان تا به اکنون مشکلات جریان دارد، بدین سبب است که مبنا، مبنای تفاهم نبوده است و مبنا، مبنای حذف یکدیگر بوده است. اگر برادران از حذف دست بردارند و تفاهم کنند، مذاکره کنند و پذیرش هم‌دیگر را مبنا قرار دهند، مشکل افغانستان در آن صورت حل خواهد شد.

سؤال: استاد محترم شما گفتید که احزاب هم یک واقعیت است و اقوام و ملیت‌ها هم یک واقعیت است، در حالی که در جامعهٔ امروزی ما، ما می‌بینیم که اقوام و ملیت‌ها به نحوی از آن‌ها در یکی از احزاب مدغم شده‌اند، شما این دو حالت را چه‌گونه از یکدیگر تفکیک می‌کنید و در این حالت چه‌گونه تقسیم امتیازات تفکیک شود. البته هم تفکیک و هم تلفیق؟

جواب: نظر ما این است که اقوام افغانستان باید از نگاه شعاع وجودی مشخص گردند؛ البته که نماینده‌های همین اقوام، احزاب‌شان هستند. با این نماینده‌ها اگر طبق شعاع وجودی اقوام‌شان صحبت شود، این مسأله تلفیق شده است و هیچ مشکل هم پیش نمی‌آید. اگر برخلاف واقعیت بیایند، احزاب را مطرح کنند و اقوام را مطرح نکنند، دیده می‌شود که از یک قوم مثلاً شش حزب وجود دارد و از قوم دیگری یک حزب وجود دارد و بعضی از اقوام هم هستند که مستقل‌اند و حزب ندارند پس در این صورت حق این اقوام ضایع می‌شود. از این‌که احزاب یک واقعیت بوده‌اند و هستند و مدت چهارده سال جهاد کرده‌اند، کارهای سیاسی کرده‌اند، باید طبق شعاع وجودی آن‌ها و براساس شعاع وجودی‌شان حق قائل شویم؛ اما اگر تنها احزاب به نام احزاب مطرح باشند که در مدت بیست ماه گذشته مطرح بودند، درست نیست؛ چون یک حزب آن قدر وسعت دارد که تنها شهدای آن از حزب دیگر بیشترند، این ظلم و خلاف عدالت است که هر دوی این دو حزب یکسان مطرح باشند؛ لهذا وقتی اقوام و احزاب تلفیق می‌شوند و حساب می‌شوند که فلان قوم بر فلان حزب مدغم است و نمایندگی آن قوم را حزبش بکند که طبق شعاع وجودی‌اش حق داده شود، این عمل هم عدالت و هم مبتنی بر واقعیت است و هم احزاب اعتراض ندارند و هم اقوام اعتراض نخواهند داشت. ما نمی‌خواهیم برای اقوام و احزاب دو حق بدهیم، یک حق حزبی و دیگر حق قومی، ولی این قومی‌که به حزبی مدغم شده است، باید طبق شعاع وجود آن، برایش حق داده شود.

متأسفانه در بیست ماه گذشته و چهارده سال دوران انقلاب، احزاب طبق شعاع وجودی‌شان

مطرح نشده‌اند و هر حزب بدون ملاحظهٔ نفوس‌شان یک رأی داشتند. در گذشته این پروسه ظالمانه بوده است و ما در آینده می‌خواهیم که دیگر ظالمانه رفتار نشود.

سؤال: استاد محترم جالب بود، از صحبت شما این طور فهمیدیم که اصلاً مسألهٔ قومیت‌ها در این رابطه یک موضوع تکنیکی است؛ یعنی به این خاطر مطرح می‌شود که شعاع وجودی احزاب تثبیت شود پس مسألهٔ قومیت‌ها خود یک بنیاد و اصل نیست، اگر مسأله طوری مطرح شود که احزاب طبق نفوذ و پایگاهی که در بین ملت و جامعه دارند، سهم برای‌شان داده شود، در این صورت شما مسألهٔ قومیت‌ها را منتفی می‌دانید.

این‌که اقوامی وجود دارند که در احزاب مدغم نیستند، در این‌جا جرم از احزاب نیست. وقتی که احزاب می‌خواهند حقوق خود را بگیرند، در پهلوی احزاب، اقوام هم هستند و شما چند لحظه قبل گفتید که جهاد مال همهٔ اقوام افغانستان است. بر این اساس حتماً به شکل مستقیم و غیرمستقیم داخل هستند. اگر در این قسمت معلومات بدهید خوب خواهد بود؟

جواب: در چهارده سال جهاد، مردم افغانستان قبل از احزاب قیام کرده‌اند و معتقدم که این جهاد مال تمام مردم افغانستان است، به خاطر روشن شدن موضوع داستانی را برای‌تان نقل می‌کنم. وقتی در سال ۱۳۵۸ در سمت شمال قیام سراسری به وجود آمد، در آن موقع از هیچ یکی از احزاب نامی وجود نداشت و مردم براساس احساسات اسلامی خویش قیام کردند؛ چون یک حکومت غیراسلامی حاکم شده بود. هنگامی‌که دره‌صوف و چهارکنت آزاد شده بودند و یک سال متواتر مردم بعد از آزادی این مناطق را حفظ کرده بودند، بعداً احزاب پول فرستادند و برای مردم کارت‌هویت توزیع کردند. ما نمی‌توانیم در افغانستان در یک نقطه اثبات کنیم که فلان ملیت و فلان قوم در جهاد سهم نداشتند؛ ولی با چهارده سال عمل کردن غیرعادلانه با بیست ماه که احزاب درست و منطقی عمل نکرده‌اند، این را به صراحت گفته می‌توانیم که بسیاری از اقوام و احزاب در جریان نیستند، اگر بوده‌اند امروز متنفر شده‌اند پس این‌ها که در جهاد سهم داشتند، جوانان خود را قربانی کرده‌اند، مال و دارایی خویش را نثار کرده‌اند، حق دارند که حقوق‌شان در چوکات حکومت تثبیت شود.

سؤال: استاد محترم ما در گذشته هم در این مورد سؤال کرده بودیم که معمولاً در افغانستان ائتلاف‌ها و سازش‌ها کم‌تر مراعات می‌شوند؛ ولی تا جایی‌که مشاهده می‌شود، دوستی و هماهنگی شما و برادر حکمتیار بعد از ایجاد شورای هماهنگی یک تجربهٔ کاملاً جدید است،

اگرچه از مدت آن وقت کمی گذشته است؛ اما از جریانات پیچیده تا هنوز موفق بیرون آمده است و البته تاکنون به نحو خوب تکامل و پیشرفت کرده است، شما امر موفقیت این تجربه را در چه می‌بینید و اگر این روش در افغانستان در نظر گرفته شود تا چه حد خوشبین هستید به حل قضایا؟

جواب: ائتلاف‌هایی که از قبل وجود داشته‌اند، می‌توان گفت که ائتلاف‌های تصوری و ذهنی بوده‌اند، پیش از این‌که جنبهٔ عملی آن تحقق پیدا کند، در دوران چهارده سال، خصلت مردم افغانستان این بود که به جز از روس‌ها که وطن‌شان را اشغال کرده بودند و دشمن مشترک همه بودند، کسی دیگری را دشمن نمی‌دانست و اگر هم در جاهای درگیری‌های داخلی به وجود می‌آمدند، مرد و زن، پیر و جوان همه می‌گفتند که دشمن مشترک ما در خانه وجود دارد و شما در میان خود درگیری می‌کنید؛ لهذا در این‌جا همهٔ ائتلاف‌ها و دوستی‌ها ذهنی بوده‌اند و به اساس کار عملی نبوده‌اند؛ ولی بعد از آن‌که دشمن مشترک از افغانستان بیرون رانده شد و بعد از دوران طولانی که کشمکش‌ها در افغانستان پیش آمدند، مجاهدین با یک‌سری واقعیت‌های عینی جامعه روبه‌رو شدند؛ لهذا رابطه بین ما و حزب اسلامی تا اکنون که جنبش شمال و حضرت صاحب هم کنار آمده‌اند، این‌ها با یک‌سری عینیت‌های جامعه، برداشت‌های جامعه یک‌جا کنار آمدند و آن ذهنیت که هرکسی احساس کند که به تنهایی در افغانستان حکومت می‌تواند و به تنهایی مشکل را حل می‌تواند، احساس نادرست شناخته شده است و اکنون برای تمام مردم افغانستان اثبات شده است که حکومتی به تنهایی امکان ندارد؛ لهذا روی یکسری واقعیت‌ها، ارزش‌ها و تجربیات گذشته، این پیوند به وجود آمده است. ما نسبت به این پیوند خوشبین هستیم و به خاطر وحدت ملی جامعهٔ افغانستان گام بزرگ را برداشتیم و آن کسانی که تا اکنون با این واقعیت‌ها تن نداده‌اند، ما امیدواریم که آن‌ها نیز در آیندهٔ نزدیک درک کنند و به این واقعیت‌ها تن بدهند. روی این موضوع ما موفق می‌شویم که وحدت ملی افغانستان را تحکیم خواهیم کرد.

سؤال: استاد اگر قرار باشد که آقای ربانی استعفا نکند، منتظر چه حوادثی هستید؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است، وقتی که آقای ربانی استعفا نکند در سراسر افغانستان جنگ شعله‌ور خواهد شد و این جنگ ادامه می‌یابد، غیر از خسارات و ضایعات برای مملکت و نابودی سیاسی مملکت چیزی دیگری را در قبال نخواهد داشت.

سؤال: استاد محترم این سؤال را از برادر حکمتیار پرسیدم که تحلیل‌ها طوری بود که اگر سه نیروی قوی جنبش، حزب وحدت و حزب اسلامی با هم یک‌جا باشند در برابر دولت استاد ربانی

شاید به زودترین فرصت تحول به وجود خواهد آید؛ ولی تا هنوز تحول به وجود نیامده است و طرف مقابل هم مقاومت می‌کند، شما این مسأله را چه‌گونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: اگر ایجاد تحول بدین معنی است که حکومت به هم بخورد و حکومت نباشد، این موضوع که حالا هست، آقای ربانی در مقر حکومت نیست و اکنون ایشان در پغمان و کاریزمیر مقر حکومت را تشکیل داده است. بانک‌ها و وزارت‌خانه‌ها را منتقل کرده است که این وضع این معنی را می‌رساند که دولت دیگر وجود ندارد، فقط در ذهن مطرح است. در سراسر افغانستان اکنون ناامنی وجود دارد، مردم شهر کابل را ترک کرده‌اند. باتوجه به این مسأله، این تحول به وجود آمده است؛ اما اگر بدین معنی باشد که از نگاه نظامی طرف نابود شود، این در جنگ غیرممکن است، این طبیعی است که اگر همه یک طرف شوند، یک گروه را از شهر بیرون کرده نمی‌توانند؛ زیرا شهر در کل خراب می‌شود، به خاطر این‌که همهٔ خانه‌ها و کوچه‌ها سنگرند و نظامیان مستقرند و موضوع دیگری که عرض وجود می‌کند، این است که هر قدر در جهت از بین بردن طرف از سوی مردم و نظامیان اقدام صورت گیرد، وقتی که دخالت خارجی وجود داشته باشد و امکانات خارجی در دسترس قرار گیرند، بیرون کردن طرف دشوار است. امروز از نگاه بین‌المللی شما مشاهده می‌کنید که غیر از یکی دو سفارت‌خانهٔ خارجی، دیگر سفارت در مرکز افغانستان وجود ندارد. از نگاه سیاسی برای کسانی که ادعای دولت می‌کنند، این مرگ است و دیگر نمی‌تواند نامش را دولت بگذارد. وقتی هیأت‌های سیاسی فرستاده می‌شوند، هیچ کشوری هیأت را رسمی نمی‌پذیرد. شما می‌دانید که روس‌ها در اشغال نظامی در افغانستان شکست خوردند؛ ولی امروز بدتر از اشغال نظامی در افغانستان عمل می‌کنند، چاپ پول بدون پشتوانه به اقتصاد و اجتماع افغانستان صدمهٔ بزرگی است، در سال ۱۳۷۲ یک‌هزار و دوصد میلیارد افغانی بدون پشتوانه چاپ شده است که این پول فقط از سوی دستگاه آقای ربانی به مصرف رسیده است، شما می‌دانید که در این‌جا چه از نگاه فرهنگی چه از نگاه تشکیلاتی و چه از نگاه آبادانی این پول مصرف نشده است. در صورتی‌که در زمان داوود بودجهٔ سالانهٔ افغانستان سیزده میلیارد افغانی بود، شما حالا مقایسه کنید سیزده میلیارد را با ۱۲۰۰۰ میلیارد که صرفاً برای نظامیان مصرف شده است و دیگر طرف قضیه متکی باشد به مردمش و اقتصاد مردمش و این مقدار پول بدون پشتوانه در میدان جنگ در برابرش مصرف گردد، این معادله است که نمی‌توان آن را مقایسه کرد، غیر از این، اکنون نمایندگان روس مطابق گزارش‌های دقیق که داریم در هفتهٔ گذشته شش

نفر از مستشاران روس در جهت ترمیم طیاره‌های جنگی و سلاح سقیله اقدام کرده‌اند؛ لهذا با این وضعیت از نگاه قدرت نظامی این سه نیرو یک قوت عظیم است و هم در سرنوشت افغانستان تعیین کننده است؛ ولی با این همه مداخلات و وضعیت شهر، معتقدم که شورای هماهنگی موفق شده است و دولت کنونی ساقط است؛ ولی این‌که مقر دولت در پغمان انتقال می‌یابد و از پغمان حکومت‌داری می‌کنند، ضعف دولت را نشان می‌دهد، اگر این‌ها در برابر مردم و جامعهٔ افغانستانی احساس مسئولیت کنند، مذاکره و مفاهمه را با شرایطی عینی جامعه بپذیرند و از لجاجت و جنگ‌جویی دست بردارند، آینده امیدوارکننده خواهد بود.

سؤال: استاد شما می‌دانید که ادارهٔ کابل در قبال فرقهٔ هشتاد سید منصور نادری سیاست دوپهلو دارد، از یک طرف می‌گوید که فرقهٔ هشتاد جزء جنبش است و با آن اعلان جهاد کرده است و از طرفی می‌خواهد این مسأله را با سید منصور نادری از طریق تفاهم حل کند، در این مورد نظر شما چیست؟

جواب: در بیست‌وسه ماه گذشته، مرتب روش جمعیت اسلامی همین‌گونه بوده است، در جنگ‌های گذشته که با ما داشت، مرتب اعلان می‌کرد که ما با یک شاخهٔ حزب وحدت جنگ داریم، نه با مردم حزب وحدت و نه با اکثریت قاطع شورای مرکزی، اکنون هم این موضوع را تبلیغ می‌کنند. دربارهٔ حزب اسلامی هم این گونه تبلیغات می‌کند که با شخص حکمتیار مخالف هستیم و با او جنگ داریم، برادران حزب با ما خوب هستند، با ما رابطه دارند، عین روش را جمعیت تاکنون دنبال کرده است، همین برنامه را در برابر جنبش دارد، مثلاً اعلان می‌کند که در برابر جنبش امر جهاد داده است، این در صورت است که در جنبش تعداد زیادی احزاب جهادی عضویت دارند، فرقهٔ ۸۰ و فرقهٔ ۷۰ هم جزء جنبش‌اند. در قندز جنگ کرده‌اند، در پلخمری جنگ کرده‌اند و همه جا نیروی مشترک دارند؛ ولی در این اواخیر آقای ربانی گفته است که علیه جنبش فتوا نداده است؛ بلکه علیه کمونیست‌ها فتوا داده است. آقای دوستم که کمونیست نیست. این مسأله را در محافل خصوصی خویش گفته است و این یک نوع تاکتیک جمعیت در گذشته و اکنون بوده است؛ ولی واقعیت غیر از این است، امروز با تمام توان با فرقهٔ ۸۰ جنگ دارد و از این‌که مذاکره دارد، البته با تمامی‌جوانب است، با حزب اسلامی جنگ کرده است و هیأت فرستاده نزد حزب تا مذاکره کند و با جنبش هم این‌گونه عمل کرده است. این روش، تاکتیک دیرینهٔشان است، چیزی جدیدی نیست.

سؤال: استاد محترم آن‌ها زیاد تلاش داشتند که حزب وحدت را قانع کنند تا حزب رابطه‌اش را با شورای هماهنگی قطع کند تا جایی‌که اطلاع داریم، از این تلاش‌های‌شان ناامید شده‌اند، شما در این مورد چه نظر دارید؟

جواب: حزب وحدت طرح مشخصی دارد که آن را اعلام کرده است و جنگ را راه‌حل نمی‌داند و هیچ قوم و تنظیم را نمی‌خواهد که توسط زورحذف کند، هرکسی که برای حذف دیگری تلاش کند، حزب وحدت اسلامی آن را غیرمنطقی می‌داند؛ لهذا ما در سال گذشته در دارالامان و افشار با جمعیت جنگ داشتیم، در ارتباط با مذاکره و مفاهمه، کمیسیون داشتیم، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی که با هم جنگ داشتند، آن‌ها هم کمیسیون برای مذاکره داشتند؛ لهذا وقتی موضوع جدیدی در کابل پیش آمد، باز هم کمیسیون دایر کردند. ما حدود چهار و پنج توافق‌نامه برای حل اختلافات مان داشتیم که خسارات افشار، خسارات و تبادلهٔ اسرا را در توافق‌نامه گنجانده بودیم. روی این موضوعات کمیسیون مذاکره کرد و در ارتباط این مسأله، خیال کردند که ما از موضع‌گیری سیاسی که داریم از این مسأله دست می‌کشیم، در صورتی‌که مبنای موضع‌گیری سیاسی ما اصولی و حقوقی است. این‌که در جهاد برای آزادی افغانستان همه مردم سهم دارند و داشتند و همه حق دارند و حقوق هرکس باید داده شود و در بیست‌وسه ماه گذشته آقای ربانی انحصاری عمل کرده است، غیرعادلانه عمل کرده است که مورد پذیرش هیچ حزب و ملت افغانستان نبوده و نیست. شرایط افغانستان هم طوری است که یک قوم و تنظیم نمی‌تواند به تنهایی حکومت کند، این‌ها مطابق توافق‌نامه‌های اسلام‌آباد و جلال‌آباد عمل نکردند که به تکرار مسأله را بیان کردیم. طرح ما روی یک‌سری اصول، روی عدالت اجتماعی و روی یک‌سری اهداف حزب وحدت است. آن‌ها شاید خیال می‌کردند در مذاکره و نشست‌ها حزب وحدت از مبنای اصولی خویش می‌گذرد؛ اما فلسفهٔ که مطابق آن حزب وحدت اسلامی به وجود آمده است، عدالت اجتماعی و حاکمیت اسلامی فراگیر است که حقوق همهٔ ملیت‌ها را در نظر گرفته شود و ما از این اصل هیچ‌وقت نمی‌گذریم. در یکی از صحبت‌های قبلی خود این مسأله را روشن کردم که در بیست‌وسه ماه گذشته، آقای ربانی انحصارطلبی و بی‌عدالتی کرده است، ما علیه او موضع داریم. اگر روزی کسی دیگر بیاید از احزاب دیگر همین مسأله را دنبال کند، باز ما علیه او همین موضع را اتخاذ می‌کنیم. این یک موضوع اصولی، اساسی و زیربنایی ما است که ما نمی‌گذاریم بی‌عدالتی حاکم شود. کسی خیال نکند که اگر اکنون ما علیه حکومت ربانی هستیم،

حتماً طرفدار آقای حکمتیار هستیم. آقای حکمتیار انحصارطلبی نکرده است. او هم حکومت عادلانه و فراگیر می‌خواهد، ما هم می‌خواهیم، جنبش این کار را نکرده است، فرضاً مولوی صاحب خالص در حکومت شرکت نکرده است، اگر ایشان روزی جای آقای ربانی را بگیرد و انحصارطلبی کند، ما علیه او ایستاد می‌شویم، حتی اگر شورای‌هماهنگی بیاید این موضوع را مطرح کند، انحصارگری کند، بودجه را اختصاص به نظامی‌های خود بدهد و کل ادارات را برای خود بگیرد و دیگران را حقوق ندهد، ما که عضو شورای‌هماهنگی هستیم، در این صورت علیه شورای هماهنگی می‌شویم و علیه آن‌ها ایستادگی می‌کنیم. این موضع اصولی ما است و خیال و خواب آن‌ها بی‌جا است.

سؤال: استاد، بیرون یک ذهنیت است که شما با حزب وحدت چون به عنوان محور اهل تشیع مطرح هستید، بر این اساس شیخ محمدآصف محسنی صاحب که عضو فعال سیاسی و جهادی ما بودند، آهسته آهسته کناره‌گیری می‌کنند و از طرف دیگر آقای ربانی، سیاف و شورای‌نظار از طریق بعضی از قوماندان آن‌ها، برای ما مشکلات ایجاد می‌کنند، این مسائل تا چه حد واقعیت دارد؟

جواب: حزب وحدت اسلامی برای این تشکیل شد که اختلافات کم شود، تعصبات کم گردد، روی این مبنا در سال ۱۳۶۸ این مسأله به وجود آمد، اول مبنای حزب این بود که گروه‌های شیعه را یک‌جا جمع کند، بعد برود سراغ برادران اهل‌سنت در پاکستان قبل از آن‌که دولت سقوط کند، با آن‌ها به وحدت نظر کلی برسد، در حدود نه تنظیم از مردم شیعه بودند، آن‌ها جمع شدند و به حزب وحدت اسلامی مدغم شدند، از جملهٔ آن‌ها، حرکت اسلامی در این جریان حضور داشت، از هژده نفر شورای مرکزی حرکت اسلامی، سیزده نفر آن‌ها میثاق وحدت را امضا کردند. آقای جاوید با دو نفر از شورای مرکزی حرکت اسلامی به نمایندگی از آقای محسنی آمدند، پای میثاق وحدت را امضا کردند. متأسفانه وقتی که در خارج رفتند، آقای محسنی اولین شرطی که داشت این بود که بدون قیدوشرط وحدت باید به وجود بیاید، در وحدت کسی شرط نگذارد، پیش از آن ما یک تعداد شرایط داشتیم، این‌که گروه‌ها تصفیه شوند، بعضی مسائل دیگر، آن‌ها روی این مسأله پافشاری کردند، وقتی که آمدیم و روس‌ها را شکست دادیم، از کشور بیرون کردیم، ضرورت برای هماهنگی، دولت‌سازی، جای‌گزین کردن دولت الحادی تا این بدبختی‌ها به وجود نیاید، در قدم نخست وقتی احزاب تشیع را جمع کردیم، این مسأله را مطرح کردیم،

آن‌ها آمدند و قبول کردند. بعد از آن‌که هیأت ما در خارج رفتند که وحدت را ابلاغ کنند، آقای محسنی در این هنگام یک تعداد شرایط را مطرح کرد و حزب وحدت آن شرط‌ها را بعد از مدت طولانی پذیرفت؛ ولی آقای محسنی در وحدت نیامد، تعداد زیادی از اعضای حرکت اسلامی در حزب وحدت آمدند که تا به حال هستند. با این تشکیل، موفق شدیم هشتاد درصد مردم شیعه را در حزب مدغم کنیم و گرد هم جمع کنیم؛ ولی آقای محسنی نیامد. ما پس از آن هیأت فرستادیم تا در پیشاور مذاکره کنند. من هم بودم. بیست‌وهفت روز در پیشاور ماندیم تا برای وحدت‌نظر مذاکره کنیم که باید حقوق مردم شیعه در هر چوکات حکومتی که تشکیل می‌شود، در نظر گرفته شود. متأسفانه در بیست‌وهفت روز موفق به توافق نشدیم. پس از آن دوباره به داخل کشور برگشتم. وقتی داخل کشور شدم. در حدود ده هیأت تعیین کردیم تا با قوماندانان جهادی پس از گفتگو تفاهم کنند؛ چون از خارج مأیوس شده بودم، نزد استاد فرید، مسعود، انجنیر مهدی رفتم و در ولایات میدان و غور و سایر ولایات هیأت فرستادیم تا با مسئولین تفاهم صورت گیرد که اگر در آن زمان روی یک اصول توافق صورت می‌گرفت، این بدبختی‌ها پیش نمی‌آمد و جهاد مردم افغانستان زیر سؤال نمی‌رفت و اکنون که در وضعیت فعلی قرار داریم، طبیعی است که حجم شعاع وجودی حزب وحدت زیاد است؛ یعنی از احزاب عمده است، نه تنها از برادران تشیع، بلکه از برادران تسنن هم عضو حزب وحدت‌اند، حزب را روی انگیزهٔ مذهبی نمی‌شود تشکیل داد و از طرف دیگر دو حزب اختلاف مواضع و نظر دارند، درست است که بخش عمدهٔ هر دو حزب را اهل تشیع تشکیل می‌دهد و مذهب و فرهنگ مردم شیعه یکی است؛ ولی از نگاه سیاسی دو حزب است. ما عضو شورای هماهنگی هستیم و شورای هماهنگی را قبول داریم و آن‌ها از موضع آقای ربانی حمایت می‌کنند.

سؤال: شما اشاره به تلاش‌هایی کردید که برای هماهنگی احزاب جهادی به خاطر سرنگونی رژیم سابق انجام دادید، آیا این تلاش‌ها به حرکتی که از شمال آغاز شد، با همکاری شورای‌نظار، جنبش و بعضی نیروهای دیگری که از داخل رژیم در ارتباط بودند، ارتباط دارد؟

جواب: بله، یعنی قبل از آن‌که اختلافات رخ دهد، ما هیأت نزد آقای مسعود و فرید فرستادیم و هیأت دیگری به سمت شمال و سایر ولایات فرستادیم و در جوزجان بود که جنرال‌های جنبش با حزب وحدت اسلامی تماس گرفتند که ما با نجیب ارتباط خود را به هم زده‌ایم و اگر شما از ما حمایت کنید، ما نجیب را سرنگون می‌کنیم و در آن وقت شورای ولایتی ما در شولگره بود،

آن‌ها به شورای ولایتی ما تماس گرفته بودند، پس از آن، شورای مرکزی ما روی این موضوع بحث کردند، ما در این‌جا با قوماندانانی که در ارتباط بودیم و برای هماهنگی و انسجام کار می‌کردیم، آنان را در جریان گذاشتیم و گفتیم که این کار، کار خوبی است، باید ما و شما هماهنگ شویم؛ لهذا در این هنگام توافق دیگران را گرفتیم و اولین شورای نظامی را در شمال قبل از سقوط رژیم تشکیل دادیم که همهٔ نیروهای جهادی در این تشکیل مهم سهم داشتند. فقط در سقوط مزار تنها حزب وحدت اسلامی بود که وارد عمل شد و شهید داد. بعد از آن بنا شد که جلسهٔ بعدی در پلخمری تشکیل شود. بعضی موانعی ایجاد شده بود؛ لذا در چاریکار این جلسه تشکیل شد. در این‌جا، هماهنگی کامل مجاهدین سمت شمال به وجود آمد و شورای جهادی تشکیل شد. ما در آن سفر، در پاکستان هیأت فرستادیم و در نتیجه از آن‌جا مأیوس شدیم. سپس در حدود ده هیأت به مناطق مجاهدین داخل فرستادیم و نظر ما این بود که باید در داخل یک هماهنگی همه‌جانبه بین مجاهدین به وجود بیاید و یک ادارهٔ قوی به وجود آید و اردوی افغانستان متلاشی نشود (که اردو تأمین‌کنندهٔ تمامیت ارضی افغانستان است و مهم‌ترین ضربه‌ای که به مردم افغانستان وارد آمد، متلاشی شدن اردو بود)، پس از آن به رهبران گفته شود که انتخابات فراگیر را برنامه‌ریزی کنند و خود را کاندیدا کنند. آقای مسعود تخلف کرد و با مواد توافق‌نامه عمل نکرد. به آقای ربانی خبر داد که وقتی دولت تشکیل داده‌اید، به داخل بیایید. پس از آن یک دولت دو ماهه تشکیل دادند و یک دولت چهار ماهه که موفق نبودند؛ چون همه در آن نبودند و خود را پیدا نمی‌کردند. در میان ما مرسوم است وقتی برای چرانیدن گوسفندان چوپان می‌گیرند، از یک‌سال کم‌تر چوپان نمی‌گیرند، می‌گویند کم‌تر از یک‌سال، چوپان نمی‌تواند گوسفندان را اداره کند.

ولی برای مردمی‌که چهارده سال مبارزهٔ مسلحانه کردند، اتحاد جماهیر شوروی را متلاشی کردند و از خاک‌شان بیرون کردند، زعیم دو ماهه و چهار ماهه تعیین کردند. آن‌ها هم انحصارگرایی و خودسری کردند و مشکلات از همین جا آغاز گردید و این بدبختی‌ها پیش آمد. اردو متلاشی شد. بنیادهای اقتصادی افغانستان از بین رفت و شهر کابل به مخروبه تبدیل گردید. شما شاهد بودید که در مدت دو سال گذشته بیش از بیست‌وپنج جنگ به وجود آمد.

سؤال: استاد محترم اگر توضیح بدهید که حرف‌ها و طرح‌های شما در پیشاور با چه برخوردها و استدلال‌هایی مواجه شدند؟

جواب: وقتی به پیشاور رفتیم، در آن‌جا دو دسته وجود داشت، یک دسته با دولت‌موقت

خوشبین بودند و دیگری برخلاف ما، با هر دو طرف مذاکرده کردیم، ما طرح انتخابات را مطرح کردیم و به برادران گفتیم که شما بیایید هر راه‌حلی که همه روی آن توافق کردند و حقوق حقهٔ مردم در نظر گرفته شد، همان را پیاده کنیم و شورای انقلابی تشکیل بدهیم. شورای قوماندانان به وجود آید، مجلس اسلامی شکل بگیرد تا حقوق مردم در آن در نظر گرفته شود، ما برای این‌ها حاضر و آماده‌ایم. برادران مقیم پاکستان این مسأله را قبول نداشتند و می‌گفتند که ما یک دولت‌موقت را در این‌جا تشکیل داده‌ایم. شما هم بیایید در این دولت سهم بگیرید. آقای حکمتیار می‌گفت این دولت تشکیل شده ارزش ندارد و باعث اختلافات می‌گردد. بیایید ما و شما یک شورای انقلابی تشکیل دهیم. نیروها را هماهنگ کنیم و بعداً دولت را تشکیل بدهیم. روی این مسائل بیست‌وهفت روز با آن‌ها مذاکره داشتیم؛ اما آن‌ها قناعت نکردند. گفتیم توافق‌نامه‌هایی را که حضرت صاحب با شورای ائتلاف قبلاً امضا کرده است، همان را عملی کنیم. دولت‌موقت که از قبل بود و اکنون فقط نامی از آن باقی است، بیایید با همین دولت هماهنگ شویم و حقوق مردم را در نظر بگیریم. حقوق مردم و همین طور حقوق زنان داده شود و برای آنان در چوکات حکومت و ادارات سهم در نظر گرفته شود. در همین روزها، بعضی‌ها نظر داشتند که باید ظاهرشاه در دولت شرکت کند. مولوی خالص صاحب در یکی از جلسه‌ها می‌گفت که ظاهرشاه کافر است و عامل تمامی مسائل گذشته و جاری کشور ایشان است و او نمی‌تواند در آیندهٔ افغانستان نقش داشته باشد. به ایشان گفتم که ما هیچ‌وقت نگفته‌ایم ظاهرشاه حق به جانب است، از اول ظاهرشاه را رد می‌کردیم و رد می‌کنیم، شما مأمور ظاهرشاه بودید. چگونه او را رد می‌کنید. بعداً گفتند که شما می‌خواهید برای زنان در دولت و انتخابات بعدی حق بدهید؟ ما گفتیم ما دلیل داریم، دین مقدس اسلام، دین پویایی است که از حدود ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون حرف جدی و اصولی برای گفتن دارد، دعوت به زندگی انسانی می‌کند، تمام مردم را یکسان می‌داند و حقوق‌شان را مشخص کرده است؛ چه زن باشد چه مرد و اسلام دستورات اصولی دارد، دستورات و فرمایشات اسلام مخصوص کسی و در گفتار و کردار فلان مولوی و ملا نیست که او بگوید فلان مطلب شرعی است و فلان مطلب شرعی نیست. بیایید بحث کنیم، ایشان دیگر دلیل نداشتند. گفتند زن‌ها بدون حجاب هستند. گفتم خوب است. زن‌های با حجاب بیایند. حجاب در اسلام است، ما آن را انکار نمی‌توانیم. احادیث فراوان در مورد حجاب زن وجود دارد که زن باید با حجاب باشد. این‌که زن بی‌حجابی کرد، باید به او گفته شود؛ اما یک زن اگر با حجاب باشد، چرا حق

او را ضایع می‌کنید و با این عمل در دنیا معرفی می‌کنید که اسلام منطق ندارد. عدالت ندارد. عدالت‌اجتماعی را رعایت نمی‌کند و حقوق‌بشر را پا مال می‌کند. این‌ها موانعی بودند که در بحث‌های ما وجود داشت و مذاکرات ما با برادران نتیجه نداد. ما زیاد اصرار کردیم؛ اما سودی نبخشید. حتی آقای حکمتیار آقای جریر را دنبال من فرستاد که باید در ضیافت‌شان شرکت کنم. گفتم شرطش آن است که بیایید با برادران مذاکره کنید؛ یعنی با این شش تنظیم که دولت‌موقت را تشکیل داده‌اند، مذاکره کنید، آن وقت ما ضیافت شما را می‌پذیریم. آقای حکمتیار این مسأله را پذیرفت. گفت حاضرم با آن‌ها مذاکره کنم. در یکی از دفاتر و یا خانه‌های‌شان، اما در مقر ریاست جمهوری و صدراعظمی نمی‌شود؛ چون دولت را قبول نداریم و مذاکره هم نمی‌کنیم. این مسائل بود که بیست‌وهفت روز در پاکستان ماندیم و بدون نتیجه برگشتیم و در داخل شروع به هیأت فرستادن کردیم، ده هیأت در مناطق مختلف فرستادیم، با قوماندانان مذاکره و مفاهمه کردیم.

سؤال: استاد باتوجه به هیأت‌هایی که شما فرستادید و این حرکت‌هایی که به وجود آمد، یک نقص بارز داشت که در آن نماینده‌های سمت‌های مختلف افغانستان وجود نداشت و تنها از یک سمت شرکت داشتند که بعداً پیچیدگی‌هایی به وجود آوردند و این حرکت به‌نام حرکت سمت‌پرستی محکوم شد و شما چرا نتوانستید این نقص را برطرف بکنید؟

جواب: ما در بیشتر مناطق افغانستان هیأت فرستاده بودیم، منتهی تحول از یک منطقه شروع شد. ما هیأت در هرات، غور، غزنی، میدان و پروان فرستادیم و این هیأت‌های ما برای این نبود که جنرال‌های کدام مناطق با ما یک‌جا شوند؛ بلکه برای این بود که قوماندانان هماهنگ شوند، از داخل منسجم عمل کنیم تا حکومت ساقط شود و یک حکومت اسلامی به وجود بیاید، منتهی قبل از آن‌که هیأت در تفاهم با تمامی ولایات برسند، در شمال یک قضیه به وجود آمد که مردم ولایات هرات، غزنی، خوست، قندهار و دیگر ولایات در قضیهٔ شمال هماهنگ نبودند. منتها در سقوط شهر کابل توافق ما برای این بود که نظم به هم نخورد. کابل خراب نشود. سرمایه‌های مردم به غارت نرود؛ ولی برای فراهم‌کردن زمینهٔ انتخابات باید یک دولت موقت تشکیل شود و از این توافق‌نامه مسعود تخلف کرد و بعد مسأله را رهبران خراب کردند که حکومت‌های دو ماهه و چهار ماهه تشکیل دادند. بر این اساس فجایع فراوان به وجود آمد. همین جنرالان و مجاهدین خاص بودند که بدون هماهنگی با دیگران آمدند، کابل را تصرف کردند. در این حال اگر اردو به قوت خود باقی می‌ماند، جنگ صورت نمی‌گرفت و بدبختی‌ها به وجود نمی‌آمد و

به اوج خودش نمی‌رسید. در پناه امنیت انتخابات دایر می‌شد. آیا این عملکردها خوب بود و یا اکنون که شهر کابل در اثر جنگ‌ها به ویرانه‌ای تبدیل شده است. امروز هیچ توانی وجود ندارد که این همه سلاح‌های ثقیله را از مرکز شهر بیرون ببرد و یا منهدم کند. چنین بود این فاجعه‌ها به بار آمد و مردم افغانستان دچار سخت‌ترین مشکلات شدند. طبیعی است که وقت تصمیم‌گیری‌ها غیرمعقول و غیرعادلانه باشد. چنین فجایع را به دنبال خواهد داشت.

طرح ما آن نبود که سمت شمال به تنهایی حکومت کند و دیگران را نادیده بگیرد و زمینهٔ انتخابات را فراهم نکند. این مسائل در فکر ما بودند. در این حال آقای مسعود فرصت‌طلبی کرد، در توافق‌نامه‌ای که در حدود بیست نفر توافق کرده بودند و در میان این بیست نفر نماینده‌های بیشتر اقوام وجود داشت و همهٔ احزاب جهادی شرکت کرده بودند، آقای مسعود همه را فریب داد. آقای مسعود برای حضرت صاحب اصرار می‌کرد تا زود دولت را تشکیل بدهد. خودش هم جرئت نداشت که داخل کابل شود. برای حضرت صاحب اصرار می‌کرد تا ایشان اول داخل شهر کابل شود. در توافق‌نامه، فیصله شده بود که تا دو ماه نباید شورای قیادی دایر شود، وقتی دیدند در شهر امنیت است، کسی، کسی دیگری را نمی‌کشد، در هفتهٔ دوم شورای قیادی را تشکیل دادند. آقای ربانی آمد رئیس شورای قیادی شد و بعد شروع کرد به انتصاب افرادش و حضرت صاحب مشکل حزب وحدت اسلامی را حل کرد و با سایر تنظیم‌ها هم مشکلات را تا جایی حل کرده بود و می‌خواست زمینهٔ انتخابات را فراهم کند که بعداً این فجایع به وقوع پیوست.

سؤال: مسعود چه‌گونه توانست که این امتیازات فراوان را در انحصار خود بیاورد با وجودی که در کابل قوت بسیار محدودی داشت رمز این مسأله در چیست؟

جواب: رمز مسأله در این است که وقتی جنبش به وجود آمد، بسیاری مناطق مربوط جنبش شدند. جنبش از تبلیغاتی که در خارج می‌شد، یک مقدار ناآرام بود؛ چون آن روز با چهارده سال جهاد کسی این موضوع را قبول نمی‌توانست که از جنبش حمایت بکند و جنبش را رسمیت بدهد و جنبش مستقل عمل کند. طبعاً هرکسی می‌گفت که فلان جنرال به فلان کس تسلیم شده است. مسعود روزی که در مزار آمد. مزار در دست حزب وحدت سقوط کرده بود؛ اما این حرف را که مزار سقوط کرده است، جمعیت تکذیب می‌کرد. در حالی که شهر مزار شریف سقوط کرده بود و ما شهید داده بودیم و شهر را تصرف کرده بودیم، روی این موضوع آقای مسعود در چاریکار آمد. یک زدوبند خصوصی را شروع کرد. طبق توافق‌نامهٔ شورای جهادی در سمت شمال، مسعود

مسئول تعیین شده بود. معاون آن از حزب وحدت اسلامی، آقای محقق بود و مسئول نظامی آن جنرال دوستم تعیین شده بود؛ ولی در زدوبند خصوصی معاونت شورا را به جنرال دوستم داده بود که در این اخیر جنرال دوستم آن اسناد را افشا کرد. البته آقای جنرال دوستم را قناعت داده بود برای این‌که ما و شما در کنار دولت باشیم و اگر ما رهبران را به یک مشکل وارد کابل نسازیم، همه علیه ما و شما قیام می‌کنند و ما و شما را از صحنه بیرون می‌کنند. شما با دولت سابق کار می‌کردید و من را هم متهم می‌سازند؛ لهذا صلاح این است که ما بگوییم رهبران بیایند دولت را تشکیل دهند و ما و شما قدرت خویش را تحکیم کنیم. حزب وحدت را هم در جریان نمی‌گذاریم، آن‌ها در بامیان هستند. راه را هم به روی‌شان می‌بندیم که طبق پلان، راه میدان شهر را مسدود کردند، وضعیت به این شکل پیش آمد و رهبران بعداً حکومت‌های دو ماهه و چهار ماهه را تشکیل دادند؛ چون قبلاً در ولایت حضرت صاحب با مسعود نشست کرده بود و برای حضرت صاحب قول داده بود که من در آینده از تو حمایت می‌کنم، من قوماندان نظامی هستم و به آقای ربانی معتقد نیستم. حضرت صاحب خیال کرده بود که توان نظامی از این‌ها است، جنبش هم به سوی من تکیه دارد، ازاین‌رو، من رئیس جمهور دائمی‌هستم. حضرت صاحب به این خیال آمده بود و او فکر نمی‌کرد که برای دو ماه باقی می‌ماند. بعداً آقای مسعود وقتی در شهر کابل وارد می‌شود، می‌گوید اگر حضرت صاحب مرا اجاز می‌دهد، وارد کابل می‌گردم و اگر اجازه نمی‌دهد، وارد نمی‌شوم. این مطلب را تمام رادیوهای جهان منعکس کردند؛ اما وقتی که حضرت صاحب خواست پیام خود را از طریق رادیو و تلویزیون ایراد کند، نگذاشتند. برادر و افراد حضرت را خلع سلاح کردند، در نتیجه در این جریان آقای مسعود پیش‌دستی کرد و رهبران و احزاب را اغفال کرد، از این طریق مشهور گردید و مشرعیت را هم از ربانی گرفت و هم از حضرت صاحب که بعداً فاجعه‌ها به بار آمد.

در اول آقای مسعود قوی نبود، بعداً پول و امکانات فراوان در دست او افتاد و تمام سرمایه‌های ملی افغانستان را غصب کرد.

سؤال: استاد محترم، سال گذشته در یکی از مصاحبه‌ها شما عامل دیگری هم ذکر گردیده بودید و آن این بود که مسعود از یک طرف با جنبش حرف از همکاری می‌زد که جنبش شما را در جریان گذاشته بود و از طرف دیگر با فرید مزدک، کاویانی و نبی‌عظیمی مسایل خصوصی گرفتن غیرقانونی کابل را در میان گذشته بود؟

جواب: بله این هم بود؛ یعنی در همان وقتی که با ما توافق کرده بود، با ما قطعنامه امضا کرده بود که مشترکاً عمل کنیم در همان وقت عبدالوکیل در پنجشیر رفته بود و با او مذاکره کرده بود. مناطق نظامی را پیشنهاد کردیم که برای ما داده شود، داده نشد و آن مناطقی را که ما به زور گرفته بودیم، در دست ما بود. آقای مسعود با جنبش طور دیگری صحبت کرده بود و با ما طور دیگر مذاکره کرده بود و با جنرالان که در کابل از رژیم سابق بر سر قدرت بودند، طور دیگری صحبت کرده بود.

لهذا شما شاهد این موضوع بودید که تا بسیار مدت آصف دلاور در این کار مصروفیت داشت که بعد از مرور زمان آن‌ها را هم فریب داد و از صحنه بیرون کرد. این بود جریان فریبکاری‌های مسعود که بعداً فجایع زیادی را به بار آورد.

سؤال: استاد محترم، شما از حرکت شمال گفتید و اما علت این‌که شما نتوانستید با حکمتیار در تماس شوید و در همان گرماگرم قضیه همین طرح را که شما ارائه کرده بودید، برای حکمتیار مطرح می‌کردید، چه بود در حالی‌که مسعود توانست با حکمتیار در تماس شود ولو به موافقه نرسیدند؟

جواب: این موضع ناشی است از یک برخورد استاد فرید، ما پیش از حرکت شمال که هیأت‌های خویش را فرستادیم، اولین هیأت خود را در نزد استاد فرید فرستادیم و بعداً هیأت دوم را در نزد مسعود فرستادیم و استاد فرید با هیأت ما بسیار بد برخورد کرد و بسیار زیاد هیأت ما را سرگردان کرد، با هیأت مذاکره نکرد و اولین حرف او با ما این بود که شما وابسته به ایران هستید و برای این موضوع دلیل هم می‌آورد که ایران مخالف برادران اهل تسنن است. ما گفتیم چه دلیلی دارید که ایران مخالف برادران تسنن است، در پاسخ می‌گفت که ابوشریف از اهل تسنن است و از ایران فرار کرده آمده و اکنون در کنار حزب اسلامی است و هیأت ما با لبخند گفته بود که نه خیر، ابوشریف هم شیعه است و او مخالف نظام ایران است که آمده در کنار شما است و مسلماً هر نظامی مخالف دارد و ما هیچ ارتباط به ایران نداریم، ما افغانستانی هستیم، اگر بنا باشد که شما ما را بگویید که وابسته به ایران هستید، ما شما را می‌گوییم که شما وابسته به پاکستان هستید؛ ولی ما آمده‌ایم تا مشکل افغانستان را با شما حل کنیم. روی این موضوع با هیأت برخورد ناشایسته کرده بود و بعداً هیأت ما در نزد آقای مسعود رفت و آقای مسعود بسیار گرم برخورد کرد و توافق‌نامه امضا کرد و حتی در جریان مذاکره با استاد فرید وی با آقای حکمتیار در تماس بود و

مرتب با دستگاه بی‌سیم مسائل را گزارش می‌داد و از این جهت ما آن روز مأیوس شدیم و دیگر تماس نگرفتیم.

سؤال: استاد محترم، تبلیغاتی از طرف مقابل در بعضی از نشریه‌ها در پاکستان به چاپ رسیده است، آن‌ها این طور تبلیغ می‌کنند که حزب وحدت اسلامی در رابطه به موضع گیری‌های که در مورد ادارهٔ ربانی می‌گیرد، تصمیم همگانی نیست؟

جواب: این موضوع را ما در مصاحبهٔ‌های قبلی پاسخ دادیم که ما در مدت بیست‌وسه ماه گذشته اثبات کردیم که حزب وحدت اسلامی منسجم‌ترین حزب است و مردم آن حمایت همه‌جانبهٔ خود را از این حزب دارند و این حزب هم مطابق خواست‌های مردمش حرکت می‌کند تا به اکنون یک مورد هم وجود ندارد که وجود دو دستگی در میان حزب وحدت اسلامی را به اثبات برساند، در صورتی‌که طرف جمعیت اسلامی در میان خود جنگ‌های مسلحانه کرده‌اند و هر توافق‌نامه‌ای که از سوی ربانی امضاء می‌شود، از طرف بعضی قوماندانان جمعیت رد می‌گردد؛ اما این مسأله را هیچ‌وقت نگفتیم در میان جمعیت دو دستگی وجود دارد. ما همیشه گفتیم که حزب وحددت اسلامی حزبی است که هم از نگاه سیاسی و هم نظامی دو دستگی در میانش وجود ندارد و نخواهد داشت. حزب وحدت اسلامی دو شورا دارد، یکی شورای مرکزی و دیگری شورای عالی نظارت و این شوراها مسائل جاری کشور را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و بعداً در مورد تصمیم اتخاذ می‌کنند و در بعضی از مذاکرات نمایندگان خویش را می‌فرستد و نمایندگان این حزب توافق‌نامه‌ای را امضا می‌کنند، تمامی مسئولین این حزب در پای آن می‌ایستند. شما دیدید که در جلسه‌های جلال‌آباد و اسلام‌آباد نمایندهٔ حزب وحدت اسلامی شرکت کرد و پای توافق‌نامه‌ها را امضا کرد، در حالی که خواست ما تحقق پیدا نکرده بود و با آن هم تمامی مسئولین حزب وحدت اسلامی در پای آن استاده بودند و تا حالا هم ایستاده‌ایم و گفتیم که نمایندهٔ ما امضا کرده است، آن را می‌پذیریم. پنج وزارت‌خانه‌ای که باید شورایی اداره می‌شد، تنها وازت‌خانه‌ای که این موضوع را عمل کرد، وزارت مالیه بود که متأسفانه پولی که در وزارت مالیه وارد می‌گردید که باید نماینده‌های احزاب در مورد آن تصمیم بگیرند، وارد نمی‌گردید و آن پول‌ها به بودجهٔ شخصی انتقال می‌یافت که می‌توان گفت هیچ وزارت‌خانه این مسأله را عمل نکرد، در صورتی‌که ما با آن توافق‌نامه راضی نبودیم و از روز اول هم ملاحظات خود را اعلام کردیم.

سؤال: استاد محترم اگر در این مورد توضیح بدهید که در شورای هماهنگی روی کدام

موضوعات مشترکاً توافق صورت گرفته‌اند و کدام جزئیات مطرح شده‌اند که به شکل قرارداد آورده شده باشند که یک لایحهٔ عمل برای موضع‌گیری‌ها و اقدام سیاسی در آینده باشند؟

جواب: وقت آن نرسیده است که جزئیات این موضع افشا شوند؛ ولی آن‌چه مورد توافق همه است، این است که شورای هماهنگی روی یک انگیزهٔ ملی حرکت می‌کند و برای یک ضرورت ایجاد شده است که صلح تأمین شود. برای اعضای آن قدرت‌طلبی و انحصارطلبی وجود ندارد؛ لهذا برای محوری بودن حضرت صاحب توافق صورت گرفته است که حضرت صاحب یک آدم خوبی است، هم در داخل و هم در خارج مشهور است و مورد قبول تمامی مردم افغانستان است و هیچ‌کس با او مخالفت کرده نمی‌تواند و دیگران این خصوصیت را ندارند. بعضی از آن‌ها در مناطق افغانستان رفته نمی‌توانند، شورای هماهنگی روی منافع مردم قیام کرده است تا حسن‌نیت خویش را نسبت به مردم افغانستان و تأمین عدالت و امنیت ابراز کند. روی مسألهٔ زعامت آیندهٔ شورای هماهنگی توافق کرده است و آقای حضرت صاحب را مرد خدمتگار و صادق تشخیص داده است و امیدواریم که زیر نظر حضرت صاحب یک انتخابات عادلانه برگزار شود و برای مردم افغانستان حق داده شود که مردم سرنوشت‌شان را خودشان تعیین کنند.

سؤال: قرار بود که استاد توانا در شورای هماهنگی بیاید و به این لحاظ یک خلایی که از مسائل قومی عنوان می‌شود، رفع گردد؛ ولی تا هنوز توانا صاحب شرکت نکرده است، حتما با شما در ارتباط است. مشکلات ایشان چیست؟

جواب: معتقدم بعد از آن‌که استاد توانا مواضع خود را اعلام داشت و مخالفت خود را با جمعیت ابراز کرد، با ایشان تلفونی تماس گرفتم، ایشان از مواضع شورای هماهنگی حمایت می‌کرد و وعده کرد، در شورای هماهنگی بیاید. فکر می‌کنم روی مشکلات ترانسپورتی و ناامنی راه‌ها ایشان نتوانسته است که بیاید. راه هوایی هم غیرممکن است. شاید مشکل راه باشد. وقتی با من صحبت کرد، هیچ مشکل دیگری را مطرح نکرد.

سؤال: استاد محترم، در این روزها تحولات جدیدی در جهان پیش‌بینی می‌شود که یک انقلاب جدیدی در جهان صورت می‌گیرد و مسألهٔ روسیه یک سلسله ذهنیت‌های جدیدی را به وجود آورده است، خصوصاً مورد توجه دنیا قرار گرفته است، شما این موضوع را چه‌گونه بررسی می‌کنید.

جواب: این موضوع انگیزه‌های مختلف دارد. یک تعداد کشورهای همسایه در تلاش‌اند در

مرزهای‌شان امنیت را تأمین کنند و می‌خواهند که در همسایگی خویش کشور با ثبات داشته باشند. اکنون که آسیای‌میانه استقلال خود را در دست گرفته است و یا این‌که نیمه استقلالی دارند و از نگاه تجارتی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت کرده‌اند و راه آسیای‌میانه از افغانستان است، از این جهت در تلاش‌اند تا یک حکومت مقتدر در افغانسان به وجود بیاید، وقتی امنیت نباشد، ثبات نباشد و مرزهای‌شان ناامن باشند، کاری نمی‌شود. روی این موضوعات تلاش‌ها جریان دارد و یک سلسله موضوعاتی که در دنیای غرب وجود دارند، آن‌ها زیادتر از اسلام و حکومت اسلامی وحشت دارند و آن‌ها نمی‌خواهند کسانی که اسلام را می‌خواهند در افغانستان حاکمیت را در دست بگیرند. روی این مسأله تلاش می‌کنند تا در قضیه دخالت کنند و یا حکومت مورد قبول آنان حاکم گردد که برای‌شان ضرر نداشته باشد تا مطمئن گردند. روی این مسأله گرایش‌های مختلف در افغانستان وجود دارد.

سؤال: شورای‌نظار ظاهراً بر ضد ببرک کارمل تبلیغات می‌کند؛ ولی تا جایی که من در شمال و با جنرال دوستم مسأله را در میان گذاشتم، گفته شد که گروه ببرک کارمل فعالیت شدید دارد، در ادارهٔ آقای ربانی و شورای‌نظار و خاصتاً در جهت ایجاد و انکشاف روابط خوب شورای‌نظار و آقای ربانی با مسکو، شما این موضوع را چه‌گونه بررسی می‌کنید که آن‌ها از یک‌سو تبلیغات می‌کنند و از سوی دیگر اصل موضوع در میان خودشان وجود دارد؟

جواب: شما در بیست‌وسه ماه گذشته دیدید که تبلیغات چیزی است و عمل چیزی دیگری است؛ یعنی هیچ وقتی کسی روی تبلیغات حساب کرده نمی‌تواند. آقای مسعود از اول با گروه کارمل راه‌سازی کرده بود و از اول قدرت را این گروه به آقای مسعود انتقال داده بود، نه این‌که برای جنرال دوستم تحویل داده باشد. جنرال دوستم یک مقدار قوت در سمت شمال داشت که مزار را آزاد کرد و کابل وقتی به مسعود تحویل داده شد، گروه ببرک کارمل تحویل دادند؛ زیرا آقای مسعود از دیر زمانی رابطهٔ حسنه با روس‌ها داشت. درست است که گروه ببرک در رابطه با دوستی روس‌ها و مسعود مؤثر بودند؛ اما خود مسعود با روس‌ها رابطه داشت و دارد و روس‌ها از او حمایت می‌کند. بعد از پیروزی مجاهدین معاهداتی هم در میان خود داشته‌اند.[۱]

۱ خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۴۵۰، سه‌شنبه ۷۳/۱/۲۳، شمارهٔ ۴۵۱، چهارشنبه ۷۳/۱/۲۴، شمارهٔ ۴۵۲، پنج‌شنبه ۷۳/۱/۲۵، شمارهٔ ۴۵۳، شنبه ۷۳/۱/۲۷، شمارهٔ ۴۵۴، یک‌شنبه ۷۳/۱/۲۸.

(۹۴)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران خارجی

شنبه ۱۳۷۳/۱/۲۰

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر روز گذشته خبرنگاران آسوشیتد پرس و فرانس‌پرس را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در مورد طرح ارائه شده‌ای حزب وحدت اسلامی به هیأت سازمان ملل‌متحد اظهار داشت: «آقای مستربی در دو نوبت با ما ملاقات داشت، ملاقات اول یک‌ونیم ساعت و ملاقات دوم یک ساعت و پنجا دقیقه به طول انجامید، هیأت سازمان ملل طرحی نداشتند و بنا دارند تا پس از جمع‌آوری نظریات مردم و مسئولین طرحی را ارائه کنند.

در طرح حزب وحدت اسلامی بر تشکیل یک حکومت بی‌طرف از افراد متخصص تأکید شده است که مدت آن یک‌سال است، این حکومت موقت، نفوس شماری زیر نظر سازمان ملل، تشکیل اردوی ملی، برگزاری انتخابات با شرکت تمام اقشار جامعهٔ افغانستان اعم از زن و مرد، تهیهٔ پیش‌نویس قانون اساسی و برگزاری رفراندوم برای نظرخواهی از مردم دربارهٔ پیش‌نویس قانون اساسی، عدم کاندیدا شدن اعضای دولت موقت در انتخابات آینده و برگزاری رفراندوم برای تعیین نوعیت دولت آینده را به عهده دارد.»

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگری گفت: «حزب وحدت اسلامی طرح سیاسی برای حل قضیهٔ افغانستان دارد و هر طرحی را که منجر به حل قضیهٔ افغانستان گردد، می‌پذیرد و طبیعی است در صورتی‌که دیگران طرح و راه‌حل سیاسی را قبول نکنند، جنگ دوام می‌یابد و هیچ جریان و گروهی نمی‌تواند، انحصارطلبی را قبول کند». دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در پاسخ به این پرسش که آیا حزب وحدت اسلامی سلاح‌های خود را تسلیم سازمان ملل خواهد داد؟ اظهار داشت: «در طرح مدون حزب وحدت اسلامی بر تشکیل اردوی ملی تأکید شده است که اگر سازمان ملل‌متحد بتواند اردوی ملی را تشکیل بدهد، حزب وحدت اسلامی تمامی

سلاح‌های خود را تسلیم خواهد کرد، در غیر آن صورت به هیچ‌کس سلاح‌های خود را تسلیم نخواهد کرد».

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگری گفت: «علت اصلی جنگ‌های جاری پافشاری آقای ربانی بر حفظ قدرت و پس نگرفتن فتوایش است.

اگر آقای ربانی اسعفا ندهد و فتوایش را پس نگیرد، جنگ دوام پیدا می‌کند.[۱]

۱ خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۴۴۸، یک‌شنبه ۱۳۷۳/۱/۲۱.

(۹۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار آلمانی

۱۳۷۳/۲/۳

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان، قبل از ظهر امروز خبرنگار آلمانی را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت که متن مصاحبهٔ به نشر سپرده می‌شود:

سؤال: حزب وحدت اسلامی در جنگ جاری کابل چه موقفی دارد؟

جواب: ما عقیده داریم در افغانستان جنگ حل‌کننده نیست. در جهاد چهارده ساله همهٔ مردم افغانستان شرکت داشتند. حالا نیز باید در سرنوشت آیندهٔ کشور سهیم باشند و افغانستان، یعنی خانهٔ مشترک خود را باهم بسازند.

در دو سال گذشته بیش از دوازده جنگ در کابل به وقع پیوست که اکثر این جنگ‌ها بر مردم ما در غرب کابل تحمیل گردید، چهار جنگ از سوی نیروهای اتحاد، پنج جنگ دیگر از سوی شورای‌نظار بر ما تحمیل شدند که ما از خود دفاع کردیم.

در جنگ اخیر اقدامی علیه ما صورت نگرفته است و ما از نظر نظامی بی‌طرف باقی ماندیم.

سؤال: جنگ‌های سابق به خاطر اسلام و آزادی بود، جنگ‌های کنونی برای اسلام چه نفعی دارد؟

جواب: پس از مبارزهٔ چهارده سالهٔ مردم افغانستان، انتظار داشتیم تا یک حکومت فراگیر که حقوق همهٔ اقشار جامعه را تأمین کند و مطابق به شرایط جامعهٔ افغانستان و موازین بین‌المللی به وجود بیاید و مسلم است در صورتی‌که بر خلاف اراده و خواست مردم تصمیم گرفته شود، مردم حکومت انحصاری را نمی‌پذیرند و همه مسلح هستند و درگیری به وجود می‌آید.

سؤال: آیا امکان دارد حزب وحدت هم‌چنان بی‌طرف باقی بماند؟

جواب: ما از نظر سیاسی مخالف ربانی هستیم و حکومت او را قبول نداریم؛ چون براساس تشکیل شورای اهل حل‌وعقد که هفت تنظیم آن را رد کرده بودند، ربانی انتخاب شد و در طول

مدت حکومتش بر توافق‌نامه‌های جلال‌آباد و اسلام‌آباد عمل نکرد و در اثر انحصارگرایی ربانی پیش از سی جنگ در گوشه و کنار افغانستان به وقع پیوست.

سؤال: شما خواستار استعفای ربانی و حکمتیار هستید، در صورت استعفای آنان کدام مرجع قدرت را به دست خواهد گرفت؟

جواب: در شورای عالی نظارت در مورد آن توافق شده بود و شخص حضرت صاحب مجددی که در جنگ‌ها بی‌طرف بوده است و در طول حکومت دو ماهه‌اش اکثر مشکلات موجود در کشور را حل کرده بود و در بین مردم داخل و خارج کشور مقبولیت دارد را، پیشنهاد کرده بودیم.

سؤال: عده‌ای عقیده دارند عامل جنگ‌های جاری در افغانستان، کشورهای خارجی‌اند، شما چه نظر دارید؟

در طول چهارده سال جهاد، چون موضوع رهایی افغانستان و مقابله مجاهدین افغانستان با روس‌ها مطرح بود، اکثر کشورهای جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان به مجاهدین کمک می‌کردند پس از پیروزی مجاهدین با انحصارگری‌هایی که توسط عده‌ای اعمال گردید و با طرح ناقصی که در پیشاور تدوین شد، این نابسامانی‌ها و اوضاع تأسف‌آور کنونی به وجود آمدند؛ لهذا ما جنگ‌های موجود را به خارج ارتباط نمی‌دهیم، مشکلات داخلی افغانستان است و عامل جنگ در داخل افغانستان است.

سؤال: شما رهبر یک حزب شیعه مذهب هستید، روابط شما با ایران چه‌گونه است؟

جواب: حزب وحدت اسلامی تنها حزبی است که در طول دوران جهاد، مرکزیت آن در داخل بوده است و در داخل کشور به وجود آمده است. ما نمایندگی‌های در ایران، پاکستان، کشورهای اروپایی، آمریکایی و کشورهای خلیج داریم، از همهٔ این کشورها به خاطر این‌که مهاجرین ما را پذیرفته‌اند، تشکر می‌کنیم و هیچ‌گونه رابطهٔ خاصی با ایران نداریم.

سؤال: آیا سه کشور ایران، پاکستان و ازبکستان می‌توانند مسائل افغانستان را حل کنند؟

جواب: نقش کشورهای منطقه که برای حل مشکلات افغانستان اقدام کرده بودند، در اجلاس اسلام‌آباد تجربه شد که در آن پاکستان، ایران و عربستان سعودی نقش داشتند؛ ولی به شکست انجامید؛ لهذا طرفدار این مسأله هستیم که موضوع افغانستان در داخل افغانستان حل و فصل شود.

سؤال: عده‌ای می‌گویند جنگ کابل جنگ قدرت است، شما چه نظر دارید؟

جواب: وقتی که دولت‌های دو ماهه و چهار ماهه در پاکستان تشکیل شد، شیعیان حذف گردیدند و جنبش ملی اسلامی نادیده گرفته شد و این خلاف عدالت و شرایط بود؛ ولی حزب وحدت همین توانایی نظامی را در آن زمان داشت؛ ولی جنگ نکرد و مسائل را از طریق گفتگو و مفاهمه با حضرت صاحب که رئیس جمهور بود، حل کرد. متأسفانه در روزی که بنا بود توافق‌نامهٔ حزب وحدت با دولت اعلان شود، از سوی اتحاد جنگ بر ما تحمیل گردید.

عده‌ای محدود به خاطر حفظ قدرت دست به ایجاد درگیری می‌زنند؛ اما اکثراً خواستار رعایت عدالت‌اجتماعی در افغانستان هستند.

سؤال: چه امیدی برای آیندهٔ کابل دارید؟ اکنون کابل به سوی وضعیت بیروت پیش می‌رود.

جواب: اگر مجامع بین‌المللی به مردم افغانستان کمک کنند، ما امیدوار هستیم که حکومت زود تمام شود، زمینهٔ همکاری برای دولت‌سازی هم در داخل و هم در خارج فراهم است، مردم از این حکومت انحصاری خسته شده‌اند.[۱]

۱ خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۴۹۵، شنبه ۱۳۷۳/۲/۳.

(۹۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو هلند و بی‌بی‌سی

۱۳۷۳/۲/۲۷

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر روز گذشته، میرویس جلیل، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی و خبرنگار رادیو هلند را برای مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به سوالی در رابطه به گردهمایی مسئولین جهادی که قرار است توسط اسماعیل خان در هرات برگزار شود گفت: «هیأتی از اسماعیل خان، والی هرات به کابل آمد بود و دعوت‌نامه‌ای عنوانی حزب وحدت اسلامی به خاطر شرکت در گردهمایی آورده بودند. حزب وحدت اسلامی ملاحظات خود را در رابطه به طرح صلح هیأت تسلیم اعضای هیأت کرد که مهم‌ترین مسأله آن مشخص نبودن معیار شرکت افراد در گردهمایی که در هرات در نظر گرفته شده بود و عدم دعوت از جنبش ملی اسلامی در آن گردهمایی بود؛ ولی تاکنون جواب ما را پس نداده‌اند».

خبرنگار رادیو هلند سؤال کرد: «حزب وحدت اسلامی چرا از جنبش حمایت می‌کند؟»

استاد مزاری پاسخ دادند: «جنبش ملی اسلامی، نمایندهٔ یکی از ملیت‌های محروم ساکن افغانستان است که در تاریخ گذشتهٔ کشور ما محروم بوده‌اند و ما براساس سیاست حمایت از ملیت‌های محروم از آنان حمایت می‌کنیم».

استاد مزاری در مورد جنگ شورای عالی هماهنگی با دولت اظهار داشتند:

«دولت ربانی در طول دو سال گذشته انحصاری عمل کرده است و بیت‌المال مسلمین را به نفع یک جریان خاص استفاده کرده است و توافقات اسلام‌آباد و جلال‌آباد را نقض کرده است و به این دلایل ما وظیفهٔ ملی خود می‌دانیم که تمام جریان‌های افغانستان علیه ربانی موضع بگیرند».

خبرنگار رادیو هلند سؤال کرد: «در صورتی‌که جنگ تمام شود، شخص شما چه وظیفه‌ای را انتخاب خواهید کرد؟»

استاد مزاری پاسخ گفت: «ما برای مردم خود در ترکیب دولت قانونی آینده، حقوق می‌خواهیم و باید مردم ما در آیندهٔ کشور در تصمیم گیری‌ها شریک باشند و برای شخص خود هیچ مقام و منصب را نمی‌خواهم.»[۱]

۱ خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۴۸۰، چهارشنبه ۱۳۷۳/۲/۲۸.

(۹۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و رادیو صدای آمریکا

۱۳۷۳/۳/۲۶

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر امروز در دفتر کارشان، ولیام‌ای و میرویس جلیل، خبرنگاران رادیو بی‌بی‌سی و اکرام خبرنگار صدای آمریکا را به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش که: باتوجه به کم ماندن میعاد دولت آقای ربانی، نظر شما دربارهٔ تمدید آن چیست؟ و اگر آقای ربانی استعفا نکند وضعیت کشور چه‌گونه خواهد بود؟ اظهار داشت: «مشروعیت دولت کنونی از توافق‌نامه‌های اسلام‌آباد و جلال‌آباد است که نمایندگان و رهبران احزاب آن را امضا کرده‌اند.

پس از اتمام میعاد معین حتی یک روز هم تمدید این دولت به صلاح کشور نیست و آقای ربانی اگر به منافع و مصالح مردم می‌اندیشد باید استعفا کند.

طبیعی است در صورتی که آقای ربانی استعفا نکند، چنان‌چه طی دوسال گذشته جنگ و خون‌ریزی بر افغانستان حاکم بود پس از آن نیز دوام خواهند یافت و آقای ربانی برای تشنج بیشتر در کشور گام خواهد برداشت».

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در پاسخ این سؤال که آیا در شورایی که قرار است در هرات دایر شود، شرکت خواهد کرد؟ گفت: «اسماعیل خان طی ملاقاتی که با ما داشت، طرح خود را ارائه داد و ما پس از مطالعه و بررسی طرح ایشان در صورتی‌که همهٔ جوانب در شورای هرات شرکت کند، ما هم شرکت می‌کنیم».

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مورد کوشش‌های سازمان ملل و نقش ظاهرشاه در شرایط کنونی چنین بیان داشت: «هیأت سازمان ملل به سرپرستی محمود مستری که چندی قبل به افغانستان آمده بود، در جریان طرح حزب وحدت اسلامی قرار گرفت و متن طرح مدون حزب وحدت اسلامی به آنان داده شد، سازمان ملل در صورتی که طرح فراگیر و مطابق با واقعیت‌های

عینی جامعهٔ افغانستان را ارائه کند، ما چنان‌چه قبلاً هم اعلان کرده‌ایم، اقدام آنان را مناسب می‌دانیم و در حد توان با آنان همکاری خواهیم کرد.

اما ظاهرشاه در شرایط کنونی نمی‌تواند در افغانستان نقش بازی کند».

استاد مزاری در مورد مسائل جاری حزب وحدت اسلامی اظهار داشت: «قرار بود تعیینات در حزب وحدت اسلامی برگزار شود؛ ولی مردم تشویش داشتند و با انجام تظاهرات ابراز عقیده می‌کردند و این یک چیز طبیعی است؛ اما متأسفانه عواملی باعث گردید تا تظاهرات منجر به حادثه شود. اکنون مسائل روبه حل شدن می‌رود و نگرانی وجود ندارد.»

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مورد موضع‌گیری‌های حزب وحدت اسلامی گفت:

«در حزب وحدت اسلامی مانند هر حزب دیگر اختلافات نظر در جلسات تصمیم‌گیری وجود دارد؛ ولی همه روی اساسنامه و مصوبات حزب توافق دارند.

اما از نظر سیاسی با توجه به اقدامات انحصارطلبانهٔ آقای ربانی طی دو سال گذشته، ما مخالف دولت آقای ربانی هستیم و روی این موضوع نیز همهٔ اعضای حزب اتفاق نظر دارند.»[1]

۱ خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۵۰۲، پنج‌شنبه ۱۳۷۳/۳/۲۶.

(۹۸)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، بعد از ظهر روز پنج‌شنبه ۱۳۷۳/۴/۲۳ در دفتر کارشان، آقای میرویس جلیل، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی را برای انجام مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات وی پاسخ گفت.

خبرنگار: سیاست‌های حزب وحدت اسلامی از سوی دبیرکل یا از سوی شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی طرح و عملی می‌شود؟

استاد مزاری: تصمیم گیرنده شورای مرکزی است و مجری رئیس شورای مرکزی است.

خبرنگار: باتوجه به تحولاتی که پیش آمده است، آیا سیاست حزب وحدت نیز تغییر خواهد کرد؟

استاد مزاری: حزب وحدت اسلامی سیاست اصولی و ثابت دارد، حقوق مردم خود را می‌خواهد، جنگ را راه‌حل نمی‌داند و معتقد است تا تمام ملیت‌ها، اقوام و مذاهب در تصمیم‌گیری کشور شریک نباشند، معضل کشور حل نخواهد شد.

خبرنگار: تخلیهٔ بالاحصار و تپهٔ مرنجان را شکست تلقی می‌کنید، یا معاملهٔ بعضی از قوماندانان می‌دانید؟

استاد مزاری: قبل از سقوط بالاحصار گزارش‌های داشتیم مبنی بر این‌که عده‌ای از قوماندانان بالاحصار، توسط هلیکوپتر منتقل شده بودند و با مسعود ملاقات کرده بودند، ما این گزارش را برای مسئولین جنبش منتقل کردیم، متأسفانه این گزارش دیر به دست آن‌ها رسید و قضیه به ودجود آمد. ما این مسئاله را شکست نظامی تلقی نمی‌کنیم؛ بلکه معامله‌ای بود که انجام گرفت، مثل این واقعه قبلاً نیز در جاه‌های دیگر به وقع پیوسته بود.

خبرنگار: آیا معامله‌ای که صورت گرفته بود، راهی در جهت حل قضیهٔ افغانستان محسوب خواهد شد؟

استاد مزاری: نه، به هیچ وجه، مسألهٔ افغانستان اگر با تفاهم حل نگردد، با معامله‌گری و گرفتن

یک یا دو نقطهٔ نظامی حل نخواهد شد؛ بلکه مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. بر فرض این‌که قبول کنیم جنبش در کابل شکست خورده باشد، آنان در شمال مناطق وسیعی را در کنترل دارند و نیروهای سنگینی در اختیارشان هست که می‌توانند سال‌ها بجنگند.

خبرنگار: آیا قضیه‌ای که در بالاحصار پیش آمد، شورای هماهنگی از هم خواهد پاشید؟

استاد مزاری: شورای هماهنگی براساس یک سیاست اصولی و با یک خط‌مشی مشخص به وجود آمده است و تا تحقق کامل اهداف آن، ادامه خواهد یافت، شورای هماهنگی با گرفتن و یا از دست دادن چند سنگر از هم نخواهد پاشید.

خبرنگار: تا چه حد حاضر هستید با جنرال دوستم در گرفتن سنگرهایش همکاری کنید؟

استاد مزاری: ما بارها گفته‌ایم قضایای کشور از طریق جنگ حل نخواهد شد. ما از نگاه سیاسی موضع مشخص مخالف دولت آقای ربانی داریم و از نظر نظامی، بی‌طرف بوده‌ایم. جنرال دوستم نیاز به کمک نظامی ندارد و خودش به اندازهٔ کافی توان‌مندی نظامی دارد.

خبرنگار: برخوردهای اخیر بین نیروهای شما و حزب اسلامی آیا تأثیر منفی بر روابط شما با حزب اسلامی دارد؟

استاد مزاری: متأسفانه این درگیری بین یک قوماندان حزب اسلامی و یک قوماندان ما که برای حفاظت مناطق مسکونی مردم ما در سمت جنوب‌شرقی کابل مستقر بود، به وقوع پیوست که بعد از درگیری بلافاصله آقای حکمتیار از سوی حزب اسلامی هیأتی را موظف ساخت تا قضیه را بررسی سازد و مقصر را شناسایی کنند.

خبرنگار: آیا شخصاً حاضر هسیتد تا در جلال‌آباد برای مذاکره با آقای حامد الغابد بروید؟

استاد مزاری: ضرورت نیست که شخصاً به جلال‌آباد بروم، نمایندهٔ با صلاحیت حزب وحدت اسلامی حضرت آیت ا... صادقی پروانی که به خاطر اجلاس جلال‌آباد رفته بود، اکنون در پاکستان است دوبار هم با نمایندهٔ کنفرانس اسلامی مذاکره کرده است و هر توافقی که بین آنان شود، حزب وحدت اسلامی مکلف به رعایت آن است.

خبرنگار شورای هماهنگی منتظر این است که شما وارد جنگ شوید، آیا این کار را انجام خواهید داد؟

استاد مزاری: مسألهٔ افغانستان باید از طریق تفاهم حل شود، بیست‌وپنج ماه گذشته ثابت کرد که جنگ تعیین‌کننده نیست، علاوه‌براین، ما سی‌وپنج کیلومتر عرض جبهه داریم و مهاجرینی

زیادی از مرکز شهر به این منطقه آمده‌اند و بسیاری از نقاط کابل جنگ زده است و ما جنگ را صلاح نمی‌دانیم و مسائل باید از راه‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز حل و فصل گردد.[۱]

۱ منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، صص ۲۶۵-۲۶۶، ۱۳۷۹.

(۹۹)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران بی‌بی‌سی و ایتالیا

پنج‌شنبه ۱۳۷۳/۵/۶

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، بعد از ظهر روز پنج‌شنبه آقای میرویس جلیل، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی و آقای ایتورمو، خبرنگار ایتالیایی را برای مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

ایتورمو: آیا ائتلاف شما و حکمتیار روی انگیزهٔ مذهبی صورت گرفته است؟

جواب: در تمام کشورها احزاب متعددی وجود دارند که به خاطر منافع حزب و مردم‌شان ائتلاف‌های را به وجود می‌آورند و به خاطر جلوگیری از ظلم و ستم حزب حاکم مشترک مبارزه می‌کنند، در افغانستان هم وقتی که جمعیت تمام بیت‌المال مسلمین را به نفع یک جریان و به خاطر قتل و کشتار مردم و تخریب کشور و برای تحکیم پایه‌های قدرت خویش استفاده می‌کند و حزب وحدت اسلامی، جنبش ملی اسلامی، حزب اسلامی و جبههٔ نجات را می‌خواست حذف کند، ما تصمیم به مبارزه علیه این خود محوری‌ها گرفتیم و ائتلاف‌ها انگیزهٔ سیاسی دارد نه مذهبی.

ایتورمو: چه چیزی به خصوصی باعث شد که روابط شما با احمدشاه مسعود خراب شود؟

جواب: قبل از این‌که مجاهدین به پیروزی برسند، ما توافق‌نامه‌ای با مسعود داشتیم؛ ولی قبل از سقوط دولت نجیب این توافق‌نامه توسط مسعود عملی نشد، دولتی که پس از سقوط نجیب در پاکستان تشکیل شد و ما را حذف کردند با اشارهٔ مسعود تشکیل شده بود و وقتی ما با حضرت مجددی اختلافات حزب وحدت اسلامی و دولت را حل کردیم، مسعود این موضوع را قبول نکرد و در راه عملی شدن توافق‌نامه‌های حزب و حدت اسلامی با دولت موانع ایجاد کرد. به این دلیل ما پس از پیروزی مجاهدین با مسعود متحد نبودیم و همراه با حزب اسلامی، جبههٔ نجات و جنبش ملی اسلامی علیه دولت ائتلاف را تشکیل دادیم.

ایتورمو: تلفات شما در طول جنگ‌های کابل به چه اندازه بوده است؟

جواب: ۱۶۰۰۰ نفر مجروح و ۲۴۰۰ نفر شهید.

ایتورمو: آیا فکر می‌کنید افغانستان تجزیه شود؟

جواب: پیش‌بینی این موضوع را نمی‌توانیم؛ چون تمام اطراف قضایای کشور مخالف تجزیه کشور هستند؛ ولی می‌خواهند در تصمیم‌گیری آینده کشور سهیم باشند.

میرویس جلیل: در اجلاس هرات دورهٔ ریاست جمهوری آقای ربانی تمدید گردید، شما چه نظر دارید؟

جواب: اجلاس هرات طبق برنامهٔ قبلی که اسماعیل خان داشت، انجام گرفت و غیر از آقای ربانی کسی دیگری از رهبران در آن شرکت نداشت.

و مسألهٔ تمدید دورهٔ آقای ربانی در متن قطعنامه نیست و بالفرض اگر اجلاس هرات دورهٔ آقای ربانی را تمدید کرده باشد، مسأله افغانستان پیچیده‌تر از قبل باقی خواند ماند.

میرویس جلیل: نظر شما در مورد تشکیل لویه‌جرگه چیست؟

جواب: اگر مانند سابق اعضای لویه‌جرگه جمع‌آوری شوند، عادلانه نخواهد بود؛ ولی اگر معیار انتخاب افراد نفوس باشد و در تشکیل آن همهٔ احزاب توافق کنند، خوب است؛ ولی این‌گونه که شرکت‌کنندگان در اجلاس هرات می‌خواهند، قابل قبول سایر احزاب و مردم نخواهد بود و در صورت تشکیل آن کاری از پیش نخواهد برد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شماره‌های ۵۳۸ و ۵۳۹ شنبه و یک‌شنبه ۸ و ۹/ ۵/ ۱۳۷۳.

(۱۰۰)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار فرانس‌پرس

۱۳۷۳/۵/۲۷

استاد عبدالعلی مزای، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر امروز در دفتر کارشان آقای ترینس وایت، خبرنگار آژانس خبررسانی فرانس‌پرس فرانسه را برای مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات ایشان در مورد تحولات و رخدادهای جاری کشور پاسخ گفت.

استاد مزاری در پاسخ به این پرسش ترینس که سؤال کرد، حزب وحدت در حالی‌که عضو شورای عالی هماهنگی است؛ چرا در عملیات‌های نظامی شورای عالی هماهنگی شرکت ندارد؟ اظهار داشت: «ما بارها اعلام کرده‌ایم که جنگ مسائل افغانستان را حل کرده نمی‌تواند و باید از طریق تفاهم و مذاکره بن‌بست‌ها شکستانده شوند و راه‌های معقول و قابل قبول همهٔ اقشار جامعه افغانستان باید در پیش گرفته شود.

لهذا در کابل به خاطر عدم حمله بر مواضع ما و موجود بودن شرایط خاص از جمله ازدحام جمعیت در غرب کابل، ما با وجود داشتن بیش از بیست‌وپنج کیلومتر طول جبهه در درگیری‌ها شرکت نکردیم.

اما در شمال کشور که مواضع ما مورد حمله قرار گرفت، در عملیات‌های تصفیه‌ای نیروهای حزب وحدت اسلامی سهم فعال داشت و در جنگ خنجان خطوط مقدم نیروهای شورای‌نظار توسط مجاهدین حزب وحدت اسلامی شکسته شد و هم اکنون ارتفاعات مهم اطراف دوشی و خنجان از جمله ارتفاعات لرخاوی در کنترل نیروهای حزب وحدت اسلامی قرار دارد».

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در ارتباط به فعالیت‌های سه گروه بی‌طرف به رهبری محسنی، مولوی محمد نبی محمدی و پیر گیلانی فرمود: «به اعتقاد ما تلاش‌های سه گروه بی‌طرف خوب است، آنان با همکاری صادقانه، راه‌های اصولی را برای حل معضلات کشور جستجو کنند.

چون بیست‌وشش ماه جنگ و خونریزی باید افراد انحصارطلب را که فکر می‌کردند می‌توانند طرف‌های دیگر را حذف کنند، متقاعد ساخته باشد که جنگ حل‌کننده نیست، باید هم‌دیگر را

قبول کرد و به فکر منافع بزرگ کشور و مردم بود. بهترین زمینه برای آغاز تفاهم، تشکیل شواری بزرگ از سوی سه تنظیم بی‌طرف است.»[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۵۵۵، پنج‌شنبه ۱۳۷۳/۵/۲۷ ه ش.

(۱۰۱)

متن مصاحبهٔ استاد مزاری با رادیو تلویزیون پیام آزادی

یک‌شنبه ۱۳۷۳/۵/۳۰

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، عصر روز یک‌شنبه ۱۳۷۳/۵/۳۰ در دفتر کارشان خبرنگار رادیو تلویزیون پیام آزادی را برای مصاحبه به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان در مورد هفتادوپنجمین سالروز استرداد استقلال افغانستان و وضع جاری کشور پاسخ گفت.

سؤال: دربارهٔ سالروز استرداد استقلال افغانستان چه صحبتی دارید؟

جواب: روز استقلال و تاریخ مبارزهٔ مردم یک کشور برای آنان ارزش ملی محسوب می‌شود و در همهٔ کشورها از این روزها به‌عنوان روز ملی تجلیل می‌شود و برای شهدا کسانی که در راه آزادی کشور و مردم خود تلاش کرده‌اند، احترام می‌کنند.

ولی متأسفانه در طول دو سال و چند ماهی که از پیروزی مجاهدین می‌گذرد، مردم ما آن‌چنان زجر و مصیبت دیده‌اند که برای ارزش‌های ملی‌شان توجه ندارند و واقعا در غم و رنج می‌سوزند، شما ببینید در این روز تاریخی (استرداد و استقلال کشور) غیر این‌که چهار تا پیام آن هم از داخل کشور عنوانی آقای ربانی داده شده است، دیگر هیچ‌گونه شور و شوقی در داخل افغانستان یا مهاجرین در خارج وجود ندارد. این مطلب به معنای این نیست که مردم افغانستان ارزش و روزهای ملی و افتخارات بزرگ گذشتهٔشان را فراموش کرده باشند؛ ولی مردم امروز با مشکلات و مصیبت‌هایی مواجه‌اند و نمی‌توانند به مسائل برسند.

روز اشغال افغانستان توسط شوروی سابق روز ننگین است و در مقابل روزی که شوروی‌ها با ذلت و خواری افغانستان را ترک کردند، برای مردم افغانستان اهمیتی زیادی دارد که یک ابرقدرت را شکست داده‌اند و از کشور شان بیرون رانده‌اند؛ اما آن قدر مشکلات بر مردم تحمیل شده است، اکنون نه روز اشغال کشور می‌تواند برای آنان قبحی داشته باشد و نه روز اخراج اشغالگران در کشور جشن و سروری در پی دارد.

مردم امروز می‌گویند؛ می‌خواهیم هرکس در افغانستان بیاید، بیاید، فقط امنیت را تأمین کند، ما او را قبول داریم. این موضع برای تاریخ و افتخارات جهاد بسیار سنگین است؛ لهذا باید برادران از راه تفاهیم مسألهٔ کشور را اساسی حل کنند.

شما شاهد بودید که پارسال و امسال از جشن استقلال کسی چیزی نفهمید و این موضوع از مشکلاتی که توسط خود مجاهدین بر مردم تحمیل شده است، سرچشمه می‌گیرد.

سؤال: استاد محترم پس از انقضای میعاد معاهدات اسلام‌آباد، جلال‌آباد و مکهٔ مکرمه آیا امید شما برای استقرار صلح در افغانستان افزایش یافته است یا کم شده است؟

جواب: ما قبلا هم این موضوع را مکرراً بیان کردیم که هر تصمیمی که دربارهٔ کشور باشد، باید مطابق با شرایط و مقتضیات جامعهٔ افغانستان باشد، مسائل افغانستان هیچ‌گاه با معیارهای سایر کشورها قابل سنجش نیست.

ملتی که یک ابرقدرت را شکست داده است، یک‌سری مظالم و حق‌کشی‌ها در گذشته داشته است، در این دو سال هیچ‌کس به این مسائل رسیدگی و حتی توجهی نکرده است.

بی‌عدالتی‌ها در قسمت‌های واحدهای اداری، مسائل اجتماعی - حقوقی ملیت‌ها و هم‌چنین حقوق زن و حقوق مدنی مردم وجود داشت و دارد که باید طبق موازین جهانی و قوانین اسلامی حل می‌شد؛ ولی توجهی به آن‌ها نشده است.

طبیعی است مردمی که چهارده سال جنگیده، امروز انحصار یک گروه و یا یک قوم را نمی‌پذیرند، دنیا این موضوع را قبول کرده‌اند و مسئولین افغانستان هم باید بدانند که مردم افغانستان با شهامت - شجاعت و از خودگذری‌های که از خود نشان داده‌اند، انحصارطلبی قومی یا تنظیمی را قبول نمی‌کنند و باید از افغانستان این مشکلات برداشته شوند.

هرکسی که واقعیت‌های عینی جامعهٔ افغانستان را در نظر نگیرد، به شکست مواجه خواهد شد.

اما در مورد این موضوع که رهبران در اسلام آباد، جلال‌آباد و مکهٔ مکرمه تعهداتی کرده بودند و عملی نشد، ما همان روز اعلام کردیم که فیصله‌ها با واقعیت‌های عینی جامعه تطابق ندارند؛ ولی چون نمایندهٔ ما توافق‌نامه‌ها را امضاء کرده بود، ما آن را پذیرفتیم و تا آخر پای آن ایستادیم.

به خاطر این مسأله که توافق‌نامه با شرایط کشور سازگار نبود و رهبران به همان توافق‌نامهٔ ناقص هم عمل نکردند، جنگ‌های متعددی به وجود آمد.

حالا میعاد این توافق‌نامه‌ها با تمام تلخی‌های‌شان تمام شده است. اگر کسی تعهدی داشت، دیگر هیچ‌گونه تعهد حقوقی و اجتماعی ندارد. در آینده راه‌حل‌هایی که ارائه می‌شوند، باید قشری نباشند، جامع باشند و مسائل اجتماعی افغانستان را از نگاه بافت قومیت و غیره در نظر بگیرند. اگر یک جمع از مردم افغانستان حذف شوند و حقوق آن‌ها در نظر گرفته نشود، معتقدم که این‌گونه طرح‌ها نیز راه‌حل نخواهند بود.

ممکن است براساس این طرح‌ها یک حکومتی آورده شود و چهار تا کشور خارجی هم تأیید کند؛ اما مشکلات حل ناشده باقی می‌ماند.

موضوع دیگری که مطرح است، این است که شاید گروه‌هایی که سر قدرتند، به این درک رسیده باشند که مسألهٔ افغانستان بدون تفاهم همهٔ جوانب قابل حل نیست و در دو سال جنگ و زور نشان دادن، کسی نتوانست قومی یا تنظیمی را حذف کند، حالا باید به این مهم رسیده باشند.

اگر این مسأله تحقق پیدا کند، روزنه‌ای گشوده می‌شود که امیدوار کننده خواهد بود. ما امیدوار هستیم آنانی که با انحصارطلبی و قدرت‌طلبی نتوانستند کسی را حذف کنند، حالا سر عقل بیایند و به فکر حل اساسی مشکل باشند و باید بدانند که مردم افغانستان، کشورهای منطقه و جهانیان بیشتر از این تاب و تحمل این وضع را ندارند.

لهذا امیدوار هستیم که توافق و تفاهم به وجود آیند که باعث صلح و ثبات در آینده شود.

در گذشته ما شاهد تلاش‌های زیادی به‌نام صلح خواهی بودیم، در این آواخر هیأتی از سوی سه تنظیم حرکت اسلامی، حرکت انقلاب و محاذ ملی تشکیل شده بود و به تازگی هیأتی را به کابل فرستادند، وقتی آقای محسنی به اسلام‌آباد برگشت، اعلام کرد که جانبی که خود را دولت می‌خواند، به هیأت صلح اختیار داده است و حتی اختیارخط هم تسلیم هیأت کرده است. شورای هماهنگی هم حمایت خود را از طرح هیأت موصوف اعلام کرد.

سؤال: شما به عنوان یکی از رهبران شورای عالی هماهنگی در ملاقاتی که با آن‌ها داشتید، چه مسائلی مطرح شد؟

جواب: هیأت شورای عالی هماهنگی قبلا در پاکستان با سه گروه فوق‌الذکر ملاقات کرده بود و اعلام داشته بود، در صورتی‌که در اجلاس بزرگ، طبق معیار نفوس و براساس عدالت‌اجتماعی نشست دایر شود، شورای هماهنگی از آن حمایت می‌کند.

شورای هماهنگی عقیده دارد که باید در کشور عدالت تأمین شود، انحصارطلبی نباشد، همهٔ

اقشار جامعه در تصمیم‌گیری شریک باشند؛ لهذا به سه گروه فوق گفته بود که در صورتی‌که شما به عنوان نیروهای بی‌طرف داخل اقدام شوید، ما از شما حمایت می‌کنیم. بعدا آقای محسنی، مولوی محمدنبی محمدی و سید حامد گیلانی به کابل آمدند تا با آقای ربانی و آقای سیاف ملاقات کنند و توافق آنان را نیز جلب کنند.

هیأت در نامه‌ای که به ما نوشته بودند و هر سه آن‌ها پای آن امضاء کرده بودند، یادآور شده بودند که ما با نمایندگان شما در پاکستان صحبت کردیم و اکنون می‌خواهیم کمیسیون را تشکیل بدهیم که به خاطر تشکیل یک جلسهٔ بزرگ غور و بررسی کند و در این کمیسیون از هر تنظیم دو نفر باید شرکت کند که با اشتراک جنبش ملی اسلامی مجموع اعضای کمیسیون بیست نفر می‌شود؛ لهذا شما نمایندهٔ تام‌الاختیار خود را بفرستید. ما دو نفر آقای اکبری و آقای مقصودی را فرستادیم و در هوتل انترکانتیننتال (باغ‌بالا) با آن‌ها ملاقات کردند، آن‌ها طرح و برنامهٔ خود را گفتند، از نمایندگان حزب وحدت اسلامی تقاضا کردند، شما با ما در ارتباط باشید در صورتی‌که ما توافق آقای ربانی و سیاف را گرفتیم، شما را دوباره در جریان قرار می‌دهیم.

هیأت سه تنظیم پس از ملاقات با ربانی و سیاف پیش از این‌که با نمایندگان ما تماس بگیرند، به پاکستان رفتند و مولوی صاحب محمدی در کابل باقی ماند. ما دیگر مذاکره‌ای با آن‌ها نداشتیم، آقا محسنی و سید حامد گیلانی در پیشاور با نمایندگان ما که صحبت کرده بودند، گفته بودند که ما از آقای ربانی و آقای سیاف اختیارخط گرفتیم، شما هم باید اختیارخط بدهید که ما تاکنون جواب ندادیم و پس از غور و بررسی لازم به آن‌ها جواب خواهیم داد.

سؤال: استاد محترم در روزهای اخیر خبرهایی را می‌شنویم مبنی بر این‌که قوای شورای عالی هماهنگی در شمال و به صورت مشخص در خنجان پیشروی‌های داشته‌اند. معلومات شما در این باره چیست؟ هم‌چنین ما شنیدیم پیشروی‌های شورای عالی هماهنگی در خنجان باعث بروز اختلافات شدید بین باند مسعود و ربانی شده است. گفته می‌شود استاد سیاف و انجنیر مسعود در یک سمت قرار گرفته‌اند و استاد ربانی همراه اسماعیل خان اصرار دارند که ربانی در پست خود ابقا شود. شما چه نظر دارید؟

جواب: ما رسما در این رابطه چیزی نشنیدیم؛ ولی این‌که اکنون در خنجان جنگ شدید جریان دارد و تلفات و خسارات زیادی را به بار آورده است، خبرنگاران خارجی که از منطقهٔ دوشی دیدن کرده‌اند، این موضوع را تأیید می‌کنند، خبرنگاری که دیروز این‌جا آمده بود، گزارش داد که

دوشی کاملا توسط شورای هماهنگی تصفیه شده است و هیچ‌گونه جنگی در آن‌جا وجود ندارد، حتی جنگی که در خنجان جریان دارد، صدای سلاح‌های ثقیل آن در دوشی شنیده نمی‌شود، این خبرنگار از قول شاهدان عینی می‌گفت جنگ در خنجان شدید است، طبیعی است در صورتی‌که جنگ دوام‌دار و شدید باشد، تلفات زیادی را در بر دارد که باعث اختلاف می‌شود، و همه به خاطر انحصارگرایی تیم دولتی‌اند.

در رابطه به اجلاس هرات، اکثر کسانی که خصوصی با ما صحبت می‌کردند و یا صحبت‌های غیرمستقیم با ما داشتند، اطمینان می‌دادند که آقای ربانی وقتش تمام شده است و در اجلاس هرات کسی دیگری به جای وی تعیین خواهد شد. این گزارشات غیرمستقیم از منابع شورای نظار و جمعیت به ما داده شده‌اند؛ ولی خلاف این گزارش‌ها، آقای ربانی در هرات به مدت سه ما دیگر ابقا گردید. در مورد گزارشات غیررسمی اختلافات مسعود و ربانی گفته می‌شود که اسماعیل خان دربارهٔ ابقای ربانی گفته بوده است که آقای ربانی را دیگران نزدیک به دو سال رئیس جمهور ساختند، من هم قدرت سه ماه را دارم که بتوانم استاد ربانی را وظیفه بدهم سه ماه دیگر سر قدرت باقی بماند.

یک چنین صحبت‌های هست و طبیعی است در صورتی‌که بخواهند مسألهٔ افغانستان را حل کنند، باید کسی دیگر غیر از آقای ربانی را به عنوان رئیس جمهور تعیین کنند.

دولت موقت بی‌طرف شکل بگیرد و زیر نظر این دولت یک شورای بزرگ دایر شود و الا یک جناح که خود را حاکم فکر می‌کند و زیر نظر آن شورا تشکیل شود، نه مورد قبول مردم افغانستان خواهد بود و نه مشکلات فعلی را می‌تواند حل‌کند.

سؤال: استاد محترم، در این اواخر اخباری شنیدیم که شورای نظامی کمیته‌های مشترک امینتی و قضایی دارد تا متخلفین و کسانی که نظم عمومی را اخلال می‌کنند، دستگیر کرده و مجازات کند، در این مورد لطف کرده توضیحاتی بدهید.

جواب: اعضای شورای هماهنگی به خاطر هماهنگ ساختن مسائل باید رفت‌وآمد و جلساتی داشته باشند و مشکلات داخلی را با تفاهم حل کنند.

شورای هماهنگی از همان ابتدای تأسیس تصمیم داشت تا یک کمیتهٔ مشترک را برای جلوگیری از خودسری‌های بعضی افراد به وجود بیاورند و مسلم است وقتی افراد متخلف دستگیر شوند به قضا و محاکمه ضرورت دارند که این هم باید مشترکاً به وجود آید.

بر این اساس یک تعداد از قوماندانان شورای عالی هماهنگی وظیفه گرفته‌اند تا امنیت منطقه و راه‌ها را تأمین کنند و مشکلات مردم را که برای رفع نیاز مواد غذایی در رفت‌وآمد هستند را، بگیرند.

منتهی این فعالیت چند روزی جریان داشت و با رفتن مسئولین شورای هماهنگی به خارج از کشور، این اقدام کمی کم‌رنگ شدند، در این اواخر خودسری و بی‌بندوباری بسیار زیاد شده‌اند، مواد غذایی که از آن طرف می‌رسند، توسط قوماندان‌ها دور داده می‌شوند و افراد عادی نیز اختطاف می‌گردند؛ لهذا قوماندانان جلسه دایر کردند تا امنیت منطقه تأمین گردد؛ زیرا مردم بیشتر از هر چیزی دیگر، امنیت می‌خواهند.

پس از این ضروری است که شورای نظامی به فعالیت خود ادامه بدهد و کمیتهٔ قضا متخلفین را محاکمه و مجازات کند.[1]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۵۶۲، شنبه ۱۳۷۳/۶/۵.

(۱۰۲)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران ایرلندی

۱۳۷۳/۶/۱۳

استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، عصر روز یک‌شنبه ۷۳/۶/۱۳ خبرنگاران ایرلندی را در دفتر کارشان به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پیرامون اوضاع جاری کشور پاسخ داد که متن آن به شرح زیر به نشر سپرده می‌شود:

سوال: میزان توانایی و قدرت نظامی حزب وحدت اسلامی در چه حدی است و چه مقدار از مناطق را تحت کنترل دارد؟

جواب: حزب وحدت اسلامی در هفده ولایت از بیست‌ونه ولایت افغانستان حضور نظامی داشته و پنج ولایت کاملاً تحت تسلط حزب وحدت اسلامی است و در کابل نیز قسمت‌های زیادی را در کنترل خود دارد.

سؤال: نیروی نظامی حزب وحدت در چه میزانی است؟

جواب: درمجموع و تمام ولایات افغانستان به پنجاه هزار نفر می‌رسد.

سؤال: اهداف سیاسی حزب وحدت اسلامی چیست؟

جواب: حزب وحدت اسلامی خواهان سهم‌گیری و حضور همهٔ ملیت‌ها و احزاب در تصمیم‌گیری روی مسائل کشور براساس نفوس آن است و معتقد است افغانستان خانهٔ مشترک همهٔ ملیت‌های ساکن در آن است؛ لزوماً همه باید در تصمیم‌گیری روی مسائل مربوط به آن سهم داشته باشند و حق هیچ‌کس ضایع نگردد.

سؤال: آیا حزب وحدت رابطهٔ خاص با ایران دارد؟

جواب: حزب وحدت اسلامی از آغاز تشکیل در داخل به وجود آمده است و مستقل است. در عین حال با تمام کشورهای خارج مخصوصاً کشورهای همسایه رابطهٔ حسنه دارد. البته با ایران و پاکستان به خاطر این‌که در طول چهارده سال جهاد بیشتر از مهاجرین پذیرایی کرده‌اند، رابطهٔ نزدیک‌تر دارد و کدام رابطهٔ خاصی بین ما و ایران وجود ندارد.

سؤال: آیا حزب وحدت از آقای حکمتیار و جنرال دوستم حمایت می‌کند؟

جواب: بله، حزب و حدت اسلامی در شورای عالی هماهنگی عضویت دارد و شورای عالی هماهنگی مرکب است از حزب اسلامی آقای حکمتیار، جنبش ملی اسلامی آقای دوستم، جبههٔ ملی نجات اسلامی آقای مجددی و بعضی از احزاب دیگر، حزب وحدت اسلامی نیز در آن عضویت دارد و سیاست و هدف و احدی را دنبال می‌کند.

سؤال: آیا حزب و حدت اسلامی نسبت به این مسأله که دوستم کمونیست بوده است و در گذشته از نجیب حمایت کرده است مشکلی ندارد؟

جواب: برای همه روشن است که جنرال دوستم در سقوط دادن دولت کمونیستی نجیب نقش اساسی، کلیدی و بنیادی را داشت و در قالب جنبش فعلا تمام مردمان سمت شمال کشور، علما، روحانیون، دانشمندان، روشنفکران و مجاهدین عضویت دارند، از سوی دیگر و در عین حال فعلا در تمام جریانات سیاسی و احزاب، کمونیست‌های سابق وجود و حضور دارند، اکثر کارهای اداری و تشکیلاتی آقای ربانی را کمونیست‌ها به پیش می‌برند. از این‌که جنرال دوستم از یک قوم و ملیتی به‌نام ازبک رهبری می‌کند، باید حق داده شود در تصمیم‌گیری‌ها روی مسائل کشور حضور داشته باشد.

سؤال: اهداف حزب وحدت با اهداف آقای ربانی و مسعود چه فرق دارد؟

جواب: حزب وحدت اسلامی هدفش آن است که همهٔ ملیت‌ها و احزاب باید در ساختار حکومت افغانستان براساس معیار نفوس سهم داشته باشند، در تصمیم‌گیری‌ها همه حضور داشته باشند و حق اشتراک داشته باشند، حقوق همه محترم شمرده شود.

ولی اعضای جمعیت، آقای ربانی و مسعود انحصارطلب هستند و می‌خواهند قدرت تنها از آن‌ها باشد و دیگر کسی حق سهم‌گیری نداشته باشند؛ چنان‌چه درگذشته و نیز در شرایط حاضر شاهد آن هستیم.

سؤال: در دولت آینده حزب وحدت چه قدر نقش و سهم خواهد داشت؟

جواب: تا آمارگیری دقیق نفوس در افغانستان از سوی سازمان ملل‌متحد نشود، ما خواهان یک چهارم سهم در حکومت هستیم؛ ولی زمانی‌که نفوس شماری شد، ما طبق نفوس خواهان سهم‌گیری و حق شرکت در ساختار حکومت، اداره و تشکیلات دولت هستیم.

سؤال: تلاش‌های سازمان ملل را چه‌گونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: نمایندگان سازمان ملل با ما صحبت کردند، ما طرحی برای حل مشکلات و معضلات جامعه ارائه کردیم. آقای مستری در مرحلهٔ اول مأموریت خود به دنبال مذاکره و نظرخواهی از احزاب و مردم بود و سعی کرد تا تمام احزاب و گروه‌ها را وادار کند که طرح بدهند و نظر خود را بیان کنند تا آنان را در مذاکره بکشاند و مرحلهٔ دوم مأموریتش در پی آن است که خود سازمان ملل طرح بدهد، ما طرح سازمان ملل را خوب ارزیابی می‌کنیم و سازمان ملل مرجع خوبی برای برقراری صلح است و ما از آن حمایت می‌کنیم.

سؤال: اگر دولت آقای ربانی باقی بماند، سرنوشت مناطق که تحت کنترل حزب وحدت و سایر گروها است، چه‌گونه خواهند بود؟

جواب: اگر یک حکومت قانونی و مورد خواست همه با تفاهم احزاب به وجود نیاید، مناطق هم‌چنان در کنترل احزاب باقی خواهند ماند و این به معنای تجزیه هم نیست و احزاب ادارهٔ کنترل این مناطق را شبیه سیستم فدرالی به پیش خواهند برد. هیچ‌کس در افغانستان خواهان تجزیه نیست. فعلا ادارهٔ هر منطقه دست حزب است که از آن منطقه است و در آینده نیز همین‌گونه خواهد بود و هر حزب در همان منطقه که تسلط دارد، اداره هم خواهد داشت.

سؤال: جنگ داخلی کابل را چه‌گونه ارزیابی می‌کنید و جنگ تا چه وقت ادامه می‌یابد؟

جواب: اگر راه تفاهم باز شود و مذاکره صورت گیرد و برای آینده تصمیم گرفته شود و همه هم در تصمیم‌گیری حضور داشته باشند، جنگ ختم می‌شود و اگر انحصارطلبی ادامه یابد، جنگ هم ادامه خواهد یافت.

سؤال: آیا حزب وحدت توانایی کافی نظامی دارد که دولت را سقوط بدهد؟

جواب: موضع حزب آن است که جنگ در افغانستان راه‌حل نیست. جنگ‌هایی که با حزب وحدت و دیگران پیش آمده‌اند، تحمیلی‌اند. حزب وحدت مسائل افغانستان را با معیارهای نظامی محاسبه نمی‌کند و برخورد نظامی را حل‌کنندهٔ مشکلات نمی‌داند.

سؤال: آیا کدام رابطه‌ای با حزب جمعیت دارید؟

جواب: ما یک هیأت مشترک داریم که برای حفظ آتش‌بس است، اگر کدام مشکل پیش می‌آید، از طریق همین هیأت حل می‌کنیم.

سؤال: آیا عودت مهاجرین به زوردی صورت می‌گیرد یا خیر؟

جواب: مهاجرت به خاطر جنگ است و در طول چهارده سال جنگ در افغانستان، تعداد

زیادی از مردم به کشورهای خارج مهاجر شدند، بعد از سقوط دولت نجیب در حدود سی جنگ در کابل و سایر ولایات افغانستان پیش آمد که به تعداد مهاجرین افزود تا جنگ ختم نشود و امنیت به وجود نیاید، بازگشت مهاجرین امکان‌پذیر نیست و مشکلات آنان حل نخواهد شد.

سؤال: ما با مهاجرین در پیشاور و جلال‌آباد گفتگو کردیم، آن‌ها وضع‌شان خوب نبود و شکایت می‌کردند و نظر خوبی نسبت به مهاجرت‌شان نداشتند، در عوض خاطرات تلخی از مهاجرت داشتند، شما چه نظر دارید؟

جواب: جنگ‌هایی که در طی دو سال گذشته پیش آمده‌اند، مورد خواست مردم افغانستان نبوده‌اند و مردم راضی به جنگ هم نبوده‌اند و در اثر این جنگ‌ها خانه‌های مردم خراب شده‌اند، فرزندان مردم شهید شده‌اند و اموال‌شان به غارت رفته‌اند. بنابراین، مردم درد دارند و از وضعیت جاری راضی نیستند. ما به آنان حق می‌دهیم که از این وضعیت ناراض باشند و نباید این‌گونه می‌شد. رهبران وظیفه دارند هرچه زودتر زمینه‌ای را فراهم آورند که مشکلات مردم پایان پذیرد.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۵۷۰، دوشنبه ۱۳۷۳/۶/۱۴ ه ش.

(۱۰۳)

متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران رادیو تلویزیون پیام آزادی و خبرگزاری وحدت اسلامی

شنبه ۱۳۷۳/۹/۵

همان‌طور که در شمارهٔ گذشتهٔ خبرنامه یادآور شدیم، قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۳/۹/۵ استاد مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، خبرنگاران رادیو و تلویزیون پیام آزادی و خبرگزاری وحدت اسلامی را در مقر مرکزی این حزب به حضور پذیرفت و به سؤالات آنان پاسخ گفت که متن کامل این مصاحبه نشر می‌شود:

داور: استاد محترم، اگر آقای ربانی به ماندن در قدرت پافشاری کند، موضع و موقف حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟

استاد مزاری: در رابطه با مسألهٔ آقای ربانی و حکومتش باید گفت که این حکومت قانونی نیست؛ زیرا توافق احزاب در جلال‌آباد و اسلام‌آباد مصدر قانونی کار آقای ربانی بود، بسیار وقت است که زمان قانونی آن تمام شده است. بعد از طرف استره محکمه و جلسهٔ هرات تمدید قدرت می‌شود و این‌که یک ارگان دولتی وقتی قانونی است که از طرف یک دولت منتخب با تأیید قانون اساسی که مورد توافق همهٔ مردم باشد، به وجود بیاید و آن وقت است که می‌تواند در رابطه با سرنوشت و ادارهٔ مملکت تصمیم بگیرد؛ ولی زمانی‌که این طور نباشد، استره محکمه که جزئی از حکومت ائتلافی که احزاب مصدر حقوقی آن است و دوران حکومت هم تمام شده باشد، استره محکمه هم قانونی بودنش تمام‌شده فرض می‌شود؛ چون دولت آقای ربانی قانونی نبوده و نیست، استره محکمهٔ این دولت فرمان صادر می‌کند و دورهٔ حکومت آقای ربانی را سه ماه تمدید می‌کند، آیا چنین چیزی قابل قبول است.

جلسهٔ هرات هم که کاملاً یک طرفه تشکیل شده بود و شما در جریان قرار دارید که اکثریت قاطع احزاب در آن جلسه شرکت نکرده بودند و آن را غیرقانونی می‌دانستند؛ چون تشریفاتی بود و قضایای افغانستان را حل نمی‌توانست. با آن هم چون این‌ها پول زیادی را مصرف کرده بودند

و تعدادی را هم جمع کرده بودند، سه ماه دیگر دورهٔ حکومت آقای ربانی را تمدید کرده بودند؛ لهذا اکنون به هر ترتیبی که باشد، اگر کسی برای کارش مرجع و وجه قانونی را در نظر داشته باشد و به مردم یا مسئولین جهادی دیگر اعتنا کند، دیگر دوران آقای ربانی تمام شده است و حالا اگر کسی بیاید و بگوید آقای ربانی استعفا کند یا نکند، این حرف درستی نیست. او چه استعفا بکند یا نکند و دیگر از طرف هیچ مرجع قانونی رئیس جمهور نیست. منتهی وضعیت فعلی افغانستان طوری است که هرکس در هر منطقه‌ای که هست یک حاکمیتی ولو کوچک هم باشد، دارد و به همان حاکمیت هم ادامه می‌دهد، این‌ها در همان ساحات تحت کنترل خود حاکمیت دارند و چند وزارت‌خانه را که در دست دارند و به این خاطر خود را دولت قلمداد می‌کند. جلسه‌هایی را که این‌ها دایر می‌کنند، هیچ‌گونه نتیجه ندارد.

اما موضع حزب وحدت همان موضع شورای هماهنگی است که خواستار آن است که یک حکومت موقت به وجود بیاید و مدت آن کم باشد. رهبران در این حکومت شرکت کنند و آن دولت موقت تعهد کند که زمینهٔ انتخابات را فراهم سازد و اعضای آن دولت موقت در انتخابات شرکت کنند تا به این وسیله یک حکومت منتخب واقعی به وجود بیاید. حزب وحدت روی این موضع پافشاری می‌کند.

داور: استاد محترم، عواملی که باعث شد آقای اکبری از حزب وحدت جدا شود و به شورای‌نظار پناه ببرد، چه بوده است؟

استاد مزاری: البته این مسأله انگیزهٔ خاص ندارد. در شرایط فعلی افغانستان که انواع مختلف درگیری‌ها در این کشور وجود دارد و مخصوصاً در طول حکومت آقای ربانی و قدرت مسعود جنگ‌های متعدد بر مناطق ما و بالای مردم ما تحمیل گردید و مردم ما و حزب وحدت از خود دفاع کردند و آن‌ها نتوانستند که بر این مردم غالب شوند و به اهدافی که داشتند، کامیاب گردند؛ لذا آن‌ها راهی را انتخاب کردند که در داخل حزب وحدت اختلاف ایجاد کنند و از این راه بتوانند حزب وحدت را در میان خودش درگیر کنند. شما می‌دانید که در افغانستان تضادهای مختلف وجود داشته است، مخصوصاً برای تعدادی از ملیت‌های ساکن در افغانستان در گذشته این باور وجود داشته است که در افغانستان از زمانی‌که به این نام هویت پیدا کرده است، یک قشر خاص از ملیت پشتون حکومت کرده است و طبعاً هیچ‌گاهی حکومت مردمی در افغانستان نبوده است و تشکیل نگردیده است؛ اما برداشت بیشتر ملیت‌ها این بوده است که در این‌جا پشتون حاکم بوده

است و سایر ملیت‌های مظلوم کنار گذاشته شده‌اند و احساس هم می‌کردند که تمام ظلم‌هایی که در گذشته بر سایر ملیت‌ها می‌شده‌اند، از طرف قوم پشتون بوده است؛ اما این یک باور اشتباه بود؛ زیرا ما دیدیم که دو سال و هفت ماه گذشته حاکمیت در دست آقای ربانی بود، ایشان در عمل اثبات کرد که ظلم و ستم افراد، مال یک قوم نیست؛ زیرا این از خصلت حاکمیت ظالم و استبدادی است که حق‌کشی می‌کند و حالا اگیر ما بیاییم و بگوییم در طول دو سال و هفت ماه گذشته قوم تاجیک بر ما ظلم کرده است، درست نیست. همین‌طور در گذشته هم ظلم و ستم از طرف حاکمان قوم پشتون بوده است نه مردم پشتون، این از خصلت استبدای آنان بوده است؛ اما بعد مردم احساس می‌کردند که این ستم‌ها از طرف قوم پشتون است. این‌گونه تضادها در جامعه وجود دارد؛ اما آقای ربانی و مسعود به این تضادهای ملی دامن زدند و از آن استفاده کردند. در نزد تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها می‌گفتند که ما و شما یکی هستیم و باید زمام حکومت را در دست بگیریم و از این حرف‌ها زیاد می‌گفتند. این خصلت‌شان است که در طول دو سال و هفت ماه گذشته بالاترین ظلم و استبداد را در حق مردم افغانستان کردند. ملیت‌های افغانستان را دشمن هم‌دیگر کردند که بدترین ضربه و بالاترین خیانت آن‌ها در حق مردم بود؛ اما با این هم، همهٔ این‌ها دروغ بود و شما در طول دوران حاکمیت‌شان شاهد جنایت‌های زیادی بودید که بالای مردم ما تحمیل شدند. شما شاهد بودید که در این‌جا تبلیغات کردند و اطفال خردسال مردم را گرفتند که ملیت هزاره مواد غذایی و میوه‌ها را مسموم می‌کنند. این کار در واقع یک دشمنی آشکار و یک اقدام خائنانه علیه ملیت هزاره بود. در صورتی‌که در هیچ جا و در هیچ قانون دنیا اطفال معصوم مورد بهره‌برداری تبلیغاتی قرار نمی‌گیرد.

با این هم دوازده جنگ را بر مردم ما تحمیل کردند و خسارات مالی زیادی بر مردم ما تحمیل شدند. اکنون هفت‌صد نفر از منطقهٔ افشار مفقودند، که آن هم توطئه بود که چند قوماندان را خریداری کردند و دست به جنایت هولناک زدند. البته کینه‌توزی‌های شورای‌نظار به حزب وحدت و مردم تشیع یک موضوع آشکار است. در حوادث امسال مسعود خودش گفته بود که من در تعیینات و انتخابات، مسألهٔ حزب وحدت را یک طرفه می‌کنم و می‌گفت در این مورد مصرف چهار جنگ را اختصاص داده است؛ اما شما می‌دانید که وقتی دشمن در میدان نبرد نظامی و سیاسی نتواند مقابله کند، طبیعی است که دست به چنین توطئه‌هایی می‌زند. اعضای شورای‌نظار، مسعود و ربانی در این راه از این مسأله استفاده کردند و می‌کنند که پشتون در گذشته

بالای ملیت‌های دیگر حاکمیت کرده است و دوصدوپنجاه سال ظلم کرده‌اند، حالا حاکمیت از پشتون‌ها به دیگر ملیت‌ها منتقل شده است، باید انتقام گرفت. آن‌ها در این‌جا تبلیغ می‌کردند که گویا ما طرف‌دار پشتون‌ها هستیم و برضد تاجیک‌ها قرار داریم و تاجیک‌ها با هزاره‌ها یک وجه مشترک دارند و هر دو ملت در گذشته محروم بوده‌اند و ما حالا به این مسأله خیانت می‌کنیم. آن‌ها از این راه‌ها وارد شدند و برای نابود کردن و ضربه زدن به ما توطئه چیدند، این از طرفی کاملا طبیعی بود؛ اما کسانی که در این طرف ضعیف‌النفس‌اند و تصمیم ندارند و آینده‌نگر نیستند و اوضاع فعلی را تحلیل نمی‌توانند با این تبلیغات اغفال شدند و در خط آن‌ها قرار گرفتند.

دومین دلیل این بود که شما می‌دانید شوروی‌ها در دوران حکومت آقای ربانی بالاترین کمک را برای ایشان کردند. من در یک مصاحبهٔ دیگر هم این مطلب را گفته بودم که اگر نجیب قانع می‌شد که روس‌ها برایش پول چاپ کنند و دیگر امکانات نظامی و کمک هم ندهند تا آخر عمر نجیب، روس‌ها می‌توانستند پول در اختیارش قرار بدهند و او هم می‌توانست به شکل آقای ربانی و حتی بهتر از او حاکمیت خود را دوام بدهد؛ اما دیدیم که نجیب با این موضوع توافق نکرد و در حالی‌که اکثر شهرهای بزرگ، شاه‌راها و پایتخت کشور را در دست داشت؛ اما پس از قطع شدن کمک نظامی، نجیب حاضر شد که از قدرت کنار برود و استعفا کند و قدرت را تحویل بدهد؛ اما آقای ربانی به همان چاپ پول بی‌پشتوانه اکتفا کرد و تاکنون به حاکمیت خود دوام داده است.

یک‌باره روس‌ها به خاطر گرفتن سفارت خود آمده بودند، ما گفتیم شما بعد از اشغال نظامی شکست خوردید، اکنون اشغال اقتصادی را دوام داده‌اید و بدتر از آن عمل می‌کنید. ما انتظار داشتیم که بعد از متلاشی شدن اتحاد شوروی، دیگر روس‌ها با مردم ما جفا نکنند. آن‌ها برای ما گفتند این پولی که در افغانستان روان می‌کند، وقتی از مرز برون شود، ارزش پولی ندارد؛ ولی در کشور خود ما هیچ ارزشی ندارد. آن‌ها با یک شرکت روسیه که زیاد هم به دولت ارتباط ندارد، قرارداد کرده‌اند که پول چاپ کند، این شرکت قبلا در آلمان بود، حالا هم شما، شورای هماهنگی، وزارت مالیه اعتراض کنید و این کمک‌ها قطع شوند.

واقعیت هم این است، این پول یک کاغذ سفید است که رنگش کرده‌اند و هیچ پشتوانه ندارد و مردم را هم در تنگنا قرار داده است و چند برابر تیراژ چاپ را بالا برده‌اند و ارزش آن را پایین آورده‌اند و کمبود هم نمی‌کند و می‌تواند هر قدر آدم ضعیف‌النفس را که باشد، خریداری کند.

این کار دشمنی آشکار با مردم است. با این پول‌های بی‌پشتوانه بین مردم ما اختلاف و نفاق

ایجاد کرده‌اند و این ذهنیت را در افراد ناآگاه و بی‌تحلیل القا کرده‌اند که گویا ما طرف پشتون هستیم و آن افراد اغفال‌شده طرفدار تاجیک هستند، برای این مسأله مبنا و توجیه فکری ساختند؛ اما در واقع مسأله این طور نبوده است و نیست. آن‌ها طرف‌دار تاجیک نیستند و ما هم طرف‌دار پشتون نیستیم. ما طرف‌دار برادری و برابری ملیت‌ها هستیم. ما برای ملیت‌های افغانستان حقوق قائل هستیم که تمام آن‌ها در حاکمیت سیاسی کشور طبق شعاع وجودی‌اش سهم داشته باشند. حقوق خواستن برای یک ملت به معنای برابری است. این مانند آنان است که چهار پسر از یک پدر و مادر در یک خانه باشند و هرکدام حق خویش را بخواهند. حق‌خواهی به معنای دشمنی نیست. اگر کسی بیاید و ملیت‌ها را با هم‌دیگر دشمن بکند، این خیانت ملی است که انجام می‌دهد. روی این مبنا از وقتی که ما به کابل آمده‌ایم، تاکنون روی وحدت ملی واقعی و حق ملی واقعی که حق همهٔ ملیت‌ها تأمین شود، تلاش کرده‌ایم؛ اما متأسفانه که شورای‌نظار و دستگاه حاکمهٔ آقای ربانی یک زمان آن قدر تضاد را در میان پشتون و هزاره به وجود آورده بودند و به خاطر آن تبلیغ کرده بودند که این دو قوم به سختی نسبت به هم‌دیگر بدبین شده بودند. جنگ‌هایی که سیاف به حزب وحدت تحمیل کرد، این‌ها تبلیغ کردند که این جنگ پشتون و هزاره است.

براساس آن شما شاهد بودید که یک پشتون در مناطق هزاره‌نشین آمده نمی‌توانست و یک هزاره در مناطق پشتون‌نشین رفته نمی‌توانست. حتی مهاجرین مردم ما بعد از چهارده سال وقتی که می‌خواستند به وطن‌شان برگردند حدود سه هزار نفرشان در منطقهٔ کشکی‌نخود کشته شدند. گناه آن‌ها فقط همین بود که از مردم هزاره بودند و چهارده سال مهاجرت را پشت‌سر گذاشته بودند.

به هرصورت ما این تضادها را طی نشست‌مان با آقای حکمتیار رفع کردیم و تا جایی که امروز یک هزاره به راحتی در مناطق پشتون‌نشین می‌تواند برود و هم‌چنان یک پشتون به مناطق هزاره‌نشین به همان راحتی می‌رود. امروزه این دو ملت با یکدیگر احساس برادری و برابری دارند نه خصومت و دشمنی. تضاد پشتون و ازبک را هم شما می‌دانید که آن قدر حاد بود که هیچ‌کدام نمی‌توانستند در منطقهٔ دیگری عبور و مرور کند. این تضادها هم با ابتکار و پیش‌قدمی حزب وحدت از میان برداشته شد و امروز مردم پشتون و ازبک کاملاً با یکدیگر احساس برادری دارند؛ اما اشتباه نشود که این کار به معنای آن نیست که امروز تضاد بین هزاره و ازبک و پشتون را رفع کرده‌ایم تا همه در برابر مردم تاجیک قرار گیرند. نه ما برادران تاجیک را برادر خود می‌دانیم و

هیچ‌گونه دشمنی با آن‌ها نداریم. ما کوشش می‌کنیم که تضادها بین ملیت‌ها را کاملاً از بین ببریم و این افتخار را هم داریم که تاکنون نقش خود را به‌طور شایسته آن ایفا کرده‌ایم و سهم خود را در ایجاد وحدت‌ملی واقعی ادا کرده‌ایم؛ اما تبلیغات خصمانهٔ شورای‌نظار ادامه دارد که می‌خواهند از این تضادها استفاده کند و حکومت کند و به همین بهانه بود که یک عده را فریب دادند و وادار کردند که دست به خیانت بزنند، پول آوردند و سلاح تهیه گردند که در بین مردم غرب‌کابل توزیع شود که الحمدالله با هشیاری مرد ما این توطئه خنثی شد و بعد از آن، آن‌ها رفتند و به شورای‌نظار پناه بردند.

عزیز: استاد محترم، در قسمت عوامل قرارگرفتن یک عده از اعضای شورای مرکزی در کنار شورای‌نظار صحبت کردید؛ ولی آیا در گذشته هم کدام طرح تصفیه‌ای عناصر معامله‌گر از درون حزب وجود داشته است یا نه و گذشته از طرح‌های تصفیه‌ای، آیا کدام اقدام مسالمت‌آمیز از راه تفاهم و مذاکره با آن‌ها صورت گرفته است یا این‌که راه‌حل همین تصفیه بوده است؟

استاد مزاری: در این رابطه مسائل زیاد و حرف‌های طولانی وجود دارد. راه‌های مسالمت‌آمیز، یعنی همان راه‌هایی که انسجام و وحدت حزب وحدت را تأمین می‌کرد، در پیش گرفته شدند و در آن راه‌ها تلاش زیادی هم صورت گرفت؛ اما متأسفانه آن‌ها به خاطری که اجیر شده بودند و پول گرفته بودند، به شیوهٔ خود اصرار ورزیدند و اجازه ندادند که جلو این معامله و توطئه گرفته شود و در اخیر هم آن‌ها جدا می‌خواستند علیه حزب وحدت اقدام کنند و مرکزیت این حزب را نابود کنند، همه چیز را به شورای‌نظار تسلیم کنند. این کار و این توطئه، مال سال‌های قبل بود؛ چون بعد از مسألهٔ افشار که پیش آمد و برای مردم ما بسیار سنگین تمام شد، در آن زمان‌ها یک گزارش آمد که آقای اکبری از بامیان با آقای ربانی تماس گرفته بوده است و مبنای آن این بوده است که ما باید با تاجیک‌ها هم‌سو شویم که هستیم و وجه‌مشترک داریم و این موضع‌گیری‌هایی که فلانی می‌کند، موضع‌گیری ما نیست و به ما مربوط نیست. آقای ربانی در یک جلسه که آقای محسنی و باقی متحدین‌شان شرکت داشته بوده‌اند، گفته بود که آقای اکبری در حزب وحدت چه موقف و چه وظیفه دارد که برای ما نامه نوشته است. آن‌ها گفته بوده‌اند که او معاون هیأت رئیسه است. لذا در جواب این نامه، آقای مسعود نامه به اکبری فرستاده بوده است که به کابل بیاید. در آن وقت اکبری این مسأله را به شدت تکذیب کرد و گفت که نه این موضوع حقیقت ندارد، موضع حزب وحدت همان یک موضع است که شورای تصمیم‌گیری در کابل می‌گیرد.

تابستان بود که آقای اکبری به عنوان هیأت رئیسه به کابل آمد و آقای ربانی او را مهمان کرد. در همان مهمانی بود که آقای ربانی گفته بود که نامهٔ شما برای ما رسید و ما توسط آن نامه شما را شناختیم و با شما آشنا شدیم و ما از نظریات نیک شما استقبال می‌کنیم. اعضای هیأت که در پهلوی آقای ربانی بودند، به من گفت که چنین حرف‌های در مهمانی بوده است و لذا مسألهٔ نامه راست بوده است؛ اما ما به خاطر مصالح حزب وحدت از این مسأله گذشتیم و آن را دنبال نکردیم؛ اما این قدر به آقای اکبری گفتیم که این‌ها بسیار قدرت‌طلب‌اند و حزب وحدت را مخالف قدرت‌شان می‌بینند و گرنه ما هیچ‌گاهی دشمنی ملیت‌ها را نمی‌خواهیم پس از آن در مسأله تعیینات آقای ربانی مخفیانه به آقای اکبری کمک کرد تا از آن به خاطر تغییر ذهنیت‌ها استفاده کند و هنگامی که آژانس آتش گرفته بود، ما هیأت فرستادیم و آن‌ها از نزدیک سوخته‌های پول را مشاهده کردند. پنج‌صد میلیون هم آقای ربانی رسما برای احیای بامیان فرستاد که ولایت آن فعال شود. البته این پنج‌صد میلیون برای بودجهٔ مقدماتی آن بود و از آن‌جایی‌که این مبلغ علنی بود، باید از طریق حزب تحویل گرفته می‌شد؛ چون مسئول حزب بودم، این پول را گرفتم که برای مصارف بامیان و السوالی‌های آن کمک شود. البته آقای ربانی بعدها از این مسأله اظهار پشیمانی کرده بود و با برادران حرکت گفته بود که این پول‌ها بی‌خود در دست فلانی افتاد، در حالی‌که آن را برای آقای اکبری فرستاده بودیم، بعد آقای ربانی در جلساتش با آقای جاوید و سایرین قول داده بود که هم حرکت و هم مخالفینی را که فکر می‌کردند در داخل وحدتند، تقویت کند و این مسائل ادامه داشت تا تعیینات حزب وحدت پیش آمد.

در مورد تعیینات حزب وحدت، طبق اساسنامه حزب باید سال یک‌بار تعیینات صورت گیرد و این مشکلی نیست. فقط تعداد بیست اعضای شورای مرکزی که در مرکزیت حزب باشند، می‌توانند تعیینات کنند و این به هیاهو و تبلیغات ضرورت ندارد که همهٔ اعضای شورای مرکزی حضور داشته باشند؛ اما آقای اکبری این مسأله را غیرطبیعی و غیرعادی ساخت و گسترده کرد. وقتی که در بامیان بود به همه جا پیام داده بود که جلسهٔ بزرگ تشکیل می‌شود. باید همه حضور داشته باشند و حتی اعضای شورای مرکزی را تهدید کرده بود که اگر نیامدید حق شکایت ندارید. این بودکه مسأله یک مقدار غیرطبیعی شد و از آن‌جایی هم که در کابل جنگ و فشار وجود داشت، مردم داخل و خارج از آن تشویش می‌کردند که مبادا در داخل حزب مشکلات پیش بیاید. آن وقت شورای عالی نظارت که این‌جا آمدند، صلاح دیدند که اعضای شورای مرکزی

به کابل بیایند و یا اعضای شورای تصمیم‌گیری یک‌جا شوند، تا یک‌جا تصمیم بگیرند و یک‌جا عمل کنند. این بود که شورای مرکزی منتقل شد و بعد شورای‌نظار و جمعیت از کانال حرکت اسلامی با آن‌ها در تماس شدند و مسألهٔ آمدن شورای مرکزی را عملی فکر کردند و برداشت‌شان این بود که گویا موضع‌گیری‌های کابل، موضع‌گیری شخصی من است که علیه شورای‌نظار دارم و اعضای شورای مرکزی با آن موافق نیستند.

به هرصورت کلیهٔ اعضای مرکزی و شورای عالی نظارت در تعیینات شرکت کردند و اکبری با دوستانش رفتند با شورای‌نظار توافقات همکاری امضا کردند. در گزارشی که داشتیم در ابتدا ۲۶۰ میلیون پول برای این‌ها توزیع شده بود و مخصوصا آقای فاضل قرارداد نه ماده‌ای با آقای مسعود امضا کرده بود و یکی از شرایط‌های خود را گفته بود که در انتخابات هر مقدار پول که ضرورت شد، شما باید پرداخت کنید و بعد هم شورای عالی نظارت انتخابات را در موقع معین آن دایر نکرد و آن را به تأخیر انداخت که براساس آن، برای مردم ناراحتی و نارضایتی پیش آمد و از داخل و خارج پیام دادند و در کابل تظاهرات به خشونت گرایید که در ایجاد آن خشونت هم دقیقا آقای فاضل دست داشت. چند روز اول، تظاهرات آرام بود. مردم می‌آمدند و خواسته‌های‌شان را مطرح می‌کردند و بر می‌گشتند؛ اما عمال آقای فاضل، که بعد ثابت شد تظاهرات را به خشونت نزدیک ساختند، بالای خانهٔ آقای بهشتی حمله کردند و قصدشان هم این بود که آقای بهشتی را به قتل برسانند و بعد آقای فاضل روضهٔ او را بخواند که این مسأله با هشیاری اطرافیان آقای بهشتی خنثی شد و آن‌ها به تحریکات عمال فاضل اعتنا نکردند و فریب نخوردند. بعد بالای خانهٔ آقای اکبری رفتند و در آن‌جا هم شما شاهد بودید که بالای زن‌ها فیر کردند و دو زن کشته شدند، شما می‌دانید که در جریان تظاهرات کسی سلاح نداشت که حمله کند، آن‌ها بودند که فیر کردند و زن‌ها می‌دانند که در جریان تظاهرات، تظاهرات‌کنندگان سلاح نداشتند که حمله کنند، آن‌ها بودند و فیر کردند و زن‌ها را کشتند، چنین بود که مسأله وخیم شد و بعضی از نظامیان این‌جا و آن‌جا آمدند و زدوخورد کردند و در جریان آن یک نفر از طرفداران آقای اکبری کشته شد. مسأله کاملاً حساب شده بود. آن‌ها این غائله را راه انداختند تا از طریق خراب ساختن وضع داخلی حزب وحدت و مردم هزاره، بهره‌برداری سیاسی کنند. به‌هرحال نظر همه این شد که باید انتخابات دایر شود و وقتی که این توافق پیش آمد، آقای ربانی پنج‌صد میلیون افغانی را توسط سکرتر خود به‌نام صفرمحمد در اختیار این‌ها گذاشت که برای خرید رای استفاده شود و آن وقت برای هر نفری که

رای بدهد، شصت لک افغانی و یک موتر کرولا دادند؛ اما واقعیت مسأله این بود که تعداد زیادی افراد در شورای مرکزی بودند که از درایت و بینش سیاسی کافی برخوردار بودند، توطئه دشمن را می‌دانستند و برای منافع مردم‌شان و منافع حزب‌شان فکر می‌کردند. این‌ها حاضر نشدند که به توطئه‌ها تن بدهند و بعد در جریان رای‌گیری ثابت شد که آن‌ها در داخل شورای مرکزی چندان طرفدار زیادی نداشتند و رای هم نیاوردند و این یک شکست بزرگ برای آن‌ها بود.

با این‌که فهیم با پهلوان یحیی و خود مسعود با ترجمان شرط زده بود که ما در داخل حزب وحدت برنده هستیم و این برادران گفته بودند که نه، ما می‌دانیم که در داخل حزب وحدت، همه یک دستند و مردم از حزب وحدت حمایت می‌کنند؛ اما شما متکی به پول‌تان هستید.

پس از تعیینات همه باور داشتند که در همین جا مسأله خاتمه می‌یابد و پس از این کسی اغفال نخواهد شد و یک مقدار پولی را هم که مصرف کرده بودند، به نتیجه نرسید و شکست خوردند؛ اما متأسفانه معلوم شد این‌ها متوقف نشدند و دوباره نفر فرستادند که از قندوز سلاح بخرند. چنان‌چه که هفت‌صد میل سلاح خریداری کردند که پنج‌صد میل آن را در غرب‌کابل در خانهٔ آقای کاظمی جابه‌جا کردند و باقی آن را در چهارقلعهٔ وزیر آباد بردند. البته روشن بود که ما همهٔ این مسائل را می‌دانستیم؛ ولی روی مصالح مردم هزاره و تشیع و مصالح حزب وحدت تحمل می‌کردیم، تا شاید مسائل بهبود یابد و آن‌ها دست از اقدامات خود بردارند. در جنگی که بین حزب اسلامی و حرکت اسلامی در دارالامان پیش آمد، عده‌ای از نظامیانی که طرفدار آقای اکبری بودند، در جنگ شرکت کردند و قصر دارالامان را از دست حزب اسلامی بیرون کردند و بعد هم از طریق رادیو اعلان کردند که در این‌جا نیروهای دولتی موفق شده‌اند و شما هم این تبلیغات را شنیدید. با این هم ما با تحمل و گذشت پیش رفتیم و تلاش داشتیم که مسائل را از طریق تفاهم و استدلال حل کنیم و فکر می‌کردیم که شاید بتوان این‌ها را اصلاح کرد و به راه آورد.

در سه حوت در سخنرانی مفصلی که داشتم، این مسأله را توضیح دادم که ما به مردم خود به افغانستان و به وحدت‌ملی فکر می‌کنیم. این موضوع که در کنار این باشیم یا آن باشیم، غلط است و توضیح مفصل ما روی این مبنا بود که ما می‌خواهیم همه به‌عنوان برادر و برابر در کنار هم‌دیگر زندگی کنند؛ اما این‌ها اکتفا نکردند و دنبال قضیه بیرون آمدند و پس از شکست‌شان تصمیم گرفتند که هماهنگ با حرکت اسلامی اقدام نظامی کنند و برای این منظور پول گرفتند و مهمات خریداری کردند و در جنگ هم هم‌زمان با اتحاد سیاف و شورای‌نظار وارد اقدام شدند.

حتی این‌ها نزد مسعود رفته بودند و گفته بودند که می‌خواهیم فلانی را با نظامی‌های او از بین ببریم، منتها شما سعی کنید قضیهٔ افشار دوباره تکرار نشود، خانه‌های مردم چور و چپاول نشوند، مردم اسیر نشوند تا ما بتوانیم در بین مردم نفوذ کنیم و زندگی کنیم. ما از همهٔ این مسائل آگاه بودیم و آقای فاضل هم در مشهد گفته بود که به همین نزدیکی‌ها در کابل تحولاتی پیش خواهد آمد و در این‌جا هم تبلیغات می‌کردند و سخن‌های ضد حزب وحدت گفته بودند که همه‌اش را می‌دانستیم و مسائل را تحت نظر داشتیم، گزارش‌های دقیقی هم بود؛ اما زمان آن معلوم نبود که چه وقت عملی می‌شود. بعد وقتی که تصمیم آن‌ها گرفته شد و می‌خواستند عمل کنند، یک عده از قوماندانان دلسوز حرکت اسلامی که برای مردم خویش فکر می‌کردند، به ما خبردادند که این‌ها علیه شما اقدام می‌کند. آن وقت ما مصلحت را بر این دیدیم که یک عده کسانی را از حرکت اسلامی که توطئه کرده بودند، دستگیر و تصفیه کنیم که این‌ها نتوانند وارد عمل شوند که متأسفانه آن‌ها چون آمادگی قبلی داشتند، تحریکاتی راه انداختند، جنگ همگانی شد و مشکلاتی زیادی پیش آمد؛ ولی با آن هم تصفیه شدند و رفتند.

به هرصورت این مسائل که پیش آمد، از دیر زمانی برنامه‌ریزی شده بود و حزب وحدت و شورای مرکزی می‌خواستند که وحدت حفظ شود و جنگ داخلی پیش نیاید. راه‌های مسالمت‌آمیز زیادی را به خاطر این منظور در نظر گرفتند که متأسفانه بی‌نتیجه ماند و هنگامی‌که آن‌ها تصمیم نظامی گرفتند، دیگر راهی نمانده بود به‌جز این‌که جلو آن‌ها را قاطعانه بگیریم و مردم را نجات بدهیم.

بشارت: استاد محترم، طوری که دیدیم قبل از جریانات ماه سنبله، حزب وحدت در فعالیت‌های محاربه‌ای شورای عالی هماهنگی زیاد سهم نداشت، آیا در این زمینه اختلافات آقای اکبری با حزب وحدت کدام نقشی داشت؟

استاد مزاری: ما در این رابطه مشکلاتی زیادی داشتیم که در حدود سه چهار مشکل عمده‌تر بودند. یکی از آن مشکلات، آقای اکبری در داخل حزب وحدت بود که روی اهداف خاص خود مخالفت می‌کرد، مشکل دیگر حرکت اسلامی بود که متحد دولت بود و ما مخالف دولت بودیم و بعد هم در غرب‌کابل وضع طوری بود که اگر یک پوسته از ما بود، یک پوسته دیگر از حرکت اسلامی بود، روی این لحاظ شرکت کردن فعال در جنگ برای ما مشکل بود. با این هم در اوقات جنگ اگر نیرو ضرورت بود، ما به شورای هماهنگی کمک کردیم. مشکل دیگر مشکل مردم بود؛

چون وقتی که جنگ در داخل شهر پیش آمد، مهاجرین زیادی که بیشتر از پنجا هزار می‌شدند، در این منطقه آمدند. در فصل زمستان و هوا هم سرد بود، لذا اگر جنگ شروع می‌شد، مردم واقعا نابود می‌شدند و ما به این امر راضی نشدیم؛ ولی با شورای هماهنگی هماهنگ بودیم.

شارت: استاد محترم، در این روزها مأمورین وزارت خارجهٔ ایران می‌گویند که قرار است در تهران یک کنفرانس دایر شود، اگر در این زمینه توضیحاتی بدهید.

استاد مزاری: ایرانیان به خاطر این‌که با افغانستان هم‌مرز و همسایه‌اند و مهاجرین زیادی در آن کشور زندگی می‌کنند و هم‌چنین مهاجرین زیادی در پاکستان پناهنده شده‌اند و این دو کشور مشکلاتی زیادی را در دوران جهاد تقبل کرده‌اند، طبیعی است که حالا برای آرامی افغانستان و صلح در این کشور تلاش می‌کنند.

لذا در این اواخر کنفرانس اسلامی در اسلام‌آباد دایر شد و در آن‌جا مسأله افغانستان مورد بحث قرار گرفت، آن‌ها فیصله کرده بودند که دولت‌های ایران و پاکستان، به خاطر تحقق صلح در افغانستان تلاش کنند. بعداً هیأت از سوی دولت ایران به افغانستان آمد و با مسئولین جهادی افغانستان و طرف‌های درگیر جنگ ملاقات کردند و به این نتیجه رسیدند که کنفرانس باید در ایران تشکیل شود و از گروه‌های درگیر جنگ دعوت کردند که در مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم شرکت کنند. دعوت از طرف کنفرانس اسلامی و میزبانی آن از سوی دولت ایران باشد. حالا این‌که این تلاش‌ها به چه میزانی مؤثر واقع می‌شوند یا مؤثر واقع نمی‌شوند، باید دید. بعد از سپری شدن جلسهٔ کنفرانس معلوم خواهد شد و اکنون نمی‌شود در این مورد پیش‌بینی کرد؛ اما هر کسی که برای تأمین صلح و امنیت در افغانستان اقدام کند، شورای هماهنگی از اقدام آن‌ها حمایت می‌کند. مخصوصا در این شرایط که مردم در وضع ناگوار قرار دارند؛ چون فصل زمستان در پیش است و مهاجرین هم زیادند، حالا اگر اقدامی در جهت تأمین صلح صورت گیرد، ما از آن پشتیبانی می‌کنیم و اجلاسی که در ایران برگزار می‌شود با این‌که طرح خود را اعلام نکرده‌اند، از آن‌جایی‌که اقدام‌شان در جهت آرامش مردم است، مورد حمایت است.

بشارت: استاد محترم، در مورد قوماندانان و بعضی افراد سیاسی حرکت اسلامی شیخ آصف محسنی صاحب، گفته می‌شود که براساس معامله‌گری خودسرانه عمل می‌کنند، از نظر شما موضع محسنی صاحب در مورد جریانات غرب‌کابل چه بوده است؟

استاد مزاری: بعضی مسائل و مشکلات وجود دارند که به نظر آقای محسنی صورت می‌گیرند

و بعضی هم بدون مصلحت او انجام می‌شوند. در جنگ‌های گذشته که بین حزب وحدت و اتحاد بود، آقای محسنی یا در خارج بود یا در منطقهٔ وزیراکبر خان زندگی می‌کرد و این‌که اتحاد با سلاح‌های ثقیله مناطق ما را می‌کوبید، ایشان نمی‌دید و لذا موضع خاص خودشان را می‌گرفت، چنان‌چه در جنگ دوم ۱۸۴۰ خانه تنها در دشت‌برچی صدمه دیدند و آقای محسنی خبر نداشت؛ اما قوماندانان حرکت اسلامی به عنوان این‌که خودشان از مردم غرب‌کابل بودند و شاهد همه چیز بودند، در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و دفاع می‌کردند و حرف آقای محسنی این بود که می‌گفت قوماندان‌ها و مجاهدین خودسر عمل می‌کنند و شاید هم به مصلحت دولت این حرف را تکرار می‌کرد؛ ولی من با این حرف او موافق نیستم؛ زیرا در این‌جا آقای انوری مسئول نظامی حرکت بود که از جهاد آقای ربانی حمایت کرده بود و علیه شورای هماهنگی اعلان جنگ داده بود و به حمایت آقای ربانی نیرو فرستاده بود؛ اما آقای محسنی در این جریان هیچ حرفی نگفت که موضع‌گیری انوری درست است، یا نیست، بعد هم با حزب اسلامی وارد جنگ شدند، دولت اعلان کرد که نیروهای دولت با حزب اسلامی درگیرند. بعد آقای محسنی می‌گفت من با این جنگ موافق نیستم، در جلسهٔ شورای مرکزی حرکت، ایشان گفته بود که شما برای ما افتخار آفریدید و در این مدت که پاکستان بودم، چندین بار مقامات خارجی در این مورد با من تماس گرفتند. محسنی برای برادران حزب اسلامی می‌گفت که من مخالف جنگ هستم، آقای ربانی می‌گفت که هر موضعی را که شورای مرکزی حرکت منظور کند، مورد تأیید من است و من اگر این‌جا خود را بی‌طرف می‌گیرم، این به نفع ما و شما است و این نشان می‌دهد که موضع آقای محسنی همیشه دوگانه بوده است؛ ولی با این هم یک حرفش راست است که این‌جا مردم و قوماندانان غرب کابل از خود دفاع می‌کردند، آقای محسنی این‌جا نبود و جنگ را بی‌مفهوم می‌خواند و می‌کوبید؛ اما این‌که نیروی ایشان علیه شورای هماهنگی می‌جنگیدند، آقای محسنی آن را تائید می‌کرد. در این اواخر هم توطئه‌ای را که شورای‌نظار توسط بعضی از عناصر حرکت و شخص آقای انوری و اشخاص دیگر در داخل حزب وحدت راه‌اندازی کرده بودند، آقای محسنی موضع شورای‌نظار را تأیید کرد و حتی اعلان جهاد هم داد که شما مصاحبه‌اش را شنیدید. پس معلوم می‌شود که وقتی جنگ علیه مردم غرب‌کابل صورت می‌گیرد، آقای محسنی موافق نیست که قوماندانانش به دفاع از مردم شرکت داشته باشند و این راست است؛ اما وقتی که علیه مردم در پهلوی ربانی و مسعود، توطئه راه می‌اندازد و با مردم ما می‌جنگد، آقای محسنی موافق این

جنگ‌ها است. موضع اصلی محسنی این است.

داور: استاد محترم، این یک حقیقت است که حزب وحدت اسلامی با مجاهدین خود در سنگرها باقی‌اند؛ ولی یک عده در کنار جناح آقای اکبری قرار دارند و اگر آن‌ها با همکاری شورای‌نظار بخواهند حزب وحدت دیگری را تشکیل بدهند در این رابطه موضع‌گیری‌های حزب وحدت چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما معتقدیم کسانی که از حزب وحدت خارج شده‌اند و اجیر بیگانگان شده‌اند، هیچ جای پایی در میان مردم ما ندارند و مردم ما از نگاه تاریخی به آن مرحله از رشد سیاسی رسیده‌اند و دشمنان خود را می‌شناسند و کسانی را که در داخل حزب وحدت دشمنی ایجاد کرده‌اند به سادگی دفع و طرد کرده‌اند و می‌کنند. در حوادث اخیر ثابت شد که در این‌جا توطئهٔ بسیار خطرناک جریان داشت و مجموعهٔ مسائل هم از دیدگاه عمومی اختلافات داخلی تلقی می‌شد؛ اما نظامیان حزب وحدت و مردم متعلق به این حزب با حمایت قاطع خود این توطئه را خنثی کردند و مجموعهٔ تلاش‌های دشمن نقش برآب شدند. اکنون کسانی که در پهلوی شورای‌نظار رفته‌اند، کسانی‌اند که هیچ جای پایی در بین مردم ندارند و شما می‌دانید کسی که از نگاه نیروی نظامی و مردمی توان نداشته باشد، حزب تشکیل دادن بدون مردم امکان‌پذیر نیست و اینان نمی‌توانند حزب تشکیل بدهند، مگر حزب تشریفاتی که فقط به درد معامله‌گیری می‌خورد. در دوران جهاد هم این‌گونه احزاب فراوان وجود داشت که هرکدام در جایی برای خود تبلیغات می‌کردند؛ ولی کدام نقش مهم نداشتند. این‌ها هم با امکاناتی که از شورای‌نظار گرفته بودند، در داخل حزب کدام اطمینانی نداشتند، و اکثریت‌شان پول‌هایی را هم که گرفته بودند، حیف و میل کردند و بعد هم توطئه‌ای را طرح‌ریزی کردند و به این فکر بودند که به این ترتیب می‌توانند حزب وحدت را متلاشی کنند و از بین ببرند. در جلسهٔ هرات این‌ها مخفیانه شرکت کردند و هیچ‌وقت هم گفته نتوانستند که ما در آن‌جا شرکت می‌کنیم یا نماینده می‌فرستیم. پیش ربانی هم نماینده‌هایی که می‌فرستادند، کدام احترامی برای‌شان نمی‌شدند و بالاتر از برد تبلیغاتی ارزشی به آن‌ها داده نشد. این توطئهٔ اخیر که خنثی شد، باز گفتند که ما جنگ داخلی راه می‌اندازیم، در بامیان و در میدان جنگ می‌کنیم، به این بهانه یک مقدار پول گرفتند، نفر فرستادند و گفتند که ما با راه‌اندازی جنگ طرفداران مزاری را در مناطق مرکزی ضعیف می‌سازیم. در بامیان مردم جواب دادند که ما کدام داعیه‌ای نداریم که درگیری کنیم. در میدان هم همین طور برای هادی

پول فرستادند که جنگ را در آن‌جا راه‌اندازی کنند؛ اما به نتیجه نرسیدند؛ لهذا حالا معتقدیم که شورای‌نظار باید سر عقل آمده باشد و پول‌های‌شان را بی‌خود مصرف نکنند. همین قدر هم که استفادهٔ سؤ کرده‌اند اکتفا کنند و تشنج را در داخل مملکت ادامه ندهند. مشکلاتی را که در پیش است، از راه اساسی و معقول آن حل کنند. اگر نفر خریدن و پول مصرف کردن نتیجه می‌داد تا هنوز به نتیجه رسیده بودند که شما شاهد بودید، این تلاش‌ها هیچ‌کدام اثری نکرده‌اند، جز این‌که اغتشاش و جنگ را بیشتر کرده‌اند.

عزیز: استاد محترم، شما دربارهٔ تحولات اخیر که پس از کشف و خنثی شدن توطئهٔ شورای‌نظار پیش آمد، مفصلا صحبت کردید، در مورد دستاوردهای مردم و حزب وحدت اسلامی از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی هم صحبت کنید، عالی می‌شود.

استاد مزاری: دستاورد برای یک مسأله‌ای، در جایی عنوان می‌شود که کسی طرحی داشته باشد تا در کاری اقدام کند، آن وقت است که این سؤال پیش می‌آید که این اقدام برنامه‌ریزی شده چه دستاوردی داشته است؛ ولی در این‌جا ما ابتکار جنگ را در دست نداشتیم و طرف مقابل داشته است که طرح‌ریزی کرده بود تا مردم ما را نابود کنند و موجودیت آنان را از بین ببرند، حزب وحدت را نابود کنند. ما فقط برای جلوگیری از این توطئه اقدام کردیم و در این‌جا بالاترین دستاورد ما همین است که توطئه خنثی شده است. البته در طول دو سال و هفت ماه گذشته توطئه‌های مختلفی را علیه مردم ما طرح‌ریزی کرده بودند و این بار آمدند برنامهٔ‌شان را در داخل حزب وحدت ریختند و برای آن پول مصرف کردند. در این‌جا حزب وحدت مجبور شد که مقابله کند و بلاخره به فضل خدا موفق هم شد.

قبلا آقای ربانی و مسعود در رابطه با حزب وحدت اسلامی همه روزه می‌توانست مشکلات ایجاد کنند، برنامه‌ها را مختل کنند. با اغفال اعضای شورای مرکزی اختلافات به وجود بیاورند، راه عبور و مرور مردم را بند کنند، این مسائل کاملا ختم شده‌اند و اکنون کسی از مردم ما فریب نمی‌خورد و کسی هم نمی‌تواند روی مردم معامله کند. مسأله دیگری که در این‌جا است و شما هم می‌بینید در داخل همهٔ گروه‌ها و همهٔ تشکیلات یک‌سری بی‌بندوباری‌ها وجود دارند که انگیزه و علت اصلی آن ناامنی در سطح مملکت است، که ما هم داریم و کنترل کرده‌ایم. جنگ دوام‌دار است که باعث شده است که هیچ گروه نتواند افراد متخلف را به صورت قاطع جزا بدهد و حزب وحدت هم از این پدیده مجزا نبوده است و نیست. یک‌سری قوماندانان و مسئولین خودسر بودند

که ناامنی به وجود می‌آوردند و مردم را اذیت می‌کردند. حزب وحدت از مدت‌ها بدین طرف تلاش داشت که در ساحهٔ تحت کنترل خود امنیت را تأمین کند و جلو خودسری‌ها را بگیرد؛ ولی کسانی که در این‌جا طرفدار ربانی بودند، مشکل به وجود می‌آوردند و هر روزی که ما می‌خواستیم جدی اقدام بکنیم، ضرورتا باعث می‌شدند که یک جنگ داخلی صورت بگیرد؛ اما امروز این مسأله تمام شده است و غرب‌کابل همه یک دست است، هر برنامهٔ امنیتی و طبق هر فرم نظامی و امنیتی که بخواهیم و به وجود بیاوریم، کسی مانع ایجاد نمی‌تواند. این دستاورد بزرگی برای مردم ما است و ما امیدواریم که شورای هماهنگی هم در ساحات تحت کنترل خود امنیتی را که دل خودشان می‌خواهند برقرار کنند و از راه‌گیری و بعضی مسائل دیگر که قبلا وجود داشتند، جلوگیری کنند و امنیت را که قبلا طرفداران ربانی اخلال می‌کردند، دوباره تأمین کنند و زمینه آن هم امروز کاملا فراهم شده است.

بشارت: طرف مقابل گاه‌گاهی از به اصطلاح برخی سؤظن‌هایی که میان قوت‌های شورای هماهنگی وجود دارند، تبلیغات می‌کند، اگر شما در این زمینه معلومات بدهید و نیز بگویید که اصول بحث و مذاکرهٔ شما با انجنیر صاحب حکمتیار در چهارآسیاب روی چه موضوعاتی بوده است؟

استاد مزاری: تبلیغات دشمن طبیعی است که واقیعت ندارد. یک‌سری مشکلاتی که بین مجاهدین است، در رابطه به شورای هماهنگی و حزب وحدت نیست، مشکلات از ناحیهٔ برخی افراد خودسر است که در این‌جا حزب وحدت یا حزب اسلامی استثنایی ندارد. این مشکلات را بیشتر نبود نظام مردمی و فراگیر در افغانستان به وجود آورده است که عامل اصلی آن آقای ربانی است که نه اردو تشکیل می‌شود نه پولیس تشکیل شده است و نه امنیت برقرار است. طبعاً در این‌جا جنگ هم ادامه پیدا کرده است و این خودسری‌ها به وجود آمده‌اند و این تبلیغاتی که شورای‌نظار ممکن است داشته باشد، کاملا دروغ است.

در چهارآسیاب روی مسائل ضروری مانند ناهماهنگی‌هایی که وجود داشت، بحث شد و برطرف شد. هماهنگی کامل به وجود آمد. قبلا شورای هماهنگی پنج کمیسیون تشکیل داده بود، وقتی که حضرت صاحب آمد، پیشنهاد شد که مشترکاً یک جلسه دایر شود و روی همهٔ موارد لازم بحث و توافق صورت بگیرد که گرفت و امضا شد. یکی از این کمیسیون‌های پنج‌گانه برای مسأله امنیت و ناامنی‌هایی راه‌ها تشکیل شد. این مشکلات گاهی اصطکاک‌هایی پیش

می‌آورد که روی آن بحث شد و توافق صورت گرفت و مورد قبول واقع شد. حالا هم امیدوارم که این کمیسیون‌ها فعال شوند و عملاً به کارهای خویش آغاز کنند و مشکلاتی که است و دشمن از آن استفاده می‌کند، رفع گردد تا برای مردم کابل هم اطمینان بیشتر پیدا شود که بین شورای هماهنگی نظم و هماهنگی وجود دارد.

بشارت: استاد محترم، در مورد حوادث و جریانات اخیر قندهار نظر شما چیست؟

استاد مزاری: دربارهٔ حوادث قندهار و حرکت طالب‌ها عرض کنم که این مسأله یک مقدارش طبیعی است و یک مقدار آن دست‌ها و اهداف بیرونی‌اند که وارد صحنه شده‌اند. چیزی که امروز در جامعه خوشبینی ایجاد کرده است و مثل معروف که، صدای دهل از دور خوش است، اگر کسی بگوید با این حرکت در کشور نظم، امنیت و آرامش به وجود می‌آید، فکر نکنم زیاد واقع‌بینانه باشد؛ اما علت این خوشبینی این است که در طول دو سال و هفت ماه گذشته حکومت غیرقانونی یا بگویم استیلای غیرقانونی آقای ربانی، وضعیتی را در افغانستان به وجود آورده است که آرامش مردم از بین رفته است. در ابتدای پیروزی، انگیزه‌های مختلفی برای ایجاد حکومت در بین مردم وجود داشت، یک تعداد قاطع مردم افغانستان دنبال این بودند که یک حکومت اسلامی تشکیل شود که آرمان شهدا و مجاهدین ما تحقق پیدا کند، یک تعداد افراد می‌خواستند که یک حکومت ملی به وجود بیاید که استقلال و تمامیت ارضی افغانستان تأمین شود و دیگر کسی بالای این کشور تاخت‌وتاز نکند و در امور آن مداخله نتواند.

یک تعداد هم می‌خواستند که حکومتی مانند حکومت‌های غرب به وجود بیاید که دموکراسی باشد و مردم در صحنه باشند و آزادی باشد. این از نیازهای طبیعی جامعه بود که هرکس روی انگیزهٔ خاصی دربارهٔ آینده و حکومت این کشور فکر می‌کردند، روشنفکران روحانیون و تمام اقشار افغانستان آرمان‌ها و خواسته‌های متعددی داشتند؛ ولی دو سال و هفت ماه زمامداری و انحصارطلبی ربانی همهٔ این اندیشه‌ها را نقش برآب کرد؛ یعنی امروز برای مردم و اقشار مختلف افغانستان دیگر هیچ آرمان و انگیزه‌ای جز تأمین امنیت وجود ندارد. امروز مردم دنبال این مسأله نیستند که تلاش کنند، خون بدهند تا به حکومت اسلامی برسند، این یک واقعیت است یک‌بار احزاب را در نظر می‌گیریم و یک‌بار ذهنیت عموم مردم را، بعد می‌بینیم که مردم دنبال امنیت‌اند. این خواست مردم و ذهنیت مردم است. کسانی هم که ملی فکر می‌کردند یا روشنفکر و غرب‌گرا بودند، هیچ‌کدام به آرزوهای خود نرسیدند، حالا مردم می‌گویند حاکم

هندو باشد؛ ولی امنیت را تأمین کند.

لذا از هر جای که یک موج تازه یا حرکت تازه به وجود می‌آید، مردم خوشبین می‌شوند و آن را تا می‌توانند بزرگ جلوه می‌دهند و بر سر زبان‌ها می‌اندازند. شب و روز نقل مجلس می‌سازند. این چیز طبیعی است؛ اما درواقع امروز می‌بینید که در افغانستان از هزار تا حکومت بیشتر است و این اغراق نیست، فکر کنید که یک حکومت دیگر هم مثلا در قندهار توسط طلبه‌ها ایجاد شود، این چه دردی از مردم را دوا می‌کند؟ از طرف دیگر این طلبه‌ها آمدند و در قندهار استقبال شدند و کسی با آن‌ها جنگ نکردند؛ اما آیا چه تضمینی وجود دارد که مثلا در زابل با آن‌ها جنگ نشود و در زابل آن‌ها کشته نشوند.

از این‌رو است که ما معتقدیم سیاست جهانی در اروپا و آمریکا و جای دیگر این جهان این است که در افغانستان حکومت با ثبات به وجود نیاید و خواست‌شان هم این را ایجاب می‌کند. آن‌ها نه جنگ تعیین‌کننده را در افغانستان قبول دارند و نه صلح پایدار را می‌خواهند. آن‌ها از ناآرامی حمایت می‌کنند. دلیل آن هم این است که مردم مسلمان دنیا با انقلاب افغانستان آشنا هستند و در طول چهارده سال یک قدرت بزرگ در این کشور دخالت کرده بود و در هیچ جای دنیای اسلام کسی شک نداشت که روسیهٔ کمونیست افغانستان را اشغال کرده بود و شما نمی‌توانستید کسی را در گوشه‌ای از دنیا پیدا کنید که بگوید در این‌جا جنگ کفر و اسلام نیست؛ لذا همه با این انقلاب کمک کردند، پول فرستادند، دعا کردند و فرزندان خود را فرستادند و خلاصه به هر شکلی که بود این انقلاب یک پیوند جهانی داشت و طبعاً پیروزی این انقلاب هم پیروزی جهان اسلام به حساب می‌آمد و دیدیدیم که مخالفان جهانی اسلام از این مسأله به وحشت افتادند و دنبال راهی برآمدند که این انقلاب را در همین جا دفن کنند تا در جای دیگر سبز نکند. باید کاری کنند که آن قدر ناآرامی، بی‌امنیتی و جنگ داخلی در این کشور به وجود بیایند که تمام مسلمانان جهان دل‌شان سیاه شوند و بگویند که فایده ندارد، اگر ما کمک کردیم، اگر نفر فرستادیم، اگر دعا کردیم، بی‌فایده بوده‌اند، هیچ‌وقت هم نمی‌خواهیم که این‌گونه از اسلام و حکومت اسلامی در کشور ما پیاده شود؛ یعنی دشمنان مردم، ما را به ادامه دادن ناامنی تحریک می‌کنند. مسأله دیگری که وجود دارد، مسألهٔ آسیای‌میانه است. آسیای‌میانه سرزمین مسلمانان است. هفتاد سال فشار روس‌ها و سد آهنینی که درست کرده بودند، نتوانستند احساس اسلامی را در آسیای‌میانه از بین ببرند. در این منطقه اسلام رشد کرده است و سال‌ها در آن‌جا حاکمیت داشته است و

طبعاً اگر در افغانستان پس از جهاد چهارده ساله، یک حکومت پایدار اسلامی تشکیل می‌شد، طبیعی بود که در آسیای‌میانه تأثیر خود را می‌گذاشت؛ چون مردم آسای‌میانه مشترکات زیادی با مردم افغانستان دارند؛ یعنی از نگاه اسلامی از نگاه ملی از نگاه احساس و خواسته‌های مردمی با هم‌دیگر پیوند دارند و اگر در این‌جا حرکت اسلامی و جهادی نتیجه می‌داد، تمام خصلت‌های جهاد و ارزش‌های اسلامی از این‌جا صادر می‌شدند و این یک خطر بسیار جدی برای روس‌ها بود؛ چون آن‌ها می‌خواهند که حاکیمت اتحاد جماهیر شوروی را به یک شکل دیگر ادامه بدهند و این در صورتی امکان دارد که از ایجاد حکومت در افغانستان جلوگیری شود. این است که هرکس یک موج تازهٔ ناآرامی ایجاد می‌کند و دست‌های خارجی در پشت آن قرار می‌گیرد. از طرف دیگر شما می‌بینید که آمریکایی‌ها در تبلیغات‌شان همیشه می‌کوشند مسأله بنیادگرایی را مطرح کنند؛ ولی این‌جا می‌بینیم که کسانی که طرفدار آمریکا هستند، از حرکت طالبان حمایت می‌کنند، این به چه معنی است؟ این ملاها که آمده‌اند، در این‌جا به قطع دست و پا و اعدام شروع کردند تا شرع را پیاده کنند، با این‌که این کارها در یک نظام پایدار نیست و چیزی که مقطعی باشد و داخل یک نظام تعقیب نشود، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. به هرحال آن‌ها از این حرکت حمایت می‌کنند. می‌بینیم وقتی که مسلمان‌ها می‌خواهند مسلمانی عمل کنند و اسلام را تحقق ببخشند، غرب با آن مخالف می‌کند؛ اما این‌جا که آخوندها می‌آیند تلویزیون را تخریب می‌کنند که از این تلویزیون منافقین حرف زده‌اند، بعد هم به آشوب‌گری شروع می‌کنند، می‌بینیم که غربیان از آن‌ها حمایت می‌کنند، این بنیادگرایی معنا نمی‌شود؛ این است که ما معتقدیم ولو این حرکت در اصل با انگیزه و هدف خاص صورت گرفته باشد، دست‌های خارجی پشت آن دخیلند و این برای حل مسألهٔ افغانستان مفید نیست؛ بلکه بر مشکل افغانستان می‌افزاید. باور ندارم که این حرکت‌ها کارساز باشند، در همان قندهار که هستند، می‌مانند و پیش آمده نمی‌توانند.

بشارت: استاد محترم، اگر این حرکت طالبان به طرف غزنی و کابل ادامه پیدا کند، موضع شورای هماهنگی در برابر آن چه خواهد بود؟

استاد مزاری: تا حالا در زابل و غزنی فیصله شده است که طالبان را اجازه ندهند که پیش بیایند و جلو آن‌ها را بگیرند. این فیصله را هم زابل و هم شورای جهادی غزنی کرده است که شورای هماهنگی از آن حمایت می‌کند.

بشارت: استاد محترم، از نظر شما حرکت اوضاع در دو و نیم سال گذشته، آیا به سوی بهتر

شدن پیش رفته است یا به سوی خراب‌تر شدن در حرکت است. کدام عوامل شما را به راه‌حل خوشبین و امیدوار می‌سازد و کدام عوامل مأیوس‌تان می‌کند؟

استاد مزاری: ما بر این باوریم که وقتی در ابتدا موج انقلاب افغانستان به پیروزی رسید، در افکار و اندیشه‌های مختلف این کشور تأثیراتی گذاشت و هرکس احساس می‌کرد که به تنهایی می‌تواند مسأله افغانستان را حل کند. کسانی هم که ارتباط خارجی داشتند به ارباب‌های خارجی‌شان اطمینان داده بودند که ما می‌توانیم در این کشور نقش عمده داشته باشیم و دیگران را حذف کنیم و به تنهایی به نتیجهٔ دلخواه برسیم. این تفکرات مجموعاً باعث بدبختی و بدشدن وضعیت کشور گردید و لذا این دو سال و هفت ماه گذشته برای همهٔ مردم افغانستان بسیار تلخ بود و برای ما هم خوش نبود و بسیار تلخ تمام شد؛ اما حالا ما به این خوشبین هستیم که امروز نود درصد مردم معتقدند و به این نتیجه رسیده‌اند که خودکفا و انحصاری عمل نمی‌توانیم، راه اصلی راه تفاهم است، راه پذیرش یکدیگر است. آن‌هایی که به خارج ارتباط داشتند و آن‌هایی که برای نوکران خود در داخل پول مصرف می‌کردند، شاید اکنون فهمیده باشند که دیگر کسی به تنهایی نمی‌تواند در افغانستان حکومت کند. هیچ گروه و هیچ حزبی توان این کار را ندارند. از این جهت به این مرحله رسیدن را موفقیت‌آمیز و خوشبین‌کننده می‌دانیم و امیدواریم که وقتی این فکر، این راه و این منطق صد درصد شود و معضل افغانستان هم حل می‌شود؛ چون انحصارطلبی به هر شکلی و تحت هر عنوانی که باشد، حل‌کنندهٔ مشکلات جامعهٔ افغانستان نیست؛ یعنی همان طوری که همه در دوران چهارده سال جهاد سهم داشتند و تلاش کردند، باید در حکومت و ساختار سیاسی کشور هم سهم داشته باشند. هرکسی غیر از این فکر کند، آن فکر غلط است و یک روز نه یک روز به این باور خواهد رسید که اشتباه کرده است. باید همه این را بپذیرد که افغانستان مال همهٔ مردم این کشور است. هیچ جریانی قومی یا حزبی باید راضی نشود که ظلم را بپذیرد یا راضی باشد که بر دیگران ظلم کند. هرکسی که غیر از این فکر کند و باز هم لجاجت و پافشاری به خرج دهد، اشتباه می‌کند و این فکر، فکر غیرمنطقی، غیرمعقول و ناممکن است.

بشارت: اگر شورای‌نظار، استاد ربانی و استاد سیاف به این راه‌حل تن ندهند و باز هم لجاجت و پافشاری کنند، به نظر شما از کدام طریق می‌شود آن‌ها را قانع کرد، از راه نظامی یا کدام راه دیگر؟

استاد مزاری: این مسأله را در گذشته مکرراً گفته‌ام که در افغانستان راه نظامی، راه‌حل نیست؛

زیرا همگی در این کشور مسلح‌اند و احزاب و گروه‌های مختلف در مناطق مختلف تسلط دارند و نمی‌شود با فشار نظامی همه چیز را روبه‌راه کرد. البته این‌که می‌گوییم نظامی‌گری راه‌حل نیست، به این معنی نیست که گویا اگر کسی بالای ما حمله کند، ما نمی‌جنگیم، نه ابداً چنین نیست. اگر کسی بخواهد از طریق نظامی بالای ما اقدام کند، ما از حیثیت، عظمت و ناموس مردم خود قاطعانه دفاع می‌کنیم. اگر کسی تجاوز کند ما از راه نظامی مقابله خواهیم کرد. چنان‌چه که در طول این دو سال و هفت ماه نشان دادیم که می‌توانیم از مردم خود حمایت کنیم و آن‌ها را در برابر دشمن تنها نگذاریم.

و اما در رابطه با راه‌حل: دو راه وجود دارد. یکی تفاهم احزابی که در افغانستان نقش عمده را دارند و چهارده سال جهاد را پشت سر گذاشته‌اند. این‌ها باید یک راه منطقی را طرح‌ریزی کنند و از این‌که مقطعی فکر می‌کنند، منافع شخصی خود را می‌بینند، علیه یکدیگر توطئه می‌کنند با پول‌های بی‌پشتوانه افراد یکدیگر را خریداری می‌کنند، برای نابودی یکدیگر تصمیم‌های نظامی می‌گیرند، از این فکرها صرف‌نظر کنند که کارساز نیستند؛ اما این احزاب متأسفانه که تاکنون نتوانسته‌اند به این مرحله برسند که خودشان مشکلات را حل کنند. بعضی از احزاب خود را بی‌طرف جلوه می‌دهند و شعار بی‌طرفی می‌دهند، فقط پلهٔ ترازو را می‌بینند که کدام طرف سنگینی می‌کند که خود را به همان طرف بیندازند و من معتقدم که تمامی بدبختی‌های کشور ما حالا همین به اصطلاح بی‌طرف‌هایند. آن‌ها باید موضع بگیرند و به خاطر مصالح مملکت و در این جریانات خطرناک تنها نظاره‌گر نباشند، به نگاه کردن اکتفا نکنند. باید جدی تصمیم بگیرند و در پی اصلاح‌گری و حکومت مردمی و فراگیر باشند؛ اما راه دیگر متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و سرنوشت خویش را تعیین کنند. فشار بیشتر هم در این مدت بالای مردم بوده است. منتها متأسفانه که با وجود تمام این فشارها تا حالا تصمیم جدی نگرفته‌اند. در صورتی‌که باور دارم، این مردمند که کارسازند. احزاب به هر اندازه که مسلط باشند، سلاح و قدرت داشته باشند، در برابر قدرت مردم مؤثر نیستند. وقتی که مردم توانستند بر علیه شوروی و ایادی آن مبارزه کنند و در مدت اندک سلاح هم پیدا کردند و با آن‌که در اوایل هیچ کشور دنیا مردم افغانستان را کمک نکردند؛ اما چون مردم خودشان تصمیم گرفته بودند، در مقابل شوروی‌ها ایستادند و پس از آن‌که دنیا شجاعت و قهرمانی‌شان را دیدند، آن وقت آمدند و این‌ها را تشویق و کمک کردند؛ اما با آن هم تاکنون در برابر این فشارهای سخت اقدام نکرده‌اند و فقط تحمل کرده‌اند. من معتقدم که باید

احزاب هم این اجازه را بدهند که مردم وارد صحنه شوند و خود مردم هم باید باتوجه به فشاری که بالای‌شان است، تصمیم بگیرند و وارد اقدام شوند. این دو راه‌حل ما است.

بشارت: در این اواخر شنیده می‌شود که زمامداران مسکو از کمک‌های خود به مسعود که پی هم شکست می‌خورد، پشیمان شده‌اند و دارند در مواضع‌شان تجدید نظر اساسی می‌کنند. در این زمینه شما چه نظر دارید؟

استاد مزاری: من به این باور نیستم که روس‌ها خواستار این باشند که در افغانستان یک حکومت اسلامی به وجود بیاید و آن حکومت امنیت مردم را تأمین کند. امکاناتی هم که در مجموع از طرف روس‌های یا هر کشور خارجی دیگر مصرف می‌شوند برای ناآرام نگهداشتن افغانستان است. گذشته از آن اکنون مسألهٔ افغانستان برای روس‌ها کدام مصرفی در بر ندارد. چاپ کردن پول که از طرف روس‌ها انجام می‌گیرد، چندان هزینه بر دوش آن‌ها ندارد. این پول برای روس‌ها فقط ارزش کاغذی دارد و هنگامی‌که از مردم این طرف شد، اعتبار پولی پیدا می‌کند و آن‌ها به خاطر این کاغذ در کدام مضیقه هم قرار ندارند. حتی در مسألهٔ تاجیکستان هم که حالا دچار اغتشاش است، دست روس‌ها را دخیل می‌دانم. هرقدر که تاجیکستان ناآرام‌تر باشد، وابستگی کشورهای آسیای‌میانه به روس‌ها بیشتر می‌شوند. یکی را به جان دیگر می‌اندازد و آن وقت به هرکدام می‌گوید که اگر ما نباشیم، کسی دیگری نیست و از شما کسی دفاع نمی‌تواند. این است که می‌بینیم روس‌ها هم دولت و هم مخالفین دولت را در تاجیکستان تقویت می‌کند مخالفین در خود مسکو دفتر دارند. روس‌ها دنبال منافع قبلی‌شان در آسیای‌میانه‌اند و یکی از راه‌های تأمین منافع آن‌ها، این است که افغانستان به عنوان همسایهٔ کشورهای آسیای‌میانه ناآرام باشد و این است که ما معتقد نیستیم که روس‌ها به این نتیجه رسیده باشند که دیگر در این کشور دخالت نکنند. آرامی افغانستان به تأمین راه‌های مواصلاتی به آسیای‌میانه منجر می‌شود و پاکستانی‌ها به آسانی از این راه استفاده می‌کنند که این به نفع روس‌ها و بازار اقتصادی‌شان نیست و لذا کوشش می‌کنند که با ناآرامی در این کشور، منافع خود را حفظ کنند. آن‌ها فکر مردم افغانستان را ندارند.

بشارت: بعضی حلقات نزدیک به مسعود اعتقاد ندارند که او برای ادامه دادن جنگ و ناامنی در افغانستان از کشورهای خارجی پول می‌گیرد و این باعث می‌شود که او به صلح و راه‌حل تن ندهد، تحلیل شما در این باره چیست؟

استاد مزاری: به این مسأله موافقم که هرقدر کمک از خارج به مسعود می‌رسند به خاطر

اغتشاش و جنگ است؛ ولی این‌جا امیدی که دارم از برادران تاجیک ما است که باید این مسأله را درک کرده باشند که حکومت مسعود به نفع‌شان نیست و تنظیم جمعیت هم شاید این نکته را متوجه شده باشند و از قرار معلوم این فکر در داخل آن‌ها بروز کرده است که اگر تقویت شود و آن‌ها دنبال عمل بروند. طبعاً دیگر مشکلات رفع خواهد شد و این خوشبینی هست که اگر نیروی داخلی بسیج شوند، کارساز خواهد شد.

داور: استاد بعد از خنثی شدن توطئهٔ ماه سنبله، مسئولین سفارت ایران تلاش کردند که در بین شما و آقای اکبری میانجی شوند، نتیجهٔ آن به کجا انجامید و اگر حالا اکبری و اطرافیانش بخواهند که دوباره به حزب وحدت بیایند، آیا پذیرفته خواهند شد؟

استاد مزاری: سفارت ایران میان حزب وحدت و شورای‌نظار میانجی بودند و در مورد اکبری هیچ‌گونه پیشنهادی نکردند؛ اما این جنگ که پیش آمد، در خارج تبلیغات عناصر ضد حزب وحدت این طور بود که گویا جنگ بین شورای نظار و حزب وحدت نیست جنگ بین خود حزب وحدت و حرکت است. روی این مسأله در روز سوم جنگ جمهوری اسلامی ایران و سفارت آن کشور در تماس شد که آتش‌بس شود و جنگ ادامه پیدا نکند. ما گفتیم که اشکال ندارد. طرفدار جنگ نبوده‌ایم و نیستیم. فقط خواستیم توطئه خنثی شود که خنثی شده است. منتها حالا که شما میانجی‌گری می‌کنید، باید تضمین این را هم بدهید که آتش‌بس ادامه پیدا کند و جنگ دوباره آغاز نشود. این حرف اول ما بود؛ اما عبدالرحمان در سفارت جمهوری اسلامی گفته بود که ما به هیچ وجهی تحمل نمی‌توانیم که اسکاد در دست حزب وحدت یا حزب اسلامی بیفتد، باید در دست دولت باشد. ما چون به هیچ صورت طرفدار جنگ نبودیم، گفتیم که ما از توطئه جلوگیری کردیم و با اسکاد کاری نداریم. آن‌ها رفتند؛ اما فردای آن جنگ شدیدی را دوباره آغاز کردند. در روز اول تمام منطقه به استثنای اسکاد تصفیه شد. آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان مرجع دینی فتوا داد که این جنگ داخلی حرام است. این فتوا را برای ما ابلاغ کردند و ما پذیرفتیم؛ اما پس از آن، پنجاه‌وپنج روز تمام به شدت جنگ ادامه پیدا کرد و در طول این مدت، ایرانی‌ها دوسه بار دیگر هم آمدند، یک‌بار پس از سقوط اسکاد آمدند و باز هم ما قبول کردیم؛ اما عملی نشد. به هر صورت در تمام این مدت آمدند و روی مسألهٔ عمومی افغانستان بحث کردند؛ اما در مورد فراری‌هایی که از کنار ما رفته‌اند، بحثی مطرح نشد.

و این مسأله مربوط به مردم غرب‌کابل است که صلاحیت دارند و این از صلاحیت ما و کسانی

که در شورا هستند، خارج است، سرنوشت آن‌ها متعلق به مردم و در دست مردم است.

عزیز: پس از آن‌که تحولات در غرب‌کابل پیش آمد، شما تا حالا نه مصاحبه‌ای کرده‌اید و نه در کدام محفل شرکت کرده‌اید، دشمن مخصوصاً شورای‌نظار از این موضوع به عنوان یک حربهٔ تبلیغاتی استفاده کرده است که استاد مزاری از تحولات در غرب‌کابل پشیمان است و دستاورد خاصی نداشته است و نمی‌تواند در برابر مردم حاضر شود. ممکن است شما علت سکوت‌تان را طی این مدت شرح دهید؟

استاد مزاری: برداشت، برداشت ناسالمی است. من عادتاً در مصاحبه کم حاضر می‌شوم و در سخنرانی‌ها کم می‌روم، در مدت دو سال و هفت ماه در این‌جا بودم و در سال یکی دوبار بیشتر صحبت نمی‌کردم و جنگ‌هایی که سر ما تحمیل می‌شوند، وقتی که خاتمه پیدا می‌کنند، با مردم صحبت می‌کنم و هم در مصاحبه شرکت می‌کنم؛ ولی اکنون که جنگ خاتمه پیدا نکرده است و اگر من سخنرانی کنم، طبعاً مردم جمع می‌شوند و این خطر وجود دارد که دشمن مردم را بزند. در رابطه با مصاحبه هم چند بار پیام آزادی تماس گرفت و گفتم که در ختم جنگ مصاحبه می‌کنم و این براساس سنت دیرینهٔ ما بوده است، کدام انگیزهٔ خاصی ندارد؛ اما در مورد تبلیغات دشمن عرض کنم که این گونه تبلیغات مال شکست خورده‌ها است؛ یعنی کسانی که پول مصرف کرده‌اند، توطئه راه انداخته‌اند و ایادی‌شان را تربیت کرده بودند، در این جا شکست خوردند و عمال‌شان تصفیه شدند و خودشان هم در تمام این جنگ‌ها و فشارهایی که از زمین و هوا بر ما تحمیل کردند، شکست خوردند. این است که شما می‌بینید حالا به شکل مبتذل در رادیو تبلیغ می‌کنند؛ اما کسی که در برنامه‌اش موفق می‌شود، دیگر به تبلیغات پوچ و میان‌خالی ضرورت ندارد؛ لهذا رادیو شورای‌نظار که دیگر مضمون نداشت، حالا برایش مضمون پیدا شده است که مرتب مصاحبه کند و آن‌ها هم بدون این‌که آینده‌شان را فکر کنند، منافع مردم‌شان را در نظر بگیرند و بدون این‌که متوجه شوند که اصلا چه می‌گویند، هرچه اتهام بلد هستند، تبلیغ می‌کنند و چون توطئه‌شان شکست خورده است، حالا اگر فحش و دشنام ندهند، چه کنند؛ از بی‌مضمونی می‌میرند.

در وقت و زمانش که مردم ما تشویش داشتند، وضعیت جنگ را نمی‌دانستند، آقای خلیلی سخنرانی هم کرد با صدای آمریکا، بی‌بی‌سی و پیام آزادی مصاحبه انجام داد. این طبق ضرورت بود و حالا هم اگر وضعیت آرام شود و من اطمینان پیدا کنم که مردم ضربه نمی‌بینند، با مردم هم

صحبت خواهم کرد؛ اما در رابطه با حمایت مردم، ما کاملا معتقد هستیم و دشمن هم می‌داند که اگر حمایت مردم نمی‌بود، تاحالا ما در هیچ کاری موفق نبودیم، مردم از ما قاطعانه پشتبانی می‌کنند.

بشارت: استاد محترم، در این روزها از بعضی حلقات شنیده می‌شود که شورای‌نظار یک برنامه دارد که کسی دیگر را به حیث رئیس جمهور و صدراعظم پیشنهاد کند، تا صلاحیت هم‌چنان به دست شورای‌نظار باقی بماند، اگر چنین شود، موضع شورای هماهنگی در برابر آن چه خواهد بود؟

استاد مزاری: من به این باور نیستم که آقای ربانی تا زنده است ریاست جمهوری را رها کند. قبلا هم گفته بودم و حالا هم به همان موضع هستم که اگر این‌ها واقعاً پابند یکی از ارزش‌ها هم می‌بودند، در این یکی دو ماه اخیر نباید خود را رئیس جمهور اعلان می‌کردند. در سؤال قبلی هم گفتم که چیزی را که خودشان ساخته‌اند و به آن استناد می‌کنند، مثل استره محکمه و شورای هرات دیگر وجود ندارد و پایان یافته است. اکنون این‌ها که بازهم رئیس جمهور محترم دولت اعلان می‌کنند، حتی با معیار خودشان هم نمی‌سازد. اگر بنا باشد که هرکسی در یک گوشه‌ای نشسته باشد و امکان پول چاپ کردن داشته باشد و خود را رئیس جمهور اعلان کند که تا صد سال دیگر هم آقای ربانی کرسی ریاست جمهوری را ترک نمی‌کند. در این‌جا حرف‌هایی وجود دارند که این‌ها گاهگاهی بر زبان می‌آورند، این است که قبل از مسأله هرات هم مطرح کردند که آقای مسعود با ریاست جمهوری ربانی مخالف است، حتی از طریق سفارت ایران و برخی منابع دیگر به ما خبر دادند که شما خواستهٔتان این است که آقای ربانی رئیس جمهور نباشد، مطمئن باشید که دیگر او نیست و حتی آقای سیاف هم او را رد کرده بود؛ اما در هرات دیدیم که این مسأله دروغ برآمد. حالا این‌ها بهانه می‌کنند که اسماعیل خان گفته است که شما را هژده ماه کسانی دیگر رئیس جمهور انتخاب کرده‌اند و سه ماه کسی دیگر و دوماه کسی دیگر، حالا سه ماه هم من انتخاب می‌کنم. اگر منطق این باشد، در افغانستان که قوماندان زیادند، سه ماه کسی دیگر دو ماه کسی دیگر ایشان را رئیس جمهور اعلان کند، چه خواهد شد؛ لذا این تبلیغات که حالا می‌کند، دروغ است. امکان دارد یک وقتی فشار شورای هماهنگی با فشار عمومی زیاد شوند، آن وقت یک آدم ضعیف‌النفس را پیدا کنند که از ربانی بی‌سر و صداتر در چنگ‌شان باشد، احتمال دارد؛ ولی با آن‌هم خودم زیاد باور ندارم. همین‌طور در مورد پروسهٔ صلح سازمان ملل این‌ها موافق

نیستند، چیزی را که ما می‌دانیم همین است. جلسهٔ سازمان ملل که پیش آمد، این‌ها رد کردند، بعد که فشار بین‌المللی و تبلیغاتی بالای‌شان زیاد شد، این‌ها هیأت بلندپایه‌ای را از این‌جا برای ترمیم مسأله به سازمان ملل فرستادند که نورالله عماد هم در ترکیب آن بود، در آن‌جا سازمان ملل برای این‌ها حتی پنج دقیقه وقت هم که خواسته بودند، نداد و گفت که ما این سه نظر را داریم که باید بپذیرید در غیر آن ما وقت نداریم. این از نظر تبلیغاتی ضربهٔ بزرگی به آن‌ها بود. بعد این‌ها در جلسه‌ای که ترتیب دادند، تحلیل کردند که باید با سازمان ملل هماهنگ شویم. آقای سیاف با این مسأله مخالف بود که حکومت دیگری از سوی سازمان ملل به وجود بیاید و در جلسهٔ شورای عالی که خودشان تشکیل داده بودند شرکت نکرد و ناراحت شد. آقای ربانی از پشت آقای سیاف به پغمان نفر فرستاد و او اعتراض کرد که این پشت کردن به ارزش‌های جهاد است. آقای ربانی هم گفته بود که ناراحت نباش، من هم مخالف هستم و حاضر نیستم. بعد توافق ایشان را گرفته آمدند؛ لهذا این‌ها به هیچ وجهی حاضر به ترک قدرت نیستند، مگر این‌که فشاری بیاید و وضعیت تغییر کند.

بشارت: استاد محترم، اطلاعاتی را که ما به دست آوردیم، افراد و حلقات حکومت ربانی از لجاجت مسعود و ادامهٔ جنگ بیهوده ناراضی‌اند؛ ولی گفته می‌شود که شورای هماهنگی یک طرح سازمان یافته و دقیق برای جلب آن گروه‌ها و افراد روی دست ندارد که مسعود را خلع اعتبار کند، شما به این نظر تا چه اندازه موافق هستید؟

استاد مزاری: کسانی که در آن طرف زندگی می‌کنند، در کادرهای وزارت‌خانه‌ها هستند. یک تعداد روشنفکران و استادان هستند و جایی شکی نیست که از وضعیت فعلی ناراضی هستند. عامل اصلی این مسأله هم آقای ربانی و آقای مسعود است و حالا همه در فکر و آرزوی این‌اند که یک حکومت قانونی به وجود بیاید؛ اما این‌که شورای هماهنگی نتوانسته اهداف ملی و مردم خود را تفهیم کند، شاید نواقصاتی در مسألهٔ تبلیغاتی بوده باشد؛ ولی مشکل اصلی این نیست و من معتقدم که اکنون حاکمیت ربانی وضعیتی را به وجود آورده است که مردم مجبورند در آن‌جا بمانند، مسألهٔ معاش مردم است که برای‌شان داده می‌شود و با آن مخارج خود و فامیل‌شان را تأمین می‌کنند و طبیعی است در این حالی که مردم با وضعیت بسیار بد زندگی می‌کنند، شورای هماهنگی این منابع پول را در اختیار ندارند و مثلا اگر حالا شما اعلان کنید که پایین دست‌های اردو و کسانی که در وزارت‌خانه‌ها کار می‌کنند، بیایند شما معاش‌شان را داده نمی‌توانید، طبیعی

است که شورای هماهنگی به عنوان یک نیروی مخالف طرح‌های برای آینده دارد؛ اما چون منابع پولی در اختیار ندارد، نمی‌تواند کسی را جلب کند. اگر شورای هماهنگی می‌آمد و دولت تشکیل می‌داد و کارهایی را که این‌ها می‌کنند، انجام می‌داد، آن وقت این زمینه فراهم بود که مردم جلب شوند؛ ولی اکنون با آن‌که از چاپ پول بی‌پشتوانهٔ مردم ناراضی‌اند؛ اما چاره ندارند، جز آن‌که بمانند.

داور: استاد محترم، قبل از توطئهٔ بیست‌وسه سنبله بین حزب و حدت اسلامی و اتحاد یک آتش‌بس بود، آیا حالا هم آن آتش‌بس پابرجا است؟

استاد مزاری: ما قبل از بیست‌وسه سنبله هم با اتحاد و هم با شورای نظار آتش‌بس داشتیم. هیأت مشترک به‌نام هیأت صلح غرب‌کابل را نظارت می‌کرد. متأسفانه چون این توطئه از قبل هماهنگ شده بود، در روز اول که ما اقدام کردیم، در ظرف شش هفت ساعت توطئه خنثی شد، آن وقت هم با اتحاد و هم با شورای‌نظار گفتیم که ما با شما جنگ نداریم؛ ولی متأسفانه آن‌ها وارد جنگ شدند و پنجاوپنج روز شدید جنگیدند. بعد نیروهای شورای هماهنگی نزدیک قلعهٔ حیدر خان رسیدند و نزدیک بود که جنگ به پغمان کشانده شود، مولوی نظام‌الدین حقانی آمد و پیشنهاد آتش‌بس کرد و ما موافقت کردیم، به شرط این‌که اتحاد از شورای ائتلاف بیرون بیاید و بی‌طرفی خود را اعلام کند و آقای ربانی را وادار کند که به یک مذاکره و صلح دوامدار حاضر شود و مشکلاتی که هست حل شود. راه‌ها باز شوند. روی این مسأله برای یک هفته آتش‌بس اعلام شد و مولوی نظام‌الدین از مناطق دوطرف دیدن کرد و گفت که آقای سیاف در این یک هفته بی‌طرفی خود را اعلام می‌کند؛ اما متأسفانه آقای سیاف به این قول خود عمل نکرد و به هیچ یک از شرایط وفا نکرد؛ ولی تا حالا عملاً بین ما و اتحاد آتش‌بس است و درگیری نشده است.

عزیز: استاد محترم، به عنوان آخرین سؤال دو سال و هفت ماه جنگ و ناامنی در کابل مردم را از لحاظ اقتصادی در تنگنای بسیار بدی قرار داده است، مخصوصاً اکنون که زمستان هم در پیش‌روی است، شورای هماهنگی به خاطر تأمین و بهبود وضع اقتصادی مردم چه تدابیری را اتخاذ کرده است؟

استاد مزاری: دو سال جنگ و ناامنی که عامل اصلی آن آقای ربانی، آقای مسعود و آقای سیاف است، طبعاً پیامدهای بدی مانند خرابی همهٔ چیز را در پی داشته است و مشکلات گوناگون را برای مردم به وجود آورده است. شورای هماهنگی در این‌جا طرح‌های سیاسی برای حل مسألهٔ

افغانستان را ابلاغ کرد و از طرح‌های سازمان ملل‌متحد هم حمایت کرد و کمک‌های آن سازمان را درحد ممکن جلب کرد. پاتک‌ها را برداشت و مواد به اندازهٔ کافی برای مردم آورده شدند تا آن‌جایی که مربوط به شورای هماهنگی است، کارهایی انجام داده است؛ اما حالا یک مقدار فشار که بالای مردم است، این به خاطر وضعیت عمومی جنگ است که امیدواریم وقتی خاتمه پیدا کند، تمامی مشکلات پایان پیدا کنند.[۱]

۱. خبرنامهٔ وحدت، کابل، شماره‌های ۶۳۹ یک‌شنبه ۷۳/۹/۶ - ۶۴۰ دوشنبه ۷۳/۹/۷، ۶۴۱ سه‌شنبه ۷۳/۹/۸، ۶۴۲ چهارشنبه ۷۳/۹/۹، ۶۴۳ پنج‌شنبه ۷۳/۹/۱۰.

(۱۰۴)

متن مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی

یک‌شنبه ۱۳۷۳/۱۰/۲۵

براساس گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی افغانستان، استاد عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران آژانس خبری فرانس‌پرس به سؤالات آنان پیرامون اوضاع جاری، نحوهٔ انتقال قدرت و طرح‌های صلح و تلاش‌های هیأت صلح ملل‌متحد، پاسخ‌های مفصل و مشروحی داد که متن آن به نشر سپرده می‌شود:

سؤال: از نظر شما موانع موجود در راه صلح چیست؟

جواب: مانع عمدهٔ صلح در افغانستان مسألهٔ انحصارطلبی است، افغانستان کشوری است که در آن اقوام مختلف، پیروان مذاهب مختلف سکونت دارند و احزاب مختلف که چهارده سال در مبارزات رهایی بخش نقش داشته‌اند، این‌جا وجود دارند. اگر احزاب، اقوام و پیروان مذاهب مختلف هم‌دیگر را قبول نکنند و نپذیرند، از سوی قوم، حزب و یا پیروان یک مذهب اگر انحصارطلبی صورت گیرد و همه مطابق شعاع وجودی خویش در یک ساختار سیاسی پذیرفته نشوند، مشکل افغانستان حل نمی‌شود، صلح به وجود نمی‌آید و حکومت قابل قبول تشکیل نمی‌گردد؛ لهذا انحصارطلبی مانع استقرار صلح پایدار و مانع تشکیل یک حکومت قابل قبول است.

سؤال: استاد شما به این عقیده هستید که آقای ربانی به این نزدیکی‌ها استعفا می‌کند؟ یا نه؟

جواب: دولت و قدرت نیمه‌بندی که به آقای ربانی منسوب است، قانونی نیست تا بگویم که استعفا بکند و یا نه؟ استعفا مفهومی ندارد؛ اما از این نظر که آیا طرفداران آقای ربانی موافق هستند که یک حکومت قابل قبول به وجود آید یا نه؟ نظر این است که آن‌ها این آمادگی را ندارند و برای تشکیل یک حکومت فراگیر آماده نیستند؛ زیرا مرتب از اطراف به کابل نیرو می‌آورند و برای جنگ آمادگی می‌گیرند.

سؤال: آقای مسعود در مصاحبهٔ چند روز قبل خود حزب وحدت را متهم به این ساخت که از

خارج مخصوصاً ایران کمک‌های بسیار بزرگی دریافت می‌کند؟ نظر شما چیست؟

جواب: در این مورد حرف آقای مسعود را صحیح نمی‌دانم؛ زیرا تنها حزبی که مرکز آن در داخل افغانستان بوده است و در داخل افغانستان تأسیس شده است، حزب وحدت اسلامی است و قاطبهٔ مردم هزاره و تشیع از این حزب حمایت می‌کنند، کمک می‌کنند و اتهام آقای مسعود بی اساس است؛ بلکه آقای مسعود وابستگی خود به خارج را می‌خواهد توجیه کند، روسیه برایش پول چاپ می‌کند، فرانسه، عربستان سعودی و هندوستان کمک‌هایی را در اختیارش می‌گذارند. بدین جهت، رقبای خود را بدون ارائهٔ سندی متهم به وابستگی می‌کند.

روس‌ها بعد از اشغال ناکام نظامی در صدد ضربه زدن اقتصادی به افغانستان برآمده‌اند و پول‌های بدون پشتوانه را چاپ می‌کنند و هندوستان وسایل یدکی و قطعات ماشین‌آلات نظامی و عربستان رادار در اختیار آقای مسعود قرار می‌دهند.

با توطئه خارجی‌ها و توافق روس‌ها قدرت را از نجیب تسلیم شد و با دستور خارجی‌ها بیست‌وشش جنگ را سر مردم افغانستان تحمیل کرد، بدین جهت و به خاطر پرده‌پوشی وابستگی خودش است که می‌کوشد مخالفین خود را وابسته جلوه بدهد.

سؤال: یکی از شرایطی که مسعود برای تخلیهٔ کابل گذاشته است، تخلیهٔ مواضع شورای هماهنگی در مزار و سایر جاها است، شما در این مورد چه نظر دارید؟

جواب: کابل با دیگر مکان‌ها تفاوت اساسی و بسیار دارد، کابل پایتخت است و همه در آن مقیم‌اند و سهم دارند، از سوی دیگر طبق روال معمول، اول در مرکز حکومت به وجود می‌آید، بعد به تدریج نفوذ خود را در ولایات گسترش می‌دهد. بنابراین، حرف آقای مسعود فقط مشکل‌تراشی و سنگ‌انداختن در راه ایجاد صلح و برقراری یک حکومت قابل قبول است. حرف غیرمنطقی و سبوتاژ تلاش‌های محمود مستری است.

شرطی را که مسعود مطرح می‌کند، فرار از مسئولیت است و محض سنگ‌اندازی در راه صلح است، دوستم فقط در مزار است، ولایات دیگر مانند پروان، کاپیسا، هرات، جلال‌آباد توسط ادارهٔ محلی اداره می‌شوند، هرگاه مسأله کابل حل شد، دیگران کم‌کم با مرکز ارتباط برقرار می‌کنند.

باید در قدم اول کابل تخلیه شود، یک ادارهٔ قابل قبول و فراگیر به وجود بیاید، همه روی آن توافق کنند، آنگاه مسأله ولایات حل می‌شود، دلیلی ندارد که مسعود مانع ایجاد چنین مرکزیتی در کابل گردد.

سؤال: شما عقیده دارید که مسعود برای تعرض بالای مواضع شورای عالی هماهنگی آمادگی می‌گیرد؟

جواب: مسعود در دو سال و هشت ماه بیست‌وشش جنگ را بر مردم افغانستان تحمیل کرد و حالا که همه توافق کرده‌اند که پروسهٔ صلح ملل‌متحد اجرا شود، آقای مسعود برای جنگ آمادگی می‌گیرد. طبق گزارش‌های بسیار موثق نیروهایش را در خطوط مقدم تقویه کرده است و مهمات بسیاری را توزیع کرده است.

سؤال: در مورد کوه‌ها چه مشکلی وجود دارد؟

جواب: از این کوه‌ها، مرتب مناطق مسکونی حتی شفاخانهٔ صلیب سرخ را با زیکویک، پیکا، اگرایز و هاوان می‌زنند. روزی که محمود مستری وارد کابل شد، این‌جا شدید درگیری بود. پنج‌شنبه و جمعه جنگ شدید بود. دیروز هم این‌جا را می‌زدند، امشب هم جنگ شدیدی بود، معمولا مناطق مسکونی و افراد غیرنظامی را می‌زنند. مسعود هم مطابق گزارشاتی که برای ما می‌آمد، هر وقت سرکوه تلویزیون می‌آید، هدایات جنگی را می‌دهد و بعد بر می‌گردد.

سؤال: به نظر شما که حکومت انتقالی را باید تشکیل دهد؟ احزاب جهادی با مجموع جهادی‌ها و غیرجهادی و یا آن‌هایی که در بیرون هستند؟

جواب: شورای هماهنگی طرحی را به محمود مستری داده است که هم احزاب جهادی باشد و هم افرادی دیگر که در غرب است، منتهی در این شرایط دولت که تشکیل می‌شود، باید از غیر رهبران باشد. غیر رهبران جهادی و ده تنظیمی‌که در این‌جا وجود دارند، این‌ها یک نفر معرفی بکنند، از این ده نفر و افراد بی‌طرف کمیسیونی تشکیل شود، در این کمیسیون افراد دانشمند در خارج کشور و یا در داخل مملکت با توافق کمیسیون حکومت تشکیل دهد، قدرت را تحویل بگیرد، یک حکومت موقت شش ماهه تشکیل شود، بعد در ظرف شش ماه با نظارت سازمان ملل انتخابات برگزار گردد و مردم خودش سرنوشت خود را تعیین کنند.

سؤال: شما جنبش ملی را منحیث یک تنظیم جهادی و یکی از ده تنظیم می‌شناسید؟

جواب: بله.

سؤال: شما این طور فکر بکنید که همین شرط مانع در راه صلح است، برای این‌که همه می‌دانیم جانب مقابل، حضور جنرال دوستم را قبول ندارد؟

جواب: هیچ دلیلی برای این مسأله ندارند که جنبش را به عنوان یک تنظیم قبول نکند، از جهت

این است که چهار یا پنج ولایت کاملا در اختیار جنبش است. نیروی نظامی فوق‌العاده دارد، تمام نیروهای جهادی این چهار پنج ولایت هم در قالب جنبش شامل‌اند. جنبش یک تنظیمی است که همهٔ نیروهای جهادی و هم مردم سمت شمال در آن شامل‌اند؛ لهذا حرف آن‌ها یک حرف غیرمنطقی است و برای مصالح علیای کشور بسیار مضر است.

سؤال: شما از انحصار قدرت صحبت کردید، توسط یک گروه و یا یک قوم مشخص آیا شما به این فکر هستید که مسعود و ربانی تلاش دارند قدرت را به دست فارسی زبان‌ها و تاجیکان قرار بدهند؟

جواب: ما معتقدیم که دامن زدن این مسأله در افغانستان و این‌که قدرت در دست پشتون، تاجیک، ازبک و هزاره به تنهایی باشد، منطقی نیست. این اقوام در افغانستان ساکنند و افغانستان خانهٔ مشترک‌شان است، باید با تفاهم یک حکومت به وجود بیاید. در این تفاهم ممکن است یک پشتون یا دیگر اقوام ساکن افغانستان قدرت را به دست بگیرد که مشکلی ندارد، همه از این خاکند و قدرت را مردم می‌دهند، حالا چه فرق می‌کند از چه قومی باشد؛ ولی اگر کسی بیاید این مسأله را دامن بزند و این تضاد را اوج بدهد، خائن ملی است و به تمامیت ارضی افغانستان احترام ندارد و استقلالش را محترم نمی‌شمارد. ما این تبلیغات و این گزارش‌ها را منافی مصالح علیای کشور می‌دانیم.

سؤال: شما می‌خواهید بگویید که مسعود خائن ملی است؟

جواب: یعنی هرکسی که این مسأله را دامن بزند، برای ادامهٔ حکومتش استفاده کند، نفاق ایجاد کند، می‌توانیم بگوییم که خائن ملی است. حرف ما این است هرکسی که تضاد ملی را در افغانستان دامن بزند، او را خائن ملی می‌گوییم. ما می‌گوییم حقوق ملیت‌ها مساویانه داده شود، نه این‌که تضاد ملی در ضدیت با ملیت دیگر به وجود بیاید.

سؤال: در گذشته در داخل هزاره‌ها بین جناح شما و جناح آقای اکبری و هم‌چنان بین وحدت و حرکت برخوردی صورت گرفت، در این مورد تشریحات بدهید؟

جواب: طی دو سال و هشت ماه گذشته آقای مسعود و ربانی جنگ‌های مختلفی را علیه ما راه انداختند؛ چه جنگ‌های نظامی و چه جنگ‌های اطلاعاتی و جاسوسی و این‌که در بین هزاره‌ها و در بین حزب وحدت اختلاف ایجاد کنند، ما عامل این مسأله را آقای ربانی و مسعود می‌دانیم و آن‌هایی‌که ضعیف‌النفس بودند، در اختیارشان قرار گرفته بودند؛ لهذا تصفیه شدند، حالا در کنار

مسعود و ربانی هستند.

سؤال: از نتایج همان تضادهای که در گذشته بود، سقوط قطعهٔ اسکاد است. تاجایی‌که مردم می‌گویند قطعهٔ اسکاد را حزب اسلامی اشغال کرده است و حزب وحدت از این موضوع خوش نیست؟

جواب: مسأله در این بود که قبل از حوادث با اتحاد و شورای‌نظار آتش‌بس داشتیم؛ ولی وقتی که این مسأله پیش آمد، این‌ها وارد جنگ شدند، برای حمایت از آن‌هایی‌که عامل‌شان بودند و سیزده روز شورای عالی هماهنگی بالای اسکاد عمل نکرد؛ ولی وقتی‌که یک تعداد از نفرهای حرکت اسلامی که وابسته به دستگاه ربانی و مسعود بودند، قطعهٔ اسکاد را در اختیار اتحاد و شورای‌نظار گذاشتند، از آن‌جا مردم ما را با سلاح ثقیله می‌زدند و مردم از ما تقاضا داشتند که بالای قطعهٔ اسکاد عمل شود، شورای مرکزی این مسأله را بررسی کرد، آن وقت ما از شورای هماهنگی دعوت کردیم، در اسکاد حملات شروع شدند و قطعهٔ اسکاد در دست شورای هماهنگی افتاد. اسکاد در اختیار هزاره‌ها نبود؛ بلکه در اختیار اتحاد و شورای‌نظار قرار گرفته بود؛ لهذا شورای هماهنگی مشترکاً عمل کرد و حالا قطعهٔ اسکاد مشترکاً در دست حزب وحدت و حزب اسلامی است.

سؤال: استاد آیا راه‌حل از طریق مذاکره ممکن است و یا این‌که باز هم جنگ بیشتر علیه شورای‌نظار در خواهد گرفت؟

جواب: مشکل افغانستان به غیر از مذاکره و تفاهم راه‌حلی دیگری ندارد. جنگ در افغانستان حل‌کننده نیست؛ ولی مانع این تفاهم آقای مسعود و ربانی است، هر روزی که آن‌ها به مذاکره و تفاهم تن بدهند، همان روز دیگر جنگ ختم می‌شود.

سؤال: شما به این عقیده هستید که آن‌ها داوطلبانه به این پروسه تن در خواهند داد؟

جواب: به هیچ وجه داوطلبانه تن نمی‌دهند. با فشار داخلی و فشارهای بین‌المللی اگر هم تن بدهد، ما خوشبینیم.

سؤال: فشار داخلی، منظورتان از تهاجم و تعرض قطعات شورای عالی هماهنگی خواهد بود؟

جواب: فشار داخلی ابعاد مختلفی دارد. یکی فشار خود مردم است؛ یعنی مردم از نگاه وضع بد اقتصادی، فقر و مشکلات، مهاجرت، شب‌های بی سرپنا، در شب‌های زمستان به مرتب سر بام‌شان برآمده، الله اکبر بگویند و در خواست کنند که یک حکومت وسیع تشکیل شود. طبیعی

است که شورای هماهنگی هم که راه‌ها را تحت کنترل دارد، فشار آورده می‌تواند و نیروی نظامی هم دارد، شورای هماهنگی موافق نیست که از راه جنگ مسأله را حل بکند. وقتی‌که طرف آمادگی جنگ داشته باشد، نیروهای شورای عالی هماهنگی آمادگی دفاع کامل دارد.[۱]

۱خبرنامهٔ وحدت، کابل، شمارهٔ ۶۸۲، سه‌شنبه، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷/ هـ ش.

(۱۰۵)

مصاحبهٔ استاد مزاری با خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

۱۳۷۳/۱۱/۲۵

خبرنگار: نیروهای حزب وحدت اسلامی افغانستان در شرایط حاضر بین نیروهای جمعیت اسلامی افغانستان و نیروهای طالبان در چهار آسیاب قرار گرفته‌اند و در نتیجه موضع و اقدامات آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. ضمناً آن‌ها تصویر نسبتاً دقیقی هم از درگیری‌های چهارآسیاب دارند و از استاد عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل پرسیدم، تا آن‌جایی که اطلاع دارید در این درگیری‌ها چه گذشته است؟

استاد مزاری: در درگیری که پیش آمده بود، افراد حزب اسلامی اول در میان شهر مقاومت داشتند، بعد از آن نخواستند مقاومت بکنند، نیروهای خود را کشیدند. در مسأله لوگر هم دیشب طلبه‌ها در پل‌علم بودند...؛ ولی حزب اسلامی از ساعت دوازدهٔ شب بعد تصمیم گرفت که نیروهای خود را از چهارآسیاب و این‌جا بکشند و بیرون ببرند، آن هم دلیلش این بود که در جلال‌آباد توافق شده بود. وقتی قانونی از جلال‌آباد به کابل آمد، این مسأله را آقای مسعود قبول نکرد. آقای حکمتیار گفته بود که تا حالا در جنگ بودم، شما نظاره می‌کردید، حالا نیروهای خود را می‌کشم، بعد ببینم که شما جنگ می‌کنید یا نه تا من نظاره می‌کنم؛ لهذا از این جهت نیروهای خود را کشیدند و نیروهای شورای‌نظار در چهارآسیاب جابه‌جا شدند، طلبه‌ها ساعت‌های ده امروز در چهارآسیاب رسیدند و به آقای مسعود می‌گویند این جاها را باید تخلیه کنید، مناطق حزب اسلامی را می‌گیریم، بعد از آن، با شما مذاکره می‌کنیم، تا حالا دو هیأت بین‌شان تبادله شده‌اند و هنوز مشکل‌شان حل نشده است.

ما نیروهای جنبش را از آن منطقه کشیدیم، شب آوردیم در این‌جا، در غرب شهر کابل، یک خط دفاعی کامل دورادور غرب‌کابل به وجود آوردیم. آن‌ها الان در جنجالند.

خبرنگار: نیروهای جنرال دوستم که در جنوب و غرب کابل بودند، الان در کجا هستند؟

استاد مزاری: الان این نیروها کاملاً از دیشب، وقتی که آقای حکمتیار منطقه را ترک و تخلیه

می‌کرد، آن‌ها را ما از آن‌جا منتقل کردیم، بیش از هزار نفر با وسایلش حالا آوردیم در غرب‌کابل هستند، همین جا خط دفاعی تشکیل داده‌اند، در کنار ما هستند.

خبرنگار: آیا درست است که نیروهای وحدت اسلامی الان در محاصرهٔ نیروهای جمعیت اسلامی هستند؟

استاد مزاری: نه، غرب‌کابل از طرف طلبه‌ها، اتحاد و جای‌هایی که قبلاً مناطق حزب اسلامی بود، در محاصره قرار دارند؛ ولی این‌که جمعیت اسلامی محاصره کرده باشد چنین نیست، محاصره نیست و ما مذاکره داریم؛ یعنی امروز هم این‌ها نفر فرستاده بودند. با طلبه‌ها هم مذاکره داریم. نفر فرستادیم که مذاکره بکنیم، ما طرفدار جنگ نیستیم. جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم؛ ولی اگر کسی تعرض بکند، طبعاً در دو سال و هشت ماه که این جا دفاع کردیم، حالا هم مصمم هستیم که دفاع کنیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید برخوردی لازم باشد و صورت بگیرد؟

استاد مزاری: فکر نمی‌کنم، یعنی اطراف درگیر اگر معقولانه فکر کنند، امیدوارم که مذاکرات منجر به یک راه‌حل اساسی شود؛ چون همه خواهان این مسأله‌اند که یک صلح بیاید و یک حکومت با پایه‌های وسیع که همه در آن شریک باشند، شکل بگیرد. تصمیم هم در آن‌جا گرفته شود، از این جهت طلبه‌ها هم از طرح سازمان ملل حمایت کرده‌اند، ماهم مکرر حمایت کردیم، فکر نمی‌کنم جنگی پیش بیاید. طرح سازمان ملل یک راه‌حلی است که همه به آن توافق دارند[1]

۱ منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، صص ۲۵۷-۲۵۸، ۱۳۷۹.

(۱۰۶)

مصاحبهٔ استاد مزاری با معصومه طرفه، خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی

۱۳۷۳/۱۱/۲۸

دیشب درگیری‌هایی میان نیروهای جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی در کارته سه و دهمزنگ صورت گرفت. به گفتهٔ عبدالعزیز مراد، آغازگر این درگیری‌ها حزب وحدت اسلامی بود؛ اما استاد عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی در گفتگو با معصومه طرفه خبرنگار رادیو بی‌بی‌سی گفت که دیشب ساعت هشت آقای مسعود درگیری را شروع کرد، پیش از این، او گفته بود که ما حمله می‌کنیم و سفیر ایران که با او مذاکره داشتیم، گفت که آنان به سفیر ایران گفته بودند که ما سر غرب‌کابل حمله می‌کنیم و هرچه این‌ها گفته بودند که شما دلیلی برای حمله ندارید؛ ولی گفته بودند نه ما حمله می‌کنیم. فهذا ساعت هشت شروع کردند که تا ساعت دوازده طول کشید.

از استقامت کوته‌سنگی تا گذرگاه جنگ شدید بود، بعد خاموش شد. از آن طرف خسارات بسیار زیاد بر مردم تحمیل شدند. بعد حملهٔ مسعود دفع شد و امروز فضای جنگی آرام است.

خبرنگار: آیا ممکن است که نیروهای طالبان هم به شما حمله بکنند یا نه؟

استاد مزاری: ما با طالبان مذاکره داشتیم. طالبان اکنون تصمیم حمله را ندارند، آنان برای گرفتن شهر آمده‌اند، میدان هوایی را می‌خواهند و نقاط کلیدی شهر را می‌خواهند. اگر با جمعیت مشکل‌شان را حل کردند، حکومت فراگیر تشکیل دادند و سهم مردم ما را در نظر گرفتند و در ارتش مردم ما را جابه‌جا کردند، بعد در حکومت‌داری با آنان گفتگو می‌کنیم و گفته‌ایم که اگر در رفتار شان صادق بودند، سلاح مان را به حکومت تحویل می‌دهیم.

خبرنگار: قبل از این‌که حملهٔ جمعیت اسلامی به شما صورت بگیرد، آیا آقای مسعود توسط نماینده‌هایش از شما خواستند که اسلحهٔ‌تان را تحویل بدهید یا این‌که مناطق تحت کنترل‌تان را ترک بکنید؟ یا بدون این‌که شما انتظار داشته باشید، حمله انجام شد؟

استاد مزاری: نه آن‌ها قبلا به ما پیغام دادند که شما این منطقه را به ما تحویل بدهید، گفتیم که

مفهوم ندارد که ما منطقهٔ خود را به شما تحویل بدهیم، شما منطقهٔ تان را به ما تحویل بدهید. بعد روی این مسأله گفتند که ما حمله می‌کنیم، گفتیم که خوب حمله کنید ما هم آماده دفاع هستیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید که چرا مسعود می‌خواست به شما حمله کند؟

استاد مزاری: ما معتقدیم که مسعود برای طرح سازمان ملل‌متحد می‌خواهد اغتشاش ایجاد کند و جنگ راه بیندازد و یکی هم حزب اسلامی که موضع خود را با فشار طلبه‌ها یا با توافق با طلبه‌ها رها کردند، این‌ها خیال می‌کردند که ما متکی به حزب اسلامی هستیم، حالا یک حمله اگر بکند، این‌جا را می‌گیرد یا با تهدید می‌گیرد. آقای مسعود اشتباه می‌کند. حزب اسلامی اگرچه حالا در منطقهٔ سروبی و لته‌بند است، آن‌جا درگیری دارد. امروز شدید با شورای‌نظار درگیر بود و طلبه‌ها هم آماده‌اند که شهر را تصرف کنند. مسعود رقیب خود را از میدان بیرون نکرده است، رقبای دیگر هم در مقابلش هستند و ایشان به این پیروزی‌ها نمی‌رسد؛ بلکه مجبور است که تسلیم خواست عمومی مردم شود، تا یک حکومت همه‌جانبه تشکیل شود.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، صص ۲۹۲ - ۲۹۱، ۱۳۷۹.

(۱۰۷)

مصاحبهٔ استاد مزاری با کسرا ناجی، خبرنگار بی‌بی‌سی

۱۳۷۳/۱۱/۱۳

گویندهٔ رادیو بی‌بی‌سی: همکار ما کسرا ناجی به کابل رفته است تا با استاد عبدالعلی مزاری از حزب وحدت، گفتگو کند.

در همین حال، طالبان از همهٔ گروه‌ها از جمله احمدشاه مسعود و عبدالعلی مزاری خواسته است، سلاح‌های خود را به فرماندهان طالبان تحویل دهند. همکار ما از آقای مزاری پرسید که موضع حزب آن‌ها دربارهٔ این خواست طالبان چیست و در صحبت‌هایی که تا به حال با این گروه داشته‌اید، به چه نتایجی رسیده‌اید؟

استاد مزاری: امروز سومین بار است که با گروه طالبان صحبت کرده‌ایم و تا حالا به جایی نرسیده‌ایم، آن‌ها حرف‌شان و پافشاری‌شان سر مسأله خلع سلاح عمومی است و در این رابطه طبق شرایطی که در غرب‌کابل حاکم است تا حالا به توافق نرسیده‌ایم و مذاکره ادامه دارد. آن‌ها به ما می‌گویند که ما همه را خلع سلاح می‌کنیم. ما چون با مسعود سیزده جنگ داشتیم، تا آن‌ها را خلع‌سلاح نکنند، مشکل است که ما سلاح خود را زمین بگذاریم.

خبرنگار: دو، سه روز اخیر نبردهایی با نیروهایی که از طرف شمال شما و مناطق که تحت کنترل نیروهای دولتی، آقای ربانی‌اند، داشتید، دلیل این جنگ‌ها چه بوده است؟ آیا مذاکره هم با آنان در جریان است؟

استاد مرازی: قبل از حمله، دو شب پیش مذاکره در جریان بود. صحبت داشتیم؛ ولی آن‌ها می‌گفتند که حزب اسلامی منطقه را ترک کرده‌اند، شما هم باید ترک بکنید. بعد آن‌ها اعلان کردند که ما حمله می‌کنیم. ما هم گفتیم آمادهٔ دفاع هستیم، همان‌طوری که سیزده جنگ تحمیلی را دفاع کردیم. همین بود که از ساعت هشت شب تا دوازدهٔ شب شورای‌نظار بر مواضع ما حمله کردند و بعد از تلفات سنگین نزدیک به هفتاد کشته و زخمی، حملهٔ‌شان دفع شد. ما فقط دو نفر شهید و چهار زخمی داشتیم.

خبرنگار: آقای مستری هم در کابل‌اند، دارند سعی می‌کند بلکه قدرت به یک کمیسیون موقت منتقل شود. فکر می‌کنید که این کمیسیون در یکی دو روز آینده تشکیل شود و انتقال قدرت صورت بگیرد؟

استاد مزاری: آقای محمود مستری روز دوشنبه، فردا نظرش را اعلان خواهد کرد؛ ولی ما معتقدیم که مانع اصلی در سر راه این مسأله آقای مسعود است. حالا هم سخنگوی ربانی اعلان کرده است که در رابطه با صلح سازمان ملل حرف دارد تا مانع خلق کند. زیاد امیدوار نیستم که این مسأله تحقق پیدا بکند؛ زیرا که این‌ها مانع خلق می‌کنند.

خبرنگار: فهرستی از اسامی اعضای کمیسیون دیروز منتشر شده بود، نظر شما راجع به این فهرست چیست؟

استاد مزاری: آقای محمود مستری که این‌جا آمده بود، از ما یک نماینده خواست که از طرف حزب وحدت معرفی شود. ما آقای خلیلی را معرفی کردیم و باقی افراد بی‌طرف را گفته بود. تا حالا لیستی که منتشر شده است، مورد توافق ما نیست.

خبرنگار: مردم این جا می‌خواهند بدانند که آیا در کابل بین طالبان و دولت و طالبان و شما، جنگ می‌شود، نظر شما چیست، آیا روزهای آینده منتظر جنگ باید باشیم؟

استاد مزاری: از حرفی که طلبه‌ها سر آن پافشاری دارند و تا حالا عمل کرده‌اند و گفته‌اند، این است که خلع‌سلاح عمومی شود، آقای مسعود و افرادش و نظامیانش می‌گویند که مقاومت می‌کنند و می‌گویند که سنگرهای‌تان را محکم بکنید. باتوجه به این دو مسأله جنگ در آینده حتمی است که بین طلبه‌ها و آقای مسعود پیش بیاید؛ چون این‌ها دستور می‌دهند که مقاومت بکنید و طلبه‌ها هم که خلع‌سلاح عمومی را در نظر دارند، پس جنگ ناگزیر است.[۱]

۱. منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بایه مزرای، صص ۲۶۱-۲۶۲، ۱۳۷۹.